



هو الموفق بالاتمام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على افضل السابقين واشرف المصلين محمد وعترته الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا امين يا رب العالمين

ابواب الصلوة وحدودها

قال الرضا صلوات الله عليه الصلوة لها اربعة آلاف باب وقال الصادق صلوات الله عليه الصلوة لها اربعة آلاف حد باسانيد متكثره منقول است از ذكريا بن آدم رحمه الله [illegible] صدوق نيز با [illegible] صحيح است كه گفت كه حضرت امام ابو الحسن علي بن موسى الرضا صلوات الله عليه فرمودند كه نماز را چهار هزار در است و بسند حسن كالصحيح از حماد بن عيسى روايت كرده است محمد بن يعقوب كليني رضي الله تعالى عنه واسانيد صحيح [illegible] از حماد [illegible] منقول است بلكه از هزار [illegible] كه گفت كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند كه نماز را چهار هزار حد است حضرت شيخ سعيد شهيد كه [illegible] شهيد ثاني [illegible] رساله [illegible] كه مشتمل [illegible] و آخر [illegible] يافته است كه هر دو يك معنى دارد [illegible] واجبات [illegible] مندوبات نماز است [illegible] اجبات تاليف نموده است فرموده است كه هزار و نه مسئله است [illegible] نماز

[illegible] تاليف نموده است [illegible] هزار [illegible] كه [illegible] رساله [illegible] لكن تكلف بسيار فرموده رضي الله تعالى عنه و آنچه اين ضعيف را بخاطر رسيده است آن است كه چهار هزار حد [illegible] نماز و آن اعم است از واجبات و مندوبات و احكامي كه بر آن مترتب ميشود و [illegible] هزار [illegible] ميشود [illegible] اما ابواب [illegible] ممكن كه همان مسائل باشد و ممكن است كه مراد از ابواب فيضهاي الهي باشد چون منقول است كه نماز [illegible] است كه [illegible] حجابهاي معنويه كه مانند درهاي بسته است [illegible] باشد [illegible] مفتوح ميگردد تا درها گشوده ميشود و در شعر [illegible] آن [illegible] و سلام [illegible] حضور في مقعد صدق عند مليك مقتدر [illegible] پادشاه اولياء الله قطب المحققين و رئيس الواصلين [illegible] و [illegible] الله والحقيقة والحق والدين انار الله برهانه و رفع الله تبارك وتعالى في اعلى درجات الجنان مقامه منقول است كه در باب [illegible] ان شاء الله تعالى [illegible] اين معني است آنكه منقول است از حضرت سيد الانبياء والمرسلين صلى الله عليه و آله وسلم كه خداوند عالميان را هفتاد هزار حجاب است از نور و ظلمت و در روايتي هفتصد هزار حجاب كه اگر حجب برخيزد هر چه [illegible] سوخته شود و اثري از آن نماند [illegible] عظيم [illegible] افراط و تفريط [illegible] است كه اين كس [illegible] آنحضرت و [illegible] جل جلاله [illegible] فرموده و آنچه انبيا و اوصيا صلوات الله عليهم فرموده [illegible] كه از [illegible] اين است جمعي [illegible] كه [illegible] خبر واحد است [illegible] جمعي [illegible] جمعي [illegible] كه [illegible] فرموده [illegible] مفتوح كرده [illegible] مطلوب حقيقي است [illegible] ممكن است [illegible] جمعي [illegible] و آنچه [illegible] حق سبحانه و تعالى [illegible] كه حجابي [illegible] باشد [illegible] اسباب [illegible] جمعي [illegible] حجابها [illegible] و تعالى فرموده است كه والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وان الله لمع المحسنين

كافيست انّ جهة همين مبالغه الثيان چون دشمن است كه مراد از اين مجاهده جهاد با اعدا بيرون نيست بلكه نفس

و شيطان [illegible] تهذيب نفساني [illegible] لذات جسماني و [illegible] بسبب هدايت [illegible] قرب معنوي [illegible] دستي كه حق سبحانه

و تعالى با [illegible] منقولست كه آنحضرت سيد الانبياء والمرسلين صلى الله عليه وآله وسلم پرسيدند كه احسان چه معنى

دارد كه حق سبحانه و تعالى فرموده است در اين آيه و آيات ديگر مثل آيه كريمه انّ الله مع الذين اتّقوا والذين

هم محسنون يعني [illegible] باشي كه حق سبحانه و تعالى [illegible] و بهمين كار [illegible] كه نيكو كارانند

حضرت صلوات الله عليه وآله فرمودند كه احسان آنست كه بنده در عبادت الهى چنان باشد كه گويا حق تعالى

و تعالى را مى بيند يعني [illegible] خاطر متوجه خدا [illegible] كه اگر تو خدا را نه بيني خدا تو را مى بيند

حاصل كلام آنكه هر گاه عبادات با اين نحو واقع شود كه بنده [illegible] حق سبحانه و تعالى [illegible]

و بعد از آن [illegible] طلب كرده است از نماز و غيره در حالت آن [illegible] چنان باشد كه خود را

خداوند [illegible] كه حق سبحانه و تعالى حاضر و ناظر است [illegible]

را ملاحظه نمايد [illegible] عبادت [illegible] انوار الهى [illegible]

وصفات حق [illegible] مرتبه [illegible] مطلقا متوجه [illegible] ميشود

جميع [illegible] در اصطلاح علما [illegible]

مينامند و در اصطلاح صوفيه مراقبه [illegible] و چون [illegible] مرتبه داخل شد [illegible]

كه داخل بيت الخلا ميشود [illegible] اشاره بآن شد [illegible] وضو [illegible]

هر دو و اشاراتى كه در شستن هر عضوى [illegible] اذان و اقامت [illegible] دعاهاى [illegible]

تكبيرات و قنوت و دعاهاى آن [illegible] اشارات [illegible] ركوع و سجود و

[illegible] در قنوت [illegible] دعاهاى و اشارات آن [illegible] و سلام

الله تعالى اشاره بآنها خواهد [illegible]

[illegible] نماز گزارنده مفتوح ميشود [illegible]

[illegible] نتوان كردن والله تعالى يعلم [illegible]

[illegible] است كه دلالت [illegible] بودن نماز [illegible] شبانه روز

حور شده است بلكه وجوب آنها از ضروريات دين مبين است كه اگر كسى شك كند در وجوب آن كافر است [illegible]

چون يقين است كه [illegible] ائمه طاهرين صلوات الله عليهم فرموده اند كه نماز [illegible] واجب كرده

آن بحيثيتى كه هر كه مسلمانست علم دارد كه ايشان گفته اند و كسى كه شك كند فى الحقيقت [illegible] آنحضرت

كرده است شك در آن كفر است [illegible] مثل [illegible] مكلف [illegible] باشد

نشنيده باشد كه آنحضرت واجب كرده اند [illegible] سبب [illegible]

[illegible] است [illegible] نمازها مثل نماز جمعه و عيدين و كسوف و خسوف [illegible]

[illegible] نماز طواف و نماز ميت و نماز [illegible]

[illegible] كند كه [illegible] نكرده باشد و نماز اجاره كه خود را اجير كرده باشد و نماز احتياط كه

جميع اينها واجب [illegible] خواهد آمد ان شاء الله تعالى اگر كسى شك كند در وجوب اينها جزم بكفر آن

مشكل است [illegible] چون از ضروريات [illegible] اجماعيست [illegible] اعتقاد اينست كه تارك

نماز كافر است [illegible] قال زرارة بن اعين قلت لابى جعفر صلوات الله عليه

اخبرني عمّا فرض الله عزّ وجلّ من الصلوة فقال خمس صلوات في الليل والنهار قلت هل سمّاهنّ

الله وبيّنهنّ في كتابه قال نعم قال الله عزّ وجلّ لنبيّه صلى الله عليه وآله اقم الصلوة لدلوك

الشمس الى غسق الليل ودلوكها زوالها ففيما بين دلوك الشمس الى غسق الليل اربع صلوات سمّاهنّ

الله وبيّنهنّ ووقّتهنّ وغسق الليل انتصافه ثم قال وقرآن الفجر انّ قرآن الفجر كان

مشهودا فهذه الخامسة وقال في ذلك اقم الصلوة طرفي النهار وطرفاه المغرب والغداة

وزلفا من الليل وهي صلوة العشاء الآخرة وقال حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى وهي صلوة

الظهر وهي اوّل صلوة صلّاها رسول الله صلى الله عليه وآله وهي وسط النهار [illegible]

الغداة وصلوة العصر وقال في بعض القراءة حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى صلوة العصر

وقوموا لله قانتين في صلوة الوسطى قال ونزلت هذه الآية يوم الجمعة ورسول الله صلى الله عليه وآله

في سفر فقنت فيها وتركها على حالها في السفر والحضر واضاف للمقيم ركعتين [illegible] الركعتان

اللتان اضافهما النبي صلى الله عليه وآله يوم الجمعة للمقيم لمكان الخطبتين مع الامام فمن صلّى

یوم الجمعة في غیر جماعة ولیصلیها اربعا كالصلوة الظهر في سائر الایام و باسانید صحیحه منقولست از زراره
اعین که از جمله ارکان دین بود در وقتی خود که عرض نمود مر [illegible] بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
که بیان فرما از نمازهایی که حق سبحانه و تعالی بر عالمیان واجب کردانیده است در قرآن مجید چنانکه لفظ فرض
را بر آن اطلاق کرده و نمازهای پنجگانه را حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بیان نموده [illegible]
فرض [illegible] حضرت [illegible] نماز است که حق سبحانه و تعالی واجب کردانیده است
در شبانه روز [illegible] عرض نمودم که آیا حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید نام برده است بیان فرموده آنرا
آنحضرت [illegible] صلوات الله علیه و آله [illegible] که بلی خداوند بزرگوار عظیم الشان بحضرت [illegible] صلی الله
علیه و آله و سلم خطاب فرموده است [illegible] امت بتبعیت آنحضرت [illegible] در خطاب [illegible] اقم الصلوة لدلوک الشمس [illegible]
و بجای آور نماز را از ابتدای دلوک آفتاب تا منتهای تاریکی شب و دلوک آفتاب زوال آنست از دایره نصف
النهار که بیان حقیقت [illegible] مغرب [illegible] مشرق و مغرب [illegible] در وسط هر [illegible]
یکی است [illegible] چهار نماز [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم در [illegible] وقت نماز ظهر و عصر و
مغرب و عشا را واقع ساختن [illegible] حق سبحانه و تعالی بیان فرموده [illegible] چون فعل
حضرت [illegible] بیان [illegible] نصف شب [illegible] تا غروب و
وقت عشا [illegible] غروب [illegible] تا نصف شب پس حق سبحانه و تعالی فرموده که بپای دار قرآن فجر را یعنی نماز صبح را
[illegible] نماز [illegible] فرموده [illegible] قرآن [illegible] که [illegible] نماز صبح [illegible] قرائت [illegible] نمازهای دیگر
در کار [illegible] سوره‌ها [illegible] قبیل [illegible] تسمیه کل باسم بعض [illegible]
اجزا [illegible] اشعار [illegible] که [illegible] چنانکه تسمیه نماز
[illegible] قنوت [illegible] چنانکه [illegible] نماز را صلوة [illegible]
اعتبار [illegible] نماز مطلوب [illegible] علما و لغویین [illegible]
فرمود که نماز صبح [illegible] فرشتگان [illegible]
هر گاه [illegible] آنرا واقع [illegible] ملائکه شب [illegible] نماز [illegible] آورده [illegible]
عمل [illegible] ملائکه [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] اشاره [illegible] معنی ان شاء الله تعالی [illegible] که [illegible]
محتمل است که [illegible] آن [illegible] ظاهر [illegible] حضرات [illegible]
معصومین صلوات الله علیهم [illegible] بیان [illegible] که قبل از بیان اصلا آن معنی [illegible]
[illegible] آن معنی بخاطر [illegible] چنانکه [illegible] کرده [illegible] ان شاء الله [illegible] بتفصیل
[illegible] خواهد [illegible] اول [illegible] غرض [illegible]
[illegible] باشد که [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] نماز [illegible] فرموده است که
[illegible] و بجا آور نماز را [illegible] طرف روز [illegible] مغرب است [illegible] و اقامت [illegible]
[illegible] خفتن در قرب [illegible] نماز [illegible] اقامت [illegible] نماز
[illegible] ساعات شب [illegible] روز [illegible] جانب [illegible] معنی واقع [illegible]
[illegible] معنی [illegible] است [illegible] ذکر کرده [illegible]
[illegible] نماز صبح و ظهر و عصر است [illegible] نماز صبح در طرف اول [illegible] واقع [illegible] و ظهر و عصر در طرف آخر
روز واقع [illegible] حق سبحانه و تعالی فرموده حافظوا [illegible] یعنی
[illegible] شرایط و ارکان و آداب بجا آورید نمازهای پنجگانه را خصوصا
نماز وسط [illegible] نماز وسطی نماز ظهر است [illegible] سبب آنکه [illegible] سایر
نمازها [illegible] آن اول [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] و ممکنست که [illegible]
[illegible] نماز ظهر [illegible] مرتبه [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] که [illegible] نماز [illegible] ظهر [illegible] عصر [illegible] چنانکه خواهد آمد
[illegible] وسطی [illegible] در وسط دو نماز واقع است [illegible] روز [illegible] نماز صبح است [illegible]
[illegible] که بعضی از [illegible] چنین [illegible] و صلوة العصر چنانکه [illegible]
[illegible] الله [illegible] که [illegible] قرائت [illegible] صلوة وسطی نماز عصر [illegible] چنانکه
[illegible] ظاهر [illegible] آنست که نماز ظهر باشد چون ظهر و عصر [illegible] است که
[illegible] باشد چنانکه [illegible] الشرایع [illegible] روایت کرده

و درین یادی [illegible] تعالی بنا برین فکر حضرت این قراءت از آن جهت [illegible] که نماز وسطی

میشمرد مانند چون [illegible] بسیار حاضر مبهم مانده است مثل شب قدر و ساعت [illegible] اجابت و من اصحاب کهف

و اولیاء الله تعالی بیعلم و قوموا لله قانتین فی صلوة الوسطی مویدی در کر سفر مایند بر آنکه مراد از نماز وسطی

نماز ظهر [illegible] حق سبحانه و تعالی عقیب آن فرموده است که بایستید در حالیکه قنوت کنید خالصا لله

و [illegible] در نماز وسطی است یا آنکه چون در عقب آن واقع شده است آیه [illegible]

یا آنکه در قراءت اهل البیت فی صلوة الوسطی هست یا از آن جهت [illegible] فرموده اند که این آیه در روز جمعه [illegible]

و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] سفر بود نحسب امر الهی قنوت خواندند چون [illegible]

کردند با مر الهی [illegible] یا بتفویض نبی چنانکه ظاهر حدیث است آن دو رکعت با قنوت بجا آورد [illegible]

یا آنکه حضرت [illegible] نماز جمعه کردند چنانکه احادیث بسیار وارد است که [illegible] نماز جمعه در سفر [illegible]

جمعه [illegible] بود در حضر بعنوان جمعه قرار داده اند [illegible] سفر [illegible] خطبه

و چون نمازها [illegible] دو رکعت بود [illegible] دو رکعتها افزودند [illegible] ظهر و عصر و عشا و دیگر [illegible] و در ظهر

جمعه [illegible] چون خطبتین جمعه [illegible] دو رکعت بود [illegible] کسانی را که

شرایط جمعه [illegible] چهار رکعت کنند مثل ظهر سایر ایام [illegible] بلکه ظهر جمعه

که آن نماز جمعه است بنا برین از جهتی وسطی است که در میان دو نماز [illegible] واقع است از جهتی دیگر وسطی است

یعنی افضل نمازهاست بنا برین از جهت [illegible] پنجگانه است چون در ظهر جمعه واجب بود و جمعی که [illegible] محقق

نباشد [illegible] ایشان نماز ظهر میکنند از جهتی [illegible] نماز [illegible] استحباب [illegible] و کیفیت [illegible]

دارد بکیفیت [illegible] و واجبست که [illegible] حضرت [illegible] جمعه [illegible] است که ایستاده بجا آورند بلکه

[illegible] که قنوت [illegible] بجا آورند [illegible] قنوت چنانکه [illegible] ان شاء الله تعالی [illegible]

[illegible] چون [illegible] دو رکعت [illegible] قیام [illegible] حکم که قیام و قنوت [illegible]

در همه نمازها واجبست [illegible] کالواجب [illegible] قنوت [illegible] اهتمام [illegible] آن [illegible]

یا آنکه اولا [illegible] واقع شد [illegible] در سایر نمازها یا آنکه مراد [illegible] باشد که [illegible]

واقع سازند [illegible] جمعه [illegible] نمازهای [illegible] بر نماز وسطی [illegible]

الظهر است والله تعالی یعلم و از عبارات آخر احتمال ظاهر میشود که نماز جمعه [illegible]

و همچنین از لفظ [illegible] مراد امام زمان است و لیکن [illegible]

[illegible] آنکه مراد [illegible] امام جماعت باشد والله تعالی یعلم و قال الصادق صلوات الله علیه [illegible]

کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا قال ای مفروضا [illegible] صحیح و حسنه و قویه منقولست [illegible]

[illegible] چنانکه در کافی [illegible] که از [illegible] صادق صلوات الله علیه [illegible]

در [illegible] آیه کریمه که حق سبحانه و تعالی فرموده [illegible] که نماز بر مومنان فرض است [illegible] اوقات معینه

چنانکه [illegible] حضرت فرموده اند که یعنی واجبست یعنی کتابا یعنی [illegible] مفروضا باشد [illegible]

[illegible] و تعالی فرموده است که کتب علیکم القیام یعنی فرض [illegible] که مراد [illegible] موقوتا مفروضا

باشد [illegible] منقولست [illegible] همچنین [illegible] که کتب

عرض نمود [illegible] صادق [illegible] در تفسیر [illegible] آیه حضرت [illegible]

[illegible] است که [illegible] اگر [illegible] نماز [illegible] که تشییع [illegible] با آنکه وقت [illegible]

حق سبحانه و تعالی [illegible] نماز [illegible] نمودند [illegible] نقصانی کردند [illegible]

[illegible] جمعه [illegible] آن [illegible] چنانکه [illegible]

که حق سبحانه و تعالی فرموده است [illegible] بیرون [illegible] احادیث [illegible]

در آن [illegible] که [illegible] دارد که از آن [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

نماز را در آخر وقت [illegible] آیه [illegible] الله علیها [illegible]

[illegible] فرموده اند که [illegible] موسع است [illegible] که [illegible] ذکر کرده [illegible]

کرده [illegible] واجب [illegible] موسع [illegible] اول وقت [illegible]

[illegible] که [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] اجماع [illegible] و لیکن [illegible] فضل [illegible]

[illegible] اجماع [illegible]

حال که [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] مشهور بوده در زمان ابن بکار و امثال ایشان از فضلاء و اثبات
علما بین الشیعه که این خبر [illegible] محمد [illegible] و ظاهر الحال [illegible] واقع شده است که
[illegible] موسی [illegible] که تقصیر [illegible] وقت [illegible]
[illegible] نماز [illegible] وقت [illegible] حضرات [illegible] و روایات
[illegible] که [illegible] واقع [illegible] آیات [illegible] ظاهر شده باشد [illegible]

صَلَوٰتُ اللهِ عَلَيْهِ [illegible] رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ أَمَرَهُ رَبُّهُ بِخَمْسِينَ صَلوٰةً فَمَرَّ عَلَى
النَّبِيِّينَ نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [illegible] أَمَرَكَ
رَبُّكَ فَقَالَ بِخَمْسِينَ صَلوٰةً فَقَالَ سَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ [illegible]
ثُمَّ مَرَّ بِالنَّبِيِّينَ [illegible] نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى [illegible] مُوسَى [illegible] عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ [illegible] أَمَرَ [illegible]
[illegible] فَقَالَ بِأَرْبَعِينَ [illegible] فَقَالَ سَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ [illegible] وَجَعَلَهَا
عَشْرًا ثُمَّ مَرَّ بِالنَّبِيِّينَ نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ شَيْءٍ [illegible] مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ بِأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَكَ
رَبُّكَ فَقَالَ بِثَلَاثِينَ صَلوٰةً فَقَالَ [illegible] رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا [illegible] رَبَّهُ [illegible] فَحَطَّ عَنْهُ
عَشْرًا ثُمَّ مَرَّ بِالنَّبِيِّينَ نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ [illegible] مُوسَى [illegible] بِأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَكَ رَبُّكَ
فَقَالَ بِعِشْرِينَ صَلوٰةً فَقَالَ سَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ فَسَأَلَ [illegible] فَحَطَّ عَنْهُ عَشْرًا ثُمَّ مَرَّ
بِالنَّبِيِّينَ نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ [illegible] مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ بِأَيِّ شَيْءٍ [illegible] فَقَالَ بِعَشْرِ صَلوٰةٍ
فَقَالَ سَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ فَإِنِّي جِئْتُ إِلَى بَنِي [illegible] وَجَعَلَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ
يَأْخُذُوا بِهِ وَلَمْ يُقِرُّوا عَلَيْهِ فَسَأَلَ النَّبِيُّ [illegible] رَبَّهُ [illegible] فَجَعَلَهَا خَمْسًا ثُمَّ مَرَّ بِالنَّبِيِّينَ
نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى مَرَّ [illegible] عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ بِأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَكَ رَبُّكَ فَقَالَ بِخَمْسِ صَلَوَاتٍ فَقَالَ
سَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ عَنْ أُمَّتِكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ [illegible] أَعُودَ إِلَى رَبِّي فَجَاءَ رَسُولُ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِخَمْسِ صَلَوَاتٍ [illegible] قَالَ [illegible] صلى الله عليه وآله جَزَى اللهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ [illegible]
وقال الفاضل [illegible] علیه [illegible] موسی ابن عمران عن امته [illegible] ابطرق متکثره از حضرت [illegible]
الله علیه و آله [illegible] المرسلین
[illegible] علیه و آله منقول است که [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

صلی الله علیه و آله و سلم را در شب [illegible] امر [illegible] [illegible] گفت
و چون بر گشتند [illegible] آسمان [illegible] بود [illegible] [illegible] علیه و آله [illegible]
بر هر یک [illegible] ایشان [illegible] هیچ [illegible] نپرسیدند تا [illegible] [illegible] الله [illegible]
موسی [illegible] یا رسول الله به چه امر کرد ترا پروردگار تو [illegible] صلوات الله [illegible] علیه [illegible]
[illegible] امر به پنجاه نماز فرمود [illegible] موسی [illegible] نمود [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] نماز [illegible] و بر ایشان [illegible] بود [illegible] لیکن [illegible]
[illegible] خود مراجعه نمودند [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] تخفیف [illegible] نماز
[illegible] پیغمبران [illegible] یک یک و ایشان از آن حضرت صلی الله علیه [illegible] سؤال
[illegible] علیه السلام [illegible] موسی [illegible] مامور شد [illegible] تعالی
[illegible] موسی علیه السلام [illegible]
[illegible] امت [illegible] تخفیف [illegible] نماز [illegible] باز [illegible]
پیغمبران یک یک [illegible] علیه الصلوة و السلام [illegible]
موسی [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] موسی علیه السلام [illegible]
رجوع و تخفیف کردند و گفتند [illegible] نماز [illegible] آن حضرت مراجعت نمودند و سؤال تخفیف
کردند [illegible] رجوع [illegible] یک یک [illegible] و ایشان سؤال نکردند تا به حضرت
[illegible] صلوات الله
و سلامه علیه [illegible] نماز [illegible] موسی [illegible] الصلوة و السلام استدعا نمودند که برگردد و
سؤال کن تخفیف [illegible] مراجعت نمودند [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] مراجعت [illegible] یک [illegible] ایشان [illegible] حضرت موسی علیه
السلام [illegible] و از آن حضرت صلوات الله [illegible] و آله و سلم [illegible] نماز [illegible] حضرت [illegible] نماز
[illegible] علیه السلام استدعا نمودند [illegible] حضرت [illegible] و گفتند
[illegible] نماز [illegible] بنی اسرائیل [illegible] اقرار [illegible]

[illegible] ... اینه [illegible] اگر حق سبحانه و تعالی [illegible] در ابر سر ایشان بر وجود ریای

[illegible] ... [illegible] ان بی علاج بیچیده رفتند بنصیحت [illegible] بار میکفتند یغناد

[illegible] حق سبحانه و تعالی در کلام مجید یاد کرده [illegible] بر دیکر بار آنحضرت موجب بود

و سوال تخفیف [illegible] حق سبحانه و تعالی پنج نماز دیکر را انداخت [illegible] پنج نماز امر فرمودند باز آنحضرت [illegible]

[illegible] ایشان چیزی عرض نرسید [illegible] علیه السلام رسیدند موسی علی نبینا

و علیه الصلوة والسلام پرسید [illegible] که بچند نماز مامور شدید [illegible] فرمودند که پنج نماز باز موسی [illegible] الحقیقه

که [illegible] کی که تخفیف [illegible] که امت طاقت این مقدار ندارد [illegible] او رفتند حضرت

فرمودند که [illegible] که دیکر برکردم [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

از جهت [illegible] آوردند و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که حق سبحانه [illegible]

[illegible] بسبب [illegible] مرسانند و [illegible] آنکفان [illegible]

امت فرمودند [illegible] حق سبحانه [illegible] موسی [illegible] چیز [illegible] که [illegible] باشند و اخبار [illegible]

بسیار است قریب بتواتر و بعضا [illegible] کرده [illegible] که دلالت بر [illegible] میکند

حق سبحانه و تعالی [illegible] که [illegible] بکار [illegible] سبحانه و تعالی

مصلحت ایشان در آن [illegible] بود که جائز بود که سعی [illegible] خلاف آن [illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

کفتکو ها کرده [illegible] در جمیع [illegible] کفتکو می آید و جواب [illegible] اقامت

دعا [illegible] باشد و بعد از آن [illegible] شده و [illegible] موجب [illegible]

از دعا [illegible] ایشان در بلا بود و بعد از دعا [illegible] سبحانه و تعالی [illegible] کرامت میکند [illegible]

[illegible] شکر [illegible] بلکه تفضل الهی [illegible] که بسبب شفاعت آنحضرت صلی [illegible] کرده

بهم [illegible] پنج نماز ایشان [illegible] نماز [illegible] بوقوع [illegible]

[illegible] الله تعالی یعلم و روی عن زید بن علی بن الحسین [illegible] علیهما السلام قال [illegible]

العابدین [illegible] عن جدنا رسول الله صلی الله علیه [illegible]

به الی السماء [illegible] صلوة کیف لم [illegible] الله التخفیف عن امته حتی قال له موسی

ثم ان ارجع الی ربک فاسأله التخفیف فان امتک لا تطیق [illegible]

[illegible] لا یقترح علی ربه عز و جل و لا یراجعه فی شیء یأ[illegible] [illegible] ذلک [illegible]

صار شفیعا لامته الیه [illegible] شفاعة اخیه موسی علیه [illegible] عز و جل [illegible]

[illegible] الی ان ردها الی خمس صلوات قال فقلت له یا ابت [illegible] الی ربه [illegible]

یسأله التخفیف [illegible] خمس صلوات فقد سأله موسی علیه السلام ان یرجع الی ربه عز و جل و یسأله

التخفیف [illegible] یا بنی اراد صلوات الله علیه [illegible] لامته التخفیف مع اجر [illegible]

الحسنة فله عشر امثالها الا تری انه صلوات الله علیه لما هبط الی الارض [illegible]

[illegible] یا محمد ان ربک یقرئک السلام و یقول انها خمس بخمسین

لدی و ما انا بظلام للعبید قال فقلت له یا ابت الیس [illegible] لا یوصف بمکان [illegible]

عن ذلک علو [illegible] موسی علیه السلام لرسول الله صلی الله علیه [illegible]

فقال معناه معنی قول [illegible] علیه السلام انی ذاهب الی ربی سیهدین [illegible] علیه السلام و عجلت

الیک رب لترضی و معنی قول الله [illegible] ففروا الی الله [illegible] الی بیت الله یا بنی ان الکعبة بیت

[illegible] المساجد بیوت الله فمن سعی الیها فقد سعی الی الله عز و جل

و قصد الیه و المصلی ما دام [illegible] واقف بین یدی الله عز و جل و ان لله تبارک و تعالی بقاعا

فی سمواته فمن عرج [illegible] الی بقعة منها فقد عرج به الیه [illegible] عز و جل یقول تعرج الملائکة و

الروح الیه و یقول [illegible] عیسی بن مریم علیه السلام بل رفعه الله الیه و یقول الله عز و جل الیه یصعد

الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه و قد خرجت هذا الحدیث مسندا فی کتاب المعارج و باسانید قریبه روا[یت]

کرده اند از زید بن سید [illegible] الحسین صلوات الله علیه [illegible] اکرم از پدرم پرسیدم [illegible]

کند که الهی [illegible] که صلوات الهی بر وی باد و با وی کفتم [illegible] نبی ما حضرت سید

[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم که موجب [illegible] سبحانه و تعالی او را باسمان برد در شب معراج و حق سبحانه و تعالی او را امر فرمود

[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم ارجعه [illegible] موسی علی نبینا

و علیه السلام او را کفت بر و سوال کن تخفیف [illegible] که امت تو طاقت [illegible] صلوات الله و

[illegible] حبیبی صلی الله علیه [illegible] تکلم نکرد، خداوند تعالی وحی فرستاد [illegible]

[illegible] پیغمبر بود چون در اینجا رسید [illegible] علی نبینا و علیه الصلوة والسلام [illegible]

[illegible] آنحضرت آنحضرت کردند [illegible] که آنحضرت صلی الله علیه و آله [illegible]

کرده [illegible] حضرت موسی علیه السلام رجوع کردند و سوال تخفیف کردند تا به پنج نماز [illegible]

[illegible] که من گفتم که پنج نماز در مرتبه آخر برای که سوال تخفیف کنند با آنکه حضرت موسی [illegible]

[illegible] سوال تخفیف کنند از پنج نماز [illegible] صلی الله علیه و آله فرمودند که [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله وسلم خواستند که تخفیف حاصل شود از جهت امت [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی فرمودند که هر که حسنه بجا آورد [illegible]

جون [illegible] ...

قبول [illegible] امت [illegible] ثواب [illegible] کنم [illegible]

بسیار ظلم [illegible] ثواب با ایشان [illegible] بسیار ظلم [illegible] بر ایشان [illegible]

ایشان [illegible] ثواب [illegible] مقرر ساخته [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] خود فرمود [illegible] آن فعل را [illegible]

[illegible] نفی مطلق ظلم [illegible] حق [illegible] فرموده است [illegible] یعنی حق سبحانه و تعالی

هیچ ظلمی را اراده نمیفرماید [illegible] بسیار [illegible]

وعلمت [illegible] عناد [illegible] نظر بر فرض [illegible]

پس من عرض نمودم که ای پدر بزرگوار آیا نه اینست که حق سبحانه و تعالی [illegible] مکانی [illegible] حضرت

فرمود [illegible] چنین است که مکان [illegible] مقدس [illegible] مکان [illegible]

جسم است و محتاج [illegible] و تعالی شانه [illegible] الوجود بالذات است که نقص و احتیاج [illegible]

زید میگوید که من گفتم پس چه معنی دارد که حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

[illegible] علیه و آله وسلم فرمودند که [illegible]

و تعالی [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده [illegible] حق سبحانه

حکایت فرموده است که حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام [illegible]

بر [illegible] هذا جانب [illegible] بلکه جانب معنوی مراد است [illegible]

[illegible] و [illegible] حضرت ابراهیم [illegible]

[illegible] موسی علیه السلام [illegible] که [illegible] قوم خود [illegible]

[illegible] موسی بکوه طور [illegible] آنحضرت [illegible] با خداوند عالمیان [illegible] حق سبحانه

[illegible] از گناهان خود [illegible] حق [illegible] تعالی [illegible] که [illegible]

[illegible] فرموده خود [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] کعبه [illegible]

[illegible] کعبه خانه خداست یعنی خانه ایست که خدا از جهت عبادت [illegible] مقرر فرموده

هر که حج خانه خدا [illegible] گویا بنزد خدا رفته است [illegible] مگر مساجد خانهای خدا [illegible]

چنانکه خدا [illegible] که خانهای من در زمین مسجدهاست و هر که [illegible] مساجد [illegible]

نموده است [illegible] صحیحه [illegible] صلی الله علیه

و آله وسلم [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] است در برابر خدا ایستاده [illegible]

[illegible] گویا در برابر اوست [illegible] عبادت میکند پس

[illegible]

[illegible] متوجه [illegible] گویا در برابر او [illegible] یعنی

گویا در برابر او ایستاده است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] فرمود [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] از جهت آدمیان مقرر ساخته [illegible]

مثل کعبه و مسجد اقصی و [illegible] و سایر مساجد همچنین در آسمانها مقرر ساخته است مثل بیت المعمور و ضراح

[illegible] نسبت به پیغمبر آخر [illegible] صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible] تعرج الملائکة و

[illegible] است [illegible] یعنی [illegible] که حق

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

خانهای عبادت

[illegible]

كعات
بويه لكو [illegible] وده است مسعود [illegible] الله مير [illegible] سو [illegible] خوب وعمل صالح بلا ميرداو را يعني

طيبه والكلام [illegible] سبب آنست كه چون بمرد [illegible] با اعلى عليين برند [illegible] كذشت

معانی [illegible] که این نحو [illegible] در کلام الهی و دیوان عرب [illegible]

[illegible] ذکر کرده [illegible] باسند [illegible] در کتاب معارج که [illegible]

معارج را ذکر کرده و همچنین باسند ذکر کرده است در علل الشرایع و امالی [illegible] و سند [illegible]

در کتاب معارج سند [illegible] داشته باشد [illegible] سند صحیح [illegible]

الیوم و اللیلة احدی و خمسون رکعة منها الفریضة سبع عشرة رکعة الظهر [illegible]

اول صلوة فرضها الله تعالی و العصر اربع رکعات و المغرب ثلث [illegible]

رکعات و العشاء رکعتان فصارت سبع عشرة رکعة فریضة و ما سوی ذلک ست [illegible] نافلة و لا تتم

الفرائض الا بها و نماز واجب و سنت در شبانروز پنجاه و یک رکعت است [illegible] رکعات است

نماز پیشین [illegible] که حق سبحانه و تعالی واجب کرد [illegible] نماز دیگر

[illegible] نماز شام سه رکعت [illegible] نماز خفتن [illegible] نماز [illegible] و رکعت است

پس مجموع هفده رکعت واجب در شبانروز و آنچه در شبانروز واقع [illegible]

و تمام نمیشود فرایض مگر بنوافل و سنت [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] مثل نمازهای [illegible] سی و چهار رکعت [illegible]

آنحضرت [illegible] بر آن [illegible] جعفر طیار و که هست [illegible]

[illegible] تطوع و معنی [illegible] سنت [illegible] تمام نمیشود فرایض مگر بنوافل

[illegible] عبادات فقه [illegible] عبارت [illegible] که نوافل

[illegible] که حضرت [illegible] المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که حق [illegible] تعالی

[illegible] هفده رکعت نماز [illegible] لازم کرد [illegible]

هر رکعتی دو [illegible]

[illegible]

ست عشرة رکعة و نافلة المغرب اربع رکعات [illegible] رکعتان بعد العشاء الآخرة

من جلوس فاتمامها [illegible] رکعة فان اصاب الرجل [illegible] آخر اللیل [illegible] الوتر

[illegible] قد بات علی الوتر و اذا ادرک آخر اللیل صلی الوتر بعد صلوة اللیل و قال [illegible] علیه

[illegible] من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یبیتن الا بوتر و صلوة اللیل [illegible] رکعات [illegible] رکعتان

[illegible] رکعة و رکعتا الفجر [illegible] خمسون رکعة [illegible] ادرک آخر اللیل [illegible] الوتر مع

اللیل [illegible] الرکعتین من جلوس بعد العشاء الآخرة [illegible] کانت الصلوة له فی الیوم و اللیلة

[illegible] خمسین رکعة لان ساعات اللیل اثنتی عشرة ساعة و ساعات النهار

[illegible] عشرة ساعة فما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس ساعة فجعل الله عز و جل لکل ساعة رکعتین

[illegible] ظهر و عصر [illegible] هشت رکعت پیش از ظهر و هشت رکعت پیش از عصر و نافله شام [illegible]

[illegible] بدو سلام و اما دو رکعتی که بعد از خفتن [illegible] میکنند [illegible] دو رکعت را یک رکعت

حساب میکنند و از این جهت [illegible] که اگر کسی را مانعی بهم رسد از [illegible] پیش از آنکه با آخر

[illegible] شب [illegible] باشد [illegible] آخر شب [illegible] در یابد بعد از نماز شب که هشت

رکعت [illegible] سید [illegible] صلوات الله و سلامه علیه و آله فرموده است

که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس میباید که [illegible] مگر با وتر پس چون [illegible] مبالغه واقع

[illegible] خفتن [illegible] مقرر شده است [illegible] پیش آید [illegible]

[illegible] خود [illegible] باشد بعد از خفتن [illegible] باشد و لهذا آنرا وتر

[illegible] و نماز شب هشت رکعت [illegible] شفع دو رکعت و وتر یک رکعت است [illegible] رکعت

[illegible] است که یازده رکعت [illegible] و گاه هست که سیزده [illegible] وتر

[illegible] چون [illegible] پس مجموع فریضه و نافله پنجاه و یک رکعت باشد و کسی که در یابد آخر شب [illegible]

[illegible] رکعت [illegible] هشت رکعت است [illegible] آن دو رکعتی که [illegible] خفتن کرده است [illegible]

[illegible] بلکه تطوع خواهد بود

[illegible] خواهد بود [illegible]

[illegible] ساعات شب دوازده ساعت [illegible] از طلوع صبح تا طلوع آفتاب

کوچک [illegible]

یک ساعت این جهة بیست [illegible] ساعت [illegible] تعالی از جهة هر ساعتی دو رکعت مقرر فرموده است

اینست جهة [illegible] مطلوب و دین محمد [illegible] یکی آنکه جمع کرده باز چنانکه وارد شده است

که نماز شبانه روزی [illegible] فریضه و نافله [illegible] و پنج رکعت و این مضمون مجملا و مفصلا احادیث متواتره وارد شده است

از احادیث [illegible] و حسنه [illegible] که جای شك نماند است [illegible] آنکه حضرات ائمه هدی صلوات الله علیهم

چنین فرموده اند مجملا اما در تفصیل [illegible] وارد شده است که [illegible] هر شب [illegible]

شده است که پنجاه رکعت اگرچه مشهور [illegible] که یک رکعت [illegible] بنابر ظهور [illegible] باشند و لکن [illegible]

صدوق ذکر کرده است حدیث وارد شده است پس جمع چنین میشود که آن دو [illegible] که

داخل نیست اصالة بلکه داخل است نیابة عن الوتر و منظور [illegible] چنان کرده که بعوض هر ساعتی دو رکعت

نماز مقرر شود و آن باین عنوان میشود که یک رکعت بیند از [illegible] احادیثی که در این باب وارد شده است

[illegible] و قسمی بعضی از [illegible] اعمل نموده است بعضی از آنرا عمل نموده است آن چنانکه [illegible]

آفتاب قرص [illegible] شامل است نماز شام [illegible] افطار [illegible] چنانکه در کتب خود ذکر کرده است

در مبحث اوقات صلوات [illegible] فاصله [illegible] میان غروب [illegible]

وارد شده است یکی از آنها حدیثی است صدوق [illegible]

موسی بن جعفر حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که نماز شبانروزی پنجاه رکعت [illegible] زیاد و کم [illegible] حضرت

که چون [illegible] شب دوازده ساعت [illegible] دوازده است [illegible] از صبح تا طلوع آفتاب [illegible]

هر ساعتی دو رکعت نماز مقرر [illegible] آفتاب تا سقوط شفق [illegible] از جهة این مقرر شده و در این

حدیث ذکر [illegible] پنجاه رکعت [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پنجاه و یک رکعت [illegible] آن رکعت از جهة

نیم ساعت غروب قرص تا زوال [illegible] کلینی بسند ضعیف [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات

الله علیه روایت کرده است که از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردند [illegible] یک رکعت از حضرت

که ساعات [illegible] دوازده است [illegible] ساعات شب و [illegible] از طلوع صبح تا طلوع آفتاب یک ساعت و

شمس تا غروب شفق [illegible] و رکعت مقرر شده و از جهة [illegible]

وارد شده است که چون حق [illegible] واجب کرده اند حضرت [illegible] صلوات

نقل آنرا از نافله مقرر ساختند و نافله [illegible] مقرر ساخت [illegible]

دو برابر فریضه شود و کلینی و صدوق [illegible] صحیح از حضرت امام محمد باقر [illegible] روایت کرده اند که حضرت

که هر کس [illegible] روز قیامت [illegible] باید که شب [illegible] و تر [illegible] دو

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] که نهاد

[illegible] باید که [illegible] بعضی گرده [illegible] که آنرا قضا باید کرد [illegible] حدیث ابیت البیتوتة

[illegible] نماز شب [illegible] رکعت [illegible] است که مراد از این دو حدیث [illegible] خفتن است چون بسند

[illegible] الله علیه که مفضل عرض نمود به آنحضرت که چون نماز خفتن میکنم دو رکعت

نشسته میکنم حضرت فرمودند که آن یک رکعت محسوب است اگر دست بهم ندهد که نماز شب بکنی شب بوتر [illegible]

دلالت میکند بر آنکه [illegible] مقام و [illegible] مراد حضرت [illegible] نقل کرده است از ابو بصیر از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آنحضرت فرمودند که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد [illegible] که شب [illegible]

بروز برسد ابو بصیر گفت [illegible] عرض کردم که مراد از [illegible] خفتن [illegible] حضرت فرمودند که بلی آنرا یک رکعت [illegible]

[illegible] یک رکعت [illegible] چیزی [illegible] شود که نماز شب [illegible] آمده است و اگر [illegible]

شود [illegible] سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] دو رکعت

را کردند حضرت فرمودند که نه گفتم [illegible] کردند حضرت فرمودند برای [illegible] آنحضرت [illegible] که در آن شب خوا

[illegible] آنحضرت [illegible] بنابرین سرور کاینات نماز [illegible] کردند و دیگران [illegible] کردند و ظاهر

این خبر با صدوق [illegible] لیکن بعد از تأمل ظاهر میشود که مراد حضرت [illegible] عبارت آن حدیث شامل و تیره است [illegible]

و [illegible] و علی ای حال ظاهر [illegible] مطلوب صدوق [illegible] ظاهر [illegible] که در [illegible] عبارت [illegible] کرده اند

[illegible] حرات [illegible] که ساعات شبانروز [illegible] بیست و پنج ساعت گفته است

جواب آن است که هر کسی اصطلاحی دارد [illegible] ساعت [illegible] ساعات حقیقیه و معوجه دارند و [illegible] باصطلاح خود

[illegible] اصطلاح منجمان [illegible] ظاهر [illegible] کار [illegible]

[illegible] میشود [illegible] که متعرض [illegible] شد

صدوق هرچه میگوید [illegible] مستند [illegible] صحیح بوده است [illegible] عمل [illegible] کفته اند

ایشان برافت [illegible]

[illegible] فراست [illegible] عمل ایشان [illegible] ایشان اعمال خود میکنند

[illegible] که ایشان سعی خود را که [illegible] یافته اند اگر در واقع غلط کرده

کرده باشند [illegible] مواخذه نخواهند بود و اعتقاد اکثر علما آنست که تایب خواهند بود مگر آنکه [illegible] کرده

باشند و [illegible] که متعرض ایشان شویم زیرا که ممکنست که باعتقاد ایشان همان مقلد حق

باشد چون حسن ظنی بسیار بنفس داشته اند و اعتقاد [illegible] کرده اند از تتبعات و [illegible]

که حق سبحانه و تعالی تقرب یافته است بنوافل یا که متمم فرایض بوده باشد از هر سهوی [illegible]

بوده باشند و هشت رکعت قبل از ظهر مسمی است بنماز اوابین و هشت رکعت بعد از ظهر [illegible]

رکعت بعد از شام نماز ذاکرانست و دو رکعت نشسته بعد از خفتن که بیک رکعت ایستاده محسوبست نماز

شاکرانست و هشت رکعت نماز شب نماز خاشعانست و سه رکعت وتر نماز راغبانست و دو رکعت فجر نماز

حامدانست و در حدیث صحیح از احادیث کالصحیحه از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که در شب

معراج [illegible] اجال مومن تردد [illegible] فرمود که یا محمد هر که دوستی از دوستان مرا خوار کند چنانست

که با من محاربه کرده است و من [illegible] از آن تعجیل میکنم [illegible] کنم تردد نکرده ام

مثل ترددی که در قبض روح بنده مومن [illegible] مرگ را کراهت دارد [illegible] شود

بدرستی که بعضی از بندگان من هستند که صلاح حال ایشان نیست مگر در توانگری و اگر ایشانرا فقیر کردانم هلاک

خواهند شد و هیچ بنده تقرب بمن حاصل نمیکند بچیزی که نزد من محبوبتر باشد از آنچه برو واجب

کردانیده ام و بدرستی که بنده من تقرب میتواند جست و محبوب میشود بکردن نوافل تا بمرتبه که محبوب من میشود

و چون بمرتبه محبوبیت من رسید من شنوائی ایشان میشوم که بمن میشنوند و بینائی ایشان میشوم که بمن می‌بینند

و من زبان ایشان میشوم که بمن سخن میگویند و دست ایشان میشوم که بمن کار میکنند اگر مرا بخوانند اجابت میکنم

و اگر سوال کنند عطا میکنم و در حدیث صحیح واقع شده است که این مرتبه مخصوص [illegible] است بلکه متواترست از

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه [illegible] صلوات الله و سلامه علیهم [illegible] اصل

چون [illegible] توفیق هر کسی که مناسب فهم او باشد کرده شود اما جزو کل

که سوال از مومن [illegible] واقع شد [illegible] و اشارتست بآنکه مومن حقیقی کسی است که بمرتبه دوستی

لقی یافته باشد چون اصطلاح یقین خواه علم [illegible] عین الیقین

[illegible] اگر حد محبت الهی جذب باشد [illegible] ببصیرت بانوار الهی مکحل شد [illegible]

وعظمت الهی [illegible] که انا انا الطاف صوری و معنوی الهی [illegible] که محبت

بچون بیشتر میبود محبت زیاده میشود تا محبت ذاتی میرسد و اما آنکه فرموده است [illegible] کردن دوستان

[illegible] بالمعنی وارد شده است بعضی بعنوان اهانت بعضی

[illegible] بعنوان ایذا و بعضی بعنوان تحقیر و از این مرتبه بالاتر باشد

[illegible] بخود شمرده باشد و اشاره ایست بآنکه چون دل مومن عرش

حق سبحانه و تعالی است و محل محبت و معرفت اوست بس آنچه با مومن میکند با خدا میکند [illegible] کرده است در متعارفات

مجمع است که اگر کسی اهانت غلام کسی کند اهانت آقا کرده است چه جای اهانت بمومن که محبوب او باشد یا

او دیگر [illegible] که من تردد ندارم حق سبحانه و تعالی بسبیل مجاز شایع [illegible]

کسی [illegible] تردد داشته باشد و آنکه مومن [illegible] دوست بدارم نخواهد مردن را از آن جهت است

که [illegible] رتبه [illegible] است [illegible] روزی دیگر بلند تا دو

او [illegible] بنهایت مرتبه خود

رسیده است [illegible] مرتبه عالیه او را با او میگویند که یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة

چنانکه [illegible] دیگر قرار [illegible] کرده فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر که آشیانه اوست

قرار میکرد و دیگر [illegible] که از غنا و فقر هر یک بمصلحت [illegible] احادیث متواتره وارد

[illegible] اکثر دوستان فقر و بلا [illegible] بلا میدارد تا همیشه در همه حالی متوجه جناب

اقدس او باشند و جمعی از دوستان هستند که [illegible] چنانکه [illegible] صحیح و کالصحیح وارد است

[illegible] صلوات الله علیهما که [illegible] که حق سبحانه و تعالی دوستانی چند هست که بلا را از ایشان [illegible]

[illegible] ایشان را [illegible] ایشانرا در

عافیت و محشور کند ایشانرا در عافیت و داخل بهشت میکند [illegible]

نادرانند و علی ای حال تحقیق الهی مربی ایشان است بهر نحو که صلاح

[illegible] و در روایات [illegible] در حدیث صحیح قدسی وارد است از حضرت عزت [illegible]

[illegible] بالمحاربة [illegible] که بعضی از بندگان من بندگانی اند که صلاح ایشان [illegible]

[illegible] اگر [illegible] عیش [illegible] بندهای ایشان ایشانرا توانگر میکردم و [illegible] میکردم

و [illegible] صحیح میدارم تا ایشان بجمعیت خاطر متوجه بندگی و طاعت و محبت و معرفت من [illegible]

از بندگان مومن من هستند که [illegible] بر ایشان [illegible] ایشانرا بر حوالگی میخواهم بهم میرسد [illegible] فقیر [illegible]

و بیماریها ایشانرا مبتلا میکنم تا میتدیان ایشان مشغول دعا و تضرع باشند و [illegible] ایشان [illegible]

ضمن حاصل کرده و متوسطان ایشان در مقام صابران [illegible] و صبر بر بلاها [illegible] ایشانرا [illegible]

فایز کردانم و منتهیان همگی ایشانرا [illegible] از فضل من دانند و در مقام رضا در آمده در هر بلائی ایشانرا لذتها باشد

فوق آنچه تصور توان نمود و من دانا ترم بآنچه صلاح حال بندگان من خصوصا دوستان من در آن [illegible] چنان

میکنم و [illegible] که بعضی بندگان من باشند که سعیها و مشقتها میکنند در بندگی من گاه هست که یک شب [illegible]

خواب [illegible] بر ایشان مستولی میکردانم تا بخواب [illegible] شفقتی که با ایشان دارم و چون [illegible] ایشان

با خود در مقام جنگ در می آیند و [illegible] خطاب [illegible] نفس خود [illegible] که هر [illegible] کردند

و اگر ایشانرا باعمال خود میگذاشتم هر آینه بعجب [illegible] و از خود [illegible] بعجب [illegible] خود دیدن [illegible]

اعمال خود میشدند و کمان ایشان این بود که از همه عابدان در پیش اند [illegible] بندگی من تقصیر ندارند و بسبب عجب

از من دور شده بودند و کمان ایشان این بود که بمن نزدیک شده اند [illegible] نهایت بندگی آنست که [illegible]

و لاشی دانند [illegible] که عبادت کنندگان اعتماد بر عبادت خود مکنند آن عباد تعالی [illegible] از جهت ثواب میکنند

چنانکه احوال اکثر عابدان اینست که از جهت ثواب میکنند و تکیه بر آن دارند که اگر آن عبادات [illegible] بمحض رضا

الهی کنند [illegible] بیشتر مقصود [illegible] آنکه هر چند عبادت کامل کنند نمی باید تکیه بر آن [illegible]

محالست که از ناقص کامل بهم رسد [illegible] بر تقدیر کمال [illegible] ایشان کمالست هر گاه نظر بجلال و عظمت او کنند [illegible]

[illegible] که سعی [illegible] که اگر بندگان مراتب [illegible]

[illegible] از ثواب عبادت من هر آینه مقصر خواهند بود در بجا آوردن شرط بندگی

[illegible] بر کرامتهای من و نعمتهای بهشتهای من و درجات عالیه که در جوار

و [illegible] با ایشان خواهم داد عبادت ایشان در جنب آن چه نماید [illegible]

[illegible] عبادت ایشانرا بلند مرتبه میکنم چون شرط عبادت آنست که [illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] که اعتماد همه بر رحمت من باشد نه بر عبادات خود [illegible] ایشان و [illegible]

[illegible] تلافی من باشد که هر چند عبادت [illegible] عبادت [illegible] سبب [illegible] منظور ایشان

این است که تا غایت حق سبحانه و تعالی ابا ما بتفسیر [illegible] کرده است [illegible] استحقاق از ابتدای خلق [illegible]

[illegible] اگر با استحقاق عمل [illegible] در سلسله معدومات بودیم بلکه در سلاسل و اغلال [illegible]

قرار [illegible] همان خوب باشد هر که خواه عبادت کند و خواه معصیت [illegible] بر رحمت [illegible]

داشته باشد خصوصا در بیماریها و بیماریها که هر گاه بنده نظر از خود و از اعمال خود بر دارد رحمت من [illegible]

[illegible] تدارک نقصهای ایشان میکنند و در صورتی که ایشان از خود و اعمال خود فانی [illegible]

رحمتهای خاصه [illegible] ایشانرا بمرتبه رضا بقضا و خشنودی حق سبحانه و تعالی میرسانند و مغفرت من لباس عفو

[illegible] بر ایشان میپوشانند که باقی بالله [illegible] احادیث [illegible]

بعضی حقایق [illegible] دوست [illegible] از مقامات [illegible] باشد دیگر آنکه حق

سبحانه و تعالی قرب فرایض را مقدم [illegible] است ظاهر میشود که تا کسی مشغول الذمه بواجب باشد مستحبات

را نباید کرد اما آنکه احرام باشد ظاهر نمیشود از این حدیث [illegible] فرایض را مقدم [illegible]

و ظاهر [illegible] از امثال این احادیث که حق سبحانه و تعالی هر چه اصلح بحال بندگان آنرا بر ایشان واجب

کردانیده و چنانکه غذاها از برای قوام بدن ضرور است و مستحبات از جهت طراوت روح در کار است چنانکه

[illegible] از جهت طراوت بدن در کار است [illegible] که سعیها مینمایند [illegible] مطلوب [illegible] است

[illegible] فرایض تقرب بنوافل مطلوبست آن [illegible] چون بنده از اسباب قرب

[illegible] ملاحظه میباید نمود که شارع کدامیک از نوافل را خود بیشتر بجا می آورده و ابتدا [illegible]

بیشتر میکرده [illegible] امر [illegible]

[illegible] چنانکه مذکور خواهد [illegible] و از آنکه حق سبحانه و تعالی فرموده [illegible]

من بنوافل یعنی از جهت من بجا می آورد [illegible] در فرایض فرموده است ظاهر [illegible]

[illegible] بلند مراتب عالیه فایز گردد و بعضی از علما ذکر کرده‌اند در افراد تقرب آنکه
وجه خدا [illegible] جهنم باشد از همه رسیدن بهشت چون قرب الهی بحسب مکان احتمال ندارد پس مطلب
[illegible] رحمت [illegible] عظیم رحمت الهی [illegible] جهنم است [illegible] خواهی بهشت لیکن اکثر علما قصد [illegible]
که اگر منظورش ثواب [illegible] فرمان برداری نباشد بلکه محض دخول بهشت باشد با اخلاص [illegible]
بلکه شهید رحمه الله تعالی نقل اجماع اصحاب کرده است بر بطلان این عبادت و اگر منظورش فرمان برداری
و خلاصی از نار هر دو باشد صحیح است و بعضی گفته‌اند که اگر مقصود بالذات خلاصی از نار باشد و طاعه
بالتبع باطل است و بر عکس صحیح است و اگر هر دو مقصود باشند بی ترجیح احدهما نیز باطل است و
خواهد آمد احادیث صحیحه [illegible] و غیر آن که حضرات ائمه هدی صلوات الله علیهم فرموده‌اند در
اسلام و غیره ابتغی بذلک وجه الله والدار الآخرة یعنی مقصود من از این عمل رضای الهی است [illegible]
و این حدیث و امثال این که قریب بتواتر است دلالت میکند بر آنکه اگر هر دو مراد باشد ضرر ندارد و اگر نه
[illegible] ذکر میبود ظاهر تر دلالت میکند بر آنکه [illegible] بسیار [illegible] ولکن در حدیث حسن کالصحیح
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که [illegible] طایفه عبادت
الهی میکنند از ترس عذاب و این عبادت بمنزله عبادت بندگانست که از ترس آقا خدمت میکنند و طایفه عبادت الهی
میکنند بطمع ثواب الهی و این عبادت بمنزله خدمت مزدورانست و جمعی عبادت الهی میکنند از جهت محبت
این عبادت آزادانست و این عبادت بهترین عبادتهاست و بطرق معتبره از یونس بن ظبیان منقولست که حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که مردمان عبادت الهی را بر سه وجه میکنند طایفه از جهت رغبت
در ثواب او میکنند و این عبادت حریصان و طامعانست و جماعتی عبادت میکنند از ترس و این عبادت بندگانست
[illegible] لیکن من عبادت او میکنم محض دوستی او و این عبادت بزرگوارانست و این مرتبه امنی است
[illegible] حق سبحانه و تعالی در شان ایشان فرموده است که ایشان از فزع روز قیامت ایمنند و دیگر فرموده
[illegible] اگر شما حق سبحانه و تعالی را دوست میدارید متابعت من کنید [illegible] دوستی او تا حق سبحانه و تعالی
شما را دوست [illegible] بر کسی که خدا را دوست دارد خدا او را [illegible] عالمیان [illegible] امیر المؤمنین
[illegible] و هر که خدا دوست دارد از جمله [illegible] و در اخبار بسیار از حضرت

[illegible] علیه وارد است که در مناجات خود چنین مناجات میکرد [illegible] خداوندا
بهشت نکرده‌ام و از ترس دوزخ نکرده‌ام بلکه از جهت محبت عبادت کردم [illegible] و در اخبار بسیار [illegible] آنست که
آنحضرت صلوات الله علیه بعد از [illegible] فرمودند که [illegible] نیستم عبادت کردم [illegible]
احادیث بسیار وارد شده است [illegible] عبادت بلکه ظاهرش آنست که [illegible] صحیح باشد
و لیکن کامل نباشد و هیچ شک [illegible] عبادات [illegible] قرب الهی شود و قرب الهی [illegible] است
ارتباط [illegible] و این [illegible] چند معنی دارد یکی آنکه بنده را ارتباط مطالب دنیوی یا اخروی
باشد و این [illegible] دوم آنکه چون لذتی بالاتر از این نمیباشد که بنده انیس و جلیس خداوند
باشد از اینجهه عبادت کند و این نیز معلولست چون مراد نفس مطلوبست و همچنین اگر عبادت الهی را از
[illegible] حق سبحانه و تعالی کند که اصل محبت او لذتیست که فوق او نمیباشد چون محبت الهی بسبب
محبوبیت الهی است و این نیز لذتی است [illegible] بالاتر است اما اگر عبادت از جهت حصول محبت یا محبوبیت
باشد از آنجهه که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد این معنی را این کمالست با آنکه چون محبت الهی که [illegible]
حاصل شد [illegible] اعظم کمالات و ظاهرا عبادت معصومین صلوات الله علیهم
اجمعین چنین باشد و مرتبه دیگر آنست که عظمت الهی را دانسته است و میداند که چنین خداوندی را [illegible] کردن
سزاوار است چنانکه در کلمات حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و دعاهای آنحضرت صلوات الله علیه بسیار واقع
شده که من عبادت تو میکنم چون تو سزاوار عبادتی و دیگر بسیار [illegible] که الهی اگر بهشت و دوزخ نمی‌بود [illegible]
ترا عبادت بایست کردن و امثال این کلمات ولیکن [illegible] مرتبه نیست که هر کس تواند چنین عبادت
کردن بلکه تا عاشق نشود یا عارف نشود [illegible] که من عرف الله و عظمه منع فاه من
الکلام [illegible] مرتبه اخلاص فایز نمیگردد و ترجمه [illegible] آنست که هر که خدا را شناخت و عظمت الهی در دل او جلوه
گر شد منع میکند زبان خود را از کلام یعنی چون همیشه خدا [illegible] حاضر و ناظر است در حضور چنین خداوندی
[illegible] یاد غیر او در خاطر [illegible] یا بر زبان جاری شود و همچنین شکم خود را باز میدارد از خوردن [illegible]
خود را در تعب میاندازد بروزه [illegible] و عبادت شب بلکه تعب نیست [illegible] مرتبه [illegible] نهایت [illegible] دارد
[illegible] نفس میکند بلکه محبت الهی [illegible] جسمانی و روحانی او را محو کرده است [illegible] فانی فی الله

[illegible] حبتند را ممتنع است این نیت کردن بلکه نیت اختیاری نیست مطلقا و مقدمات آن اختیاری

[illegible] ست که داعی بر فعلست و هر حالتی که دارد آن حالت او را بر فعل میدارد پس اگر خوف [illegible]

[illegible] غالب باشد نمی تواند نیت ثواب کند و بر عکس و همچنین اگر قبول خلایق منظور نفس است [illegible]

برابر ایشان مبادرت میکند اگر هزار سعی کند که نیت او محض خوف الهی بجا آورد نمیتواند بلی میتوان

میتواند [illegible] شدن و در خاطر در می توان آوردن [illegible] انما [illegible] پس اگر [illegible] میخواهد که نیتش

صحیح شود میباید که ترک مالوفات و مستلذات جسمانی بکند و همگی خود را بعبادات و طاعات و اوراد

و اذکار بدارد یا مراقبه که همیشه خود را منظور خداوند دارد و بعضی از ارباب [illegible] تلقین مریدان میکنند

این فکر را که الله حاظری و ناظری و این عبارت فارسی هر چه و درست است معنی [illegible] آنست که حق سبحانه

و تعالی حاضر است مرا یعنی علم او احاطه کرده است مرا و همیشه نظر تربیت بسوی من دارد [illegible]

و فارسی آن خطابست با حق سبحانه و تع یعنی خداوندا تو حاضری و تو ناظری و تربیتی [illegible] خصوصا بر عوام بسیار

مشکل است که ایشان تصور نکنند خدا را بصورتی و مکانی بلکه همین که متوجه ذکر و فکر میشود قوت واهمه

همان ساعت خدا را میسازد و صورتی از جهت و قرار و مکانی [illegible] در عرش

میکنند که از قبیل هوا احاطه کرده است یا و هر چه تصور کنند حق سبحانه و تعالی نه چنانست حتی اینکه از تصور

لامکان کند با چنین تصور میکند که جائی خاص ندارد گاهی در آسمانست و گاهی در زمین است یا مکانی را تصور

کرده لامکانش مینامند بلکه هر چند [illegible] این نحو تصورات کند میباید بتضرع و زاری درآمده پناه بخداوند

برد و یا خود چنین مقرر سازد که او تصور نفس با طرف که عین او است نمیتواند کردن چگونه تصور خداوند

میتواند کردن و با اینحال همیشه بذکر الهی مشغول شود و [illegible] اهل دنیا عزلتی اختیار کند که نفس او با ایشان

الفت نگیرد [illegible] صمت و جوع و سهر و عزلت بدوام [illegible] تا تمامان جهانرا بکند کار تمام [illegible] و هرگاه [illegible]

[illegible] بقانون [illegible] مبین کند بموجب فرموده الهی حاصل خواهد شد چنانکه ترجمه اش اینست که آنجماعتی که

[illegible] میکنند با [illegible] و شیاطین هر آینه البته ما هدایت خواهیم کرد ایشانرا براههای [illegible]

از قبیل [illegible] ممتنع است [illegible] حاصل میتوان کرد اما ترک مالوفات مشکل است که هیچ [illegible] حق

و تعالی هدایت کند بلکه خود ایشانرا براه [illegible] پس چون حق سبحانه و تعالی فرموده است که [illegible] من تقرب [illegible]

[illegible] تا بمرتبه که محبوب من شود [illegible] و احادیث بسیار دلالت میکند که چون [illegible]

[illegible] اقتضا میکند که ایشانرا اعانت کند و کسی نگوید که عشق الهی محالست زیرا که عشق تعلق [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی را صورت [illegible] حکونه عشق [illegible] جواب آنست که [illegible] عاشق [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی فرموده است که زین للناس حب الشهوات [illegible] یعنی [illegible] دوستی [illegible]

[illegible] از زنان و فرزندان ذکور و قنطارهای طلا و نقره یعنی [illegible] و خلایق بسیاری [illegible]

و همچنین [illegible] زر بسیار دوست میدارد و دیگر اسبان [illegible] چهارپایان و مزارع و امثال اینها از [illegible]

[illegible] دنیا هیچ [illegible] اکثر مردم [illegible] عاشق زر بسیارند و عاشق صورت زر [illegible] عاشق اند که در زیر زمین

باشد که دیگر [illegible] و همچنین جمعی از [illegible] عاشق حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه [illegible] و هیچ کس عاشق صورت آنحضرت

[illegible] بعضی باعتبار کمالات آنحضرت و بعضی از جهة افعال آنحضرت [illegible] خواهد فرمود

شفاعت و حضور در وقت مردن و حشر و نشر و خلاص کردن از آتش و رسانیدن به بهشت [illegible] حق سبحانه و تعالی

[illegible] الجنة [illegible] الذی [illegible] وجوه بسیار گفته اند محققان [illegible] وجه آنست که چون سالک [illegible]

و مجاهدات [illegible] که [illegible] جهان [illegible] تعلقات بر آن نشسته آنرا سیاه کرده بود [illegible]

[illegible] آن [illegible] میشود [illegible] بسیار او [illegible] الهی [illegible]

میشود در آن آینه انوار الهی [illegible] روح [illegible] میشود و [illegible] مخاطبات الهی [illegible]

[illegible] آنرا [illegible] کتاب الهی [illegible] عوالم آفاق و انفس است [illegible]

[illegible] بمعارف [illegible] و [illegible] الهی [illegible] بلکه [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] بنابراین [illegible] چون [illegible]

[illegible] حکمت که [illegible] التقدیس و تسبیح و تحمید [illegible] خلاف [illegible]

[illegible] فساد و خونریزی خواهد بود [illegible]

[illegible] که خداوند عالم [illegible] و هر چه [illegible]

[illegible] که نشاء انسانی قابل [illegible] الهی و منبع [illegible]

باشد [illegible] حاصل [illegible] علم الهی باشد [illegible] الهی و همچنین [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی با یک لقا که بر آدم و سایر [illegible] القاء [illegible] شدند و آن [illegible]
جبرئیل [illegible] بیست یا سیصد سال [illegible] تعلیم [illegible] آدم [illegible] هزار [illegible] حضرت آدم [illegible] نتستند و این همه از جهة
آن روح آدم [illegible] که تعلق [illegible] بود بالخاصیة [illegible] حاصل [illegible] مقربین [illegible]
صورت [illegible] نور الهی میشود [illegible] آیات که احادیث متواتره وارد شده
در وقت [illegible] حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که خلیل مرا بخوانید عایشه و حفصه کس
ابوبکر و عمر فرستادند و چون ایشان آمدند حضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله رو از ایشان گردانید و دیگر فرمودند
خلیل مرا بخوانید پس حضرت فاطمه صلوات الله علیها کس بجانب حضرت امیر المؤمنین علیه التحیة والسلام فرستادند و چون آنحضرت
صلوات الله علیه آمدند حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیر المؤمنین را صلوات الله و سلامه علیه نزد خود
خواندند و چادر شب بر سر خود و علی کشیدند [illegible] و حضرت صلی الله علیه و آله وسلم که سر بیرون آوردند از آنحضرت صلوات الله
و سلامه علیه و آله پرسیدند که حضرت چه فرمودند حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند که تعلیم فرمودند مرا هزار باب از علم
که از هر بابی مفتوح میشود هزار باب و ایضا در احادیث بسیار منقولست که مرا تعلیم کرد هزار حدیث که از هر حدیثی مفتوح میشد
هزار حدیث و ایضا در احادیث صحیح بسیار فرمودند که تعلیم فرمودند مرا هزار حرف که [illegible] از هر حرفی هزار حرف
از ائمه هدی صلوات الله علیهم منقولست در احادیث بسیار که هنوز [illegible] علوم [illegible]
و تا کسی بمراتب کشف علوم نرسد تصدیق این اخبار [illegible] نمیتواند کرد [illegible] که باب مدینه علم رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم بسیار [illegible] فرمودند که در سینه علوم بسیار هست کاش مییافتم کسی که قابلیت آنها داشته باشد
اینجاست که فرمودند که در خیبر را بقوت جسمانی نکندم بلکه بقوت ربانی کندم مجملا آیات و احادیث [illegible]
چه [illegible] هرجا [illegible] در احادیث صحیحه متکثره وارد شده است که حق سبحانه و تعالی
[illegible] را بنوافل [illegible] والله تعالی یعلم اینست که چون ظاهر است که غرض الهی از جمیع تکالیف [illegible]
بجناب اقدس او [illegible] جمعی کثیر [illegible] عبادت میکنند [illegible] اقرب [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] که [illegible] در نماز حضور قلب [illegible] چون فقها [illegible] از جمله [illegible] بلکه اکثر [illegible]
[illegible] احادیث متواتره [illegible] نظر نکردند که حق سبحانه و تعالی فرموده است قد افلح المؤمنون
الذین هم فی صلوتهم خاشعون که ترجمه اش اینست که رستگاری یافتند آن مومنانی که در نماز خود خاشع اند و خضوع و

و بدون حضور قلب محالست و حضرت [illegible] صلوات الله [illegible] فرموده اند که [illegible]
تمام [illegible] در احادیث صحیح و حسنة کالصحیح وارد شده است که از نماز آنقدر مقبولست که [illegible] نماز [illegible]
همان [illegible] حساب [illegible] و چون اکثر بنی آدم [illegible] بسیار [illegible] است که از اول نماز
تا آخر [illegible] یاد حق سبحانه و تعالی توانند بود بلکه تجربه کرده ایم که [illegible] مقام مراقبه باشد [illegible] داشته باشد
از یاد الهی [illegible] بود بنابرین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] نوافل [illegible] فرمودند
که در اینجا [illegible] نماز [illegible] یا یاد خدا باشد که آن بمقدار دو ثلث است که از نماز بحضور قلب بوده است [illegible]
نماز [illegible] شود و لیکن [illegible] متوجه حق سبحانه و تعالی نمیشوند [illegible] احتمال دارد که متوجه شوند
بنابرین در مرتبه اول [illegible] که اگر [illegible] تقصیر [illegible] باشد بعد از این نکنند شاید که
تلافی ما فات بشود و لیکن با خود قرار داده اند که نماز [illegible] قرائت [illegible] درست میباید کرد و اگر العیاذ بالله
قرائت [illegible] درست کرده [illegible] باشد [illegible] و بسیار باشد که جمعی در آن نکوشیده
باشند [illegible] حضور قلب کوشیده باشند [illegible] مقام [illegible] معرفت در آمده باشند و بر تقدیری که تقصیر نکرده
باشند [illegible] خود [illegible] خواهد کرد بلکه [illegible] میباید که جمیع شرایط ظاهری باشد
[illegible] ان شاء الله تعالی [illegible] در مقام خود [illegible] خواهد شد قال زرارة بن اعین
قال ابو جعفر صلوات الله علیه کان الذی فرض الله عز وجل علی العباد عشر رکعات و فیهن القراءة
و لیس فیهن وهم یعنی سهوا فزاد رسول الله صلی الله علیه و آله سبعا و فیهن السهو و لیس فیهن
قراءة [illegible] باسانید صحیحه و حسنه منقولست که زراره گفت که حضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه فرمودند
که آنچه حق سبحانه و تعالی بر بندگان واجب کرده بود ده رکعت نماز بود که در آن ده رکعت قراءت حمد واجب البته
و در [illegible] خلاف [illegible] خواهد آمد و در این ده رکعت وهم نیست یعنی شک [illegible] که اگر کسی شک کند در نماز [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] باطل میشود [illegible] سهو [illegible] خواهد آمد و ظاهرا یعنی [illegible]
[illegible] محتملست که [illegible] چون [illegible]
[illegible] است که زراره [illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible] وهم سهو است [illegible] در اصطلاح [illegible]
اطلاق میکنند [illegible] شک بلکه [illegible] که یقین داند که فراموش کرده است [illegible]

... سهو می باشد و اگر یکطرف راجح باشد بطرف راجح بنا می گذارند و مرجوح را وهم می نامند

بسیار است که وهم میگویند و ظن میخواهند و همه جا خواهد آمد پس حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم هفت رکعت

زیاد کردند و در این هفت رکعت سهو و شک و ظن [illegible] و در این هفت رکعت قرائت [illegible] یعنی [illegible]

معین بلکه مخیر است میان حمد و تسبیح و آنکه فرمودند که در هفت رکعت سهو هست مراد از آن [illegible]

چون خواهد آمد که در سه رکعت تمام [illegible] در عدد رکعات [illegible] آنکه واقع است در این [illegible] حضرت

صلوات الله وسلامه علیه و آله هفت را زیاده کرده [illegible] یعنی بتفویض [illegible] و ظاهر [illegible] اعتقاد بتفویض [illegible]

چنانکه در علل تصریح بآن کرده است و اگر در این کتاب [illegible] آن اعتقاد برگشته باشد چنانکه در مبحث [illegible]

تفویض کرده ممکن است که مرادش نفی تفویض بعضی باشد [illegible] تأویل کرده حدیث را و لیکن احادیث تفویض

متواتر است از آنجمله روایت کرده است کلینی در حسن کالصحیح که من نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

نشسته بودم و برادرم حمران نیز آنجا بود پس حمران بحضرت صلوات الله عرض نمود که چه میفرمایید در قول زراره

که مخالف قول شما است حضرت صلوات الله علیه فرمودند که در چه چیز حمران گفت زراره میگوید که اوقات را حق

سبحانه و تعالی بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم تفویض فرموده بود و حضرت خود مقرر ساخت پس حضرت

صلوات الله علیه بحمران فرمودند که تو چه میگوئی حمران گفت من میگویم که جبرئیل علیه السلام در روز اول اوقات را

آورده و در روز دیگر آخر اوقات را آورد پس جبرئیل علیه السلام گفت که میان این دو وقت همه وقت است پس حضرت

صلوات الله وسلامه علیه فرمودند که ای حمران زراره میگوید که جبرئیل گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]

هر دو یکیست و مخالف [illegible] زراره مجملا احادیث تفویض متواتر است و ظاهر با وجود تفویض حضرت صلوات الله

سلامه علیه و آله بی امر الهی هیچ کاری نمیکرده است اگرچه جبرئیل علیه السلام نیز واسطه نباشد چون همیشه روح القدس

با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم می بوده است و قطع نظر از آن هر گاه بحسب احادیث [illegible] سابقه نظر مومنان [illegible]

[illegible] و ما ینطق عن الهوی [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم ممکن نباشد [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] بالجمله [illegible] الهی [illegible] اکثر احکام [illegible] نازل شده [illegible] آیات و اخبار [illegible]

[illegible] انبیا و اوصیا اگر [illegible] شیاطین بایشان مسلط [illegible] چنانکه حق سبحانه و تعالی

فرموده است [illegible] وحی میکنند بدوستان خودشان [illegible]

نقل نموده [illegible] ائمه صلوات الله علیهم چون علم یقینی داریم که شیاطین بر ایشان تسلط ندارند [illegible] کرده ایشان کرده

خداست و گفته ایشان گفته خداست جل جلاله فَمَنْ شَكَّ فِي الْأُولَيَيْنِ أَعَادَ حَتَّى يَحْفَظَ وَيَكُونَ عَلَى يَقِينٍ

وَمَنْ شَكَّ فِي الْأُخْرَيَيْنِ عَمِلَ بِالْوَهْمِ پس کسی که شک کند در دو رکعت اول باید که اعاده کند نماز را تا یاد کند و [illegible]

کند و صاحب یقین باشد یا نماز را که اعاده میکند حفظ کند و یقین [illegible] و در دو رکعت آخر [illegible] کسی که شک کند [illegible]

آخر عمل بوهم کند یعنی [illegible] و رجوع بقاعده کند [illegible] بظن خود [illegible]

و این عبارت ممکن است که داخل حدیث زراره باشد یا سخن صدوق باشد که بیان معنی حدیث کند اگرچه [illegible] در آن

در این نسخه [illegible] کلینی [illegible] ذکر نکرده است در حدیث زراره ظاهر آنست که سخن صدوق باشد و لیکن

مضمونش در احادیث زراره و غیرها هست [illegible] در باب خود خواهد آمد [illegible]

وَقَالَ زُرَارَةُ وَالْفُضَيْلُ قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا قَالَ يَعْنِي كِتَابًا مَفْرُوضًا وَلَيْسَ يَعْنِي وَقْتَ فَوْتِهَا إِنْ جَازَ ذَلِكَ الْوَقْتُ

ثُمَّ صَلَّاهَا لَمْ تَكُنْ صَلَاةً مُؤَدَّاةً وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَهَلَكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

حِينَ صَلَّاهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا وَلَكِنْ مَتَى ذَكَرَهَا صَلَّاهَا و بسند صحیح از زراره و کالصحیح از فضیل بن یسار

منقول است که ایشان گفتند که بخدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردیم که بیان فرمائید

قول خداوند عالمیان را که نماز بر مومنان کتابیست موقوت چه معنی دارد حضرت صلوات الله علیه فرمودند

که نوشته ایست واجب و ظاهر آنست که حضرت تفسیر موقوتا کرده باشند و ممکن است که تفسیر کتابا کرده باشند و

بعد از آن بیان موقوتا فرموده باشند که مراد از موقوت نه آنست که اگر از وقت بگذرد فوت شود و

قدرت نتوان کردن و اگر آنرا بجا آورند بعوض قضا نشود و اگر چنین بودی میبایست که حضرت

سلیمان بن داود علیهما السلام هلاک شده باشند چون نماز را در غیر وقت فضیلت باختیار بجا آوردند و لیکن

[illegible] شوند هر گاه بخاطرش رسد قضا میکنند و این عبارت احتمال دارد یکی آنکه [illegible] یا چون از حضرات

صلوات الله و سلامه علیهم [illegible] است که ایشان مبالغه در نماز در وقت فضیلت فرموده اند

بوده است که نماز که از وقت اختیار یا فضیلت بگذرد قضا شود حضرت [illegible]

که [illegible] این تقدیری که [illegible] قضا [illegible]

بلکه تا وقت فضیلت از دست نداده است هرچند موافق نمیباشد مع هذا موافق نیز نیست بلکه خود از ثواب عظیم و رتبه
و وقت فضیلت محروم ساخته است و اگرچنین میبود که اگر از وقت فضیلت بگذرد قضا باشد یا موافق باشد
هرآینه میبایست که حضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام هلاک شود که نمازش از وقت فضیلت گذشته است و مشغول
که سائل چنین توهم کرده است که هرگاه وقت بیرون رود قضا نمیتوان کرد و عقوبت تقصیر را تدارک [illegible]
حضرت فرموده باشد که نه چنین است که قضا نتوان کرد که اگر قضا نتوان کردن هرآینه حضرت سلیمان هم
خواهد شد [illegible] احکام سلیمان بر فرض خلاف واقع مراد باشد یعنی اگر نتوان قضا کردن و حق سبحانه و تعالی آفتاب را
برنگردانید هلاک خواهد شد و حال آنکه حق سبحانه و تعالی آفتاب را از جهت او برگردانید و او نماز را در وقت خود
بجا آورد و قال مصنف هذا الکتاب ان الجهال من اهل الکتاب یزعمون ان سلیمان صلوات الله علیه اشتغل
ذات یوم بعرض الخیل حتی توارت الشمس بالحجاب ثم امر برد الخیل و امر بضرب سوقها و اعناقها و قتلها
و قال انها شغلتنی عن ذکر ربی عز و جل و لیس کما یقولون جل نبی الله سلیمان علیه السلام عن مثل هذا الفعل لانه
لم یکن للخیل ذنب فتضرب سوقها و اعناقها لانها لم تعرض نفسها علیه و لم تشغله و انما عرضت علیه و هی بهائم
غیر مکلفة و الصحیح فی ذلک ما روی عن الصادق صلوات الله علیه انه قال ان سلیمان بن داود علیهما السلام
عرض علیه ذات یوم بالعشی الخیل فاشتغل بالنظر الیها حتی توارت الشمس بالحجاب فقال للملائکة ردوا
الشمس علی حتی اصلی صلوتی فی وقتها فردوها فقام فطفق مسح ساقیه و عنقه و امر اصحابه الذین
فاتتهم الصلوة معه بمثل ذلک و کان ذلک وضوئهم ثم قام فصلی فلما فرغ غابت الشمس و طلعت النجوم و ذلک
قول الله عز و جل و وهبنا لداود سلیمان نعم العبد انه اواب اذ عرض علیه بالعشی الصافنات الجیاد فقال
انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب ردوها علی فطفق مسحا بالسوق و الاعناق و قد اخرجت
هذا الحدیث [illegible] فی کتاب الفوائد چون مذکور شد نص صحیح که نماز حضرت سلیمان فوت شد و حق سبحانه و تعالی
در قرآن مجید یاد کرده است [illegible] علما تفسیرهای باطل کرده اند سخن خود را مسکوت موافق قانون [illegible]
[illegible] هرگاه خواهند که سخن از خود گویند باین عنوان میگویند [illegible] کتاب من لا یحضره الفقیه
[illegible] باهلان از اهل کتاب که یهود و نصاری اند این حکایت را چنین نقل کرده اند
باطلان [illegible] کرده اند و چون مصنف ملاحظه [illegible]

است [illegible] که سفیان [illegible] بلکه از [illegible] اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین ظاهر میشود در
جایی که حق سبحانه و تعالی [illegible] خطاب و عتاب با یهود و نصاری [illegible] دارد کنایه با منافقان [illegible] و همین معنی
در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از جمله منافقان بودند بعد از آن حضرت صلوات الله و سلامه
علیه و آله [illegible] از اسلام خواستند [illegible] در ظاهر [illegible] گفتند و در باطن در تضییع دین آن حضرت صلی الله علیه و
آله و سلم میکوشیدند تا هفتاد و دو ملت بهم رسید و یک ملت بر حق ماندند و آنها قلیلی از اکابر صحابه بودند که
ایمان حقیقی داشتند و منافقان در زمان آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله نهایت خوف داشتند و هر روز
هزار قسم میخوردند که ما مؤمنیم که مبادا کشته شوند یا رسوا شوند بنزول آیه در تصریح باسماء ایشان و بعد از
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم آن خوف برطرف شد و علانیه کافر شدند چنانکه هیچ مطلبی در صحاح سته مثل این مطلب
مکرر نشده است بلکه البته بمرتبه تواتر رسیده است در صحاح سته و در کتب معتبره دیگر و یکی از جمله کفرانشان
آنکه حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله مکرر میفرمودند که من شهرستان علوم و حکم الهیم و علی
در آن شهرستان است و اظهر من الشمس است که علی در نبود و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دیوار بلکه مراد حضرت صلوات
الله و سلامه علیه و آله این بود که علم من همه نزد علی است علیه الصلوة و السلام و از جهت عنادی که با دین اسلام داشتند
و کلام [illegible] منافقان [illegible] که یهودان بودند منافقان قریش را [illegible] این تورینی که یهودان دارند
باشد نه [illegible] پنج سفر در زمان حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام نازل شده باعتقاد ایشان چهار سفر
اجماعی است [illegible] ایشان و یک سفر [illegible] مشتمل است بر احکام تورات بسیار جمعی از ایشان آن سفر را از جهت سهو
[illegible] اند و نوزده سفر دیگر تاریخ یهود است که در زمانی جمعی از کذابان داشتند و دروغی چند
بر هم بافته اند مثل تواریخ مسلمانان بلکه در اکثر حکایات موافقند چون منافقان مسلمانان از اخبار
[illegible] بسیار کردند که این توریه معروف تا ظاهر [illegible] تحریفات پنج سفر و وجوه اکاذیب
از آنها بود [illegible] سلیمان بود و داود صلوات الله علیهما بر شدند که داود بر ایشان خارج [illegible]
شد و قصاص یا جزاء احکام تورات بر ایشان کرده بود از آنکه بنی اسرائیل بر سر خود بود [illegible] و هر قسم فسقی که
میخواستند میکردند و بسیاری پیغمبران را کشتند حق سبحانه و تعالی از دو طرف [illegible] ایشان [illegible]
یکطرف فراعنه مصر را بر ایشان مسلط کرد [illegible] و دیگر پادشاهان عجم را که [illegible]

قتل و اسیر و غارت در میان ایشان بود تا حق سبحانه و تعالی اشموئیل پیغمبر را بر ایشان فرستاد و ایشان را
جمع کرد و مشورت نمود که بشود که از حق سبحانه و تعالی از میان شما پادشاهی مقرر سازد شما اطاعت او بکنید
کفار جهاد کنید حق سبحانه و تعالی شما را میسر کرد ایشان قبول کردند چنانکه حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید
یاد کرده است و طالوت را حق سبحانه و تعالی پادشاه ایشان کرد و با جالوت جنگ کردند و جالوت بر دست حضرت
داود کشته شد تا آنکه داود پادشاه ایشان شد بعد از آن دشمنی داود را در دل گرفتند مثل دشمنی [illegible]
با حضرت امیرالمومنین صلوات الله و سلامه علیه و آله حال نظر کنید که این سگان یهود جهاد دشمنی داود و
سلیمان در این تاریخ زیاده کرده اند بلکه داود را بت پرست کرده اند یا سلیمان و هر دو را از پادشاهان جاهل
سلاطین و پیغمبر نداشته اند و با اولاد لوط بد شده اند و میان بنی اسرائیل و ایشان محاربات واقع شده و اصل لوط
تحریف نقل کرده اند که چون حق سبحانه و تعالی شهرهای قوم لوط را خراب کرد و لوط در میان جمعی دیگر رفت که آنها نیز
کافر بودند و آنجا عزم اراده خواستگاری دختران او کردند حضرت لوط قبول نکرد دختران با خود ذکر کردند که آخر
ما عزب نمانیم و بی نسل بمانیم یکی شراب بخورد لوط داد و چون لوط مست شد با او جماع کرد و شب دیگر دختری
دیگر چنین کرد و هر فرزندی که از لوط بهم رسید همه ولد الزنا اند و چنین اولاد هارون برادر [illegible] حکم موسی ملامت شدند
و چون ایشان را تادیب میکردند و در اصل توریه حکایت سامری را همه نسبت بهارون داده اند که هارون خود گوساله
را ساخت و پرستید و همه بتبعیت هارون پرستیدند با آنکه میتوان گفت که ثلث توریه در شان هارون و [illegible]
اوست و لباسهای که حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام از جهة پادشاهی او مقرر ساخته ذکر کرده [illegible]
که حضرت نوح علی نبینا و علیه السلام زیر جامه در پا نداشتند و شب بخواب رفته بود و باد جامه او را برداشته [illegible]
یافث هر دو پایش خود لواطه کردند و حضرت علیه السلام بیدار نشد تا آخر که بیدار شد و سام او را خبر داده که
اینها با تو چنین کردند حضرت نوح علی نبینا و علیه السلام نفرین کرد بر ایشان و بر اولاد ایشان که [illegible]
هرچند اولاد ایشان باشند بنا بر اینست که اولاد یافث که در طرف شمال اند از ترکستان [illegible]
ایشان و اولاد حام که هندوستان اند همه بنده اولاد سام اند که از اهل ایران باشند مجملا هر که مطالعه توریه
[illegible] کند [illegible] که محرف اند و هنوز توریه که در آنجا هست و باطل هم است و انجیل که چهار روایت مختلف نقل
کرده اند و هر یک [illegible] ناصر انند انجیل کتاب [illegible] یوحنا است و یکی لوقا [illegible]

[illegible] و آن حکایت ولادت عیسی [illegible] که باعتقاد ایشان حضرت [illegible] کشیدند و آنچه ایشان در این
انجیل نقل کرده اند که اکنون در آن بوده پیغمبر ما صلوات الله و سلامه علیه و آله خبر از نبوت آنحضرت داده بود هر
هر که نظر کند در آن جزم میکند که احتمال ندارد که آنحضرت علی نبینا و علیه السلام نبی باشد از آنجمله در چهار انجیل نسب
حضرت عیسی را درست کرده اند که پسر یوسف نجار است که چون یوسف حضرت مریم را خواستگاری نمود دید آبستن است گفت
[illegible] میدانم پس ظاهر شد که البته خدا با مریم جماع کرده است و این پسر خداست و از [illegible] باب فرزند
که هر که اندک عقلی داشته باشد میداند که این انجیل [illegible] آن نزد ائمه معصومین است صلوات الله علیهم که از انجا
بسیار خبر داده اند از نصایح و مواعظ و ان شاء الله از هر دو نقل خواهد شد مجملا مصنف میگوید که جهال اهل کتاب
بگمان باطل خود چنین نقل کرده اند که حضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام در روزی از روزها مشغول شد بانکه
اسبانرا بر او عرض مینمودند تا آفتاب فرو رفت و نماز آنحضرت فوت شد پس حضرت سلیمان بخاطر شریف آمد که نماز
نکرده است بشومی اسبان امر کرد تا اسبانرا برگردانیدند و همه را کشتند بانکه بعضی را پی کردند و بعضی را گردن زدند
و آن هزار اسب بود که از حضرت داود با آنحضرت رسیده بود بمیراث یا از غنایم شام یافته بود و بعضی گفته اند
که اسبان دریائی پرنده بودند که جنیان برسم هدیه از جهة آنحضرت علیه السلام آورده بودند و حضرت سلیمان علی نبینا
و علیه السلام گفت که چون این اسبان مرا از یاد خدا باز داشت اینها را کشتم و کتبهای ایشان آنرا تصدیق نمودند و قریب باین
نیز ذکر کرده اند بسیاری از سنیان و آنچه گفته اند خلاف واقع است و حاشا که حضرت سلیمان علیه السلام که
پیغمبر خدا باشد [illegible] کند که اسبان بی گناه را بکشد زیرا که اسبان خود را بر آنحضرت علیه السلام عرض نکردند بلکه
[illegible] دیگران بر آنحضرت عرض نمودند با آنکه اگر اسبان خود را بر آنحضرت عرض مینمودند نیز گناه نداشتند چون مکلف
نیستند بلکه حق آنست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در تفسیر آیه فرمودند که در روزی در وقت عصر حضرت
سلیمان علی نبینا و علیه السلام مشغول عرض اسبان شدند تا آفتاب فرو رفت پس حضرت امر فرمود فرشتگان را که آفتاب
را برگردانند [illegible] نماز فضیلت بجا آورم پس فرشتگان موکل بر آفتاب آفتاب را برگردانیدند پس آنحضرت علی
نبینا و علیه السلام برخاستند و اول وضو ساختند با آنکه آب بر ساق پا [illegible] کردن [illegible] و جمعی که با آنحضرت
بودند که نماز از ایشان فوت شده بود امر کرد ایشانرا تا وضو ساختند بهمین عنوان چون وضوی ایشان
[illegible] بود که [illegible] ساق و گردن خود را [illegible] پس نماز را بجا آوردند و چون از نماز فارغ شدند آفتاب فرو رفت

وستارگان ظاهر شد و اینست مراد از قول الهی تعالی شانه که فرموده است که ما سلیمان را بداود عطا کردیم [illegible]

ملامت او بسیار توبه کننده بود با آنکه پیغمبران از مقام قرب مع الله بمرتبه [illegible] ترک آن مبتلا شده بود [illegible]

قرب حضرت الله تا آنکه بر آنحضرت علی نبینا و علیه السلام وارد شد که در وقت عصری بر او عرض نمودند اسبان را که

بر صفحات [illegible] و سر و سم پای چهارم [illegible] بر زمین میگذاشتند و این نوع اسب بسیار نفیس میباشند و آن اسبان

تند رو بودند بسیار نفیس پس چون حضرت ملاحظه نمودند که آفتاب فرو رفته است با خود گفتند که [illegible]

اسبان مرا از ذکر الهی باز داشت تا آنکه وقت فضیلت نماز من گذشت ای فرشتگان آفتاب را برگردانید تا نماز

را در وقت فضیلت بجای آورم پس شروع در وضو کردند و نماز را بجا آوردند و تحقیق که این حدیث با اسناد

آن در کتاب فوائد ذکر کرده ام و چون تصحیح آن کرده است ظاهر میشود که سند آن صحیح است باصطلاح [illegible]

و ممکن که مراد مصنف از صحیح این باشد که آنچه اهل کتاب نقل کرده اند مخالف عقل نیست پس شاید که این خبر که [illegible]

عقل صحیح باشد و اظهر آنست که هر دو معنی مراد است قریب باین خبر عامه و خاصه روایت کرده اند از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه بطرق متعدده و چون تاخیر صلوة از وقت فضیلت معصیت نیست در آن بر انبیا

جائز نیست و بلاف بسیار از علماء خاصه وارد شده است [illegible] نماز نافله بوده یا وردی از اوراد [illegible] بوده

یا تاخیر از وقت فضیلت بود یا بسبب آن آنحضرت صلوات الله علیه غافل ساخته تا رتبه آنحضرت ظاهر شود در رد

شمس ما آنکه کسیکه قدرت بر رد شمس دارد تاخیر او جائز است چون البته نماز را در وقت بجا خواهد آورد والله تعالی

یعلم و قد روی ان الله تبارک و تعالی رد الشمس علی یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام حتی صلی الصلوة

التی فاتته فی وقتها و تحقیق که منقولست از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله

و سلامه علیهم که حق سبحانه و تعالی آفتاب را برگردانید از جهت یوشع بن نون که وصی حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام

بود بسبب حربی که با کفار میکرد تا وقت فضیلت نماز بدر رفت و یوشع دعا کرد تا حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] را [illegible] بجا آوردند و قال النبی صلی الله علیه و آله یکون فی هذه الامة کل ما کان فی بنی اسرائیل

حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة و قال عز و جل سنة الله التی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا

و قال عز و جل [illegible] و لا تجد لسنتنا تحویلا و منقولست بطرق متکثره از عامه و خاصه که حضرت سید المرسلین صلی

الله علیه و آله فرموده اند که در این امت واقع خواهد شد هر چه در بنی اسرائیل واقع شده مانند مساوی بودن [illegible]

[illegible] مانند مساوی بودن پرهای هر تیری با تیر دیگر و حق سبحانه و تعالی فرموده است که این سنت الهی است

[illegible] پیش از این واقع شده است و قضای [illegible] سنت الهی را تبدیل نیست مکرر فرموده است که [illegible]

با آنکه ممکن است [illegible] از حضرت باشد و ممکن است که از صدوق [illegible] در اخبار [illegible] کرده باشد [illegible] ائمه معصومین

صلوات الله و سلامه علیهم در امثال این اخبار استشهاد باین آیات فرموده اند و علی ای حال [illegible]

و آنچه [illegible] بیاید که رد شمس دو مرتبه بشود چنانکه در بنی اسرائیل دو مرتبه شد قطع نظر از اخبار [illegible] وقوع

رد شمس دو مرتبه مع هذا خاصه و عامه روایت کرده اند خبر رد شمس را در این امت دو مرتبه و ممکن که از

صدوق باشد ۷ علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه فی هذه الامة رد الله علیه الشمس مرتین

مرة فی ایام حیوة رسول الله صلی الله علیه و آله و مرة بعد وفاته صلی الله علیه و آله اما فی ایامه صلی الله علیه و آله

فروی عن اسماء بنت عمیس انها قالت بینما رسول الله صلی الله علیه و آله نائم ذات یوم و رأسه فی حجر علی

صلوات الله علیه ففاتته العصر حتی غابت الشمس فقال اللهم ان علیا کان فی طاعتک و طاعة رسولک

فاردد علیه الشمس قالت اسماء فرأیتها و الله غربت ثم طلعت بعد ما غربت و لم یبق جبل و لا ارض

الا طلعت علیه حتی قام علی صلوات الله علیه فتوضأ و صلی ثم غربت [illegible] برگشتن آفتاب

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه در این امت و چون در بنی اسرائیل دو مرتبه رد شمس شده در این امت

نیز دو مرتبه شد یکمرتبه از جهت آنحضرت صلوات الله علیه یکمرتبه در حیات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله و یکمرتبه بعد از وفات آنحضرت علیه و آله الصلوة و السلام واقع شد اما آنچه در ایام حیوة آنحضرت واقع شد

[illegible] روایت باسانید قویه از طرق عامه و خاصه و قاضی عیاض از علمای عامه و [illegible] ۷ این حدیث را

[illegible] جمله معجزات آنحضرت شمرده است و [illegible] از علمای عامه و از طرق خاصه نیز باسانید معتبره منقول

[illegible] حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله بخواب رفتند و سر آنحضرت در کنار حضرت

امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام بود تا آنکه نماز عصر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] آنکه آفتاب

فرو رفت و چون حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله بیدار شدند [illegible] حضرت امیر المؤمنین

[illegible] پرسیدند حضرت فرمودند که نماز عصر [illegible] بیدار کردن شما

[illegible] آفتاب فرو رفته است حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله گفتند که [illegible]

در این امت ۲

تجربت هذه السنة فی [illegible]

۱۹

حکم بصحت [illegible]

ايما

علی در فرمان برداری تو و فرمان برداری رسول تو بود تا نماز او فوت شد آفتاب را از جهة او برگردان
گفت که والله که آفتاب را دیدیم که فرو رفته بود و بسبب دعای حضرت صلوات الله وسلامه علیه و آله
طالع شد بعد از غروب و نماند کوهی و زمینی مگر آنکه آفتاب بر آن تابید تا حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه برخاستند و وضو ساختند و نماز گذاردند پس آفتاب فرو رفت و ممکنست که حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام نماز را بایما کرده باشند یا آنکه چون تا ذهاب حمره مشرقیه وقت اضطراری است آنحضرت
فوت نشده باشد و از وقت فضیلت فوت شده باشد و در روایت معتبره وارد است که رد شمس در مدینه مشرفه
در مسجد فضیخ شد چنانچه بعد از این در فضل مساجد و طهارت ذکر کرده است و بسند صحیح که در صهبا واقع شده
خبر و صدوق نیز بسند معتبر روایت کرده است که رد شمس در صهبا واقع شد و در مسجد الفضیخ از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله وسلامه علیه روایت کرده است که علت تأخیر حضرت نماز عصر این بود که چون آنحضرت از نماز ظهر
فارغ شدند کاسه سر آدمی با آنحضرت بسخن آمد و گفت که من پادشاهی بودم و احوال بسیار از حالات خود با آنحضرت
عرض نمود تا آنکه چون حکایت او تمام شد حضرت نماز عصر را نکرده بودند و چون آنحضرت بخدمت حضرت آمدند
حضرت آثار وحی ظاهر شد سر خود را در کنار آنحضرت گذاشتند و ممکنست که در حیات حضرت صلی الله علیه و آله
وسلم دو مرتبه واقع شده باشد و آنچه در صهبا واقع شده باشد اسما در آنجا حاضر بوده باشد و آنچه در مسجد فضیخ
واقع شده است ایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل کرده است که در اخبار رد شمس شد از جهة من
چنانکه در حدیث معتبر وارد است اما خواب حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله در احادیث
بسیار وارد شده است که خواب و بیداری آنحضرت مساوی بود و در خواب علم آنحضرت صلی الله علیه و آله
وسلم بآنچه واقع میشد مثل بیداری بود پس ممکنست که حضرت را آنکه علم داشته باشند که حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام نماز نکرده است بر نخواستند چون میدانستند که دعا میتوانند کرد [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] خواهند کرد و در چنین [illegible] تأخیر ضرر نداشته باشد تا فضیلت آنحضرت ظاهر [illegible]
و ممکنست که خواب نبوده باشد و اسما خیال کرده باشد که حضرت بخواب رفته است بلکه غش [illegible] باشد که آنحضرت
همیشه در مقام قرب [illegible] بوده [illegible] و چون آنحضرت صلوات الله وسلامه علیه و آله [illegible] بود
و متوجه عالم قدس بودند بخبر از این عالم نداشته باشند اما ظاهر آنحضرت همیشه در مقام [illegible] الجمع بودند

[illegible] جمع بآنجناب [illegible] از توجه باین جانب شود اما ظاهرا چنین بوده باشد که با وجود عدم مانعست متوجه
این عالم نشوند چنانکه در خبر مستفیض وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله
فرمودند که [illegible] با جناب اقدس الهی وقتی هست که در آن حالت گنجایش ندارد نه ملک مقرب و نه نبی مرسل
و این مقام ادنی مقام تقربات و جوانست که تمامات حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله
را بغیر واصفه ادراک نمیتوان کرد چنانکه هیچ شک نیست که عوام مراتب فضلا را ادراک نمیتوانند کرد
همچنین فضلای علوم ظاهره علوم و کمالات فضلای علوم باطنه را ادراک نمیتوانند کرد مگر علی سبیل الاجمال
چنانکه [illegible] سابقا [illegible] قدس سره [illegible] و محقق طوسی رضی الله عنه و ابو علی نیز اشاره بآن کرده اند و بر این
قیاس هر چه بالا رود تا اعلی مقامات حضرت سید الموحدین والعاملین والواصلین و اما بعد وفات
النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ رُوِيَ عَنْ جُوَيْرِيَةَ بْنِ مُسْهِرٍ أَنَّهُ قَالَ أَقْبَلْنَا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ مِنْ قَتْلِ الْخَوَارِجِ إِذَا قَطَعْنَا فِي أَرْضِ بَابِلَ حَضَرَتْ صَلَوٰةُ الْعَصْرِ فَنَزَلَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَنَزَلَ النَّاسُ فَقَالَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هٰذِهِ
أَرْضٌ مَلْعُونَةٌ قَدْ عُذِّبَتْ فِي الدَّهْرِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ وَفِي خَبَرٍ آخَرَ مَرَّتَيْنِ وَهِيَ تَتَوَقَّعُ الثَّالِثَةَ وَ
هِيَ إِحْدَى الْمُؤْتَفِكَاتِ وَهِيَ أَوَّلُ أَرْضٍ عُبِدَ فِيهَا وَثَنٌ وَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لِنَبِيٍّ وَلَا لِوَصِيِّ نَبِيٍّ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهَا
فَمَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يُصَلِّيَ فَلْيُصَلِّ فَمَالَ النَّاسُ عَنْ جَنْبَيِ الطَّرِيقِ يُصَلُّونَ وَرَكِبَ هُوَ صَلَوَاتُ
اللهِ عَلَيْهِ بَغْلَةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَضَى قَالَ جُوَيْرِيَةُ فَقُلْتُ وَاللهِ لَأَتْبَعَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَلَأُقَلِّدَنَّهُ صَلَوٰتِيَ الْيَوْمَ فَمَضَيْتُ خَلْفَهُ فَوَاللهِ مَا جُزْنَا جِسْرَ سُورَاءَ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ
فَشَكَكْتُ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ يَا جُوَيْرِيَةُ أَشَكَكْتَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَزَلَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
نَاحِيَةً فَتَوَضَّأَ ثُمَّ قَامَ فَنَطَقَ بِكَلَامٍ لَا أَحْسَبُهُ إِلَّا كَأَنَّهُ بِالْعِبْرَانِيِّ ثُمَّ نَادَى الصَّلَوٰةَ فَنَظَرْتُ وَاللهِ
إِلَى الشَّمْسِ قَدْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْنِ جَبَلَيْنِ لَهَا صَرِيرٌ فَصَلَّى الْعَصْرَ وَصَلَّيْتُ مَعَهُ فَلَمَّا فَرَغْنَا مِنْ صَلَوٰتِهِ عَادَ اللَّيْلُ
كَمَا كَانَ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ يَا جُوَيْرِيَةَ بْنَ مُسْهِرٍ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ وَإِنِّي
سَأَلْتُ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ بِاسْمِهِ الْعَظِيمِ فَرَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ وَرُوِيَ أَنَّ جُوَيْرِيَةَ لَمَّا رَأَى ذٰلِكَ قَالَ وَصِيُّ نَبِيٍّ
[illegible] اما آنچه بعد از وفات حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله واقع شد پس بدرستی که

منقول است باسانید صحیحه کالصحیحه از جویریة بن مسهر که از خواص حضرت امیرالمؤمنین امام المتقین صلوات الله علیه بود
منقول است که آنحضرت سه مرتبه او را بشارت بهشت داده اند که جویریه که در خدمت حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام بودم در رجوع از قتال خوارج تا آنکه بزمین بابل رسیدیم و آن در حوالی حله است و حله در آن اوقات
شهر نبود و بعد ساخته اند چنانکه نجف اشرف در آن اوقات کم بود و بغداد در آن اوقات مدائن ساخته اند و وقت
نماز عصر شد پس حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرود آمدند و لشکر حضرت فرود آمدند پس حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که ای مردمان این زمین ملعونست محل عذاب الهی و سه مرتبه اهل آن بعذاب الهی معذب
شده اند و در حدیث دیگر وارد شده است که دو مرتبه معذب شده اند و انتظار مرتبه سیم میکشد و زمین بابل یکی
از زمینهاست که حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید وصف فرموده است بمؤتفکه یعنی سرنگون شده یا خسف شده
مثل شهرهای حضرت لوط یا مجاز از چون خراب شده است بسبب اعمال قبیحه ایشان و شهری که خراب شد در
عرف آنرا میگویند که سرنگون شده است مجاز او ظاهر امر تبه سیوم خراب شدن کوفه بود بسبب اعمال قبیحه
ایشان و ظاهر آکوفه و مدائن نیز از زمین بابل باشد و این اول زمینی است که در آنجا بت پرستیده اند و نیست
که جایز نیست هیچ پیغمبری و هیچ وصی پیغمبری را که در این زمین یا در امثال این زمین نماز کند اما شما را
جایز است پس هر که از شما خواهد که نماز کند نماز کند پس مردمان میل بجانبهای راه کردند و مشغول نماز
شدند چون در راه مکروه هست چنانکه خواهد آمد بهمه اد و امثال این زمینها و حضرت صلوات الله علیه بر استر
حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله سوار شدند و روانه شدند جویریه گفت که من با خود
گفتم که والله که من متابعت آنحضرت صلوات الله وسلامه علیه میکنم و هرجا که آنحضرت نماز کنند من نیز در آنجا
نماز میکنم پس من از عقب آنحضرت روانه شدم پس بالله که از نهر سورا که آب فرات حله است نگذشته
که آفتاب فرو رفت پس من بشک افتادم که حضرت نماز نکردند و این منافات امامت دارد و تا
[illegible] که از لازم بشریه است پس حضرت رو بمن کرد که ای جویریه شک کردی پس گفتم بلی یا امیر
حضرت علیه الصلوة والسلام دفع شک او فرمودند با خبار از غیب پس برد شمس پس حضرت [illegible] بر آمدند
از گوشه و وضو ساختند پس برخواستند و بسخنی گوش داشتند که شبیه بزبان عبری بود [illegible]
ما امر کردند مرا باذان چنانکه در روایت دیگر وارد است پس بالله که نظر کردم بسوی آفتاب

دیدم آمد و صدای عظیم داشت پس آن حضرت علیه السلام نماز عصر را بجا آوردند و من اقتدا بآنحضرت کردم چون
از نماز فارغ شدند شب شده بخو سابق پس حضرت علیه الصلوة والسلام رو بجانب من کردند و فرمودند که ای جویریه
بن مسهر حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است خطاب بمن فرموده است که تسبیح کن باسم عظیم پروردگار
خود و من سؤال کردم خدا وند عالمیان را باسم عظیم او که آفتاب را برگرداند از جهت من و حق سبحانه و تعالی
دعای مرا مستجاب کرد و غرض از ذکر این معنی این بود که مبادا جویریه حمل بسحر کند یا غالی شود و بر تو نیست که
چون جویریه این معجزه را دید گفت که بحق پروردگار کعبه که علی وصی پیغمبر است یا تو وصی پیغمبری و امامت حق
تست که صاحب معجزاتی و صدوق این خبر را در علل بهمین مضمون بغیر این عبارت ذکر کرده است بعد از آن
گفته است که اخبار که در معنی وارد شده است در کتاب معروف ذکر کرده ام و غرض از اظهار قرائن بیان است
مسجد شمس و رد حلّه از آفتاب مشهور است و مردمان در آنجا زیارت میروند و حاجات از حق سبحانه و تعالی
طلب میکنند و مستجاب میشود و جمعی که در آنجا می بودند چیزهای غریب نقل میکردند و هرچه از معجزات آنحضرت
و سایر حضرات ائمه معصومین صلوات الله وسلامه علیهم ذکر کنیم یعنی بطریق صدوق یا مانند این حضرت را
در فهرست ذکر کرده است خواهد آمد گرچه اسانید بسیار غیر اینها داشته است که در کتب معتبره ذکر
کرده است قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ لِلصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْفَرَائِضِ الَّتِي
فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا هِيَ قَالَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ وَإِقَامُ الصَّلَوٰةِ الْخَمْسِ
وَإِيتَاءُ الزَّكَوٰةِ وَحَجُّ الْبَيْتِ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْوِلَايَةُ فَمَنْ أَقَامَهُنَّ وَسَدَّدَ وَقَارَبَ وَاجْتَنَبَ كُلَّ
مُسْكِرٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ و بسند حسن کالصحیح مرویست که سلیمان بحضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام عرض نمود
فدای تو گردم خبر ده مرا از واجباتی که حق سبحانه و تعالی بر بندگان خود واجب کرده است که کدام است پس حضرت صلوات
[illegible] فرمودند که آنست که گواهی دهی او نیست بوحدانیت الهی و برسالت حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله
و نمازهای پنجگانه و دادن زکوة و حج خانه کعبه و روزه ماه رمضان و امامت ائمه معصومین صلوات الله علیهم
پس کسی که برپا کند اینها را و بجا آورد صحیح بجا آورد از جهة رضای الهی بجا آورد یا آنکه اعمال خود را هر خوب کند
[illegible] و اجتناب کند از هر مسکر داخل بهشت میشود البته و در بعضی نسخ النجدة کل مسکر است
[illegible] از جمیع معاصی کبیره یا کبیره و صغیره بدانکه اخبار متواتره بر این مضمون وارد شده است از ائمه معصومین

علیهم السلام اصول دین و فروع آنرا با یکدیگر ذکر فرموده اند و از هر دو آنچه ایشان بسیار فرموده اند و جو…
اوقات علمای اهل سنت در خدمت ایشان میبوده اند و نقل احادیث ایشان میکرده اند و ولایت را با این جماعت
ذکر نکرده اند و بیان ولایت را بمعنی محبت فهمیده اند و شیعیان امامت و جمیع ائمه را معنی امامت فهمیده اند
ولیکن بعضی فقهای شیعه همه مذهبی را خوب فهمیده اند چنانکه میر سید شریف در شرح مواقف و مولانا
سعد الدین در شرح مقاصد و غیر ایشان در کتب خود ذکر کرده اند که این اختلافات فروعی است و مسئله
اجتهادیست هر چند خطا کرده باشند معذورند و اما در وقتی که تقیه نبوده است تصریح بکفر غیر امامی مینموده اند
و ائمه معصومین نیز … و احادیث بمعنی فوق تواتر است بمرتبه ای که … باسانید صحیحه متکثره
منقول است از ابو الیسع که عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که یا حضرت بیان فرما
که ستون بنای اسلام کدام است که هرگاه آنرا بدانم اعمال من صحیح است و اگر چه چیزی دیگر ندانم … حضرت
در جواب فرمودند که آن شهادتین است یعنی گواهی دادن با اعتقاد جازم بوحدانیت الهی و با اعتقاد جازم بنبوت
رسالت پناهی صلوات الله و سلامه علیه و آله و اقرار کردن بجمیع آنچه حضرت فرموده است از احوال مبدأ و معاد
و غیر آن و اگر زکوتی بر تو واجب باشد بدهی با اعتقاد بوجوب آن و اگر … که حق سبحانه و تعالی بآن
امر کرده است و آن حج و اقرار بامامت ائمه معصومین است صلوات الله و سلامه علیهم زیرا که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که هر که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد کافر مرده است و خدای تعالی فرموده است
که اطاعت کنید خدا و رسول و اطاعت کنید … اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم … و واجبست اطاعت ایشان
کردن حضرت امیر المؤمنین است پس بعد از آنحضرت حضرت امام حسن است و بعد از وی حضرت امام حسین
و بعد از وی حضرت علی بن الحسین است و بعد از وی حضرت محمد بن علی صلوات الله و سلامه علیهم و همچنین بقیه
ائمه معصومین علیهم السلام زیرا که زمین باقی نمیماند بی امام و هر کس که بمیرد و امام خود را …
نشناسد کافر مرده و محتاج ترین وقتی باین معرفت وقتی است که جان به سینه رسد …
سبب اعتقاد بائمه معصومین صلوات الله علیهم … معصومین را … و ایشان در مقام
نجات او در آن اوقات …
باسانید معتبره از … و ابوحمزه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه مرویست که بنای اسلام بر پنج

است و آن نماز است و زکوة و حج و روزهٔ ماه رمضان و حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله
در هیچ واجبی آنقدر مبالغه ننموده اند که در ولایت مبالغه کرده و در ولایت فرمودند که باواز بلند در غدیر خم فرمودند که
من کنت مولاه فعلی مولاه و … هفتاد هزار کس که با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بودند همه شنیدند تا بامام الغائب که
فرمودند و امر بمتابعت بقیه ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم فرمودند چنانکه خواهد آمد و بسند
صحیح و بسند کالصحیح از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة و السلام فرمودند که بنای اسلام بر پنج چیز
بر نماز است و زکوة و حج و صوم و ولایت ائمه معصومین سلام الله علیهم زراره گفت که عرض نمودم بخدمت آنحضرت
که از این پنج چیز کدام یک افضل است حضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که ولایت افضل است زیرا که ولایت
کلید باقی فرایض است و امام راه نمای مردم است بکیفیت فرایض گفتم بعد از ولایت کدام افضل است حضرت صلوات الله و سلامه
علیه فرمودند که نماز افضل است زیرا که حضرت سید الانبیاء صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که نماز ستون
دین شماست چنانکه خیمه و خانه بی ستون منهدم میشود همچنین دین بدون نماز درست نمیشود …
گفتم بعد از نماز کدام فاضلتر است حضرت فرمودند که زکوة چون حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید مقرون گردانیده است
نماز را با زکوة و اکثر جاها که امر بنماز فرموده است بعد از آن امر بزکوة فرموده است و ابتدا بنماز فرموده است
چون آن افضل است فرموده است که اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و خواهد آمد که نماز بی زکوة مقبول نیست
و حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که … زکوة گناهان را محو میکند گفتم بعد از آن
در فضل کدام است حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که حج است زیرا که حق سبحانه و تعالی فرموده است که …
بر مردمان حج خانه کعبه هر کرا زاد و راحله داشته باشد و کسی که کافر شود بترک حج بی نیازیست که حق سبحانه
بی نیاز است از عالمیان و تهدید … که در این آیه است در ابواب حج خواهد آمد و حضرت سید الانبیاء صلوات الله
… و آله فرمودند که یک حج مقبول بهتر است از بیست نماز نافله و هر که هفت شوط طواف کند و حساب آنرا
نگهدارد یا با حضور قلب باشد و دو رکعت نماز طواف را با حضور قلب بجا آورد حق سبحانه گناهان او را
بیامرزد و حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله در روز عرفه … فرمودند آنچه فرمودند
در فضایل … گفتم که دیگر کدام افضل است حضرت فرمودند که روزه … گفتم که چرا روزه در عقب
است در فضل و حال آنکه حضرت سید الانبیاء صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که روزه سپر آتش جهنم است

پس حضرت علیه و آله الصلوة والسلام فرمودند که افضل عبادات عبادتیست که بی‌ملالت شده باشد البته آن را بجا
آورد در همه احوال چنانکه نماز در هر حالی که باشد آن را بجا آورد اگر در جان کندن باشد یا در حرب و شمشیر زدن
و خوردن باشد البته مسامحه نکرده بجای آورد و حج و زکوة و کفاره بسبب نزول نعمتی که در بسیاری از احوال
بدل آن کفاره میدهد و اگر بیمار باشد یا مسافر افطار میکند و قضا میکند پس حضرت فرمودند که بلندی
دین و کلید آن و باب همه خیرات و رضای حق سبحانه در اطاعت امامست بعد از معرفت او و حق سبحانه و تعالی
فرموده است که هر که اطاعت رسول کند اطاعت خداوند خود کرده است و کسی که پشت کند و اطاعت نکند ما ترا نفرستادیم
که حافظ ایشان باشی بلکه برتست که رسالت ما را برسانی هر که قبول کند به بهشت رود و هر که نکند بجهنم و حضرت
سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله بکرات و مرات امر باطاعت ایشان فرمود و بیان آیاتی که
در وجوب متابعت ایشان آمده بود کرده‌اند بدرستی و راستی که اگر شخصی شبها بعبادت الهی باشد و روزها
روزه باشد و جمیع اموالات خود را در راه خدا صرف کند و تمام عمر باشد حج کند و نداند امامت ائمه
خود را و همه اعمال خود را بجا نیارد و او را حقی بر حق سبحانه و تعالی نیست که لازم باشد که او را ثواب دهد و آن
اهل ایمان نیست و لیکن اگر مستضعف باشند و عقل و تأهل بدین نداشته باشند و مدت عمر خود کارهای خیر کرده
باشند حق سبحانه و تعالی بر سبیل تفضل ممکنست که ایشان را به بهشت برده نه بر سبیل استحقاق چون امامت ائمه
از اصول دین است و شرط جمیع عبادات مثلا اگر کسی مدت عمر نماز بی‌وضو کرده باشد یقینا بر آن نمازها ثوابی
ندارد بلکه مستحق عقوبت الهیست و ممکن که حق سبحانه و تعالی بفضل و رحمت خود او را بیامرزد و بسند صحیحه
کالصحیح از ابو حمزه و غیر او از فضلای اصحاب حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
صلوات الله و سلامه علیهم منقولست که فرمودند که بهترین بقعه‌ها و فاضلترین مسجدها و مواضع حطیم است و آن از رکن
حجر است تا مقام حضرت امام ابراهیم علی نبینا و علیه السلام و اگر کسی هزار سال کم پنجاه سال
تا مدت عمر نوح علی اختلاف الروایات المختلفه روزها روزه باشد و شبها بر پای ایستاده تا صبح عبادت کند
چون از دنیا برود یکی از ائمه خود را نشناسد ثواب او ضایع بود و از آن عبادات بهیچ نفع نخواهد داشت و
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِنَّ أَفْضَلَ مَا يَتَوَسَّلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ الْإِيمَانُ بِاللهِ وَرَسُولِهِ
وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا

مواضع

فَرَائِضُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالصَّوْمُ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِهِ وَحَجُّ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْفَاةٌ لِلْفَقْرِ وَمَدْحَضَةٌ
لِلذَّنْبِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ وَمَنْسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ وَصَدَقَةُ السِّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ وَ
وَتُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَصَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ وَتَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ
أَلَا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَجَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ يُجَانِبُ الْإِيمَانَ أَلَا إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى
شَفَا مَنْجَاةٍ وَكَرَامَةٍ أَلَا إِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا مَخْزَاةٍ وَهَلَكَةٍ أَلَا وَقُولُوا خَيْرًا تُعْرَفُوا بِهِ وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا
مِنْ أَهْلِهِ وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ وَصِلُوا أَرْحَامَ مَنْ قَطَعَكُمْ وَعُودُوا بِالْفَضْلِ عَلَى مَنْ
حَرَمَكُمْ و بسند کالصحیح از آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه منقولست که فرمودند که افضل عباداتی
که متوسلان بآن توسل جویند و آن را سبب نجات خود کردانند ایمانست بخدا و رسول او یعنی آنکه اعتقاد کند وجود
واجب الوجود و وحدت او را و عالم و قادر داند بعلم و قدرتی که عین ذات اوست و یقین بداند رسالت
حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله و عصمت او را صلی الله علیه و آله و اعتقاد کند بحقیقت
آنچه فرموده است از امامت ائمه اثنا عشر صلوات الله و سلامه علیهم و ثواب و عقاب و غیر آن از چیزها
۲۳
در قرآن و اخبار متواتره وارد شده است که آنحضرت آن را فرموده‌اند دیگر جهاد فی سبیل الله است هر گاه
شرایط آن محقق باشد دیگر کلمه اخلاص است و آن کلمه لا اله الا الله است با شرایطش و از جمله آن
شهادتین برسالت و امامت است بسبب درستی که باین کلمه ظاهر میشود که بر فطرت اسلام است و جمعی اظهار
کلمتین را جزو ایمان میدانند و جمعی واجبی بر سر خود میدانند و ظاهر اینحدیث امثال این جزویه است
بعضی
دیگر برپای داشتن نماز است یعنی نمازهای پنجگانه یا مطلق نمازهای واجب بدرستی که اقامت نماز
ملت اسلامست یعنی دین اسلام بآن دیگر دادن زکوة است اگر واجب باشد بدرستی که زکوة مال
الزام فریضه عظیمه الهی است تعالی شأنه دیگر روزه است که آن سپریست و حافظ از عذاب الهی دیگر
حج خانه کعبه است بدرستی که آن سبب دفع فقر است و ازاله گناهان دیگر صله رحم است که با خویشان
خود نیکی کند هر چه مقدورش باشد بدرستی که آن سبب زیادتی مال و درازی عمر است دیگر تصدق
پنهان دادنست بدرستی که گناهان را و آتش را فرو می‌نشاند غضب الهی را اگر مستحق غضب او شده باشد
دیگر نیکیها کردنست زیرا که دفع میکند مرگ بد را و حفظ میکند از بلاهای که سبب خواریست در دنیا

وعقبی بد بسی است بلکه راست بگوید که حق سبحانه و تعالی با صادقان است و از دروغ اجتناب کند که
دروغ ایمان آدمی را میبرد یا دروغگو ایمان ندارد بخلاف بدبسی که راست گو نزدیک است بحق
و کرامت الهی و بدبسی که دروغگو نزدیک است [illegible] و هلاک آخرت و نهار که تا توانید سخن خیر
بگوئید تا معروف شوید بخوبی و عمل کنید بخیرات تا از اهل خیر شوید و ادا کنید امانت را بر که شما را
امین کند و صله رحم کنید خویشانی را که از شما قطع کنند و تفضل کنید بر کسانیکه شما را از خیرات خود
محروم ساخته باشند و هر چند این حدیث وارد شده است بر هر فقره از فقرات آن احادیث صحیحه بسیار
وارد شده است اکثر خواهد آمد ان شاء الله تعالی و روی معمر بن یحیی قال سمعت اباجعفر صلوات
الله علیه اذا جئت بالخمس الصلوات لم تسئل عن صلوة و اذا جئت بصوم شهر رمضان لم تسئل
عن صوم و بسند صحیح مرویست از معمر که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و سلامه که
هرگاه نمازهای پنجگانه را تمام بجا آورده باشی حق سبحانه و تعالی ترا سوال نخواهد کرد از نماز دیگر و هرگاه
روزهای ماه مبارک رمضان را گرفته باشی ترا سوال نخواهند کرد از روزه دیگر و ظاهر این حدیث آنست که
از هیچ نماز و هیچ روزه دیگر سوال نخواهند کرد خواه واجب خواه سنت و این از تفضل الهی است هرچند بسبب
ترک واجبات مستحق عقوبات الهی شده باشد تفضلا از و سوال نخواهند کرد و ممکن است که مراد عدم سوال
از نوافل باشد در صلوة و صوم چون واجبات دیگر [illegible] هرچند احادیث بسیار
در مذمت تارک سنن وارد شده است و خواهد آمد و لیکن بسبب ترک آن از ثوابهای عظیم خود را محروم
ساخته است و مستحق عقوبات الهی نشده است مگر آنکه استخفاف کند بنوافل و ترک آنها را سهل داند
که در آن صورت بسبب استخفاف مستحق عقوبت میشود و روی عن عائذ الاحمسی انه قال دخلت
علی ابی عبدالله صلوات الله علیه و انا ارید ان اسأله عن الصلوة فبدأنی فقال اذا لقیت
الله عز و جل بالصلوة الخمس لم یسئلک عما سواهن و مرویست بسند صحیح از عائذ احمسی که [illegible] که
گفت داخل شدم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و میخواستم که سوال کنم از آنحضرت از نمازهای سنت
سنت که بسیار بود که بجا نمی آوردم و نماز شب نمیکردم و میترسیدم که مبادا مستحق عقوبات الهی باشم و در راه [illegible]
رفقا میگفتم که مسئله میخواهم از حضرت بپرسم که شاید سبب فرح همه باشد چنانکه در اخبار کالصحیح دیگر [illegible]

شده است پس حضرت از روی اعجاز فرمودند بی آنکه من از آنحضرت سوال کنم هرگاه نمازهای پنجگانه را بجا آورده باشی
با شرایط در روز قیامت که حق سبحانه حساب خلایق خواهد فرمود ترا سوال نخواهد کرد از نمازهای دیگر یعنی مستحبات
یا اعم از واجبات دیگر و مستحبات [illegible] جواب است هرچند سوال
مستحبات فقط [illegible]
مذکور خواهد آمد ان شاء الله تعالی و روی عن مسعدة بن صدقة انه قال سئل ابوعبدالله صلوات الله علیه
ما بال الزانی لا تسمیه کافرا و تارک الصلوة تسمیه کافرا و ما الحجة فی ذلک فقال لان الزانی و ما
اشبهه انما یفعل ذلک لمکان الشهوة لانها تغلبه و تارک الصلوة لا یترکها الا استخفافا بها و ذلک لانک
لا تجد الزانی یأتی المرأة الا و هو مستلذ لاتیانه ایاها قاصدا الیها و کل من ترک الصلوة قاصدا
لترکها فلیس یکون قصده لترکها اللذة فاذا نفیت اللذة وقع الاستخفاف و اذا وقع الاستخفاف
وقع الکفر و بسند صحیح منقول است از مسعده و بعضی ذکر کرده اند که [illegible] کتاب او
اعتبار کرده اند و گفت که از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام پرسیدند چرا زناکار را کافر نمی نامید و تارک
نماز را کافر می نامید و حجت بر این چیست حضرت فرمودند که بجهت آنکه شخصی که زنا میکند یا مثل آن
امثال این اعمال قبیحه را میکند از جهة غلبه شهوت و کسی که ترک نماز میکند ترک نمیکند آنرا مگر از روی استخفاف
بآن زیرا که شخصی که زنا میکند شهوت عظیم بر او غلبه میکند بمرتبه که کور و کر میشود و آن عمل قبیح را بجا می آورد
بمرتبه میرسد که اختیار ندارد [illegible] و کسی که ترک نماز میکند شهوتی بر او غلبه نمیکند بلکه
بمحض استخفاف نماز آنرا میکند و هرگاه استخفاف واقع شود کفر واقع میشود بدانکه ظاهر حدیث مخالف [illegible]
بسیاری [illegible] اجماع مسلمین که تارک الصلوة کافر نیست بلکه فاسق است [illegible] حمل کرده اند این خبر را
[illegible]
کافر است [illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه [illegible]

از اسلام بیرون میبرد و اورا عقاب کند مانند مشرکان تا اینکه آیا در معرض خواهد بود یا عذاب او دائم خواهد بود

خواهد بود پس حضرت علیه الصلوة والسلام فرمودند که هرکه گناه کبیره بکند از جمله کبایر و آنرا حلال داند از اسلام

بیرون میرود و معذب خواهد شد بسختترین عذابها اما اگر اعتقاد بحرمت آن داشته باشد که گناه کرده است و توبه

نکرده بیرون از ایمان بدر رفته است از اسلام بیرون نرفته است و عذاب او سبکتر است از عذاب سابق و این

مضمون را روایت کرده است مسعدة بن صدقه که راوی حدیث معتبر است و در حدیث حسن کالصحیح وارد شده

از عبید بن زراره که گفت سوال کردیم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از گناهان کبیره پس حضرت

فرمودند که در کتاب حضرت امیر المؤمنین است صلوات الله علیه که گناهان کبیره هفت است کفر بخدا و نفس

عاقلی را بدون حق قتل نمودن و عقوق والدین و ربا خوردن بعد از آنکه

دانسته باشد که حرامست و خوردن مال یتیمان بظلم و گریختن از جهاد و تعرب بعد از هجرت یعنی اعرابی شدن

هجرت بسوی پیغمبر یا امام صلوات الله علیهم پس عبید میگوید که عرض نمودم که این هفت بزرگترین گناهان است

حضرت فرمودند که بلی گفتم که یک درهم از مال یتیم خوردن بظلم بزرگتر است یا ترک نماز حضرت فرمودند که ترک

نماز اعظم است عرض نمودم که شما ترک نماز را از جمله کبایر نشمردید این حضرت فرمودند که چه گفتم عرض کردم

که کفر را فرمودند این حضرت فرمودند که تارک نماز کافر است و راوی میگوید که مراد حضرت آنست که بی علتی

ترک کردن نماز کفر است و امثال این خبر بسیار وارد است و همه مئول است بآنچه گذشت و در حدیث صحیح وارد است

که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه کبایر را بیان فرمودند و فرمودند که یکی از آنها ترک نماز است

یا ترک واجبات نماز زیرا که حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه و آله فرمودند که هرکه

عمداً ترک کند نماز را پس او بری است از ذمه و عهد حق سبحانه و تعالی و از ذمه رسول صلی الله علیه و آله

یعنی بیزار و کافر شده چون ایشان در ذمه خدا و رسول داخلند و محتملست که مراد این باشد که حق سبحانه

تعالی او را رحم نخواهد کرد و حضرت رسول صلوات الله وسلامه علیه و آله او را شفاعت نخواهند فرمود چنانکه

از این حدیث ظاهر میشود که هرکه نماز صحیح نکند تا ... صلوة است ... ترک کند و اما اگر جاهل مسئله باشد

و عالم که دیده است مردمان نماز میکنند ایشان نیز نماز میکنند و گمان ایشان آنست که نماز است

ظاهرا چنین کسی داخل تارک الصلوة نباشد که بمنزله کافر باشد اگرچه فاعل القادح عیب واقع شده است

قسم اول آنکه نماز را بیدان و ظاهر میشود که یکی از ارکان یا شرطی از شرایط بجا نیاورد یا از واجبات ترک کرده

باشد یا حرامی را کرده باشد و واجبست که نماز را اعاده و قضا کند اما اگر عامی بوده از عالمی پرسیده و بفتوای او

نماز کرده اگرچه مذهب او که کرده باطل باشد واجب نیست که اعاده کند و همه افعال را بقصد وجوب بجا آورد تا صحیح

باشد چنانکه از اخبار و آثار ظاهر میشود که در زمان حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله

و سلامه علیه و علیهم چنین بوده است و واجب و سنت از هم فرق نمیکردند و همه را بنیت وجوب بجا میآوردند

کرده باشد ... نماز را باطل نمیکند چنانکه ان شاء الله در افعال صلوة مذکور خواهد شد و قال

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللهِ لَيْسَ

مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللهِ و در این مضمون حدیث بسیار وارد شده و حدیث صحیح از حضرت امام

محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیهما وارد است که حضرت سید المرسلین صلوات

الله وسلامه علیه و آله فرمودند که از من نیست از امت من کسی که سبک شمارد یا سبک بفعل آورد

نماز خود را یا آنکه ترک نماز کند یا ترک واجبی از واجبات آن کند و ممکن که شامل مستحبات نماز نیز

باشد بر سبیل مبالغه و در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد نه والله و از من نیست از امت من کسی که

مست کننده را بخورد خواه شراب انگور یا شراب عسل یا مویز یا بوزه بود و نبیذ که شامل همه مایع

بالاصالة مست کننده باشد و مشهور آنست که هر چه عقل را زایل گرداند چنانکه ظاهر عبارت حدیث است

و حدیثی وارد شده که مراد از مسکر مایع است ... همه جمع گفته اند و در حوض کوثر بر من وارد نخواهد

شد نه والله و یکیست که مراد قبل از شفاعت یا رحمت الهی باشد و مراد این باشد که تارک الصلوة و شارب

الخمر چند اعمال خیر بسیار کرده باشد مستحق دخول جنت نیستند تا عذاب جهنم را نکشند و بعد از استحقاق

عذاب بتفضل یا بشفاعت مستحق دخول جنت شوند و الله تعالی اعلم و قریب باین حدیث من حیث اللفظ

و المعنی روایت کرده است کلینی در حسن کالصحیح از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و قال الصادق صلوات

الله علیه إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ و بسند صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است

که فرمودند که چون پدرم نزدیک شد بوفات از دار دنیا بمن گفت که ای فرزند بدرستی که شفاعت ما نمیرسد بکسی که

نماز را سبک داند یا سبک کند و این نیز محمول است بر آنکه قطع نظر از رحمت الهی مستحق شفاعت نباشد

پس ممکنست که حق سبحانه و تعالی بر او رحمت کند و بخشایش یا رحم کند و بخصوص هرگاه ائمه معصومین صلوات الله
علیهم را در شفاعت این تارک صلات بنا بر آنکه متواتر است از حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه
علیه و آله که فرمودند که شفاعت خود را ذخیره کرده‌ام از جهت اصحاب کبایر از امتم و اگرچه ممکنست که این عام
مخصوص باشد باین اخبار و لیکن وسعت رحمت الهی تعالی شانه زیاده است و هو اولی و الله تعالی یعلم و قال رسول الله
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنِ اتَّقَى عَلَى ثَوْبِهِ فِي صَلَوٰتِهِ فَلَيْسَ لِلّٰهِ اكْتَسَى و منقولست که آنحضرت صلوات الله
و سلامه علیه و آله فرمودند که هر که ملاحظه تضییع جامه کند در نماز یعنی با آنکه بر خاک نماز بکند مثلاً که
مبادا گرد آلود شود پس آن جامه را از جهت حق سبحانه و تعالی نپوشیده است که اگر از جهت رضای او پوشیده
میبود نماز را جهت بهتر از جامه رعایت نمود چون شکستگی و خاکساری در نماز مطلوبست لهذا میگوید
بر آنکه میباید مومنان جامه را از جهت رضای الهی بپوشند که در آن جامه عبادت کنند و فرج خود را از نامحرم
بپوشانند بلکه اگر از جهت دفع گرما و سرما نیز بپوشند میباید که قصد کنند که چون حق سبحانه و تعالی امر
فرموده است بحفظ بدن تا عبادت توانند کرد بنا بر آن جامه میپوشیم بلکه اگر جامه‌های نفیس پوشند و قصد زینت
ایمان و علم کنند چون در نظر اکثر مردمان کسی که جامه کهنه بپوشد بی اعتبار است و این معنی سبب بی اعتباری علم میشود
خوبست بر جامه‌های زینت را هم بقصد رضای الهی بپوشند چنانکه گذشت که حضرات ائمه معصومین صلوات
الله علیهم زینت میفرمودند باین قصد اما نهایت اشکال دارد این قصد و وقتی معلوم میشود که در این قصد
صادقست که جامه‌های زبون و خوب همه نزد او یکسان باشد بلکه از زبون محظوظ‌تر باشد و این معنی بعد از
مجاهدات و ریاضات بسیار حاصل میشود و نفس و شیطان در امثال این امور مکرهای بسیار دارند بسیار
که زود فریب آنها را میخورند و اعمال خود را معیوب میکنند چنانکه غالبا چنین است که کسانی که
از این امور اجتناب میکنند امور دیگر هست اعظم از اینها که از آنها بغیر از حول و قوة الهی چیزی دیگر
ایشان نمیرسند و مشغول اند ... و اخبار در جامه‌های نماز مختلفست در بعضی از اخبار امر بجامه خشن
زبون شده است و در بعضی امر بجامه‌های نفیس شده است و ظاهر است که نسبت با قرب مردمان مختلف میشود و محسن
بحسب احوال هر شخص نیز مختلف میشود و الانسان علی نفسه بصیرة خود حال خود را بهتر میداند
اسلامست غالبا والله تعالی یعلم و روی زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال ...

الصلوة و سن رسول الله صلى الله عليه وآله عشرة اوجه صلوة السفر و صلوة الحضر و صلوة الخوف
على ثلثة اوجه و صلوة كسوف الشمس و القمر و صلوة العيدين و صلوة الاستسقاء و الصلوة على
الميت و بسند صحیح از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که حق سبحانه و تعالی
نماز را واجب کرده است بر سبیل اجمال و حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله ده وجه مقرر
ساخته‌اند بعنوان تفویض یا آنکه در قرآن مجید مجمل بود و جبرئیل تفصیل آنرا از جهت حضرت بیان کرد
همچنانکه اکثر واجبات در قرآن مجملست و در سنت مفصل است از جمله نماز سفر و نماز حضر را مقرر
ساختند چنانکه سابقا گذشت که حق سبحانه و تعالی ده رکعت مقرر ساخته بودند و حضرت هفت رکعت
زیاده فرمودند ... را بحال خود گذاشتند در سفر و حضر و شش رکعت دیگر را در حضر مقرر ساختند
و در سفر انداختند و دیگر نماز خوف را بر سه وجه مقرر ساختند و ممکنست که مراد این باشد که آیه که نازل
شد از جهة نماز خوف مجمل بود و حضرت بسه عنوان نماز گذاردند در ذات الرقاع و بطن النخل و عسفان
هر یک را بعنوانیکه آیه بر آن منطبق میشود چنانکه در نماز خوف خواهد آمد و ممکنست که مراد حضرت
از سه وجه از عنوان سه نماز باشد و آن نیز بر سه وجه است یکی آنکه در برابر یکدیگر ایستاده باشند و
بر ... نکنند دوم آنکه ایما کنند سیم آنکه بتسبیح و تکبیر اکتفا کنند و ممکنست که مراد همه باشد یا آنکه
نماز ذات الرقاع ... را یکی حساب کنند و نماز با رکوع و سجود را یکی و نماز تسبیح را یکی و بنابر
احتمال میباید که مراد از ده وجه که آنحضرت مقرر ساختند ... آن مراد باشد چون نماز سفر و
ذات الرقاع در قرآن واقع شده است یا آنکه بگوییم که هر چند که در قرآن واقع شده بود اما
کیفیتش مجمل بود از بیان آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله ظاهر شد دیگر نماز کسوف آفتاب و خسوف
ماه است دیگر نماز عید ماه رمضانست و عید قربان دیگر نماز طلب بارانست دیگر نماز بر میت است
چنانکه گذشت و باقی خواهد آمد در محال خود ان شاء الله تعالی مفصلا مع الشرایع و آنچه میان ... در
تقسیم مشهور است آنست که نمازهای واجب بر نه قسم است که بحسب کیفیات مجملا از نماز یومیه و جمعه
و عیدین و آیات که شامل کسوف و خسوف و زلزله و سایر اخاویف سماویه است دیگر نماز طواف است و نماز میت
و نمازیکه مکلف بر خود لازم سازد بنذر و عهد و یمین یا بر او لازم شود مثل نماز قضا و نماز احتیاط

نماز قضا می برد و نماز استیجار و همه خواهد آمد ان شاء الله تع مفصلا و قال الصادق صلوات الله علیه
السجود علی الارض فریضة وعلی غیر الارض سنة و حضرت صادق صلوات الله علیه فرمودند که سجده کردن
بر زمین فریضه است و بر غیر زمین سنت است بعضی گفته اند که مراد از این خبر آنست که سجده کردن بر زمین ثواب
واجب دارد و بر غیر زمین ثواب سنت دارد و اظهر آنست که ابتدا حق سبحانه و تع مقرر ساخته بود سجده بر زمین
فقط بود و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بسبب تفویض برامت توسع ساخت که سجده بر غیر زمین کنند
بر چیزی که از زمین روئیده باشد که نخورند و نپوشند و قرینه این معنی آنکه چون صدوق در حدیث سابق
تفویض نمازها را ذکر کرد تفویض محل سجده را نیز بیان کرد و اگر نه مناسبت نداشت این خبر در اینجا ذکر
کردن بلکه می بایست که در باب ما یسجد علیه ذکر کند و صدوق این خبر را مرسلا در علل ذکر کرده است و در آخر
چنین گفته است علی حد ذلک سنة و کلینی از محمد بن یحیی روایت کرده است مرسلا و بجای عبارت مذکوره علی
الخمرة سنة ذکر کرده است و خمره سجاده صغیری بوده است که از حصیر می بافتند از جهة موضع سجده و با خود
میداشتند [illegible] چون مهر الحال چون [illegible] حضرت سید الشهدا کربلا را مشرف کرده اند بود [illegible] و بنا بر این عبارت
احتمال معنی ثانی زیاده میشود و در احادیث صحیحه وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه
و آله فرمودند که جعلت لی الارض مسجدا و طهورا یعنی حق سبحانه و تع زمین را از برای من جای سجده مقرر ساخت که بر آن
سجده کنم اگر چه محتمل است که مراد این باشد که از جهة من توسیع شد که هر جائی از زمین که خواهم نماز کنم نه مثل یهود
و نصاری که نماز ایشان در صومعه و کلیسای ایشان صحیح نیست لیکن تعمیم انسب است و احتمال دارد که
حق سبحانه و تعالی واجب گردانید که [illegible] بر هر چه باشد و حضرت صلی الله علیه و آله وسلم مقرر ساختند
که بر زمین یا سجاده پاک باشد یا سنت است که پاکیزه باشد و اول اظهر است از اخبار و یعنی والله تعالی یعلم باب

فضل الصلوة قال رسول الله صلی الله علیه و آله الصلوة میزان فمن وفی استوفی یعنی [illegible]
ان تکون رکعته [illegible] فی الاولی والثانیة سواء ومن [illegible] ذلک استوفی فی الاجر یا بیست در
فضیلت نماز [illegible] منقولست [illegible] که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند که
نماز بمنزله ترازوست [illegible] که تمام [illegible] در یک سر زیادتی [illegible]
در بهشت [illegible] است که آن اعمال [illegible] در بهشت [illegible]

ثوابیست [illegible] هر چند که نماز [illegible] ترازوست [illegible] بنا بر [illegible] خوانده اند
و صدوق چنین تفسیر کرده است که رکوع و سجود و قرائت بمنزله کفه های ترازوست پس ترازوی که
کفه های او مساوی نیست مستقیم نیست و راست نیست [illegible] اگر کوتاه [illegible] و دراز است در آن خلل میرسد و محتمل است
که نماز بمنزله ایمان است پس هر که ایمان او صحیح تر است نمازش طولانی تر است و هر که نمازش کوتاه تر است
ناقص تر است این معنی اظهر است بحسب معنی و اول بحسب لفظ و اختیار این معنی که صدوق کرده است ظاهرا
سببش این باشد که روایتی وارد شده است در نماز شب که میباید رکوع و سجود و قرائت آن مساوی باشد
و این معنی [illegible] نماز نافله خوب است اما در نماز فریضه که در آن جماعت تخفیف مطلوب است صحیح نیست مگر آنکه
حمل بر منفرد و نافله کنند و آن نیز خلاف ظاهر [illegible] است از وجوه شتی والله تعالی یعلم با آنکه مناسب معنی اول
نبود در باب فضل صلوة نقل کردن بلکه می بایست در باب سابق ذکر کند [illegible] باب و قال
الصادق صلوات الله علیه ان طاعة الله عزوجل خدمته فی الارض ولیس شیء من خدمته یعدل الصلوة
فمن ثم نادت الملائکة زکریا و هو قائم یصلی فی المحراب و آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه

۲۷

روایت کرده فرمودند که فرمانبرداری الهی بمنزله خدمتست که او را بجا آورند در زمین و هیچ خدمتی از خدمات
برابری نمیکند با [illegible] که از نماز حاصل میشود [illegible] قدس الهی از هیچ عبادتی آن قرب حاصل نمیشود
و لهذا مقربان [illegible] هزار رکعت نماز میکردند چنانکه در اخبار مستفیضه وارد است که حضرات ائمه
معصومین صلوات الله [illegible] نماز میکردند و از اینجهة فرشتهها حضرت زکریا را بشارت یحیی دادند
در وقتی که در محل عبادت خود نماز میکرد و نماز سبب این فایده عظمی او شد و قال النبی صلی الله علیه و آله ما من
صلوة یحضر وقتها الا نادی ملک بین یدی الناس ایها الناس قوموا الی نیرانکم التی اوقدتموها
علی ظهورکم فاطفؤها بصلوتکم و باسانید قویه منقولست از عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام و طریق صدوق بعبدالله صحیح است و ظاهر آنست که صدوق از کتاب او [illegible] کرده باشد که حضرت
سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که نیست نمازی که وقت آن داخل شود مگر آنکه ملکی مقرر است
که ندا میکند [illegible] فریاد میکند که ای گروه آدمیان برخیزید و متوجه آتشهائی شوید که بر پشتهای خود
افروخته اید [illegible] آتشها را بنماز فرو نشانید کنایه است از آنکه گناهان سبب [illegible] میشود چنانکه

احادیث متواتره بر این معنی وارد شده است با ظاهر آیه ان الحسنات یذهبن السیئات که حسنات مطلقا
نمازها محو میکنند کناهان را و دخل رسول الله صلی الله علیه و آله المسجد و فیه ناس من اصحابه فقال اتدرون
ما قال ربکم قالوا الله و رسوله اعلم فقال ان ربکم یقول ان هذه الصلوات الخمس المفروضات
من صلاهن لوقتهن و حافظ علیهن لقینی یوم القیمة و له عندی عهد ادخله به الجنة و من لم
یصلهن لوقتهن و لم یحافظ علیهن فذلک الی ان شئت عذبته و ان شئت غفرت له و در
منقول است از فضیل بن یسار از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
و سلم داخل شدند در مسجد و در آنجا جماعتی از اصحاب آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله بودند پس حضرت فرمودند که
میدانید که حق سبحانه و تعالی چه فرموده است صحابه گفتند خدا و رسولش اعلمند پس حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند که پروردگار شما میفرماید که این نمازهای پنجگانهٔ واجب را هر که در اوقات خود بجا آورد و محافظت نماید بر ایشان
با آنکه با شرایط واجبه یا اکثر از واجبه و مستحبات موکده بجا آورد چون بندهٔ مرا در روز قیامت یا بعد از مرگ
ملاقات کند یعنی ملاقات جزای عمل کند [illegible] آن بنده را نزد من عهدی هست که او را داخل بهشت کنم
چون من این عهد را کرده ام و وفا بعهد بر من واجب است و مخالف آن بر من محال است کسی که این نمازها را
فضیلت یا اکثر از آن بجا نیاورده باشد هر چند قضا کرده باشد علی الظاهر یا محافظت بر آن ننموده باشد پس کار آن
بنده با من است اگر خواهم او را بعمل خود عذاب میکنم و اگر خواهم بفضل خود او را می آمرزم [illegible] مضمون در چند حدیث
صحیح دیگر مروی است از آنحضرت صلوات الله علیه و قال الصادق صلوات الله علیه [illegible] یحاسب به العبد علی
الصلوة فاذا قبلت قبل سائر عمله و قال صلوات الله علیه ان العبد اذا صلی الصلوة فی وقتها و حافظ علیها
ارتفعت بیضاء نقیة تقول حفظتنی حفظک الله و اذا لم یصلها لوقتها و لم یحافظ علیها ارتفعت سوداء
مظلمة تقول ضیعتنی ضیعک الله و آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که اول چیزی که حساب میکنند [illegible]
بنده احوال [illegible] پس اگر نمازها مقبول شد باقی اعمال را به تفضل قبول میکند و اگر نماز رد شد سایر
اعمال او مردود است و [illegible] از حضرت فرمودند که هر گاه بنده نماز را در وقت خود بجا آورد و محافظت کند بر او با آنکه
با آداب و شرایط بجا آورد یا در وقت فضیلت بجا آورد نماز را بآسمان میبرند [illegible] و نماز بزبان حال
مقال میگوید که [illegible] حفظ کردی خدا ترا حفظ کند [illegible] در وقت فضیلت بجا نیاورده

بر آداب و شرایط آن نکرده باشد یا در وقت فضیلت بجا نیاورده باشد بلکه [illegible] و آن نماز بالا میرود و
[illegible] بجای [illegible] وارد شده است یعنی سیاه و تاریک و میگوید مرا ضایع کردی حق سبحانه و تعالی
ترا ضایع کرداناد و مضمون این حدیث را شیخان از ابی بصیر روایت کرده اند بسند موثق و قریب باین مضمون صدوق روایت
کرده است بسند قوی از هشام و چون سند صدوق بهشام صحیح است حکم بصحت او میتوان کرد و مضمونش در فقه
رضوی واقع است و صدوق و کلینی بسند صحیح روایت کرده اند از ابی بصیر و هارون بن خارجه از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که ملکی موکل است بنماز بنده که کار دیگر ندارد و چون بنده از نماز فارغ
[illegible] آن ملک نماز را گرفته بالا میبرد پس اگر قابلیت قبول دارد مقبول میشود و اگر قابلیت قبول ندارد بآن ملک خطاب
میرسد که این نماز را رد کن بر بندهٔ من پس آن ملک آن را بر روی او میزند و میگوید [illegible]
تعب میکشم از جهت تو و ظاهر این اخبار تجسم اعمال است و استبعادی ندارد که چیزی در این نشاه از قبیل اعراض
باشد و در آن نشاه از قبیل جواهر باشد چنانکه مجرب شده است از هزار مرتبه که اگر در [illegible] علوم حقیقیه منکشف
شده است [illegible] امثال
[illegible] که در آن نشاه اعمال بصورت حور و غلمان شوند
و در قبر [illegible] و محتمل است که حق سبحانه و تعالی بسبب اعمال صالحه صور حسنه بیافریند و لیکن
بعید است [illegible] در واقع لازم نیست که حقیقت اینرا بدانند بلکه لازم است اعتقاد کرد
که حق است چون اخبار متواتر بر آن وارد شده است و الله تعالی یعلم و اما بالا بردن ممکن است که مراد بالا بردن نامهٔ
عمل باشد یا کنایه از قبول باشد و بر کشتن کنایه از عدم قبول ظاهر است و قبول هم مرتبه اجزا باشد و یا آنکه اگر
نماز با شرایط مستحبه از اخلاص تام و حضور قلب تمام و سائر مستحبات موکده باشد مقبول شود و بسبب آن سائر
[illegible] شود و محتمل است که مراد از قبول در اینجا اجزا باشد یا که مشتمل باشد بر واجبات و بس و این معنی
[illegible] مشاهد است از اکثر فضلا در مسامحهٔ اخذ مسائل و غیر آن [illegible]
بجای عوام و قال الصادق صلوات الله علیه اقرب ما یکون العبد الی الله عز
[illegible] قال و اسجد و اقترب و بسند صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که نزدیکترین
[illegible] است که او در سجده باشد [illegible] بحدیث نقل [illegible] آنست که [illegible]

باید از صدق نیت باشد یا جز وی دیگر باشد و ابن بابویه رحمه الله تعالی در قوی کالصحیح و صدوق در صحیح از وشا
روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام و در بعضی است که سهو از نساخ شده باشد یا صدوق آیه را بعد از حدیث حضرت
عبادت صلوات الله علیه منضم کرده باشد و ظاهر آیه آنست که سجده کن و قرب بهم رسان یعنی در سجده و ممکنست
که مراد از سجده نماز باشد یا سجدهٔ نماز باشد یا اعم از سجدهٔ نماز و سجدهٔ شکر باشد و این اظهر است و محتمل است
که مراد این باشد که سجده یا نماز را بکن و خالص ساز آنرا جهة حق سبحانه و تعالی و لکن اول اظهر است و قال
ابو جعفر صلوات الله علیه ما من عبد من شیعتنا یقوم الی الصلوة الا اکتنفته بعدد من خالفه
ملائکة یصلون خلفه و یدعون الله عز و جل له حتی یفرغ من صلوته و بسند قوی کالصحیح از
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که هر بنده از شیعیان ما که برخیزد بنماز البته حق سبحانه و تعالی
بعدد سنیان یا بعدد غیر شیعیان اثنا عشری از جمیع عالمیان فرشتگان میفرستد که در عقب او نماز کنند
و از جهة او دعا کنند تا او از نماز فارغ شود و روی عن الصادق صلوات الله علیه صلوة فریضة خیر
من عشرین حجة و حجة خیر من بیت مملو ذهبا یتصدق منه حتی یفنی و بسند قوی کالصحیح و بسند صحیح
و موثق کالصحیح و قوی نیز منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام که فرمودند که یک نماز
فریضه بهتر است از بیست حج و یک حج بهتر است از خانه پر از زر طلا که همه را تصدق نماید در راه رضا
الهی تا آخر شود و در روایات اخر حتی لا یبقی منه شیء وارد است [illegible] این [illegible] این خبر ظاهر
منافات دارد با خبر مشهور افضل الاعمال احمزها و شک نیست در آنکه حج بسیار بهتر از نماز است و علما
تاویلات کرده‌اند این خبر را بآنکه بر تقدیر صحت [illegible] آنست که افضل هر [illegible] آن عملست مثل صوم
تابستان بهتر است از صوم زمستان و در نماز بر عکس و حج سواره بهتر است از پیاده و امثال این تاویلات
و فی الحقیقة این شبهه عمر بن الخطاب است که حی علی خیر العمل را از اذان انداخت چون [illegible]
حج باشد و ملاعین اهل سنت که اهل بدعتند متابعت او نمودند و ظاهر [illegible]
که عمر اعلمست از خدا و رسول و ندانستند که ایشان چه خبر دارند از نماز
نیست که از صحابهٔ آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک کس یک نماز با شرایط کرده [illegible]
و سایر معصومین سلام الله علیهم چنانچه ان شاء الله خواهد آمد بسند صحیح [illegible]

و بمراتب بیشتر از جهاد اصغر است بلکه مترتب است شبهه در آنکه هر گاه نماز فریضه بهتر از بیست حج باشد و حج
مشتملست بر نماز فریضه تفضیل شیء بر نفس آن شیء و غیر آن لازم می‌آید و جواب گفته‌اند اولا که مراد از
نماز یومیه است و استبعادی نیست در آنکه نماز یومیه بهتر از نمازهای دیگر باشد چنانکه از اخبار ظاهر
میشود و خواهد آمد و ثانیا آنکه مراد از بیست حج بیست حج قطع نظر از نماز باشد چون حق سبحانه و تعالی از جهة
هر یک از افعال حج ثوابی مقرر ساخته است ثوابی که از جهة نماز مقرر ساخته است بهتر است از بیست برابر
ثوابها که از جهة سایر اعمال حج مقرر ساخته است چنانکه در بسیاری از اخبار چنین تاویل کرده‌اند مثل خبر
نیة المؤمن خیر من عمله و غیر آن که ان شاء الله تعالی خواهد آمد و جمعی حمل کرده‌اند که حج را بر سنتی و ظاهر امر آنست که مراد
حج واجب باشد چون از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که یک حج بهتر است از دنیا و آنچه
در آنست و یک نماز فریضه بهتر است از هزار حج و در این حدیث مراد حج سنت است و اگرچه ممکنست که حمل کنند بر
حج واجب و نسبت باشخاص مختلف باشد چون ظاهر است که شخصی که نمازش بهتر از هزار حج باشد حج او نیز بهتر از
دنیا و ما فیها باشد که [illegible] صرف نمایند تا زیادتی داشته باشد بر اشخاصی که نماز ایشان بهتر از بیست حج است
[illegible] بهتر از خانه [illegible] که در راه خدا بدهند و این دادن را در هر دو [illegible] حمل کرده‌اند بر غیر صدقات واجبه مثل
زکوة و خمس [illegible] در کار باشد چه استبعادی نیست در آنکه بعضی از سنتها بهتر از بعضی از واجبات باشد چنانکه ثواب
سلام کردن [illegible] از ثواب جواب او نود و هشت مرتبه با آنکه جواب واجبست و چنانکه مهلت دادن قرض دار
[illegible] واجبست و بخشیدن مال را باو [illegible] و این سنت بهتر از آن واجبست چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است
وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا [illegible] لَكُمْ و روی عن الصادق صلوات الله علیه ایاکم والکسل فان
ربکم رحیم یشکر القلیل ان الرجل لیصلی رکعتین یرید بهما وجه الله تعالی فیدخله الله بهما الجنة و انه
لیتصدق بالدرهم تطوعا یرید به وجه الله عز و جل فیدخله الله به الجنة و انه لیصوم الیوم تطوعا یرید به
وجه الله عز و جل فیدخله الله به الجنة و بسند کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که [illegible] که
[illegible] باشید از کسلی و تنبلی در امور اخروی [illegible] که پروردگار شما [illegible] عمل را جزاهای
عظیم میدهد [illegible] که بسیار است یا خوب است [illegible] نماز میکند بقصد رضای الهی و حق سبحانه و تعالی
[illegible] میکند در بهشت بدرستی که بنده [illegible] میکند [illegible] بغرض محض رضای الهی است

حق سبحانه و تعالی او را داخل میکند در بهشت بسبب آن و بسیستی که میکرو روزه بگذرد و غرضش محض رضای حق سبحانه و تعالی است

حق سبحانه و تعالی او را به بهشت میبرد و از این حیثیت ظاهر میشود که آنچه مطلوب الهی است اخلاص است نه آنکه اصلا غرضش ثواب

و خلاصی از عقاب نباشد و آنکه در بسیاری از اخبار بلفظ وجه واقع شده است بنا بر مجاز شایع است چنانچه عرب و عجم که

میگویند فلانی برو[ی] فلانی این کار را کرد یعنی محض خاطر او یا بشرم او دوری او کرد و این معنی چنانچه در اخبار [illegible] وارد

شده است از حضرات سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم که فرموده اند که عبادت چنان کنید که گویا

خدا را بخود را می بینید پس اگر شما او را نه بینید او شما را می بیند و مستلزم حضور قلب است چون هرگاه بنده خداوند

خود را حاضر داند بلکه جهت او کار [illegible] البته با حضور قلب خواهد بود خصوصا نماز که اکثرش مناجات است با حق سبحانه و تعالی

و هرگاه شخصی با ادنی کسی حرف کند البته متوجه او میشود هرگاه با جناب اعظم الاعظمین و اجمل الاجملین کند و داند که با او

مناجات میکند البته میباید که متوجه او باشد و در مناجات با او کاذب نباشد و در ایاک نعبد حقیقتا [illegible] ایاک

نستعین چنانکه مفصلا خواهد آمد در مواضع خود ان شاء الله تعالی و احادیث در مذمت کسل در امور دنیا بسیار وارد شده است

در حدیث حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمود ترک کن کسالت و تنبلی کردن را از وضوء و نماز

[illegible] از جهت امر آخرت [illegible] که کسل [illegible] معاش [illegible]

نیست از جهت امر دنیا و دین کسی که در هر دو کسل کند [illegible] خسر الدنیا و الآخرة است و بعد از این در باب [illegible]

در مذمت کسل خواهد آمد و قبح آن بدیهی است و در دعاها بسیار وارد است [illegible] سبحانه و تعالی از کسل و قال

الصادق صلوات الله علیه لا یجتمع الرغبة و الرهبة فی قلب [illegible] وجبت له الجنة فاذا صلیت فاقبل بقلبک

علی الله عز و جل فانه لیس من عبد مؤمن یقبل بقلبه [علی ا]لله عز و جل فی صلوته و دعائه الا اقبل الله عز و جل

علیه بقلوب المؤمنین الیه و ایده مع مودتهم ایاه بالجنة و از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که جمع نمیشود

رحمت الهی و خوف از بدیهای خود و از غضب الهی در دل احدی مگر آنکه بهشت از جهت او واجب میشود [illegible]

دل خود [illegible] حق سبحانه و تعالی کند تا رغبت و رهبت با آیات وعد و وعید حاصل [illegible] حاصل میشود هر چند

تفهم معنی آیات [illegible] نیست پس بدرستی که نیست بنده مومنی که دل خود را در نماز متوجه [حق] سبحانه و تعالی کند مگر آنکه

حق سبحانه و تعالی البته دلهای مومنان را مایل [illegible] محبت مومنان سبب [illegible]

ایشان است در آخرت [illegible] حق سبحانه و تعالی بهشت [illegible]

بسند کالصحیح از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمودند که من جانب حق سبحانه و تعالی هر بنده را که

عطا کنند با او [illegible] کار دیگر ترک محبت دنیا البته بهشت عطا میکند پس حضرت فرمودند که [illegible]

که هرگاه نماز [illegible] متوجه نماز شوید و دل خود را متوجه خدا و نه خود سازید و دل را مشغول امور دنیوی مگردانید

که هر مومنی که دل خود را در نماز متوجه حق و تنها سازد حق سبحانه و تعالی نظر شفقت و مرحمت بجانب او میکند

و دوستی خود را در دل او در می آورد و با دوستی خود دلهای مومنان را مایل با او میکند که او را دوست دارند و مظنون

آنست [illegible] حدیث باشد و تغیرات از نساخ شده باشد و الله تعالی یعلم و علی ای حال ظاهر میشود که روح

حضور قلب است و شکی نیست که عبادت بی حضور قلب مقبول [illegible] سبب [illegible] و مقصود اعظم از عبادات

قرب بنده است بجناب اقدس او و اگر نماز [illegible] باشد البته نماز سبب آن میشود که شیاطین از بنده دور شوند

و از معاصی و مخالفت الهی واقع نشود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ یعنی بدرستی که نماز باز میدارد و منع میکند بنده را از جمیع قبایح و هر آینه ذکر حق سبحانه و تعالی

از هر چیزی اعظم است پس اگر نماز بذکر الهی و با حضور قلب باشد [illegible] مطالب دنیوی و اخروی و قرب الهی که اعظم مطالب است

[illegible] ظاهر آیات [illegible] فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ [illegible] یعنی وای بر نماز کنندگانی که دل

[illegible] جناب اقدس او نباشد و همچنین ظاهر آیه قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ

هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ [illegible] دلالت دارد [illegible] که رستگاری [illegible] مومنانی که در نماز خود با خشوع [illegible]

جمعی که از لغو اعراض کنند [illegible] و آیات و اخبار در این معنی زیاده از حد حصر است و لیکن چون

این معنی در نهایت صعوبت [illegible] نفس اماره و شیطان [illegible] میشود و مع هذا دلایل بر عدم لزوم مذکور

حق سبحانه و تعالی همه را بما و شما [illegible] بحق محمد و عترته الطاهرین و قال رسول الله

صلی الله علیه و آله اذا زالت الشمس فتحت ابواب السماء و ابواب الجنان و استجیب الدعاء فطوبی لمن رفع

له عند ذلک عمل صالح [illegible] بسند صحیح منقول است که آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند [illegible] زوال شمس

شود که آفتاب از دایره نصف النهار بگذرد درهای آسمان گشوده میشود و درهای بهشت مفتوح میشود و دعاها

[illegible] که در آن وقت عمل صالح او بالا برود [illegible] بودن درهای آسمان

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] سبب دخول بهشت

نقل ساخته است و همچنین دعاها وارد شده است که دعا مستجاب میشود [illegible] چون [illegible] بندگان بعبادت و دعا
داده اند که گویا که در آسمان از جهة صعود اعمال ایشان و قبول دعوات اذن گشوده اند و محتمل است که چون
وقت نماز شود درهای آسمان را بگشایند و در رضوان و وقت نماز [illegible] چنانکه احادیث بسیار وارد شده است که دلالت
کند بر آنکه آسمانها درها دارند و ممکنست که مراد از سموات آسمانهای معنوی باشد چون آسمانهای وجود [illegible]
معنوی باشد و این معنی نزد ارباب شکسته ظاهرتر است کما قال الحکیم الغزنوی شعر آسمانهاست در ولایت جان کار فرمای
آسمان جهان و اگر در امثال این عبادات غور نکنند ظاهر ابهتر باشد والله تعالی یعلم و سئل معویة بن وهب ابا عبدالله
صلوات الله علیه عن افضل ما یتقرب به العباد الی ربهم واحب ذلک الی الله عز و جل ما هو فقال ما اعلم
شیئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلوة الا تری ان العبد الصالح عیسی بن مریم علیه السلام قال و اوصانی
بالصلوة و بسند صحیح منقولست از ابن وهب که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از
بهترین چیزیکه بندگان بآن تقرب جویند به پروردگار خود و محبوبترین آن نزد حق سبحانه و تعالی کدام است پس حضرت
فرمودند که نمیدانم بعد از معرفت عملی که بهتر ازین نماز باشد آیا نمی بینی که بنده صالح الهی عیسی بن مریم گفت که حق سبحانه و تعالی
مرا وصیت فرموده است و امر کرده به نماز و زکوة تا زنده باشم و این تتمه در کار نیست در انجا نیز [illegible]
بمنزله الی آخرها است و در نقل آیات و شرح استشهاد آیه را ذکر نکرده است و این حدیث دلالت میکند بر آنکه
بهترین اعمال معرفت است و مراد از آن معرفت واجبات از اعتقاد بوجود و اجب [illegible] و صفات ثبوتیه
و معرفت نبی و ائمه صلوات الله علیهم و اعتقاد بجمیع آنچه [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند و ممکنست که
شامل فروع دین نیز باشد و هیچ شک نیست [illegible] واجبات بلکه مندوبات و مکروهات و محرمات افضل عبادات است
و اگرچه معرفت اصول واجب باشد و اشاره بآن شده در فواید مقدمه و دلالت میکند بر آنکه بعد از معرفت
نماز بهترین عبادات است و هیچ شک نیست که قربی که بنده را از نماز حاصل میشود از هیچ عبادتی حاصل [illegible]
و آیات و [illegible] دلالت دارد بر آنکه میباید که [illegible] تقرب
آورند خصوصا نماز را و لهذا علما در نیات قربة الی الله را اختیار کرده اند و [illegible] مذکور
و هیچ شک نیست که هر چند [illegible] بیشتر شد قرب بیشتر حاصل میشود و [illegible]
که بنده را مراد [illegible] بغیر [illegible] مراد خود [illegible]

عادت [illegible] رتبه محبت [illegible] باشد و گذشت که بجه نتوان تحصیل آن میباید کرد و استشهاد بآیه از این
حیثیت است که حضرت عیسی که از پیغمبران اولوا العزم است فرموده که حق سبحانه و تعالی امر کرده است بنماز و
زکوة تا زنده باشم [illegible] تا زنده ام [illegible] هر آینه حق سبحانه و تعالی بآن امر میفرمود و آنکه
اول نماز را امر فرموده دلالت دارد بر آنکه اهتمام بشان آن بیشتر است اما لفظ هذه الصلوة ظاهر است
به نمازهای یومیه باشد و ممکنست که اشاره بجمیع نمازها باشد که حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه
و آله [illegible] اعم از آنچه آنحضرت و سائر انبیا صلوات الله علیهم فرموده باشند و لفظ هذه از جهة
تعظیم باشد [illegible] لفظ هذه در تهذیب نیست و اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال ادع الله ان
یدخلنی الجنة فقال له اعنی بکثرة السجود [illegible] بخدمت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم آمد
و گفت یا رسول الله از خدا طلب کن که مرا داخل بهشت کند حضرت فرمودند که اعانت کن مرا به بسیاری سجود
یعنی نماز یا مطلق سجود یا طول سجود و اول اظهر است که مراد نماز باشد و این حدیث را شیخ نیز بعنوان ذکر کرده است
بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام و کلینی بسند صحیح [illegible] امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
[illegible] روزی حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] فرمودند [illegible] و گفت
یا رسول الله [illegible] بجا آورم حضرت [illegible] تا چون فارغ شد حضرت فرمودند که مطلبی داری
که من بر آورم [illegible] آن مرد گفت بهشت حضرت سر بزیر انداختند و ظاهرا متوجه حق شدند پس حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم سر بالا کردند و فرمودند [illegible] ضامن شدم بهشت را [illegible] و آنمرد روانه شد که برود
حضرت فرمودند که ای بنده خدا امداد کن بطول سجود [illegible] سجود [illegible] تا شفاعت ما ترا آسان باشد
چون گذشت که شفاعت ما به تارک الصلوة نمیرسد و هرچند نماز بهتر و طولانی تر است قابلیت شفاعت بیشتر بهم میرسد
[illegible] و حدیث [illegible] باشد و اختلاف باجمال و تفصیل است و روی محمد بن مسلم عن ابی جعفر
صلوات الله علیه [illegible] للمصلی ثلث خصال اذا هو قام فی صلوته حفت به الملائکة من قدمیه الی
عنان السماء و یتناثر البر علیه من عنان السماء الی مفرق راسه و ملک موکل به ینادی لو
علم المصلی من یناجی ما انفتل و بسند کالصحیح منقولست از محمد [illegible] از حضرت امام [illegible] صلوات الله علیه فرمودند
که [illegible] فرشتگان [illegible] آسمان [illegible] رحمت الهی [illegible]

مشود از اطراف آسمان تا فرق سر او و فرشته موکل میشود به او و ندا میکند که اگر این نمازکننده بداند که با
مناجات میکند هرگز از نماز فارغ نشود یا آنکه نماز را طول دهد یا همیشه مشغول نماز باشد و بهمین مضمون صدوق
روایت کرده است این خبر را بسند حسن کالصحیح از جمیل از حضرت امام جعفر صادق [illegible] روایت
کرده است کلینی بسند کالصحیح از ابن حلف و بسند کالصحیح و عند بعضی صحیح از ابی حمزه از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة
والسلام که حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که چون بنده مومن مشغول نماز میشود حق سبحانه
و تعالی نظر رحمت بسوی او میکند یا متوجه او میشود برحمت تا از نماز فارغ شود و رحمت بر سر او سایه می اندازد از فرق سر
تا با آسمان و ملائکه از دور او را احاطه میکنند تا با اطراف آسمان و ملکی را بر سر او موکل میکنند که با او ندا میکند که
ای نمازکننده اگر بدانی که نظر بسوی که داری و با که مناجات میکنی [illegible] بجانب غیر او نمیشدی و هیچ متوجه
باشی و از جای نماز بجای دیگر نروی و این اخبار نزد الست بر آنکه میباید در نماز با حضور قلب باشی و قال
ابو الحسن الرضا صلوات الله علیه الصلوة قربان کل تقی و بسند کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است
قربه از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم منقول است که نماز سبب قرب هر متقی و پرهیزکاری است
و اکثر علما حمل کرده اند نماز را بر نافله [illegible] در حدیث کالصحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلام
که فرمودند که نمازهای نوافل اسباب قرب مومنان است چنانکه در حدیث قدسی گذشت که ما تقرب الی
بالنوافل و چنانکه از طرق عامه و خاصه از حضرات سید المرسلین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم وارد است که
نماز خیر نیست که حق سبحانه و تعالی از جهت بندگان خود مقرر [illegible] است هر که خواهد کم کند و هر که خواهد بسیار
کند یعنی اگر کم کند نقصان بخود رسانیده [illegible] که عبادت اعم از واجب و سنت و استغفار داود
بر آنکه شرط قبول آن تقوی است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که انما یتقبل الله من المتقین یعنی حق سبحانه
و تعالی قبول نمیکند عبادت را مگر از پرهیزکاران ملکه ظاهر خبر این معنی است چنانکه در حدیث معاذ خواهد آمد
از حال ایشان [illegible] آنکه هر چند بیشتر کنند قرب بیشتر حاصل میشود هر گاه [illegible] باشد ظاهر
و مشاهد است از جمعی که همیشه نماز میکنند و در مرتبه پنجاه سال پیش [illegible] حاصل
بواسطه فقدان این [illegible] که اخلاص و حضور قلب است و قال الصادق صلوات [illegible] اقرب الاعمال الی الله
عز و جل الصلوة وهی آخر وصایا الانبیاء [illegible] فما احسن من الرجل ان [illegible] او یتوضأ

فیسبغ الوضوء ثم یتنحی حیث لا یراه انیس فیشرف الله عز و جل علیه و هو راکع او ساجد ان العبد اذا سجد
فاطال السجود نادی ابلیس یا ویلاه اطاعوه و عصیت و سجدوا و ابیت و بسند صحیح از آنحضرت صلوات الله
علیه منقول است که محبوب ترین اعمال بسوی حق سبحانه و تعالی این نماز است و این نماز آخر وصیتهای پیغمبران است یعنی وقتی که
همه از دنیا میرفتند وصیت بنماز میکردند و مضمون [illegible] چه نیکوست که شخصی غسل کند اگر جنب باشد مثلا یا وضو
بسازد اگر محدث باشد یا تجدید کند اگر وضو داشته باشد و کامل اداء وضو را بآنکه هر عضوی را دو مرتبه آب
[illegible] بهمه اعضای وضو برساند و یا آنکه با اخلاص واقع سازد و اول اظهر است چنانکه گذشت پس
بگوشه رود که هیچکس از انسان او را نه بیند که مبادا خاطرش متوجه ایشان شود و از حضور قلب بیفتد
یا آنکه ریا در خاطرش خطور کند و حق سبحانه و تعالی او را ببیند گاهی در رکوع و گاهی در سجود و الطاف خود را شامل
حال او کند بدرستی که چون بنده سجده میرود و یا به نماز مشغول میشود و آن را طول میدهد شیطان فریاد میکند
که وا ویلاه این دشمنان من اطاعت الهی کردند و من عصیان او کردم و ایشان سجده کردند و من ابا کردم و در کافی
بلفظ سفر وارد شده است [illegible] سجده و آن اظهر است و در [illegible] صحیح وارد شده است که حضرت [illegible]
[illegible] صلوات الله علیه فرمودند که هر که اسباغ وضو کند [illegible] حال و نماز خود را نیکو
کند یعنی [illegible] با اخلاص و حضور قلب و طول آن و زکوة مال خود را بدهد و غضب خود را نگاه دارد که در آنجا
ستمی بر احدی نکند و زبان خود را در زندان کند که سخن بی فایده نگوید و از گناهان خود استغفار کند و آنچه
شرط خیرخواهی است نسبت باهل البیت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیهم بجا آورد که با دوستان ایشان دوست
باشد و با دشمنان ایشان دشمن [illegible] حقایق ایمان او
[illegible] بهشت [illegible] اسباب دخول جنات نعیم
[illegible] در این خبر وارد شده است که گوشه [illegible] نوافل باشد چون سنت است
[illegible] در خانه [illegible] زیرا که حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] منافقان [illegible] جماعت متحقق شود [illegible]
[illegible] که هر گاه [illegible] خواهد بود
[illegible] قال رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] عمود الفسطاط اذا ثبتت العمود

من الأطناب وَلا وتاد والغمام وَإذا انكسر العمود لم ينفع وتد ولا طنب ولا غشاء و[illegible]

كه آنحضرت صلى الله عليه وآله فرمودند كه مثل وشبيه نماز مثل ستون خيمه است هرگاه ستون برپاست برپاست طنابها

وريسمانها و ميخها و پرده و جامهٔ خيمه که در کار و در تحصیل نفعها است و آن [illegible] است ظاهراً در سایه خیمه باشد یعنی تمام اجزا طنابها و میخها و پرده و جامهٔ خیمه

و ستون خیمه بشکست نفع نمیدهد نه میخ و نه ریسمان و نه جامه یعنی قبول سایر عبادات موقوف است بر قبول نماز

خیمه ایمانست که بنای آن بر عبادات است شعار [illegible] آنکه اگر نماز کسی صحیح باشد فایده ندارد و اعمال دیگر

الا که اگر مقبول نباشد اعمال دیگر مقبول نمیشود چنانکه گذشت و چنانکه در حدیث صحیح از حضرت سید المرسلین

صلى الله عليه وآله وسلم منقولست که ستون دین نماز است و اول چیزی که فردای قیامت از اعمال بنده در آن

نظر میکنند نماز است پس اگر نماز او صحیح است نظر میکنند در باقی اعمال او و اگر صحیح نباشد در بقیه اعمال او نظر نمیکنند

وقال صلوات الله عليه إنما مثل الصلوة فيكم كمثل السري وهو النهر على باب أحدكم يخرج إليه

في اليوم والليلة يغتسل منه خمس مرات فلم يبق الدرن مع الغسل خمس مرات ولم يبق الذنوب

مع الصلوة خمس مرات و آنحضرت سید المرسلین صلى الله عليه وآله وسلم منقولست که فرمودند که بدرستی که

که مثل نماز در میان شما مانند نهری است که در در خانه شما باشد و هر روزی پنج مرتبه در آن نهر غسل کنید

شوید پس چنانکه با غسل پنج مرتبه چرک در بدن نمی ماند با پنج مرتبه نماز گناهان نمی ماند چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ یعنی اعمال حسنه گناهان را محو میکند و حق سبحانه و تعالی فرموده

که نماز کنند در دو طرف روز [illegible] عبادات شب بجا آورند [illegible] حسنات سیئات را محو میکند و ظاهر

آنست که هر حسنه سیئه را محو میکند [illegible] ماقبل را در عبادت نماز بندد و احتمال بهم میرسد که آنکه هر

نمازی سیئات را محو میکند و بر این مضمون احادیث بسیار از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم و ائمه هدی علیهم

الصلوة والسلام وارد شده است و شیخ طبرسی بسیاری از آن اخبار را در تفسیر این آیه و آیات دیگر نقل کرده

احتمال دارد که متعلق بعمل آخر باشد که آن عبادات شب است [illegible] اشاره وارد شده

خواهد آمد و ملل [illegible] عموم دارد زیرا که ممکنست که عبادات [illegible] مطلوب عبادات [illegible]

[illegible] و واقع ند باشد و منها [illegible] شیخ طوسی [illegible] حضرت

المرسلین صلى الله عليه [illegible] از حضرت [illegible] صادق [illegible]

بل الله بر؟ صلوة واحدة لم يعذبه ومن قبل الله له حسنة لم يعذبه و بسند حسن کالصحیح از حضرت

صلوات الله علیه منقولست که هر که حق سبحانه و تعالی یک نماز او را قبول کند او را عذاب نمیکند و در حدیث

صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که اگر شخصی یک نماز تمام بجا آورد حق سبحانه و تعالی همه

نمازهای او را قبول میکند هر چند باقی ناتمام باشد و اگر یک نماز تمام نکرده باشد همه را فاسد کرده است

حق سبحانه و تعالی هیچ عبادت او را قبول نمیکند و حساب نمیکند و در حساب در نمی آورند نه فرایض و

نه نوافل او را زیرا که نافله در بعضی از فریضه قبول میکنند بلکه نوافل از جهت اتمام فرایض مقرر شده است

و هرگاه فریضه را ادا نکرده باشد نافله چگونه مقبول شود و از جمله شرایط قبول حضور قلب است چنانکه

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند که از نماز بنده گاه هست که

نصف آنرا بالا میبرند یا ثلث آنرا یا ربع آنرا یا خمس آنرا و بالا نمی برند مگر آنقدری که دل بنده با حق سبحانه

و تعالی باشد و ما مأمور شده ایم بنوافل مگر از جهت اتمام فرایض و منقولست در حدیث صحیح از محمد بن مسلم که گفت

بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که عیسی با ما از شما روایتی نقل کرد که حضرت فرموده اند

[illegible] عرض نمودم که میگوید سنت فریضه است حضرت فرمودند که چه چیز میگوید من چنین نگفته ام

بلکه گفتم که هرگاه بنده نماز کند و دلش متوجه نماز باشد و بعضی را در خاطر خود نکرده اند و سهو نکند بقدر آنچه

متوجه است بحق سبحانه و تعالی حق سبحانه و تعالی با او است و فضل او بر بنده قبول است پس بسیار باشد که نصف

نماز او مقبول شود یا ربع یا ثلث یا خمس آنرا و ما مأمور شده ایم بنوافل مگر از جهت اتمام فرایض و در حدیث صحیح

منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و [illegible] امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام

میفرمودند که [illegible] از نماز تو مگر آنچه دلت متوجه حق سبحانه و تعالی باشد پس اگر تمام

[illegible] متوجه غیر حق سبحانه و تعالی باشد یا غافل شود در وقت نماز در آن نماز بدرستی که

[illegible] در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست

[illegible] نماز کند که [illegible] میگویند بیشتر از اول نماز [illegible]

انه [illegible] خاطر [illegible] گناه که داشته باشد همه محو شود و در حدیث موثق

[illegible] قول [illegible] که [illegible] نماز [illegible]

باحضور قلب بهتر است از عبادت یک شب تا صباح که بی‌حضور قلب باشد و احادیث ایشان هم بر

بمضمون این حضرت و غیر ایشان منقول است از ائمه معصومین صلوات الله علیهم که از

نماز آن مقدار مقبولست که دل با حق سبحانه و تعالی باشد هر چند که وقت تمام میکنند

نزد بعضی را بنوافل و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست چون

بنده بنماز بایستد حق سبحانه و تعالی نظر شفقت و رحمت بسوی او میکند و نظر بسوی او دارد تا

مرتبه ملتفت او نشده پس چشم را بغیر از موضع سجود دیند باید از متوجه غیر کند پس چون سه

مرتبه التفات کند حق سبحانه و تعالی نظر از او بر میدارد و دیگر بجهت سهو نخواهد [illegible] سبب

از این باب و در حقیقت مضمونه [illegible] عنوان مذکور است [illegible] جمله از مضمون [illegible] است و شکی در این نیست

دیگر از شرایط قبول آنست که نماز را سبک بجا نیاورد چنانکه در حدیث صحیح منقولست که حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند والله که بسیار است که بنده پنجاه سال نماز کند حق سبحانه

و تعالی نمازی از او قبول نکند [illegible] والله که اگر او قسم [illegible] از جهت همسایگان

خود بکند قبول نخواهد کرد [illegible] کردن آن نماز [illegible] حق سبحانه و وقت [illegible]

نمیکند مگر خوب و لهذا قبول نکند [illegible] که بآن استخفاف کرده و سبک بجای آورد [illegible] در حدیث صحیح

از آن حضرت صلوات الله علیه [illegible] که چون بنده نماز [illegible] دو نماز را سبک میکند حق سبحانه و تعالی

[illegible] فرشتگان را که نظر کنید باین بنده من [illegible] اینست که [illegible]

عبد الله که [illegible] در حاجات او [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

و سلم منقولست که همیشه شیطان خایف است از مومن تا محافظت مینماید نماز های پنجگانه را بدرستی [illegible]

فضیلت

در اوقات فضیلت آن [illegible] میکند نماز ها [illegible]

[illegible] حدیث صحیح [illegible] است [illegible] از حضرت امام

محمد باقر علیه الصلاة و السلام سوال کردم از تفسیر این آیه الذین هم علی صلاتهم یحافظون که

سبحانه و تعالی [illegible] که ایشان محافظت [illegible]

فرمودند که [illegible]

[illegible] می‌گویند کفتم که قریب باین مدح است الذین هم علی صلاتهم دائمون که از حضرت

صلوات الله علیه فرمودند که مراد از آن جمعی اند که مداومت مینمایند بر نوافل که نوافل را هیچ

ترک نمیکنند با آنکه چون نوافل را [illegible] که با همیشه نماز میکنند با آنکه همیشه تطوعات میکنند

چنانکه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم [illegible] رکعت نماز میکردند و در حدیث

کالصحیح از آن حضرت صلوات الله علیه منقولست [illegible] که [illegible] نماز ها [illegible]

شرایط و آداب بجا آورد [illegible] فضیلت واقع [illegible] و بیست [illegible]

[illegible] سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم مروی است که فرمودند [illegible]

نماز است [illegible] در خصوص قیام نکنید موضع نماز [illegible] است [illegible] نماز شما [illegible]

[illegible] از تکبیرات نماز [illegible]

٣٤

[illegible] شخص [illegible] باشد [illegible] هر فعلی از افعال نماز را که خوب بجا نیاورد [illegible]

آنست که عضوی از اعضای نماز را مقطوع ساخته اند [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که [illegible] حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودند در مسجد که شخصی داخل شد و مشغول نماز شد و رکوع

و سجود آنرا تمام بجا نیاورد [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که [illegible]

منقار [illegible] کلاغ والله که اگر این شخص بمیرد و نماز [illegible] چنین باشد [illegible]

مرده باشد [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند

که نماز خود را ضایع مکردانید هر کس نماز خود را ضایع کرد [illegible] حق سبحانه و تعالی او را حشر میکند با قارون

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] که او را داخل جهنم کند [illegible]

[illegible] آن حضرت فرمودند که [illegible] روز قیامت حساب خلایق [illegible]

[illegible] سوال میکنند از نماز است [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت فرمودند [illegible]

بیخ حوبیه هر شخصی خوبی نماز او ظاهر میشود و در حدیث کالصحیح از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
واله وسلم وارد است که بدترین دزدان دزد نماز است که تخفیف دهد نماز خود را و امثال این احادیث
بسیار است بهمین اکتفا شد بدانکه از شرایط قبول تقوی است چنانکه حق سبحانه وتعالی فرموده است که
إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ و کذشت ایه و بعضی از اخبار و در حدیث قوی از حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه واله وسلم وارد است که هر که بخورد چیزی از اشیاء [illegible] حق سبحانه وتعالی نماز
ان روز او را قبول نمیکند و اکر در شب بخورد نماز ان شب او را قبول نمیفرماید و در احادیث صحیحه
و حسنه و موثقه و قویه متواتر است وارد شده است از حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین
صلوات الله وسلامه علیهم که هر که شراب بخورد و القدر که مست شود حق سبحانه وتعالی نماز
او را چهل روز قبول نمیفرماید مکر انکه توبه کند و در روایت [illegible]
از معاذ بن جبل که کفت روزی نزد حضرت سید المرسلین صلی الله علیه واله وسلم بودم ناکاه حضرت نظر
بجانب اسمان کرده فرمودند که ستایش و ستایش خداوندی راست که حکم میکند در میان خلقش
بهرچه میخواهد پس فرمودند که ای معاذ کفتم لبیک یا رسول الله صلی الله علیه [illegible] وسلم که [illegible]
[illegible] دیکر فرمودند که ای معاذ کفتم لبیک یا رسول الله صلی الله علیه واله وسلم [illegible]
[illegible] بود که [illegible] است [illegible]
[illegible] حفظ [illegible] نفع خواهد کرد [illegible] عمل [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible] که [illegible] حق سبحانه وتعالی [illegible] فرموده
که خداوند عالمیان هفت فرشته را [illegible] است [illegible] اسمانها [illegible]
بعظمت
[illegible] ساخته است [illegible] کرد [illegible] است [illegible]
[illegible] فرشته [illegible] اسمان [illegible] است [illegible] حافظان اعمال [illegible]
[illegible] مثل نور افتاب تا انکه اسمان اول میرسند [illegible] عمل [illegible]
میکشند [illegible] اسمان اول [illegible]
[illegible] ملک [illegible]

[illegible]

[illegible] باشند [illegible] که حافظان عمل عملی را بالا میبرند که صالح باشد
و او را [illegible] اسمان اول میکذرانند تا باسمان دوم میرسند
ملک اسمان دوم میکوید که [illegible] عمل را [illegible] صاحبش [illegible]
دنیا بوده است [illegible] دنیا [illegible] میکند [illegible] دنیا [illegible] که [illegible]
[illegible] حضرت صلی الله علیه واله وسلم فرمودند که حافظان اعمال عملی را بالا میبرند
که [illegible] و خوشحال باشند بسبب نماز و صدقه که [illegible] خوش [illegible]
[illegible] ملک میکوید که باستید [illegible] عمل را بر روی صاحبش بزنید [illegible]
[illegible] و لیکن [illegible] مومنان [illegible] میکند
[illegible] است که [illegible] حافظان عمل عملی
[illegible] بالا میبرند که منور باشد مانند ستاره [illegible] در اسمان و ان عمل را صدائی باشد
[illegible] تا باسمان چهارم میرسند [illegible] ملک کوید که باستید و این عمل را بر روی
صاحبش بزنید [illegible] ملک [illegible] اعتقاد [illegible] کرده است [illegible] عمل خود
خوشنود [illegible] است [illegible] که [illegible] صلی الله
علیه واله وسلم فرمودند که حافظان عمل عملی را بالا میبرند [illegible]
از اسمانها [illegible] تا باسمان پنجم برسد و ان عمل مشتمل باشد [illegible] و صدقه [illegible] نماز
و ان عمل [illegible] باشد مانند افتاب و ان ملک کوید باستید که من ملک حسدم [illegible] عمل
[illegible] صاحبش بزنید و در [illegible] علم و عبادت
[illegible] عمل میکنند [illegible] علم یا عمل [illegible]
[illegible] که [illegible] عمل [illegible] کرد [illegible]
[illegible] فرمودند که حافظان عمل عملی را بالا میبرند تا باسمان ششم
[illegible] صاحب [illegible] و این عمل را بر روی [illegible]
[illegible]

میکنند و با وجود دنیوی با صبر بسوی شهادت و خوشحالی میکنند بعد از آن که هم امور [illegible] است که

نکند این هم که این از من بکند بعد حضرت صلی الله علیه [illegible] و سلم فرمودند که ما فضل الله عملا

ما باکثر من الاخبار بالعلم والاجتهاد و در هر جائی که هر کاری که آن عمل با صدق باشد مانند صدای [illegible]

داشته باشد مانند برق [illegible] از فرشته با آن عمل باشد بر سبیل [illegible] او را آسمان هفتم ملک

گوید که بیهوده این عمل را [illegible] صاحبش بزنید من ملک حجابم و ما [illegible] عملی را که خدا [illegible]

حق سبحانه و تعالی نباشد و غرض او مخلص او است که بنده [illegible] باشد [illegible] و او را

در مجالس ذکر [illegible] یاد کنند و او از صلاح او در شهرها فاش شود بعد از آن که هم امور [illegible] است که

نکند این هم که عملی را من بکند [illegible] خالص نباشد [illegible] فرموده است که ما فضل [illegible] عملا [illegible]

که از آن خوشنود باشد و مشتمل باشد بر حسن خلق و [illegible] بسیار و [illegible]

میکنند او را فرشتگان آسمان ها و آن هفت فرشته با اتباع ایشان تا حجب برسند و از [illegible]

گذرند تا بجائی برسند که در آنجا عرض [illegible] اعمال را بر حق سبحانه [illegible] و همگی شهادت دهند

نزد حق سبحانه و تعالی که این بنده مشغول عمل و دعا است [illegible] که [illegible]

عمل بنده ابدا و من مطلع بر آنچه در دل او است غرض این بنده خالص نبود [illegible] لعنت

من بر او باد [illegible] گویند که بر او لعنت تو باد و لعنت ما [illegible] گوید که [illegible]

حضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] امام حضرت

صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که [illegible] گفتم [illegible]

خدائی [illegible] حضرت [illegible] فرمودند که [illegible]

بر قطع [illegible] از غیبت برادران مومن [illegible]

خود [illegible] برادران [illegible] که دل برادران [illegible]

و خود را [illegible] عزت کردن برادران و خود را بلند مکن [illegible]

و ضیاع [illegible] آخرت [illegible] با آنکه [illegible] آخرت را از جهت دنیا [illegible]

[illegible] باشد [illegible] ملاحظه [illegible]

چنین ۳

۴ معاد

که این [illegible] دیگر شود [illegible] که مخبرات دنیا از قطع [illegible] مقام [illegible]

مومنان مباش که [illegible] جهنم [illegible] حق سبحانه و تعالی ایشان را [illegible]

در غرض این معاد گفته [illegible] که طاقت این اعمال [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] حق سبحانه و تعالی

[illegible] کتاب [illegible] مانند [illegible]

قرآن کریم [illegible] حدیث دلالت میکنند بر آنکه [illegible] اعمال [illegible]

مقبول باشد دلالت بر [illegible] باید که [illegible]

که شرط [illegible] قبولیت است که [illegible] عملی را [illegible]

مقبول باشد [illegible] عمل [illegible] صحت این [illegible] چنانکه

اخبار [illegible] است [illegible] حدیث صحیح از [illegible] که شنیدم

از پدرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که حضرت سید الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم

که فرمودند [illegible] جهنم [illegible] حق سبحانه [illegible] خطاب بکند بمالک جهنم که ای

[illegible] ایشان را [illegible] که [illegible]

[illegible] که عبادت [illegible] وضو میکردند [illegible]

در جهنم [illegible] از [illegible] ایشان را [illegible]

دستهای ایشان را نسوزان چون این دستها را بدعا بر داشته اند و زبانهای ایشان را

نسوزان چون بزبان تلاوت قرآن میکردند [illegible] که ای [illegible]

[illegible] جهنم کردند [illegible] با آنکه [illegible] ایشان گویند که ما اعمال [illegible]

[illegible] باشد [illegible] اعمال [illegible]

[illegible] حدیث صحیح منقول است که از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

[illegible] قیامت [illegible] حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] کنید [illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] جهنم [illegible]

۴ باستان

و این دانست که ایشان از نزدیک نیست بر عزم ایشان گمان داشته باشند که نیست بودن [illegible] الجهم

و باعث عدم ایست که چون ایشان مکو کنند در عبادات در نماز با خدا بخشاید ایشان گمان کنند که از جمله

اشباه است در واقع سبب زیادتی عصیان ایشان میشود و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند

که هر که بطلب او نفوع چه عمل میکند خدای سبحانه و تعالی او را بجزء عمه میکند و [illegible] میکند و فی

الحقیقه اگر دانند غریب منعم هد بودی اگر گفتم یا رسول الله چه عمل باعث سعادت او وقت کی و ایت حضرت

فرمودند ایشان که مومنی که اعمالیکه خدای سبحانه و تعالی لهر کرده است از جهه عبد چون [illegible] و نعما

بجای آورد و چون هر کار که از خود امیر شده در اصطکیند که ریا شرکت و در روز قیامت بر یک بن [illegible]

تمام منصور اعتقاد و مشکو شده کی ای کاف ای مکاسای ای [illegible] ای رباب از عملت باطل و اجرت صایع کشت

و در بعضی نسخ از رحمت الهی دور خواهد بود و بر دو هر خود را از جمله بکوید که این اعمال را از جهة او کرده

و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوه و السلام و این دانسته است که نیست عمل بکوید نیست

و هر کس نیت اللهی نیت کرده است و [illegible] نیت کرده و خواهد [illegible] از [illegible] اعمال و ایات و امثال

همچنین نیت قربت که واجب است [illegible] نیت وجوب و ندب داده و قصد قربت تمام [illegible] نیت

که دلالت بر وجوب آن کند و اگر ندب نیت از جهة خروج از خلاف و در حدیث صحیح از ادریس بن عبد العزیز

منقولست از یونس بن عمار که گفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که شخصی از حضرت

سوال کرد که هر کاه شخصی در خلوت نماز کند عجب بخاطرش برسد چون است حضرت فرمودند که هر کاه در

اول نماز قصد او رضای الهی بوده است ضرر ندارد باید که نماز را تمام کند علی رغم الشیطان و

این وسواس شیطانست و در حدیث صحیح مرویست از عبد الله بن مغیره که در کتاب [illegible]

گفت که من فراموش کردم که در نماز داخل شدم تا برکوع رفتم و از خاطرم رفت و [illegible] نماز

کردم حضرت فرمودند که نیت اول معتبر است که این قصد متوجه [illegible] بودی که

اول نماز واجب شروع در نماز کرده باشی و بعد از آن شک کنی که [illegible] است

[illegible] کرده باشی همان نیت اول اعتبار کرده کرده

ابدکه ناالله لکر [illegible]

کالعمد [illegible] دستن است و اصحاب با آن [illegible] نموده‌اند و فی الحقیقه از حمید [illegible]

نیت تامم است که حدیث نمازست و نیت یقینی لازم دو و لحیت اجماعا و نیت دیگر که در آن

خلافست آنست که چون قصد نماز ظهر کرد آیا شرطست که قصد نماز ظهر واجب کند یا نیت نماز ظهر کند

کافیست و حق آنست که کافیست و جمعی خلاف کرده‌اند که هر که قصد نماز ظهر واجب کرد آیا

شرطست که قصد کند که این ظهر واجب را بجهت وجوب واقع میسازم بالوجه و وجوبه و این خلاف را

ناشی شده است که متکلمان گفته‌اند که میباید که عبادات را واقع سازند از جهت آنکه واجبست

بالجمله واجب شده‌اند که این شکر منعم است یا از جهت عبادات ظاهری لطف است در عبادات باطنی یعنی

حق سبحانه و تعالی میخواهد که بندگان بیاد او باشند و کمالات معنوی بهم رسانیده باشند از کرم

و اخلاص و شفقت علی خلق الله این عبادت ظاهر را مقرب ساخته است که تا چون این عبادات را بجای آورند

از کمالات [illegible] [illegible] این معانی را بعوض نیت قربت بود و این نقلی مقرر ساخته اند جمعی

از بعضی غافل شده‌اند و اینها با نیت قربت جمع کرده‌اند و علی ای حال شبهه نیست در آنکه هر گاه نیت

قربت را بکنند از همه مجزیست و احتیاج با اینها نیست و اگر کسی بکند ضرر ندارد و بر تقدیر لزوم

[illegible] است که نیت [illegible] حقیقی [illegible] بال نیست بلکه آن معنی است که [illegible] فعلت و آن معنی را

[illegible] نیت مکو [illegible] منفعلات او را حاصل کنی بر باطن و در عبادات تا آنکه سبز هیچ [illegible] کنند

غرض الماست حاصل بود [illegible] باشد [illegible] کذشت [illegible] الصلوات الله علیه کان

رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من حبس نفسه علی صلوة فریضة ینتظر وقتها

فصلیها فی اول وقتها فاتم رکوعها و سجودها و خشوعها ثم مجد الله عز و

جل و عظمه و حمده حتی یدخل وقت صلوة اخری لم یلغ بینهما کتب الله له

[illegible] الحاج المعتمر و کان من اهل علیین و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که حبس

[illegible] بر نماز فریضه تا آنکه انتظار وقت آن کشد تا نماز را در اول وقت بجا

[illegible] و [illegible] این نماز بجای آورد و تعقیب کند نماز را تا آنکه [illegible] الهی کند

بعض [illegible] که حلالت بر عظمت الهی کند مثل لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در

عظمت حمد الهی که بر صفات کمالیه باشد کمثل الحمد لله رب العالمین مثلا تا آنکه وقت نماز

آید در بر عبادت دیگر از جمله [illegible] که سبحانه و تعالی از جهة او ثواب کند حج و عمره

بجا آورده باشد و از اهل علم نقل کرده که افضل از انتظار نماز است و در حدیث [illegible] شده که

نماز [illegible] حج است و اما در این حدیث که حج و عمره است چه وجه میتوان گفت یکی آنکه

نقض وضو را [illegible] که حج را که گفت که بیت حج باشد با در حج و دیگر آنکه ممکنست که ثواب که حج

و عمره از جهة انتظار وقت باشد و سایر مستحبات با آنکه مهر [illegible] شده است آنکه از اهل

علم باشد و ممکنست که اضعف بر بادی کند بر بخت حج و احتمالی دیگر چون در نظر آنکه [illegible]

چون مخالفان تا حج و عمره عظیم است اگر بخت با هم ازین نهی نه حمل بر تعارف هند کرد

و حمل فرمودند و منافات [illegible] حج با عمره حج چون یک در عموم [illegible] ممکنست که

ضمن یکی که بحسب استحقاق یک حج باشد و باقی بحسب تفضل باشد و آن نظر با شخاص مختلف

شود با یک حج و حج واجب باشد و [illegible] سخت باشد والله تعالی یعلم و در حدیث که از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله مرویست که هر که انتظار وقت کند [illegible] از نماز تا وقت

دیگر داخل شود و از جمله [illegible] حق سبحانه و تعالی است و بر حق [illegible] الله است که گرامی دارد

زایر خود را و بدهد با او هر چه سوال کند و در حدیث دیگر که صحیح از حضرت رسالت صلی الله

علیه و آله و سلم وارد شده است که فرمودند که انتظار نماز بعد از نماز کفایت از گناهای

هست و از حضرت سید بن صدقات الله علیه منقولست که هر که اهتمام دارد بوقتهای نماز لذت

دنیا او را کامل نشود و [illegible] لذت از [illegible] مبادا که لذتهای دنیا محو شود تو او را آنکه

که لذات دنیا ترک کند تا او سعادت او را حاصل شود و [illegible] احادیث در فضیلت [illegible]

[illegible] و قد اخرجت هذه الکتاب مُسندة مع ما ورد فی معنا [illegible]

و تحقیق که اخبار که [illegible] ذکر کرده ام و سند آن ذکر نکرده ام و [illegible]

[illegible] ذکر کرده ام و اصلاح [illegible]

[illegible] از کتب [illegible] ام در [illegible]

تمه

۲ مرسل

مبانی جابلقا [illegible] مجهولست یعنی مشایخ بنی نقل کرده اند جمعیکه که معلوم نمیشد با یا و ست مجهول

شده اند و امضی اند از اصلاح ابتا [illegible] و احادیث در فضل طول دادن رکوع و سجود در قنوت

داخل است و اسب [illegible] ذکر آنهاست در ابواب [illegible] آنچه بعضی در اخبار ذکر میکنند

باب علامات [illegible]

[illegible] باید [illegible] واجب شد در نماز در هر وقت وجود [illegible]

او را [illegible] الله [illegible] وقوع [illegible] سبحانه و تعالی

سیدانند و [illegible] نماز [illegible] حمل است که در واقع [illegible] صحیح باشد و علت باشد [illegible]

[illegible] صحیح باشد [illegible] نمیتوان کرد [illegible] اهل کتاب

[illegible] حضرات [illegible] صلوات الله و سلامه علیهم موافق

اهل [illegible] کتب [illegible] جواب [illegible] باشند تا سبب اسلام [illegible] و [illegible] سبب

اسلام ایشان [illegible] بوده است [illegible] است [illegible]

[illegible] باشد [illegible] اوایلست و [illegible] است [illegible]

[illegible] حکماء الهی [illegible] موافق حکمت بوده است [illegible]

[illegible] رضی الله عنهما کم ذکر کرده اند [illegible] با عتقاد ایشان [illegible] عدم

[illegible] که بدانند [illegible] کرده است [illegible]

روی عن الحسن بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما انه قال جاء نفر من الیهود الی النبی صلی الله

علیه و آله و سلم فسأله اعلمهم عن مسایل فکان مما سأله لای شیء فرض الله

[illegible] هذه الخمس الصلوات فی خمس [illegible] و اوقات علی امتک فی ساعات اللیل و النهار [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه که فرمودند که جمیع از یهود [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] و اعلم ایشان [illegible] از حضرت [illegible] و از جمله [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible] نماز [illegible] و وقت [illegible]

[illegible] اصل وجوب و [illegible]

۳۸

و ساعت جزوی از اجزای شب و روز است و اصطلاحات در آن مختلف است اما ساعت مستقیمه جزء
از بیست و چهار جزو از شبانروز است و ساعتی شصت دقیقه است و هر دقیقه شصت ثانیه
و هر ثانیه شصت ثالثه است و هکذا و گاهی اطلاق میکنند بر قدری که جزوی از اجزاء دوازده جزو
از روز خواه روز بلند و خواه کوتاه و همچنین در شب که اطلاق میکنند بر قدری که مختلف است
بر آن حکم چنانکه دایر و مشهور است در لغت از صبح تا طلوع آفتاب یک ساعت است و [illegible] دعای خاص
در آن مستحب است چنانکه شیخ در مصباح نقل کرده است و گاهی هست که اطلاق میکنند بر جزوی چنانکه
متعارف است نزد عرب و عجم که میگویند یکساعت نزد ما بنشین یا یک ساعت که [illegible]
است اگر چه نیم ساعت [illegible] ساعت [illegible] باشد و گاه است که مجموع [illegible]
کنند بر بیست و چهار جزو نیم غیر مستقیم چنانکه اخبار [illegible] لکن سنت و اصطلاحات دیگر نیز هست
نزد منجمان قال النبي صلى الله عليه وآله ان الشمس عند الزوال لها حلقة تدخل فيها فاذا دخلت
فيها زالت الشمس فيسبح كل شيء دون العرش بحمد ربي جل جلاله وهي ساعة [illegible]
فيها ربي جل جلاله فرض الله [illegible] على وعلى امتي فيها الصلوة وقال اقم الصلوة لدلوك
الشمس الى غسق الليل وهي ساعة التي يؤتى فيها بجهنم يوم القيمة فما من مؤمن يوافق تلك
الساعة ان يكون ساجدا او راكعا او قائما الا حرم الله جسده على النار حضرت [illegible]
المرسلين صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که آفتاب را حلقه هست نزد زوال که در آنجا داخل
میشود و این حلقه بنا بر مشهور دایره موهومه ایست که در میان حقیقی مشرق و مغرب
اعتدال توهم کرده اند و میان مشرق و مغرب هر روز نیز صحیح است زیرا که [illegible]
مشارق و مغارب [illegible] و [illegible] اعتدال و [illegible]
از جانب مغرب بر آنکه [illegible] وسط حقیقی است زوال [illegible]
میشود زوال است و ممکن است که همان دایره باشد و تا داخل شود [illegible]
بیرون [illegible] فاصله میشود و لیکن چون ظهور [illegible]

۲ علی د

تا دیر دایره ۲

مراعات میکنند که چون داخل شد در آن دایره زوال میشود پس هر چیز که هست در پایین
عرش بتسبیح و تحمید پروردگار مشغول میشود و میگویند سبحان الله و بحمده و این تسبیح عبد
تسبیحیست که همیشه بالناطق است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است وان من شيء الا يسبح
بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم همه موجودات بزبان حال یا اشتغال [illegible] پروردگار خود میکنند بحمده
[illegible] هر موجود من حیث الامکان او الحدوث میگویند که [illegible] هست که ما را آفریده است و ما را
سببی [illegible] جسم نیست و در مکان نیست و در جهت نیست مجملا از جمیع نقایص منزه است
و جمیع [illegible] منزه است [illegible] موصوف است [illegible] بتحمید [illegible]
[illegible] صفات سلبیه و صفات ثبوتیه [illegible] با [illegible] عبارات با امثال این عبارات
را میگویند [illegible] ما [illegible] و جمع کرده اند که [illegible] تسبیح است که چون در
[illegible] تسبیح [illegible] میکنند متوهم میشود که ایشان [illegible] تسبیح میکنند [illegible]
این [illegible] بتحمید میکنند که تسبیح [illegible] و [illegible] اوست و صفات [illegible] که هر چه
[illegible] واقع است که در [illegible] عرش تسبیح میکنند [illegible] عرش [illegible]
باشد [illegible] عرش معلومات [illegible] باشد [illegible] عرش [illegible]
[illegible] تسبیح و تحمید مشغول [illegible] عرش [illegible] تسبیح گویند و این ساعتی است
که [illegible] عظیم الشان [illegible] و رحمت و فیوض [illegible] سبب [illegible]
[illegible] عالمیان [illegible] چنانکه حدیث لولاک لما خلقت الافلاک [illegible]
و این [illegible] عالمیان [illegible] که [illegible] و [illegible] عالمیان [illegible]
[illegible] که [illegible] از وقت زوال آفتاب تا نصف شب چنانکه [illegible]
[illegible] چنانکه حق سبحانه و تعالی
[illegible] وجود [illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] زوال [illegible] باشد [illegible]
[illegible] کرده اند [illegible]

که چون این آیه نازل شد امیر [illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

شد و حالت عجیب از [illegible] آن حضرت مشاهده شد که صحابه [illegible] که مبادا آن حضرت هلاک شود

چون هر وقت که جناب رسالت معنوی واقع میشد علاج آن از حضرت امیر المومنین صلوات

الله علیه میکردند جمعی از صحابه خود را بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رسانیده

گفتند یا علی [illegible] حضرت را که هر گونه حالت آن حضرت را صلی الله علیه و آله و سلم دست

داد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه خود را [illegible] رسانید [illegible] حضرت را

در کنار [illegible] حضرت [illegible] گفتند یا نبی الله [illegible]

[illegible] حضرت صلی الله علیه و آله [illegible] که جبرئیل این آیه [illegible]

که جهنم را [illegible] ابو سعید گفت که [illegible] جهنم [illegible]

حضرت فرموده که هفتاد هزار [illegible] هفتاد هزار فرشته [illegible]

[illegible] جهنم [illegible]

جهنم [illegible] جهنم [illegible] گوشت [illegible]

[illegible] بعضی گویند [illegible] جهنم

[illegible] که شعلهای آن [illegible]

[illegible] فراخ [illegible]

که [illegible] جهنم [illegible]

میان آن [illegible] الله [illegible] المومنین [illegible]

[illegible] رکوع یا قیام [illegible]

مشغول [illegible] ساعت هفتم [illegible]

[illegible] ساعت [illegible]

حق سبحانه [illegible] حرام کرده اند [illegible]

تا من الله عز و جل اکل [illegible]

بفرمای ۳

لصلوة [illegible] الیوم القیمة و [illegible] من احب الصلوة الی الله عز و جل و ادنانی

ان احفظها من [illegible] داد [illegible] وقت این ساعت است که [illegible]

کرده [illegible] بود که [illegible] گندم بود

و بعضی گفته اند که درخت انگور بود و بعضی [illegible] کفته اند و بعضی [illegible] گفته اند

و در حدیث صحیح [illegible] منقولست که حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله

و سلامه علیهما [illegible] که [illegible] رسول الله [illegible] فرمایند که [illegible] که حضرت آدم و حوا [illegible]

نمودند [illegible] که [illegible] بود و بعضی روایت کرده اند که انگور بود

و بعضی روایت کرده [illegible] بود و حضرت [illegible] درخت بهشت [illegible]

[illegible] انواع [illegible] انواع علوم است

[illegible] که حضرت حق سبحانه و تعالی حضرت آدم را [illegible] کرد [illegible] فرشتگان [illegible]

[illegible] در بهشت [illegible] خاطر حضرت آدم [illegible] که [illegible] حق سبحانه و تعالی

[illegible] باشد [illegible] بود [illegible] خطاب فرمود

که ای آدم سر بالا کن و نظر کن [illegible] لا اله الا الله محمد رسول

الله علی بن ابی طالب امیر المومنین [illegible] فاطمه [illegible] نساء العالمین و الحسن و الحسین سید [illegible] شباب

اهل الجنة [illegible] آدم گفت ای پروردگار [illegible]

[illegible] خلق [illegible] ایشان نبودند [illegible] افریدم و بهشت و دوزخ

[illegible] نظر [illegible] که [illegible]

[illegible] حضرت آدم [illegible] نظر کرد [illegible]

[illegible] آدم [illegible] این شجره [illegible] تناول [illegible]

[illegible] منزلت حضرت فاطمه زهرا صلوات الله [illegible] علیها [illegible]

[illegible] تناول کرد [illegible] آدم کرد [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] بهشت [illegible]

خواهیم کی

کرد و بشارت فرستاد [illegible] که از حسد نسبت بآنحضرت [illegible] مسمی است از جمله که ا
آنرا ذوی [illegible] نسبت ان نعمت را از محسود نخواهد و حسد آنست که نخواهد که محسود ان
نعمت را داشته باشد و لیکن نسبت با انبیا غبطه نکرد و هست نظر بجلالت ایشان تا
خطا [illegible] که حسنات ابرار سیئات مقربانست چنانکه روایت کرده است [illegible]
عبد السلام هروی که چون مامون [illegible] جمع کرد علمای [illegible] و دیگر مجوس و صابیان را
و حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه [illegible] از کتاب [illegible] علی بن
محمد بن جهم برخاست و گفت یابن رسول الله [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] معنی
[illegible] حق سبحانه [illegible] آدم [illegible] ای خطاهای اجباره [illegible]
است حضرت فرمودند از حق سبحانه و تعالی [illegible] انبیا [illegible] قران [illegible]
خود تفسیر [illegible] که حق سبحانه [illegible] فرموده است که [illegible] متشابهات قران [illegible]
[illegible] علیهم صلوات الله علیهم اما حضرت آدم [illegible] حق سبحانه و تعالی
[illegible] از جهة خلافت [illegible] فرزند بود که [illegible] بهشت [illegible]
واقع [illegible] بهشت [illegible] سبب استحقاق دخول [illegible]
[illegible] بود که از حضرت [illegible] مخالفت [illegible]
کرد که حضرت آدم [illegible] باشد از جهة [illegible]
و حصول انبیا و اوصیا از صلب آنحضرت [illegible] چون حق سبحانه و تعالی [illegible] فرستاد
[illegible] حفظ فرمود که [illegible] حضرت [illegible] مدت عمر [illegible] سال [illegible]
[illegible] چنانکه حق سبحانه و تعالی فرمود إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ [illegible]
عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ [illegible] از مشکلات [illegible]
[illegible] که [illegible] علم [illegible] بود که چون [illegible]
[illegible] از [illegible]

[illegible] که حضرت آدم از بهشت [illegible] حق سبحانه
و [illegible] حضرت آدم [illegible] نماز عصر بجای آورد [illegible] حق سبحانه و تعالی
[illegible] را اختیار کرد از جهة امت [illegible] نماز [illegible] حق سبحانه و تعالی
[illegible] نماز عصر است
و حدیث [illegible] که مراد از نماز وسطی نماز جمعه است
یا اعم از جمعه است و ظهر [illegible] از عبد الله بن سنان
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه [illegible] حَافِظُوا
عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ صلوة عصر [illegible] و حدیث [illegible]
نماز وسطی [illegible] ظهر [illegible] باشد چون [illegible] نمازهای [illegible] واقع [illegible]
[illegible] واقع [illegible] که [illegible] الصلوة الوسطی و صلوة عصر
[illegible] که حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] که حضرت [illegible]
[illegible] ذکر کرده است [illegible]
[illegible] عصر [illegible] ظاهر [illegible] صلوة وسطی است
[illegible] صلوة وسطی باشد [illegible]
[illegible] نماز جمعه و ظهر و عصر [illegible] مذکور است
[illegible] جمعه [illegible] که جمعه
[illegible] والله [illegible] وَأَمَّا الصَّلَاةُ الْمَغْرِبُ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَابَ اللَّهُ
[illegible] آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ بَيْنَ مَا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَبَيْنَ مَا تَابَ اللَّهُ
[illegible] ثَلَاثُمِائَةِ سَنَةٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا وَفِي أَيَّامِ الْآخِرَةِ يَوْمٌ [illegible]
[illegible] آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [illegible]

حق اهلها السلام در کعة لتوبته فرض الله [illegible] هذه الثلث رکعات
على امتی و هی الساعة التی یستجاب فیها الدعاء و وعدنی ربی عز و جل
ان یستجیب لمن دعاه فیها و هی صلوة التی امرنی ربی بها فی قوله تبارک و تعالی فسبحان
الله حین تمسون و حین تصبحون اما نماز شام [illegible] وقت [illegible] ساعتی است که حق
و نفع توبه حضرت آدم را قبول فرموده و وقتیکه از شجره خورده بود [illegible] توبه او
را قبول کردند سیصد سال بود و آن از عصر تا شام بود در ایام آخرت و روزی هزار سال
است از ابتدای روز تا چاشت که دویست سال باشد یا سیصد سال على الخلاف ملائکه
در سجده حضرت آدم بودند [illegible] تا میان روز [illegible] صد سال
مشغول تعلیم اسما بود حضرت آدم دویست سال دیگر از ظهر بود تا عصر مشغول [illegible]
جنت بودند چون توبه کرد و توسل بآل عبا که انوار ایشان دیده بود و اسمای ایشان را ملاحظه
نموده بود در ساق عرش [illegible] محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین [illegible] توبه مرا قبول [illegible]
و نفع توبه او را قبول کرده است [illegible] شام حضرت آدم سه رکعت نماز کرد یک رکعت از جهة
کفاره گناه خود و یکی از جهة گناه حوا [illegible] یک رکعت بشکرانه قبول توبه [illegible] واجب
کرد [illegible] رکعت را [illegible] ساعتی است که دعا مستجاب میشود [illegible]
و عده کرده [illegible] مستجاب کرداند [illegible] هر مطلبی که بخواهد
در [illegible] این نماز [illegible] است [illegible] فرموده است [illegible] فسبحان الله
حین تمسون و حین تصبحون [illegible] یاد کنید خدا را [illegible] وقت شام و وقت
حالت نماز [illegible] اصل نماز [illegible] وقت است [illegible]
دلیل [illegible] واجب الوجود [illegible]
صلوة است [illegible] نماز [illegible]
و [illegible] تسبیح [illegible] جهة [illegible]
[illegible] و له الحمد فی السموات و الارض [illegible]

[illegible] اسماها [illegible] نماز [illegible]
و حین تظهرون [illegible]
و در حین که داخل میشوید [illegible] عصر [illegible] بعضی گفته اند که نماز
عصر است و مراد از [illegible] شام [illegible] است و [illegible] مراد او است که [illegible]
بتسبیح و تحمید [illegible] به کریمه و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس
و قبل الغروب [illegible] و ادبار النجوم جمع گفته اند که مراد از تسبیح [illegible] قبل از طلوع آفتاب
نماز صبح است و بعضی [illegible] نماز ظهر و عصر است و مراد از تسبیح شب نماز شام و
است و مراد به [illegible] کردن [illegible] شام [illegible] نماز شب است بعد از نصف
با ادبار النجوم قبل [illegible] نماز نافله صبح است و امثال این آیات بسیار است که دلالت
صریح نیست [illegible] وجوب نمازهای پنجگانه
و [illegible] که مراد از ادبار النجوم [illegible] نافله صبح است و مراد
از ادبار السجود [illegible] نافله بعد از شام است [illegible]
[illegible] اما صلوة العشاء الآخرة فان للقبر ظلمة و لیوم القیمة ظلمة
[illegible] ربی عز و جل و امتی بهذه الصلوة لتنویر القبر و لیعطینی و امتی النور على
الصراط [illegible] قدم [illegible] الى صلوة القیمة الا حرم الله عز و جل جسده على
النار و هی الصلوة التی اختارها الله تعالى [illegible] المرسلین قبلی و اما
نماز [illegible] قیامت [illegible] است [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] قیامت [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نماز [illegible]

شدند و [illegible] تشنگی کنند و [illegible] [illegible] طلوع الفجر فان

الشمس اذا طلعت تطلع على قرني شيطان [illegible] فامر[illegible] عز وجل ان اصلى قبل

طلوع الشمس صلوة الغداة وقبل ان يسجد لها الكافر لتسجد امتى لله عز وجل

وسرعتها احب الى الله عز وجل وهى الصلوة التى تشهدها ملائكة الليل وملائكة

النهار و اما آنجمع میشود بسبب آنکه آفتاب طالع میشود و طالع میشود میان دو قرن شیطان

یعنی بر بستان طرف [illegible] بوستان [illegible] شیطان [illegible] محل طلوع

آفتاب میکند در ناحیه آفتاب [illegible] آفتاب پرستان آفتاب را سجده کنند شیاطین گویند که

بنی آدم مرا سجده میکنند بآنکه چون اطاعت شیطان میکنند آفتاب پرستیدن میگویند که

آیا [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] که ای بنی آدم با شما عهد نکردم که

عبادت شیطان مکنید که او دشمن هویداء شماست و نکرده ام که مرا عبادت کنید [illegible]

[illegible] که راه من [illegible] و شما [illegible] [illegible]

از طلوع آفتاب او را عبادت کنم حتی از آنکه کفار سجده آفتاب کنند تا امت من سجده کنند [illegible]

و نزد [illegible] نماز صبح [illegible] محبوب تر است [illegible]

[illegible] شب [illegible] ملائکه صبح [illegible]

و [illegible] نماز صبح [illegible] قرآن الفجر

[illegible] نماز صبح [illegible] شب [illegible]

الخ [illegible] عِلَّةُ اُخْرٰى لِذٰلِكَ

وَهِىَ مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ ابْنُ اَبِى الْعَلَاءِ عَنْ اَبِى عَبْدِ اللّٰهِ [illegible] الَّذِى [illegible]

آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْجَنَّةِ ظَهَرَتْ بِهِ شَامَةٌ سَوْدَاءُ فِى وَجْهِهِ مِنْ قَرْنِهِ [illegible] فَطَالَ

حُزْنُهُ وَبُكَاؤُهُ عَلٰى مَا ظَهَرَ بِهِ فَاَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ [illegible] يُبْكِيكَ يَا آدَمُ

فَقَالَ مِنْ هٰذِهِ الشَّامَةِ الَّتِى ظَهَرَتْ بِى قَالَ قُمْ يَا آدَمُ فَصَلِّ فَهٰذَا وَقْتُ الصَّلٰوةِ الْاُولٰى فَقَامَ

فَصَلّٰى فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ [illegible] عُنُقِهِ فَجَاءَهُ فِى الصَّلٰوةِ الثَّانِيَةِ فَقَالَ قُمْ فَصَلِّ يَا آدَمُ فَهٰذَا وَقْتُ

الصَّلٰوةِ الثَّانِيَةِ فَقَامَ فَصَلّٰى فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ اِلٰى سُرَّتِهِ فَجَاءَهُ فِى الصَّلٰوةِ [illegible] فَقَالَ

آدَمُ قُمْ فَصَلِّ فَهٰذَا [illegible] فَصَلّٰى فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ اِلٰى رُكْبَتَيْهِ فَجَاءَهُ فِى

الصَّلٰوةِ الرَّابِعَةِ فَقَالَ يَا آدَمُ [illegible] فَهٰذَا وَقْتُ الصَّلٰوةِ الرَّابِعَةِ فَقَامَ فَصَلّٰى فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ

اِلٰى قَدَمَيْهِ فَجَاءَهُ فِى الصَّلٰوةِ الْخَامِسَةِ فَقَالَ يَا آدَمُ قُمْ فَصَلِّ فَهٰذَا وَقْتُ الصَّلٰوةِ الْخَامِسَةِ

فَقَامَ فَصَلّٰى فَخَرَجَ مِنْهَا فَحَمِدَ اللّٰهَ وَاَثْنٰى عَلَيْهِ فَقَالَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا آدَمُ مَثَلُ وُلْدِكَ فِى

هٰذِهِ الصَّلَوَاتِ كَمَثَلِكَ فِى هٰذِهِ الشَّامَةِ مَنْ صَلّٰى مِنْ وُلْدِكَ فِى كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ صَلَوَاتٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ

كَمَا خَرَجْتَ مِنْ هٰذِهِ الشَّامَةِ [illegible] منقولست از [illegible] در [illegible] روایت [illegible]

[illegible] از حضرت امام جعفر [illegible] حضرت آدم على نبينا عليه

السلام را از بهشت بدنیا فرستادند خال سیاهی بهم رسید [illegible] از پا [illegible] حضرت

جبرئیل [illegible] جبرئیل علیه السلام آمد و گفت [illegible] گریه میکنی حضرت فرمود

[illegible] سیاهی [illegible] جبرئیل علیه السلام گفت ای آدم برخیز و نماز کن که این وقت

نماز اولست و آدم علیه السلام برخاست و نماز گذارد [illegible] آمد تا گردن [illegible] وقت نماز دوم آمد

و گفت ای آدم برخیز و نماز گذار که این وقت نماز دوم است پس برخاست و نماز کرد [illegible] آمد

[illegible] وقت نماز سیم آمد و گفت ای آدم برخیز و نماز گذار که این وقت نماز سیم است [illegible]

و نماز گذارد [illegible] حضرت آدم [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible]

نماز چهارم آمد و گفت ای آدم برخیز و نماز گذار که این وقت نماز چهارم است پس برخاست

و نماز کرد و [illegible] آمد تا [illegible] وقت نماز پنجم آمد و گفت ای آدم برخیز و نماز کن

که این وقت نماز پنجم است پس برخاست و نماز کرد و خال بالکلیه زایل شد پس حضرت آدم حمد

و ثنای الهی بجای آورد [illegible] آن خال کرد پس جبرئیل علیه السلام گفت ای آدم مثل

فرزندان تو [illegible] نماز مانند مثل تست [illegible] که نماز میکنند از [illegible] تو [illegible]

[illegible] گناهان [illegible] حق تعالی [illegible] پاک [illegible]

[illegible] از ایشان صادر میشود [illegible]

میکند [illegible] کدورت [illegible] میکند [illegible] متوجه [illegible]

الحزن زایل میشود و بعد از آن که برکت ظاهر [illegible] ایشان نیست و بعد اشتداد
بر کسانی یافت [illegible] ایشان ظاهر میشود و حکمت الهی [illegible] اقتضا میکند تا اینکه
بجا برسد و آنکه حق سبحانه و تعالی [illegible] نظر بلطف [illegible] کنند که این
ایشان مصیبت [illegible] موهبت [illegible] اشد [illegible]
شده اما معصومان [illegible] تا این [illegible] ایشان میکنند [illegible] الطیف
میشود چنانکه [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible] چنانکه
فرمودند آنکه این [illegible] صلوات الله [illegible]
علیهم [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible]
حالات [illegible] احوال خود [illegible]
و [illegible] که چون این [illegible] در مقام [illegible]
از اصحاب الیمین [illegible] واقع میشود [illegible]
و با الهامات [illegible] مطلع میشوند [illegible] چنانکه حق
سبحانه و تعالی فرموده است اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون
یعنی چون [illegible] ایشان [illegible] در مقام [illegible] و استعاذه
بجناب [illegible] چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که الهام [illegible]
با ایشان [illegible] در مقام [illegible] و تزکیه نفوس خود [illegible]
در [illegible] بسیار [illegible] است [illegible] شرح [illegible]

شرح است [illegible] لوجوب اله [illegible] کتب الرضا علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما
الی محمد بن سنان فیما کتب من جواب مسائله ان علة الصلوة انها اقرار [illegible]
وخلع الانداد وقیام بین یدی الجبار جل جلاله بالذل والمسکنة والخضوع [illegible]
للاقالة من سالف الذنوب ووضع الوجه علی الارض کل یوم اعظاما لله جل جلاله [illegible]
ذاکرا [illegible] ان یکون خاشعا [illegible] للزیادة فی [illegible]

من الله بجانب [illegible] بالمیل والمعاد لیکون [illegible] والعبودیة [illegible]

و [illegible] ذکر [illegible] احوال [illegible] علیهما [illegible]
از جهة وجوب نماز است که حضرت امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما [illegible] علی علی
سنان نوشتند که علت نماز [illegible] اینکه حق سبحانه [illegible] عالمیان [illegible]
[illegible] خضوع [illegible]
خدا [illegible] واجب الوجود [illegible] است از جهة [illegible] کردن [illegible] است باینکه
معبود [illegible] وجوب [illegible] واجب العبادة
[illegible] با اینکه چون خدا را عبادت میکند [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] و خضوع [illegible]
و [illegible] و طلب مغفرت میکند که حق سبحانه و تعالی از تقصیرات او [illegible] اصل نماز [illegible] است
[illegible] تقصیرات خود [illegible]
[illegible] آمده است [illegible]
[illegible] است
که همیشه [illegible] در حال نماز [illegible]
[illegible] چون [illegible] در [illegible]
[illegible] خضوع و خشوع [illegible] مقربین [illegible]
[illegible] در مقام [illegible] باشد
مراتب [illegible] شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله [illegible] باینکه
[illegible] خضوع [illegible] نماز [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] نماز [illegible] میکند [illegible]
[illegible] سبب [illegible] فراموشی [illegible]
[illegible] فراموشی [illegible] است [illegible]
و [illegible] که [illegible] است که [illegible]

[illegible] عظیم الشان

[illegible]

کمو عقوبت او را باضعاف مضاعفه زیاده از حد [illegible] ... صحه عمل فی سبیل الله

از انواع فساد ... نماز مانع است اما مکروه نیشود ... بلکه زیادتی اسجد خواند نماز

... ثابت بسیار واقع شده است ... اگر کسی نماز با شرایط بگوید بجای آورد در حق او دعا

نیست که نماز از اعظم واجبات است و ذات بنواله خود ... بلی وجوب او است با آنکه ...

نیست که علت آنرا بیان ... چون علم و حکیم و غنی بالذات هر چه پیغمبر ... این جمله

سخن کافی است ... فضایل نماز است که سبب آن شود که ... این باب

و الجمله ... اهتمام با فعال و آداب ... تا آنکه

بر این در فضایل آن که سید الواصلین و العارفین و المحبین و المرسلین صلی الله علیه و آله

و سلم پیغمبر ... دیده ... نماز است ... که الحضرت صلوات

الله و سلامه علیه بحسب الامر ... مشغول ... ساعتی پیغمبر ... بلال

برخیز ... بانگ بگو تا از همه ... راحت یابیم ... راحت خود که نماز است

مشغول شویم ... که حق سبحانه ... هیچ عبادتی را ... سوره

که نماز را فرموده است و در احادیث صحیحه از حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم وارد شده است که فرموده

... چیزی میانه مسلمان و میان کفر ... مگر آنکه ترک کند نماز واجب را ... یا

و سستی کند با نماز ... باشد ... و عبادتی دیگر ...

و ایمان ... ترک نماز ... که ترک صلوة کرده است ...

آنکه ترک نماز واسطه است میان ایمان و کفر که از ایمان بیرون رفته و دا...

در کفر ... است ... بکفر شده است و معنی اول ظاهر است ...

باب ... اوقات الصلوة ... صلوات الله علیه عن وقت ...

... اذا زالت الشمس فقد دخل ... اذا فرغت من سبحتک فصل ...

... الی ان یبقی ... و ... نماز ... فضیلت یا اختیار ...

... که گفت سؤال کردم از حضرت امام ... صادق صلوات الله و سلامه علیه

... وقت ... ظهر ... نصف النهار ...

... که ... فارغ شوی نماز ظهر را بگزار ... وقت که

... قدم و ... قدم ...

... اختلاف ... است در طول و ... نافله ...

... بعد از ... ساختن ... نافله ...

و بعد از ... بکند ... بگوید ... کرده ... شده است

... و قدم ... وقت نافله ...

... نافله ... بعد از ... فریضه ...

... کرده است و سئل ابا عبد الله ... عن وقت

الظهر و العصر فقال اذا زالت الشمس دخل وقت الظهر و العصر جمیعا الا ان هذه قبل هذه ثم انت فی

وقت منهما جمیعا حتی تغیب الشمس ... و تقدم معهود

و ... گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از وقت

ظهر ... فرموده ... چون ... ظهر ... عصر ...

وقت ظهر ... از وقت عصر ... هر ...

... میان علماء ... این جمله ...

... و اکثر ... بعد ...

... و ... رکعت ... رکعت

... وقت ... آخر وقت عصر ... رکعت ...

حقایق

نواهی

دا... مشود وقت ...

وجوع عصر [illegible] و خفتن نیز اگر کسی [illegible] قضا میشود میباید که نماز عصر

و خفتن را بجا می آورد اگر چه [illegible] باشد [illegible] اگر چه چهار رکعت نماز هم از [illegible] عصر

ظهر [illegible] آورد اگر [illegible] خفتن چهار رکعت نماز شام و خفتن هم [illegible] باید کرد و لکن چون

احادیث صحیحه بسیار وارد شده است که آن چهار رکعت مخصوص عصر و عشا است [illegible] باشد

[illegible] ثابت است بآنکه آخر وقت مخصوص عصر و عشا است و جمعی [illegible] در آنکه [illegible] کرده

[illegible] بسیار [illegible] که اول ظهر و شام را بجای آورد [illegible] بخلاف صورت نسیان [illegible]

نسیان [illegible] عصر را بجای آورد بنابر قول باختصاص [illegible] باطلست و بنابر قول باشتراک [illegible] صحیح است و این

مسئله بسیار نادر الوقوع است [illegible] صحیح وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

صلوات الله علیه [illegible] که از چهار رکعت [illegible] کند و چهار رکعت دیگر از جهت عصر

ادا [illegible] اگر [illegible] حدیث [illegible] دو مراد

از حدیث اینست که اگر نماز را کرده باشد [illegible] و احوط اینست که دیگر ظهر و عصر را

بترتیب بجای آورد والله تعالی یعلم و روی زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال اذا [illegible]

الشمس دخل الوقتان المغرب والعشاء الآخرة و بسند صحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله

علیه [illegible] که هرگاه زوال الشمس شود [illegible] چون زوال شمس شود وقت نماز ظهر

و عصر داخل میشود [illegible] اذا غربت [illegible] شود وقت نماز شام و خفتن داخل میشود و این حدیث [illegible]

سابق و احادیث بسیار دلالت بر اشتراک میکنند و در حدیث کالصحیح بل صحیح از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده است که فرموده اند که هرگاه زوال شمس شود [illegible]

میشود [illegible] چهار رکعت نماز [illegible] بقدر چهار رکعت نماز [illegible] عصر

داخل میشود [illegible] چهار رکعت [illegible] نماز شام [illegible] ظهر [illegible]

[illegible] که [illegible] عصر [illegible] ظهر [illegible] وقت

داخل میشود تا [illegible] که سه رکعت نماز [illegible] وقت [illegible]

عصر و داخل [illegible] نصف شب [illegible] بماند که چهار رکعت نماز

[illegible] نماز شام و آخر [illegible] باطل

والحادث [illegible] چهار رکعت و [illegible] رکعت

وقت عصر داخل میشود [illegible] معلوم [illegible]

دخول [illegible] وقت عصر [illegible]

[illegible] وقت عصر داخل میشود [illegible]

[illegible] عصر و اول شام [illegible] اول زوال وقت نماز ظهر [illegible]

چون [illegible] اول نماز ظهر [illegible] شروع [illegible]

[illegible] عصر [illegible] باشد [illegible]

[illegible] داخل میشود

[illegible] عصر [illegible] باشد [illegible] داخل میشود و لکن اول وقت

[illegible] بسیار [illegible]

[illegible] اول وقت [illegible]

[illegible] و الله تعالی یعلم و روی الفضلاء [illegible]

[illegible] زرارة ابن اعین و بکیر ابن اعین و محمد ابن مسلم و برید ابن معاویة العجلی

[illegible] عن ابی جعفر و ابی عبد الله صلوات الله علیهما انهما قالا وقت الظهر بعد الزوال [illegible]

و وقت العصر بعد ذلک قدمان و باسانید صحیحه [illegible] الصحیح منقولست از این فضلای [illegible]

از حضرت امام محمد باقر [illegible] امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیهما [illegible]

که وقت ظهر [illegible] قدم است و وقت عصر بعد از آن دو قدم است [illegible] دو قدم [illegible]

[illegible] دو قدم [illegible] دو قدم افضل است [illegible] دو قدم

[illegible] قدم

[illegible] قدم

[illegible] بعد [illegible] قدم

[illegible] اول وقت [illegible] باشد [illegible]

[illegible] که [illegible] بحسب ظاهر [illegible]

[illegible] احادیث [illegible] صلوات الله علیه

[illegible] صحیحه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الشمس دهو وقت الله [illegible]

[illegible] این وقت اولی است

صلوات الله علیه منقول است که اول وقت [illegible]

که حضرت [illegible] السلام از جانب [illegible] سبحانه [illegible] از جهت حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله و سلم آورده [illegible] وقت فضیلت [illegible] و این وقت افضل

از وقت آخر اگرچه بعد از دو قدم [illegible] هر دو [illegible] حاصل آنکه فضیلت اضافی است

[illegible] و بعضی از علما گفته اند که مراد از زوال الشمس بعد از [illegible] و قدم [illegible]

حمل کرده [illegible] که ما علمه محمد و علی الهما [illegible] هرچند نیز که در این باب واقع [illegible]

از زیادت [illegible] و صبر [illegible] وقت [illegible]

عمل [illegible] است و از بسیاری از اخبار [illegible] این معنی ظاهر میشود و شکی نیست در آنکه [illegible]

بسیار [illegible] همه از جهت آنست که چون صاحب هر مذهبی را از وقت مجتنب [illegible]

ائمه معصومین صلوات الله علیهم از جهت شفقت بر شیعیان مختلف [illegible] مبادی

ایشان [illegible] اهل سنت و خلفای ایشان با همه مذهبی ساخته بوده [illegible]

[illegible] مذهب خود [illegible] ایشان را میکردند با ایشان کار [illegible] در مقام قلع و قمع [illegible]

بودند از جهت [illegible] خلفای بنی عباس بلکه بنی امیه [illegible]

[illegible] مبادا اتباع ایشان بسیار شوند [illegible] اگر [illegible] شیعه

[illegible] بودند کاری با [illegible] همه شیعیان [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] از کار [illegible] بوده [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] شیعیان [illegible]

معصومین صلوات الله علیهم [illegible] میکردند و ائمه [illegible]

علیهم [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible]

و بعضی [illegible] و بعضی [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

یا آنکه مدت [illegible] معصومین صلوات الله علیهم [illegible] حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] جمع کردند نماز [illegible] و عصر را در اول وقت

که وقت فضیلت ظهر بود [illegible] جمع [illegible] در وقت [illegible]

شام بود تا وقت بر امت فراخ شود و از طرق عامه [illegible] صحیحین ایشان

احادیث [illegible] است [illegible] صلوات الله علیه اوّل الوقت رضوان الله

[illegible] والعفو لا یکون الا من ذنب و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه [illegible] خوشنودی الهی [illegible] و آخر وقت [illegible] الله تعالی

عفو [illegible] عفو [illegible] از گناه و ما عفو الله [illegible] که روایات از ائمه

[illegible] که هر نماز را سه وقت است اول و وسط و آخر [illegible] اول وقت رضوان [illegible]

[illegible] عفو الهی است و آخر [illegible] که آخر وقت [illegible]

[illegible] آخر وقت از جهت بیمار [illegible] مسافر [illegible]

[illegible] اول وقت [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و ناخیر [illegible] افضل است و [illegible] الصلوة الله علیه

تفضل الوقت الاول علی الآخر [illegible] باسناد صحیح منقول است

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] فضیلت وقت اول [illegible]

[illegible] بر آن [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در باب [illegible] آن اشاره خواهد شد

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

مگر آنکه عذر داشته باشد و در حدیث صحیح مذکور است که آن حضرت ... قوم ... هر که هر نمازی بود
و اول آن افضل است از آخر و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که بدانکه
... وقت افضل است هر چیز را تعجیل کن و زود بجا آور و دوست تر آن کن که محبوب ترین اعمال
نزد حق سبحانه و تعالی آن عملیست که بنده مداومت کند اگرچه اندک باشد و در حدیث صحیح از
زراره منقولست که گفت بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض نمودم که نماز ... را
با وسطها ... کدام یک بهتر است که بجای آورند حضرت فرموده اند که اولش بهتر است که ...
سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده اند که حق سبحانه و تعالی از خیر ... اعمال
صالح عملی را دوست میدارد که از او زودتر بجای آورند و چنین است ... باطن ... در
اخبار مبالغه میکنند که شاید عقلی یا مانعی هم برسد و نکند و در حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرموده اند که ... وقت
نماز داخل میشود درهای آسمان از جهت بالا بردن اعمال باز میشود من چنان دوست
میدارم که عمل من از ... بالا برند و در صحیفه من عملی بنویسند از عملهای ...
بشود و از آن حضرت بسند صحیح منقول است که فضیلت وقت اول بر وقت آخر
آخرت بر دنیا و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و آله منقول است که
نمازهای واجب هر گاه در اول اوقات با حدود و شرایط و ارکان واقع شود خوشبوی
... است از ... که در وقت سبزی خط ... الی الملک پس ... نماز ... و ادا ... اول
وقت ... چون ... بوی خوشبوی ... ضیعه ...
و ایمان ... صلوات ... ملائکه ... مغفرت ... احادیث ... جمعی ...
بجا ... و قطع نظر ... عقل ... است ... که ...
خوبست ... بعد کاری مقدم داشته ... بعد ...
کونستوی سألت ابا جعفر صلوات الله علیه عن وقت الظهر فقال ... الذراع ...
زوال الشمس ... وقت العصر ... الاربعة ...

... الله علیه و آله کان ...
... صلی الظهر اذا ... ان یصلی العصر ثم قال
... الذراعان ... اذا ... الذراع ... لک ان تنتفل من زوال
... ذراع ... فاذا بلغ فیئک ذراعا بدأت بالفریضة و ترکت النافلة فاذا بلغ فیئک
ذراعین بدأت بالفریضة و ترکت النافلة و بسند صحیح منقول است از زراره که گفت
... را ذکر کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه ... وقت ظهر پس حضرت فرموده اند که یک
ذراع گذشته از زوال شمس و وقت عصر دو ذراع گذشته از اول وقت ظهر ... چهار قدم
گذشته ... زوال ... که این نسبت ... باشد ... نافله ... از اول ظهر یک ذراع
... ظهر باشد ... بعد از آن یک ذراع از برای عصر باشد ... از برای نافله باشد ...
... صحیحات ... الشمس ... ذراع اول ... ذراع
باشد ... ذراع نافله ... از دو ذراع عصر ... ذراع باشد ... حدیث ...
... یک ذراع از زوال الشمس ... سلطانه زوال شمس
... که ... مقدم باشد ... از ذراع ... ذراع از ... ظهر ... وقت
... باشد ... از جهت نافله ظهر ... نافله عصر باشد ... حضرت فرموده اند که
دیوار مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یک قد آدم بود ... یک ذراع
از ... بود ... سایه ... ظهر ... دو ذراع ... عصر
... بخصوص ... وقت ظهر یک ذراع ... دو ذراع ... مکلف
... که ... استوا ... ذراع
... فرموده اند ... ذراع ... ظهر
... فرموده اند ... ذراع نماز عصر ...
... کرده ام که ... فرموده اند از جهت نافله ... در این
... کرده است که ... و اکثر علما ... ظهر

[illegible] بود داما و مراد از [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] است [illegible]

و اندک [illegible] بگیر دراع [illegible] تغیر آن و بخطیه مشهور فینا قاله [illegible]

ملکی [illegible] بسیار روایت [illegible] جمع از [illegible] نفسانی کرده اند که این

[illegible] مفرد شده از جهت کامل [illegible] احادیث صحیحه که گذشت که [illegible]

[illegible] تعالی فی احواله از جهت [illegible] مفرد ساخته است و این مفهوم خوب [illegible]

لفظ [illegible] است [illegible] جمع [illegible]

بسیار [illegible] است که [illegible] نساخ این کتاب [illegible] کرده چون قرینه [illegible]

که حضرت فرموده اند که [illegible] تا قامه بودن [illegible] از [illegible] سایه [illegible]

[illegible] و حصان در عصر هر گاه سایه [illegible] دو دراع [illegible] تا قامه

[illegible] و انبداء [illegible] اگر [illegible] قرینه [illegible]

قرینه [illegible] صحیح باشد که مراد ضبط وقت [illegible] وقت [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] مذکور است در [illegible]

[illegible] رجوع کند و این حدیث از جمله مشکلات [illegible]

[illegible] ظاهر شود [illegible] الله تعالی [illegible]

میباید که [illegible] بسیار میشود

که این اختلافات [illegible] اختلاف [illegible] چنانچه [illegible] ظاهر [illegible]

بر جمعی [illegible] این وقت [illegible] بنا بر این [illegible] عام اهل [illegible]

در دو قدم [illegible] تابستان [illegible] الظهر [illegible]

جماعت [illegible] عصر [illegible]

خوب ضبط [illegible] یک قدم [illegible] از جهت [illegible]

میباید [illegible] قدم [illegible]

رکعت [illegible] چهار [illegible] عصر [illegible]

و موانع [illegible] قدم وقت [illegible]

۲ [illegible] سایه یک دراع

[illegible] بنابر [illegible] بلکه [illegible] دراع بود [illegible] جهت

جمعی خواب [illegible] قدم [illegible] دراع و [illegible] از جهت جمعی [illegible]

خواهد بود تا آنکه [illegible] بجای [illegible] و [illegible] جمع [illegible] و اخبار [illegible]

و این که [illegible] قامت بود [illegible]

[illegible] صحیح از حضرت امام رضا صلوات الله علیه و سلامه منقولست که از آن

[illegible] از وقت ظهر و عصر حضرت فرموده اند که وقت ظهر [illegible]

[illegible] یک قدم [illegible] وقت عصر [illegible] قامت [illegible] صحیح [illegible]

[illegible] از آن حضرت صلوات الله علیه [illegible] سوال کردم از وقت نماز ظهر

و [illegible] حضرت در جواب [illegible] که [illegible] قامت [illegible] ظهر [illegible] عصر [illegible]

موثق کالصحیح منقولست از زراره که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه از وقت نماز ظهر در تابستان حضرت جواب [illegible] و ظاهر از جهت [illegible] بوده است

بن [illegible] از حضرت [illegible] سعید [illegible] فرموده اند که [illegible] سوال کرد از وقت [illegible]

در تابستان و [illegible] جواب [illegible] باشد [illegible]

[illegible] هر گاه سایه [illegible] و [illegible] هر گاه [illegible] باشد [illegible]

عصر [illegible] از وقت [illegible] احادیث [illegible] بسیار واقع شده است در جمع

[illegible] چون قامت سه دراع [illegible] هفتم باشد [illegible]

[illegible] الظهر [illegible] قدم چهار [illegible]

[illegible] قدم [illegible] ظهر [illegible] قدم [illegible] عصر [illegible] قدم [illegible]

[illegible] موثق و واقع شده است [illegible] دراع است [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] قامت [illegible]

[illegible] که آنحضرت

۳ [illegible]

که اگر [illegible] زیاده باشد [illegible] است
باشد زیاده داشته باشد که در احا[illegible] [illegible] صحیح است که [illegible] سایه
باشد در این وقت [illegible] حضرت سید المرسلین صلی [illegible] علیه و آله و سلم که هر گاه یک
قامت باشد [illegible] قامت [illegible] ذراع باشد و در بعضی [illegible] اخبار
[illegible] قوی و واضح شده است [illegible] ظاهر [illegible] اخبار مختلف که واضح شده است
بقدم و قدمین و ذراع و ذراعین و قامت و قامتین با این اعتبارات که [illegible]
ظهر از زوال [illegible] مثل آن شیء شود یعنی ظل [illegible]
[illegible] قدم [illegible] بکنند [illegible] قدم و گاه بکنند است
عمل میکردند و فقها [illegible] اعتبار [illegible] و [illegible]
[illegible] صدوق احادیث قامت را ذکر نکرده است و جمیع [illegible] ذراع [illegible]
[illegible] ذکر کرده اند و از جهة نافله ذکر کرده اند و از جهة [illegible] قامت را ذکر کرده اند [illegible]
[illegible] ایشان نماز نافله عصر را در قدم سیم میکنند و نماز عصر را در قدم هشتم و این [illegible]
[illegible] نافله عصر را [illegible] بجا آورند [illegible] بعضی از روایات بر آن دلالت میکند [illegible]
که اخبار [illegible]
قامت ذراع است در کتاب علی صلوات الله علیه [illegible] کتاب علی صلوات الله و سلامه علیه
[illegible]
[illegible] صحاح [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بکفایت [illegible] و الله تعالی یعلم و قال ابو جعفر صلی الله علیه
لابی بصیر [illegible] من شیء [illegible] فی [illegible]
قال رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] اهله و ماله [illegible] صلوة العصر [illegible]
[illegible] اهله و ماله [illegible]
[illegible]
[illegible] الله [illegible]
محمد باقر صلوات الله علیه بود

[illegible] بعضی [illegible] ان [illegible] اکثر [illegible] و العا[illegible]
[illegible] که آفتاب [illegible] مایل باشد
[illegible] آفتاب [illegible] مغرب [illegible]
[illegible] میکنند [illegible] و [illegible] محسوس [illegible] قریب
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
[illegible] فرموده اند [illegible] است که نماز عصر را ضایع کرده اند از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible] فرموده اند [illegible] که [illegible] بهشت اعلی [illegible] نباشد [illegible]
[illegible] آن حضرت صلی الله و سلامه علیه فرموده اند که [illegible] نماز [illegible]
[illegible] فردوس و [illegible] احادیث [illegible] است با [illegible] و احادیث [illegible]
[illegible] است که [illegible] قدم [illegible] صحیح است و [illegible] اخبار [illegible]
[illegible] احادیث [illegible] و موثقه و قویه و [illegible] است که وقت [illegible]
[illegible] آفتاب است که شام باشد چنانکه خواهد آمد و [illegible] آنست که اگر قرص غایب
[illegible] شود [illegible] نماز [illegible] کنند [illegible] الله
[illegible] قال ابو جعفر صلوات الله علیه وقت المغرب اذا غاب القرص [illegible]
از حضرت [illegible] محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که وقت شام وقتیست که قرص آفتاب
[illegible] اعاده [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
که فرموده اند که وقت شام وقتیست که آفتاب [illegible] قرص آفتاب غایب شود [illegible] صحیح
[illegible] که حضرت [illegible] از وقت شام که حضرت فرموده
[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible] از جهة [illegible]
[illegible] آفتاب چنانکه [illegible]
[illegible] صحیح از [illegible]

و فضل منقول است که ایشان گفته اند که حضر[illegible] فرموده [illegible]
که هر عملی را دو وقت است غیر از شام که یک وقت دارد [illegible] بالتعیین [illegible]
[illegible] وقت نماز شام بر طرف شدن سرخی از جانب مشرق [illegible] بدانکه در این حدیث و
احادیث بسیار معتبر واقع شده است که نماز شام نیز دو وقت دارد اول سقوط قرص آفتاب دوم
بر طرف شدن سرخی از جانب مغرب و علما جمع کرده اند بین الاخبار با آنکه چون هر
دو وقت [illegible] بیکدیگر نزدیک [illegible] فرموده [illegible] وقت [illegible]
فضیلت و [illegible] احادیث صحیحه وارد شده است بر جواز تاخیر نماز شام [illegible]
از سقوط حمره و آنکه در بعضی احادیث و عبارات علما [illegible] وارد شده
فرو رفتن آفتاب [illegible] دن [illegible] خون
و اکثر علما بر این اند که مراد از سقوط قرص ذهاب حمره مشرقیه است [illegible]
[illegible] که آفتاب فرو رود از آن بلد و حوالی آن بلد و چون سرخی [illegible] شود
ظاهر میشود که آفتاب [illegible] فرو رفته است [illegible] مذکور [illegible]
که اول وقت شام سقوط قرص است و علامت فرو رفتن آفتاب آنست که سیاهی [illegible]
افق مشرق [illegible] وقت آن بر طرف شدن سرخی از جانب مغرب و آن اول [illegible]
و آخر آن نصف شب است و آن [illegible] و در حدیث موثق کالصحیح از حضرت ابا جعفر صادق
صلوات الله علیه منقول است که فرموده اند که نماز شام را تاخیر کنید اندکی تا [illegible]
که آفتاب از شما [illegible] که از ما فرو رود و در حدیث [illegible]
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرموده اند که هرچند [illegible]
[illegible] که اندکی نماز شام را تاخیر کنند تا [illegible] شود [illegible] تاخیر [illegible]
تا [illegible] ستاره ها [illegible]
[illegible] شام [illegible]
و این حکایت در اخبار [illegible]
صلوات الله علیه [illegible]

مذاهب [illegible] بعد و شیخ نموده از رحمه الله گفت وقت شام [illegible] که [illegible]
[illegible] شوند و [illegible] سرخی [illegible] کمتر [illegible] محدث
در کوفه بوده اند و اکثر ایشان از اصحاب [illegible] صلوات الله علیهم بوده اند
[illegible] و [illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible]
از [illegible] و [illegible] و بالغات [illegible]
آن ملعون و [illegible] حضرت [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] کرده [illegible] که آن ملعون را با بسیاری از اتباع او کشتند [illegible]
[illegible] ملعون و [illegible] میگفتند و حضرات ائمه معصومین صلوات الله
علیهم [illegible] می فرمودند [illegible] از عامه و دوم [illegible] که [illegible]
[illegible] کند [illegible] خود [illegible]
خطابیه [illegible] عظیم [illegible] حضرت [illegible]
و [illegible] شام [illegible] غروب قرص [illegible] که [illegible] فرض
[illegible] شود و تا خبر آن ذهاب حمره مشرقیه [illegible] بوده باشد [illegible]
و چون دیدند که [illegible] شد که نماز شام را در وقت [illegible] میکردند [illegible]
در تعجیل [illegible] غروب شمس [illegible] و [illegible]
نجوم [illegible] و ظاهر [illegible] با [illegible] و [illegible] دارد
بر [illegible] ملحوظ است که نماز ظهر و عصر را با [illegible] وقت [illegible]
[illegible] نماز شام و [illegible] ذهاب حمره مشرقیه [illegible]
الله [illegible] قال سماعة ابن مهران قلت لابی عبد الله علیه السلام فی المغرب
[illegible] تصلیها [illegible] ان یکون الشمس [illegible] الجبل [illegible]
[illegible] حدیث موثق کالصحیح منقول است از سماعه که عرض نمودم بحضرت
[illegible] الله و سلامه علیه [illegible] شام که [illegible]

و مبادا کسی گمان کند که آفتاب غیبت کرده [illegible] شد و گاه حجاب باشد و دهد سیاهی که تا کجا است [illegible] شب و نجم

واقع شده است که راوی شک کرده باشد که عبارت اول را گفته است یا [illegible] دوم را و مراد از هر دو یکی باشد

بر حضرت فرموده باشد که این نور و حیث غیبت و [illegible] که [illegible] ظاهر حدیث اول است و مناسب که در

این زمان مخالفان اغلب ملتزم این کرده [illegible] مذهب عامه استتار قرص است ظاهر حدیث

آنست که حضرت جواب فرموده باشند [illegible] محمول جای تقیه است چون زمانی بوده

حسب تقیه احکام بکنند که [illegible] غیبت و نماز شام میکنند و افطار میکنند و مع هذا

معلوم میشود که دانستن این مقدار کافی است که حمره زایل شده است باید و اگر مطلوب بود

نماز با صحت این بود جواب میفرمودند که نماز را با صحیح اسناد کرده و شیخ ره

اعتقاد داده است که زایل شود و مع هذا آفتاب در غیبت کرده باشد و بعضی بحسب ظاهر

غریبست وَقْتُ الْمَغْرِبِ لِمَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْمَنْزِلِ فِي سَفَرٍ إِلَى رُبُعِ اللَّيْلِ و وقت

مغرب
نماز مغرب کسی که در طلب منزل باشد در سفر تا ربع شب است بعضی در سفر که اهل

که اختیار کنند هر گاه که نماز [illegible] تا ربع شب بمنزل نرسد و بنماز تا ربع

باخطر [illegible] خواهد کرد و بر این بعضی احادیث بسیار وارد شده است بلکه حدیث

صحیح و احادیث معتبره وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

در حضر نیز هر گاه بجائی رفته باشند و [illegible] سرخی [illegible] زایل شده باشد تا خیر

کردن [illegible] شب شود بهتر است هر گاه داند که پیش از [illegible]

و بعد از [illegible] نماز خواهد کرد الْمُفِيضُ مِنْ عَرَفَاتٍ إِلَى جَمْعٍ كَذَلِكَ [illegible]

شود از عرفات بجانب مشعر [illegible] امام [illegible] را تا مشعر الحرام [illegible] مشعر

بجا می آورد اگر چه [illegible] حدیث نبوی و احادیث [illegible]

شده است [illegible] شب [illegible] وارد شده است [illegible] باید

و فوق در شعر و احادیث بلفظ امر وارد شده و اقوام این است [illegible] مراد

[illegible] استحباب [illegible] عبارت [illegible]

تا بعد [illegible] در مجالس اهل الله مسودات قَدْ رَوَى بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَباً

قَالَ هَذَا رَبِّي فَهَذَا أَوَّلُ اللَّيْلِ وَآخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ وَأَوَّلُ وَقْتِ

الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَآخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ و بند

صحیح است بکر از دی منقول است که سخنی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

پرسیدند که وقت نماز شام چیست حضرت فرموده اند که حق سبحانه و تعالی در کتاب خود
فرمودند

از حکایت حضرت ابراهیم علیه السلام که چون او را شب فرا گرفت کوکبی را دید

گفت و بطریق استفهام یا حکایت از قوم که این پروردگار منست یعنی بنا بر گفته

شما و بعد از آن ابطال آلهیت او فرمودند که چون حادث است و محل حوادث است محالست

که واجب الوجود بالذات باشد و غرض از ذکر این آیه استشهاد است بآنکه حق سبحانه و تعالی

فرموده که چون شب در آمد ستاره را دید مشهور آنست که ستاره زهره را دید چون غالبا

حرکت او با آفتاب است دیدن ستاره علامت دخول لیل است و علامت آنکه ذهاب

حمره ظاهر شود پس از وقت شام است و اخر آن غایب شدن سرخی مغرب است اول

وقت خفتن بعد از غایب شدن سرخیست و آخر وقت نماز خفتن ظلمت شدید شب است

از آن نصف [illegible] است و در حدیث دیگر منقول است از شهاب معتبر است که حضرت امام

[illegible] صلوات الله علیه فرمودند که ای شهاب به تحقیق که دوست میدارم

که چون [illegible] تمام کنم در آسمان کوکبی را ببینم و [illegible] طوسی حمل کرده است بر آنکه چون

[illegible] جود این نماز شام فارغ شوم در آسمان [illegible] ببینم [illegible] نماز را بتأنی

بکند و لکن خبر سابق صریح است که در اینجا مراد است و اشتباه شده است و شیخ

جمعی که جمع کرده اند که دیدن ستاره مذهب ابو الخطاب [illegible] مذهب آن ملعون

[illegible] باعث سیاهی [illegible] میشود پس از ابو الخطاب [illegible] الخ

مذهب مشهور است و مخالف مذهب صدوق و ظاهر اصحاب و از بعضی صحیحه ذکر کرده اند

که مثل این است بعد از غروب آفتاب ظاهر میشود لکن بعد از این ظاهر نبود و جمع

ظاهر میشود که قبل از غروب نیز معتبر نیست بنابر حدیث ایشان و در فقه رضوی معاویة ابن عمار

بیند

وقت العشاء الآخرة الى ثلث الليل وفي الثلث هو الاوسط النصف هو

آخر الوقت و به سند صحیح از ابن عمار منقول است از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه که وقت نماز خفتن تا ثلث شب است و چون در حدیث سابق وارد شده

که تا نصف شب است صدوق ذکر کرده است که مراد حضرت از ثلث این است که افضل است

که از ثلث تاخیر نکند یا تا نصف شب ادا است و محتمل است که مراد صدوق

که ثلث وسط وقت فضیلت و نصف آخر وقت فضیلت و اول اظهر است بحسب

معنی و دوم بحسب لفظ و روی فيمن نام عن العشاء الآخرة الى نصف الليل انه يقضي

و يصبح صائما عقوبة وانما وجب ذلك لنومه عنها الى نصف الليل و در روایت

علیه

روشن است که هرگاه شخصی نماز خفتن نکند و بخواب رود تا نصف شود قضا میکند

نماز خفتن را … روزه دارد روز دیگر از جهت کفاره خواب رفتن و جواز و وجوب که …

روزه بدارد از جهت آنکه نماز خفتن نکرده است تا نصف شب و کلینی رحمه الله روایت کرده است

در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که اگر شخصی بخواهد …

که نماز خفتن نکند … تا نصف شب بعد از آن حضرت فرمود … میکند

و روزش روزه … از دو آن عبارات مضطربه را صدوق ممکن است که …

باشد با جنب عمدا … باشد … حدیث موثق کالصحیح وارد شده … حضرت

امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله … فرمود

که اگر نه آن بود که امت من در مشقت افتند خواهم نماز خفتن را امر میکردم … به

از ثلث شب … چون بجا می آورند ثلث شود تا نصف شب …

عشا … است … سبحانه و … ساخته است … نصف شب

خفتن نکرده باشد و در خواب رفته باشد کسی که در خواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف

شب بر خیزد … و بعضی گفته اند چون در خواب باشد لازم نیست … بعوض … بجای

میآورد و در حدیث موثق کالصحیح وارد شده است که نماز خفتن را تا ثلث شب میتوان کرد

یا تا نصف شب و چون از ثلث در گذرد تضییع است چون در وقت فضیلت … بجا نیاورده

یا چون نصف شب رسیده و نکرده است ضایع کرده است نماز را و معانی چنین خواهد بود

و احادیث صحیحه منکرند و … وارد شده است که نماز شب را که شام و خفتن خواهد بود تا صبح

میتوان کرد و جمع بین الاخبار چنین است که نماز شام را از غروب حمره مشرق تا ذهاب حمره

مغربی وقت فضیلت و تا ربع شب نیز میتوان کرد و با عذر … بوده باشد

و بعد از آن تا ثلث شب و بعد از آن تا نصف شب میتوان کرد و بعد از نصف که … حرام است ولکن

تا صبح ادا است و نماز خفتن را بعد از فراغ شام میتوان کرد و افضل آن است که بعد از سرخی

مغربی بجا آورد و تا ثلث شب وقت فضیلت و تا نصف شب وقت جواز و بعد از آن … تا

ادا است تا صبح اما احوط آن است که بعد از نصف شب نیت ادا و قضا نکند … نیت نماز …

کند و در صحیح … روی محمد ابن یحیی الخثعمی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه

انه قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله يصلي المغرب ويصلي معه حي من الانصار يقال

لهم بنو سلمة منازلهم على النصف ميل فيصلون معه ثم ينصرفون الى منازلهم وهم

يرون مواضع نبلهم … و در بعضی نسخ نبلهم … به سند ضعیف از محمد بن یحیی منقول است

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه و آله نماز شام را میکردند و قبیله از انصار … میکردند و خانهای

ایشان … آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نصف میل بود … قریب بدو هزار

ذراع باشد با آنحضرت نماز میکردند و بخانهای خود میرسیدند اگر تیری می انداختند میدیدند که

… آخر نماز را در وقت … رفتن

… باشد که نماز کرده باشند … قریب بدو … قدم راه رفته باشند و تا …

باشد اگرچه ممکنست که بعد از ذهاب حمره نیز آنحضرت نماز را سبک کرده باشند تا نجوم …
جماعت را تخفیف کرده باشند تا شامل میکردند و در هر این قدم اند کتب خصوصا با مذهب صدوق
که نصف صاع … و بجماعت … است و الظهر آنست که این حدیث را حضرت از روی تقیه فرموده
باشند و ممکنست که محمد بن یحیی موافق مذهب خود بحضرت وضع کرده باشد و این حدیث را
شیبانی در کتب خود ذکر کرده اند و محتملست که حضرت از جهت رد بر خطابیه فرموده باشند یا
الکه … کتب دیگر … ابتغاء از کتب شیبانی و الله تعالی یعلم و قال الصادق صلوات الله علیه
مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اَخَّرَ الْمَغْرِبَ طَلَبًا لِفَضْلِهَا منقولست از آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند
ملعونست … از رحمت الهی کسیکه تاخیر کند نماز شام را تا وقتی که هویدا شوند ستارها ظاهر
شود بقصد آنکه در آنوقت افضل است و شاید که دو لعن از جهت آن باشد که دو مخالفت
الهی کرده باشد است یکی نماز شام را در وقت غیر فضیلت کرده است و دوم باعتقاد فضیلت
کرده است و افترا بر حق تعالی و نیز بسته … محتملست که هر دو لعن از جهت اهتمام باشد و لعن
خدا و رسول … یا لعن در دنیا و آخرت باشد … حق سبحانه و تعالی فرموده است در افعال …
الله … الاخرة و شیخ ابو الخیر … بسند … روایت کرده است و کلینی بسند صحیح از آنحضرت
صلوات الله علیه روایت کرده است که عرض نمودند که جمعی از اصحاب ابو الخطاب نماز شام را تاخیر
میکنند تا مشتبک شوند نجوم حضرت فرمودند که من بسوی حق سبحانه و تعالی بیزاری میجویم از کسیکه عمدا این
باشند و بخدا از کسیکه تاخیر کند شام را از جهت فضیلت و بیزار … عبد … که از
شیبانی … و از … ابی غیبا … که باشند … از … کی …
دین … میکند … از اهل … بدعت … تاخیر کند و … منقول است
این باشد که … و قیل له اِنَّ اَهْلَ الْعِرَاقِ یُؤَخِّرُوْنَ الْمَغْرِبَ حَتّٰی تَشْتَبِكَ
النُّجُوْمُ فَقَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ عَدُوِّ اللّٰهِ اَبِی الْخَطَّابِ بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
عرض نمودند که اهل عراق … باشند تاخیر میکنند … تا … ستارها …
… حضرت فرمودند که این از عمل دشمن خدا ابو الخطاب است …

اگر فرموده باشند حضرت

دور است کسی

از … منقولست که بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیه عرض نمودند که تاخیر
میکنم نماز شام را که تا ستارها ظاهر شود حضرت فرمودند که این بدعت ابو الخطاب
… بحضرت علی علیه السلام نماز شام را در وقتی ادا کرد که قرص پنهان شد و از حضرت ابو الحسن
بن علی … الرضا صلوات الله علیه منقولست که فرمودند ابو الخطاب مذهب اکثر اهل
کوفه را فاسد کرد و نماز میکنند تا اکثر اشتباک النجوم شود و سرخی مغرب را … میکند
بلکه سفیدی … ایند که تاخیر نماز شام از جهت … خلاف … صاحب جاهلیت
و این جماعت … که … تاخیر نمودن … و در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله و سلم هرگاه شب تاری بود باد و … بود نماز شام را … و … مانی …
… نموده … نافله شام را … حضرت اقامت …
… چون وقت … داخل شده بود نماز … را میکردند و …
… و احادیث صحیحه … که … باشند نماز شام را
… تاخیر … که دو … نماز … را … که … ذهاب … و قال ابو …
زید الشحام صَعِدْتُ مَرَّةً جَبَلَ اَبِیْ قُبَیْسٍ وَ النَّاسُ یُصَلُّوْنَ الْمَغْرِبَ فَرَاَیْتُ الشَّمْسَ
لَمْ تَغِبْ اِنَّمَا تَوَارَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ عَنِ النَّاسِ فَلَقِیْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ
فَاَخْبَرْتُهُ بِذٰلِكَ فَقَالَ لِیْ وَ لِمَ فَعَلْتَ ذٰلِكَ بِئْسَ مَا صَنَعْتَ اِنَّمَا تُصَلِّیْهَا اِذَا لَمْ تَرَهَا
خَلْفَ الْجَبَلِ غَابَتْ اَوْ غَارَتْ مَا لَمْ یَتَجَلَّلْهَا سَحَابٌ اَوْ ظُلْمَةٌ تُظِلُّهَا وَ اِنَّمَا عَلَیْكَ مَشْرِقُكَ
وَ مَغْرِبُكَ وَ لَیْسَ عَلَی النَّاسِ اَنْ یَبْحَثُوْا … بسند ضعیف … منقولست و شیخ بسند صحیح
روایت کرده است … از زید … اما … منقولست که
گفت … بالای کوه ابو قبیس رفتم در مکه معظمه … نماز شام … میکردند پس دیدم
که آفتاب … و … است … از … حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه رسیدم … آنحضرت … نمودم …

٥٤

که چون چنین کردی بلکه هرگاه آفتاب را نه بینی نماز بکن خواه فرو رفته باشد یا پنهان
کرده باشد ملاحظه کن که از انوار آن بی بهره باشی یا مطلقا که فی الواقع فرو رفته باشد آفتاب را بگو
با تحقیق است بدرستی که بر تست که ملاحظه مشرق و مغرب خود بکنی و بر مردم نیست که
تفحص کامل کنند یعنی واجب نیست که بر بالای کوه بروند و ببینند که آفتاب فرو رفته است
یا نه و ظاهر حدیث غیبوبت قرص است و ظاهر آنست که منع حضرت از این جهة بود که غرض
بیان بدعت سنیان بود یا و این معنی سبب فساد بود که ظاهر شد ابو الخطاب بوده که چون حضرت
در مکه بود غالب اوقات جمعی کثیر از شیعیان در خدمت آن حضرت می بوده اند پس
ممکنست که در وقت سوال نیز بعضی از ایشان حاضر بوده باشند و حضرت او را از جهت
التزام داده باشند و نیز ممکنست که اگر منع او نمیفرمودند آنچه کرده بود بجمعی دیگر
میگفت بلکه با ایشان مینمود که مذهب شما چنین باطل است که آفتاب هست و نماز
شام میکنید و لهذا فرمودند که بر شما نیست که تجسس احوال شیعیان بکنید تا سبب
فساد شود و محتمل است که در این صورت غرض حضرت این باشد که شما را مکاشفت
بالامر نیست بکو [illegible] که کار شما با ذهاب حمره است و آن در باب این نیز ظاهر است مع آنکه
ممکنست که کوه ابو قبیس بلند است که آفتاب را توان دید و حمره از جانب
مشرق نیز زایل شده باشد و لکن مستبعد است و حمل بر تقیه منافات با این احتمالات
ندارد چون حضرت در تقیه چنان سخن میفرمودند که شیعیان [illegible] دوستان
موافق مذهب خود بفهمند یا آنکه مذهب ابو الخطاب نیز شایع شده باشد [illegible] نماز شام
از آن حضرت صلوات الله علیه مبالغه در این طرف میفرمودند چنانکه گذشت
و در این باب ابو اسامه احادیث بسیار روایت کرده است از آن حضرت و اصحاب
از آن ما گذشت و جمعی از علما ذکر کرده اند که این حدیث موافق مذهب سنیان نیست
زیرا که ایشان قایل نیستند با آنکه هرگاه آفتاب پنهان شود کوه رود و شام میشود
بلکه همه سفها و جهال ایشان نه علمای ایشان و ظاهر آنست که هرگاه طلوع

بلکه

و اگر حاضر نبوده باشند

۵۵

کرده و غروب قرص را اعتبار کرده و مغرب را بعد از آن میکنند هرگاه حایلی نباشد در زمان
طلوع مثلا اگر مصلی در ارض مسطح باشد در طرف مغرب کوهی نباشد و آفتاب پنهان شود
نماز میتوان کرد هر چند شعاع آفتاب بر کوه جانب مشرق باشد اما اگر کوهی بر بالای که باشد
نماز نمیتوان کرد و بر عکس در طرف صبح در طلوع آفتاب بلکه در طلوع صبح نیز چنین اگر
کسی بالای کوه باشد و صبح نسبت با او طالع باشد و نسبت بجمعی که در پایین کوه باشند طالع نباشد
کسی که بر کوه است نماز صبح را میتواند کرد و آنکه در پایین است نمیتواند کرد و موید اینست که حضرت
فرموده اند که مشرق و مغرب تو معتبر است در هر جا که باشی و باین مضمون نیز احادیث بسیار
معتبر وارد شده است از آنجمله در حدیث موثق کالصحیح وارد شده است که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که بر تست که نماز بکنی وقتی که آفتاب از تو غایب
شود و همچنین در صبح و در جمیع دیگر [illegible] بر ایشان نیست که افق خود را ملاحظه
نمایند و اکثر علما بیان کرده اند این مضمون را که احوط است که در چنین صورتی اگر نماز شام
باشد نکنند و اگر صبح باشد نماز نکنند و اگر آفتاب بر کوه طالع شده باشد و بر وی طالع نشده
باشد نیت ادا و قضا نکنند و قال الصادق صلوات الله علیه اذا غابت الشمس
فقد حل الافطار و وجبت الصلوة و از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند
هرگاه آفتاب پنهان شود جایز است افطار و واجب است نماز شام و این حدیث را مشایخ
ثلثه روایت کرده اند و لیکن قریب باین احادیث معتبره وارد شده است و بعضی گذشت و دعوی نداریم
که [illegible] معصومین صلوات الله علیهم این مضمون را فرموده اند [illegible] احادیث
صحیحه وارد شده است که غیبوبت آفتاب بذهاب حمره مشرقیه است از آنجمله در قوی
کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که وقت مغرب
وقتیست که سرخی جانب مشرق زایل شود و میدانی که چون چنین است گفت که حضرت فرمودند
زیرا که مشرق مشرف است بر مغرب و سرخی [illegible] بر بالای [illegible] داشته اند
و فرمودند که هرگاه آفتاب از طرف مغرب غایب میشود [illegible] مشرق زایل میشود یعنی
سرخی مشرق عکس آفتاب است که [illegible] آفتاب که بر کوه باشد

و در حدیث موثق کالصحیح از یونس بن یعقوب منقولست که عرض نمودم بخدمت حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که در چه وقت از عرفات روانه شویم آن
حضرت صلوات الله علیه فرمودند که وقتی که سرخی زایل شود یعنی از جانب مشرق با آنکه در این
باب احادیث وارد شده است که در وقت غروب شمس افاضه میکنند و منافی نیست چون
علما اکثر حمل بر استحباب دارند و دیگر بطریق [illegible] و کالصحیح از برید منقولست که حضرت امام
محمد باقر صلوات الله علیه [فرمودند] که هرگاه غایب شود سرخی از این جانب یعنی از مشرق پس غایب
شده است آفتاب از مشرق و از مغرب یعنی بسبب غروب قرص آفتاب از مغرب [illegible]
میشود و عکس این در کره هست پس چون سرخی زایل شد از مشرق پس غروب کرده است و در
مرسله ابن ابی عمیر کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
که فرمودند که وقت فرو رفتن قرص آفتاب و واجب شدن افطار آنست که رو به قبله بایستی و ملاحظه
نمائی سرخی را که از مشرق بالا می آید چون از سر درگذرد و بجانب مغرب رود افطار واجب
میشود و قرص فرو رفته است و در حدیث موثق کالصحیح از آن حضرت صلوات الله علیه
منقولست که فرمودند که نماز شام را اندکی تاخیر کنید تا تاریک شود چون آفتاب [illegible]
شعاع و صفا [illegible] هنوز نور و صفا [illegible] رفته است و در حدیث کالصحیح از عبدالله بن
وضاح [illegible] منقولست که عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه و عرض نمودم که بسیار است که قرص [illegible] و شب [illegible] سرخی
بالای کوه [illegible] میشود و مؤذنان نزد ما اذان میگویند آیا نماز بکنم و [illegible] بکنم
اگر صایم باشم یا انتظار بکشم تا آنکه سرخی که بر بالای کوه است زایل شود پس حضرت
جواب نوشتند فرمودند که میباید که انتظار بکشی تا سرخی زایل شود و [illegible]
که از جهة دین [illegible] چون [illegible] فرض [illegible] است [illegible] ذهاب حمره
بشود رسیده است اگر [illegible] عمل کند [illegible] الذمه میشود و اگر [illegible] عمل کند
جزم [illegible] که [illegible] رعایت احتیاط میکنند
[illegible] باشد [illegible] قاعده کلیه در جمیع

مشرق
وقت
[illegible]

ایام که در این [illegible] باشد و احادیث عمل احتیاط وارد شده است قریب بتواتر
[illegible] حکم بلزوم آن میکنند و مولانا عبدالله رحمه الله [illegible] قایل شده است [illegible]
و میگفتند که اگر مثل نماز باشد که [illegible] واجب [illegible] و قنوت و سلام
مثلا بجا آوریم [illegible] بری الذمه میشویم و اگر [illegible] سازیم [illegible]
[illegible] واجب بالاتر که [illegible] بجا آوریم اما مثل غسل جمعه که وجوب اصل
آن معلوم نیست احوط [illegible] گفته است [illegible]
جمعه [illegible] لزوم [illegible] بوجوب [illegible] گفت
که [illegible] نماز [illegible] بجا آورده [illegible] صلوات
[illegible] غسل جمعه [illegible] گفت [illegible] اگر [illegible] که
ترک آن عقوبت کشد [illegible] داریم [illegible]
دلایل عقلیه [illegible] احکام شرعیه [illegible] نیست و دیگر بسند قوی از
علا منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که من ابوالخطاب
[illegible] نمودم که نماز شام را در وقت ذهاب حمره مشرقیه بکند و او [illegible] یعنی
[illegible] حمره [illegible] مغربی [illegible] است و بسند
صحیح از احمد بن [illegible] منقولست که در سفری در خدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه بودم
آن حضرت نماز شام را وقتی میکردند که جانب مشرق سیاه میشد و سرخی زایل میشد
و [illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که چون
سرخی از جانب مشرق زایل شود آفتاب [illegible] فرو رفته است و احادیث صحیح و قوی
[illegible] آنکه وقت نماز شام ظهور ستاره است [illegible] این اخبار [illegible] وارد شده
در ذهاب حمره [illegible] اخبار ذهاب حمره [illegible] بتواتر است با آنکه [illegible] اشهر است
و عمل علمای شیعه [illegible] بوده است در اعصار و امصار و اگر عمل باین اخبار کنیم [illegible]
کرده ایم چون [illegible] ذهاب [illegible] است و اگر عمل بذهاب فرض کنیم طرح این اخبار کرده ایم
و علامه احتمال داده است که [illegible] ذهاب [illegible] کنیم [illegible] نیست

[illegible] بسیار
[illegible] مغربیه کرد

در مضمون عمل بر مذاهب جمیع کنیم و احتیاط در مدینی است که گذشت که نماز ظهر را با عصر
بخوانند و اگر بیفتد تأخیر نیت ادا و قضا نکند و شام را بعد از ذهاب حمره بجا آورد قَالَ إِذَا
الْمَغْرِبَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى انْتِصَافِ اللَّيْلِ و هرگاه نماز شام را بجا آورد
داخل میشود نماز خفتن او ممتد است تا نصف شب و این عبارت مصنف است بحسب
ظاهر و ظاهرش آنست که صدوق قایلست باختصاص بقدر سه رکعت بشام بخلاف
ظهر و عصر با آنکه یک خبر مرسل است که دلالت دارد بر اختصاص و لیکن چون احادیث در
ظهرین بسیار است که دلالت بر اشتراک میکند زیاده از عشا یکی ممکن است که صدوق
در اینجا قایل شده باشد در آنجا قایل نشده باشد و اظهر اختصاص است در هر دو جا که
چنانکه گذشت و اگر مصنف تا نصف شب گفته است ظاهرش آنست که نصف شب داخل
شده باشد نه آنکه از نصف شب شروع میتوان کرد و اگر به نصف شب مقدار چهار رکعت
نماز بماند نماز خفتن را میکند چنانکه اخبار بسیار بر این وارد شده است و بعضی احتمال داده اند
که هر دو نماز را میتوان کرد به آنکه سه رکعت از شام باشد و یک رکعت از خفتن و هرگاه یک
رکعت نماز را در وقت بجا آورد چنان است که همه را در وقت یافته است و لیکن چون اخبار صحیحه
وارد است بآنکه احتیاط در وقت خفتن است هرگاه علی التحقیق دانستی باین عمل کردند و اگر
مقدار پنج رکعت بماند باز باید هر دو را بجا آورد در هر دو صورت ادا است بحسب ظاهر روایات و
مضمون [illegible] فقه رضوی و احادیث بسیار وارد شده است و قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ يَقُولُ مَنْ بَاتَ عَنِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَا أَنَامَ اللَّهُ
عَيْنَهُ و بسند کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است
که فرمودند که فرشته موکل است از جانب الله که نفرین کند که هر که بخواب رود پیش از
تا نصف شب خداوند عالمیان چشم او را بخواب نبرد و اگر نسخه موت باشد چنانکه
در بعضی کتب از نسخ فقیه است و عبارت عقاب الاعمال است ظاهر است در خواب و اگر
نسخ فقیه موت است یعنی شب میرا بر دو شام را خواب و بیدار [illegible] بود بلکه امر
بیدار باشی الظهر است و دور نیست که از نساخ واقع شده باشد الظاهر ممکن است که

حاشیه: مع — ۲ باختصاص — ۲ باختصاص قایل شده باشد — نفرین

از بیدار شدن از خفتن حیات چون خواب از لوازم حیات است با مرض بیخوابی باشد که از
برای اصلاح نیست و دلالت میکند بر آنکه حرام است از نصف شب گذرانیدن و
در حدیث صحیح از عبدالله بن مسکان منقول است که اعاظم کتب روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هر که بخوابد پیش از نماز خفتن
و بیدار نشود تا نصف شب بگذرد نماز خفتن را بجا آورد یا قضا کند و استغفار کند و که
از حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و عبارت حدیث فَلْيَقْضِ صَلَاتَهُ وَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ
و چون در هر دو معنی احتمال است و ظاهرش حرمت خواب پیش از کردن نماز خفتن حقیقی است
کسی که از عادت خود باشد که اگر بخواب رود و بیدار نشود دیگر تا نصف شب
و حمل بر این میباید کرد یا حمل بر مبالغه و احوط آنست که استغفار بکند و نماز
را بجای آورد و نیت ادا و قضا نکند و در حدیث صحیح از عبدالله بن سنان
منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که اگر
بخواب رود یا فراموش کند که نماز شام و خفتن را بجا آورد پس اگر پیش از صبح بیدار
شود و ممکن باشد که هر دو را پیش از صبح بکند پس باید که هر دو را بکند اول
شام و دیگر خفتن و اگر ترسد که اگر مقدار وقت نباشد که هر دو را بجا آورد
اول خفتن را بجا آورد و اگر بعد از صبح بیدار شود پس باید که اول نماز صبح بکند و بعد
نماز شام را بکند و بعد از آن نماز خفتن را پیش از طلوع آفتاب و باین مضمون است
حدیث صحیح و غیر از آن حضرت صلوات الله علیه دلالت میکند بر بقای
وقت تا صبح احادیث صحیحه و موثقه قویه بسیار و احوط آنست که بعد از نصف
شب تا صبح نیت ادا و قضا نکند و ظاهر شد که از نصف شب که بگذرد حرام است
اما ادا است والله تعالی یعلم و قَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ
ثُمَّ عَقَّبَ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ كُتِبَتَا لَهُ فِي عِلِّيِّينَ فَإِنْ صَلَّى أَرْبَعاً كُتِبَتْ
لَهُ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ و این ابوالعلاء خفاف که از جماعت است منقولست بسند صحیح

۵۷

کما صح که گفته شد که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر که نماز شام را

و تعقیب نماز کند بتعقیبات منقوله یا اعم سخن نگوید تا دو رکعت نماز بجا آورد او را حق

[illegible] در علیین نوشته شود در صحیفه ابرار که حق سبحانه و تعالی فرموده است که إنّ کتاب

الأبرار لفی علّیّین الخ یعنی بتحقیق که نامه عمل خوبان در علیین است و چه میدانی که

علیین کدام است آن کتابیست که نوشته میشود و حاضر اند آن کتاب را در وقت نوشتن

آن ملائکه مقربان الخ و اگر دو رکعت دیگر بکند تا چهار رکعت شود حق تعالی بپسندد

از جهت او حج مقبول و ظاهر آنست که این ثواب را از جمله منتجات میتوان گفت که تمام

نافله شام باشد یا انفراد بشرط عدم تکلم و ظاهر میشود که دو رکعت نافله شام اهتمام

بیشتر است از دو رکعت دیگر چنانچه احادیث بسیار بر آن دلالت میکند و چند احادیث

بسیار صحیحه در اهتمام بچهار رکعت نیز وارد شده است و منافات ندارد که در همه اهتمام

باشد و در دو رکعت اهتمام بیشتر باشد چنانکه در حدیث صحیح و احادیث کالصحیح از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده که فرمودند که ترک مکن چهار رکعت نافله شام را

بعد از شام در سفر و حضر و اگر چه سواران در طلب تو باشند و ایشان [illegible] حدیث

[illegible] از آنحضرت صلوات علیه منقول است که حضرت فرمودند از [illegible]

[illegible] و مشایخ رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

وسلم که نافله [illegible] در ساعت غفلت اگر چه دو رکعت سبک باشد [illegible] تنها که ای [illegible] (در حاشیه: ۲ فرموده اند)

سبب دخول خانه کرامت که بهشت است میشود [illegible] (در حاشیه: ساعت)

حضرت فرمودند که میان شام و خفتن است و در حدیث دیگر وارد شده است که [illegible]

در هر ساعت مومنان از یاد حق سبحانه و تعالی غافل میگردند چون [illegible]

منتهی ساعات شب که بعد از صبح است تا طلوع آفتاب و دیگری [illegible] تا ذهاب

حمره مغربیه و وقت الفجر حین یعترض الفجر و یضیء حسناً و یتجلّی الصبح

السماء و یکون کالقباطی او مثل نهر سوراء و وقت نماز صبح وقتیست که سفیدی

عرض افق ظاهر شود و منبسط و روشن شود در پهن شدن صبح آسمان افق [illegible]

با [illegible] سفیدی مانند سفیدی جامهای مصری که بسیار سفید میباشند [illegible]

[illegible] باشد که در مکه معظمه مشاهده شد جامهای سفید مصری که قریب بسفیدی

برف بود و در بلاد ما این سفیدی کم میباشد و در [illegible] یاد کرده بودیم از جمله [illegible]

[illegible] ظاهر بود [illegible] جانب مغرب که گمان کردیم که صبح طالع شده است [illegible]

مغرب [illegible] نه بچند جهه [illegible]

[illegible] آنکه [illegible] باشد که [illegible] نماز صبح خوب نباشد تا آسمان روشن شود [illegible] (در حاشیه: ۵۸)

عبادت جمیع ظاهر میشود و دوم آنکه [illegible] وقت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] چون صبح صادق [illegible] قریب [illegible] بسیار سفیدی میشود [illegible]

مرتبه [illegible] میشود تا آسمان [illegible] و ظاهر [illegible] حتی یتبیّن الخ که حق سبحانه و تعالی

فرموده است که [illegible] شب [illegible] تا ظاهر شود [illegible] سفید (در حاشیه: شب)

صبح از ریسمان سیاه چون [illegible] صبح [illegible] و قرآن الفجر انّ

قرآن الفجر کان مشهوداً که [illegible]

صبح را در اول وقت بجای آورید [illegible] که شب [illegible] نامه عمل [illegible]

که مخصوص نماز صبح [illegible] صلوات [illegible]

بجای آورید [illegible] والله تعالی یعلم [illegible]

که گفت [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] حضرت فرمودند که [illegible] سفیدی [illegible] وقت نماز

صبح [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] سفید [illegible]

عرض نمودم که [illegible] نماز [illegible] طلوع آفتاب [illegible] حضرت فرمودند که [illegible]

میکنم [illegible] کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که صبح آنست که

[illegible] سفید شود مانند سفیدی [illegible] که آن [illegible]

و احادیث معتبره بسیار وارد شده است و در حدیث صحیح از عبدالله بن سنان منقولست که حضرت
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند هر نمازی را دو وقت است و وقت اول افضل است و وقت
نماز صبح و فضیلت که صبح طالع شود تا وقتی که صبح آسمان را روشن کند و سزاوار نیست که کسی نماز را
از اول وقت تاخیر کند عمدا ولیکن وقت دوم وقتیست نظر بکسی که شغلی داشته باشد یا عذری
یا فراموشی کند یا شکی داشته باشد تا آنکه شب داخل باشد یا این قبیل چیزی بعمل آورد و بعد از آن شود
و وقت نماز شام از غروب آفتابست تا وقتی که ستاره ها ظاهر شود و نیست مر احدی را که اختیار وقت
آخر کند مگر عذری یا علتی داشته باشد و قریب باین حدیث صحیح منقول است از حضرت امام
صلوات الله علیه بنظر میرسد که عبارت صدوق را حمل بر معنی ثانی میباید کرد و حکمت که تغییر از
شایع شده باشد که بجای وقت اول [illegible] باشد و در حدیث که صحیح [illegible] وارد
است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
دو رکعت نماز صبح را وقتی میکردند که عرض افق سفید میشد و خوب روشن میشد و در حدیث
صحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه که اگر شخصی نماز صبح را بعد از طلوع فجر بکند بوقت حضرت فرمودند که باکی نیست و اگر نه
آن کسی [illegible] اول وقت خوب نیست حضرت فرمودند که باک نیست بلکه مستحب فرمودند که اول وقت
خوبست [illegible] از این عبارت [illegible] و از فضیلت [illegible] جواب گفته اند از حدیث اول که عرض ظهور
صبح است خصوصا [illegible] که مشتبه باشد خصوصا [illegible] که تا بر بلندی نبودند که عرض افق
نمایان شود ظاهر نشود و صبح کاذب مشتبه بصبح است و بسیار غلط میشود [illegible]
دوم را حمل بر [illegible] کرد که ظن غالب بهم رسد که صبح شده باشد نماز فوت نشود [illegible]
[illegible] حاصل شود [illegible] باشد و اظهر آنست که حمل بر تقیه کنند چون اکثر عامه [illegible]
[illegible] و در حدیث کالصحیح وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
که فرمودند که وقت نماز صبح از وقت طلوع صبح است تا آنکه روشن شود و [illegible]
و وقت فضیلت [illegible] بسیار واقع شده است که وقت صبح ممتد است تا طلوع

شما [illegible] کالصحیح وارد است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که وقت نماز صبح از
طلوع صبح است تا طلوع شمس بلکه اگر یک رکعت نماز را دریابد پیش از طلوع آفتاب صحیح است و اداست
چنانکه در خبری کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند که
هر که یک رکعت نماز را دریابد پیش از طلوع آفتاب صبح را تمام دریافته است و در حدیث کالصحیح
عمار از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که اگر یک رکعت نماز را
دریابد و آفتاب طالع شود باید که تمام کند و نمازش صحیح است و خلافی در این حکم میان
خاصه و عامه نیست و لیکن خلاف است در آنکه همه اداست یا همه قضاست یا آن یک رکعت اداست
و باقی قضا و ظاهر این خبر خصوصا خبر اول مذهب اول است و احوط آنست که نیت ادا و قضا نکند
وَ مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا أُثْبِتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ أَثْبَتَتْهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَ مَنْ
صَلَّاهَا فِي آخِرِ وَقْتِهَا أُثْبِتَتْ لَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ
كَانَ مَشْهُوداً يَعْنِي أَنَّهُ تَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ و کسیکه نماز صبح را در اول
وقتش بجا آورد در نامهٔ عملش دو مرتبه مینویسند فرشتگان شب در آخر نامهٔ عمل او
مینویسند و فرشتگان روز در اول نامهٔ عملش مینویسند و کسیکه نماز صبح را در آخر
وقت بجا آورد یعنی بعد از روشنی بر مذهب مشهور و بنابر کلام ظاهر صدوق در وقتی
که بسیار روشن شده باشد که قریب بروشنی شدن باشد بطلوع شمس یکمرتبه
مینویسند [illegible] حق سبحانه و تعالی فرموده است که بجا آر نماز صبح را که آن مشهود است یعنی
حاضر [illegible] وقت [illegible] فرشتگان شب و روز [illegible] چنانکه مفسران خاصه و عامه
نقل کرده اند و اخبار کالصحیحه در این باب وارد است چنانکه [illegible] در حدیث کالصحیح از
اسحاق بن عمار روایت کرده اند که گفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض
نمودم که بیان فرمائید که بهترین وقتها در نماز صبح کدام است حضرت فرمودند اول
طلوع صبح است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که بجا آور نماز صبح را که آن مشهود است
حاضر اند فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن وقت [illegible] نماز صبح را [illegible] طلوع فجر

صحیح

۵۶

۲ عملش

۲ روشن شدن

بجا آورد از جمعه اوده مرتبه ایشان میکنند ملائکه شب و ساعتکه روز روز جمعه ... مفهوم

از حدیث ظاهر میشود که اگر دو عمل را که بجا آورد در یک مرتبه نوشته میشود و فایده حدیث

نیست که از مفهوم استنباط کنند حکمی را هر چند مفهوم شرط باشد و دور نیست که خبری

باو رسیده باشد و احتیاطی در نماز بسیار نماید و شده است از صحیح و کالصحیح که

نفیت آیه با بن عنوان شده است اگر چه ظاهر آیه اعم است از آنکه نماز را در ... وقت کنند

یا آخر وقت را و لیکن اهل ادب علم تر تعبیر را دلیل را میدانند و از کلام ایشان ظاهر میشود

که مراد صحیح و خلاصه شده صحیح است نه بسیار دوش شده است اگر چه احتمال

معنی صدوق نیز دارد چنانکه کذشت و قال ابو جعفر صلوات الله علیه وقت

صَلوٰةُ الْجُمُعَةِ یَوْمَ الْجُمُعَةِ سَاعَةُ تَزُوْلُ الشَّمْسُ وَ وَقْتُهَا فِی السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَاحِدٌ

وَهُوَ مِنَ الْمُضَیَّقِ وَصَلوٰةُ الْعَصْرِ یَوْمَ الْجُمُعَةِ فِی وَقْتِ الْاُوْلٰی فِی سَائِرِ الْاَیَّامِ و

منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که وقت نماز جمعه در روز

جمعه ساعتیست که زوال میشود یعنی از اول زوال تا دو قدم که وقت نافله است و وقت آن

در سفر و حضر یکی وقت چون در سفر نافله نیست و در حضر نافله جمعه را در اوقات متفرقه

بجای آورند و وقت جمعه مضیق و تنک است و از جمله چیزها است که حق سبحانه و تعالی

از آن تنک را خواسته است چنانکه خواهد آمد که بعضی از امور را حق سبحانه و تعالی واسع کرده

و بعضی را تنک و نماز را واسع کرده است بحسب وقت و وقت نماز جمعه را تنک کرده است

چنانکه خواهد آمد و نماز عصر در روز جمعه در وقت نماز ظهر است در سایر ایام ... ظهر

و خارج غیر روز جمعه بعد از دو قدم است که از جمعه دو قدم نافله عصر است ... آن

وقت و خواهد آمد که حق سبحانه و تعالی چنین مقرر ساخته است که نماز جمعه را در اول

روز ادا کنند تا توانند که بخانهای خود رفته بخرید از شام چیزی و احتیاط که از دو فرسخ بنماز

جمعه حاضر شوند در روزهای کوتاه بتوانند از برای وقت نیست که بعد از انکه ... نه

بعد غروب نظر ... ساعت بی نماز را در اول وقت مقرر ساخت و عصر را در ...

ظهر بین ایام تا چون نماز ها را بکنند در وانه شوند تا بنی اسرائیل جانه رسند و ظاهر الحدیث

صحیح را دال است که خواهد آمد با احادیث صحیحه بسیار که با جمعی و این رشته است

که متواتر است یا قریب بتواتر و مخالف این اخبار چیزی ندیده ام و لیکن اکثر علما عامل

شده اند و از آن دلیلی بسیار در وقت جمعه کرده اند جمعی از این اخبار چیزی نقصیده اند

که چون زوال میشود واجب است که از جمعه را واقع سازند و اگر اندکی بکنند وقت بیرون

میرود با آنکه بسیار مشکلست و اول وقت را دانستن شده است با اکثر علما حاجت بای غیر

ایشان و جمعی افراط کرده اند که وقت جمعه بدل از ظهر است تا غروب آفتاب و بیشتر آن کرد

و اکثر قایل اند با آنکه در وقت جمعه از زوالست تا وقتی که سایه بر ابر او شود مثل سایه سابق

بر زوال شود و بعضی مثل سخص گفته اند و خود اعتراف نموده اند که حدیثی بر این مضمون

ندیده ایم و مشاهیر مشایخ کرده اند که البته خبری با ایشان رسیده است که گفته اند و این

محض تقلید مضمون است و در مبحث نماز جمعه بیان اخبار خواهد شد ان شاء الله تعالی

و روی اسمٰعیل ابن ابی رباح قال قلت لابی عبد الله علیه السلام اِنَّکَ فِی وَقْتٍ وَ لَمْ یَدْخُلِ الْوَقْتُ فَدَخَلَ

الْوَقْتُ وَ اَنْتَ فِی الصَّلوٰةِ فَقَدْ اَجْزَاَتْ عَنْکَ و بسند صحیح منقولست از

ابی عمیر از اسمٰعیل بن رباح و ظاهر لفظ در اینجا از قلم ناسخ زیاده شده بعد

در فهرست نقل کرده در کافی و تهذیب نیست و نسخها مختلف است و در ... رباح بیابا

هو و موافق شده است و در رجال نجاشی ... از اصحاب حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه بوده است و غیر این خبر حدیثی ندیده ام از او

که صدوق ظاهر میشود که کتابش معتمد اصحاب بوده است با آنکه ابن ابی عمیر که از او

روایت کرده است اجماع است بر صحت آنچه از او صحیح شود نقل از اکثر علما عمل بان

نموده اند و از حضرت روایت کرده است که فرموده اند که هرگاه نماز کنی بگمان آنکه

وقت داخل شده است و داخل نشده باشد و در اثنای نماز وقت داخل شود

نماز صحیح است و اگر چه در حالت تشهد وقت داخل شود و جمعی گفته اند که اگر یک

که گفت عادل وقت داخل شده بجمیع سنی و الاخلاق مشهور آنست پس اگر باعتقاد دخول

وقت سهوا نماز کرده باشد چنانکه مسطور است که اینکس غافل میشود و اعتقادش آنست

که وقت داخل شده است در صورت ظاهرا صحیح باشد اگرچه همه در عدم وقت واقع شود

خصوصا که بعضی واقع شود در وقت و اما بعد از دخول وقت داخل شود در نماز پس اگر

این ظن او را از گفته دو عادل بهم رسیده باشد یا مؤذن عادل اگرچه یکی باشد بنا بر

مشهور این صورت نیز داخلند اما اگر آفتاب یا ستاره را ملاحظه نماید و خوب تامل

نکند و از ظن بهم رسیده نماز کند مشهور بطلان نماز است اگرچه همه در وقت واقع

شده باشد چون علم بدخول وقت میبایست بهم رساند و نماز نخوانده است و احوط در صورت

۲ مجه

که احتمال اطلاق نماز را اعاده کند و احتیاط عظیم در دین آنست که تا علم بهم نرساند بدخول

وقت نماز نکند و ظاهرا عوام را کافی باشد اینکه ببینند که عادلی نماز میکند خصوصا

هرگاه مجتهد باشد و اگر عامی نیز سعی نماید تا علم حاصل شود بوقت احوط است

والله تعالی یعلم وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ عَنِ الصَّلٰوةِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اِذَا لَمْ تَرَ

الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ لَا النُّجُومَ فَقَالَ تَجْتَهِدُ رَأْيَكَ وَ تَعَمَّدِ الْقِبْلَةَ جَهْدَكَ یا تجتهد

چنانکه در بعضی از نسخ است و بهمان تجتهد و تعمد در بعضی از نسخ و بسند موثق کالصحیح

۵ از سماعه که گفت

منقول است که گفت سماعه سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه از اوقات نماز

در روز و یا از قبله یا در شب که آفتاب و ماه و ستارها ظاهر نباشند چه کنیم

حضرت فرمودند که اجتهاد میکنی برای وقت خود و قصد قبله کن بجهد خود و به

حدیث عمل کردند علما در قبله چون موثق است با احادیث دیگر که خواهد آمد و قرینه

لفظ قبله است و آنکه مشایخ ثلثه از حدیث دو وقت نقل کرده اند ظاهر مجتهد که بنا

[illegible] است و وقت قبله و در دخول وقت عمل بگمان میتوان کرد و اکثر علما قایل اند باینکه در وقت یقین

باید صبر کند تا یقین بدخول وقت شود و یقین ندارد در تکلیف بنماز و قصد وجوب نیتی اند کرده

و بسند موثق کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند اگر نماز ظهر را

در وقت عصر بکنم نزد من محبوبتر است از آنکه پیش از زوال بکنم زیرا که اگر پیش از زوال

بکنم محسوب نیست و اگر در وقت عصر بکنم محسوب است از جمله من و بهمین مضمون در حسن کالصحیح نیز

از آنحضرت منقولست و در اکثر احادیث صحیحه و کالصحیحه وارد است که نماز پیش از وقت

کرده شود باطلست و قضا میباید کرد و اعاده میباید کرد اگر وقت باقی باشد و بعضی گمان

کرده اند که در این حدیث اطلاق شده که پیش از وقت کرده باشد و هم نماید [illegible]

و قضا ممکن است که بمعنی ادا باشد [illegible] ضایع شود و لفظ محسوب [illegible]

تا که [illegible] میتوان کرد لیکن [illegible] احادیث [illegible] در خواندن نماز

و احوط آنست که تا علم بدخول وقت حاصل نشود نماز نکند مگر آنکه [illegible] وقت [illegible]

باشد مثل نماز صبح در شب [illegible] ظن غالب [illegible] حیوانات [illegible]

عبد الله الفرّاء عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اَنَّهُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ اَصْحَابِنَا اَنَّهُ

رُبَّمَا اشْتَبَهَ عَلَيْنَا الْوَقْتُ فِي يَوْمِ غَيْمٍ فَقَالَ تَعْرِفُ هٰذِهِ الطُّيُورَ الَّتِي تَكُونُ عِنْدَكُمْ

بِالْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا الدُّيُوكُ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ اِذَا ارْتَفَعَتْ اَصْوَاتُهَا وَ تَجَاوَبَتْ فَعِنْدَ ذٰلِكَ

فَصَلِّ و بسند صحیح از ابن ابی عمیر منقولست از ابو عبد الله فراء [illegible] دو دفعه

مطعون

مضمون این حدیث آنست که [illegible] است و [illegible] صحیح [illegible] هرگاه

از ابن [illegible] صحیح است [illegible] حکم [illegible] کرده اند و [illegible] حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که شخصی از شیعیان از آنحضرت سوال

کرد که بسا باشد که وقت نماز مشتبه میشود بر ما در روز ابر حضرت فرمودند که میشناسی این

مرغانی را [illegible] میباشند [illegible] گفت بلی حضرت فرمودند

هرگاه [illegible] بلند شود و جواب یکدیگر [illegible]

نماز کن و ظاهر [illegible] باشد که [illegible] در روز [illegible] مرتبه [illegible] دیگر [illegible] وقت چاشت

دیگری قریب بظهر و سیم بعد از ظهر [illegible] سیم باشد که [illegible]

[illegible] ظهر است غالبا [illegible] که [illegible] در روز [illegible] عمل [illegible] کرد

وَرَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ الْمُخْتَارِ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ إِنِّي مُؤَذِّنٌ فَإِذَا كَانَ
يَوْمُ غَيْمٍ لَمْ أَعْرِفِ الْوَقْتَ فَقَالَ إِذَا صَاحَ الدِّيكُ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ وِلَاءً فَقَدْ
زَالَتِ الشَّمْسُ وَدَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ و بسند صحیح از حماد بن عیسی از حسین بن مختار
منقولست و کلینی و شیخ نیز روایت کرده اند از حسین بن مختار که او گفت که [illegible]
بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و ظاهر [illegible] بوده است
و از اشیاخ [illegible] است اگرچه [illegible] که حسین [illegible] باشد و بعد از آن
[illegible] بخدمت آنحضرت [illegible] باشد و لیکن بسیار بعید است چون نقل کرده اند
که حسین مؤذن نبوده بلکه کلاه فروش بوده است و علی ای حال عرض نمودم که من مؤذنم
و چون روز ابر میشود وقت را نمی شناسم حضرت فرمودند که هرگاه خروس سه مرتبه
پی در پی بخواند زوال شده است و وقت نماز داخل شده است و ظاهر مراد از
سه مرتبه آنست که سابقا مذکور شد که مراد مرتبه سیم باشد و احوط آنست که [illegible]
عمل نکنند مگر وقتی که تجربه کرده باشد خروس را در غیر روز ابر و [illegible] کرده باشد که
مرتبه سیم بعد از ظهر است [illegible] و اگر صبر کنند تا یقین حاصل شود احوط است
تا عمل بخبر [illegible] اصحاب کرده باشد و الله یعلم و احادیث خروس بعد از این می آید
انشاء الله در بحث [illegible] وَمَنْ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ فِي يَوْمِ غَيْمٍ ثُمَّ عَلِمَ فَإِنْ كَانَ
فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ وَإِنْ كَانَ قَدْ مَضَى الْوَقْتُ فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ وَحَسْبُهُ اجْتِهَادُهُ و بسند صحیح
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه الصلوة و السلام منقولست که هرگاه نماز کند
[illegible] در روز ابر و بعد از نماز عالم شود که بر خلاف قبله نماز کرده است [illegible] باشد
که نماز را اعاده کند و اگر وقت گذشته باشد اعاده نماز برو لازم نیست و کافی است اجتهادی
که کرده است در دخول وقت و احادیث صحیحه بر این مضمون وارد شده است در باب قبله خواهد
آمد و ذکر [illegible] در این باب مناسب [illegible] باعتبار لفظ وقت [illegible]
شده است و قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَأَنْ أُصَلِّيَ بَعْدَ مَا مَضَى الْوَقْتُ أَحَبُّ

إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصَلِّيَ وَأَنَا فِي شَكٍّ مِنَ الْوَقْتِ وَقَبْلَ الْوَقْتِ و منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه که [illegible] اگر نماز کنم بعد از وقت محبوب تر است نزد من از آنکه نماز کنم در وقتی که شک داشته
باشم که وقت نماز است یا نه [illegible] و قریب باین خبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست [illegible] مذکور شد [illegible] واقع شده [illegible]
و مراد آنست که البته مبادا که در وقتی [illegible] باشد نماز [illegible] تکلیف نماز ظاهر [illegible]
بجزم [illegible] وقت [illegible] وقت فضیلت باشد [illegible]
فضیلت [illegible] که مراد این باشد که [illegible] فرموده باشند
که اگر همه نماز را بعد از خروج وقت کند بهتر است از آنکه قبل از دخول [illegible] قضای نماز
ادا واقع شود اما [illegible] وقت اطلاق [illegible] و اعاده میباید کرد [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] که نماز صبح [illegible] باشد تا آنکه [illegible]
باشد و گمان کرده باشد که صبح شده باشد [illegible] تا آنکه آفتاب طالع شده باشد [illegible]
که نماز [illegible] از صبح کرده [illegible] حضرت فرمودند که اعاده میکند نماز را یعنی قضا میکند [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند هرگاه نماز [illegible] در غیر وقت
نماز [illegible] مراد این باشد که هرگاه در غیر وقت فضیلت [illegible]
[illegible] و الله تعالی یعلم و اخبار [illegible]
[illegible] دخول وقت باطل است هرگاه تمام نماز [illegible] وقت واقع شده باشد خواه عمدا و خواه از
روی نسیان و خواه از روی جهالت واقع شده باشد و رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ كَانَ الْمُؤَذِّنُ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْحَرِّ فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ فَيَقُولُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَبْرِدْ أَبْرِدْ قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ يَعْنِي عَجِّلْ عَجِّلْ وَأُخِذَ [illegible]
[illegible] منقولست از معاویه بن وهب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله و سلم میامد در وقت ظهر که در هوای گرم اذان بگوید [illegible]
صلوات الله علیه و آله میفرمودند [illegible] ابرد ابرد [illegible] مصنف [illegible] کتاب [illegible] وقت [illegible] کرده [illegible] تعجیل

نجمل کرده اقامت نماز ورد بکنی اما بعد [illegible] بکند که مرد صاحب الخشن [illegible] کرده انرجمه
بنماید کسی بی سند نماز در [illegible] نکند که مردمان حمل بکنند و اکثر علما بر حمل کرده اند و بعضی
نسخ [illegible] النبی [illegible] بعضی [illegible] که خاصیات [illegible] که [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و صاحب [illegible] از
النهار [illegible] است یعنی [illegible] ملك [illegible]
[illegible] الفاظ [illegible] کرده اند
[illegible] اول وقت [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] که بعنوان نفله [illegible]
[illegible] اکثر عامه است و الله تعالی یعلم باب معرفة زوال الشمس
این بابیست در بیان شناختن زوال آفتاب از دایره نصف النهار که آن اول وقت ظهر است
و زوالی که [illegible] اکثر علما ذکر کرده اند که هر [illegible] که علم به [illegible] وقت
حاصل شود عمل [illegible] خواه باصطرلاب باشد یا دایره هندیه یا [illegible] آفتاب که [illegible]
از اصطرلاب و [illegible] بسیار کرده اند از جهة معرفت اوقات [illegible]
[illegible] حاصل [illegible] دایره هندیه [illegible]
سبب [illegible] اکثر علما [illegible] است چنانکه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی [illegible]
ابن سنان عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال تزول الشمس فی النصف من حزیران
علی نصف قدم و فی النصف من تموز علی قدم و فی النصف من آب علی قدمین
و نصف و فی النصف من ایلول علی ثلاثة اقدام و نصف و فی النصف من تشرین
الاول علی خمسة و نصف و فی النصف من تشرین الآخر علی سبعة و نصف و
فی النصف من کانون الاول علی تسعة و نصف و فی النصف من کانون الآخر علی
سبعة و نصف و فی النصف من شباط علی خمسة و نصف و فی النصف من آذار
علی ثلاثة و نصف و فی النصف من نیسان علی قدمین و نصف و فی النصف من ایار

نجمل

۳ و نصف

علی قدم و نصف و فی النصف من حزیران علی نصف قدم و بسند صحیح منقولست از عبد الله
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که زوال آفتاب در نیمه حزیران که از
ماههای رومیست و نود و هفت [illegible] اول [illegible] و اول تابستان که دو
[illegible] است و نهایت ارتفاع [illegible] بر نیم قدم است
یعنی چهار [illegible] شاخص که [illegible] سایه [illegible] در عراق عرب ظهر میشود
و در نیمه تموز که اول ماه دوم تابستانست و آفتاب [illegible] است
سی و سه و چهار درجه زوال میشود وقتی که سایه یك قدم و نیم مانده باشد و [illegible]
[illegible] یك شاخص [illegible] درجه باشد چون [illegible] مستوی
الخلقه کف پای او مقدار هفت یك قد او است و چون سایه زیاد میشود از هر چیزی
نیست طول او است و چون ماههای تابستان و ماههای بهار آفتاب بلند است
و روزها نیز دوازده ساعتست تا چهارده ساعت و زمستان آفتاب [illegible]
روزهای کوتاه میشود تا نه ساعت و [illegible] ماه و شش دقیقه تقریبا هر ماهی سایه
دو قدم زیاد میشود و در نیمه آب که اول ماه سیم است از تابستان زوال میشود
دو قدم و نیم که بیمانده و شروع در زیادتی میکند و در نصف ایلول ماه اول پائیز
زوال میشود وقتی که سه قدم و نیم مانده باشد که نصف قد شاخص [illegible] و در نصف
تشرین اول که اول ماه دوم پائیز است زوال میشود بر پنج قدم و نیم که بمانده و در نیمه
تشرین آخر که اول ماه سیم پائیز است زوال میشود وقتی که هفت قدم و نیم
بماند و در نیمه کانون اول که اول ماههای زمستانست و آفتاب در نهایت
پستی است زوال میشود وقتی که نه قدم و نیم از سایه بماند [illegible]
[illegible] آفتاب شروع در بلندی میکند بهمین نسبت بر میگردد و در نیمه کانون
[illegible] ماه دوم است از زمستان زوال میشود بر هفت قدم و نیم و در
[illegible] شباط که [illegible] ماه سیم است از زمستان زوال میشود وقتی که

۲ ایلول ماه [illegible]

سیم قدم و نیم مانند [illegible] سایه بود در نیمه [illegible] آن که اول اول ماه‌ها [illegible] زوال میشود وقتی که [illegible]

و نیم مانده باشد و در نیمه شعبان که اول ماه دوم است از بهار زوال میشود وقتی که [illegible] و نیم مانده

باشد و در نیمه [illegible] که اول ماه سیم است از بهار زوال میشود وقتی که یک قدم و نیم مانده

باشد و در نیمه [illegible] قدم [illegible] بر نیم قدم [illegible] [illegible]

[illegible] اصفهان تقریبی است [illegible] قدم [illegible] قریب [illegible] قدم [illegible]

و [illegible] شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله [illegible] بودند که [illegible]

[illegible] بود [illegible] احمد اردبیلی رحمه الله [illegible] که او گفته است [illegible]

ملاحظه این وضع [illegible] اضطراب [illegible] اعتماد [illegible]

اختلاف [illegible] بلاد [illegible] حکمی [illegible] اضطراب [illegible]

[illegible] شده باشد [illegible] — ظاهر

ظاهر میشود [illegible] قال الصادق صلوات الله علیه تبیان زوال الشمس أن تأخذ عوداً طوله ذراع

و أربع أصابع فتجعل أربع أصابع في الأرض فإذا نقص الظل حتى يبلغ غايته ثم زاد فقد

زالت الشمس وتفتح أبواب السماء [illegible] الحوائج العظام [illegible] است از — وقت [illegible]

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] زوال آفتاب [illegible]

[illegible] که [illegible] باشد [illegible] فرو [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible] سایه هر چیزی دراز است هر چند آفتاب بلند میشود — سایه کم میشود

تا چون آفتاب بغایت ارتفاع میرسد سایه بنهایت کمی میرسد بعد از آن

شروع در زیادتی میکند و چون اندکی زیاده میشود [illegible] میشود که

آفتاب از وسط آسمان گذشته است و میل بغروب کرده است دیگر سایه زیاد

[illegible] تا در وقت غروب [illegible] وقت طلوع میشود و چون [illegible]

آفتاب [illegible] درهای آسمان گشوده میشود از جهت [illegible]

[illegible] بادهای رحمت [illegible] برآورده میشود [illegible]

[illegible] فتح ابواب [illegible] ابواب احسان رحمت الله باشد بواجب [illegible]

[illegible] رحمة فرستاده [illegible] نسیم‌های فیوض [illegible]

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند که [illegible]

[illegible] ایام [illegible] نسیم‌های رحمت [illegible] نسیم‌ها [illegible]

انواع [illegible] نسیم [illegible] فیوض [illegible] میشود [illegible]

[illegible] حکمت [illegible] میشود [illegible] دوستان خود [illegible] — [illegible]

[illegible] بواسطه [illegible] بواسطه [illegible]

این معانی [illegible] خود [illegible] اضافت [illegible]

و همیشه [illegible] مشغول باشد [illegible] — عثمان

[illegible] که [illegible] مبداء فیاض است و لیکن قابلیت [illegible] همیشه [illegible] — فیض

[illegible] فیوض [illegible] همیشه [illegible] دوام [illegible]

[illegible] فیوض [illegible] لی مع الله وقت لا یسعنی فیه ملک مقرب [illegible] جناب اقدس الهی

[illegible] ملک مقرب نه نبی مرسل [illegible] همیشه

[illegible] مقامات [illegible]

[illegible] همیشه [illegible]

باشند و لیکن [illegible] گاه گاه هست [illegible] دوام [illegible] والله [illegible]

[illegible] اما [illegible] — [illegible]

[illegible] عنوان [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] باشد [illegible] — بنابان

[illegible] میشود [illegible] باشد [illegible] — [illegible] میکنند

ظاهر میشود و بیرون کردن دایره چوبی نصب میکنند و محیط آنکه مرتفع باشد و وسط
میباید عمقش اندکی باشد که سایه آن در اول داخل دایره شود و از آنجا بیرون رود و اگر در آن تری
باشد که فاصله دخول با خروج بیشتر باشد بهتر ظاهر میشود هرچند باعتبار حرکت موسمی
حرکت آفتاب اگر فاصله کمتر باشد که گفته اند بهتر است و میباید که میان این چوب بر محور دایره آن
بر بندند که از سر این چوب به جمیع اطراف دایره بعد مساوی باشد [illegible]
[illegible] قول میشود [illegible] چوبی که بر سر این چوب [illegible] باطراف دایره [illegible]
از همه طرف مساوی باشد و اگر [illegible] دایره را [illegible] صحیح کنند [illegible]
چوب را بر جهات طرف [illegible] ملاحظه نمایند [illegible] ظاهر میشود و چون مقیاس را عمود کردند
میباید که ملاحظه نمایند که چون [illegible] سایه مقیاس داخل دایره شود نقطه بر آن بگذارند [illegible]
سیاهی یا غیر آن و چون سایه بیرون رود از دایره محل خروج را نیز نقطه بگذارند و میان
حقیقی این دو نقطه [illegible] درست کنند و از آن خطی درست بکشند
دایره و اگر [illegible] خط کشیده شود [illegible] است و این خط نصف النهار است
[illegible] سایه با این خط [illegible] است [illegible] است و [illegible] است چون
سایه سر مقیاس [illegible] سایه سر مقیاس از این خط بیرون رود زوال آفتاب از نصف النهار
شده است و چون سایه سر چوب در میان این خط است [illegible]
[illegible] از طلوع شمس است تا غروب شمس [illegible] از طلوع صبح صادق
[illegible] ذهاب حمره مشرقیه است نصف اول روز
قریب بیکساعت زیاده است و اگر غروب [illegible] باشد قریب بیکساعت [illegible]
[illegible] که دایره هندی کشیده باشند چون ملاحظه میکنند پیدا شود که سایه شروع
در زیادتی [illegible] دایره های هندی کشیده که [illegible] قریب بیکساعت [illegible] باشد
[illegible] از میان خط بیرون رفت و سایه سر چوب [illegible] دایره [illegible] نصف
[illegible] که [illegible] حرکت آفتاب [illegible] سایه [illegible]

۲ خروج

نقصان [illegible] دایره هندی نباشد و سایه [illegible] نصب کرده کم شود و شروع
در زیادتی [illegible] قریب بیکساعت که سایه شروع در زیادتی کرده است
چنانکه [illegible] علم [illegible] از دایره هندی چون حرکت
[illegible] است از طلوع تا غروب [illegible] یکساعت [illegible] از طلوع گذشته
باشد [illegible] باشد [illegible] سایه بهمان دایره میرسد
[illegible] در ساعات و دقایق [illegible] ظاهر شود که در هر فصلی [illegible]
وسط [illegible] این خط نصف النهار است [illegible] نصف النهار ظاهر [illegible]
ظاهر میشود و لیکن معرفت قبله [illegible] است [illegible] است و اختلاف
[illegible] در قبله اصفهان در مسجد جامع قدیم انحراف
[illegible] مغرب [illegible] قدیم است [illegible] درجه [illegible] دقیقه
و بنابر استخراج [illegible] مسجد جامع عباسی [illegible] و در وقت
دایره هندی [illegible] حاضر [illegible] قبله [illegible] ملاحظه
[illegible] چنانکه [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] استخراج [illegible] مولانا محمد باقر یزدی طاب ثراه [illegible]
[illegible] رساله مطلع الانوار بیان فرموده [illegible] انحراف
[illegible] درجه [illegible] دقیقه است [illegible] هفت درجه [illegible] دقیقه
[illegible] درجه و چهل دقیقه است [illegible] و هشت درجه است [illegible] و هفت دقیقه
[illegible] درجه [illegible] دقیقه است [illegible] و هشت درجه و چهل و هفت دقیقه
[illegible] چهل [illegible] درجه و نه دقیقه است [illegible] درجه [illegible] دقیقه
[illegible] درجه و چهل و شش دقیقه است [illegible] درجه [illegible] دقیقه
و هفت درجه [illegible] دقیقه است و [illegible] درجه [illegible] دقیقه
[illegible] دقیقه است [illegible] درجه [illegible] دقیقه است [illegible]

چند درجه و بیست و چهار دقیقه است و کلی [illegible] پنجاه و سه درجه [illegible] دقیقه است و سی و شش

سی و پنج درجه و بیست و نه دقیقه است و اول هفتاد درجه و سی و دو دقیقه است و هزار

پنجاه و سه درجه و بیست و چهار دقیقه است و ثانی پنجاه و چهار درجه و دقیقه است و پنج یا ... دقیقه

شصت و سه درجه و چهار دقیقه است و سایر سی و شش درجه و پنجاه و چهار دقیقه ۷

و قنده هفتاد و چهار درجه پنجاه و نه دقیقه است و کشتی هفتاد و یک درجه و بیست دقیقه است

هفتاد و نه درجه است هفتاد درجه و بیست و شش دقیقه است و سایر در انجمن

میکنند و بعضی میگویند ان الکسوف ایتها [illegible] از قول اهل رصد است و صاحبان

ایشان بی لطف ف [illegible] است که اقاویل ایشان بیان است که در کسوف خسوف واقع

نمیشود و بعضی گفته اند که در چند روز در تقاویم کسوف نوشته بوده و در ملاء و سیع الاول سنه

هزار و شصت و سه هجری واقع شده و دو سه سال قبل از این حکم کرده بودند که خسوف

خواهد واقع شد و لیکن ظنی که ازین اقاویل ایشان در معرفت قبله بهم میرسد بیشتر است

از علامات دیگر که علما ذکر کرده اند انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد در قبله و چون در وقت علم

می باید غالبا بر آنکه ... کما ... باشد ... دایره هندی بنحوی که مبین شد و بعد

از آن حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که ... بر ...

غافل ... عمل عنیو دارد ... لذت دنیا بلکه در هر کاری که باشد جیا ... کند و مشغول نمی

اوقات شود تا غافل ... در اوقات فضیلت هر ... اول ... یمیه تحریر ... حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه منقول است که هر روز که ابر باشد ... و العاطمه ... امام ...

صلوات الله علیه ... مظاهر شود تا حجت الهی تمام کرده باشد ... و هر که

خواهد ... نماز جمعه ... اوقات ... بکند ... تمام

باشد ... که ... باشد ... وصف الحق

... که ... شود باب بگرد الشمس ... در بیان

... اسماء ... ظاهر است که در ... وقت ...

و ظلمت کسوف ۳

و آخر سی و چهار درجه و ... دقیقه است ۳

۲ بر ظلمت ۳

... قال لی ... سأله محمد بن مسلم ابا جعفر صلوات الله

علیه عن رکود الشمس ... یا محمد ما أصغر جثتها و أعظم حرّها ... لا احد لک

ان الشمس اذا طلعت جذبها سبعون الف ملک بکل شعاع منها سبعة آلاف

من الملائکة بین جاذب و دافع حتی اذا بلغت الجوّ و جازت الکوّ قلّبها ملک

النور ظهرا لبطن فصار ما یلی الارض الی السماء و بلغ ضوءها العرش

فعند ذلک نادت الملائکة سبحان الله و لا اله الا الله و الحمد لله الذی لم یتخذ

صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبّره

تکبیرا فقال له جعلت فداک احافظ علی هذا الکلام عند زوال الشمس فقال نعم

حافظ علیه کما تحافظ علی عینیک فاذا زالت الشمس صارت الملائکة من ورائها

یسبحون الله فی ذلک الجوّ الی ان تغیب ... کالصحیح که محمد بن مسلم

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از رکود آفتاب در وقت ظهر که بچه سبب

در آنجا مکث میکند و حرکت نمیکند و با سرعت حرکت میکند ... حضرت فرمودند که

جثه ... و جمیع ... تو ... ظاهر ... محمد بن مسلم ...

... مطابق ... باشد ... مطابق باشد و ...

... که ... چون ... الی ... صبا ... او ...

... یا ... باشد ... که ... چند که ... سؤال میکند

... که ... سؤال میکند و ... جواب ... اما ...

... آفتاب طالع میشود میکشند او را ... هفتاد هزار فرشته

و ... از ... هر فرشته ... است که ...

بکل شعاع منها ... هفتاد هزار فرشته آفتاب را ... میکشند

... فرشته دیگر ... جانب مشرق میکشند ... جمع ... کواکب ...

... از ... مشرق بجانب مغرب ...

یکدور حرکت دیگر از مغرب به جانب مشرق هست و آن دوره [illegible] در

[illegible] تقریبا یکدور بجهت بر عکس که هفتاد هزار فرشته که حرکت [illegible] میدهند فرشته [illegible]

که حرکت فلک نهم میدهند بجانب مغرب و به تبعیت آن افلاک دیگر حرکت میکنند و

شمس و فلک دیگر او بجانب حرکت مخالف کنند یا آنکه شمس و فلک آن را هفتاد هزار فرشته

جذب کنند و باقی کواکب و افلاک را فرشتگان دیگر جذب کنند و دفع [illegible]

و دفع کنند فرشتگانی باشند که فلک شمس را در [illegible] یکبار حرکت میفرمایند و ممکنست

که هفتاد هزار فرشته باشند که بعضی از پیش او کشند و جمعی از عقب او [illegible] کنند و هر

هزار [illegible] از گوشهای آفتاب را گرفته باشند که محل شعاع شمس است یا

شعاع آن بقوت [illegible] کنند آنکه حرکت میدهند تا وقتی که آفتاب بوسط آسمان [illegible]

و شعاع آفتاب از دریچها جانب مشرق [illegible] غالب او [illegible] است پس چون

بمیان آسمان میرسد [illegible] آفتاب را فرشته که مسمی است [illegible]

[illegible] جانب آسمان فوق آن آسمان می آمد و طرف که جانب آسمانست جانب [illegible]

می آمد [illegible] دلالت میکند بر آنکه [illegible] فلک تدویر باشد و علماء هیأت اثبات

نکرده فلک تدویر را از جهت شمس [illegible] بعضی از [illegible] اکبر اثبات کرده اند حسب قرائن که [illegible]

[illegible] در فلک شمس [illegible] نکرده چون قانون [illegible] است که هر [illegible]

[illegible] اند و گفته که ممکن است که جمیع کواکب را فلک تدویر باشد و ما نیافته باشیم [illegible]

که کوکب [illegible] مجاز [illegible] باشد [illegible] معنوی خود را [illegible] کند [illegible] استفاضه

[illegible] کند از عرش چنانکه در اخبار دیگر وارد شده است و در [illegible] حرکت شعاع آفتاب

باطراف [illegible] تسبیح فرشتگان حامل عرش و ساکنان سموات [illegible]

حالت همه فرشتگان مشغول این تسبیح میشوند که توجیه [illegible] که منزه خداوندی که [illegible]

[illegible] جمیع [illegible] باشند [illegible] خداوند [illegible]

ذاتی و صفاتی [illegible] خداوندی [illegible]

۶ ستایش

[illegible]

[illegible] که منزه [illegible] فرزندی باشد چنانکه نصاری مریم را زن خدا

و عیسی را [illegible] او میدانستند [illegible] صاحب صفات [illegible] و از زوال صفات حادثه

منزه است [illegible] شریکی در پادشاهی نبوده است او را که نفع مذلت و خواری

از او [illegible] مقرب [illegible] و انبیاء مرسلین و غیر

ایشان را عبادت او کنند [illegible] نقص بهم رسد و عظمت

و جلالت [illegible] الشفات [illegible] که خداوند خود را [illegible]

[illegible] که عقل و وهم [illegible] او با صفات مقدسه او [illegible]

محمد [illegible] کلام [illegible] زوال آفتاب

حضرت فرمودند [illegible] بانجم خود را [illegible] چنانکه در [illegible]

[illegible] است [illegible] زوال [illegible] و آفتاب [illegible] و فرشتگان [illegible]

میکند و حرکت میدهند آفتاب را تا غروب کند و ممکنست که فرشتگان دیگر باشند که

جذب کنند و [illegible] دفع کنند [illegible] هزار فرشته دیگر جذب و دفع کنند تا غروب

از [illegible] که مذکور شد [illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] محمد [illegible] باشد چنانکه حضرت فرمودند

[illegible] جواب [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام وارد شده است [illegible] که تسلیم کنیم [illegible]

[illegible] عقل ما [illegible] که در فوائد [illegible] مذکور شد و الله تعالی یعلم

و سئل الصادق صلوات الله علیه عن الشمس [illegible] کل یوم و لا یکون [illegible] یوم

الجمعة [illegible] فقال لان الله عز و جل جعل یوم الجمعة اضیق الایام فقیل له

[illegible] اضیق الایام قال لانه لا یعذب المشرکون فی ذلک الیوم [illegible]

[illegible] امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

۶۷

[illegible]

۲ کیف [illegible]

[illegible]

که آفتاب وقت زوال قرار میگیرد عصر روز جمعه قرار نمیگیرد [illegible] فرمودند ... چه
وقت جمعه است اندرین هاى دیگر گناه ترک کرده است [illegible] فرمودند ...
اگر گناه ترک کرده است حضرت فرمودند که زیرا که در جمیع این ... مشترک ... میکنند
میکنند چون نه روز جمعه است و بیشتر که از حضرت محمد ... عیب ... بن ...
که عمر بخود [illegible] حضرت ... الجیب علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهم که خبر ...
که روز جمعه کوتاه ترین روزهاست حضرت صلوات الله علیه فرمودند که چنین است پس گفتم
فدای تو گردم چرا چنین است حضرت صلوات الله علیه فرمودند که حق سبحانه و تعالی جمع میکند
در هر روز ارواح کفار را در جهنم در شب ... و ایشانرا عذاب میکند تا آنکه ... از جهنم
آفتاب بلند میشود یکساعت عصر روز جمعه از جهت فضیلت جمعه ایشانرا عذاب نمیفرمایند
بنابرین آفتاب ... دو آنکه ... شد که شاید ... روزها باشد ...
عدم ... است ... که عبادات روز جمعه بسیار است و از جمله آن نماز جمعه است
که ... باید که حاضر شوند و نماز جمعه ... و غیر آن نمازها و دعاها که در آن
و ... است چنانچه این احادیث دیگر ظاهر میشود که دیگر آنکه روز ... و اللہ
میباشند بخلاف ... که ... است و الله یعلم ... عن ابن عمیر ... قال
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ
الشَّمْسَ تَنْقَضُّ ثُمَّ تَرْكُدُ سَاعَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُولَ فَقَالَ إِنَّهَا تُؤَامَرُ أَتَزُولُ
أَمْ لَا تَزُولُ و بسند صحیح منقولست از عمیر که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه بودم که شخصی از آنحضرت سوال نمود و گفت فدای تو گردم بدرستی که آفتاب حرکت سریع میکند
تا قریب بزوال و بعد از آن قرار میگیرد و یا حرکت بطی میکند که محسوس نمیشود ... چیست
پس حضرت صلوات الله علیه فرمودند که چون بامر الهی تا وسط آسمان حرکت کرده
میگیرد از جانب اقدس الهی که زایل شود و حرکت بکند بجانب مغرب ...

... دلالت میکند که آفتاب شعور دارد چنانچه ظاهر آیات و اخبار ... است
و ... ملائکه باب الفجر ... الليل و این حدیث در بیان شناختن زوال شب از جهت نماز تهجد
و سایر ... چون احادیث صحیحه وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند ... نماز حقیقی میکرد ... دیگر نماز میکردند تا نصف شب و بعد از آن متوجه
نماز شب ... و ... از جهت معرفت ... وقت نماز ... شناختن نصف شب ...
در ... حدیث ... باشد ... خواهد بود اگر چه ... اختلاف اوقات شب ...
... است بلکه هر ستاره هرگاه ... داشته باشد چنانچه حق سبحانه و تعالی ... فرموده
... که ... اوقات ... آیات ...
اوقات شب است سَأَلَ عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ زَوَالُ الشَّمْسِ نَعْرِفُهُ
بِالنَّهَارِ فَكَيْفَ لَنَا بِاللَّيْلِ فَقَالَ لِلَّيْلِ زَوَالٌ كَزَوَالِ الشَّمْسِ قَالَ فَبِأَيِّ شَيْءٍ نَعْرِفُهُ فَقَالَ
بِالنُّجُومِ إِذَا انْحَدَرَتْ و بسند موثق منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
پرسیدند که زوال آفتاب را میشناسیم در روز ... پس زوال شب را چگونه بشناسیم حضرت فرمودند که شب را
نیز زوالی هست مثل زوال آفتاب در روز پرسید که بچه چیز آنرا بشناسیم حضرت فرمودند که بستاره
ها ... از ... میل کنند بجانب مغرب ... از آن ستاره ها که در
اول ... ظاهر میشوند و در آخر شب غروب میکنند و چون آن مختلف ... اول
... یک مرتبه ... کنند و ستاره های ثابت اگر چه خود حرکت ندارند ... ظاهر
اما باعتبار حرکت آفتاب ... مختلف میشوند ... کواکب ثوابت ستاره ... یکسال
... در همه سالها ... حرکت ... محسوس ... ستاره
ها ستاره ... کنند ... اوقات ملاحظه ... باید کرد و چون ... حدی ...
کم است ... محسوس میشود در شب ... و ... حرکت میکنند ...
یک ... که یکی از آنها بالا رود و دیگری ... ساعت میشود ... باشد ...
ساعات شب در هر فصلی نصف شب ... ظاهر ... و ...

از آنچه بیان شد و تجربه نیز شده و علم بهم میرسد و در غالب اوقات

زمانی که میکنند دو هفته میشود ان شاء الله تعالی باب [illegible] صلی الله علیه و آله

التی قبضه الله علیها قال ابو جعفر صلوات الله علیه کان رسول الله صلی الله علیه و آله لا یصلی

من النهار شیئاً حتی تزول النهار ای الشمس فاذا زال صلی ثمانی رکعات وهی صلاة الاوابین

تفتح فی تلک الساعة ابواب السماء ویستجاب الدعاء وتهب الریاح وینظر الله الی خلقه

فاذا فاء الفیء ذراعاً صلی الظهر اربعاً وصلی بعد الظهر رکعتین ثم صلی رکعتین اخریین ثم

صلی العصر اربعاً اذا فاء الفیء ذراعاً ثم لا یصلی بعد العصر شیئاً حتی تؤوب الشمس فاذا آبت

وهو ان تغیب صلی المغرب ثلاثاً وبعد المغرب اربعاً ثم لا یصلی شیئاً حتی یسقط الشفق

فاذا سقط الشفق صلی العشاء ثم اوی رسول الله صلی الله علیه و آله الی فراشه ولم یصل

شیئاً حتی یزول نصف اللیل فاذا زال نصف اللیل صلی ثمانی رکعات واوتر فی الربع الاخیر

من اللیل بثلاث رکعات فقرأ فیهن فاتحة الکتاب وقل هو الله احد ویفصل بین

الثلث بتسلیمة ویتکلم ویأمر بالحاجة ولا یخرج من مصلاه حتی یصلی الثالثة التی یوتر

فیها ویقنت فیها قبل الرکوع ثم یسلم ویصلی رکعتی الفجر قبل الفجر وعنده وبعیده

ثم یصلی رکعتی الصبح وهو الفجر اذا اعترض الفجر واضاء حسناً فهذه صلاة رسول الله

صلی الله علیه و آله وسلم التی قبضه الله تعالی علیها باب در بیان نماز حضرت رسول

صلی الله علیه و آله وسلم که مداومت می نمودند بر او [illegible] از دنیا [illegible] رفتند

منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که حضرت رسولخدا صلی الله علیه و آله

وسلم در روز نماز نمیکردند هیچ نماز تا زوال [illegible] آفتاب

یعنی زوال شد هشت رکعت نماز میکردند و این هشت رکعت نماز نافله ظهر است که

نماز اوابین یعنی جمعی که همیشه بازگشت دارند بجانب حق سبحانه و تعالی بتوبه و انابت یا آنکه این نماز

[illegible] توبه و انابت ایشانست و ثواب و محو گناهان و در این ساعت درهای آسمان گشاده میشود

آنچه [illegible] خلایق و دعاها مستجاب میشود و بادهای رحمت

صح

[illegible] الله در آن ساعت [illegible] نظر رحمت و نعمت بسوی خلایق میکنند [illegible]

[illegible] عبادات ایشان اسباب قرب ایشان میشود و هرگاه سایه بقدر یک ذراع میگذشت

که دو شاخص باشد چهار رکعت نماز ظهر را بجا میآوردند و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز میکردند

[illegible] فاصله که میشد دو رکعت نافله دیگر بجای میآوردند و چهار رکعت نماز عصر را میکردند

وقتی که یک ذراع دیگر گذشته بود یا آنکه در شب بجا میکردند دیگر بعد از نماز عصر نماز نمیکردند

تا آفتاب غروب میشد که اثر آفتاب غایب میشد که حمره مشرقیه بلند یا زایل

میشد سه رکعت نماز شام را میکردند و بعد از آن چهار رکعت نافله شام را بجا میآوردند دیگر نماز

نمیکردند تا سرخی جانب مغرب زایل میشد و چون سرخی برطرف میشد نماز خفتن را میکردند

و بعد از آن بخوابگاه خود میرفتند و نماز نمیکردند تا نصف شب میگذشت پس چون به نصف

شب [illegible] هشت رکعت نماز شب را میکردند و سه رکعت وتر را در ربع آخر شب بجا

میآوردند و در این سه رکعت سوره حمد و قل هو الله احد میخواندند و فاصله میکردند

میان نماز شفع و نماز وتر بسلام و سخن میفرمودند و اگر کاری میداشتند امر میفرمودند

و از مصلی بیرون نمیرفتند تا رکعت سیم وتر را بجا میآوردند و در این رکعت قنوت

میخواندند پیش از رکوع پس سلام میدادند و دو رکعت نافله صبح را بجای میآوردند [illegible]

[illegible] صبح کاذب یا صبح صادق و بعد از صبح کاذب یا اول صبح صادق را بجای میآوردند

و گاهی اندکی بعد از آن پس دو رکعت فریضه صبح را بجا میآوردند در صبح صادق که سفیدی در جهت افق

[illegible] میشد و خوب روشن میشد که علم بدخول وقت بهم میرسید [illegible] این نماز بود

که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم برین مداومت می نمودند تا از دنیا متوجه

عالم اعلی شدند بدانکه این حدیث [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] دلالت میکند بر آنکه نماز [illegible]

[illegible] دلالت میکند بر آنکه هشت

[illegible] نماز [illegible] نافله ظهر [illegible]

۳ بیاورده اند

۲ بجای آورده اند

میکند بر اکو هر نیت قصد نماز نافله میکنی میتوان است و در خاطر میماند [illegible] که اگر [illegible]

مطلوب باشد جایز باشد و اگر فی الحقیقه مطلوب باشد جایز باشد و دلالت میکند [illegible]

ظاهر [illegible] بلکه [illegible] اعاده [illegible] است خصوصا نسبت بنماز جماعت [illegible] مثل [illegible]

حاجت و وضو و نماز [illegible] شروع باشند و دور نیست که اولیت نماز [illegible] باشد [illegible]

احادیث بسیار وارد شده است در اینکه اول وقت افضلست الا [illegible] که از نوافل تاخیر شود

دور نیست [illegible] دلالت کند بر آنکه [illegible] نوافل طول [illegible]

میکنند و در تابستان دو قدم قریب بیک ساعت نجومی میکنند و در زمستان قریب به [illegible]

متفق و اشعاری دارد باینکه [illegible] و تفاوت طول و قصر نوافل بحسب طول و قصر ایام

مقرر فرموده است و ظاهر میشود که دو رکعت نافله بعد از ظهر متعلق است بعصر چنانکه

احادیث بسیار بر [illegible] دلالت دارد و در بعضی اخبار هشت رکعت [illegible]

الا که چهار رکعت را بعد از ظهر بجای آورند و چهار رکعت را قبل از عصر و از اخبار

بسیار ظاهر میشود که اهتمام بار چهار رکعت بیشتر از چهار رکعت دیگر است و چهار

رکعت [illegible] شغلی داشته باشند ترک میتوانند کرد و دور نیست که حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

بحسب واقع ظاهر میشود از اخبار بسیار که اگر چهار رکعت کنند و دو رکعت [illegible]

بجا آورند و دو رکعت دیگر را در قدم چهارم بجا آورند [illegible] در اول قدم [illegible]

میشود و [illegible] اگر هشت رکعت کنند چهار رکعت را [illegible]

دیگر در قدم چهارم بجا آورند [illegible] احتیاط [illegible] دو رکعت یا چهار رکعت بعد از [illegible]

[illegible]

هشت رکعت نکنند چون احادیث صحیحه متواتر وارد شده است که مجموع نماز [illegible]

پنجاه و یک رکعت [illegible] احادیث [illegible] نافله شام و [illegible] است [illegible]

[illegible] در بعضی [illegible] احادیث دو رکعت [illegible]

یب

دو چهار رکعت دیگر

[illegible] است و دو [illegible] دیگر را از جهت عذر ترک میتوان کرد و [illegible]

وارد شده است [illegible] ظاهر میشود که اهتمام [illegible] است [illegible]

[illegible] بسبب [illegible] نماز و [illegible] نافله [illegible] گذشت که حضرت سید

المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] سبب این بود که حضرت [illegible]

[illegible] خواهند کرد چون نماز [illegible] آن حضرت واجب بود [illegible] آن حضرت [illegible]

[illegible] معصوم بودند ترک آن محال بود [illegible] آن حضرت [illegible]

است چنانکه وارد شده است در [illegible] که آن حضرت [illegible] نماز [illegible]

نافله [illegible] وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلی الله

[illegible] حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بعد از نماز [illegible] نماز میکردند [illegible]

[illegible] که مراد نفی نماز [illegible] باشد نه [illegible] احادیث بسیار دلالت میکند بر

آنکه حضرت رسول خدای و ائمه هدی صلوات الله علیهم هر شب [illegible]

رکعت [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم

[illegible] بوده باشد [illegible] است که [illegible] توهم کنند که واجبست [illegible]

[illegible] باشد [illegible] نوع انسانی [illegible] حضرت سید

المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بسبب [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] که حضرت بعد از نصف شب هشت رکعت نماز میکردند [illegible]

[illegible] احادیث صحیحه که حضرت [illegible] رکعت را [illegible]

[illegible] که مجمع علمای [illegible]

[illegible] است که فاصله [illegible] سه رکعت [illegible]

[illegible] سه رکعت را [illegible] شام متصل میکنند و بعد از [illegible]

[illegible] بافضل [illegible]

بی احادیث

[illegible]

۳ در [illegible]

الثلاثين عن الصادق صلوات الله عليه انه قال مكة حرم الله وحرم رسوله وحرم
على بن ابي طالب صلوات الله عليهما الصلوة فيها بمائة الف صلوة والدرهم
فيها بمائة الف درهم والمدينة حرم الله وحرم رسوله وحرم علي بن ابي طالب صلوات
الله عليهما الصلوة فيها بعشرة الاف صلوة والدرهم فيها بعشرة الاف درهم والكوفة
حرم الله وحرم رسوله وحرم علي بن ابي طالب صلوات الله عليهما الصلوة فيها بالف صلوة و
سكت عن الدرهم بدانكه در بيان فضيلتهاى معظمه وعبادات وحرمت مسجدها و [illegible]
در فضائل وارد شده بسند قوى در كافى بسند حسن كالصحيح از خالد كلاه دوز يا كلاه فروش از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله عليه كه فرمودند كه بدرستى كه مكه معظمه حرم حق سبحانه وتعالى است يعنى محترم كرده است
كه تعظيم كنند خلايق آنرا بهر نحو كه خواهند آنرا ومدينه حرم حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه
وآله وسلم كه محل ولادت ونشو ونماى آنحضرت است وامر بتعظيم آن كرده است وحرم حضرت امير المؤمنين
صلوات الله عليه هست ووجه مثل كوفه يك نماز كه در مكه بجاى آورند يا در مسجد حرام بر احتمال
قوى چنانكه در احاديث ديگر مذكور شده است برابر است با صد هزار نماز ويك درهم كه در مكه تصدق
كنند يا در مسجد الحرام برابر است با صد هزار درهم كه در غير آن تصدق كنند [illegible] ومدينه شريفه حرم
حق سبحانه وتعالى است كه امر بتعظيم آن كرده است وحرم حضرت سيد المرسلين است صلى الله عليه وآله وسلم
وحرم حضرت امير المؤمنين است صلوات الله عليه كه هر دو هجرت نموده اند بآن وسالهاى از آن بقدوم وتوطن
مشرف گردانيده اند وامر به تعظيم واحترام آن فرموده اند چنانكه خواهد آمد يك نماز كه در شهر مكه يا
در مسجد حضرت سيد الانبياء صلى الله عليه وآله وسلم بجاى آورند برابر است با ده هزار نماز و يك درهم
كه در آنجا تصدق كنند برابر است با ده هزار درهم وكوفه حرم حق سبحانه وتعالى است وحرم رسول
صلى الله عليه وآله وسلم وحرم حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه كه امر بتعظيم مسجد آن
فرموده اند وظاهر آن بنا بر ظاهر عبارت نماز يكه كه در آنجا بجا آورند برابر است با صد هزار نماز و
حكم درهم را ذكر نفرموده اند ودر حديث صحيح از حضرت امير المؤمنين منقول است [illegible]
فرمودند كه مكه حرم الهى است مدينه مشرفه حرم رسالت پناه است صلى الله [illegible]

[illegible] چنانچه گذشت كه اراده كند در كوفه ستم كند حق سبحانه وتعالى او را مبتلا گرداند بعلتى
وبسند صحيح ديگر از ربيع منقول است كه حق تعالى در باب [illegible] زيارات در روايت ابو حمزة
الثمالي عن ابي جعفر صلوات الله عليه انه قال من صلى في المسجد الحرام صلوة مكتوبة قبل
الله منه كل صلوة صلاها منذ يوم وجبت عليه الصلوة وكل صلوة يصليها الى ان يموت وبسند
معتبر منقول است از ابو حمزه كه حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمودند كه هر كه يك نماز
واجب در مسجد الحرام بجا آورد حق سبحانه وتعالى قبول ميكند از او هر نمازى كه كرده است از آن
روزى كه نماز بر او واجب شده است وهر نمازى كه بعد از آن خواهد كرد تا روزى كه بميرد هر چند چنين
شرايط قبول در آن نمازها نبوده باشد وقال رسول الله صلى الله عليه وآله الصلوة في مسجدي
كالف صلوة في غيره الا المسجد الحرام فان صلوة في مسجد الحرام تعدل الف صلوة في مسجدي
وروايت كرده است شيخ طوسي رضي الله عنه بسند صحيح كه حضرت سيد المرسلين صلى الله
عليه وآله وسلم فرمودند كه نماز در مسجد من مانند هزار نماز است كه در غير اين مسجد بجا
آورند مگر مسجد الحرام كه يك نماز در مسجد الحرام برابر است با هزار نماز كه در مسجد من بجا
آورند [illegible] ظاهر لفظ غير شامل جميع مساجد است بقرينه استثناء مسجد حرام [illegible]
[illegible] بهتر خواهد بود [illegible] از اخبار [illegible] هزار [illegible]
[illegible] در مسجد آنحضرت برابر باشد با هزار [illegible] مسجد الحرام برابر باشد
هزار هزار [illegible] هفت هزار سال [illegible]
هزار [illegible] يكصد [illegible] سالى سيصد و شصت [illegible] هزار [illegible] يكصد [illegible]
هزار [illegible] هفت [illegible] سال [illegible] هزار هزار [illegible] سيصد و شصت هزار [illegible]
شصت [illegible] سال [illegible] بحساب سيكى [illegible] هزار [illegible] مجموع
[illegible] هزار هزار و دويست و شصت [illegible] هزار [illegible]
[illegible] از ابن عمر [illegible] يك نماز [illegible] مسجد الحرام
[illegible] هزار [illegible] هزار [illegible]

و امام او مثل آن جمع کسی باشد هر چند بیشتر شوند مضاعف [illegible]
است در نماز جماعت و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد
است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] نماز در مسجد من برابر است با هزار
نماز در غیر آن مسجد مگر مسجد الحرام که آن افضل است از آن و در حدیث صحیح دیگر نیز [illegible]
از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است و این هر دو حدیث را
حمل میکنیم بر آنکه افضلیت هزار نماز است تا جمع شود با حدیث متقدم و با حدیث [illegible]
و با حدیث صحیح صفوان از اسحق بن عمار که آن نیز مثل حدیث مذکور است و احادیث بسیار
وارد شده است که نماز در مسجد حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم برابر است
با ده هزار نماز حمل میتوان کرد بر آنکه ده هزار نماز در مسجد جامع مراد باشد غیر جامع
کوفه و بیت المقدس و در این صورت هزار هزار میشود و در همه احادیث متفق میشود [illegible]
و جمعی اختلافات را حمل کرده اند بر اختلاف احوال مصلین مثل نماز جماعت با نماز عالم
و با نماز خصوص [illegible] و بنا بر [illegible] احتیاج بان تاویلات نیست بنا بر آنکه مراد از بر اختلاف
بیان شرف مکان است و الا شرفهای دیگر که ذکر شد هست در هر مسجدی مضاعف میشود
بلکه در غیر مساجد نیز آن شرفها بحال خود است [illegible] که نماز جماعت کسی که
عدد آن جماعت از ده نفر بگذرد [illegible] از ایشان زیاده [illegible] ثواب نماز
در مسجد الحرام چون نماز در مسجد الحرام را احصا میتوان کرد ثواب این را احصا نمیتوان
کرد و الله یعلم [illegible] سَأَلَ عَبْدُ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ الْإِمَامَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
كَمْ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ كَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ سِتَّمِائَةِ ذِرَاعٍ
مُكَسَّرَةٍ و منقول است در حدیث صحیح که سوال کرد عبد الاعلی که آزاد کرده آل سام
[illegible] که داخل قبیله ایشان شده بود و با ایشان قسم یاد کرده بود [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم آنحضرت مسجد کرده [illegible]

که سه هزار و ششصد ذراع مکسر باشد [illegible] که طول آن [illegible] ضرب میکنی [illegible] طول
[illegible] باشد [illegible] دست [illegible] چون ضرب کنی [illegible]
ششصد [illegible] که طول [illegible] از آن [illegible] سوال [illegible]
که [illegible] آنحضرت [illegible] نماز کردن در آن مسجد است که در زمان آنحضرت بود [illegible]
از حضرت [illegible] و ثواب نماز کردن در آن زیاده [illegible] ثواب هر مساجد
[illegible] خواهد بود [illegible] که [illegible] کرده اند [illegible] ثواب [illegible] بنی امیه [illegible]
[illegible] کرده اند مسجد را بزرگ کردند [illegible] مسجد الحرام را زیاده [illegible]
کردند [illegible] در زمان آنحضرت بود [illegible]
[illegible] ثواب [illegible] مسجد جامع [illegible]
ظاهر میشود [illegible] مسجد الحرام [illegible]
آنحضرت بوده است [illegible] کرده اند [illegible] مسجد [illegible] زیاده کرده اند و
[illegible] در مسجد نبی صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] زیاده کرده اند [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین است صلی الله
علیه و آله و سلم و خانه حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه و حضرت امام حسین صلوات الله
علیهم است [illegible] ظاهر میشود که [illegible]
[illegible] داخل مسجد است [illegible]
[illegible] زیاده کرده اند [illegible]
[illegible] باشد مسجد [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] که چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند [illegible] نماز [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible]

و منقولست که ابو ایوب اولا خانه حضرت و صحیفه بیرون آورد که پدران او از اجداد او

صحیفه بود و محکم کرده اند که تبع وصیت کرده بود که اگر ادراک کنید پیغمبر آخر الزمان را بگوئید

که پیغمبر آخر الزمان صلوات الله علیه و آله و سلم متولد شود در مکه و خواهد بود و هجرت

و هجرت خواهد فرمود به مدینه مشرفه و چون مهاجرت فرماید سلام مرا به آن حضرت

برسانید که ما ایمان با آن حضرت آورده ایم ... از قدوم آن حضرت بطیبه و امجد سبب

آزاد با انصاری شد و جمعی کثیر به ایمان آوردند بسبب دیدن آن صحیفه بر آن ابو ایوب

اسباب آن حضرت را بخانه خود برد با اولاد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم در آن

خانه منزل فرمود و حضرت فرمودند آن فضا را پاکیزه کردند از کثافتها که در آنجا بود و مسجدی

بنا کردند که به خشت عرض دیوار آن مسجد بود و چون مسلمانان بیشتر شدند دیوار

مسجد جای ایشان تنگ شد صحابه عرض کردند که یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اگر

رخصت می دهید مسجد را بزرگ کنیم حضرت صلی الله علیه و آله و سلم رخصت فرمودند

و مسجد را بنا کردند یک خشت و نیم ... و دیوارها را ضخیم تر کردند که ...

دیگر مسلمانان زیاده شدند و باز از آن حضرت استدعای زیادتی کردند حضرت رخصت دادند

که باز آن دیوار را برداشتند و ... دو خشت ... دیوار را دو خشت ... کردند

موافق قانون بنا ... یک دیگر و ... خشت ... و در آنجا نماز می کردند

تا آنکه هوا گرم شد و در نماز ظهر و عصر از آفتاب بسیار متألم ... استدعا نمودند که

یا رسول الله رخصت فرمائید که سایبان بسازیم تا مسلمانان جفا نکشند حضرت رخصت فرمودند و ...

بنا کردند ستونها را از چوب خرما نصب کردند و شاخهای ... چوب خرما ...

... چون شد ... که از کوههای آفتاب ... شد و چون ...

... ایشان ... استدعا نمودند که اگر ... کل

بر سطح مسجد ... از جهت آن فرا ... که آب ... ننمود

حضرت رخصت نفرمودند و فرمودند که حضرت موسی علیه السلام ...

۲ ایمان

۳ خود بود نی

دیوار مسجد ... بنحوی که ابراهیم و ... بود تا آن حضرت صلوات الله و سلامه

علیه و آله بجوار رحمت الهی واصل شد ... آنها را ... و ...

دیگر ... کردند ... مسجد الحرام و مسجد آن حضرت ... بود

... که الحال هست و قال ابو جعفر صلوات الله علیه ...

... المسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد بیت المقدس و مسجد الکوفة

... الفریضة فیها تعدل حجة و النافلة تعدل عمرة و ...

منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند با ابو حمزه که چهار مسجد است

که ... مسجد الحرام است و مسجد حضرت سید المرسلین

است صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه مشرفه و مسجد بیت المقدس است که در ...

و مسجد بزرگ کوفه است ای ابو حمزه فریضه که در مسجد کوفه ... چهار مسجد بجا آورند

برابر است با حج و نافله برابر است با عمره و در حدیث ...

... از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که نافله در این مسجد

برابر است با عمره که ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بجای آورند ...

و برابر است با حجی که ... آن حضرت بجای آورده ... و در حدیث ... از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه که فریضه در مسجد کوفه برابر است با هزار نماز و نافله برابر است

با ... احادیث ... صلوات الله علیهم که

نماز در مسجد کوفه برابر است با هزار ... و ... که نماز ... است از ... با هزار ...

نماز ... مسجد کوفه ... است و ...

... که ... حضرت ... که ... باشد ... با آن حضرت برابر باشد

ثواب ... که ... آن حضرت ... است ...

... صلوات الله علیهم ...

... اند ... ایشان ...

۳ الحرام

که همه چنین باشند چنین میفرمودند و هیچ شکی نیست که هرگاه ثواب چنین باشد اهل بیت
خواهد بود و مجهولست ... بسند صحیح ... که گفت سؤال کردم از حضرت امام
رضا صلوات الله علیه که آیا نماز در مسجد الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در
فضیلت مساویست حضرت فرمودند که بلی و نماز در خانه هر دو برابر است بنماز ... که میخوانند
که هر دو در مسجد ... اگر ... بر ... باشد هر یک با مسجد الحرام چنانکه گفته شد الا آنکه
مراد مابین حجرتین باشد و ... و معنی اول ... بمعنی ... الخبر و در حدیث
موثق عمار ... که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از نماز
در مدینه مشرفه آیا مثل نماز است در مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فرمودند که نه
چنین است نماز در مسجد برابر است با هزار نماز و نماز در مسجد مدینه مثل نماز در سایر شهرهاست
و خواهد ... این معنی ... باشد و سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنْ قَبْرِ
فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهَا فَقَالَ دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَيَّةَ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ
فِي الْمَسْجِدِ ... بسند صحیح منقولست از بزنطی که سؤال کردم از حضرت ابی الحسن علی بن موسی
الرضا صلوات الله علیه ... از قبر حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها که در کجاست
حضرت فرمودند که آنحضرت را دفن کردند در خانه خود ... متصل شد بخانه
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که الحال خانه را قبر آنحضرت کرده اند چون
بنی امیه مسجد آنحضرت را زیاده کردند آنخانه داخل مسجد شد ... از مسجد ... [illegible]
مردمان ... زیارت آنحضرت میکنند ... [illegible]
زمان ... [illegible] صلوات الله علیهم
که نماز کردن در آنخانه افضل است از نماز کردن در روضه که مابین قبر و منبر است و افضل
مواضع ... آنحضرت صلوات الله علیه و آله و سلم جمعی را اعتقاد آنست که آنحضرت را
در روضه دفن کرده اند و جمعی را اعتقاد آنست که در بقیع و اکثر عامه در بقیع ... [illegible]
بقیع صلوات الله علیهم زیارت میکنند و قول اول اظهر است و احادیث ... ترتیب ...

در بیت آنحضرت را زیارت میکنند

ساختن آن بود که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیها وصیت فرمودند بحضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه که مرا در شب دفن کن که ... فلان و فلان بر من نماز نکنند ... صحاح
سته مذکور است بطرق متکثره که آنحضرت از دنیا رفت ... و ... آنکه احادیث
متواتره ... روایت کرده اند عامه که ... زهرا صلوات الله علیها ... از رسولست ...
بغضب ... در غضب او ... و حدیث نقل کرده اند بطرق متکثره از عایشه
و غیرها که ... حضرت فاطمه صلوات الله علیها ... حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه و آله و سلم بعیادت آنحضرت ... حضرت رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم با آنحضرت سرّی گفت ... و عایشه گفت ...
... تا آنکه بعد از وفات آنحضرت از
فاطمه سؤال ... آنحضرت ... فرمودند ... فرمودند که مرا ... فرمودند الله
... که ... اهل بیت من ... بودی ... شدم ... آنحضرت
داد که ... آنحضرت ... باشد ... ابی بکر فلان
و فلان ... عایشه و غیرها نقل کرده اند که آنحضرت ...
... و آیه تطهیر و عصمت در شأن آنحضرت نازل شد و آنحضرت فرمودند که فاطمه
سیدة النساء العالمین و سیدة النساء اهل بهشت ... احادیث که در ... صحاح
از ... و ... نقل کرده اند و تفاسیر ایشان مشحون است ... اخبار ...
... تفسیر ... کشاف ... بیضاوی ... ثعلبی و امثال آن از
تفاسیر ... ایشان ... وَقَالَ رَسُولُ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَتَى مَسْجِدِي مَسْجِدَ قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ رَجَعَ بِعُمْرَةٍ وَكَانَ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ يَأْتِيهِ فَيُصَلِّي فِيهِ بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ و از آنحضرت صلوات الله علیه و آله
منقولست که ... مسجد ... و در ... نماز ... آنکه ...
مسجد ... که ... آنحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

مشهود

و در مساجد مدینه نماز میکند اگر خیف باذان و اقامت یعنی نماز واجبه را در آنجاهای

مجی الوسعد و بالاکه مسجدهای آن حضرت در مدینه بود با این همه فضیلت و محکمست که وقتی که اتفاق

در آنجا نماز کرده باشند که اول وقت در آنجا بوده باشند و نماز اتفاق با رو مسجد خود نعوذ است وقت

فضیلت بوده باشد و همچنین شریف الوابست که حضرت در آنجا بسیار نماز میکرده اند و در حدیث

صحیح از حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند با و که آیا ترک نمید

در مسجد قبا یا مسجد فضیخ یا بالاخانه مادر ابراهیم فرزند حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه و آله من گفتم بلی حضرت فرمودند که هر چه بود از آثار حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله و سلم همه را بنی امیه تغییر دادند مگر این سه جا که مانده است یعنی جمیع اینها مانده است

که تعهد فضل اینجا بکنید برای بهشت و نماز و دعا و یُستحب اتیان المساجد مسجد قبا فانه

۲ اتیان المساجد بالمدینة

مسجد الذی اُسّس علی التقوی من اول یوم و مشربة ام ابراهیم علیه السلام و مسجد

الفضیخ و قبور الشهداء و مسجد الاحزاب و هو مسجد الفتح و سنت است رفتن بمساجد

یکه که در مدینه است و اول مسجد قباست که حق سبحانه و تعالی فرموده است که این مسجدیست که

۳ مشربه

بنای این بر تقوی گذاشته اند [illegible] اول بیع [illegible] اکرده اند

منقبان [illegible] به سبب آنکه آن [illegible] نماز کنند [illegible] حق سبحانه و تعالی

فرموده است که [illegible] والله یحب المطهرین

باشد [illegible] حضرت تصریح بامامت حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمودند که

چنانکه عامه و خاصه روایت کرده اند از حضرت امام المتقین صلوات الله علیه که در آخر حاضر

شده ام بر حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله و سلم و آن در مسجد قبا

۳ حضر قبا

بودند و با جمعی از صحابه چون حضرت مرا دیدند شکفته گردیدند و تبسم

فرمودند که یا علی نزد من آی یا علی نزد من آی و مکرر فرمودند و [illegible] نزدیک

بیرحم تا آنکه متصل شد ران من بر ران حضرت صلوات الله علیهما پس حضرت

رو بصحابه کردند و فرمودند که ای گروه اصحاب من رحمت الهی بسوی شما آمد

ابو بکر سعدی که درین بنای [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شد [illegible] شد مانند [illegible]

به برکت آمدن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما بسوی شما ای گروه اصحاب

مرا بدرستی که علی از منست و من از علی ام و روح او از روح منست و طینت

او از طینت منست و او برادر من و وصی منست و خلیفه بعد از حیات منست هر که

اطاعت او کند اطاعت من کرده است و هر که با او موافقت کرده با من

موافقت کرده است و هر که مخالفت کند او را مخالفت من کرده است و دیگر

مشربه که غرفه و بالاخانه ماریه مادر ابراهیم فرزند حضرت سید المرسلین

۳ [illegible] الله علیه و آله

صلی الله علیه و آله و سلم است که در آنجا نیز حضرت سید المرسلین صلی

امامت آنحضرت را بیان فرموده اند چنانکه روایت کرده بسند صحیح از ابن ابی عمیر

از محمد بن قطی که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند

که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند در شان

امیر المؤمنین صلوات الله علیه آمدند و اصحاب جا نمودند که بنشیند

در وقتی که آنحضرت را عارضه دست داده بود و حضرت در آن

غرفه بودند و اصحاب بعیادت آنحضرت می آمدند و جمعی در آنجا بودند که

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله آمدند و صحابه جائی با آنحضرت

نمودند که بنشینند پس چون حضرت دیدند که با آنحضرت جا نمودند

و فرمودند که ای مردمان من در میان شما ام و شما با اهل بیت من چنین سر

میکنید و بدرستی که حق سبحانه و تعالی و شما را دستکم که اگر من از شما جدا

نشوم و شما و من از شما غایب نخواهد بود و [illegible] احوال شما را

[illegible] یدهند شما را از خوب و بد بدرستی که روح و راحت و خوشی روی

و بشارت و رستگاری مخصوص کسی است که متابعت کند علی را و او را دوست

دارد و گردن نهد فرمان او را و فرمان اوصیای مرا که فرزندان او خواهند بود

بر من لازم است که ایشان را در شفاعت خود داخل کنم زیرا که ایشان متابعت

من چنانکه باید کرده اند و میکنند و چنانکه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام
گفت که هر که متابعت من کند از منست و من نیز میگویم که هر که متابعت میکند مرا
از منست و این سنتی است که جاری شده است بر حضرت ابراهیم را در همه را
که من از حضرت ابراهیم و آنحضرت از منست و فضیلت من فضیلت اوست
و فضیلت او فضیلت من است و من افضلم از او و چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده
است که ذریة بعضها من بعض خبر داده اند که از ایشان از بعضی اند و خداوند
عالمیان شنواست اقوال ایشانرا و داناست افعال ایشانرا و حضرت صادق
فرمودند که چنانکه سنیان غافلند از حدیث غدیر خم که نص است بر امامت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه از این حدیث نیز غافلند هر دو را
نقل میکنند و غور نمیکنند که هر دو نص اند در امامت آنحضرت بلا فصل و دیگرانرا
بر آنحضرت مقدم داشته اند و عنقریب حق سبحانه و تعالی از ایشان سوال
خواهد کرد و دیگر معجز فضیح است که حق سبحانه و تعالی از ایشان بی
کرامت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه ظاهر ساخت چنانکه آفتاب
را برگشته داشت از جهت آنحضرت تا نماز عصر را بجا آورند چنانکه گذشت
از جهت آنحضرت تا نماز عصر را بجا آورد چنانکه گذشت و در روایات اسما بنت عمیس از روات
عامه و خاصه و از اهل بیت صلوات الله علیهم بتواتر رسیده است که حق سبحانه و تعالی آفتاب
از جهت آنحضرت دو مرتبه برگردانید در اخبار بسیار قطع نظر از نسخه علامه روایت کردند
بطرق خود از اسما [illegible] و غیر آن [illegible] شهادت [illegible] امت [illegible]
و دیگر سنت است زیارت قبور شهدای احد خصوصا زیارت حمزه سید الشهدا [illegible]
المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم در روایت صحیح منقولست که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بعد از وفات سید المرسلین
صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز زنده بود و در آنحضرت را کسی خندان ندید [illegible] دو مرتبه

در هر دو شنبه و پنجشنبه بزیارت قبور شهدا میرفتند و میفرمودند که اینجا بود رسول خدا
[illegible] بود [illegible] دیگران بود که [illegible]
با آنحضرت [illegible] و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible] حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] و حضرت امیر المومنین [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] هفتاد و [illegible]
[illegible] لا فتی الا علی و لا سیف الا ذو الفقار [illegible]
[illegible] علی از منست و من از او [illegible] جبرئیل گفت که و من [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] از ایشان [illegible]
[illegible] از ایشان باشد و این [illegible] از ایشان [illegible]
آنکه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم فرمودند
که سلمان از اهل بیت است و [illegible] فرمودند که از ما اهل بیت است و در روایت
صحیحه وارد شده است که [illegible] در دکان حضرت امیر المومنین علیه الصلوة و السلام
[illegible] در دکان آنحضرت [illegible] بسبب این علت [illegible]
[illegible] در روایت صحیحه وارد شده است که [illegible] بود [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] واقعه بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
[illegible] احزاب [illegible] قریش با جمیع اعراب بادیه [illegible] جمعیت نموده متوجه
مدینه مشرفه شده اند و قبل از [illegible] ایشان خندق [illegible] معجزات [illegible]
ظاهر شد تا آنکه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] مهاجر و انصار [illegible] عمرو بن عبدود
[illegible] حضرت امیر المومنین صلوات الله
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] و کفی الله المومنین [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] مسلمانان را [illegible] فرمود با آنحضرت
[illegible] در دل ایشان افتاد و [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله و سلم و از یک ضربت علی [illegible] بهتر است از عبادت جن و انس [illegible] تفصیل
این مطالب در رساله از باب نبوت و مضمون مقاله [illegible] حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام وارد شده است که فرمودند ترک مکن زیارت مشاهد را در مدینه مشرفه
و آن مسجد قبا است و مشربهٔ ام ابراهیم است و مسجد فضیخ است و قبور شهدا است
که از آن جمله بقیع شهدا است حضرت امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
و فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیهم و خانه خود شان و شهدای احد و مسجد احزاب
که آن مسجد فتح است و حضرت فرمودند که بجا آر [illegible] که چون حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت قبور شهدا بیرون میرفتند و میگفتند که السلام علیکم بما
صبرتم فنعم عقبی الدار یعنی سلام و رحمت الهی بر شما باد بسبب آنکه صبر کردید در جهاد
تا شهید شدید پس نیکو عاقبتی [illegible] که آن بهشت است و در مسجد فتح از دعاهای
از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از دعاها خوانده اند در [illegible] روز فتح
کن [illegible] فرمود یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطرین اکشف همی و غمی و کربی
کما کشفت عن نبیک همه و غمه و کربه و کفیته هول عدوه فی هذا المکان و در
حدیث کالصحیح از آنحضرت علیه الصلوة والسلام منقول است که فرمودند [illegible] به مسجد
قبا و در آنجا بسیار نماز کن [illegible] نیست که آنحضرت در آنجا نماز کردند [illegible]
ام ابراهیم برو و در آنجا نماز کن که آنجا مسکن حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
و مصلای آنحضرت بود و دیگر بمسجد فضیخ برو و نماز کن که حضرت در آنجا نماز کرده است
و چون از این جانب فارغ شوی بجانب احد برو و در مسجدی که نزدیک سنگستان است نماز کن پس برو
بزیارت قبر حمزه برو و سلام کن [illegible] بزیارت قبور شهدا برو و نزد ایشان بایست
و بگو السلام علیکم یا اهل الدیار انتم لنا فرط و انا بکم لاحقون [illegible]
[illegible] است از دست [illegible] که [illegible]
چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از آنجا [illegible]
که [illegible] وقت [illegible] نماز [illegible]

فرمودند

دفن شده

شهدا

الاجماع

و [illegible] هر مسجدی که نماز [illegible] از جمله شهدا و بعد از شهدا
[illegible] اگر از برای [illegible] باشد [illegible] ممکن باشد که [illegible]
[illegible] و مسجد احزاب [illegible] و دعا [illegible] در آنجا [illegible] آنحضرت این دعا
احزاب خوانده اند که یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطرین و یا مغیث المهمومین
[illegible] فقد تری حالی و حال اصحابی [illegible] اول خواندن
با حال اصحاب [illegible] باشد که اصحاب [illegible] باشد
[illegible] النبی صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] داشت که از برای مسجد فضیخ میگویند
که در جاهلیت [illegible] در آنجا [illegible] شراب [illegible] و یستحب
الصلوة فی مسجد الغدیر فی میسرة المسجد فان ذلک موضع قدم رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم حیث قال من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه
و اما الجانب الآخر فذاک موضع فسطاط المنافقین الذین لما رأوه رافعا یده قال
بعضهم لبعض انظروا الی عینیه تدوران کانهما عینا مجنون فنزل جبرئیل علیه
السلام بهذه الآیة و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر
و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین اخبر الصادق صلوات الله علیه
حسان الجمال لما حمله من المدینة الی مکة فقال له یا حسان لولا انک جمالی ما حدثتک
بهذا الحدیث و سنت است نماز کردن در مسجد غدیر خم چنانکه در حدیث کالصحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام وارد شده است [illegible] و فرمودند که [illegible] حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام را بامامت نصب فرمودند
[illegible] که حق سبحانه و تعالی حق را ظاهر ساخت و در حدیث صحیح از عبد الرحمن بن
[illegible] که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی الکاظم صلوات الله علیه از نماز کردن
مسجد غدیر خم در روز [illegible] مسافر [illegible] حضرت فرمودند که نماز بکن [illegible]
[illegible] حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که حسان جمال

گفت که من آن حضرت را از مدینه بمکه معظمه از آنجا خود بردم و چون [illegible]

حضرت نظر فرمودند بدست چپ مسجد و فرمودند که در انجا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ایستاده بودند در آن وقتی که فرمودند آنچه که می‌فرمود [illegible] طاعت او بر امیر المؤمنین علی [illegible] دوست

مهد وقتی که اول فرمودند که آیا من نیستم اولی بنفوس شما از شما چنانکه حق سبحانه فرموده است

که النَّبِیُّ اَوْلیٰ بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ همه گفتند بلی یا رسول الله پس فرموده اند که [illegible] اولی

بنفس او پس علی اولی بنفس اوست و واجب الاطاعة اوست هر که او را دوست دارد پس علی را

دوست دارد و دشمنی کنی با هر که با علی دشمنی کند پس نظر بجانب دیگر کرده فرمودند که اینجا

خیمه [illegible] و سالم مولی ابی حذیفه و ابو عبیده بن جراح است که از جمله اصحاب صحیفه بودند و در

کعبه [illegible] کرده بودند که چون [illegible] سفر [illegible] علی ابن ابی طالب بامامت [illegible] بودند

و در عرفات و در مسجد خیف مکرر حدیث ثقلین را فرموده بودند این جماعت [illegible]

و جمعی دیگر علی الخلاف در کعبه باهم بیعت کردند [illegible] که چون حضرت از دنیا بروند نگذاریم که

علی امام شود و حدیثی وضع نمودند در کعبه که چون علی دعوی کند یکی از این جماعت [illegible] گوید

که من از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود که ما اهل بیتیم که حق سبحانه و تعالی

آخرت را از جهت ما اختیار کرده است نه دنیا را و جمع نمیشود در ما نبوت و خلافت و باقی را اشهاد

بطلبد ما شهادت خواهیم داد و بر هم خواهیم زد و همه قسم خوردند که این سر را افشا نکنند

و [illegible] آمد و آیات [illegible] این حکایات طولی دارد [illegible] کلینی [illegible] بسند صحیح با سناد [illegible]

صدوق [illegible] گفته است که آن موضع خیمه آنها بود که چون حضرت را دیدند که دست بلند کرده است

و علی را بر داشته است و [illegible] بعضی گفته اند که نظر کنید بچشمهای او که گویا

[illegible] چشمهای دیوانه است [illegible] چشمی بود که [illegible]

از اصحاب [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] کشف [illegible]

[illegible] فرستاد که [illegible] که نزدیک بود که [illegible]

از [illegible] عصمت ما [illegible] بود و میگویند که دیوانه شده است [illegible]

[illegible] خواهد شد در صحبت نسبت حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها

و در روغ دیگر [illegible] که آن [illegible] خود [illegible] علی [illegible]

[illegible] که [illegible] بنای [illegible] که [illegible] الذین

[illegible] حق سبحانه و تعالی فرمود که [illegible] و محمد [illegible] شما [illegible] و علی امام شما

و ائمه [illegible] امامان شما [illegible] همه گفتند بلی [illegible]

[illegible] امام [illegible] حضرت صادق [illegible]

[illegible] حضرت را از مدینه [illegible] بمکه معظمه [illegible] حضرت فرمودند که [illegible]

[illegible] بود [illegible] حدیث [illegible] که [illegible] تمام

[illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] کلینی نقل کرده است [illegible]

حدیث [illegible] و الله [illegible] و اَمّا مَسْجِدُ الْخَیْفِ [illegible] عَنْ جَابِرٍ عَنْ اَبِی جَعْفَرٍ

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ صَلّیٰ فِی مَسْجِدِ الْخَیْفِ [illegible] نَبِیٍّ و امام [illegible] خیف که در منی است

[illegible] که [illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که [illegible] است در

مسجد خیف [illegible] مساجد شریف [illegible]

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم

[illegible] مسجد [illegible] شریف که [illegible] باهم [illegible]

[illegible] عَنْ اَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِی عَنْ اَبِی جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلّیٰ فِی مَسْجِدِ الْخَیْفِ

[illegible] عَدَلَتْ عِبَادَةَ سَبْعِینَ عَامًا وَ مَنْ سَبَّحَ اللهَ فِیهِ مِائَةَ تَسْبِیحَةٍ

[illegible] اللهِ [illegible] رَقَبَةٍ وَ مَنْ هَلَّلَ اللهَ فِیهِ مِائَةَ تَهْلِیلَةٍ عَدَلَتْ اَجْرَ [illegible]

[illegible] فِی سَبِیلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که [illegible]

[illegible] که از مسجد بیرون [illegible] است [illegible]

مسجد موثقه ... الله ... مسجد بگوید ... [illegible]

... که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید برابر ... [illegible] ... آزاد کرده باشد

که او را از کشتن خلاص کند و یا از کفر بایمان آورد و هر که صد مرتبه الحمد لله

در آن مسجد بگوید برابر است با آنکه ... [illegible] ... کوفه و بصره که بسیار عظیم بود

که از برای جهاد صرف نماید و یا در راه خدا تعالی تصدق نماید و روایت کرده ... صحیح ... صلوات

الله علیه کان مسجد رسول الله صلی الله علیه وآله علی عهده عند المنارة التی

فی وسط المسجد وفوقها الی القبلة نحو من ثلثین ذراعا وعن یمینها وعن

یسارها وخلفها نحو من ذلک فتحر ذلک وان استطعت ان یکون

مصلاک فیه فافعل فانه صلی فیه الف نبی وانما سمی الخیف لانه مرتفع

عن الوادی وما ارتفع عنه یسمی خیفا و بسند صحیح از حضرت صلوات الله علیه منقول است

که حضرت ... فرمودند که نماز کردن در منی در مسجد خیف ... در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه وآله وسلم در منی از مناره که در میان مسجد است از طرف قبله ... ذراع بود و از دست راست

و دست چپ و پشت سر نیز قریب به سی ذراع ... از مسجد بود ... [illegible]

ذراع زیاده خواهد بود ... که سی ذراع ... باشد ... [illegible] ... مسجد مدینه

... شد که ... زیاده کرده اند ... مسجد ... حضرت نیست ... باشد

... که ... مسجد نباشد و اگر ... که ... باشد که آن ثواب عظیم ... جمله

... مخصوص مسجد زمان آنحضرت باشد ... حادث شده است مسجد باشد

و آن ثواب نداشته باشد ... مشکل ... شود ... [illegible] ... المسجد

... بسیار ... مسجد ... [illegible]

... شده ... [illegible]

... [illegible]

... مسجد ... [illegible]

نحو ۱۲

مسجد آنحضرت

ظاهر

و وجه دیگر ... مسجد ... نجاست ... که در مسجد الحرام ... [illegible]

... خصوصا ... که ... ایشان ... و فضل ... [illegible]

... مسجدی ... واقع شود که در زمان آنحضرت ... بوده باشد ... [illegible]

... ساختن ... [illegible]

... [illegible]

... مسجد الخیف میگویند زیرا که عرب هر کناره وادی که بلند باشد خیف میگویند

... زیرا که عرب ... وادی ... واقع است و اگر ... [illegible]

... [illegible] ... واقع شده است که ... مسجد

... نماز کرده اند ... [illegible] ... نماز کرده اند ... [illegible]

... [illegible] ... پیغمبر نماز کرده اند ... مقصود ... [illegible]

... که لفظ ... مقصود ... [illegible] ... باشد ... مخصوص عدد ... باشد والله

... [illegible] ... و قال الصادق صلوات الله علیه ... مسجد

الکوفة ... حین خطیئة آدم علیه السلام ... [illegible]

عن خطیئته ... ذلک ... الطوفان فی زمان نوح علیه السلام ثم غیره اصحاب کسری

والنعمان ثم غیره زیاد ... سفیان ... منقول است ... حضرت صلوات الله علیه

که مسجد کوفه ... [illegible] ... که حضرت آدم ... [illegible]

... اولاد آنحضرت ... [illegible]

... [illegible] ... مسجد ... [illegible]

... خطای آدم حضرت ... طوفان نوح خراب کرده ... حضرت

... [illegible] ... پادشاه عجم

... پادشاه ... [illegible]

... [illegible]

۲ نفر

۷۹

انجا بس

جمع شدند از اولاد زنا بودند ده ساله شده بود و از خواهش ... حکم کرده بود از زمان قوم حق
نمود انچه از جمیع آنها بخود نسبت دادند و نجاستهای در وسیع ... کرده که جمیع معتوله
شدند ایشان که بوده اند و اولاد مسیکردند تزویج نمودند و شنیع کردند که بوده است که یکی از ایشان
اکبر و معاقبت این ملعون کرد که بجای ... است او اجرت زیاده متولد شد از روز ان ملعون
بسیار کریه منظر بود که دعوی او نکرد و او را زیاد بن ابیه میگفتند تا آنکه معاویه او را
بخود ملحق ساخت و در زمان آمار رسول بسیاری از اصحاب حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله وسلم این معنی را بر او انکار کردند و گفتند که آن حضرت فرموده اند الولد للفراش و
للعاهر الحجر و از آن جمله بود و غایت نکوهیده بلهوسی زیاد با زنی میکرد و او را از خود نفی
میکرد و سن آنکه حضرت فرموده اند زیاد ابو سفیان محمول بر تقیه است که در اوایل امامت فرموده اند
چون آن حضرت در یافتند زمان بنی امیه و بنی عباس را هر دو و قال صلوات الله علیه کانی
انظر الی دیرانی فی مسجد الکوفة فی دیر له ما بین الزاویة و المنبر فیه سبع نخلات و هو مشرف
من دیره علی نوح تکلمه و حضرت صادق صلوات الله علیه فرموده اند که چنان معلوم میشود که گویا
الحال میبینم آن متعبدی را در دیری بود در مسجد کوفه در کنج مسجد و منبر که قریب به دری است
که بجانب حضرت امیر المومنین است صلوات الله علیه میرود از جانب ... و در آن دیر هفت
درخت خرما بود و از دیر سر بیرون کرده بود با حضرت نوح سخن میگفت و غرض از ذکر این حدیث
آنست که مسجد کوفه در زمان حضرت نوح نیز مسجد بود که دیرانی راهبی در انجا مشغول عبادت
بود و قال ابو بصیر سمعت ابا عبد الله صلوات الله علیه یقول نعم المسجد مسجد الکوفة
صلی فیه الف نبی و الف وصی و منه فار التنور و فیه نجرت السفینة میمنته رضوان الله
و وسطه روضة من ریاض الجنة و میسرته مکر یعنی منازل الشیاطین
و در کافی بسند صحیح نقل کرده است و بجای الشیاطین السلطان ... ده است و در ...
... روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که میفرمود
که منکر مشوید بیت مسجد کوفه در ایام آن کرده اند هزار پیغمبر و هزار وصی ...

نمود به آنکه ... فرمودند که وقت رسید که هلاک کنیم قوم نوح را بیرون بریم
از حضرت نوح ... بنا کرد ... شروع از ... مسجد تراشید و حضرت
نوح کشتی را درست راست ... میمنه رضوان الهی است که حالا حضرت امیر المومنین و اولاد آن حضرت
است صلوات الله علیهم با نجف اشرف ... بنی معلا یا حدود سلطان که اصل مسجد
... است از روضه‌های بهشت و سمت جپ آن مکر است یعنی جایهای شیاطین است که سلطان
... از تفرقه کافی در ... نساخ است و در کافی مذکور است که بعد از مکر او
از ... که مراد حضرت از مکر جیست ابو بصیر گفت که معنیش این است که منازل سلطان
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بر در مسجد می ایستادند و ... می انداختند
در بازار خرما فروشان می افتاد منبر نمودند که تا انجا داخل مسجد است و منفصل بودند که مسجد
در زمان صحیح بوده که کم کرده اند مقدار ذکر یست که مثل زیاد در طول مسجد است الحال و لیکن
معلوم نیست که از کدام طرف ... است کم کرده اند بادستجب چون ظاهر نیست که بازار سراجان ... از کدام
طرف بوده است و قال امیر المومنین صلوات الله علیه لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد
المسجد الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و مسجد الکوفة و بسند قوی
از آن حضرت صلوات الله علیه منقولست که بار بستن از جهت مسافرت بر وفق سوی مساجد
مکن مگر سه مسجد را و آن مسجد الحرام است و مسجد رسول الله است صلی الله علیه و آله وسلم و مسجد
کوفه است یعنی اگر مطلوب محض نماز در مساجد باشد این سه مسجد از راههای دور میتوان
آمد و جمعی آنکه در مسجد الحرام ادراک حج یا عمره یا نماز هست و در مسجد آن حضرت صلوات الله
علیه و آله ... زیارت آن حضرت هست یا زیارت حضرت فاطمه زهرا و حضرت امام حسن و حضرت امام
زین العابدین و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام و الصلوة با سایر
... مساجد معظمه که ... بهتر است و در مسجد کوفه زیارت حضرت ... صلوات
الله علیه با مساجد دیگر و ... که در هر یک اسباب دیگر منضم باشد که از جهت ...
... الله ... است که هر یه مطالب مراد باشد ... از خانه بیرون رود و به جانب

عبادات عالات ... که قصد زیارت همه ایشان مطلوب باشد ... و بیان ...
مساجد نا برجمه مناسب بلکه در هر قدمی بلکه زیارت ... کند بود داشتند ...
و قصد اکرام و احسان بایشان بنیز مقصود ... است ... چنانچه حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و اله داشتند ... خدمت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آمدند آنحضرت در مسجد کوفه
تشریف داشتند من گفتم یا امیر المؤمنین اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤمِنینَ وَ رَحْمَةُ الله
آن حضرت جواب سلام او فرمودند من گفتم خدای تو کردم اراده زیارت بیت المقدس ... دارم
که شما را سلام کنم و وداع کنم حضرت فرمودند که چه مطلب ... از ... و فتنی بایشان ... گفت ...
تو کردم غرضم تحصیل ثواب است حضرت فرمودند که اگر ثواب میخواهی راحله ات بفروش و توشه ات
بخور و در مسجد نماز کن اگر نماز واجب در مسجد ثواب حج مقبول دارد و نماز سنت ثواب
عمره مقبول دارد و دانسته فرح ... برکت دارد ... دست راست ... و برکت دارد ... دوازده
جب ... است ... در وسط مسجد ... چشمه ... از چشمه ...
که شراب ... چشمه از آب ... که ... نوح ... شده در
زمان جاهلیت ... این مسجد ... بت ... و یغوث و یعوق ... بوده اند
از جمله ... این مسجد و بعد از اسلام ... زیاده شده در مسجد ... هفتاد پیغمبر
و هفتاد وصی پیغمبر که ... مبارک ... مبارک ... کردند ... هر
مکروبی که بکربی مبتلا شود و در این مسجد حاجت خود را از حق سبحانه و تعالی طلب
کند حق سبحانه و تعالی آن حاجت او را بر آورد و غم او را زایل گرداند و چشمهای
کرمذ کور ... ممکنست که در زمان حضرت صاحب الزمان ... صلوات الله علیه
و سلامه علیه ظاهر شود و محکمت که مراد چشمهای معنوی ...
الهی باشد چنانکه ... و شیر و آب غذای ... چشمهای
باشد و ... مسجد کوفه بنحوی است که هر کس ... الجمله
داخل آنجا شدم جمعی همراه بودند که معنی فیض آن منکر بودند از جمله

باشد و چون ... حیران شدند و گفتند ای فلانی فیض ...
بنحوی ظاهر است که انکار آن از ... انکار ... جمعی از فضلا رسید
که ما داخل ... شدیم در ... این ... را نیافتیم ...
... باشد که ساکنان آنجا ... الا از فیض بخلاف آنجا و قال النَّبِیُّ
صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ کَما اُسْرِیَ بی مَرَرْتُ بِمَوْضِعِ مَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَ اَنَا عَلَی الْبُراقِ
وَ مَعی جَبْرَئیلُ عَلَیْهِ السَّلامُ فَقالَ یا مُحَمَّدُ اِنْزِلْ فَصَلِّ فی هذَا الْمَکانِ قالَ فَنَزَلْتُ فَصَلَّیْتُ
فَقُلْتُ یا جَبْرَئیلُ اَیُّ شَیْءٍ هذَا الْمَوْضِعُ قالَ یا مُحَمَّدُ هذِهِ کُوفانُ وَ هذا مَسْجِدُها اَما اِنّی
فَقَدْ رَاَیْتُها عِشْرینَ مَرَّةً خَراباً وَ عِشْرینَ مَرَّةً عُمْراناً بَیْنَ کُلِّ مَرَّتَیْنِ خَمْسُمِائَةِ سَنَةٍ
و منقولست از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که چون در شب معراج مرا
باسمان میبردند گذشتم بجانب مسجد کوفه و من بر براق سوار بودم و جبرئیل علیه السلام
با من بود ... گفت یا محمد بزیر آی و نماز کن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که بزیر
آمدم و نماز کردم ... گفتم با جبرئیل علیه السلام این چه موضع است جبرئیل علیه السلام گفت
یا محمد این کوفه است و این مسجد است ... این مسجد را بیست مرتبه خراب دیدم و بیست
مرتبه معمور دیدم ... هر دو مرتبه پانصد سال بود که مجموع بیست هزار سال باشد
و ... که عمر دنیا ... حضرت آدم ... فرستاد تا زمان
حضرت ... شش هزار سال گذشته بود و منقولست که ... ملایکه ... هفت هزار سال
در دنیا بودند ... ده هزار سال در زمان ایشان ... بود ... حضرت
و معموریکه ... باشد ... دنیا ... در زمان ملایک ...
عبادت معقول ... عبادت کرده باشند و کلینی ... الصحیح و
... الصحیح ... کرد ... حضرت امام ... صادق
... الله علیه فرمودند که ای هارون ... کوفه ...
... باشد ... گفتم آنحضرت فرمودند که نماز ... در مسجد ...

کرم محمد صلوات الله علیه فرمودند که اگر می در اینجا می بودم ... [illegible] ... الله در این

مسجد نکنم الا مسجد الحرام که ... فضیلت دارد ... صالحی و به سبب ... [illegible] ... در

مسجد کوفه نماز کرده است حتی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم در آن شبی که

حق سبحانه و تعالی آنحضرت را باسمان برد جبرئیل علیه السلام با حضرت صلوات الله علیه ...

گفت که یا رسول الله محاذی الحال در مقابل مسجد کوفه که حضرت فرمودند که ...

جناب اقدس الهی رخصت می گیرم ... نماز در آنجا ... جبرئیل علیه السلام

گرفت حق سبحانه و تعالی رخصت داد و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم ... دو رکعت نماز گذارد

و منقول است که دست راست آن روضه ایست از روضه های بهشت و در وسط آن روضه ایست از

باغهای بهشت و عقب آن روضه ایست از روضه های بهشت و نماز واجب در آن برابر است با

پانصد نماز و نماز سنتی در آن ... الا که تلاوت قرآن باید کرد و کنند عبادت و اگر مردمان بدانند

که چه ثواب و چه فضل دارد هر اینه از اطراف عالم باینجا آیند اگرچه بدست و زانو بطفلان بروزان

بسینه باشد ... از اصبغ بن نباته انه قال بینا نحن ذات یوم حول امیر

المؤمنین صلوات الله علیه فی مسجد الکوفة اذ قال یا اهل الکوفة لقد حباکم الله عز وجل

بما لم یحب به احدا من فضل مصلاکم بیت آدم و بیت نوح و بیت ادریس و مصلی ابراهیم

الخلیل و مصلی اخی الخضر علیهم السلام و مصلای وان مسجدکم هذا احد الاربعة المساجد

التی اختارها الله عز وجل لاهلها وکانی قد اتی به یوم القیمة فی ثوبین ابیضین یتشبه

بالمحرم ویشفع لاهله ولمن صلی فیه ولا ترد شفاعته ولا تذهب الایام واللیالی حتی ینصب

الحجر الاسود فیه ولیاتین علیه زمان یکون مصلی المهدی من ولدی ومصلی کل مؤمن

ولا یبقی علی الارض مؤمن الا کان به او حن قلبه الیه فلا تهجروه وتقربوا الی الله عز وجل

بالصلوة فیه وارغبوا الیه فی قضاء حوائجکم فلو یعلم الناس ما فیه من البرکة لاتوه من

اقطار الارض ولو حبوا علی الثلج و بسند موثق منقول است از اصبغ بن نباته که گفت

از روزها در خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بودیم در مسجد کوفه که ...

۳ باهر نماز ... [illegible] ... درجه برابر است

ای اهل کوفه تحقیق که حق سبحانه و تعالی بشما عطا کرده است که بهیچکس از ایشان عطا نفرموده است

و آن مسجد شماست ... مسجد کوفه که خانه حضرت آدم و خانه حضرت نوح و خانه حضرت ادریس

بوده است و مسجد حضرت ابراهیم خلیل و نمازگاه برادرم حضرت خضر علیهم الصلوة والسلام و نماز

گاه منست و بدرستی که این مسجد شما یکی از آن چهار مسجدی است که حق سبحانه اختیار کرده است

و برگزیده است از جهة اهل آن و گویا در برابر چشم من است که او را در روز قیامت محشر میسازند در صحرای

محشر ... دو جامه سفید پوشیده مانند کسی که جامه احرام پوشیده و شفاعت میکند

اهل خود را و کسانی که در اینجا نماز کرده اند و شفاعت او قبول خواهند کرد و ... خواهند

کرد شبها و روزها تا آنکه نصب خواهند کرد در آن حجر الاسود را البته زمانی خواهد شد

که نمازگاه مهدی صلوات الله علیه و سلامه باشد از فرزندان من و نمازگاه هر مومنی باشد و نماند

بر روی زمین کسی که مومن باشد مگر آنکه در اینجا باشد یا دلش مشتاق اینجا باشد پس ترک این مسجد مکنید

و تقرب بجوئید بسوی حق سبحانه و تعالی بنماز کردن در آن و طلب حاجات خود را از حق سبحانه و تعالی بکنید

در این مسجد که اگر بدانند مردمان ... برکت این مسجد را هر اینه از اطراف عالم باینجا آیند

اگرچه بسینه باشد ... کشیده آیند و اگرچه در برف باشد ... عقیده ... آن

حجر الاسود ... بعضی ... باشد از ... که ... کتب دیده

که در زمان ... حجر الاسود را ... سال در مسجد کوفه بود ... اشیان

بر جای خود ... که در زمان صاحب الامر صلوات الله علیه واقع شود و ... حمله

حضرت ... صلوات الله و سلامه علیه باشد ... الحدیث از

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله باشد ... کرده باشند و در حدیث

الصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که مسجد کوفه باغیست از

باغهای بهشت و در آن نماز کرده اند هزار پیغمبر و هفتاد پیغمبر و دست راست آن رحمت است و دست چپ

آن مکر است و در آنجا بود عصای حضرت موسی علیه السلام و ... یقطین که ... سبز شد

که از جهة حضرت یونس علیه السلام ... رویانید و ... است که در مسجد کوفه ... باشد

... علیه السلام ... خاتم حضرت سلیمان علیه ...

ایشان با حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیه ... که حضرت در آنجا ...

باشد که بهره‌ور شود کسی که خواهد که روزی او دارد در مسجد کوفه ... باشد ... [illegible]

[illegible] از اصحاب ... و از اهل جو ... در زمان حضرت ... [illegible] حضرت نوح

[illegible] بالا ... است و محل اجماع ... است ... حضرت ابو العباس در ایام ...

با ... زمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه ... حضرت علی ... اجماع می‌نمایند ...

سلام الله علیهم ... مستفیض وارد شده است که ... بیت المقدس ...

... ممکنست که مکان مسجد ... بهشت ... گفته‌اند که ...

... داخل بهشت است ... روضه ... ممکنست که ... [illegible]

اختلافی که در اخبار وارد است که همه پیغمبران در اینجا نماز کرده‌اند ... هفتاد ...

ممکنست که همه تمام کرده باشند ... هفتاد ... اعظم ...

... باشد ... و گفته ... باشد ...

و ... است از ابو اسماعیل سراج که گفت ... و گفت ...

داد ... دو سنگ را گرفت و گفت ... [illegible]

و گفت ... حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و گفت که حضرت امام حسن صلوات

الله علیه ... ستون ... در زمان حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

... است و باب الکندة ... [illegible]

حضرت ... قبلی و مقام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه ...

بود و هفت ستون ... [illegible]

کنند ... آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه ... موافق است با حدیث ...

... و الله ... حدیث ... و منقول است ... [illegible]

... که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه ... در مسجد کوفه از مدینه ...

آمده اند ... [illegible]

... که نماز در مسجد ... و لیکن ... بوده است

و آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه ... [illegible]

... حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه ... [illegible]

... بنی عباس ... حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه ... فرمودند ...

حوصله

ثمالی گفت که ...

... من النار ... و اما مسجد السهلة فقد قال الصادق صلوات الله و سلامه

لو استجار عمی زید به لاجاره الله سنة ذلک موضع بیت ادریس الذی کان

یخیط فیه و هو الموضع الذی خرج منه ابراهیم علیه السلام الی العمالقة و هو الموضع

الذی خرج منه داود الی جالوت و تحته صخرة خضراء فیها صورة وجه کل

نبی ... و من تحته اخذت طینة کل نبی و هو مناخ الراکب فقیل له و ما

الراکب قال الخضر علیه السلام و اما مسجد سهله که در کوفه ... مسجد اعظم ...

... حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمود ... [illegible]

... [illegible] ... استغفار ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... که حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

ممکنست که ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... مسجد ... است که ... صلوات الله و سلامه که ...

حضرت فرمودند که ... [illegible]

... [illegible] حضرت امام ...

... علیه منقولست که ... در کوفه مسجد ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

موضع الراکب

ظ

کرد و تنگ کرد ... کرد و گفت ...

اول آنان مسجد [illegible] بوده بعد از آن غسل داده دیگری بخانه ادریس [illegible]

است [illegible] مسجد [illegible] شام [illegible]

حق سبحانه و تعالی [illegible] آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که چون قائم آل

محمد ظهور کند [illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات

الله علیه منقولست که [illegible] بعد از حرم خدا و حرم رسول [illegible] صلی الله علیه و آله

وسلم [illegible] افضل [illegible] آنحضرت فرمودند [illegible] افضل است [illegible]

[illegible] و هود و نوح صلوات الله علیهم و غیر ایشان [illegible]

[illegible] مسجد سهیل [illegible]

[illegible] قائم آل محمد [illegible] ظهور آنحضرت صلوات

الله علیهم [illegible] آنحضرت [illegible] قائم آل محمد [illegible] خلفای آنحضرت [illegible] آنجا

خواهند بود [illegible] حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم [illegible] ظهور آنحضرت [illegible]

خواهند شد چنانکه روایت است که [illegible] حضرت امام حسین صلوات الله علیه خواهد [illegible]

و انجام [illegible] صلحا خواهند بود [illegible] افضل [illegible]

منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه فرمودند که [illegible]

[illegible] انگشتری [illegible] یاقوت و آن [illegible] است [illegible] لباس [illegible]

پوشیدن [illegible] که انگشتری یاقوت [illegible]

و دیگری عقیق است [illegible]

در آن [illegible] انگشتری عقیق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دفع [illegible] خواهد [illegible] پوشیدن آن [illegible] از جهة دفع [illegible]

محبوب [illegible] از جهة [illegible] شیاطین [illegible]

که [illegible] اصل [illegible] است [illegible] مفضل [illegible] گفت [illegible] مولای من [illegible] ثواب

و آنحضرت فرمودند که هر که انگشتری [illegible] باشد [illegible] نظر کند [illegible]

[illegible] ثواب آن [illegible] ثواب

[illegible] صلحا [illegible] باشد [illegible] حق سبحانه [illegible] فقرای شیعه رحم کرده است

که اغنیا [illegible] قیمت [illegible]

[illegible]

قیمت [illegible] اغنیا و فقرا همه منتفع شوند [illegible] فضایل [illegible]

و علما [illegible] باب [illegible] احادیث [illegible]

مقصود [illegible] فضائل [illegible] اخبار [illegible] ذکر [illegible]

بَعْدَ [illegible] لأمير المؤمنين صلوات الله عليه لما رجع من قتال أهل النهروان [illegible]

عن جابر بن عبد الله [illegible] أنه قال صلى بنا علي صلوات الله وسلامه عليه [illegible]

[illegible] مائة ألف [illegible] نصراني من صومعته فقال

من عسكر هذا الجيش [illegible] فأقبل عليه وسلم عليه فقال يا سيدي أنت نبي فقال

لا النبي صلى الله عليه وآله وسلم سيدي قد مات قال فأنت وصي نبي قال نعم ثم قال له اجلس

كيف سألت عن هذا قال إنما بنيت هذه الصومعة من أجل هذا الموضع وهو براثا وقرأت

في الكتب المنزلة أنه لا يصلي في هذا الموضع بذا الجمع إلا نبي أو وصي نبي وقد جئت أسلم فأسلم وخرج

معنا إلى الكوفة فقال له علي صلوات الله عليه فمن صلى هيهنا قال صلى عيسى بن مريم وأمه عليهما

السلام فقال له علي صلوات الله عليه أفأخبرك من صلى هيهنا قال نعم قال الخليل عليه السلام

[illegible] مشهور است [illegible] جامع براثا [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] شده بود [illegible] براثا [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

[illegible] از الدیر

[illegible] وصلی هیهنا

اهل

جمله در اخبار نقل کرده است دیگر که از همه بد تر خوارج نهروان بودند ... که بعضی نسبت کفر به جمعی
از صحابه و فضلا بلکه اکثر نموده حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله را از ایشان ... بوده
و جمعی دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه خبر ... بودند مثل حضرات حسنین و علی بن
الحسین و باقر صلوات الله و سلامه علیهم ... مثل ... حدیث شنیدند سلام حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم ... امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه ...
و احادیث بسیار روایت در امامت ائمه اثنا عشر ... از اخبار هست که ... حضرت
اسامی اثنا عشر را معلوم نموده بود و حضرت امام ... صلوات الله علیه ... معلوم بود
که عنقریب ... در خواهد یافت ... سلام ما را با او برسان ... صحبت آنحضرت
رسید و ... شناخت آنحضرت را جابر گفت شمایل ... شمایل رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم ... جابر گفت که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند که سلام مرا به ایشان برسان حضرت صلوات الله علیه فرمودند که ... باد سلام
... حضرت ... و اخبار ... آنحضرت شنیده بود
حضرت ... معلوم بود ... و هر جا ... حضرت ...
معلوم بود ... کرده است که ... حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
... که ... رجوع آنحضرت از ... خوارج که ... فرمودند و ...
... آنحضرت ... الله تعالی ... اعتقاد ...
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... احادیث ...
از جمله ... نقل کرده اند که ... نقل نکرده اند ... استبعاد کرده اند ...
داشته باشند که ... اثر ... کرده است ... هیچ ...
آنحضرت بوده ... عبادات ... استبعاد ... خوارج همه
... بودند و اعتقاد بامامت ... اعتقاد ... شدند ...
ذیل بودند و باعتقاد این جماعت حضرت امیر المؤمنین ... کردند که ... صلح

معویه ... باعتقاد این طایفه ... علی ... ان ...
... حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه معلوم بوده ... مخالفت
... باعتقاد داشته باشند ... و ...
این ... مخالفت ... ایمان ... که ...
که این اعتقاد داشته باشند و اعتقاد ... داشته باشند و ...
... احادیث متواتر ... حاصل آنکه ... آنحضرت صلوات الله
علیه ... که این ... هذا ... و لهذا
با ... فرمودند ... مسجد ... کرده ... دید ...
... و گفت ... آنحضرت ... حضرت
کرد و سلام کرد و گفت ای سید من ... حضرت فرمود که ... صلی الله علیه و آله
و سلم که ... بوده ... گفت ... حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که ... حضرت فرمودند که ... گفت که ... محمد ...
بنا کرده ... در کتب سماوی خوانده ام که ... موضع ... نماز ... مکرر
... شدند ... تا ... حضرت ...
که ... نماز ... مسلمان ... حضرت عیسی بن مریم و ... صلوات الله علیه ...
حضرت فرمودند ... دیگر نماز کرده است گفت ... حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که حضرت ابراهیم خلیل الرحمن ... است که ... بغداد ... مسجد ... نماز کنند

م مباین

... طلب کنند ... مذهب ... که اعتکاف ... باید کرد که ... نماز جماعت کرده
... اعتکاف ... کرد ... که ... نماز جمعه کرده باشد ... اعتکاف
کرده ... نماز ... جمعه بود که حضرت نماز کردند ... جمعه ... طاهر است که ... نماز
... نماز جمعه ... است و الله تعالی یعلم و ...
... صلوات الله علیه ... تَخَشَّعَ فِي الْمَسْجِدِ ... الا ... الله
... الله نقل کرده است ... عبد الله بن سنان ... ظاهر است که صدوق ... کتاب
عبد الله نقل کرده ... طریق ... است ... که ... آنحضرت صلوات علیه ...

که هی الشیء اهدیة فضلات سینه با دماغ که مجلس می ابریم [illegible] نیست از جهت تعظیم [illegible]
و فرو [illegible] بوده [illegible] مکر آنکه آن [illegible] شیخ [illegible] آیة [illegible] الهی و از [illegible] اسد الله
کرده اند جمعی که [illegible] تا بیرون [illegible] بنا بر آن حلی حرام نیست که اکر حرام می بود از جهت [illegible] مکر و هیچ [illegible]
که [illegible] بفضل [illegible] حقیقت [illegible] است که تا بیرون [illegible] بنا بر [illegible] بود
آن حرام [illegible] باشد و اکر قائل بحرمت شوم [illegible] استقصا [illegible] غیر از آن معنی [illegible] ظاهر [illegible]
ممکنست که چون با فضای حلق [illegible] باشد [illegible] کرده باشد و [illegible] دلالت بر حرمت
آیه کریمه یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث است و این آیه ممکنست که [illegible]
که دلالت کند بر آنکه هر چه طبایع انسان نفرت [illegible] باشد حلال است و هر چه نفرت داشته باشد
حرام است الا ما اخرجه الدلیل [illegible] که حلال است و شراب که حرام است [illegible]
کرده است و احتمال دیگر آنست که حق سبحانه و تعالی [illegible] فرموده باشد که هر چه طیب است
بر شما حلال کرده ام و هر چه خبیث است حرام کرده ام [illegible] حلال نکرده ام و طیب را حرام نکرده ام
بر شما و شما [illegible] طیب کدام است و خبیث کدام است بسیار چیزیست که اکثر طبایع از آن
نفرت ندارند و حق سبحانه و تعالی [illegible] از اسباب [illegible] حرام کردانیده است مثل خمر که [illegible]
اکثر عالمیان [illegible] نفرت ندارند ولیکن چون سبب زوال عقلست که آدمی بآن آدمیست [illegible]
است که [illegible] حق سبحانه و تعالی آنرا حرام کردانیده است و [illegible]
مکر آنکه چون جمعی عادت بآن نکرده اند طبع ایشان از آن نفرت دارد مثل [illegible]
جمعی که معتاد [illegible] از آن لذت می یابند [illegible] که معتاد [illegible] نفرت [illegible]
و هرکه معتاد نیست [illegible] نفرت دارد [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
حلیت و حرمت [illegible] چون آیه [illegible] اظهر است اکر دلیلی دیکر باشد بر حرمت [illegible]
متبع است و الا بر اصل اباحت [illegible] بود [illegible] اظهر باشد [illegible]
نیست [illegible] والله تعالی یعلم [illegible]
مسئله [illegible] صوم [illegible] رمضان [illegible] قضا و کفاره [illegible]
داخل [illegible] بعضی اصحاب کفته اند [illegible]
احتیاط آنست که جمع بین الاحتیاطین کنند [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] والله تعالی یعلم و در حدیث [illegible] از آنحضرت

ملخ

۲ بیرون [illegible] باشد

۲ [illegible] نبود

امیر المؤمنین صلوات الله علیه که فرموده اند که هر که تعظیم مسجد کند و [illegible] را
در مسجد نیندازد در فردای قیامت خندان باشد در وقتی که او را حساب کند حق سبحانه
و نسخه نامه عمل او بدست راست او دهد و آنحضرت فرموده اند که هر که آب دهان خود فرو برده و در
مسجد نیندازد از جهت تعظیم حرمت مسجد حق سبحانه و تعالی آنرا قوت کرداند در بدن او و حسنه
در نامه عمل او بنویسند و [illegible] دردی مکر آنکه [illegible] دوا باشد و در حدیث کالصحیح از
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که هر که آب دهن را فرو برد
و نه بیندازد در [illegible] از روی تعظیم [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] کرامت کند که بیمار نشود
مکر بیماری موت مقدر و در حدیث کالصحیح از زراره از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست که از آنحضرت سوال نمودند از شخصی که در مسجد در نماز باشد و خواهد که آب دهان بیندازد
حضرت فرمودند از جانب چپ بیندازد و اکر در غیر نماز باشد [illegible] بیندازد و از [illegible] راست
و دست چپ بیندازد و در حدیث موثق از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که فرموده اند که آب دهن در مسجد انداختن خطیئه و کفاره اش دفن [illegible]
آن کنند و در [illegible] حضرت امیر المؤمنین و سلام الله علیه مذکور است که آب دهن را جانب قبله
نیندازد [illegible] بیندازد استغفار کند از حق سبحانه و تعالی [illegible]
اسباب [illegible] است چون [illegible] قال رسول الله صلی
الله علیه و آله و سلم من کنس المسجد یوم الخمیس و لیلة الجمعة فاخرج منه من التراب ما یذر
في العين غفر الله تعالى له و [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم منقولست
که [illegible] مسجد [illegible] جمعه [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] باشد که [illegible] مسجد

را اهل آن مسجد باشند و چون در اخبار کثیره وارد شده است که سنگریزه و خاک مسجد را بیرون [illegible]
بعضی بیرون بردن را حمل بر حرمت کرده‌اند [illegible] با کلام مسجد [illegible] بیرون توان برد و اگر مظنون باشد
که خاک مسجد داخل آن شده است ظاهرا آنست که بیرون بردن آن [illegible] اگر چه احوط آنست که در مسجد باشند داخل
آن کو کنند و بعضی گفته‌اند که در مسجد دیگر گوی باشد در آنجا گنند [illegible] مسجد [illegible] الله اعلم [illegible]
قوی از حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که مسجدی بنا کند بقدر [illegible]
از جهت او [illegible] بیرون [illegible] که او را در بهشت [illegible] سبب [illegible]
بهشت [illegible] بنا کند از جهت او [illegible] [illegible] بهشت [illegible] قال
الصادق صلوات الله علیه من مشی الی المسجد لم یضع رجله علی رطب و لا یابس الا سبّح
له الی الارضین السابعة و بسند کالصحیح منقولست از آن حضرت صلوات الله علیه که فرمودند که هر که پیاده
به مسجد رود [illegible] تسبیح کنند تا زمینهای هفتم و ثواب
آن تسبیحات از جهت او نوشته شود اگر مراد از هفت زمین هفت اقلیم باشد مراد از [illegible] زمینهای
[illegible] اقلیم هفتم خواهد بود [illegible] تسبیح
کنند تا منتهای زمینها و اگر هفت زمین طبقات باشد مانند آسمانها چنانکه ظاهر اخبار است [illegible]
اجزای زمین هفتم خواهد بود [illegible] است تا مسجد [illegible] زمین [illegible]
تا طبقه هفتم تسبیح [illegible] و ظاهر [illegible] فضلاست چون این
خبر در جمیع کتب [illegible] ضبط نکرده‌ام
[illegible] باشد [illegible]

اخر [illegible] الجنان [illegible] في كتاب فضل المساجد [illegible]

[illegible] که [illegible] است از کتب معتبر
ذکر کرده‌ام در کتاب فضیلت مسجد [illegible] در باب [illegible]
[illegible] ذکر کرده‌ام و در آن کتاب با اسناد و در کتاب [illegible] ذکر کرده‌ام [illegible]

نصیب عظیم

مشی

سلسل

[illegible] صلوات الله علیه
بیمار [illegible] جمع کن [illegible] کتب [illegible] است و قال علی صلوات الله علیه
صلوة في بيت المقدس تعدل الف صلوة و صلوة في المسجد الاعظم تعدل مائة الف
صلوة و صلوة في المسجد القبيلة تعدل خمسا و عشرين صلوة و صلوة في المسجد السوق تعدل
اثنتي عشرة صلوة و صلوة الرجل في بيته صلوة واحدة و بسند کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که یک نماز در مسجد [illegible] برابر است با هزار نماز
و یک نماز در مسجد اعظم که مسجد الحرام بوده باشد برابر است با صد هزار نماز و لفظ الف
در کتب [illegible] و در بعضی کتب [illegible] صلوة است و بنا بر [illegible] مراد از مسجد اعظم
هر بلدیست مثل اصفهان [illegible] عظیم باشد [illegible] احتمال آنست که [illegible]
که آن جامع قدیم است [illegible] داشته باشد و احتمال دیگر آنکه هر دو باشد چون هر دو
از باقی مساجد اعظم اند [illegible] مسجد اعظم و مسجد جامع میگویند و اگر [illegible]
[illegible] شود بسیاری از مساجد اعظم اند از بسیاری و قول اول مشهورتر است میان اصحاب
و یک نماز در مسجد قبیله برابر است با بیست و پنج [illegible] مسجد [illegible]
قبیله است [illegible] یک نماز در مسجد بازار برابر است با دوازده نماز [illegible]
مسجدیست که اهل بازار در میان بازار از جهت خود [illegible] ساخته باشند [illegible] متصل
[illegible] مسجد بازار باشد [illegible] مساجد [illegible]
[illegible] و ظاهر [illegible] آنست که معادله با صد و بیست [illegible]
و ممکنست که هر مسجدی نسبت [illegible] چنانکه در مسجد الحرام و مسجد نبی [illegible]
واقع شده بود [illegible] مسجد نبی برابر است با ده هزار نماز در مسجد کوفه [illegible]
[illegible] با هزار نماز در مسجد جامع [illegible] است با صد نماز [illegible]
است با [illegible] نماز در مسجد بازار [illegible] و الله یعلم و قال ابو جعفر صلوات الله
علیه [illegible] المسجد [illegible] قال ابو عبيدة الحذاء
[illegible] بين مكة و المدينة [illegible] فقلت [illegible]
[illegible] روایت کرده است و بقیه حکایت ابو عبیده [illegible]

و صلوة [illegible]

روایت کرده است و کلینی و شیخ رضی الله عنهما روایت کرده اند بسند کالصحیح از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هر که مسجدی بنا کند حق سبحانه و تعالی خانه
در بهشت از جهة او بنا کند و در قوی مثل آن از آنحضرت صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که مسجدی
بنا کند مانند جائی که اسفرود در زمین از سینه خود در کند و کنایه است از آنکه صغیر باشد هر چند دیوار
نداشته باشد بلکه اگر سنگ چینی کرده باشد بعضی از آنکه یک کسی تواند ایستادن حق سبحانه
و تعالی در بهشت خانه از جهة او بنا کند و ابو عبیده میگوید که حضرت بر من گذشتند و من سنگ
چینی کرده بودم از جهة مسجدی در عرض کردم فدای تو گردم امید دارم که در آن یاد از آنکه
این سنگ چینی مسجد باشد ثواب مسجد داشته باشم چنانکه فرمودی حضرت فرمودند
بلی و در روایت مثل همین است که عرض نمودم که این سنگ چین مسجد است حضرت صلوات
الله علیه فرمودند که بلی و بعضی از فضلا میگفتند که مراد از سنگ چین همان سنگ چینی
است که عوام میکنند که دو سه سنگ بر بالای هم میگذارند و توجیه میکنند که قصد مسجد میتوان
و الحق نماز کنند بر بالای آن میایستد که سنگ را دور کنند و بر آن زمین بایستند و اگر بعضی
از پای او بر سجده یا پیشانی بر آن گذارد او ثواب دارد و کسی که ابتدا ساخته است بلکه
ثواب دارد و لیکن بسیار بعید است خصوصا نسبت بفاضلی مثل ابو عبیده که نجواه الحذاء
جا ساختن در مسجد ساختن بلکه ظاهر آنست که اول مذکور شد و محققان علما نیز گفته اند عبد الله
بن سنان وَسَأَلَ عُبَيْدُ اللهِ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ عَنِ الْمَسَاجِدِ
الْمُظَلَّلَةِ يُكْرَهُ الْقِيَامُ فِيهَا قَالَ نَعَمْ وَلَكِنْ لَا تَضُرُّكُمُ الصَّلَاةُ فِيهَا و بسند صحیح
منقولست از حلبی که سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه از مساجد
مظلله که سقف دارند [illegible] مساجد حال
آیا نماز کردن در آنها مکروه است حضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که بلی و
شما را ضرر ندارد این و تتمه حدیث را ذکر نکرده است و شیخان ذکر کرده اند که ضرر ندارد
که امروز [illegible] و شما را [illegible] باید کرد و [illegible] صاحب الامر صلوات الله و سلامه
[illegible] خواهند دید که چه خواهند کرد و از حضرت امام جعفر صادق سؤال

کردم از مساجد که در آنها صورت آدمی یا اعم از آدمی و حیوانات میکشند نماز میتوان کرد
حضرت صلوات الله علیه فرمودند که مکروه است و لیکن شما را ضرر ندارد و اگر عدل قائم
شود میبینید که آنحضرت خواهند دید که چه خواهند کرد و قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ
عَلَيْهِ أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سُقُوفُ الْمَسَاجِدِ فَيَكْسِرُهَا وَيَأْمُرُ بِهَا فَيُجْعَلُ عَرِيشاً كَعَرِيشِ مُوسَى
و منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که اول کاری که صاحب الامر
خواهد کرد این خواهد بود که سقف های مساجد را بکند و داربست کنند مثل چوب پوشی که
حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام کرده بودند [illegible] ذکر کرده اند که داربست
در بلاد حاره چوب بست [illegible] که بر آن [illegible] باران می آید [illegible] میبندند و اگر مسجد سقف
نداشته باشد سبب آن میشود که کسی در مسجد نماز نکند بر خلاف آنکه بعضی مسقف باشد
و بعضی سر گشاده باشد [illegible] باشد در سرما نماز کنند چون هوا گرم شود در
نماز کنند و لیکن چون الیوم که حضرت صلی الله علیه و آله ظاهر نیست حضرات ائمه صلوات
صلوات الله علیهم ما را رخصت داده اند تا آنکه رخصت نماز کنیم تا حضرت صاحب الامر
ظاهر شود و بعد از ظهور هر چه فرمایند متابعت کنیم و الله تعالی یعلم وَكَانَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ
اللهِ عَلَيْهِ إِذَا رَأَى الْمَحَارِيبَ فِي الْمَسَاجِدِ كَسَرَهَا وَيَقُولُ كَأَنَّهَا مَذَابِحُ الْيَهُودِ و منقول
است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون میدیدند محرابهای داخله
در مسجد را [illegible] میشکستند و میفرمودند که مذابح یهودان است یعنی
[illegible] میکنند [illegible] از جمله [illegible] مقصود از جهة حسن ساخت داخل
مسجد که خود را [illegible] باشد [illegible] و الیوم در بلاد اسلام از جهة
ساختند حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در زمان خلافت ظاهری [illegible]
[illegible] کردند [illegible] که دو قسم محراب ساختند
[illegible] بنا [illegible] محراب کردن [illegible] خراب کردن دیوار [illegible]
[illegible] که اگر امام در محراب [illegible] طرف صف امام را نه بینند و لیکن چون [illegible]

می نشیند و اما آنکه دلیل استحباب بود قریب به مضمون در حدیث [illegible] است و مستحب می باشد آنکه نه

نه بنا شود و نه کنیسه و صومعه سازند که آثار آنها

امام را می بینند از نجف خراب میفرمودند و دلیلی که عوام فهمیدند میفرمودند که شیعه

مدرج لغو است حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند که مخالفت کنید یهود را

کما روی عن علی صلوات الله علیه ان مسجدا بالکوفة قد شرف فقال کانه بیعة

ان المساجد لا تشرف بل تبنی جما و بسند موثق منقولست که آنحضرت در کوفه مسجدی

دیدند که کنگره داشت حضرت فرمودند که مسجد یهود میماند بفرمودند که مسجد را با کنگره عبادت

ساخت بلکه دیوارهای آن هموار باید ساخت که کنگره نداشته باشد و این اخبار اگرچه

خالی از ضعف نیست ولیکن چون عمل با تمام اشتهار است میان اصحاب خبر ضعیف اگر

است با آنکه در مستحبات بحدیث ضعیف عمل نمودند و فی الحقیقه عمل بحدیث صحیح کرده اند

ظاهرش دلالت میکند بر آنکه در مستحبات عمل بحدیث ضعیف میتوان کرد و آن حدیث

را کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم روایت کرده است

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و آله که فرمودند که هر که بشنود چیزی از

ثواب بر عملی و آن عمل را بجای آورد و بقصد آن ثواب او را باو کرامت

فرماید اگرچه بر واقع چنین نباشد و این حدیث حسن کالصحیح است باعتبار ابراهیم و بعضی صحیح

میدانند و بسند صحیح میدانم باعتبار آنکه ابراهیم بن هاشم صاحب کتابهای کثیره است و جمعی کثیر

از صاحبان کتاب [illegible] کتاب را بقصد [illegible] علمای قم بدان روایت کرده

و از جمله آن کتاب صفوان و حماد و ابن ابی عمیر بوده و ابراهیم از مشایخ اجازه است اگر توثیق صریح

نشده است چنانکه علامه گفته است توثیق صریح ندارد [illegible] بمنزله توثیق [illegible] صریح گفته است که نقل

علمای قم از او توثیق اوست ولیکن صریح [illegible] در کتب مشهوره صفوان

[illegible] روایت کرده است از هشام بن سالم از حضرت

ابی عبد الله [illegible] که فرمودند هر که باو برسد [illegible] صلوات الله علیه و آله

از ثوابی بعملی و آن عمل را بجای آورد [illegible] اگرچه رسول الله [illegible] نفرموده باشد

[illegible] رحمه

بدانکه مثل این مضمون کلینی در قوی و برقی در صحیح از محمد بن مروان از حضرت صادق صلوات

الله علیه روایت کرده اند و صدوق هشام در صحیح است و مضمون مجامع نزدیک

داد بحجی بآنکه [illegible] حکم [illegible] سمعت ابا [illegible] سئل ابو الحسن الاول صلوات الله

علیه عن الطین فی التبن یطین به المسجد او البیت الذی یصلی فیه فقال

لا بأس و سئل عن الجص یطبخ بالعذرة أیصلح ان

یجصص به المسجد فقال لا بأس و سئل عن بیت قد کان حشا زمانا هل

یصلح ان یجعل مسجدا فقال اذا نظف و اصلح فلا بأس و منقولست که سوال کردند

از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از گلی که کاه در او کنند و مسجد را کاه گل

کنند یا خانه را که در آن نماز کنند زمینش را کاه گل کنند آیا خوبست و سجده میتوان کرد یا

آنکه کاه ماکولست حضرت فرمودند که باکی نیست که کاه ماکول حیوانات است و میباید که ماکول

انسان نباشد و ممکنست که علی بن جعفر شنیده باشد که نهی از کاهگل عنوان کردن مطلقا

رسیده باشد که سجده کردن بر چیزی مثل نهی کرده است حضرت صلوات الله علیه فرمودند با

٨

که باکی نیست و بعضی از یک باب نوشته اند در جمیع خبرها و دیگر از آنحضرت صلوات الله علیه

سوال کردند از [illegible] که در آنجا گچ میپزند بفضله آدمی چنانکه متعارف عراق عرب با

الفعل [illegible] گچ [illegible] که گچ میکنند و [illegible] را بالای آن میریزند [illegible]

گچ عنده میشود [illegible] دو وجه است یکی آنکه ممکنست که عذره [illegible]

شود و دوم آنکه [illegible] پاک میشود و استحاله [illegible] مطهر است [illegible] استحاله

یکی استحاله عذره [illegible] و دوم استحاله گچ خام که پخته میشود و مسجد را با آن گچ کاری

آیا پاک میشود

توان کرد یا نه حضرت در جواب فرمودند که باکی نیست یعنی استحاله [illegible] مطهر است

و [illegible] لازم نیست که نجس شود چون اغلب اینست که عذره [illegible] را بر روی گچ [illegible]

[illegible] باشد که [illegible]

چنین سوالی [illegible] جواب اینست که مثل این استحاله [illegible] مطهر شد

مانع این سجده نیست بلکه نسبت این استعمال از اسم ایشان بیرون نمی‌رود و سجده بر آن
جایز است بر خلاف سجده بر چیز آنها که آن توان کرد ولیکن ما بعید نیست استدلال [illegible] از
سجده عبور آنکه دعوی معنی سجده هم کور نیست [illegible] دیگر [illegible] که هرگاه
[illegible] که بیت الخلاء باشد آیا آن خانه را مسجد توان کرد حضرت صلوات الله فرمودند که هرگاه
پاکیزه سازند آن خانه را از نجاسات و اصلاح کنند که خاکی در این خانه بریزند بواسطه زیادتی
تطهیر یا بوی پاکی بر آن بیندازند پاکی نیست و توهم میشود که چون زمین نجس شده است
مشکل است که خاکهای این زمین را انداخته توان برداشت که همه خاک نجس نباشد از جمله
این نوع هم خاک بر بالای آن [illegible] خوب نیست و در [illegible] که این خاک سطح است [illegible] که ظاهر لغت
صحیحه است از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیهم که فرمودند که زمین بعضی از آن بعضی دیگر را
مطهر است و ظاهر این است که خاک پاکی که بر خاک نجس اندازند پاک میشود و صریح این احادیث [illegible] دلالت [مکرر]
بر این [illegible] که خواهد [illegible] لفظ تطهیر و صحیحه عبدالله بن سنان که حضرت فرمودند
که هرگاه خواهد بیت الخلاء را مسجد کند [illegible] خاک بر روی آن بریزد که نجاسات مخفی شود [illegible] تحقیق
که انواع مطهر [illegible] انشاء الله تعالی و در حدیث کالصحیح [illegible] که از حضرت صلوات الله
علیه فرمودند که هرگاه [illegible] خاک بریزند که نجاسات را بپوشانند [illegible] پاک شود پاکی
نیست که مسجد بسازند زیرا که حال تطهیر آن مسجد [illegible] بر آن جاری [illegible] است و
در حدیث کالصحیح دیگر از حضرت صلوات الله علیه [illegible] است در این [illegible] که هرگاه [illegible]
خاک بریزند که بپوشاند نجاسات را [illegible] و در حدیث کالصحیح دیگر از حضرت صلوات
الله علیه منقول است که باکی نیست که بیت الخلاء را مسجد کنند و اگر [illegible] باشد [illegible]
ندارد [illegible] علم ندارم که [illegible] باشد یا آنکه هرگاه مسجد کنند
از آن [illegible] کردن [illegible] باشد [illegible] که شیخ [illegible]
[illegible] فرموده و [illegible] احادیث [illegible] الله [illegible]
خود [illegible] و [illegible] است و [illegible]

بر آن کوزه [illegible] که آن قصابان [illegible] نجس میشود [illegible] آب مضاف است
که قابل تطهیر نیست مثل روغن [illegible] قطع نظر از [illegible] که بر آن [illegible] که از آن نجاست
آن کند آن [illegible] نجس [illegible] قابل تطهیر است و [illegible] اعتبار جایز
بود [illegible] آب [illegible] و جمیع چیزها هرگاه [illegible] کنند یا آنکه در عالم
[illegible] و در شریعت [illegible] سهله [illegible] که حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم کرده باشند [illegible] توسعه است چنانچه گذشت [illegible] و این حدیث
از جمله احادیث علی بن جعفر است [illegible] در کتاب قرب الاسناد [illegible] از علی بن جعفر که از
برادرش موسی بن جعفر سلام الله علیهما [illegible] صحیح [illegible] باشد چون سند صدوق
بکتاب علی بن جعفر صحیح است [illegible] وسألته عن [illegible] الا عبد الله صلوات
الله علیه فی مسجد یکون فی الدار فیبدو لاهله ان یتوسعوا بطائفة منه او یحولوه عن
مکانه فقال لا بأس بذلک قال فقلت فیصلح المکان الذی [illegible] ان ینظف و یتخذ
مسجدا قال نعم اذا القی علیه من التراب ما یواریه فان ذلک ینظفه و یطهره [illegible]
[illegible] از [illegible] که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
از مسجدی که در خانه باشد و اهل آن خانه خواهند که بعضی از آن مسجد را داخل آن خانه [illegible]
خود کنند [illegible] از آنجا [illegible] دیگر [illegible] حضرت فرمودند که باکی نیست
[illegible] صیغه [illegible] باشند [illegible] از [illegible] خانه
[illegible] باشد [illegible] که [illegible] باشد [illegible]
[illegible] خانه باشد [illegible] حضرت فرمودند که هرگاه
[illegible] خانه [illegible] که [illegible] و قریب [illegible]
[illegible] در صحیحه ابو عبدالله بن سنان و احادیث بسیار [illegible] است
[illegible] و ظاهر [illegible] صحیحه [illegible] است که خاک [illegible]
[illegible] باشد و [illegible]

او ضیقه

م بپوشاند [illegible]

احادیث بسیار بر جلالت میکند بر این معنی و گذشت بعضی و خواهد آمد در ابواب النساء انشاء الله

و کان امیر المؤمنین صلوات الله علیه یقول من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان

اخاً مستفاداً فی الله عز و جل او علماً مستطرفاً او آیة محکمة او رحمة منتظرة او کلمة ترده

عن ردی او یسمع کلمة تدله علی هدی او یترک ذنباً خشیة او حیاء و [...] او باسانید موثقه

و قویه با صحیحه منقولست از اهل بیت امام حسن و امام حسین صلوات الله و سلامه علیهما و اوضع

بر بیانه و غیر ایشان منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمودند

که هر که تردد کند یا آمد و شد بسیار کند در مساجد یکی از هشت چیز البته میابد یا غالبا

اول برادر مومنی مسلکی دینی برادری با او برادر میشود از جهت رضای الهی یا برادری هم مسلک

صالح و عالم و عاقل متصف است بصفات حسنه که از صفات او منتفع تواند شد از جهت

رضای الهی در گرفتن برادر و در انتفاع از وجود همیشه خوبان در مسجد میباشند و این

قسم برادری نادر است اما اکثر اینست که مسجدهای قابل را طلب میکنند و لهذا امام جماعت را

مطلوبست که اکثر خوبان جمع میشوند و از سلام و مصافحه و امثال اینها از یکدیگر منتفع

میشوند و قطع نظر از انتفاع تمام که خواهد آمد دوم علمی را که سبب رغبت میشود در عمل

در عبادات و طاعات از کلمات حکمت و مواعظ حسنه عظیم و مستطرف یقینی است که اکثر مردم آن

و محفوظ [...] و ظاهر این مراد از علم مستطرف علوم و هبات لدنیه است که فکر او را در آن

دخل نباشد بلکه بمحض تفضل الهی وارد شود بر جمعی که همیشه بیاد الهی باشند از یافتن سیم

میباید میشود آیه واضح الدلالة که [...] جواز عمل آن منتفع میشود چون مستحب است خواندن

قران در مساجد بلکه در حدیث صحیح وارد شده است که مساجد از جهت قران خواندن موضوع

است بعضی [...] از عامه یا خاصه نماز از جهت خواندن قران موضوع است و عمده قرانی که ناسخ [...]

عالمیان محکمات آیات است چهارم میباید رحمتی را که انتظار قابلی کشد یا مومن قابل [...]

[...] مصیبت اولی [...] است که همیشه در [...] که شایسته [...] است [...]

شود و آن سبب [...] فیوض خاصه است که همه [...] از هر طرف فایض میشود [...]

کننده این بسیار است و بیشتر [...] چنانکه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم

که ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها و نفحات گذشت پنجم میشنود سخنی را

که باز دارد او را از چیزی چند که سبب هلاک او میشود ششم میشنود سخنی را که دلالت میکند

او را بر هدایت چون همیشه در مساجد علما و وعاظ میبوده اند و کار ایشان اینست که نصایح

و مواعظه که موعظه حسنه است نزد ایشان بخلق میرسانند و ممکنست که امثال آنها بسماع باشد و آن

عبارتست از شنیدن کلماتی که قصد متکلم از آن چیزی دیگر است و اینگونه میباید که

حق سبحانه و تعالی بر زبان او جاری ساخته است از جهت هدایت او مثل آنکه شخصی شنید که کسی

فریاد میکند سعد برای او خبر فهمید که حق سبحانه و تعالی با او خطاب میفرماید تو سعی کن در راه

[...] این [...] از [...] خود و [...] الفال و اکثر از همه الطف است والله تعالی یعلم

هفتم ترک گناه میکند از ترس الهی چون از لوازم خانه است که هر عاقلی اجتناب میکند از

سخط خانه و از لوازم مسجد است که آدمی منزه میشود و ادب خود را مراعات میکند

کند از ترس الهی [...] هشتم ترک گناه میکند از روی حیا از صاحب خانه و این نیز بالا

تر است چنانکه در اخبار متواتر وارد شده است که چون عبادت الهی کنی چنان باشی که او را

می‌بینی [...] او ترا می‌بیند و بحیائی بالاتر از این نباشد که عصیان صاحب خانه

کند در خانه او و بعضی تفسیر کرده اند خشیه را بخشیه الهی و حیا را بحیا از خلق [...]

و نیز ممکن است با آنکه ترک ذنوب مطلوبست هرچند بواسطه خوف [...] غیر [...] باشد

مطلوبست از جهت اخلاق [...] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند از لوازم مسجد

شعاری دارد که میباید که شخصی که داخل مسجد میشود در آنجا مشغول [...] باشد بلکه چون

[...] مسجد شود [...] اینها و امثال اینها داشته باشند تا هر قصدی اول ثواب عظیم

[...] چنانکه حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و سلامه و علی آبائه ذکر کردند

که [...] او را فراموش کردن [...] بسیار باشد [...] است

سمع النبی صلی الله علیه و آله رجلاً ینشد ضالة فی المسجد فقال قولوا له لا رد الله

عَلَّمَكَ فَاِنَّمَا لِغَيْرِ هَذَا بُنِيَتْ و منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
شنیدند که شخصی در مسجد میگوید که یافته است حیوانی را [illegible] آنحضرت [illegible]
از باب افعال [illegible] الطلاق میگفتند در آنکه کو [illegible] حیوانی را [illegible]
صورت حکم بکراهت کرده اند چون خبری دیگر از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که حضرت ضاله را [illegible] فرموده اند یعنی [illegible] و تفصیل حضرت [illegible]
فرمودند که بگو [illegible] که ضاله [illegible] برساند یا صاحبش [illegible]
و لیکن بعید است بلکه اظهر آنست که کم کرده اند میگوید [illegible] فرموده اند که مسجد را از جهت غیر
این کارها بنا کرده اند یعنی از جهت عبادت [illegible] و صدوق [illegible] ذکر کرده است که [illegible]
آنحضرت در مسجد مکروهست و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که شنیدند شخصی
که [illegible] حضرت [illegible] فرمودند و فرمودند که مسجد را از جهت غیر این کارها بنا کرده اند و
این حال محمولست بر کراهت زیرا که منقولست که در صحیح بل الصحیح از علی بن جعفر که گفت سوال کردم
از برادرم موسی بن جعفر صلوات الله علیه و علیهما که در مسجد [illegible] آن حضرت
صلوات الله و سلامه فرمودند که باکی نیست یعنی حرام نیست [illegible] منافات ندارد با کراهت
و ممکنست که [illegible] کم کرده که یافته باشد حیوانی را و طلب صاحبش کند و صورت اول آنکه
کم کرده [illegible] که ضاله را در مجامع میباید کرد و ممکنست که حمل کنیم بر کراهت و صورتی که تعریف
فریاد کنند [illegible] در مسجد [illegible]
[illegible] در هاى مسجد و [illegible]
جایز باشد در مسجد و قال صلوات الله علیه جَنِّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ وَ مَجَانِينَكُمْ وَ رَفْعَ
أَصْوَاتِكُمْ وَ شِرَاءَكُمْ وَ بَيْعَكُمْ وَ الْقَضَاءَ وَ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ و بسند قوی از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که اجتناب کنید در مساجد از اطفال [illegible]
که داخل مساجد [illegible] و مسجد [illegible] کنند [illegible] اطفال [illegible]
باشند [illegible] که [illegible] عادت [illegible] که در [illegible]

[illegible] حدیث

[illegible] و از [illegible] اجتناب کنید و ممکن است که مطلقا در مسجد [illegible] منافی [illegible]
[illegible] بلند [illegible] میکند [illegible] بکنند و کم [illegible] صاحبش را [illegible]
و حدود [illegible] میکنند [illegible] خوف تلویث مسجد بنجاسات هست و احکام را اقامت میکنند
قضا [illegible] حمل کرده [illegible] دوام [illegible] واقع شود [illegible]
[illegible] که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] القضا که داخل مسجد کوفه است قضا
[illegible] حضرت [illegible] در مسجد حکم میفرمودند [illegible]
برسند [illegible] میکنند [illegible] حضرت [illegible] در مسجد [illegible] واقع ساخته
مستحب است با آنکه اکثر [illegible] در مسجد [illegible] در مسجد [illegible] و واقع ساخته
[illegible] ذکر کرده اند و [illegible] و حدیث دیگر از حضرت سید المرسلین
المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمودند که اجتناب کنید مساجد را از اطفال
خود [illegible] و فرمودند [illegible] مسجد [illegible] درهاى مساجد
[illegible] مسجد [illegible] که [illegible] در مسجد باشد [illegible] مسجد باشد والله
[illegible] وَ يَنْبَغِي أَنْ يُجَنَّبَ الْمَسَاجِدَ إِنْشَادُ الشِّعْرِ فِيهَا وَ جُلُوسُ الْمُعَلِّمِ لِلتَّأْدِيبِ فِيهَا وَ جُلُوسُ
الْخَيَّاطِ [illegible] که مساجد را اجتناب نمایند از شعر [illegible] و [illegible]
معلم [illegible] از جهة تعلیم اطفال [illegible] خوف تلویث و تنجیس مساجد هست [illegible] از [illegible]
خیاط در مسجد از جهة خیاطی چنانکه گذشت که اخبار که مساجد را از جهة [illegible]
و منقولست بسند صحیح از حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین
فرمودند که اگر بشنوید شخصی در مسجد شعر خواند بگوئید فَضَّ اللهُ فَاكَ [illegible]
را [illegible] که مساجد از جهة آنست که در آنجا قرآن بخوانند [illegible] که اگر [illegible]
[illegible] گفتن [illegible] شخص [illegible] باشد و اگر [illegible] و در صحیح از علی بن جعفر
[illegible] که گفت سوال کردم از برادرم موسی علیه السلام که آیا جایز است شعر خواندن یا
[illegible] در مسجد حضرت فرمودند که باکی نیست [illegible] کرده اند اول [illegible]
[illegible] و [illegible] صلوات الله علیهم [illegible]

حدیث ۲

باستشهادات از کلام عرب [illegible] و اینها بیشتر آنکه از جوهر و بخت بیند از نقل لغویات والله تعالی
یعلم و در حدیث صحیح وارد است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمودند
از کشیدن شمشیر در مسجد و از تراشیدن تیر در مسجد و فرمودند که [illegible] مسجد مکو از
جهت غیر اینها که عبادتست و در حدیث حسن کالصحیح از حلبی منقولست که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا سلاح در مسجد میتوان آویخت حضرت فرمودند که بلی
اما در مسجد اکبر نه زیرا که جدم سید الساجدین صلوات الله علیه نهی فرمود مردی را که در مسجد تیر
میتراشید حضرت او را نهی فرمودند از آن و چون محل امنست و خواب کردن در مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول
الله صلی الله علیه و آله و سلم مکروهست و در مساجد دیگر مکروه نیست چنانکه در حدیث حسن کالصحیح
از زراره منقولست که عرض نمودم بخدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه
که چه میفرمائید خواب کردن در مساجد حضرت فرمودند که باکی نیست مگر در مسجدین مسجد الحرام
و مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و زراره گفت که گاه بود که حضرت دست مرا میگرفتند در
مسجد الحرام و پیش میفرمودند و حدیث میفرمودند تا خواب مرا فرو میگرفت و میگفتم که خواب مرا فرو گرفت
بر میخیزیم میگفتم که مرا خواب میبرد و چون نشد حضرت صلوات الله علیه میفرمودند که آن
مسجدی که کراهت دارد که در زمان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مسجد بود اما آنکه خارج است
از آن نه و در حدیث صحیح از ابن وهب منقولست که سوال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از خواب کردن در مسجد حضرت فرمودند که [illegible]
مردمان عرب در کجا خوابند و این حدیث دلالت میکند که کراهت در حدیث سابق یعنی تنزیه
است و حمل میتوان کرد بر آنکه اگر جائی داشته باشد در مسجد خوابیدن مکروه
باشد اگر نه جائز باشد و ممکنست که حدیث دوم را حمل کنیم بر اول یا آنکه جواز خواب در بیابان
و تنهای مسجد باشد نه در اصل مسجد و در حدیث کالصحیح از علی بن جعفر منقولست که گفت
سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از خواب کردن در مسجد الحرام حضرت
فرمودند که باکی نیست و سوال کردم از خواب کردن در مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم

۲ مسجد

حضرت فرمودند که خوب نیست و الحال منع اخفست که در مسجد حضرت رسالت پناهی بخلاف مسجد الحرام
معلوم است که از جهت [illegible] و نشستن با دیگران مزاحمت باشد که مبادا [illegible]
والله تعالی یعلم و در حدیث صحیح از سماعه منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از وضو ساختن در مسجد حضرت فرمودند که اگر وضو از بول و غائط
باشد مکروهست و اگر بسبب امور دیگر باشد کراهت ندارد و از آن حضرت صلوات الله
و سلامه علیه منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمودند از
تکلم بعجمی در مساجد محتمل است که کراهت وقتی باشد که بعربی تواند تکلم نمودن و از آن حضرت
بسند قوی منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که
هر که در مسجد باشد و اذان بگویند و بی علتی از مسجد بیرون رود منافق است مگر آنکه اراده
برگشتن داشته باشد و در موثق کالصحیح منقولست از آن حضرت صلوات الله علیه که هر که
در مسجد بنشیند و انتظار نماز وقت کشد او مهمان حق سبحانه و تعالی است و بر حق سبحانه
لازم است که گرامی دارد مهمان خود را و احادیث صحیح و کالصحیح بسیار وارد شده است
از ائمه هدی صلوات الله علیهم که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
که هر که سیر خورده باشد نزدیک مسجد ما نیاید و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خوردن سیر [illegible] حضرت
فرمودند که باکی نیست [illegible] و باکی نیست که [illegible] و لیکن هر که خورده باشد
بمسجد نرود و ظاهر آنست که حکم سیر [illegible] باشد و احتمال دارد [illegible] باشد خصوصا
بنابر آنکه چون در حدیث دیگر از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقولست که هر که از این
سبزیها خورده باشد نزدیک نشود بمسجد یعنی هرچه سبب آزار مردمان باشد [illegible]
[illegible] میکنند و دور نیست که بوی کراهت داشته باشد چون [illegible]
که بسیار نادر واقع شده است [illegible] در مسجد [illegible] روایت
از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که آن حضرت [illegible]

۲ دارد

آن است در صحیحه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که این سنگ ریزه صاحبش را می
قسم دهد تا بیرون برد و فرمودند که صحابی سنگریزه بیرون برد باید که آن را به مسجد برگرداند
بر حضرت این را تلاوت کرد که توجیه آنست این است که حضرت لوط باید که می‌گوید که استعمال
نه میکنید در محالی امر مکروه تفضل آن و بیگ آن ان اخض سنگ ریزه است بیان نکرده‌اند
شده منقولست که در مسجد نخوابید و جهت بیرون کردن و ادراف تا آن وقت هر چند که نباشد
جهت ملایکه در مسجد میباشند و اگر کسی باشد غیر محرم نمی باشد کردن از اطراف تا آن
بشنوی است و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمودند که در
مساجد سخن که باشد از دنیا التفاته نکنید که عقابت ... منی نیست منقول و احادیث
سابقه اشعاری باین معنی دارد که مسجد را از جهت عبادت وضع کرده‌اند و بعد از آن که
بر سخن نامشروع با مبالغه و از محظورات و قال رسول الله صلی الله علیه و آله من اسرج فی
مسجد من مساجد الله سراجا لم تزل الملائکة و حملة العرش یستغفرون له مادام فی
ذلک المسجد ضوء من السراج منقول است بسند از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند که هر که روشن کند در مسجدی از مساجد الهی چراغی تا آن روشنی چراغ باشد در شکاک
همه ملایکه از جهة او طلب مغفرت کنند و ظاهر آن که ملایکه عابد با مر اله است و در
حدیث ... بخانه ... هر گاه فرشتگان را امر کند بجعل المسجد ... زدان سنو را
دعا حاجت را بجمال الدین دعا که از حدیث را انس بن مالک روایت کرده است ام ... ما
بعضی تام او را برده‌اند بعضی گفته‌اند که از ... سنت است در حدیث کالعمیم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که عمارت و غیر آن که حضرت سید المرسلین
صلوات الله علیه و آله و سلم استند ش و ابوهریره و انس بن مالک علیهما علیه دستند و
غیره احادیث اهل سنت از رسول خدا و از عبد الله بن عمر و امام رض ...
این دا است در آنکه محمد نبی مااند و نقل کرده‌اند احادیث را در مسجد ... بیان ایشان
نقل میکنند و فتوی میکردند که موافق این خبر با صادقین صلوات الله و سلامه علیهم باشد

... بیرون باشد و ... منافق تعویب عاصیه نظر میکردند یا آنکه ... سنت ... را لمس ... کرد
محو آن ... میکردند ... از حضرت والله نفت بسلم و قال ابو جعفر صلوات الله علیه
اذا اخذ احدکم الحصاة من المسجد فلیردها مکانها او فی مسجد اخر فانها تسبح و بروایت دیگر
منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که هر گاه شخصی سنگ ریزه را از مسجد
بیرون برد میباید که آن سنگ ریزه را بجای خود آورد یا بمسجدی دیگر که آن تسبیح میکوید و این
در صورتیست که سنگ ریزه جزو مسجد باشد اما اگر از زیادتی تنها باشد که سبب کثافت باشد
ظاهر آن بیرون بردن مطلوب باشد چنانکه ... شود و در ... که تسبیح آن را باشد ظاهر ... مسجد
تسبیح مسجد مثل تسبیح سایر مواضع مسجد و لا یجوز للحائض و الجنب ان یدخلا المسجد
الا مجتازین و جایز نیست حائض و جنب را که داخل مسجد شوند مگر بعنوان گذر
شدن و بشنیدن که ... مسجدین که مطلقا داخل شدن در ... امتناع شده و قال
الصادق صلوات الله علیه سئل عن الوقوف علی المساجد فقال لا یجوز فان المجوس
وقفوا علی بیوت النار و از آن حضرت صلوات الله علیه ... که در دارند از وقف
کردن بر مساجد حضرت فرمودند که جایز نیست بدرستی که گبران وقف میکنند بر آتش
خانهای آتش ... مثل آنها باشید و مظنون آنست که صدوق ... گفته
است موافق مذهب خود ... که در جاهای دیگر مثل وقف ابی کذا و غیر آن
و بسند قوی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که آن حضرت
پرسیدند که هر گاه شخصی خانه بخرد و ... بخشد تحفه خویش ... زمین ...
و از آن مستقلی کند که ... دهد که آیا این خانه را وقف بنماید ... حضرت در
جواب فرمودند که ... وقف کردن ... شد و از عبارت ... اولی است
نه هر گاه ایشان بوده باشند برخانه ... اولی آید که وقف کنند بر خانه ...
و ... احتمالی دیگر آنکه ... جهات الحضرت است با عتبار ... ایشان
... نباشد و احتمال ... باشد از محمد آنچه خواهد ...

که خوبی جماعت هم کم نمی‌باشد و بسبب صراحت اخبار در احد نوابها که می‌باشد [illegible] سیما
بعید است و احتمال دارد که مراد این باشد که حقیقت مسجدیت را یکی دیگر [illegible] ضعف علما
باید کرد نه این که شرطیت در صحت وقف علی الله که قابل ملک باشد و مسجد قابل ملک نیست
ممکنست که بر تقدیر آنکه مراد حضرت عدم جواز باشد وجهش این باشد که اغلب اوقات وقف
میکنند از جهت زینتهای مسجد و این مطلوب شارع نیست و گمان ندارم که بعنوان صدقه
بالخصوص [illegible] کرده باشد بر عدم جواز والله تعالی یعلم و [illegible] فی التوراة مکتوب ان بیوتی
فی الارض المساجد فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی الا ان علی المزور کرامة
الزائر الا بشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیامة و بسند حسن
کالصحیح از حضرت امام صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمود که در تورات نوشته است
که حق سبحانه و تعالی میفرماید که بدرستی که خانهای من در زمین مسجدهاست پس خوشا حال
بنده که وضو سازد و بعد از آن بزیارت من آید در خانه من بدرستیکه لازم است بر هر که [illegible]
زیارت او بنماید که او را تعظیم کند زیارت کنندهٔ خود را تا اینجا حدیث صادق است و بنده [illegible]
المله بشارت ده جمعی را که در تاریکیها بمساجد میآیند باینکه از نوری باشد در روز قیامت
[illegible] و در حدیث دیگر است که صدوق کالصحیح روایت کرده است از حضرت
[illegible] که حضرت سید المرسلین فرمودند که خداوند عالمیان میفرماید بدرستیکه
خانهای من در زمین مسجدهاست روشنی میدهد اهل آسمان را چنانکه ستارگان روشنی میدهند
اهل زمین را خوشا حال بنده که مساجد خانهای او باشد خوشا حال بنده که در خانه خود باشد
خود وضو سازد و بعد بزیارت من آید در خانه من بدرستیکه بر مزور لازم است که گرامی دارد زائر خود را
با محمد بشارت ده جمعی را که در تاریکیها [illegible] بسوی مسجد که [illegible] قیامت نور
نوری باشد ساطع و در کتب صدوق [illegible] است و [illegible] ظاهر [illegible] کرده است [illegible] حفظ
علی الفقاهة [illegible] باین حدیث استدلال کرده [illegible] از جهت دخول مسجد [illegible]
[illegible] در حدیث آمده است که اول دخول بزیارت [illegible] مراد از زیارت نماز در خو[illegible]

۳ در خانه خود

قرار [illegible] عبادت است که در مسجد واقع شود با محض [illegible] حق سبحانه و تعالی
در [illegible] که بر عمارت [illegible] مسجد چنانکه در حدیث [illegible] واست از حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله که [illegible] نماز در [illegible] که کی [illegible]
در مسجد [illegible] باشد [illegible] نماز با قراءت قرآن [illegible] باشد و وضو [illegible]
چنانکه در چهار حدیث کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که فرمودند که
[illegible] قرآن نخوانند [illegible] طهارت باشد [illegible] تا آنکه اگر جنب باشد غسل کند
و اگر [illegible] وضو [illegible] شیخ کالصحیح از محمد بن فضیل منقولست که حضرت امام رضا
صلوات الله علیه سوال کردم [illegible] که قرآن میخوانم [illegible]
[illegible] حضرت صلوات الله علیه فرمودند که [illegible]
بسیار قرآن بخوان و در حدیث صحیح نیز گذشت که مساجد وضع شده است از جهت خواندن قرآن
و در حدیث کالصحیح از ابی لبید منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از علت تعظیم مساجد حضرت فرمودند که بسبب این امر کرده‌اند بتعظیم مساجد که خانهای
خداست در زمین یعنی خانه عبادت الهی است [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] تعظیم این واجب است [illegible] نماز کردن در مساجد که [illegible]
[illegible] از ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم که فرمودند نماز کنید در مساجد ایشان
و [illegible] در حدیث صحیح ابی [illegible] منقولست [illegible] که گفت بحضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که من کراهت دارم از نماز کردن در مساجد ایشان
حضرت صلوات الله علیه فرمودند که کراهت مدار زیرا که هیچ مسجدی نیست که بنا شده است
[illegible] مگر آنکه [illegible] شهید شده است [illegible]
[illegible] حق سبحانه [illegible] عبادت او در مساجد کنند [illegible]
نماز [illegible] در مساجد [illegible] و قضا و نوافل [illegible] ان البیوت
یصلی فیها باللیل یضیء نورها لاهل السماء کما یضیء نور الکواکب

٩٥

لا کمل الا ... [illegible] ... است و بسند صحیح از فضیل از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که فرمودند که خانه‌هایی که در آن خانه‌ها شب میکنند تلاوت قرآن ... [illegible]
میدرخشد نور آن خانه‌ها از برای اهل آسمان چنانکه ستاره‌ها میدرخشند از برای اهل زمین و ...
[illegible] ... بالیل بتلاوت قرآن ... مذکور است ... [illegible]
... [illegible] ... تلاوت قرآن کنند ...
صحیح است طویل ... [illegible] ... تلاوت کنند و اعم ... و الله یعلم
... [illegible] ... که گذشت ... [illegible] ... از جمله ...
از جمله ... [illegible] ... و مروی است از حضرت امیر صلوات الله علیه مرّ علی منارة طویلة
فامر بهدمها ثم قال لا ترفع المنارة الا مع سطح المسجد و بسند قوی
از سکونی منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گذشتند بر مناره بلندی امر فرمودند که
مناره را خراب کنند ... فرموده‌اند که مناره را بلند نسازند بلکه مساوی سطح مسجد و اصل مناره از مجوس
بود که چون ... آتش ... مناره را بلند میساختند که بر بالای آنها آتش بیفروزند
و تعظیم آتش کنند ... و چون بلاد عجم مفتوح شد و عراق و عرب ... ملوک عجم ...
باشند ... که مناره ... باشند و بر بالای آنها اذان بگویند حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام ... فرمودند چون سبب ... [illegible]
خلفای ... [illegible] ... و فرمودند که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
دیوار مسجد بود و از سطح مسجد بلند نبود ... بلند کردن خوب نیست ...
... و از حدیث ... [illegible] ... مسجد نباشد چون در زمان حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم متصل ... مسجد بود ... [illegible]
و بودن مناره در میان مسجد ... بدعت است ... [illegible] ... بلند است ...
منافقان ساخته باشند ... [illegible] ... که در زمان حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم بوده باشد ... [illegible] ... بلند کردن آن

خوب نباشد ... [illegible] ... الله تعالی
یهم بعذاب اهل الارض جمیعا حتی لا یحاشی منهم احدا
اذا عملوا بالمعاصی ... فاذا نظر الی الشیب ناقلی اقدامهم الی الصلوات والولدان یتعلمون القرآن
رحمهم الله تعالی فاخر ذلک عنهم و بسند ... از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که فرمودند که ... حق سبحانه و تعالی ... میخواهد که اهل زمین
... [illegible] ... از جهت بدی ایشان که معاصی و سیئات ایشان
... [illegible] ... ایشان نیز مستحق
عذاب الهی میشوند ... [illegible] ... بسوی مسجد میروند و اطفال
قرآن میکنند ببرکت ایشان ... [illegible] ... و عذاب ایشان ... [illegible]
... [illegible] ... حدیث ... از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا
صلوات الله علیهما منقولست که حق سبحانه و تعالی ... [illegible]
... [illegible] ... از معاصی ... [illegible]
... [illegible] ... اطفال شیرخواره باشند ... [illegible] ... باشند که نماز میکنند
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... اخبار ... [illegible]
فرموده است که ... [illegible] ... بسیار ...
نفع ... [illegible] ... و در حدیث
... [illegible] ... سبب ... عذاب ... اطفال ... شیرخواره
و اطفال شیرخواره ... [illegible] ... فی الجمله ...
... [illegible] ... عذاب ... [illegible] ... وجود ...
... [illegible] ... صاحب الامر ... صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین
... [illegible] ... ومن اجاب ... دخول المسجد ... علی سکینة و وقار

قَالَ الْمُسْلِمِ [illegible] وَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ وَ أَحْكَمُ

دخول گاه خود شوم خبر از جا و کس که معنی اهل که داخل مسجد شو

باید که یاد کند الله در قلب و آرام جون [illegible] دانکه [illegible] خاطر خود [illegible]

مر ابها انخو و طلب است از وقت که [illegible] الله میشود [illegible]

[illegible] که مسجد خانه [illegible] و محبوب [illegible] مکان [illegible] بنزد حق سبحانه و تعالی و محبوب ترین

خلایق بنزد حق سبحانه و تعالی کسی است که پیش از همه داخل شود و بعد از همه بیرون رود

چنانکه در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که چون متوجه مسجد

شوی [illegible] باسکینه و وقار [illegible]

بعد از تمامی امام تمام کرد [illegible] و در حدیث کالصحیح از حضرت امام [illegible] صادق صلوات الله علیه

منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل علیه السلام سوال کرد

و فرمود که ای جبرئیل از جاهای زمین کجا محبوبتر است نزد حق سبحانه و تعالی جبرئیل علیه

السلام گفت مسجدها و محبوبترین اهل مساجد جمعی اند که پیشتر از همه داخل شوند

و بعد از همه بیرون روند [illegible] وَ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَلْيُدْخِلْ رِجْلَهُ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى

وَ لْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ جَلَّ ثَنَاءُ

وَجْهِكَ وَ إِذَا خَرَجَ فَلْيُخْرِجْ رِجْلَهُ الْيُسْرَى قَبْلَ الْيُمْنَى وَ لْيَقُلْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ فَضْلِكَ و کسی که خواهد که داخل مسجد شود [illegible] باید که پای

راست را در مسجد گذارد [illegible] پای چپ و [illegible] کلمات را که ترجمه اش این است که داخل

مسجد میشوم باستعانت حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بانکه در مسجدها [illegible]

[illegible]

[illegible]

باید پای چپ را مقدم دارد [illegible]

[illegible] فاطمه زهرا و ائمه معصومین افضل صلوات الله علیهم [illegible]

[illegible] خود در امور دنیوی و اخروی [illegible] حدیث کالصحیح

[illegible] ائمه هدی صلوات الله علیهم روایت کرده است که [illegible] فضیلت در دخول مسجد

است که [illegible] پای راست [illegible] مقدم دارد و وقت بیرون آمدن پای چپ را مقدم

دارد و جمعی غافل شده اند [illegible] کلینی روایت کرده است و گفته اند که بر عکس بیت الخلا

[illegible] بیت الخلا گفته اند بر عکس مسجد که چون مسجد مکان شریف است که پای راست را مقدم کند

که اشرف است [illegible] و بر عکس [illegible] و این وجه نکته میشود

[illegible] در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر

صادق صلوات الله علیه منقول است که چون داخل مسجد شوی صلوات بر محمد و آل محمد فرست

و چون بیرون آئی نیز صلوات بفرست و شیخ بسند صحیح روایت کرده است از [illegible] عبد الله

[illegible] که گفت [illegible] داخل مسجد شوی بگو اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ و چون

خواهی بیرون آئی بگو اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ و در حدیث موثق کالصحیح از حضرت

رسالت صلی الله علیه روایت کرده است که فرمودند که چون خواهی که داخل مسجد شوی بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ

فَضْلِكَ [illegible] و در حدیث قوی از حضرت امام محمد باقر صلوات

[illegible] که چون داخل مسجد شوی و خواهی که بنشینی [illegible]

[illegible]

و در وقت [illegible] بسم الله و بحمد الله علی [illegible] و صلی [illegible]

و از حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که [illegible]

ملاحظه کنید کفش پای خود را که نجس نباشد و اینکه کفش

که [illegible] داخل شوید و کفش خود را بجنبانید در بیرون مسجد که خاطر جمع باشد

که [illegible] مبادا در اثنای نماز به فکر افتند و کلینی در حدیث صحیح

از [illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة و السلام روایت کرده است که فر

موده اند که چون داخل مسجد شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ اِلَی اللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ مَا

شَاءَ اللّٰهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ [illegible] مِنْ عُمَّارِ [illegible]

مَسَاجِدِكَ وَ افْتَحْ لِي اَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ اَغْلِقْ عَنِّي اَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ كُلِّ

مَعْصِيَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوَّارِ مَسَاجِدِهِ اَللّٰهُمَّ اَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ [illegible]

ثَنَاؤُكَ و کلینی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که

فرموده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند که هرگاه نماز واجب

را بجای آورید و خواهید که از مسجد بیرون روید بایستید که در مسجد بایستند

و بگویید اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِي فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ

فِي اَرْضِكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ وَ اجْتِنَابَ

سَخَطِكَ وَ الْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ و ترجمه این دعا آن است که خداوندا

[illegible] و اعمال [illegible] بسوی اسم [illegible] ذات مقدس الهی [illegible]

[illegible] فضل [illegible] است و بازگشت بسوی اوست [illegible] از دخول مسجد

عبادت است که سبب قرب می شود بجناب اقدس او و دوری از جانب او [illegible]

[illegible] برای او [illegible]

که [illegible] نیت [illegible] ایستاده [illegible] طاعات [illegible]

[illegible] کردن [illegible] عبادات [illegible] باشد [illegible]

[illegible] مباهات کنند [illegible] خود [illegible]

فرموده است که مباهات [illegible] مساجد [illegible] که ایشان

[illegible]

از خود [illegible] من الجماعة [illegible] از جمله [illegible] باشند و دیگر فر

موده است که [illegible] کسی که منع کند [illegible]

در خرابی مساجد و ساعی باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مناجات [illegible] خود [illegible]

[illegible] بسوی [illegible] اعظم [illegible]

[illegible] دعای [illegible] اجابت [illegible]

[illegible] بجای آورم [illegible] فرمودی [illegible]

[illegible] نماز را بجای [illegible] طلب کنید [illegible] فضل الهی

[illegible] فضل [illegible] بجای آورم [illegible]

[illegible] سؤال [illegible] باشد [illegible]

[illegible] رحمت تو [illegible] غافل شوی که [illegible]

[illegible] دعائی [illegible] نماز [illegible]

[illegible] باب صلوة [illegible] مفتوح [illegible]

[illegible] باب [illegible] المواضع التی یکره فیها الصلوة و المواضع

التی [illegible]

[illegible] مواضع که نماز در آن جایز است [illegible]

[illegible] نماز در آن مواضع [illegible] کراهت [illegible]

قَالَ [illegible] صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [illegible] اُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا اَحَدٌ قَبْلِي جُعِلَتْ لِيَ

لی الأرض [illegible] مسجداً و نُصرت بالرعب و اُحِلّ لی [illegible]

الکلام و اُعطیت [illegible] فاتحه و منقول است در صحیح از حضرت

[illegible] الله و سلم که فرمود که حق سبحانه و تعالی [illegible] بر عطا کرامت

از من کرامت نفرموده [illegible] اول آنکه [illegible] محل [illegible] کرامت [illegible] کرد

[illegible] بجهت [illegible] بخلاف سایر انبیا صلوات الله علیهم که [illegible]

که در مقام عبادت خود [illegible] در کنیسه و بیعه [illegible] و بعضی [illegible] از جمله

می‌ظهور کرده‌اند با آنکه [illegible] آب تیمم کنم [illegible] پاک کنم و سنگ

استنجا [illegible] وطوق [illegible] خبیثها که گذشت [illegible] است از [illegible]

با [illegible] و رعب در بسیاری از روایات وارد شده است که مسیرة شهر یعنی [illegible]

خوف [illegible] در دل دشمنان [illegible] یک ماهه راه [illegible] است که [illegible]

قتل [illegible] که [illegible] برابر بود [illegible] سایر گذشت [illegible] کفاره

[illegible] سبحانه [illegible] حلال کرد [illegible] برای [illegible] حرام بود [illegible] سوختند [illegible]

سبحانه [illegible] کرامت [illegible] جوامع سخنان خوب [illegible] که متضمن است علوم

اولین و آخرین [illegible] کلمات حکمت که لفظ آنها قلیل است و معانی آنها بسیار است [illegible]

[illegible] است [illegible] از آن کلمات [illegible]

عطا [illegible] شفاعت کبری که در روز قیامت جمیع انبیا نفسی نفسی گویند و پیغمبر ما صلی الله

علیه و آله و سلم امتی امتی گوید [illegible] و اهل بیت [illegible] صلوات الله علیهم

شفاعت کبری خواهند داد بلکه شیعیان ایشان [illegible] باشند که بعضی از ایشان شفاعت

دهند [illegible] مثل عدد قبیله ربیعه و قبیله مضر [illegible] حق سبحانه [illegible]

[illegible] است و احادیث شفاعت متواتر [illegible] است [illegible] المرسلین [illegible]

معصومین [illegible] علیه و علیهم [illegible] جمعی [illegible] جماعه [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] متواتر [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] شفاعت [illegible] بلکه ناصبی [illegible] بر فرض [illegible]

و اگر [illegible] ایشان شفاعت [illegible] که [illegible] است

[illegible] این شفاعت [illegible] که ناصبی [illegible] عداوت شیعیان

داشته باشد از جمله [illegible] المقابر [illegible] فی الأرض کلّها الّا [illegible] الأرض [illegible]

[illegible] المقابر [illegible] در حدیث سابق بود که [illegible]

صدوق ذکر کرده است که جایز است نماز در همه [illegible] مواضع [illegible] و [illegible]

از نماز کردن در این مواضع [illegible] است با [illegible] و [illegible] تخصیص یا تقیید [illegible]

[illegible] آن [illegible] کلام ظاهر می‌شود که صدوق در موضع [illegible]

[illegible] سید [illegible] که [illegible] است [illegible]

[illegible] تخصیص [illegible] در اعتقاد [illegible] اصحاب [illegible] در مواضع

[illegible] است [illegible] و لیکن [illegible] در [illegible]

موضع و اکثر علما گفته‌اند [illegible] مستلزم فساد [illegible] مقابل این قول [illegible] است که قایل [illegible]

[illegible] صلوات در این مواضع [illegible] قال الصادق صلوات الله علیه عشرة مواضع لا یُصلّی فیها

الطین و الماء و الحمّام و القبور و مسانّ الطرق و قُری النمل و معاطن الإبل و مجری الماء

و السبخة و الثلج [illegible] در [illegible] الصحیح [illegible] منقول است بسند صحیح از [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible] موضع است که نماز [illegible] در این [illegible]

[illegible] این راه [illegible] که [illegible] آب [illegible]

که [illegible] در [illegible] مطلق [illegible] محل

[illegible] آب [illegible] و [illegible] باشد چون احادیث بر

[illegible] است [illegible] است [illegible] و الاضطرار [illegible]

[illegible] لا [illegible] فی [illegible]

[illegible] و لا [illegible] و در حدیث صحیح منقول

از حضرت [illegible] صلوات الله علیه که مکرر حضرت عنایت [illegible] در [illegible]

مدینه مشرفه [illegible] طعمه یکی [illegible] داشته ان حضرت [illegible] که لشکر [illegible] در

اثنای [illegible] خواهد [illegible] صلوات الله وسلامه علیه

ودر [illegible] ایام [illegible] داشت که [illegible] ظهور حضرت صلوات الله علیه این لشکر

[illegible] ظهور آنحضرت [illegible] دجال [illegible]

کرده والکه لشکر [illegible] خواهند بود حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که

ظهور فرمایند [illegible] که آنحضرت صلوات الله علیه بیعت خواهند

کرد [illegible] اولیاء الله خواهند بود که [illegible]

دجال متوجه آنحضرت شود حضرت عیسی علی نبینا وعلیه السلام از آسمان

بزیر آید [illegible] آنحضرت وحضرت تکلیف کند عیسی را که پیش بایستد تا اقتدا

بتو کنیم یا رسول الله حضرت عیسی گوید که مرا صلاحیت [illegible] باشد

مر حضرت صلوات الله جنین [illegible] عیسی علی نبینا وعلیه السلام نماز [illegible] اقتدا

کند با آنحضرت و اهل مکه [illegible] بیعت کنند [illegible]

شود که در [illegible] دجال با ایشان [illegible] ذات الجیش [illegible] دجال [illegible]

الوهیت کند و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه حضرت عیسی [illegible] وعلیه السلام

[illegible] لشکر حضرت خواهد بود [illegible] دجال [illegible] باسلام [illegible]

و او قبول نکند و حضرت عیسی او را بکشد [illegible] که دو فرسخ است در [illegible]

لشکر [illegible] دوم ذات الحنظل [illegible] است سیم وادی [illegible]

وادی [illegible] قریب [illegible] است لشکر [illegible] باشد [illegible] وادی [illegible]

خسف دجال باشد [illegible] ظاهر [illegible]

وعلی ای حال [illegible] وادی [illegible]

کند در [illegible] موضع دیگر [illegible] لشکر [illegible]

حسف جمع [illegible]

کدورتی ابو باشد که [illegible] جای باشد [illegible] که [illegible]

[illegible] جاده غنیبوان کرده [illegible] ذکر کرده است که [illegible] است

[illegible] امام [illegible] جاها [illegible] کاه [illegible] در حالت

وقت

[illegible] حضرت [illegible] وقت [illegible] که در حدیث [illegible]

حضرت کاشف [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که در

شُقْرِ [illegible] بسکون قاف و [illegible] عنیان کرده [illegible] صحیح

[illegible] که گفت [illegible] امام [illegible] علیه السلام [illegible] الصلوة

که [illegible] بودیم [illegible] در اخر شب [illegible] وضو ساختیم و مسواک کردیم [illegible]

که [illegible] خاطرم رسید که [illegible] عنیان کرده [illegible] صحیح در [illegible]

باشد [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] کنید با [illegible]

عرض نمودیم که [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] حضرت امام محمد باقر

صلوات الله علیه [illegible] رسیدند [illegible]

تا [illegible] مسجد شجره [illegible] ذات

الجیش [illegible] که مسجد شجره در [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] اول [illegible] وادی [illegible]

[illegible] علی الظاهر والله [illegible]

[illegible] وادی [illegible] قریب

[illegible] باشد فَاِذَا اَحْضَلَ الرَّحِیلُ [illegible]

اَوِ الدَّمُ [illegible] الصَّلوٰة وَ [illegible] الخُرُوجُ مِنْهُ [illegible] وَ یَکُونُ [illegible] الخَسْفِ

[illegible] موضع [illegible] حدیث مجمل یاد کرده شروع نموده [illegible]

[illegible] کرده [illegible] آب باشد [illegible]

[illegible] باشد از

نماز کردن [illegible] ثبت که [illegible] تا کردن یا وقت یکردن [illegible] و الله که رکوع خصم کردن

دالان رکوع را بهتر که [illegible] سجود را اجماع میکنند و در موضع که به نیست فی له سجود [illegible]

چنانکه واحد الله در [illegible] خفته باشد و وقت الله در آید و [illegible] نماز

همه ما مفضول است و اگر جهه درآمدن [illegible] است چنانکه خواهد الله [illegible] از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که [illegible] از آن حضرت سوال کرد که وقت نماز شود

و او در میان آب باشد و قدرت بر بیرون آمدن نداشته باشد حضرت فرمودند که اگر ترسد باشد

یا در راه خدا اکتفا کند و اگر در تنگنا باشد و نیز خوب نیست که داخل آب شود تا نماز بکند

گفتم اگر واقع شود چه کند حضرت فرمودند که چون از آب بیرون آید نماز را بر آن اعاده

و فرمودند که [illegible] صلی الله علیه و آله که در حدیث مذکور [illegible]

استحباب و احتیاط است که البته قضا کند بقصد قربت و در حدیث موثق بسماعه وارد است

که حضرت امام جعفر صادق صلی الله علیه فرمودند که هر گلی که سجده بر آن کردن بر آنست

که پیشانی در آن فرو رود پس اگر گلی سخت باشد یا اگر بر علف باشد [illegible] باشد

[illegible] کند بیشتر فراز کرد [illegible] خواهد کرد و [illegible] و الاحتیاط اجماع میکنند [illegible] حدیث

دیگر امام الحضرت صلوات الله علیه وارد است که اگر در میان گل باید نشستن [illegible]

بنشیند اگر چه بدن و جامه اش آلوده شود [illegible] الله [illegible]

باس بالصلوة فی مسلخ الحمام و انما تکره فی الحمام لانه مأوی الشیاطین [illegible]

کردن در رخت کن حمام و مکروه نیست مکر در حمام [illegible] که حمام جای شیاطین است [illegible]

کراهت است بمعنی مصطلح نه بمعنی علت و در حدیث دیگر سألته عن ابی جعفر اخاه

موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما عن الصلوة فی بیت الحمام فقال اذا کان

الموضع نظیفا فلا باس یعنی المسلخ [illegible]

علی بن جعفر که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله

نماز کردن در گرمابه تمام حضرت فرمودند که [illegible] باکی نیست باشد [illegible]

کتب

[illegible] من الجنبین [illegible]

[illegible] است و ظاهر [illegible] و وجوه [illegible]

است و حضرت [illegible] مطلوبات [illegible] اعتبار [illegible] باشد

[illegible] نجاسات داشته باشند باعتبار آنست [illegible] و دور نیست که

مأوای شیاطین بودن باعتبار کثافت باشد [illegible] الکلام [illegible]

باشند که قطع نظر از نجاسات خود حمام [illegible] میکنند [illegible] اوقات باقیا

[illegible] داخل حمام [illegible] کنند [illegible] نجاسات [illegible] حوض [illegible] که [illegible]

[illegible] باشد و [illegible] می ایستند و نماز میکنند بر آنکه [illegible] طاهر

[illegible] باشند و نماز میکنند کراهت نخواهد داشت [illegible]

[illegible] اشعار به کراهت فی الجمله دارد و حدیث موثق عمار [illegible] مثل حدیث علی بن جعفر است

بر ظاهر شد که احادیث کراهت و نفی معارضه با [illegible] دارد [illegible]

مقدم دارند و این اخبار صحیحه را تاویل کنند با آنکه احادیث علی بن جعفر [illegible] از برادرش

در خلوت [illegible] است تقیه در این نادر است [illegible] بخلاف اخبار دیگر [illegible] القبور

فلا یجوز ان یتخذ قبلة و لا مسجدا [illegible] اما قبور را جایز نیست که قبله کنند [illegible]

[illegible] و نماز کنند که [illegible] ذرع فاصله نباشد یا قبور را مسجد کنند [illegible]

نماز کنند [illegible] که قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم [illegible] کنند

هر چند [illegible] این کعبه [illegible] نیست [illegible] باشند [illegible]

مسجد نکنند چنانکه صدوق در صحیح روایت کرده است از زراره که گفت سوال کردم

[illegible] امام محمد باقر صلوات الله علیه که نماز میانه قبرستان چونست حضرت صلوات الله

[illegible] و قبر [illegible] که قبر در برابر نباشد در قبله [illegible] که حضرت

[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] فرمودند که قبر مرا قبله نکنید [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] بجانب قبر [illegible]

مسجد

[illegible] جود از العمر کرد اند

قبور [illegible] ایشان [illegible] نمودند که [illegible] معصوم

کذا [illegible] حتی آنکه [illegible] منقولست که حمیری نقل [illegible]

صاحب الزمان [illegible] صلوات الله وسلامه علیه نوشته [illegible]

[illegible] زیارت [illegible] علیهم [illegible] آیا جایز است که سجده بر قبر کنند

یا نه و آیا جایز است [illegible] نماز کنند که قبر ایشان محاذی قبله او باشد و آیا جایز است

که پیش بایستد و پشت بقبر کند یا نه [illegible] فرمودند [illegible]

اما سجده بر قبر جایز نیست در نماز فریضه و نه در زیارت و نافله بلکه طرف راست [illegible] ایشان

می گذارد و اما نماز در عقب ایشان میتوان کرد که قبر در قبله او باشد و نمی [illegible]

و از پیش قبر جایز نیست که پشت بقبر کند از دست راست و چپ میتواند ایستاد و در حدیث

حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که هرگاه زیارت حضرت

امام حسین علیه الصلوة والسلام بکنی [illegible] زیارت قبور شهدا [illegible] زیارت [illegible] عقب [illegible]

آن [illegible] بهمین مضمون [illegible] مخصوص [illegible] صلی الله

علیه و آله وسلم باشد [illegible] کعبه کنند [illegible] کنند الله

[illegible] لا باس بالصلوة بین خلفها ما لم یتخذ [illegible] فیها قبلة [illegible]

کردن میان دو قبر امام که قبر در برابر قبله نباشد چنانکه مذکور [illegible]

حدیث موثق کالصحیح نیز از حضرت امام رضا صلوات الله علیه بهمین مضمون وارد شده است

و المستحب ان یکون بین المصلی و بین القبور عشرة اذرع من کل جانب [illegible]

که میان نماز کننده و میان قبور ده ذرع فاصله باشد از هر جانبی [illegible]

[illegible] که در میان قبور نماز کند [illegible]

آنکه ده ذرع فاصله باشد و از سه جانب دیگر [illegible]

مکروه [illegible] که سوال کردم از [illegible]

[illegible] که نماز کند در میان قبور [illegible]

[illegible] صادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] ده ذرع از خلف باشد [illegible] کراهت [illegible]

[illegible] ده ذرع از [illegible]

[illegible] باشد [illegible] صحیح از [illegible]

[illegible] سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از نماز کردن میان قبور [illegible]

حضرت فرمودند که باکی نیست و اما [illegible] الصلوة [illegible]

علی الظواهر التی بین الجواد [illegible] باکی [illegible] عام [illegible] نماز کردن [illegible]

[illegible] که [illegible] جاده است [illegible] جاده [illegible] در میان [illegible]

[illegible] جاده [illegible] باکی نیست و ظاهر [illegible] اخبار که منع نماز در جاده [illegible]

[illegible] مردم است [illegible] مانع [illegible] میشود [illegible] مانع [illegible] مصلی [illegible]

در جاده [illegible] کراهتش [illegible] کراهت نیست [illegible]

و اگر [illegible] جاده [illegible] محاذی [illegible] است [illegible] مصلی [illegible] در حدیث [illegible]

کالصحیح [illegible] است [illegible] و در حدیث صحیح از محمد

بن مسلم منقولست که گفت سوال کردم از نماز در سفر [illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible] جاده

مکن [illegible] جاده نماز [illegible] حدیث موثق کالصحیح از [illegible] منقولست که گفت

حضرت ابو الحسن [illegible] موسی الرضا علیهما الصلوة والسلام فرمودند که [illegible]

[illegible] از [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] جاده [illegible] حضرت صلوات الله علیه فرمودند که [illegible]

[illegible] که [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] جاده [illegible] است چنانکه [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible] لم یکن [illegible]

ثمّ قيل [illegible] والعينة [illegible] دسند كالمصابيح المراقف

[illegible] صلوات الله وسلامه عليه

منقول است که فرمودند که هر شارع که مردمان در آن تخلی [illegible] کنند و در راه روایت [illegible]

که وقتی شارع بوده است [illegible] که در اصل [illegible] که آن شارع خواهد بود [illegible] مثل

صحن یا جاده نداشته باشد [illegible] شارع عرفی بوده [illegible]

فرمودند

کذا [illegible] حضرت صلوات الله وسلامه علیه [illegible] است در روست [illegible] و احوط [illegible] دلالت

بر کراهت دارد [illegible] لا ينبغي [illegible] سأل الحلبيّ أبا عبد الله صلوات الله عليه

عن الصلوة في مرابض الغنم فقال صلّ ولا تصلّ في أعطان الإبل إلّا أن تخاف على متاعك الضيعة

فاكنسه ورشّه بالماء وصلّ فيه وذكره الصلوة في [illegible] إلّا أن يكون [illegible]

لئلّا تقع عليه الجبهة مستوية و باسانید صحیحه منقولست از ابی عبد الله که گفت [illegible]

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه از نماز در پاگاههای گوسفندان حضرت فرمودند

که در جاهای [illegible] در موضعی که شتر را بعد از آب دادن میخوابانند که مرتبه

دیگر آب دهند و غالب اوقات در کنار رودها و چاهها میباشد و اکثر مردمان در آنجا

قضای حاجت میکنند و نجس میباشد و یا از آن جهت که پوست شتران [illegible] در

دارند بسیار است که خود بر میجهند و اگر کسی باشد که نگریزد [illegible] و پای ایشان

میرود و از [illegible] است و تجربه نیز کرده‌ام که چنین است پس فرمودند

که اگر [illegible] خوف [illegible] که متاع را [illegible] دیگر [illegible] پای شتران

شود و در این صورت [illegible] که اگر نجاستی [illegible] باشد [illegible]

و نماز کن همچنانکه در هر جا که نجاست و هم است شارع [illegible] تا تر یا رش [illegible]

زوال وهم فرمودند و هر سه یک معنی دارد که ریختن است [illegible]

که ظاهر لفظ ترجح [illegible] است چون [illegible]

که هر جا که لفظ صب باشد [illegible]

جاری [illegible] اصحاب نکرده [illegible]

در شن را [illegible] کرده‌اند [illegible] است که [illegible] تحجیل الکف

عامه مطلق [illegible] با آنکه [illegible] که در آن [illegible] تقیه

[illegible] است خصوصاً [illegible] های [illegible] مسطح [illegible]

[illegible] که [illegible] مسجد حضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] خواستند که

[illegible] حضرت منع مردمان کرد که [illegible] تا تمام کند [illegible]

[illegible] فرمودند که از خانه [illegible] بیاید کرده فرمودند

که [illegible] آدم [illegible] در [illegible] و احادیث در [illegible] است و

[illegible] با آنکه [illegible] وقت [illegible] بوده [illegible] باشد [illegible]

[illegible] که [illegible] تا پاک شود [illegible] حمل کرده‌اند بر آنکه

[illegible] کرده باشد و این احتمال [illegible] بعید است و جمعی در خصوص این موضع

[illegible] مطهر میباشد و اکثر متاخرین این حدیث را طرح کرده‌اند بضعف و حمل بر تقیه

[illegible] موافق مذهب عامه است و علی ای حال [illegible] در [illegible] طرح [illegible]

[illegible] توان کرد با مسیاه [illegible] کند تا خشک شود و اکثر علما [illegible] قول [illegible]

متوجه

صریح [illegible] که [illegible] میتوان کرد [illegible] نجاستی [illegible] یقینی [illegible] که

[illegible] اذا [illegible] مطهر [illegible] است [illegible] نجاستی یقینی [illegible] و شیخ ما مولانا عبد الله [illegible]

[illegible] طهارت [illegible] که [illegible] میگفت در [illegible] شیخ که [illegible]

[illegible] مسطح [illegible] آب میباشند [illegible]

[illegible] که [illegible] شیخ فرمودند [illegible]

[illegible] التطهیر [illegible] نجاست [illegible] اصل در [illegible] مجلس

[illegible] نجاست [illegible] شیخ فرمودند

[illegible] و احادیث طرح [illegible]

[illegible] خیث [illegible] و قطع [illegible]

استبعادی [illegible] که تیمم را خواسته کرده است استبعادی ندارد و الله تعالی یعلم و دیگر حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که هر دو جهت نماز درست [illegible] محاذی [illegible] باشد [illegible]
در بهشت [illegible] از حدیث صحیح است که [illegible] از نماز در [illegible]
پس که [illegible] محو شود که اهتمام [illegible] باشند چنانکه در حدیث صحیح منقول است
از [illegible] حدیث صحیح از حلبی که سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه نماز در شتر [illegible] را کراهت [illegible] حضرت فرمودند که [illegible]
انجا خوب [illegible] پس گفتم که اگر [illegible] باشد [illegible] نماز میتوان کرد
حضرت فرمودند که باکی نیست و در حدیث موثق کالصحیح از سماعه منقول است که [illegible]
سؤال کردم از نماز [illegible] فرمودند که باکی نیست [illegible] باشد [illegible]
[illegible] چنانکه در حدیث حسن از [illegible] منقول است که سؤال کردم از حضرت امام محمد
علی النقی صلوات الله و سلامه علیه [illegible] از [illegible] بجانب [illegible]
[illegible] که [illegible] نیست که نماز کنم حضرت
فرمودند که [illegible] نماز [illegible]
کن و در انجا نماز کن و قریب باین است حدیث کالصحیح دیگر از آنحضرت صلوات الله و سلامه
علیه و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقول است که سؤال کردم از حضرت امام جعفر [illegible]
صلوات الله از نماز کردن در موضعی [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] نیست در نماز کردن [illegible]
و در موثق کالصحیح از سماعه منقول است که از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از نماز
در [illegible] کنار آب [illegible] حضرت فرمودند [illegible]
شود باکی نیست [illegible]
لله علیه عن الصلوة فی بیوت المجوس [illegible]
[illegible] که [illegible] بوده باشد [illegible]

حاصل آنکه از آنحضرت صلوات الله علیه [illegible] از نماز کردن [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] که [illegible]
شد نماز میتوان کرد و در حدیث صحیح از عبد الله بن سنان منقول است که [illegible] از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه از نماز کردن در معابد یهود و نصاری [illegible]
حضرت فرمودند که آب بر زمین [illegible] نماز کن و در حدیث صحیح از ابو بصیر منقول است که گفت سؤال کردم
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه از نماز کردن در معابد یهود [illegible] حضرت صلوات
الله و سلامه علیه [illegible] باکی نیست [illegible] که مجوس باشد [illegible] چنانکه
در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه منقول است که فرمودند
که نماز مکن در خانه که در انجا مجوسی باشد و باکی نیست در خانه که یهودی یا نصرانی باشد
ثُمَّ قَالَ [illegible] فِي طَرِيقِ مَكَّةَ [illegible] مَوْضِعَ جَبْهَتِهِ ثُمَّ يَسْجُدُ عَلَيْهِ [illegible]
[illegible] الْمَكَانِ الَّذِي [illegible] اللَّهُ تَنْظِيفُ [illegible] حلبی گفت که [illegible] حضرت امام جعفر
[illegible] صلوات الله علیه [illegible] که موضع سجده را [illegible]
بود که [illegible] بود که [illegible] که این [illegible] و در
کافی بجای [illegible] تر بود [illegible] و ظاهر
[illegible] باشد [illegible] سؤال [illegible]
حلبی [illegible] که [illegible] سؤال [illegible] کرده
باشند [illegible] که در میان حدیث حلبی [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] قَالَ [illegible] الْحَكَمِ سُئِلَ الصَّادِقُ صلوات الله علیه عن
[illegible] فَقُلْتُ [illegible]
[illegible] كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ [illegible] أَعْلَمُ [illegible]
[illegible] الْقِبْلَةِ [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] از نسخ تهذیب [illegible]

صلوات الله [illegible] علیه پرسید که از نمازی که در [illegible] ... بود فرمای حضرت فرمودند
که نمازش [illegible] نمی کنم که در [illegible] نماز [illegible] نماز بکن حضرت فرمود [illegible]
آبادی [illegible] و آنچه را که توجه دانی او بیشتر که [illegible] بالحمد هر کس عمل میکنند [illegible]
[illegible] علم است با آنکه کدام [illegible] ... شما درست تو است [illegible] ... میدانند [illegible]
درست تر است و لیکن ایشان از امان داده است که را حرج نباشد جهت بر ایشان [illegible] ... ام شود
و ابو قسم گفت که از جعفر [illegible] ... حمو یب کتاب [illegible] ... صحیح و قیاس می ... شد
که راه ایشان صحیح است در اخبار ایشان باطل است بر جعفر فرمودند که تو بر [illegible] ... کو
داشتن از اکابر ... و در تهذیب و غیر هم ذکر هم است بعضی ایشان ... مذهب کذا رجعت
المقدس که قبله ایشان است در مغرب و اقفت نظر با اهل عراق و این تصحیف است از نسخه
او کتاب و ظاهر انه تصحیف این کتاب شده است و مستعد نسخه ... بیان شده است اگرچه
نسخ تهذیب بیش است اما الحمد لله که از کتاب خود سایر کتب صحیح معتبر دیگر یادی ... حدیث
صحیح از عیسی بن قاسم منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که آیا نماز ... میتوان کرد که مسجد ... فرمودند که بلی و ... سُئِلَ اَبُو جَعْفَرٍ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنِ الْبَوْلِ يَكُونُ عَلَى السَّطْحِ اَوْ فِي مَكَانِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ فَقَالَ اِذَا
جَفَّفَتْهُ الشَّمْسُ فَصَلِّ عَلَيْهِ فَهُوَ طَاهِرٌ و در صحیح زراره منقول است ... گفت سؤال
کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از بولی که بر پشت بام کرده ... یا در جای
که در آنجا نماز خواهند یا خواهیم که نماز کنم جون ... حضرت فرمودند که آفتاب او را خشک کند
نماز بکن که آن زمین پاک است و این حدیث ظاهر ... در جاها که آفتاب ... خشک کرده
... فقه رضوی ... مذکور است ... حدیث صحیح ... است ... نماز
که گفت سؤال کردم از ... حضرت امام ابی الحسن ... ابن موسی ... عل[illegible]
... او از آن حضرت ... زمین ... که بول ... باشد ...
از جاهایی که ... از آن نماز یا آفتاب از پاک کند بعد ... جعفر ...

... آفتاب پاک کند و در صحیح زراره و حدید منقول است که گفتند عرض نمودیم به حضرت
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هر گاه بول ... باید ... پیش ... بر آن جای
... از آن مکان نماز ... ... فرمودند که تا آفتاب ... و بعد خشک شود ...
... و ظاهر الحدیث آنست که نماز نمی توان کرد ... و دلالت ... طهارت ... کند ...
... قریب باین ... و ... در احوط ... که ... بر آن بول ... موضع ... است ...
... ... اصل ... احمل میتوان کرد بر صورتی که خشک شده باشد ...
آفتاب ... باشد ... و ... حدیث ... آفتاب ... ... بر آن ... که ...
... علی بن جعفر وارد است که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیه از بوریاها که بول بر آن میکنند آیا نماز میتوان کرد بر وجهی که خشک شود
... فرمودند که بلی ... کرده بر ... در آفتاب خشک شده باشد ...
... احمل بر ... میتوان کرد ... حدیث ... صریح است در طهارت ...
... احمل بر ... میتوان کرد ... ظاهر میشود که آفتاب مطهر است هر چه ... خشک کند ...
... جاها که ... نقل نمیتوان کرد مانند زمین و حصیر و بوریا ... اگر نقل
... باشد ... منصوب ... حکم زمین ... درخت و میوه که
... باشد ... که ... باشند اگر آفتاب ... طرف ... باشد اگر
... باشد ... طرف ... یا ... که اکثر علما ... فروع
... است ... حدیث ... که حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه فرمودند که هر چه آفتاب بر وی تابید ... طاهر است ... و فقه
رضوی ... و تطهیر ... مخصوص زمین ... باشد ... اصحاب ... باشد
... عن ابی بکر الحضرمی ... اَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
... اَلَّتِي يَبُولُ فِيهَا النَّاسُ ... اِلَى الدَّوَابِّ ... وَ ...
... بِالصَّلَاةِ ... اِذَا ... تُصَلِّي عَلَى ...

حسن کالصحیح منقول است از ابی الحمار از علی دار صدوق از همین که [illegible] محمد
ابن مسلم [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گفت سوال کردم از آنحضرت
از سنان که [illegible] که داخل فرج سی [illegible] بول اسب و استر و الاغ و [illegible]
سرگین اینها میباشد و هر دو فضلهای نا [illegible] فرج اند حکمی نه در ان نجاسات [illegible]
حضرت [illegible] جامه ها [illegible] بالای جامه نماز کن و از محمول است بر استحباب
چون احادیث صحیحه وارد است بر آنکه واجب نیست که مواضع نماز [illegible] باشد
دانکه لازم است که موضع پیشانی پاک باشد چه نص صحیح [illegible] دلالت بر آن میکند
شک نیست که احوط طهارت است و آنکه در حدیث مذکور است که نماز کن بر جامه [illegible]
استحباب نظافت موضع نماز است و صریح نیست که سجده بر جامه توان کرد بلکه ممکن است که حمل کنند
بر آنکه جامه پنبه یا کتان باشد چنانکه غالب اوقات در بلاد عرب پنبه و کتان می پوشند
در حالت اضطرار سجده بر هر دو میتوان کرد و تحقیقش خواهد آمد و سَأَلَ عَلِيُّ ابْنُ
مَهْزِيَارَ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي الْبَيْدَاءِ [illegible]
صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْدَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ وَقْتُهَا كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ [illegible]
[illegible] عَنْ يُصَلِّيَ فِي الْبَيْدَاءِ فَقَالَ يُصَلِّي فِيهَا وَيَتَجَنَّبُ [illegible] الطَّرِيقِ [illegible] صحیح
منقول است که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] و وقت نماز واجب در آید مثل نماز صبح و نماز [illegible] و [illegible]
[illegible] نماز [illegible] وحال آنکه [illegible] است [illegible]
که در انجا نماز کند میکند و در میان [illegible] عمیکند یعنی در هر دو [illegible] نماز میکند
[illegible] دیگر [illegible] و از [illegible] طاهر [illegible] و کراهت [illegible]
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيُّوبُ ابْنُ نُوحٍ [illegible] فَقَالَ [illegible]
وَ يُصَلِّي در [illegible] اول [illegible] کرده است [illegible]
[illegible] الخ [illegible] چنانکه کلینی [illegible]

که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که وقت نماز [illegible] داخل شود و [illegible]
[illegible] هر دو [illegible] میان [illegible] و [illegible] و [illegible] و سَأَلَ عَلِيُّ ابْنُ
جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى ابْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَنِ الْبَيْتِ وَالدَّارِ لَا تُصِيبُهُمَا الشَّمْسُ
[illegible] الْبَوْلُ وَ يُغْتَسَلُ فِيهِمَا مِنَ الْجَنَابَةِ [illegible] إِذَا جَفَّتَا [illegible]
الصَّلَاةِ [illegible] فَقَالَ [illegible] منقول است از علی که گفت
سوال کردم از برادرم صلوات الله علیه [illegible] که آفتاب [illegible] که از [illegible]
[illegible] کرده [illegible] کرده باشند که از [illegible] کرده باشند
[illegible] نماز [illegible] میتوان کرد [illegible] باشد و نجاست [illegible] کرده باشند
[illegible] و جامه [illegible] فرمودند که بلی یعنی موضع نماز [illegible] که پاک باشد
[illegible] که نجاست [illegible] باشد [illegible] موضع پیشانی که مستثنی است [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و [illegible] گفت که از آنحضرت سوال
کردم از نماز [illegible] جایز است حضرت فرمودند که باکی نیست و امثال [illegible]
[illegible] از [illegible] مواضع [illegible] است که [illegible]
[illegible] و سَأَلَ عَمَّارٌ ابْنُ مُوسَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
عَنِ الْبَارِيَةِ [illegible] هَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهَا فَقَالَ إِذَا جَفَّتْ
[illegible] و منقول است که عمار از آنحضرت صلوات الله علیه سوال کرد
از [illegible] آب [illegible] آیا جایز است نماز کردن [illegible] حضرت
فرمودند که [illegible] شود باکی نیست نماز کردن بر آن [illegible] مضمون
[illegible] حدیث صحیح از علی بن [illegible] و حدیث [illegible]
[illegible] نماز [illegible] هر [illegible] نجاست [illegible] باشد
[illegible] موضع پیشانی پاک باشد [illegible]
[illegible] گفت سوال [illegible] موضعی [illegible] نماز [illegible]

وافتاب بران نرسد ولیکن موضع نجس خشک شده باشد حضرت فرمودند
که نماز بران نمیتوان کرد وان موضع را نشان بکنید تا [illegible] وید و دیگر پرسیدم [illegible]
که ایا افتاب پاک میکند زمین را حضرت فرمودند که هرگاه موضعی نجس شده
باشد از بول یا غیر آن پس افتاب باو برسد تا اورا خشک کند و پس [illegible] بر [illegible]
موضع جایز است و اگر افتاب باو نرسد و موضع نجس خشک نشده باشد
از بول و یا غیر آن و تر باشد جایز نیست نماز کردن بران تا خشک شود و اگر
پای تو تر باشد و یا پیشانی تو تر باشد و یا غیر این در موضع [illegible] که باین موضع
نجس رسید در آن موضع نماز مکن تا عضو تو خشک شود که جایز نیست موضع
نجس نماز کردن که نجاست تعدی کند خواه آن موضع تر باشد یا بدن تو و سوال
کردم از شخصی که وضو بسازد و پا برهنه راه رود و در پای او تر باشد حضرت
فرمودند که اگر [illegible] تر است چون فرش زمین شما سنگ ریزه است [illegible]
او کافیست شما را که بران راه روید پس حضرت فرموده اند که اما مارا جایز است
چون فرش زمین ما سنگ ریزه است بدانکه از حدیث اول و حدیث [illegible] استدلال
کرده اند بر انکه شرط است که موضع جبهه پاک باشد چون [illegible] اعتبار
دلالت میکند بر انکه موضع سجده پاک [illegible] شود [illegible] از آن که اگر افتاب
او را خشک کرده باشد نماز میتوان کرد یعنی موضع [illegible] [illegible]
زیرا که اخبار بسیار گذشت و خواهد امد که اگر موضع نماز نجس باشد [illegible]
میتوان کرد و اما خبر اخر [illegible] دلالت میکند که زمین مطهر است [illegible]
[illegible] اگر سنگ و سنگریزه باشد که [illegible] نرسیده باشد [illegible]
که خبر اول حدیث [illegible] ب کند [illegible]
افتاده دیده باشی که [illegible] پاک نشود [illegible]
[illegible] محقق [illegible] طهارت زمین کرده است [illegible]

[illegible] نکرده بر زمین [illegible] که جزو اخر از جهة نظافت باشد که اگر [illegible] شد
برخاک راه رود و کراهت داشته باشد از کردن تا پا را نشوید و اگر زمین
سنگ ریزه باشد احتیاج بشستن نداشته باشد و سَأَلَ [illegible] أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَ
[illegible] اللّٰه اَذْكُونَه تَكُونُ [illegible] الجَنَابَة أَيُصَلّى عَلَيْهَا فِي الْحَجْرِ فَقَالَ
لَا بَأْسَ بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهَا و بسند صحیح منقولست از زراره که گفت سوال
کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از بالش یا کتیبه یا امثال آن
که در [illegible] باشند و بر ان منی باشد اما نماز بر ان میتوان کرد در کجاوه حضرت
فرمودند که باکی نیست در نماز کردن بران و این خبر نیز دلالت میکند بر انکه لازم
[illegible] موضع نماز پاک باشد بلکه موضع سجده نیز چنانکه در احادیث [illegible]
استثنا نفرموده اند و طهارت موضع سجده را ولیکن چون غالب آن بوده
است که از پشم بوده است یا از پنبه است نیز بر ظاهر است که بعضی بر [illegible]
میکرده اند و سجده میکرده اند علی الظاهر چنانکه خواهد امد و چند حدیث
مثل این در باب شاذ این کونه وارد شده است که جایز است و در حدیث موثق
کالصحیح [illegible] عبد الله بن [illegible] منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از شاذ کونه که بان میرسد احتلام که ایا نماز بران
توان کرد حضرت فرمودند که این محمولست بر کراهت و یا در صورت
[illegible] منی [illegible] و تعدی کند به بدن یا جامه مصلی و روایت محمد بن مسلم عن
ابی جعفر صلوات الله علیه اَنَّهُ قَالَ لَا بَاسَ بِاَنْ تُصَلِّيَ عَلَى التَّمَاثِيلِ إِذَا جَعَلْتَهَا
تَحْتَكَ [illegible] مرویست کالصحیح در صحیح از محمد از حضرت امام
[illegible] باقر صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست در صورتها هرگاه
[illegible] باشد و [illegible] از محمد بن مسلم روایت کرده اند که گفت
[illegible] باقر صلوات الله علیه و با حضرت امام جعفر صادق صلوا

علیهما

۱۰۷

الله علیه از صورتها که در بوریا میباشد حضرت فرمودند

که هرگاه از دست راست تو باشد یا دست چپ تو باشد و یا پشت سر تو یا زیر

پاهای تو باشد و اگر در برابر قبله باشد جامه بر رویش بینداز و نماز کن و ظاهرا

تماثیل اعم است از صورت درختان یا حیوانات یا انسان و عدم بأس

منافات با کراهت ندارد و ممکنست که مراد از آن صورت درختان باشد

و منع از صورت ظاهرا در قبله از جهة آنست که در شبیه به بت پرستی

نباشد و خاطر متوجه آن نشود پس اگر نقش اسلیمی خطائی باشد و نقشی

که شبیهی ندارد دغدغه ندارد و چون مثال چیزی نیست و اگر صورت مجسمه

باشد که صورت سایه داشته باشد مشهور میان علما حرمت است

است و دغدغه بطلان صلوة میشود و اگر سایه دار نباشد و ناقص باشد

مثل صورت مرغان که غالبا یک چشمند کراهت کمتر است و اگر دو

چشم باشد و یک چشم او را کور کنند کراهت تخفیف میابد و احادیث بسیار

وارد شده است در نهی از تصویر از الجمله در حدیث کالصحیح از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هر که صورت

بکشد در روز قیامت امر میکنند که روح در آن بدمد و کالصحیح

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند

که آن جماعتی که ایذا میکنند خدا و رسول را ... در روز

قیامت امر میکنند که روح در آن بدمند و کالصحیح از حضرت امام

صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که در روز قیامت

بکس عتاب میکنند اول شخصی که خواب دروغ نقل کند ...

... که گره زند دو جو را بهم نتواند هرگز ... و دوم

صورت کشد او را گویند که جان بده این صورت را و هرگز نتواند

بیت

بسوزانند با آتش و در حدیث کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که جبرئیل علیه السلام آمد

... گفت پروردگارت سلام میرساند و میفرماید که خانها را صورت

نکشید و در حدیث صحیح از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است

که فرمودند بنا مکنید بر سر قبرها و صورت مکشید سقفهای خانها را

بدرستی که سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم آنخوش نمی آمد آنها

و غیر اینها از احادیث بسیار و اکثر حمل کرده اند اخبار را که دلالت میکند

بر حرمت ظاهرا بر صورت مجسمه و هرچه بلفظ کراهت وارد شده است

بر صورت مجسمه و احوط اجتنابست از همه و سأل لیث المرادی اباعبد الله

عليه صلوات الله عليه عن الوسائد تكون في البيت فيها التماثيل عن يمين

او عن شمال فقال لا بأس به ما لم تكن تجاه القبلة فان كان شيء منها

بين يديك مما يلي القبلة فغطه وصل وسأل عن التماثيل تكون في

البساط لها عينان وانت تصلي فقال ان كان لها عين واحدة فلا

بأس وان كان لها عينان وانت تصلي فلا منقولست از لیث مرادی

... و ظاهرا از کتاب عبد الله بن مسکان نقل کرده است چون شیخ ...

از عبد الله بن مسکان از لیث روایت کرده است و سند صدوق تا ابن مسکان

صحیح است و حدیث صحیح ... علی الظاهر که او سوال کرد از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه از تکیه گاهها که در بوریا میباشد و در آن

تماثیل ... اگر ... راست و یا دست چپ باشد چون نست حضرت

... مصلی ... باکی نیست و اگر تکیه گاهی که صورت داشته باشد

... رو ... وقتی ... پرسیدند از صورتها ...

... می باشد که از او ... جسم باشد و تو نماز کنی چون نست حضرت

[margin notes: المرادی — ۲۰ ; از تکیه — ۲]

که اگر یکچشم باشد مانند مرغان و یا اگر دو چشم داشته باشد یک چشم را
کور کرده باشند باکی نیست و اگر دو چشم داشته باشد تو نماز کنی جانب
باشد و نیکو نیست خوب نیست یا چنین مکن و سوال اخیر را شیخ باسناد صحیح از
ابن ابی عمیر روایت کرده است از بعضی از اصحاب خود ظاهر اینست بوده
باشد از حضرت صلوات الله علیه و ممکن است که همین حدیث باشد بغیر
انکه شیخ هر دو حدیث را از کتاب حسین بن سعید روایت کرده است
و سوال اخیر را از لیث روایت نکرده است و چون صدوق نیز داوهم صحیح
است باهم ذکر کرده است والله تعالی یعلم و قال صلی الله علیه لا باس بالصلات
وانت تنظر الی التصاویر اذا کانت بعین واحدة و بدو سند صحیح منقولست
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه که باکی نیست در نماز کردن
در حالتی که نظر بصورتها کنی هرگاه یکچشم داشته باشد و منافات ندارد و عدم
باس با کراهت بلکه موید کراهتست چنانکه در حدیث حسن کالصحیح از حضرت
صلوات الله و سلامه علیه منقولست که فرمودند که حضرت امیر المومنین صلوات
الله مکروه میدانستند باکراهت داشتند از صورتها و چند [illegible] حدیث
کالصحیح نیز بهمین عبارت وارد شده است که جمع احادیث مطلقه
را حمل بر احادیث مقیده میتوان کرد که کراهت [illegible] باشد [illegible] دو چشم
و محاذی قبله باشد ولیکن الظهر اینست که در مستحبات حمل مطلق بر مقید
نباید کرد بلکه با طلاق مکروه است و در صورت مقید شدید کراهت
[illegible]ت و اکثر علما نیز بر ینند و ظاهر امراد از صور [illegible] صورت [illegible]
باشد پس اگر صورت درخت و افتاب و ماه باشد
[illegible] نقش سبک خواهد بود چنانکه در حدیث صحیح [illegible]
[illegible]ت که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

بتمثال درخت و افتاب و ماه حضرت فرمودند که باکی نیست که مادام که
صورت حیوانات نباشد و از اخبار که بسیار ظاهر میشود که صورت
[illegible] ان بد تر است و قال الصادق صلوات الله علیه لا تصل فی دار فیها
[illegible] ان یکون کلب الصید و اغلقت دونه بابا فلا باس فان الملائکة لا
تدخل بیتا فیه کلب و لا بیتا فیه تماثیل و لا بیتا فیه بول مجموع فی انیة
و منقولست از حضرت صلوات الله علیه فرمودند که نماز مکن در خانه
که در ان خانه سگ باشد مگر انکه سگ شکاری باشد و در ان نیز
نماز کردن نباشد و در بر روی او بسته باشند و با توان بستن که در این
صورت باکی نیست که در انخانه باشد پس بدرستی که فرشتگان داخل
نمیشوند در خانه که در ان خانه سگ باشد و نه در خانه که در ان صورت
صورت باشد و نه در خانه که در ان خانه بول جمع
در ظرفی باشد ظاهر اصدوق چند حدیث را باهم منضم ساخته است
از انجمله حدیث صحیح از عبدالله بن مسکان که اهل اجماع است منقولست
از محمد بن [illegible] مشتمل است و نیز ندارد از حضرت امام جعفر صادق صلوات
[illegible] و سلامه علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند که جبرئیل
[illegible] السلام امد [illegible] ما که ما گروه فرشتگان داخل نمیشویم در خانه که در ان صورت سگی یا
صورتی [illegible] باشد [illegible] مضمون حدیث صحیح و کالصحیح بسیار از حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و اله و سلم منقولست و در حدیث صحیح از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
[illegible] علیه منقولست که فرمودند که [illegible] خوب دین [illegible] مکن سگ شکاری [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین [illegible] علیه و اله و سلم رخصت داده [illegible]
[illegible] صحابه [illegible] باشد [illegible] خوف [illegible] داشته
[illegible] نگاه داشتن سگ [illegible]
[illegible]

اینده م

و در حدیث قوی هم

محمد [illegible]

حسن کالصحیح از حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] که مکروه است که در خانه تمثال آن سگ باشد و در حدیث کالصحیح از [illegible]
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که ملائکه داخل [illegible] در خانه [illegible]
[illegible] کم میشود و همچنین فرمودند که سگ در خانه نگاه ندارید مگر آنکه سگ شکاری باشد
و تواند در [illegible] که در خانه باشد [illegible] و در حدیث صحیح از [illegible]
منقولست که روزی من در خدمت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم در آن مکان
[illegible] که آنحضرت [illegible] افضل الصلوات و اکمل التحیات [illegible]
سگی که تمام بدنش سیاه بود فرمودند که [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] مانند [illegible] گفتم فدای تو گردم [illegible] حضرت
الله علیه فرمودند که [illegible] سگ [illegible] هشام بن عبد الملک
بن مروان [illegible]
کالصحیح منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله وسلم مرا فرستادند [illegible] که [illegible]
و هر قبری [illegible] و در حدیث صحیح از علی بن جعفر [illegible]
که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه [illegible]
او صورتها باشد [illegible] باشند [illegible] باشد [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند که هرچه [illegible]
[illegible] صورتها [illegible] پرسیدم که هرگاه [illegible]
فرمودند که هیچ باکی نیست [illegible]
[illegible]
[illegible] که در [illegible] باشد [illegible]
[illegible] فرمودند که [illegible] پرسیدم که [illegible]

[illegible] باشد و آنچه صورت [illegible] باشد در طرف [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] باشد [illegible] دو نماز کند
حضرت فرمودند که باکی نیست و دیگر پرسیدم که هرگاه [illegible] باشد صورت [illegible]
[illegible] اطفال بازی میکنند [illegible] حضرت
فرمودند که [illegible] اگر نماز کرده باشد اعاده
نماز [illegible] سوال کردم از مسجد که در آنجا صورت [illegible] باشد آیا نماز میکنند در آن مسجد
حضرت فرمودند که [illegible] میکند که صورت [illegible]
[illegible] باکی نیست [illegible] میکنند و صورت
[illegible] در غالب اوقات [illegible] و در قرب الاسناد حمیری موجود است
[illegible] احادیث صحیحه دیگر [illegible] باشد باطل
[illegible]
[illegible]
و اگر [illegible] باشد و اعاده کند در وقت و قضا کند [illegible]
[illegible] باشد و الله تعالی یعلم و در حدیث
[illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست در تفسیر آیه که حق سبحانه و تعالی
[illegible] حضرت سلیمان [illegible] سلیمان [illegible] مساجد و
[illegible] حضرت فرمودند که صورت زنان و مردان نبود بلکه صورت درخت و امثال آن بود و در حدیث
[illegible] مسلم منقولست که [illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible] نماز کردن [illegible]
[illegible] صادق صلوات الله علیه که فرمودند [illegible]

در اثنای نماز ... باشد یا هست کنیم ... که فرشگاه ... خانه داخل ... شود

که نماز ... خانه ... که با اضافه ... باشد ... است ... باشد و ...

... و ظاهر ... که حمل کنیم کلام ...

حرمت ... کرده اند که ... شراب ... که ... باشد ...

نماز کند ... خواهد بود ... یا آنکه ... واجب ... نماز

... از جهة ... و همچنین هر گاه نماز جمع شود با واجب ...

... که ... بر عدم جواز ... از جهة نفی ... در ...

است چنانکه در روضة المتقین بیان شده است وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ مَنْ كَانَ فِي مَوْضِعٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْأَرْضِ فَلْيُومِ إِيمَاءً أَوْ كَانَ فِي أَرْضٍ

مُنْقَطِعَةٍ و منقول است از ابو بصیر ... الشأن و ظاهر از کتاب ابن مسکان بر داشته

... که شیخ روایت کرده است از ابن مسکان از ابی بصیر ... باشد بنا بر آنچه

در آخر ذکر کرده است ... است که حضرت علیه الصلوة والسلام ... که هر که

در موضعی باشد که قدرت بر زمین نداشته باشد یا آنکه ... باشد در نماز

... اگر ممکن باشد و اگر ... و اگر ... باشد که ... باشد

... منقطع باشد یا آنکه ... باشد و ... نماز ...

... چنانکه در ... خواهد آمد و سَأَلَ سَمَاعَةُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ...

الْمُشْرِكِينَ ... الصَّلَاةَ ... الَّذِي ... إِيمَاءً ... و باسناد

کالصحیح از سماعه منقول است که گفت سوال کردم از ... حضرت صلوات الله

که ... باشند ... داخل شود ...

او را از نماز حضرت فرمود ... باشم ...

... صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ ...

... وحشها و هو وحش لا ...

سند دوم ... دیند

که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که مرد و زن در یک ... نماز ...

که هر یک ... در میان ایشان فاصله باشد برابر او ... هر یک بر سر خود نماز ...

... یک شبر فاصله ... برتقدم مرد بیک شبر چنانکه اخبار دیگر بر آن دلالت کرده است

و در صورت ... محاذی خواهد بود و فی روایة زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه ...

او بینه قدر ما یتخطی او قدر عظم الذراع فصاعدا فلا بأس صلت بحذاه وحدها و بسند صحیح

از زراره منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله ... صورت که حضرت فرمودند که هر گاه میان

مرد و زن بقدر ... باشد یا بقدر استخوان ذراع یا بیشتر باکی نیست که زن محاذی مرد باشد و تنها نماز کند و

... یک شبر باشتراط انفراد

... جماعت نکنند که اگر نماز جماعت کنند سنت است که زن در عقب مرد باشد ... چنانکه خواهد آمد در باب

جماعت و در حدیث صحیح دیگر از زراره از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که گفت از آنحضرت سوال کردم از زن که هر گاه

نزد مرد نماز کند حضرت فرمودند که محاذی او نماز نکند مگر آنکه ... مرد مقدم باشد بر زن ... باشد

و در حدیث صحیح محمد بن مسلم ... که گفت سوال کردم از احدهما صلوات الله علیهما ...

... ذکر شد ... نماز کند برابر او حضرت صلوات الله علیه فرمودند که ... اگر میان ایشان

فاصله ... یک شبر ... است ... مقدم ... یک شبر و ظاهر است چون فاصله

... در حدیث صحیح ... ادریس بن عبد الله که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام

... صلوات ... هر گاه شخصی در برابر او ... ایستاده باشد ... پهلوی او ...

... که اگر آن زن نشسته باشد ضرر ندارد و اگر نماز کند خوب نیست چون فاصله نیست ... و در حدیث

صحیح محمد بن مسلم منقول است از احدهما صلوات الله علیهما که گفت عرض نمودم که هر گاه مرد و زن در ... بجا

... فرمودند که اول مرد نماز کند ... و ... مقدم ...

... عبد الله بن ابی یعفور ... که گفت عرض نمودم بخدمت امام جعفر

... نماز ... حضرت فرمودند ... اول نماز کند

... نکند ... باشد یا ایستاده باشد ...

آنکه فاصله ده ذرع شرعی باشد اگر چه هر یک از جنبی و با نیت نماز کنند ضرر ندارد و اگر [illegible]

صحیح نماز و در حدیث محمد بن مسلم وارد شده از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که از آنحضرت [illegible]

کردند که زن نزد مرد نماز میتواند کرد حضرت فرمودند که اگر در میان هر دو حایلی باشد [illegible]

و در حدیث صحیح علی بن جعفر روایت است که [illegible] کوتاهی یا [illegible] که [illegible] حایل است

یا قدر ده ذرع کافیست مجملا احادیث در این باب متواتر است که ظاهر همه ضعیف است [illegible]

جمیل است [illegible] جمیل عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال لا بأس ان تصلی المرأة بحذاء الرجل

وهو یصلی فان النبی صلی الله علیه و آله کان یصلی و عائشة مضطجعة بین یدیه وهی حائض

وکان اذا اراد ان یسجد غمز رجلیها فرفعت رجلیها حتی یسجد و بسند صحیح منقول است

از جمیل از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست که زن نماز کند محاذی

مردی که نماز کند بدرستی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نماز میکردند و عایشه [illegible]

برابر آنحضرت خوابیده بود در حالتی که حائض بود و چون حضرت صلی الله علیه و آله و سلم میخواستند که سجده

کنند پای او را میفشردند تا پا را [illegible] و حضرت سجده کنند و [illegible] جواز محاذات [illegible]

میتوان کرد بر صورتی که یک وجب فاصله باشد یا حایل یا ده ذرع [illegible] احادیث

صحیحه [illegible] ظاهر تر است [illegible]

[illegible] باشد و حایض باشد و خوابیده باشد نماز صحیح باشد [illegible]

[illegible] داشت و حدیث جمیل را شیخ ذکر کرده است [illegible]

[illegible] ذکر کرده [illegible] که [illegible] باشد

[illegible] باشد [illegible] که حضرت فرمودند که [illegible]

[illegible] باشد [illegible] قریب [illegible]

[illegible] از حضرت [illegible]

علیه نقل کردند که از آنحضرت سؤال کردیم که [illegible]

[illegible] باشد [illegible] حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] آنحضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] صلوات الله علیه [illegible] باشد و [illegible]

[illegible] باشد [illegible] ذرع [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] محاذات [illegible]

[illegible] باشد [illegible] معلوم نیست [illegible]

[illegible] و ان [illegible]

[illegible] اخبار است و صحیحه علی بن جعفر [illegible] است [illegible]

والله [illegible] ولا بأس ان یکون بین یدی الرجل [illegible]

[illegible] که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] است [illegible] باشد [illegible]

باشد [illegible]

[illegible] است [illegible] است [illegible]

[illegible] باشد سنت است که [illegible]

[illegible]

[illegible] است که سنت است [illegible]

[illegible] منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است فرمودند که

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] وقت نماز [illegible]

[illegible] و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است فرمودند که [illegible] نماز

[illegible]

[illegible] نصب کنید [illegible] قریب [illegible]

[illegible] از آنحضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

و دو دست نمازی بر بدن خود مسح کنند که ساق [illegible] بکشد که [illegible]

و در حدیث صحیح از حضرت امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما منقولست که اگر

شخصی نماز کند میباید که در برابر خود نماز گاه را جمع کند که بلند شود یا خطی در برابر خود بکشد

که ستر او باشد و سنگی که از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند

که فرموده‌اند که هرگاه شخصی در صحرا نماز کند از دیگری برابر خود بگذارد یا آن سنگ که [illegible] بالا بود

او باشد و اگر آن نباشد سنگی و الا نیزه را نصب کند و اگر هیچ نیز نیست خطی بکشد و در حدیث

کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه و آله و سلم کلاهی را در برابر خود میگذاشتند و نماز میکردند و غیر اینها از اخبار صحیح که

روایت بسیار است و در حدیث کالصحیح از محمد بن مسلم منقولست که ابوحنیفه بخدمت حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه آمد و عرض نمود که دیدم فرزند شما موسی را که نماز میکرد و مردمان از برابر او میگذشتند

و او ایشان را منع نمیکرد و چون نزد علما منع میکنند و ناکسان جایز میدانند و ضبط [illegible]

نمیکنند حضرت فرمودند که فرزند شیخ [illegible] است در بر همه کس و خاطر بر است با آنکه شما از او ناجیب خود کرده‌اید که بعدا [illegible]

شما را بیابد باشند و امام تو زده او را عیب کند در حضور و کرد حضرت فرمودند که موسی را اطلبیدند و خود

حاضر شد حضرت فرمودند که ابوحنیفه بر تو عیب میکند که نماز میکنی و مردمان از پیش تو میگذرند

و منع ایشان نکردی یا ستری نداشتی که سبب منع باشد جواب که کسی باشد عجل

است و من در نماز در حضور امام موسی علیه السلام فرمودند که کسی را که من عبادت او میکنم

نزدیکتر از مردمان بود بمن با آنکه حق سبحانه و تعالی میفرماید [illegible] بر توام [illegible]

پس حضرت صادق صلوات الله علیه حضرت موسی را در بر کرفتند و فرمودند که [illegible]

باد ای کسی که محل اسرار حقی [illegible] و علما را فی عبادت حضرت ظاهر این صحیح دلالت دارد که مرجان [illegible]

[illegible] بودم در منزلی که تحقیق کرده‌ام و ما را که ایشان را دفع کنم [illegible]

و تفسیر میکنند در [illegible] ایذای مسلمانان [illegible] که من از ایشان

نیز دیدم که [illegible] واجب نبود یا من نجف الید [illegible]

تا از جهان [illegible] ابوحنیفه و صحیح بوده و جهل مخالف [illegible]

و در سیر صدوق احادیث بسیاری را حمل بر تقیه کرده است و تنها که نکرده‌اند و گفته است که اگر ستر نمیکند [illegible]

حیث و الله تعالی یعلم

امر با یحیب در بیان جامه‌ها که در آن جامه‌ها نماز میتوان کرد و آنچه نمیتوان کرد

و میباید که اولا جایز است بودن اجای پشت بودن بدانکه واجب است در حالت نماز که عورت

پوشیده باشد خواه کسی باشد و خواه کسی نباشد و عورت مردان ذکر و انثیان و دبر است [illegible]

علما گفته‌اند که واجب است بر عامه که از ناف تا زانو پوشیده باشد و بعضی از نصف ساق

گفته‌اند و شک نیست که بهتر است اما جزم بوجوب مشکل است و لباس مصلی میباید که جامه [illegible]

حلی باشد که عورت را بپوشد که رنگ آن در زیر جامه پیدا نباشد و در حجم خلاف است احوط

آنست که حجم نیز مستور باشد و لازم است که حریر محض نباشد و پوست و موی حیوان غیر ماکول

اللحم نباشد و مکرر خبری چند که مستفیض خواهد شد و روی محمد ابن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله

عليه انه سأله عن جلد الميتة يلبس في الصلوة اذا دبغ فقال لا ولو ان دبغ سبعين مرة

باسانید صحیحه منقولست از محمد بن مسلم که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از

پوست مردار که مرده باشد اگر دباغی آن بکنند آیا آن در نماز میتوان پوشید حضرت فرمودند که نه

نمیتوان و هرچند نماز کرد اگرچه هفتاد مرتبه دباغی آن پوست کرده باشند و در حدیث صحیح از ابی

[illegible] منقولست که او از جمعی از فضلای اصحاب آنحضرت روایت کرده است از آنحضرت صلوات الله

علیه که فرمودند که نماز مکن در پوست مرده اگرچه بقدر نعلین از آن پوست باشد و مبالغه

هفتاد مرتبه از آن جهت است که اکثر عامه مرده را به دباغی پاک میدانند و احادیث

صحیحه بسیار از ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم منقول است بر رد ایشان و در حدیث

[illegible] است که راوی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال میکند که

این [illegible] از حیوان [illegible] حضرت صلوات الله علیه فرمودند که [illegible]

[illegible] عامه که حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه

و آله و سلّم گذشتند بگوسفندی که مرده بود فرمودند که ... پوست

آن چه شد که از گوشت این تمتع نتوانستند شد اما از پوست منتفع میتوان شد ...

که این حکایت بر مادهٔ گوسفند سوده نیست بلکه واین روشن است که این حکایت از زبان حضرت سید

المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم است و آن گوسفندی که مرده بود که از گوشت آن منتفع

نمیتوانستند شد و کار انداختند تا از خانه بیرون اندازند حضرت صلی الله علیه و آله

و سلّم فرمودند که از پوست آن منتفع نمیتوان شد چرا که کار انداختند تا عیبی و نقص

که از انکشتن ... غلط ... و احادیث صحیحه هم چنین بر آن دلالت دارد

لکن در نجاست صریح نیست بلکه حدیث اول ظاهر بود که در ما لا یتم الصلوة فیه از

میته نمیتوان کرد اگر چه ممکن است که در ما لا یتم الصلوة محمول بر کراهت باشد و الله و اضح

شده است که از میته منتفع نمیتوان شد مراد از این خبر است که حیوانی که در ان روح حلول کرده بود

داخل میته است و آنچه روح در آن حلول نکرده است میته نیست و از آن منتفع میتوان شد باحادیث بسیار

مانند موی و پشم و کرک و استخوان و دندان و شاخ و سم و پر و پنیر مایه ... که پوست

بالای آن سبعه باشد و خواهد آمد تفصیل اینها در باب اطعمه و سَأَلَ الصَّادِقَ صَلَوَاتُ

اللهِ عَلَيْهِ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ

طُوًى قَالَ كَانَتَا مِنْ جِلْدِ حِمَارٍ مَيِّتٍ و بسند موثق کالصحیح با صحیح منقول است از یعقوب

که از آن حضرت صلوات الله علیه سوال کردند از تفسیر فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی فرمودند که بیرون

کن نعلها که در پا داری چنانکه از روایت این خبر در کتب الله فرمان رسید کفشها چو

صلوات الله علیه فرمودند که از پوست خر مرده بود در وقت مناجات و نماز عیب باشد که با آن

میته نماز و مناجات کند و در جوهری مذکور است که از جهت رعایت ادب بود چنانکه

است که با برهنه پا طواف حرم و مسجد الحرام شوند و منقول است که حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج که ... نعلین ... رعایت

کنند خطاب رسید که ... تا عرش بیا با کفش

بکفش ...

... بر خریطهٔ بن سعید که ابی شبه و هم را دیدند که وقت نماز ... دیدن

چه گفته اند که فکر نماز در حضرت بود یا فکر دنیا و عقبی عین دین و قرب ... صحیح

ج و امثال اینها گفته اند و مستبعد نیست که هر دو صحیح باشد و این حدیث دلالت

بر آنکه شریعت ابو حنیفه مکو علم به ... ان علم ایشان ... بر سد و الله یعلم و سئل

... صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ أَبُو عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُمَا إِنَّا نَشْتَرِي

... يُصِيبُهَا الْخَمْرُ وَوَدَكُ الْخِنْزِيرِ عِنْدَ حَاكَتِهَا أَنُصَلِّي فِيهَا قَبْلَ أَنْ تُغْسَلَهَا

فَقَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللهُ أَكْلَهُ وَ شُرْبَهُ وَلَمْ يُحَرِّمْ لُبْسَهُ وَمَسَّهُ وَ

الصَّلٰوةَ فِيهِ و باسانید صحیح ... منقول است از حریز که او روایت کرده است از بکیر بن اعین از حضرت

امام محمد باقر صلوات الله علیه و از ابو الصباح کنانی و ابو سعید و حسن سال از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گفتند که عرض نمودیم بحضرت که ما میخریم جامه

چند که بافندهای آن جامهها بر وقت بافتن شراب میخورند و بر آن جامهها شراب میریزد

... گوشت خوک کوما کو و غیر آن میمالند با آنکه گوشت خوک میخورند نصاری و دست

ایشان چرب است و کاه میبافند بدست ایشان چرب است یا نماز میتوان کرد در آن جامهها

... آنکه آن جامهها بشوئیم هر دو حضرت فرمودند که بلی باکی نیست حق سبحانه و تعالی

... گوشت خوک و آشامیدن شراب را حرام کرده است و پوشیدن آن جامه و دست

مالیدن و نماز کردن در آن جامه را حرام نکرده است بدانکه ظاهر این حدیث آن است

که شراب و خوک هر دو پاک است و در شراب قول بطهارت مشهور است و در خوک مشهور است مگر

... ابن بابویه و شیخ طوسی ... طاهر و جمعی نقل اجماع کرده اند ... بنجاست خوک و حدیث صحیح نیز دلالت

... شان میکنند بنجاست مغلظه و اصحاب حمل کرده اند ... که حمل علم بنجاست ما

... ...

[illegible]

[illegible]

الخنزير عند حاكتها

بر شانه

خنزیر

بجامه که [illegible] بخصوص [illegible] که [illegible] عمامه الوان [illegible]

مشوش تر است و هر جا که نفی تهمت جانب مشوش میباشد و در حدیث صحیح از حضرت

منقولست که گفت به پدر [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال

کردم که من همسایه [illegible] جامه خود را بیکی از اهل ذمه از یهود و نصاری [illegible]

میدانم که او شراب میخورد و گوشت خوک میخورد [illegible] جامه را پس میاورد آیا میباید که

نماز نخوانم کردن در آن جامه حضرت فرمودند که نماز بکن در آن جامه از جهت آنکه [illegible]

چون جامه را بعاریت [illegible] پاک بود [illegible] که نجس کرده است [illegible] نماز میتوان کرد تا علم بنجاست

آن حاصل شود و در حدیث صحیح منقولست از [illegible] که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه سوال کردم از جامههای [illegible] که در بلاد [illegible] میبافند در آن [illegible]

مجوس در آنجاها میبودند و جامههای نفیس میبافتند و ایشان همیشه جنب اند [illegible] شراب

میخورند و زنان ایشان [illegible] و زنان ایشان [illegible] حیض [illegible] میتوانیم

که بپوشیم و نماز بکنیم در آن جامهها حضرت فرمودند که بلی [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] آن جامهها [illegible]

از جهت [illegible] که حضرت [illegible] می پوشیدند [illegible]

بسیار است که دلالت میکند بر آنکه [illegible] علم عادی در نجاست سبب حکم بنجاست [illegible]

و از جمله است احادیث صحیحه که [illegible] مشک [illegible] است که نافه مشک را با خود توان داشت و با او

نماز میتوان کرد [illegible] علم عادی هست که [illegible] میکشند [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] است [illegible] دست مسلمانان [illegible]

[illegible]

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] و حضرت فرمودند تا نشوید نماز نکنید [illegible]

صحیح منقولست که از حضرت صلوات الله علیه [illegible] از نماز کردن در جامه مجوس

[illegible] نهی [illegible] نماز کنند و در حدیث صحیح [illegible] منقولست که آن حضرت صلوات

فرمودند که باکی نیست در جامههائی که یهود و نصاری و مجوس میبافند [illegible]

[illegible] نجاست علم [illegible] علم [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] علم [illegible] ایشان علم بنجاست [illegible] ممکنست که [illegible]

باشد [illegible] بنجاست [illegible] در حدیث [illegible] منقولست که گفت

سوال کردم از برادرم صلوات الله علیه که [illegible] فرشهای یهود و نصاری میتوان خوابیدن فرمودند

که باکی نیست ولیکن بر جامههای ایشان نماز نکنید و فرمودند که مسلمانان با کبران در یک کاسه

طعام نخورند و [illegible] بر فرش خود ننشانند و دست بدست ایشان نرسانند و با ایشان

مصافحه نکنند و دیگر گفت که سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه از شخصی که در بازار جامه

[illegible] از جهت پوشیدن و نمیداند که از که بوده است نماز در آن میتوان کرد حضرت فرمودند

که اگر [illegible] باشند نماز در آن میکنند و اگر [illegible] باشد [illegible] نماز در آن نکند

[illegible] است از عبدالله [illegible] که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلی الله علیه پرسیدم

از [illegible] که یهود و نصاری میبافند [illegible] میتوان کرد در آن حضرت

فرمودند که باکی نیست و اگر بشوید محبوب تر است [illegible]

[illegible] اگر بشوید بهتر است خصوصا [illegible]

[illegible] ایشان علم عادی [illegible] ممکنست [illegible]

[illegible]

[illegible]

محمد [illegible] ابا عبد الله صلوات الله علیه عن الرجل

[illegible]

مشهور آنست [illegible] از حلبی که گفت سؤال کردم از آن حضرت صلوات الله علیه از [illegible]

شده باشد و [illegible] بغیر آن جامه ندارد و نتواند آن را [illegible] پس حضرت فرمودند که

میکند و بعضی واجب است که در آن جامه نماز میکند با [illegible] و سأل [illegible] عنه

بن ابی عبد الله عن الرجل الجنب في ثوبه ليس معه غيره و لا يقدر [illegible]

قال يصلي فيه [illegible] و بسند صحیح منقولست از عبد الرحمن که گفت سؤال کردم از حضرت امام

صادق صلوات الله علیه از شخصی که جنب شود در جامه که محتلم شود و جامه ای بغیر آن جامه

دیگر نداشته باشد و [illegible] آن نداشته باشد یا آنکه آب نباشد یا اگر آب باشد خود

ضرر داشته باشد حضرت فرمودند که در آن جامه نماز میکند و في خبر آخر قال يصلي فيه فاذا

وجد الماء غسله و اعاد الصلوة و در خبر دیگر [illegible] است که عمار ساباطی [illegible] موثق

روایت کرده است که از آن حضرت صلوات الله علیه سؤال کردند از شخصی که [illegible] جامه نجس

باشد و در آن جامه نماز نتواند کرد با آنکه نجس باشد و آب هم نرسد که آن را بشوید حضرت فرمودند

که تیمم بکند و نماز میکند و چون آب [illegible] جامه را بشوید و نماز را اعاده کند و [illegible] صدوق

حمل کرده است با حدیث [illegible] فانی ثبت میان وجوب نماز [illegible] وجوب [illegible]

اعتبار [illegible] که امر [illegible] بر اجزا میکند [illegible] تسلیم [illegible] است که [illegible]

نداشته باشد و چون [illegible] حمل [illegible] میکند [illegible] است که [illegible] نماز [illegible]

که عمل [illegible] حمل بر استحباب میکنند [illegible] که احوط نماز است در جامه [illegible]

این و اکثر اصحاب [illegible] اخبار را عمل کرده [illegible] که برهنه نماز نتواند کرد [illegible]

[illegible] که برهنه [illegible] حدیث صحیح که محمد بن حلبی از حضرت امام جعفر

الله [illegible] که [illegible] محتلم شود در [illegible] جامه ندارد

و آب نباشد که [illegible] حضرت فرمودند که تیمم [illegible]

[illegible] از جهة [illegible] موثق کالصحیح [illegible]

[illegible] نماز کرد [illegible] در جامه نجس

[illegible] احوط آنست که دو نماز بکند یکی برهنه و یکی در جامه [illegible] با امکان برهنه

[illegible] هواس [illegible] باشد و خوف [illegible] داشته و احوط آنست که در جامه نماز میکند

[illegible] نص [illegible] میکند و قال علي ابن جعفر اخاه موسی بن جعفر صلوات

[illegible] عن رجل عريان و حضرت الصلوة فاصاب ثوبا نصفه دم او كله دم

[illegible] فيه او يصلي عريانا قال ان وجد ماء غسله و ان لم يجد ماء صلى فيه و لم

يصل عريانا و باسانید صحیحه منقولست از علي [illegible] که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام

موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که [illegible] باشد و وقت نماز شود و جامه نداشته باشد

که [illegible] باشد یا [illegible] باشد در آن جامه نماز میکند یا برهنه حضرت فرمودند

که اگر آب بیابد بشوید و اگر آب هم نرسد در آن جامه نماز میکند و برهنه نماز نمیکند [illegible]

[illegible] است که در آن جامه نماز میکند یا در صورت خوف مرض [illegible] و کتب صفوان

بن يحيى الى ابي الحسن صلوات الله [illegible] يسأله عن الرجل معه ثوبان فاصاب احدهما

[illegible] و لم يدر ايهما هو و حضرت الصلوة و خاف فوتها و ليس عنده ماء

كيف يصنع قال يصلي فيهما جميعا قال مصنف هذا الكتاب رحمه الله يعني على

[illegible] و بسند حسن کالصحیح منقولست از صفوان که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت

[illegible] صلوات الله علیه و عرض نمودم که هرگاه شخصی دو جامه داشته باشد و یکی از این دو جامه

[illegible] باشد و نداند که کدام یک نجس است و وقت نماز شده باشد و خوف [illegible]

[illegible] نماز و آب نداشته باشد چه کند حضرت فرمودند که در هر دو جامه نماز میکند یا آنکه

[illegible] اول در جامه یکی و بعد از آن در جامه دیگر [illegible] نماز بکند که دو مرتبه

[illegible] جامه بکند [illegible] نماز [illegible] جامه [illegible]

[illegible] است [illegible] حدیث شامل آن [illegible] و چون توهم میشد

[illegible] در جامه [illegible] شده و نماز کند [illegible] دفع توهم نموده است

[illegible] نماز [illegible] شود [illegible] یک جامه [illegible] میکند

یا نه یا دو یک [illegible] مثلا هرگاه ده جامه داشته باشد و سه جامه از او [illegible]

در هر جامه نماز میکند تا یقین [illegible] برسد که در جامه [illegible] طاهر کرده است اما

باشد مثل آنکه نجاست جامه یقینی باشد و صد جامه در اینجا [illegible] می آید که هر [illegible]

و یک مرتبه بلکه در هر جامه که خواهد نماز بکند و دور نیست که هر چه دست او [illegible]

کردن چون احتمال جامهٔ طاهر [illegible] بر هر صد [illegible] کند و دور نیست [illegible]

مکرر صورتی که یک جامه نجس شده [illegible] نجاست طاهر در صورت عدم [illegible]

کافیست والا باید که باید محتمل است که یک نماز کافی باشد و احوط تعدد نماز است و جمع در هر

صورت قائلند که برهنه نماز کند و از قول ضعیف است چون تضییع [illegible] و خلاف

منصوص است در صورت اشتباه یکجامه و دور نیست که صحیح باشد مبادا

برهنه نماز کردن و الله اعلم و قال محمد بن مسلم قلت لابی جعفر صلوات

الله علیه الدم یکون فی الثوب علیّ و انا فی الصلوة فقال ان رأیته و علیک ثوب

غیره فاطرحه و صلّ فی غیره و ان لم یکن علیک ثوب غیره فامض فی صلاتک و لا اعادة

علیک ما لم یزد علی مقدار الدرهم و ما کان اقل من درهم فلیس بشیء رأیته

او لم تره و اذا کنت قد رأیته و هو اکثر من مقدار الدرهم فضیّعت غسله و صلّیت

فیه صلوة کثیرة فاعد ما صلّیت فیه و لیس ذلک بمنزلة المنی و البول ثم ذکر صلوات الله علیه

المنی فشدّد فیه و جعله اشد من البول ثم قال صلوات الله علیه ان رأیت المنی قبل او بعد

ما تدخل فی الصلوة فعلیک اعادة الصلوة و ان انت نظرت فی ثوبک فلم تصبه ثم صلّیت فیه

فلا اعادة علیک و کذلک البول [illegible] صحیح بلکه صحیح بطریق متعدد چون [illegible]

[illegible]

روایت کرده اند [illegible] روایت کرده است [illegible]

بن مسلم روایت کرده است [illegible] مضمون [illegible]

الا در تتمه حکایت منی و بول [illegible] الکه [illegible]

[illegible] ... حضرت [illegible]

[illegible] در جامه دیگر [illegible] ... جامه [illegible]

[illegible] و اگر جامه [illegible] داشته باشد و [illegible] باشد [illegible] تمام کند [illegible]

[illegible] که خون زیاده از درهم نباشد [illegible] سنت اگر از درهم کمتر باشد [illegible]

[illegible] باشد و خواه [illegible] باشد و اگر [illegible] زیاده از مقدار درهم باشد

و نشسته باشد [illegible] جامه نماز بسیار کرده باشد اعاده [illegible] جامه و چون

مثل منی و بول [illegible] مثل آنکه [illegible]

جامه [illegible] باشد و [illegible] نجاست [illegible] بول است [illegible]

اگر [illegible] نماز [illegible] نماز [illegible] اعاده میکند [illegible] کرده باشد و اگر

در جامه ملاحظه کرده باشد و [illegible] باشد و نماز کرده باشد اعاده [illegible] نیست و [illegible] است

حکم بول [illegible] و اما [illegible] ملاحظه و عدم آن در احادیث [illegible]

حدیث [illegible] است و دلالت میکند بر آنکه اگر [illegible] نجاست [illegible] کند نماز را اعاده میکند

در وقت و [illegible] خارج [illegible] حمل بر استحباب [illegible] صحیحه [illegible]

[illegible] در وقت [illegible] دلالت میکند بر آنکه [illegible] نجاست [illegible] اگر [illegible]

[illegible] اعاده [illegible] وقت و خارج [illegible] ملاحظه نکرده باشد [illegible] اعاده

[illegible] اعاده [illegible] بر استحباب [illegible] احادیث صحیحه [illegible] اعاده [illegible]

[illegible] وقت [illegible] اعاده احوط است [illegible] احوط [illegible]

[illegible] باشد اعاده کند در وقت و خارج [illegible] هرگاه [illegible]

باشد و ملاحظه نکرده باشد [illegible] غسل [illegible]

[illegible] احتلام [illegible] است که [illegible]

[illegible] اگر [illegible] باشد [illegible] نکرده باشد [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

الوَدَاعِ تُصَلِّی [illegible] مَالَمْ تَوَجَّهه [illegible] وَالقَوسُ عَلَیْهِ [illegible] منقولست

از ابی البختری از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت امیر

صلوات الله علیه فرمودند که شمشیر که در گردن انداخته [illegible] داشته باشد و نماز [illegible]

که نماز بی خوفی در آن [illegible] داشت و صحیح عبدالله بن سنان [illegible]

امر که شمشیر [illegible] داشت [illegible] اسلحه [illegible] دلالت میکند [illegible]

نجاست شمشیر معفو نیست [illegible] مما لا یتم الصلوة فیه است و ممکنست که مراد از مالا

یتم لباس باشد [illegible] یا اشیا [illegible] باشد [illegible] چنانکه جمعی گفته اند و ممکنست که

محمول باشد بر کراهت [illegible] مکروه باشد [illegible] استحباب

باشد و اول اظهر است الا آنکه [illegible] الرجل ان یصلی وبین یدیه سیف [illegible] القبلة [illegible]

ذکر ذلک عن امیر المؤمنین صلوات الله علیه و لیکن جایز نیست که شخصی نماز کند و در برابر

او شمشیر باشد [illegible] قبله محل [illegible] باشد [illegible] قبله باشد [illegible] باشد

که شخصی [illegible] باشد و در اثنای نماز شمشیر [illegible] بکند [illegible]

نشود [illegible] مسجد [illegible] مکروه است

[illegible] حرام [illegible] محل [illegible] حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست ولیکن [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] باشد [illegible] قبله محل [illegible] میکند [illegible]

اعم از کراهت و حرمت [illegible] مکروه [illegible]

[illegible] کراهت باشد [illegible] خلاف [illegible] است و لیکن

احتیاط [illegible] کرده است [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] کرده اند [illegible]

نیست در فضل [illegible]

آنرا [illegible] میشود

هَلْ یَصْلُحُ لَهُ اَنْ یُصَلِّیَ [illegible] وَعَلَیْهِ ثِیَابٌ [illegible] لَا بَأْسَ وَسَأَلَهُ

[illegible] اَمَامَهُ ثَوْمٌ اَوْ بَصَلٌ قَالَ لَا بَأْسَ وَسَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ یَصْلُحُ

[illegible] عَلَی الرَّ[illegible] الثَّابِتَةِ قَالَ اِنْ [illegible] عَلَی الْاَرْضِ فَلَا بَأْسَ وَسَأَلَهُ

[illegible] عَلَی [illegible] الثَّابِتِ اَوِ السَّرِیرِ وَهُوَ [illegible] قَالَ لَا بَأْسَ

[illegible] منقولست که علی سؤال کرد از [illegible] حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه

که آیا جایز است که شخص نماز کند و در برابر [illegible] یا صندلی باشد [illegible] انداخته باشند

[illegible] شبیه است [illegible] فرمودند که باکی نیست و از حضرت

علیه الصلوة والسلام سؤال کرد که [illegible] باشد نماز میتوان کرد [illegible]

[illegible] فرمودند که باکی نیست [illegible]

نیست با کراهت [illegible] کراهت [illegible] شیعه کراهت

کراهت [illegible] ممکنست [illegible] مکروه [illegible] از [illegible] علی سؤال

[illegible] سؤالات هست که علی کرده است [illegible] الجواب [illegible]

نقل نکرده اند [illegible] سؤال کرد [illegible] باشد [illegible]

[illegible] میکنند [illegible] محل [illegible] باشد [illegible]

[illegible] نیست [illegible] مأکول عادی نیست [illegible]

[illegible] باکی نیست [illegible] ممکنست [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات الله

[illegible] حضرت

[illegible] مأکول عادی [illegible] وَعَنِ الرَّجُلِ هَلْ

[illegible] بَیْنَ یَدَیْهِ [illegible] الْقِبْلَةِ [illegible] لَا یَصْلُحُ لَهُ اَنْ یَسْتَقْبِلَ

الثانی در باب حمل [illegible] در صحیح سؤال بود از شخصی که نماز میکند چراغ در برابر

حضرت علیه الصلوة والسلام فرمودند که خوب نیست که در وقت نماز [illegible]

[illegible] در باب [illegible] علی سؤال [illegible] کرد حضرت جواب [illegible] دادند که [illegible]

باسناد [illegible] این حدیث [illegible] استقبال النار [illegible] الفضل [illegible]

أَنْ يُحْمَلَ بِهِ فَأَمَّا الْحَدِيثُ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ

لَا بَأْسَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَالنَّارُ وَالسِّرَاجُ وَالصُّورَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الَّذِي يُصَلِّي

لَهُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ فَهُوَ حَدِيثٌ يُرْوَى عَنْ ثَلَاثَةٍ مِنَ الْمَجْهُولِينَ بِإِسْنَادٍ

مُنْقَطِعٍ يَرْوِيهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ وَهُوَ مَعْرُوفٌ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِيهِ

عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيِّ وَهُمْ مَجْهُولُونَ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَلَكِنَّهَا رُخْصَةٌ اقْتَرَنَتْ بِهَا عِلَّةٌ صَدَرَتْ عَنْ ثِقَاتٍ

ثُمَّ اتَّصَلَتْ بِالْمَجْهُولِينَ وَالِانْقِطَاعِ فَمَنْ أَخَذَ بِهَا لَمْ يَكُنْ مُخْطِئاً بَعْدَ أَنْ يَعْلَمَ

أَنَّ الْأَصْلَ هُوَ النَّهْيُ وَأَنَّ الْإِطْلَاقَ هُوَ رُخْصَةٌ وَالرُّخْصَةُ رَحْمَةٌ صدوق

ذکر کرده است که حدیث [illegible] اصلیست که [illegible] لازم است که [illegible] نماز [illegible] در برابر

آتش نماز نکنند [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت [illegible]

که باکی نیست که شخص نماز کند و آتش و چراغ و صورت در برابر [illegible] باشد [illegible]

[illegible] او میکند [illegible] از آنچه در برابر [illegible] غرض اینست که [illegible]

[illegible] ساخته [illegible]

[illegible] وجود [illegible] اعضا و جوارح و قوی [illegible]

[illegible] فی الجملة [illegible]

[illegible] قرب الهی [illegible]

معنوی [illegible] وجود محبت الهی در [illegible]

در قلب [illegible]

[illegible] بیاد من الله [illegible] معلوم است [illegible]

[illegible] کردن [illegible] گفته شود [illegible] المنقطع

[illegible] معلوم است

[illegible] قرب الهی [illegible] اکثر علما [illegible] کالممتنع [illegible]

[illegible] خلاف [illegible] ان [illegible] من امر ربی [illegible]

[illegible] صدوق [illegible] کرده اند

[illegible] احوال ایشان [illegible] مخفی است [illegible] حسن بن علی [illegible] مجهول بود

که او در اصل خود ذکر کرده است [illegible] احوال او [illegible] مخفی است [illegible]

[illegible] احوال او ظاهر است که او حسن بن علی بن عبد الله بن المغیره [illegible] ثقه [illegible]

[illegible] فضلاست مثل صفار و سعد و محمد بن یحیی و غیر هم که در [illegible]

[illegible] علی [illegible] جعفر [illegible] مخفی است [illegible]

[illegible] ایشان کرده است و [illegible] الله [illegible] گفته است که [illegible]

[illegible] مجهول [illegible] منقطع شده است [illegible] الحدیث [illegible] است و ظاهر [illegible]

[illegible] باشد [illegible] بوده

[illegible] بواسطه [illegible] واسطه از حضرت [illegible]

کرده است که حضرت [illegible]

[illegible] حدیث است [illegible] مناسب [illegible]

[illegible] باشد که [illegible] نماز کرده [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] شده است [illegible] حدیث [illegible] است [illegible]

[illegible] اند [illegible] شده [illegible] حدیث [illegible]

[illegible] روایات خود [illegible] حدیث [illegible] ذکر کرده اند

داد که صحیح نجاشی [illegible] ذکر کرده اند و ابن [illegible] ثقات [illegible] ذکر کرده است که

ذکر کرده است و او [illegible] حسن [illegible] صدوق از [illegible] روایت کرده است

[illegible] که [illegible] باشد و او از [illegible] حسن [illegible] ثقات منفصل شده است [illegible] مجاهیل [illegible]

در [illegible] کمال [illegible] فراوان [illegible] اگر [illegible] کنند [illegible] داشت [illegible]

با آنکه اصل [illegible] است که تا توانند [illegible] باشند [illegible] است که در حالت ضرورت یا مطلق

[illegible] کرده در خصوص [illegible] است چنانکه [illegible] حالت اضطرار از حلال

کرده است یا مطلقا تجویز فرموده است که [illegible] ظاهر شود که [illegible]

استادن حرام نیست بلکه کراهت [illegible] صدوق داده است [illegible]

[illegible] که مذهب [illegible] در خصوص [illegible] حالت ضرورت [illegible] کراهت [illegible] است

[illegible] کراهت [illegible] حدیث [illegible] اخبار [illegible] است که [illegible] کردن

خوب نیست و لیکن [illegible] حرام است یا مکروه [illegible]

[illegible] حرام [illegible]

[illegible]

[illegible] که حرام باشد [illegible]

عقاب [illegible]

عقاب [illegible]

و لکن [illegible] معلوم نیست [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که حرام باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ذلک [illegible]

[illegible] الله واسع علیم و ذو الفضل العظیم [illegible]

[illegible] معصوم [illegible]

[illegible] اخبار [illegible]

[illegible] صلوات الله [illegible] علیهم [illegible] احکام [illegible]

[illegible]

[illegible] حرام [illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] اصحاب [illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الصادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] حضرت صلوات الله علیهم [illegible]

رفضل الله م

عن الصادق

از اینجا است که در بر کلاه سیاه بر حضرت صلوات الله علیه فرمودند که تمامه کن در کلاه
جهنم است چون دیدند تو معلوم شد که سیاه پوشیدند بلعنت [illegible] اهل جهنم خلفاء بنی عباس
مسلم مروزی می‌خواست که خود پادشاه شود اول بخدمت حضرت امام جعفر صادق
بحضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه آمد و گفت مرا رخصت دهید که پادشاه
شوید و هر دو حضرت قبول نفرمودند بار دیگر بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیهم
داشت که نیابت از حضرت جوابش ندادند و بر او لعن کردند و او لعن فرمودند که این
دعوی از حضرت مأیوس شد با بنی عباس ساخت که ایشان سیاه پوش شوند و تمام لشکر بنی سیاه
پوش شدند و مردمان از ایشان خائف می‌شدند و ایشان را شیاطین می‌گفتند و این سیاه
پوشیدن شعار بنی عباس شد و قال امیر المؤمنین صلوات الله علیه فیما علّم اصحابه لا تلبسوا
السّواد فانّه لباس فرعون و از جمله مقالاتیکه حضرت که در یک مجلس تعلیم اصحاب خود
فرمودند آنکه سیاه مپوشید که لباس فرعون است معلوم شد که شعار فرعون بوده باشد یا غرض آنکه چون
آن حضرت مرا باشد و ظاهرا مبالغات حضرات ائمه هدی صلوات الله علیهم از جهت آن بوده
که ایشان بعد از وضع کرده بودند و استحباب سیاه پوشیدن را شعار ساخته بودند لازم بود
که این مبالغات واقع شود و کان رسول الله صلّی الله علیه و آله یکره السّواد الّا فی ثلاث
العمامة و الخفّ و الکساء و باسناد قوی منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
و سلم کراهت داشتند پوشیدن جامه سیاه مگر سه جامه [illegible] موزه و عبا که در اینها کراهت
نیست با کراهت شدید بیت و روی انّه هبط جبرئیل علیه السّلام علی رسول
الله صلّی الله علیه و آله فی قباء اسود [illegible] منطقة فیها خنجر فقال یا جبرئیل ما هذا الزّیّ
فقال زیّ ولد عمّک العبّاس [illegible] ولد العبّاس فخرج النّبیّ
صلّی الله علیه و آله [illegible] الی العبّاس [illegible] و یل لولدی من ولد
[illegible] ان اجتنبه [illegible] فقال [illegible] و روایت [illegible] است
خدمت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم با قبای سیاه

که ابن عباس خدمت حضرت امیر علیه السلام گفت که ای ابن عباس فرزندان عم تو شمس ای محمد دای
[illegible] آن تو از فرزندان تمت عباس بر حضرت صلی الله علیه و آله و سلم ابن عباس الله فرمودند که ای عم
[illegible] فرزندان مرا از فرزندان تو چه می‌رسد گفت یا رسول الله رخصت می‌دهید که من آلت تناسل خود را
ببرم حضرت فرمودند که قلم جاری شده است با آنچه شدنی است یعنی نمی‌توانی بجنبانی که آلت تناسل
ببری حاصل آنکه حضرت صلی الله علیه و آله و سلم اخبار واقع دادند که بسیاری از اخیار خود چه کارها
خواهند کرد و معلوم باشد که کسی که تراخواهد کرد سبب این می‌شود که او لعنت بر ایشان کند حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه باشد اسید انشدکه ابن ملجم لعنة الله علیه سبب شهادت آن حضرت علیه
الصلوة و السلام خواهد شد و منقولست که آن ملعون استدعا نمود که با امیر المؤمنین که نان
مبدا اشد که ایجفیخ از من صادر می‌شود رخصت بده که خود را بکشم یا ظهر ها تا امر نکند حضرت فرمودند
[illegible] که ایا جغرحی که از تو صادر نشده چون ترا بکشم و این کاری بخشا ده است که تعفو را بعد منتظر آن
که کوچکان بکودن اول است جهالت عادات بسیار از آن و ارث [illegible] است که حضرت باب فکر می‌کنند
[illegible] ابی مسلم عن الصّادق صلوات الله علیه انّه قال اوحی الله تعالی الی نبیّ
من انبیاء بنی اسرائیل قل للمؤمنین لا تلبسوا لباس اعدائی و لا تطعموا مطاعم اعدائی فیکونوا
اعدائی کما هم اعدائی و بسند قوی از سکونی منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه فرمودند که وحی [illegible] پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل که مومنان را بگو که
لباس [illegible] نپوشند و طعام دشمنان [illegible] نخورند [illegible] ایشان می‌کنند آنکه لباس
دشمنان [illegible] آنکه دشمن من [illegible] گویا که نوعی صوص آنها که بکنند در
[illegible] لباس کفار [illegible]
[illegible] که از [illegible] اکبر است اما لباس [illegible] که عمل [illegible] و لباسکه مسلمانان
[illegible] حدیث است [illegible] احمد [illegible] کفار [illegible] قطع
[illegible] که [illegible] شده است که [illegible]
[illegible]

٤١

حضرت [illegible] می‌خواهم بپوش یعنی اگر نفسک [illegible] کرده‌ام که سینه [illegible] سیاه

کرده‌ام [illegible] شما خواهد شد [illegible] که غرض از [illegible] اطاعت و فرمان بردار [illegible]

[illegible] از [illegible] حفظ نفس خود و حفظ نفوس شیعیان و حفظ نفس معصوم

[illegible] تقیه [illegible] از آئمه [illegible] است که حضرت آن [illegible] عنوان کرد

[illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله لا يصلي الرجل وفي يده خاتم حديد و در روایت دیگر منقول

[illegible] حضرت صلی الله علیه و آله که با انگشتری آهن نماز نکنند و ظاهرا [illegible] حدید است [illegible] لله

[illegible] حدید [illegible] و آهن را [illegible] انگشتری آهن اعم است از آنکه حلقه آهن

[illegible] باشد یا نگین [illegible] باشد [illegible] مکروه است و قال صلوات الله عليه ما طهّر الله

يدًا فيها حلقة حديد و در حدیث [illegible] که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] اصحاب خود فرموده‌اند که انگشتری [illegible] در دست مکنید [illegible] که حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] یعنی طاهر نیست دستی که در آن دست انگشتری

[illegible] که [illegible] باشد یعنی طاهر [illegible] که انگشتری آهن داشته باشد [illegible]

[illegible] نقل کرده است [illegible]

[illegible] باشد [illegible] که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] باشد [illegible] کرده باشد [illegible] است و

روى عمار بن موسى الساباطي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في الرجل يصلي وعليه خاتم حديد

قال لا ولا يتختم به لأنه من لباس أهل النار و در حدیث [illegible] منقول است از عمار که از حضرت [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه سؤال کردم [illegible] و انگشتری [illegible] باشد [illegible]

فرمودند که [illegible] نکنند [illegible] که [illegible]

[illegible] باشد [illegible] اوقات [illegible]

[illegible] منقول است از حضرت امام جعفر صادق [illegible] الله علیه [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

فرمودند که

[illegible]

[illegible] باشد در کراهت مکرر [illegible] و [illegible] کرده است [illegible]

و لباس‌های [illegible] و طعام‌های حرام است چون شراب و [illegible]

[illegible] و امثال [illegible] که [illegible] رضای الهی باشد و اگر [illegible]

در [illegible] که [illegible] حرام باشد و در بعضی مواضع مکروه [illegible]

[illegible] فأما لبس السواد للتقية فلا إثم فيه و روى عن حذيفة بن منصور أنه

قال كنت عند أبي عبد الله صلوات الله عليه بالحيرة فأتاه رسول أبي العباس الخليفة

يدعوه فدعا بممطر أحد وجهيه أسود والآخر أبيض فلبسه ثم قال صلوات الله عليه أما

إني ألبسه وأنا أعلم أنه لباس أهل النار اما پوشش سیاه از جهت تقیه [illegible]

[illegible] منقول است از [illegible] که [illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]

که متصل [illegible]

در حیره که [illegible] بوده است [illegible] که شخصی از جانب سفاح که اول [illegible]

[illegible] عباسی است [illegible] و آن رسول [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت جامه بارانی [illegible] که یک روی آن سیاه بود [illegible]

[illegible] سفید بود و آن جامه را پوشیدند و فرمودند که من این جامه را می‌پوشم و میدانم که [illegible]

اهل جهنم است یعنی از [illegible] تقیه می‌پوشم و جامه بارانی [illegible] عباسیان [illegible]

[illegible] جامه بارانی را می‌پوشیدند [illegible]

[illegible] باشد [illegible] که [illegible] باشد [illegible]

که حکم [illegible]

خلاف حکم واقع [illegible] حالت

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] شیعیان بسیار سؤال [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]

سیاه [illegible]

[illegible]

انجا

بر هر حال که آب به آنجا رسانند حتی از آنکه غافل کند [illegible] پرسید [illegible] که اگر آب به جایش نرسد

حضرت [illegible] فرمودند که آب به آنجا برساند و نماز را اعاده کند زیرا که آهن نجس است و فرمود که آهن پوشش

اهل جهنم است و طلا پوشش اهل بهشت دیگر پرسیدند از ظرفی که در آن صورتها کشیده باشند یا کوزه

یا کاسه چوبی که صورتها کشیده باشند در آن یا نقش باشد حضرت صلوات الله علیه فرمود

از آنجا وضو نسازند و در سند قوی منقول است از آن حضرت صلوات الله علیه که فرمودند که نماز مکند

شخصی که کلید آهن در بغل یا در جامه اش بسته باشد و در حدیث دیگر وارد است که اگر کلید پنهان باشد

باکی نیست و بسند قوی از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که آهن پوشش اهل جهنم است

و طلا پوشش اهل بهشت است و حق سبحانه و تعالی طلا را در دنیا زینت زنان کرده است و پوشیدن آنرا

بر مردان حرام کرده است و نماز کردن در آن را نیز حرام کرده است و آهن را در دنیا زینت

جنیان و شیاطین کرده است و بر مسلمانان حرام کرده است که در آن نماز بکنند مگر آنکه در جنگ

باشند در برابر دشمنان دین که در این صورت باکی نیست [illegible]

در سفر باشد که کاردی در میان موزه که داشته باشد که ضرور داشته باشد یا چیزی در جامه بسته

یا کلید یا کلید آهن در میان جامه داشته باشد حضرت فرمودند که باکی نیست در کارد [illegible]

[illegible] کلید از خوف گم شدن و فراموش کردن داشته باشد باکی [illegible]

و سایر آلات حرب در وقت حرب و در غیر حالت حرب نماز در آن نکنند زیرا که آهن نجس است که

مسخ شده است غرض آنکه احادیث بسیار وارد شده است [illegible] نجاست است ظاهرا

صدوق [illegible] از آن اجتناب کنند و با آن نماز نکنند [illegible]

چون [illegible] استعمال [illegible] احادیث [illegible]

و احادیث بسیار وارد [illegible] که آهن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ودر جا وضو نسازند

[illegible] صلی الله علیه [illegible] النبی صلی الله علیه و آله قال لعلی صلی الله علیه [illegible]

[illegible] الله [illegible] لنفسی [illegible] ذهب [illegible]

[illegible] بین [illegible] و لا [illegible]

لا [illegible] الله [illegible] یوم [illegible]

[illegible] علمای شیعه [illegible] روایت میکردند [illegible]

[illegible] خوب بود [illegible] روایت میکردند [illegible]

از حضرت امام محمد باقر روایت کرده بود [illegible] که علمای شیعه

آن عمل میکردند [illegible] صدوق و کلینی و سایر محدثین [illegible] روایت میکردند که

حضرت [illegible] فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله به حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

علیه [illegible] فرمودند که یا علی دوست میدارم [illegible] آنچه [illegible]

[illegible] انگشتری [illegible] دست مکن

[illegible] شیطان

سرخ است [illegible] سرخ [illegible] الله

[illegible] سرخ باشد که شیطان [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible] که [illegible]

[illegible] و سرخ است [illegible] قیامت [illegible]

[illegible] از علی بن جعفر [illegible]

[illegible] حضرت امام موسی کاظم [illegible] الله علیهما [illegible]

[illegible] باشد [illegible] آن [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] حضرت سید المرسلین

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیها فرمودند که انگشتری [illegible]

و چهار دیگر منسوب ابو [illegible]

م علیه السلام

[illegible]

[illegible] که زینت الهی است و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] باکی نیست مردان را [illegible] بطلا [illegible] و در حدیث کالصحیح [illegible]

منقولست که زینت [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]

و [illegible] و در حدیث کالصحیح از [illegible] منقولست

امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم از [illegible] که طلا داشته باشد [illegible] در خانه نگاه دارد

حضرت فرمودند که اگر طلا [illegible] نه و اگر آب طلا باشد باکی نیست و در حدیث موثق از حضرت

صلوات الله علیه منقولست که انگشتری آهن در دست نکنید و مرد طلا نپوشد و در طلا

نماز نکنند زیرا که لباس اهل بهشت است [illegible]

[illegible] که داود بن سرحان گفت که سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه از طلا که زینت اطفال میکنند حضرت فرمودند که پدرم اطفال و زنان را [illegible]

میفرمودند باکی نیست و در حدیث صحیح از ابو الصباح منقولست که از حضرت صلوات الله علیه سوال

کردم از طلا که اطفال را بآن زینت میکنند حضرت فرمودند که حضرت سید الساجدین علیه

الصلوة والسلام فرزندان و زنان خود را از زینت طلا و نقره منع میفرمودند و در حدیث صحیح از

[illegible] مسلم منقولست که گفت که از آن حضرت سوال کردم از زینت کردن زنان [illegible]

حضرت فرمودند که باکی نیست و در احادیث موثقه [illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة و

السلام وارد است که فرمودند که [illegible] زنان در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

وسلم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم زینت طلا میکردند و حضرت منع ایشان [illegible]

و [illegible] منقولست که حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله وسلم جامه حریر

و انگشتری طلائی [illegible] آن حضرت [illegible] بودند و در [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

[illegible]

در احادیث کالصحیح [illegible] که حضرت سید المرسلین صلی [illegible]

[illegible] و از خانه بیرون [illegible] که [illegible] طلا

[illegible] انگشتری [illegible]

[illegible]

[illegible] کردن [illegible] طلا [illegible]

[illegible] که [illegible] طلا باشد [illegible]

[illegible] طلا و [illegible]

[illegible] احوط اجتناب است [illegible] اطفال [illegible]

[illegible] احادیث [illegible]

[illegible] احوط اجتناب [illegible]

[illegible] طلا [illegible] احتیاط عظیم در اجتناب [illegible]

طلا میکردند [illegible] که طلا [illegible]

[illegible] طلا [illegible]

[illegible] اصحاب [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] و ذلک انه کان رجلا [illegible] منقولست [illegible]

المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible] عامه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست

[illegible] کالصحیح منقولست که [illegible]

[illegible] امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

که اماد [illegible] فرمودند [illegible] و اگر چه صورت [illegible] نه باشد و بر جمیع [illegible]

که [illegible] حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه سوال کردم از جامه دیبا [illegible]

صورت [illegible] باشد یا که نیست [illegible] اگر چه [illegible] است که مراد از دیبا جامه [illegible] شد که [illegible]

محض بنا شد [illegible] اهل [illegible] و لیکن [illegible]

و لیکن [illegible] بیابد [illegible] که [illegible] حضرت امام جعفر [illegible]

علیه [illegible] که فرمودند [illegible] بپوشد [illegible]

که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] جامه [illegible]

با [illegible] عطا فرمودند او جامه را پوشید [illegible] خانه بیرون [illegible]

مبوشی الجامه [illegible] که جامه حریر [illegible] در آخرت [illegible] باشند [illegible]

ر [illegible] کن در میان [illegible] خود و سألت علي بن جعفر أخاه موسى بن جعفر صلوات الله عليهما

عن الرجل يصلي أمامه شيء من الطير قال لا بأس وعن الرجل يصلي وأمامه النخلة وفيها حملها

قال لا بأس وعن الرجل يصلي في الكرم وفيه حمله قال لا بأس وعن الرجل يصلي وأمامه حمار

واقف قال يضع بينه وبينه قصبة أو عوداً أو شيئاً يقيمه بينهما ثم يصلي فلا بأس وعن الرجل

يصلي ومعه دبة من جلد حمار أو بغل قال لا يصلح أن يصلي وهي معه إلا أن يتخوف عليها

ذهابها فلا بأس أن يصلي وهي معه وعن الرجل يحرك بعض أسنانه وهو في الصلاة هل ينزعه

قال إن كان لا يدميه فلينزعه وإن كان يدمي فلينصرف وعن الرجل يصلي وفي كمه طير قال إن

خاف عليه ذهابه فلا بأس وعن الرجل يكون به الثالول أو الجرح هل يصلح له أن يقطع الثالول

وهو في صلاته أو ينتف بعض لحمه من ذلك الجرح ويطرحه قال إن لم يتخوف أن

يسيل الدم فلا بأس وإن تخوف [illegible] الدم فلا يفعله [illegible]

کیف سوال کردم از برادرم حضرت [illegible] علیه الصلوة و السلام از شخصی که نماز کند [illegible]

[illegible] باشد [illegible] سبب اشتغال [illegible] حضرت فرمودند که [illegible]

[illegible] نکند [illegible] و دل را متوجه [illegible]

[illegible] که نماز کند [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

لغت

۲ فقال

۳ ذهابها

نشل [illegible] پرسیدم از شخصی که در باغ انگورستان نماز کند [illegible]

باشد حضرت فرمودند که باکی نیست و دیگر پرسیدم از شخصی که نماز کند در [illegible]

[illegible] باشد حضرت فرمودند که میان خود و الاغ چیزی نصب میکند مانند

[illegible] که مانع الاغ باشد از حرکت [illegible] یا آنکه خود را برود [illegible]

[illegible] که سابقاً مذکور شد و [illegible] است که [illegible]

[illegible] که [illegible] با الاغ [illegible] نماز [illegible]

[illegible] ابو هریره [illegible]

آنحضرت خوابیده بودم و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز میکردند [illegible]

[illegible] علی بن جعفر [illegible] امثال [illegible]

[illegible] ابو هریره [illegible] ابو حنیفه [illegible] باکی نیست

[illegible] قیاس است [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] ابو هریره که [illegible]

مذکور است [illegible] نماز [illegible] که [illegible]

[illegible] و دیگر سوال کردم از شخصی که نماز کند با دبه باشد از پوست الاغ [illegible]

حضرت فرمودند که خوب نیست که با او باشد مگر آنکه خوف داشته باشد [illegible]

در [illegible] صورت [illegible] که در حالت نماز با او باشد [illegible] طاهر [illegible]

[illegible] از پوست [illegible] الاغ [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] و یا خوف تلف [illegible] ساقط [illegible] دیگر سوال

کردم از [illegible] نماز [illegible]

[illegible] که اگر [illegible] خون [illegible] و اگر [illegible]

[illegible] دم [illegible] قطع [illegible] کند [illegible] باشد [illegible]

۱۲۵

وقتی [illegible] موضع کند شکی نباشد از اینکه بودن استنجا باشد و بودن [illegible] شیء که [illegible]
مصلی [illegible] بر دو از اله میکنند و از اینجا ممکن است [illegible] احتمال
دارد که مراد مفهوم کلام سایلی باشد که اگر گمان داشته باشد که در هنگام خواب میشود
وضو کند تا از نماز فارغ شود و دو نمازی را بکند و دیگر سوال کردم از شخصی که نماز
[illegible] آستین او [illegible] باشد مانند [illegible] ظاهر از حدیث [illegible] قلب حضرت
که اگر ترسد که [illegible] در برود و باکی نیست تکلفی داشتنی و الا [illegible] باخود
دیگر سوال کردم از شخصی که در بدنش ناسور باشد که [illegible] عقد از خود
[illegible] بهم میرسد و غالب اوقات [illegible] بر آن می بندند تا خشک شود
می افتد یا جراحت در بدنش باشد آیا در حالت نماز میتواند که قطع کند [illegible] را یا نه
از گوشت جراحت را بکند و ببندد از حضرت فرمودند که اگر خوف نداشته باشد که
خون روان شود باکی نیست و اگر خوف سیلان خون داشته باشد نکند و سبب ظاهر
دلالت کند که اگرچه خون کمتر از درهم باشد [illegible] و بعضی از علما دلیل
کرده اند که اگر جامه یا بدن بعضی از نماز خون کمتر از درهم داشته باشد نماز میتوان کرد
[illegible] موضع خون داشته باشد و سبب آن شود که خون کمتر از درهم [illegible]
[illegible] نماز کردن و ظاهر حدیث [illegible] فعل میکند ولیکن
حمل بر [illegible] کرده اند و لفظ سیلان ایمائی بر آن دارد و آن قول دلیلی
صریح [illegible] وعن الرجل یکون فی صلاته فرماه رجل فشجه فسال
الدم فانصرف فغسله ولم یتکلم حتی رجع الی المسجد هل یعتد بما صلی او یستقبل
الصلاة قال یستقبل الصلاة ولا یعتد بشیء مما صلی وعن الرجل یری فی ثوبه خرء
الطیر او غیره هل یحکه وهو فی صلاته قال لا بأس وقال لا بأس [illegible]
طرفه الی السماء وهو [illegible] وسألته عن الخلخال هل یصلح للنساء [illegible]
[illegible] فلا بأس [illegible] لها صوت فلا [illegible] وسألته عن [illegible]

مع من یصلی وهو جنب او ثیابه قال لا بأس بذلک وسألته عن الرجل هل یصلح له ان
یصلی وفی یده الخرز واللؤلؤ قال ان کان یمنعه من قراءته فلا وان کان لا یمنعه
فلا بأس و دیگر علی بن جعفر گفت از آن حضرت صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که
نماز کند [illegible] بر او [illegible] نمازش را [illegible]
[illegible] نگوید تا جایی که نماز [illegible] آیا آن نماز [illegible] احتساب کند
بنا میکند [illegible] حضرت فرمودند که نماز [illegible] بنا بر آنکه
کرده است [illegible] که استنجا [illegible] کرده باشد [illegible]
[illegible] باشد یا فعلی کثیر کرده باشد که نگویند که او نماز [illegible] باشد [illegible]
عبارت است که [illegible] شکسته [illegible] باشد در غالب اوقات [illegible]
[illegible] و دیگر گفت که سوال کردم از برادرم صلوات الله علیه از شخصی که در نماز
باشد و در جامه خود فضله [illegible] ببیند یا غیر آن آیا در اثنای آن [illegible] از جامه
[illegible] حضرت فرمودند که باکی نیست بنابر آنکه در غالب اوقات فعل کثیر
[illegible] فضله [illegible] مطلقا [illegible] کل الحم [illegible]
[illegible] حضرت تفصیل فرماید چون تفصیل نفرمودند ظاهر [illegible] طهارت است مطلقا
[illegible] که در بعضی [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
که فضله [illegible] پاک است و دیگر فرمودند که باکی نیست که [illegible] آسمان کند در
اثنای نماز اگرچه [illegible] است که نظر [illegible] کند [illegible] در احادیث [illegible] و دیگر گفت
که سوال کردم از خلخال که در پا [illegible] آیا [illegible]
[illegible] اگر [illegible] باشد خوب [illegible]
[illegible] باشد [illegible] گفت که سوال کردم از آن حضرت
[illegible] نافه مشک که [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]

ودر باران هم نتوان کرد و با آنکه کشته غالب در زمستان که اکثر خطا و حنفی میکشند و در بغداد بسی رفتند

و عطار فروشند حضرت فرموده‌اند که باکی نیست بعد از سؤال آنکه فروشنده مشتبه عهد از اهل ایمان

مجهول است بوده است و بعضی فقها دعوی کرده‌اند که مشک نجس است و این قول نزد اکثر بی‌اصل است که استعمال مشک

میشود و احادیث صحیحه در آن وارد است و حلیت مشک و طهارت وارد شده است و گذشت دیگر گفت از

حضرت پرسیدم که آیا جایز است که شخصی نماز کند و در دهنش مهره از جواهر بوی خوش باشد

فرمودند که اگر مانع از قرائت نباشد باکی نیست و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق

صادق صلوات الله علیه منقولست که با ریش خود بازی کردن در نماز قطع خشوع نماز میکند و

مکروهست و کراهت منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم شخصی را

دیدند که با ریش خود بازی میکند در اثنای نماز حضرت فرمودند که اگر دل این شخص خاشع می‌بود

جوارحش نیز خاشع میبود و هیچ شک نیست در آنکه جوارح تابع قلبند اگر قلب بیاد الهی است

همه اعضای خود بر وجه مطلوب باشند و اگر دل بیاد الهی نیست هر عضوی بجائی میرود و بی

احتمالی در اینست که سعی در تحصیل قلب نماید از نماز خود بهره‌ور شود و سأل عمار بن

موسی صلوات الله عن الرجل هل یجوز له ان یصلی و بین یدیه مصحف مفتوح فی قبلته

قال لا قلت و ان کان فی غلافه قال نعم و ان کان و عن الرجل یصلی و بین یدیه سیف قال

نعم قال قلت یصلی و بین یدیه مجمرة شبه قال نعم فان

کان فیها نار قال لا یصلی حتی ینحیها عن قبلته و عن الرجل یصلی فی ثوب یکون فی علمه

مثال طیر او غیر ذلک قال لا و عن الرجل یلبس الخاتم فیه نقش مثال الطیر او

غیر ذلک قال لا تجوز الصلوة فیه و بسند موثق از عمار که گفت سؤال کردم

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا جایز است که شخصی نماز کند و در پیش

او مصحفی قرآنی یا مکتوبی بوده نمود و در برابر قبله او حضرت فرمودند که نه چون

اشتغال قلب است اگر سواد نداشته باشد عرض نمودم که در غلاف باشد

جایز است فرمودند که بلی و نیز سؤال کردم از شخصی که نماز کند و در برابر او تیغ کاسه

آنچه از بوی خوش باشد که بر خود میپاشیده اند و بسیار خوشبوی بود حضرت فرموده‌اند که بلی

جایز است دیگر گفت که عرض نمودم که اگر شخصی نماز کند و در برابر شمع و سوزن بر شمع باشد که مشتعل

است فرمودند که بلی جایز است عمار گفت عرض نمودم که در ابتدا آتش باشد حضرت فرمودند که نماز

نکند تا آتش را دور نکند و در کافی و تهذیب است که عمار گفت که حضرت فرمودند که نماز نکند

اگر در قبله اش آتشی باشد با چیزی باشد عرض نمودم و اگر شخصی نماز کند و در برابر او قندیلی آویخته

باشد و در آن آتش باشد اما در برابر آتش باشد نه بر بردی حضرت فرمودند که نکند باشد

بهتر است در برابر آن نماز نکند و وجه بد تر بودن آنست علی الظاهر که عرض از بهجی مجازات

آتش است که شبیه نباشد با آتش پرستان و در حدیثی که مرتفع باشد شباهت او با ایشان بیشتر

میشود و منقولست که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه سؤال نمودند از مسئله تا

حضرت در جواب کتابت نمودند نوشتند که اگر مصلی از اولاد مجوس باشد که آتش پرست بوده‌اند

نماز نکند و الا باکی نیست و این جمع است میان اخبار آتش دیگر عمار سؤال کرد از نماز کردن

در جامه که در آن نقش باشد علمش چنانکه در بعضی از نسخ است صورت مرغی با غیر آن از صور جانداران

از صور حضرت فرمودند که نه دیگر پرسید که اگر شخصی انگشتری داشته باشد که در آن

داشته باشد که در آن صورت مرغی با غیر آن داشته باشد حضرت فرمودند که جایز نیست نماز کردن

در آن انگشتری و جمعی از اصحاب برکراهت کرده‌اند و بعضی احتمال داده‌اند که عمار چنین فهمیده باشد

و بسند موثق کالصحیح منقولست از حبیب که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه عرض نمودم که بسیار سهو و شک میکنم حضرت فرمودند که

با انگشتری که از جائی بجائی دیگر میکردم با آنکه از انگشت با انگشت دیگر میکنم از

تعالی دیگر مکن از هم حضرت فرمودند که باکی نیست و در حدیث صحیح از حبیب منقولست

که گفت شکایت نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از بسیاری سهو و
شکی که مرا واقع میشود حضرت فرمودند که عدد رکعات را بسنگ ریزه بشمار و بابای
عبارت فرمودند که حفظ کن عدد رکعات را بسنگ ریزه بشمار و بابای عبارت فرمودند
که حفظ کن عدد رکعات را بسنگ ریزه ممکنست که حبیب دو مرتبه سوال کرده باشد و علی
ای حال ظاهر میشود که امثال این افعال هر چند بسیار شود ضرر ندارد باشد چون بجهت
حفظ باشد مثل آنکه عامه نقل کرده باشند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
امامه دختر ابی العاص را در نماز با خود داشتند و در وقت رکوع میگذاشتند و در
برخاستن در حال قیام بر میداشتند و سَأَلَ مُحَمَّدُ ابْنُ مُسْلِمٍ اَبَاجَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِ فَقَالَ لَهُ یُصَلِّی الرَّجُلُ وَ هُوَ مُعْتَمٌّ مُتَلَثِّمٌ فَقَالَ اَمَّا عَلَی الدَّابَّةِ فَنَعَمْ وَ اَمَّا
عَلَی الْاَرْضِ فَلَا و بسند صحیح منقولست از محمد که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه و عرض نمودم که آیا جایز است که در حین مسند نماز کند حضرت فرمودند که اگر سوار
باشی بلی و اگر پیاده باشی نه و محمول است بر آنکه غالب اوقات لثام را از جهة آن میبندند که
دشمنان نشناسند ایشان را و قانون اعراب اینست که تا خصم ایشان سوار است ...
با او میکنند اما وقتیکه پیاده اند میکنند و این را فتک میگویند دلالت بر نیکی و عدد ...
شجاعت در مروت میکنند و شیعیان بسیار دشمنی داشتند از ... خصوص در بیابان
بر حین سوار ند فایده دارد که ایمن باشند و بر پیاده فایده ندارد و جمع باید کرد و احادیث
در اینجا بر با بجهة حمل اند و بسند صحیح منقولست که سَأَلَ عُبَیْدُ الرَّحْمٰنِ ابْنُ الْحَجَّاجِ اَبَاعَبْدِ اللهِ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ عَنِ الدَّرَاهِمِ السُّوْدِ تَکُوْنُ مَعَ الرَّجُلِ وَ هُوَ یُصَلِّی مَرْبُوْطَةً اَوْ غَیْرَ
مَرْبُوْطَةٍ فَقَالَ مَا اَشْتَهِی اَنْ یُصَلِّیَ وَ مَعَهُ هٰذِهِ الدَّرَاهِمُ الَّتِیْ فِیْهَا التَّمَاثِیْلُ ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِ مَا لِلنَّاسِ بُدٌّ مِنْ حِفْظِ بَضَائِعِهِمْ فَاِنْ صَلَّی وَ هِیَ مَعَهُ فَلْیَکُنْ مِنْ خَلْفِهِ
وَ لَا یَجْعَلْ شَیْئًا مِنْهَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْقِبْلَةِ و منقولست به سند صحیح از عبد الرحمن که گفت سوال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از ... پولهای سیاه یا فلوس که با نخص

ا د غیر مربوطة

و نماز کند که در کنیسه نقش باشد یا در بغل و جیب ریخته باشد نه فرمودند که ضرر ندارد
نمی آید که شخصی نماز کند و این درهمی که صورتی باشد با او باشد و این قریبه آنست که
فلوس باشد چون هیئت فلوس صورت میداشته و ممکنست که مراد از درهم ها دوات باشد که
هیئت ایشان شکل اعراض نه و ثابت نبود ند آنرا سیاه گویند و علی ای حال سوال با احتیاط صورت
شده و بعد از آن حضرت صلی الله علیه فرمودند که مردمان ناچار اند از حفظ نمودن
سرمایه خود و اگر جنبه از آن در آن میان بند که در بغل خود داشته باشند و در وقت
نماز چنان کند که پشت به بند در بغل نباشد که تا در قبله او است و در حدیث صحیح
از محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که از آن حضرت پرسیدم
از موضعی که نماز کنند در جامه اش در آن صورت مانند باشد حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که باکی نیست هرگاه پنهان باشد و ظاهر نباشد و در پیشت سینه باشد و این اولیست
در جمیع الوجوه اول مظهر است والله تعالی یعلم و سَأَلَ اَحْمَدُ بْنُ یَحْیٰی اَبَا الْحَسَنِ
الرِّضَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ فَقَالَ لَهُ اَشُدُّ الْاِزَارَ وَ الْمِنْدِیْلَ فَوْقَ قَمِیْصِیْ فِی الصَّلٰوةِ
قَالَ لَا بَاْسَ و منقولست بسند کالصحیح بروایت شیخ در صحیح از موسی که گفت سوال کردم
از ... صلوات الله علیه و عرض نمودم که جایز است که لنگی یا دستمالی را بر بالای پیراهن به
بندم در حالت صلوة حضرت فرمودند که باکی نیست و در حدیث صحیح از موسی بن قاسم منقولست که گفت حضرت
امام محمد تقی را صلوات الله و سلامه علیه دیدم که نماز میکند در ردا و دستمالی را بر بالای
پیراهن بسته بودند و در حدیث حسن کالصحیح از حماد منقول است که حسن بن علی عرضه نمودم
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه نوشتم که آیا جایز است مردی را که نماز کند و لنگی بر
بالای پیراهن به بندد حضرت فرمودند که بلی و ظاهر اوقع پیشتر حایز نیست که برای اهل سنتها
بسته باشند و چون که را به لنگ یا دستمال به بندد نمی نمود مصلی از مصلی بر شنیده
شده و از ... گفتیم ما که چون در جامه نمی شنیده باشند از گوینده بر اهل حرف
خوض را محتوی اند دید و اگر لنگ فراز باشد بر زمین بهل به اهل سنت هیئت است و اهل ...

۳ و حدیث تعیین صحیح ... اصل ... اعمال اولی اهل عمل نیز ...
و این دو حدیث را اصل ... و در آن ...
میتوان ... الله ... انست ...

۳ و در حدیث صحیح حماد ... که حضرت امام جعفر صادق ... فرمودند ... الله علیه که باکی نیست

۴ محمد تقی

و او مجهول است بر آنکه لبک دو سه تار را نتواند منع کردن در ذبح با آهن و بیان منافات نسبت صلاة

از اخبار صحیحه و محال خاصات از مثل صحیحه ابی بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه که فرموده اند که سوال کردم [illegible] که باشد از برای بالای شمشیر آهن در حال نماز [illegible]

[illegible] که [illegible] فرضی ابو بصیر [illegible] آهن [illegible] در حالت نماز

که این از اعمال [illegible] است و شبیه با [illegible] خوب نیست [illegible] مجهول است بر آنکه لبک

فراخ باشد و ظاهر آنست که در ذبح [illegible] و اکثر علما [illegible] مکروه گرداند الله که اخبار

سابقه دلالت بر [illegible] میکند [illegible] و منافات نیست میان هر دو لیکن

نقل حضرت [illegible] است این صحیحه را گفتن [illegible] که حضرت از جهة بیان جواز جناب

کرده باشد [illegible] ممکن بود که [illegible] که در ترکیب مکروه [illegible]

در حالت صلوة و صحیحه [illegible] سأل علی بن جعفر اخاه ابا عبد الله صلوات الله

علیه عن الرجل یصلی فی ثوب المحرم [illegible]

[illegible] و صحیحه منقول [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه از حضرت که نماز کند در جامه [illegible] حضرت صلوات الله

علیه فرموده اند که [illegible] باشد و خاطر جمع باشد که از نجاست [illegible]

میکند و دلالت میکند [illegible] حدیث بر آنکه اگر [illegible]

چون حضرت تفصیل نفرموده اند و از این باب اخبار بسیار [illegible] است و بعضی از آنها گذشت

در [illegible] خواهد آمد اگر چه [illegible] که حصول [illegible]

در جامه [illegible] نماز نکند و لیکن بسیار بعید است [illegible]

استحباب چون احادیث بسیار وارد شده است [illegible] است با آنکه [illegible]

[illegible] اعلم [illegible]

بلی چون حضرت علت حکم را فرموده است [illegible]

[illegible] و لیکن [illegible]

او حکم مخصوص نه باشد و قیاس باطل است اگر [illegible] باشد احادیث متواتر [illegible]

معصومین صلوات الله علیهم اگر مطلق اهتمام علت جواز اجتناب باشد می باید از جمیع مسلمانان

[illegible] اجتناب [illegible] هست [illegible] اکثر علما بنجاست [illegible]

[illegible] از ایشان اجتناب نمیکنند و بسبب [illegible]

[illegible] کافر [illegible]

کسی [illegible] بلکه در بلاد اسلام [illegible]

و سایر [illegible] که از [illegible]

با [illegible] از ایشان [illegible] نمیکنند قطع نظر از نجاسات حکمیه و احادیث صحیحه گذشت

که حضرت [illegible] بافته بودند میپوشیدند و نماز در آن میکردند [illegible]

[illegible] سألت ابا عبد الله صلوات الله علیه عن رجل لیس له الا ثوب [illegible]

فقال [illegible]

[illegible] و صحیحه منقول است از [illegible] عبد الله که گفت از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردند [illegible] باشد [illegible]

[illegible] فرمودند که [illegible]

[illegible] باشد [illegible] باشد که عورت [illegible]

[illegible] استفاده [illegible] کردند [illegible]

[illegible] که اگر مطلع باشد [illegible] نماز [illegible] میکند [illegible]

[illegible] صورت [illegible] باشد [illegible] میکند [illegible] است

[illegible] باشد [illegible] جامه داشته باشد [illegible]

[illegible] باشد [illegible] بلکه [illegible] علی [illegible]

[illegible] عن ابی جعفر صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] منقول است [illegible] از حضرت امام [illegible]

صلوات الله علیه که فرموده اند [illegible] آنکه نماز [illegible] که [illegible]

بر لزم
کسی در آن رواست که

تی باشد مثل بالهای پرستو که تا دستها که پوشیده نباشد وقال ابو بصیر لابی عبد الله
صلوات الله علیه ما یجزی الرجل من الثیاب ان یصلی فیه فقال صلی الحسین بن علی صلوات الله
علیهما فی ثوب قد قلص عن نصف ساقه وقارب رکبتیه لیس علی منکبه منه الا قدر جناحی الخطاف
وکان اذا رکع سقط عن منکبیه وکلما سجد یناله عنقه فرده علی منکبیه بیده فلم یزل ذلک
دابه ودابه مشتغلا به حتی انصرف و منقولست بسند موثق از ابو بصیر که گفت عرض
نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که چه چیز جایز است که کافی باشد در نماز
کردن مرد که در آن نماز کند از جامه حضرت فرمودند که حضرت امام حسین صلوات
الله علیه واله نماز کردند در یک جامه که نصف ساق را گرفته بود و نزدیک بزانوها
بهم آورده بود و نبود چیزی از آن جامه مگر بر دوشهای آن حضرت بقدر دو بال
پرستو و چون رکوع میکردند آن سر جامه از دوشهای حضرت
مایل میشد و چون سجده میکردند از دوشهای آن حضرت می افتاد و باز آن حضرت
بدست مبارک خود بجای خود بر میگردانیدند تا آنکه از نماز فارغ میشدند
و ظاهر میشود که امثال این افعال از جهت تعلیم باشد [illegible] باشد خصوصا مع
باشند و هر فعلی [illegible] باشد [illegible] عن الفضیل عن ابی جعفر صلوات الله علیه
صلت فاطمة صلوات الله علیها فی درع وخمارها علی راسها لیس علیها اکثر مما وارت به
شعرها واذنیها و بسند صحیح منقولست از فضیل از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که فرمودند که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها نماز کردند در پیراهن و
مقنعه که بر سر مبارک کرده بودند زیاده از آن نبود که موها و گوشهای مبارک آن حضرت
صلوات الله علیها را فرا گرفته بود و ظاهر آنست که تتمه بدن را پیراهن فرا گرفته بود
یا [illegible] محمول است بر [illegible] که احادیث [illegible] است [illegible]
بر حسب ظاهر که زنان را [illegible] لازم است [illegible] بدن بغیر از رو و دستها تا بند
[illegible] ساق [illegible] منقولست بسند صحیح [illegible] که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر

صلوات الله علیه از اقل لباس که زنان در آن باید که نماز کنند حضرت فرمودند که پیراهنی که
که همه بدن ایشانرا [illegible] و بسند صحیح [illegible] منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] نماز کردن زنان [illegible] نبسته بودند
که [illegible] عرض نمودم [illegible] نماز [illegible] حضرت فرمودند
[illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]
که [illegible] جایز است [illegible] فرمودند که [illegible] نماز [illegible] پیراهن و مقنعه [illegible]
که [illegible] عرض نمودم [illegible] لازم است [illegible]
پوشانند حضرت فرمودند که [illegible] و بسند صحیح از حضرت [illegible] صلوات
الله علیه منقولست که فرمودند که [illegible] مقنعه واجب نیست در نماز [illegible]
که دختر نابالغ [illegible] سؤال کردم از آن حضرت صلوات الله علیه از دختر نابالغ که وقت
[illegible] مقنعه [illegible] نماز حضرت فرمودند که [illegible]
[illegible] که حرام شود بر او نماز بی مقنعه که اول بلوغ است و در حدیث صحیح [illegible]
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که هرگاه دختر بالغ شد [illegible] مقنعه
[illegible] عرض نمودم که [illegible] حضرت
فرمودند [illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] احادیث [illegible]
است که [illegible] نماز [illegible]
حدیث صحیح از جمیل منقولست که عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از زنی که نماز کند در پیراهن و مقنعه صحیح است حضرت فرمودند که چادر [illegible]
[illegible] بر سر کند [illegible] و بسند صحیح [illegible] پیراهن و مقنعه
[illegible] فرمودند [illegible] از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] که پوشیده از مقنعه [illegible]

نازل شده

ایضا تارک باشد کراهت آن نمایان و با جامه کرده شود بر استحباب و آن اظهر است چنانکه در حدیث موثق
کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که زن نماز میکند در سه جامه ازار و کم جادر باشد
پیراهن و مقنعه و اگر مقنعه را برد در سه یعنی که سر و گردن و موی مینماید بپوشاند بعوض جادر زن
ضرر ندارد و اگر بغیر از دو جامه نداشته باشد یکی را لنگ کند و یکی را مقنعه را و گفته که دیدی که
عرض نمودیم که اگر پیراهن و جادری داشته باشد و مقنعه نداشته حضرت فرمودند که باکی نیست که جادر
را مقنعه کند پس اگر بعرض نرسد بطول آن بر سر کند که همه جا را فرا گیرد و ظاهر میشود که جادر تنها نیز
کافی باشد هرگاه تنگ باشد و در حدیث ابن بکیر منقولست از آنحضرت صلوات الله علیه که بی مقنعه
صحیح است و محمولست بر حالت اضطرار والله تعالی یعلم و در حدیث کالصحیح وارد شده است از محمد بن مسلم
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که بر کنیزان واجب نیست مقنعه در نماز و نه بر کنیز مدبر که
صاحب گفته باشد که بعد از وفات من آزادی و نه بر مکاتب مشروط نیز مقنعه واجب نیست تا همه
مال کتابت را نهد و حد او حد مملوکست و مشروط آنست که در حین عقد کتابت گفته باشد و لیکن که
اگر نتوانی بدهی باز بنده باشی و مجملش این است مکاتب مطلقه که از مال کتابت چیزی نداشته باشد اما اگر چیزی داده
باشد اگر چه اندکی باشد بقدر آنچه داده است آزاد میشود و مقنعه برو لازم است و بعضی گفته اند
که شکم دست را و شکم پا را بپوشاند و احوط آنست که کف دست و پا پوشیده باشد و از بعضی [illegible] دیگر
وضو مسابقه [illegible] باز باشد کمتر که از باب [illegible] و در باب خصائص زنان نیز احادیث بسیار وارد
شده است و بعضی از آنها اینجا مذکور کرده است و خواهد آمد وَرَوَى زُرَارَةُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ
رَجُلٌ يَرَى الْعَقْرَبَ وَالْأَفْعَى وَالْحَيَّةَ وَهُوَ يُصَلِّي أَيَقْتُلُهَا قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَ فَعَلَ و بسند صحیح
منقولست از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شخصی از آنحضرت سوال کرد
که شخصی عقرب یا مار افعی یا هر ماری را که به بیند در وقتی که نماز کند آیا اینها را میتواند کشتن حضرت
فرمودند که اگر خواهد بکشد ضرری ندارد و این حدیث در اینجا مناسبت ندارد چون صدوق یاد
کرده ذکر خواهم کرد و احادیث بسیار در آنجا مذکور خواهد شد ان شاء الله و محلش آنست که ذکره [illegible]

باشد و محتاج بفعل کثیر یا استدبار قبله باشد قطع نماز حرامست و الا جایز است اگر خوفی باشد که
محض احتمال باشد و اگر کاری نداشته باشد و بیم بهره اگر قطع نکند بهتر است و اگر بدون قطع
ممکن باشد جایز است کشتن والله تعالی یعلم وَسَأَلَ سُلَيْمَانُ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيُّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ
مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي السُّوقَ فَيَشْتَرِي جُبَّةَ فِرَاءٍ لَا يَدْرِي
أَذَكِيَّةٌ هِيَ أَمْ غَيْرُ ذَكِيَّةٍ أَيُصَلِّي فِيهَا فَقَالَ نَعَمْ لَيْسَ عَلَيْكُمُ الْمَسْأَلَةُ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِجَهَالَتِهِمْ إِنَّ الدِّينَ أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ و باسانید
صحیح و کالصحیح منقولست از سلیمان عظیم الشان که مدح بنت بحضرت جعفر طیار میرساند گفت
که سوال کردم از بنده صالح موسی بن جعفر صلوات الله علیهما و تعبیر باین عبارت باذن آنحضرت
بوده است از جهت تقیه و از جهت غلاه که ایشانرا خدا میدانستند از شخصی که بازار میرود و جبه
پوستی بخرد که نمیداند که تذکیه کرده اند یا نکرده اند چون جمعی از ایشان میته را بدباغت پاک
میدانند آیا در آن جبه نماز میتوان کرد یا سوال میکنی که شما میته را بدباغت پاک میدانید یا نه
حضرت فرمودند که بلی نماز میتوان کرد و بر شما نیست که سوال کنید چون غالب آنست که تذکیه
میکنند یا آنکه سبب حرج میشود چون مدار بر سنیان بود و تقیه واجب بود و اجتناب از ایشان
سبب [illegible] میشد بشیعیان یا مطلق حرج منفی است چنانچه فرموده اند که حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه بسیار میفرمودند که خوارج لعنهم الله تعالی کار را بر خود تنگ کردند از نادانی بحالتی
بدرستی که دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم از آن فراخ تر است که امثال این دقتها کنند
چنانکه گذشت بلکه متواتر است که آنحضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی مرا مبعوث
گردانیده بدین سهل آسان و حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید فرموده است که مَا جَعَلَ
عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ یعنی حق سبحانه و تعالی در دین بر شما حرج و تنگی قرار نداده است
و غیر این آیه از آیاتیکه دلالت میکند بر آنکه حق سبحانه و تعالی آسان کرده است و دشوار
نکرده است و آنست که خوارج ملاعین کار را بر خود مانند یهودان چنان تنگ کردند از که

باعتقاد خود همه واجب القتل اند چون گناه صغیره را سبب خلود در جهنم میدانند و آیات و اخبار
متواتره در وجوب محبت اهل بیت وارد شده است و در کفر دشمنان ایشان و حیوانم که این ملاعین
قرآن نخوانده اند و احادیث را هیچ قبول ندارند با قرآن نزد سفیان چه جای احادیث شیعیان
قاتلهم الله انی یؤفکون و بهمین عبارت در سوال و جواب احادیث صحیحه وارد است از بزنطی
که از حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهما روایت کرده است و حضرت همین
جواب فرموده اند و سَأَلَ اِسْمَاعِیلُ بْنُ عِیسَی اَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ عَنِ الْجُلُودِ وَ
الْفِرَاءِ یَشْتَرِیهِ الرَّجُلُ فِی سُوقٍ مِنْ اَسْوَاقِ الْجَبَلِ اَیَسْأَلُ عَنْ ذَکَوتِهِ اِذَا کَانَ الْبَائِعُ غَیْرَ
عَارِفٍ قَالَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ عَلَیْکُمْ اَنْ تَسْأَلُوا عَنْهُ اِذَا رَأَیْتُمُ الْمُشْرِکِینَ یَبِیعُونَ ذَلِکَ وَ اِذَا
رَأَیْتُمُوهُمْ یُصَلُّونَ فَلَا تَسْأَلُوا عَنْهُ و بسند قوی کالصحیح منقولست از اسماعیل که گفت سوال کردم
از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهما از پوستها و پوستین و کل
تعنی یعنی الجلود الفراء پشمینها است و این اظهر است باعتبار موافقت لفظ اخبار دیگر و
تخصیص میخورد اینها را در بازاری از بازارهای کوه که اهل کوهستان اینها اشعه نمودند را در آنجا
میفروشند و در عراق عرب کوه نمی باشد و از کردستان و همدان پوستین میبرد ... و معروف
و در بعضی از نسخ الخیل است چون اسب نیز از العراق میبردند و پوست نیز داشتند و اول اظهر است
آیا لازم است که بپرسی از بایع هر گاه شیعه اثنا عشری نباشد که این پوست را تذکیه کرده ام
یا نه یا از دیگران بپرسی و اگر خود گوید که ما میته را بدباغت پاک نمیدانیم نخریم یا ایشان
ثابت میمانند که این پوست را تذکیه کرده اند یا غرض از سوال عدم ... باشد بقرینه جواب حضرت
صلوات الله علیه که فرموده اند که اگر بایع این پوستها کفار بوده باشند پس سوال کنید یعنی اگر
بگفته کفار نمیتوان کردن و اگر فروشندگان را ببینید که نماز میکنند از ایشان سوال مکنید
چون افعال ایشان محمولست بر صحت و محتملست که مراد از نماز کنندگان مسلمانان باشند
چون نماز کردن از لوازم اسلام است و این معنی اظهر است حاصل آنکه پوست را از کسی که بخرد

گرفت و از مسلمانان میتوان گرفت و ظاهر از نواصب و غلاة نیز توان گرفت اگر چه در کفر با سایر
فرق شریکند هر چند کفر ایشان اشد است و مشهور آنست که از نواصب و خوارج و غلاة و
مجسمه نمیتوان گرفت و این احوط است بنابر آنکه اصل عدم تذکیه است تا ظاهر شود که پوست
مذکی است و در دست مسلمانان دلیل طهارت نیست و اگر از کفار بگیرد و دو عادل گواهی دهند که این
پوست مسلمان تذکیه کرده است یا کافر از مسلمان خریده است نماز میتوان کرد هر چند
قوی باشد که مسلمانان از کفار خریده اند مثل پوست سمور و سنجاب و قاقم و بلغار و امثال اینها
اما اگر مسلمانان بگوید که من از ایشان خریده ام بعد از بیع میتوان گرفت و بعد از بیع خلاف است
و احوط رد است و عدم استعمال و اگر گمان داشته باشد که مسلمانان از کفار خریده اند یا از جمعی
خریده اند که میته را بدباغت پاک میدانند بهتر آنست که در آن پوست نماز نکنند چنانکه
کلینی رضی الله تعالی عنه روایت کرده است از ابی بصیر که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از نماز کردن در پوستین حضرت فرمودند که حضرت سید الساجدین
صلوات الله و سلامه علیه بسبب ضعف بدن مبارک از سرما متاثر میشدند و پوستینهای حجاز
که مکه و مدینه است ... آن معدود است بر کثرت نمی بود چون دباغی آن از برگ درخت قرظ میکردند
و آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه میفرستادند بجانب عراق کوفه و پوستین از جهة آنحضرت صلوات
الله و سلامه علیه میگرفتند چون گرم تر بود و می پوشیدند و چون وقت نماز میشد آن پوستین را
می انداختند یا جامه که زیر آن میپوشیدند میبود و جهه انداختن را از آنحضرت سوال می نمودند
حضرت صلوات الله و سلامه علیه در جواب میفرمودند که چون جمعی در کوفه هستند که میته را
بدباغی پاک میدانند و محتملست که این پوست میته باشد بنابراین نماز در آن نمیکنم و امثال
این اخبار بسیار وارد شده است و احادیث صحیحه نیز در جواز وارد شده است بنابر این علما این اخبار
را حمل بر استحباب کرده اند وَ رُوِیَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یُونُسَ اَنَّ اَبَاهُ کَتَبَ اِلَی اَبِی الْحَسَنِ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ یَسْأَلُهُ عَنِ الْفَرْوِ وَ الْخُفِّ اَلْبَسُهُ وَ اُصَلِّی فِیهِ وَ لَا اَعْلَمُ اَنَّهُ ذَکِیٌّ فَکَتَبَ

لا بأس به و بسند حسن كالصحیح منقول است از جعفر که بدو بشیر ابن یوسف گفت مکتوبی نوشتم بخدمت حضرت امام
موسی کاظم صلوات الله علیه نوشتم و عرض نمودم که پوستین و موزه را میتوانم پوشید که نماز کنم
با آنکه نمیدانم که تذکیه اش کرده اند فرمان آنحضرت رسید که باکی نیست اما از آنکه مظنون باشد
عدم تذکیه مثل بیابانی که اغلب آنست که استر و خر که مرده اند پوست آنرا بعمل می آورند و
یا مظنون نیز نباشد مثل بابی پوشند که از مسلمانان میخورند و ظن قریب بعلم هست که تذکیه
بر آن واقع نشده است وَرُوِيَ عَنْ هاشِمِ الحَنّاطِ أَنَّهُ قالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِما
يَقُولُ ما أَكَلَ الوَرَقَ وَالشَّجَرَ فَلا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلّى فيهِ وَما أَكَلَ المَيْتَةَ فَلا يُصَلّى فيهِ و در صحیح منقول است
از هاشم کنده فروش یا کلاه فروش که گفت از آنحضرت شنیدم که فرمودند که هر حیوانی که برگ درخت
و علف خورد جایز است نماز کردن در پوست آن و هر حیوانی که گوشت مرده را خورد در پوست آن
و هر حیوانی نماز مکن یا نمیتوان کرد و ظاهر میشود که نماز در سنجاب میتوان کرد و محتملست که این حکم
مبنی بر غالب باشد بنابر آنکه حیواناتی که گوشت آنها حلال است نمیخورند غالبا و هر چه حرام است میته
میخورند غالبا تا جمع شود میان روایات موثق کالصحیح مقبول و معمول اصحاب از ابن بکیر که گفت سوال
کرد زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از نماز کردن در کرک پوست روباه و فنک و سنجاب
و غیر اینها از کرکها پس حضرت کتابی از خانه بیرون آوردند و فرمودند که این کتابیست که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
علیه نوشته اند بخط مبارک خود که هر چه حرام گوشت است نماز در کرک آن و موی آن و پوست آن
و بول آن و سرگین آن و هر چیزی از آن فاسد است و آن نماز را حق سبحانه و تعالی قبول نمیکند تا آنکه
نماز کند در غیر آن از اجزای حیوانی که حلال گوشت باشد پس حضرت فرمودند ای زراره این فرموده سید
المرسلین است صلی الله علیه و آله و سلم پس باید که نیکو حفظ کنی و اگر حیوانی باشد که گوشت آن حلال باشد
پس جایز است نماز در کرک آن و بول آن و موی آن و پشم آن و شیر آن و هر چیزی از آن
هرگاه بدانی که آنرا تذکیه کرده اند بعنوان ذبح یا نحر و اگر چیزی باشد که حرام گوشت باشد نماز

در هر جزوی از آن فاسد است خواه تذکیه کرده باشند آنرا خواه نکرده باشند حاصل آنکه در اجزای
حلال گوشت نماز جایز است و در اجزای حرام گوشت باطل است و اصحاب رضی الله تعالی عنهم این حدیث
را اصل کرده اند و عامیست که مخصوص میشود باسناد و آنچه مذکور خواهد شد و ظاهرش دلالت
میکند بر عدم جواز نماز در یک موی حیوانی که گوشت آنرا نمیخورند و لیکن ممکنست که تخصیص دهیم آنرا
بمقداری که مرد ستر عورت نتواند کرد چنانکه منقولست در صحیح از محمد بن عبد الجبار که گفت عریضه
نوشتم بخدمت حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه و عرض نمودم که آیا نماز میتوان کرد در کلاهی
که کرک باشد کرک حیوانی که گوشت آنرا نمیخورند یا در میان زیر جامه حریر محض یا بند زیر جامه از کرک خرگوش
پس فرمان حضرت صلوات الله علیه ما در رسید که حلال نیست نماز در حریر محض و اگر کرک حیوانی باشد مذکی
حلال است نماز در آن و ظاهرا تقیید بمذکی از آن جهت است که اگر از میته کنده باشند بسیار است که بلاواسطه
بمنزله میته نجس میشود و غیر این خبر از اخبار و جمعی این حدیث را حمل بر تقیه کرده اند چون در حدیث
صحیح منقول است از علی بن مهزیار که ابراهیم بن عقبه عریضه نوشت بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه و عرض
نمود که متعارفست نزد ما که جوراب و بند زیر جامه میسازند از کرک خرگوش آیا جایز است نماز کردن در آن
بی آنکه ضرورتی یا تقیه باشد حضرت صلوات الله علیه فرمودند که جایز نیست نماز در آن و جمعی احادیث
نهی را حمل بر کراهت کرده اند چنانکه در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پوست سمور گفت آیا در آن نماز میتوان کرد حضرت فرمودند که
دوست نمیدارم که در آن نماز کنم حاصل آنکه چون اخبار بسیار از طرفین وارد شده است احوط اجتناب است
از همه و الله تعالی یعلم وَقالَ زُرارَةُ قالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ خَرَجَ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ صَلَواتُ
اللهِ عَلَيْهِ عَلى قَوْمٍ فَرَآهُمْ يُصَلُّونَ فِي المَسْجِدِ قَدْ سَدَلُوا أَرْدِيَتَهُمْ فَقالَ لَهُمْ ما لَكُمْ قَدْ سَدَلْتُمْ
ثِيابَكُمْ كَأَنَّكُمْ يَهُودٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ فُهْرِهِمْ يَعْنِي بِيعَتِهِمْ إِيّاكُمْ وَسَدْلَ ثِيابِكُمْ و بسند صحیح
منقول است از زراره که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه بر آمدند بر جمعی و ایشان را دیدند که در مسجد نماز میکردند و رداهای خود را آویخته بودند حضرت

فرمودند که چرا جامه‌های آویخته [illegible] یهود [illegible] کرده اید که از معابد خود بیرون آمده باشند

کرده اید [illegible] که در استحباب است خصوصا کسی را که یک جامه پوشیده باشد خصوصا امام جماعت

و خطیب نماز جمعه و اعیاد را و افضل آنست که ردا را بر هر دو دوش اندازد و دو طرف جانب بر طرف راست

اندازد و سدل که نهی از آن واقع شده است اکثر علما احتمال کرده اند بر آنکه طرفهای ردا آویخته باشد [illegible]

کراهت باعتبار پوشیدن دستها است بمذهب جمعی و جمعی مطلقا و جمعی گفته اند که متابعت یهود

در آنست که ردا را بر بالای عمامه اندازند و هر دو طرف آن آویخته باشد و یهودان چنین میکنند پس

این تفسیر نیکوتر خواهد بود و آویختن مطلق خلاف سنت خواهد بود و طرف راست را بر طرف چپ

انداختن نیز مکروه است چنانکه در حدیث صحیح از علی بن جعفر منقول است که گفت سوال کردم آیا جایز است

که دو طرف ردا را بر دست چپ اندازد حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله علیهما فرمودند که هر دو طرف را

بر دست چپ انداختن خوب نیست بلکه هر دو را بر دست راست اندازد [illegible] بهتر است از آنکه

بی ردا نماز کنی یا بر خلاف سنت نماز کنی و قال زرارة قال ابو جعفر صلوات الله علیه ایاک و التحاف

الصماء قال قلت و ما الصماء قال ان تدخل الثوب من تحت جناحیک فتجعله علی منکب واحد

و در حدیث صحیح [illegible] منقولست از زراره که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که زنهار که ردا

را [illegible] که حضرت صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] که

ردا را از زیر [illegible] بیرون [illegible] احتمال عکس نیز دارد [illegible] که هر دو جانب [illegible]

[illegible] و طرف [illegible] بیرون آوردن [illegible] بر یک دوش بیندازد [illegible] بعضی [illegible]

بعضی گفته اند [illegible] که جمیع [illegible] و بعضی گفته اند که [illegible] آنست که یک جامه [illegible]

[illegible] در این صورت [illegible] کشف عورت [illegible]

[illegible] آنست که حضرت [illegible]

آنست که ایشان [illegible] ظاهر حدیث شامل است [illegible] جامه دیگر [illegible]

باشد هر چند آنکه یک جامه پوشیده باشد نمازش باعتبار کشف عورت باطل باشد و ظاهر [illegible] آنست که

یک جامه داشته باشد و خواهد آمد که بهتر آنست که [illegible] والله تعالی یعلم [illegible] فی الرجل

یخرج عریانا فتدرکه الصلاة قال یصلی عریانا قائما ان لم یره احد فان رآه احد صلی جالسا و بسند صحیح منقول است

ابن ابی عمیر از ابن مسکان و غیره و از اهل اجماع اند از بعضی از اصحاب ما از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه در شخصی که بیرون آید برهنه از دریا و امثال آن و وقت نماز شود حضرت فرمودند که نماز میکند برهنه

و ایستاده اگر کسی او را نه بیند و اگر خوف دیدن باشد نشسته نماز میکند و باین عنوان که این حدیث

جمع میشود در میان احادیث صحیحه که دلالت میکند بر آنکه نشسته نماز میکند و در حدیث صحیح از علی بن جعفر

که دلالت میکند بر آنکه ایستاده نماز میکند [illegible] و در حدیث صحیح

منقول است که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمودند که اگر برهنه [illegible] عورت خود را

بپوشاند [illegible] و جمعی از علما گفته اند که هر چه ممکن باشد [illegible]

غیر ماکول اللحم و امثال اینها [illegible]

کند و خواه نشسته [illegible] رکوع و سجود را [illegible]

میکند [illegible] در حدیث قوی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که [illegible]

برهنه [illegible] رکوع و سجود [illegible] ابو جمیله عن ابی

عبد الله صلوات الله علیه انه سئل عن ثیاب المجوس [illegible] قال نعم [illegible]

[illegible] قال نعم [illegible] الثیاب السابریة [illegible] و لا تغسلها [illegible] بسند صحیح [illegible]

او از اهل اجماع است و ابو جمیله مفضل بن صالح روایت کرده است که سوال کردم از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] که جایز است [illegible]

حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] شراب [illegible]

[illegible]

[illegible]

جامه ایشان بهتر است تا نپوشید و بعد از بستن کراهت ندارد و روی زیاد بن المنذر عن ابی جعفر
صلوات الله علیه انه سأله رجل و هو حاضر عن الرجل یخرج من الحمام او یغتسل فیتوشح و یلبس
قمیصه فوق الازار فیصلی و هو کذلک قال هذا من عمل قوم لوط قلت انه یتوشح فوق القمیص قال
هذا من التجبر قلت ان القمیص رقیق یلتحف به قال هو رجل و لا ازار فی الصلوة و الحذف
بالحصا و مضغ الکندر فی المجالس و علی ظهر الطریق من عمل قوم لوط و معروف است از ابو الجارود بسند
صحیح که از معتمدان اصحاب بود قبل از تبدیل مذهب گفت سوال کرد از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه شخصی در وقتی که من حاضر بودم از شخصی که از حمام بیرون آید یا بیرون حمام غسل کند و لنگ فراخی
خود کند و بر زیر بغل او ببندد و پیراهن را بر بالای این لنگ بپوشد و نماز کند با این حال حضرت فرمودند
که این عمل قوم لوط است عرض نمودم که اگر این لنگ فراخ را بر بالای پیراهن بپوشد حضرت فرمودند که
این از تجبر و تکبر است و نسبت بمؤمنان خوب نیست عرض نمودم که اگر پیراهن تنک باشد و این لنگ
را التحاف کند آن به شود که زیرا که تمام این حضرت فرمودند که مرد است و بدن مردان عورت نیست مگر قدری که
عورت است ما بین مجمع آن دیده میشود و محکم عورت نیست چنانکه صاحب حمام کن شنا اکثر نسخ من لا
یحضره است و در تهذیب بخط شیخ طوسی باین عنوان بود که ثم قال ان حل الازار فی الصلوة بس
حضرت عرض نمودند که بلا سخن که بند ازار مکشا را که دون در اثنای نماز و سنگر در وطن یا نکند بلکه اگر ابعاد
و در مجالس کردن بخاید ... در کنار راهها یا در میان راهها در اثنای راه رفتن و بالمطلقا که
از اعمال قوم لوط است و در تهذیب علی ظهر الطریق است که مراد از مجالس کنار راه باشد
و همچنین که علمای عربی بر ایشان وارد شود و امر انکه در فصیحت بر سوال آن ننهد و ظاهر تفسیر آیه
کریمه باشد که حق سبحانه و تعالی فرموده است که در مجالس اعمال قبیحه را بجا آورند و قد روینا
فی التوشح بالازار فوق القمیص عن العبد الصالح صلوات الله علیه و عن ابی الحسن الثالث و عن
ابی جعفر الثانی صلوات الله علیهما و علیهم انه لا بأس به و روایات معارضند ... است بجواز لنگ بستن بالای
را الذین بر بغل بستن بالای پیراهن از حضرت امام موسی و امام علی نقی و امام محمد تقی صلوات الله و سلامه علیهم

و من عمل باین روایات میکنیم و باینها فتوی میدهیم کرد یکران عمل کنند ظاهر امقصود حضرت وقت اکر
این روایت نهی بود میبایست قایل بحرمت باشیم یا حکم نکنیم بحرمت یا کراهت ولیکن چون این روایات وارد
شده است ظاهر میشود که روایات نهی محمولست بر کراهت و محتملست که مراد ش آن باشد که در بحار ذلت
آن کفته سابقا اما روایات بس هر دو بسند حسن کالصحیح از حماد بن عیسی که حسن بن علی بن یقطین
عریضه نوشت بخدمت حضرت عبد صالح موسی بن جعفر صلوات الله علیهما که آیا جایز است که شخصی نماز
کند و بر بالای پیراهن لنگی ببندد که بر زیر بغل بر بسته حضرت در جواب فرمودند که بلی درست جایز است و
بن القاسم منقول است که من دیدم ابو جعفر و حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که نماز میکردند و بر بالای
پیراهن و بر فوق آن دستمالی بسته بودند و این معنی غیر توشح مکروه است بلکه یک معنی از معانی قبا است و دلالت که
شیخ طوسی رحمه الله از شیخ مفید نقل کرده است که جایز نیست که نماز کند در قبا است مگر بوشیده باشد یا کمر
در هر سه شیخ که فقه است که این معنی را علی بن بابویه ذکر کرده است و ما از استادان خود شنیده ایم که محمد
بر سبیل فتوی یا خبر مرسل از ائمه هدی صلوات الله علیهم رسیده باشد یا فتیم و قبای بسته و امثال
کرده اند و بعضی که بیان نبستن با مانند جبه و ذرع و احادیث صحیحه بجواز این معنی وارد شده است
کفته اند که مراد قبای بند است و بعضی گفته اند که کمر آنست که بندها و قبا را باز کند البرا بسته باشد و بعضی
کفته اند بر سبیل انفراد و بعضی علی الاجتماع و صحیح عمل کرده اند چون قول مشایخ محدثین شرعی نیست
و بعضی این معنی را اجماع میدانند و اجماع علما کاشف است از قول معصوم صلوات الله علیهم و باتفاق
متفق معین که عمل بنصوص میکنند خصوصا مثل صدوقین در تحقیق و چون از قبیل تر و کفتند مثل نیست
که ترک اولی است و بسند صحیح از ابن بزیع منقولست از بعضی اصحاب ما از یکی از ائمه معصومین
صلوات الله علیهم که فرمودند که توشح را ترک کرده باشد که لنگ را بر زیر بغل بوده باشد و بالای آن
ردا کرده است و توشح بر بالای پیراهن مکروه است و از این باب حدیث صحیحه که شنیدم از اجتهاد مخصوص میشود
کرباس بستن در وقتی که جامه داشته باشد مانند پیراهن مطلوب است و لنگ فراخ در زیر پیراهن یا
بالای آن مکروه نیست چون شبیه است باعمال متکبران و اکثر علما ذکر کرده اند و اکثر اینکه فقط

داشته باشد اگر فراخ باشد بهتر است چنانکه در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که در یک ازار نماز کردن باکی نیست اگر تا بسینه برسد و مرد را چادر بر
سر کردن خوب نیست اما بر دوشها خوبست چنانکه در اخبار صحیحه و موثقه وارد شده است و اگر
چادر برابر دوش گیرد که تا ساق پوشیده شود یا قبای بپوشد همان در بر داشتن ردا نیست و اگر بر دوش
نرسیده باشد ردا بستن سنت است اگر همه ریسمانی باشد که بر دوش اندازد و اگر امام جماعت باشد مکروه است
بی ردا نماز کردن و بر این مضامین احادیث صحیحه و کالصحیحه وارد شده است از ائمه معصومین صلوات
الله و سلامه علیهم و بعضی از آن گذشت و بعضی دیگر نیز می آید در این باب ان شاء الله تع و سأل عبد الله
بن بکیر ابا عبد الله صلوات الله علیه فی الرجل یصلی و یرسل جانبی ثوبه قال لا بأس و در موثق
کالصحیح منقولست که عبد الله سوال کرد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا جایز است
که مرد نماز کند و هر دو جانب ردا را بیاویزد حضرت فرمودند که باکی نیست و منافات ندارد با
آنکه سنت باشد که جانب چپ را بر جانب راست بیندازد بلکه باکی نیست که مرد نماز کند و ردا را
بر دوشها گیرد که پیش او آویخته باشد و طرف چپ را بجانب راست نیندازد و راوی گفت که شخصی
مرا خبر داد که دیدم که حضرت نیز چنین نماز کردند و ظاهر از جهت عذری بوده است یا بواسطه
بیان جواز یا آنکه اول مرتبه انداخته باشند و چون مشغول نماز شده باشند از آن افتاده باشد و
حضرت صلوات الله علیه خبر نداشته باشند چنانکه در حدیث کالصحیح از ابو حمزه منقولست که دیدم
که حضرت سید الساجدین صلوات الله و سلامه علیه نماز میکردند و ردای آنحضرت از دوش مبارکش
افتاد و درست نکردند تا بعد از آنکه از نماز فارغ شدند من از آنحضرت صلوات الله علیه
سوال کردم که چرا درست نکردید حضرت فرمودند که هیچ میدانی که نزد که ایستاده بودم بدرستی که از بنده
مقبول نمیشود نمازی مگر آنچه دل او با حق سبحانه و تعالی باشد پس گفتم فدای تو گردم ما هلاک شدیم که
از ما چنین نمازی بفعل نمی آید حضرت فرمودند که نه چنین است ولیکن حق سبحانه و تع نقصها را
بنوافل تمام میکند و سأله ابو بصیر عن رجل فی حر شدید فیخاف علی جبهته من الارض قال یضع

یصلی

ثوبه تحت جبهته و بسند موثق کالصحیح منقولست از ابو بصیر که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند و هوا بسیار گرم باشد و خوف داشته باشد که اگر پیشانی را بر
زمین گذارد بسوزد و آبله کند حضرت فرمودند که بر جامه اش سجده کند و بر این مضمون احادیث صحیحه و
کالصحیحه بسیار وارد شده است و خواهد آمد بلکه این حدیث مناسبتی با این باب ندارد و اولی آنست که در
هوای گرم بر زمین گرم نماز نایستد بلکه غرفه میشود که با اخشاء در چنین جائی نماز نباید کرد و سأل
داود الصرمی ابا الحسن علی بن محمد صلوات الله علیه فقال له انی اخرج فی هذا الوجه و ربما
لم یکن موضع اصلی من الثلج فکیف اصنع قال ان امکنک ان لا تسجد علی الثلج فلا تسجد علیه
وان لم یمکنک فسوه و اسجد علیه و در حسن منقولست که داود جرمی سوال کرد از حضرت امام
علی نقی صلوات الله علیه و عرض نمود که من از کوفه میروم بجانب همدان و کردستان از جهة جرمی
بسیار است که برف آنقدر آمده است که جائی بهم نمیرسد که برف نداشته باشد یا توان پاک کرد
چه باید کرد حضرت فرمودند که اگر توانی که بر روی برف نماز یا سجده نکنی نکن و اگر ممکن نباشد دست بر زمین
بکوب تا هموار شود و بر آن نماز کن و در اینجا دو معنی است یکی آنکه مکان نماز مستقر نیست که بر او
سجده نماز باشد و آن بهموار کردن بر طرف میشود دوم آنکه برف از مایعات نیست و سجده بر آن نمیتوان
کرد و جواب است که چون مضطر است باکی نیست و قال ابراهیم بن ابی محمود للرضا صلوات الله علیه
الرجل یصلی علی سریر من ساج و یسجد علی الساج قال نعم و در صحیح و حسن منقولست از ابراهیم که
گفت عرض نمودم بحضرت امام رضا صلوات الله علیه و سلامه که میفرمائید که شخصی نماز کند بر تخت چوبی با آنکه
از آن حرکتی میکند و سجده میتوان کرد بر چوب ساج که از قبیل چوب شمشاد است حضرت فرمودند که بلی
میتوان اما اول چون ممکنست که تخت حرکت نکند و اگر حرکت کند این مقدار حرکت ضرر ندارد اما جواز سجده
با عبار آنکه از زمین روئیده است و آن را نمی خورند و نمی پوشند و در حدیث صحیح منقولست از علی بن جعفر
که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که آیا جایز است که شخصی نماز کند بر
بالای تخته ای که بر دو درخت خرما نصب کرده باشد از جهت چیدن خرما که از درختی بدرخت دیگر روند

نباشد

یا فتحی ساخته باشند از جهة تفرج و نیز حضرت فرمودند که اگر عصا و بی باشد یعنی هموار که بلند و پست
یا مستقر که حرکت بسیار نکند باکی نیست و دیگر گفت از حضرت سوال کردم از فرشی که از حریر محض یا دیبا
باشد اعم از آنکه قالی و گلیم باشد یا دوشک و بالش و امثال اینها یا جای نماز حریر باشد یا دیبا آیا
جایز است که بر روی آن بخوابند یا بر آن تکیه کنند و یا نماز کنند حضرت فرمودند که فرش میتوان کرد
و بر بالای آن نماز میتوان کرد اما بر آن سجده نمی توان کرد چون از زمین نیست و مع هذا پوشیدنی نیست
وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ عَلَى الْبُورِيَاءِ وَالْخَصَفَةِ
وَكُلِّ نَبَاتٍ إِلَّا الثَّمَرَةَ و روایت کرده است شیخ در صحیح از محمد از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
که فرمودند که باکی نیست در نماز کردن بر بوریا و حصیری که از برگ خرما میبافند و بر هر چه از زمین میروید
بغیر از میوه یعنی خوردنی و ممکن است که شامل پوشیدنی نیز باشد چنانکه اطلاق میکنند ثمره را بر حاصلی
که از زمین بهم رسد و تفصیلش خواهد آمد و برین مضمون احادیث صحیحه وارد شده است لیکن فرمودند
که باکی نیست باعتبار آنست که بر زمین بهتر است و همچنین هر چیز دیگر جمیع بدن بر زمین رسد و در
بوریا و حصیر از نکه فاصله هست و نبودنش بهتر است وَسَأَلَ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جُلُودِ السِّبَاعِ مِنَ الطَّيْرِ وَالدَّوَابِّ فَقَالَ أَمَّا لُحُومُهَا فَإِنَّا نَكْرَهُهَا وَأَمَّا الْجُلُودُ
فَارْكَبُوا عَلَيْهَا وَلَا تَلْبَسُوا مِنْهَا شَيْئاً تُصَلُّونَ فِيهِ یعنی بسند موثق منقول است از سماعه که گفت سوال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پوستهای درندگان مرغ چون چرغ و باز و
درندگان حیوانات چهارپا چون شیر و گرگ آیا حلال است حضرت فرمودند که اما خوردن گوشت
اینها را کراهت داریم یعنی نمیخوریم و حرام میدانیم و اما پوست اینها را جایز است که بر آن سوار شوند
اما در حال نماز مپوشید آن پوستها را و این حدیث دلالت میکند بر آنکه سباع قابل تذکیه هستند
چنانکه احادیث صحیحه دلالت میکند بر آن و خواهد آمد و در حدیث بسیار است که کراهت را بر حرمت
اطلاق میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که علت عدم جواز نماز در پوست سباع آنست
که اکثر آنها مسوخند وَقَالَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي شَعْرِ وَ

وَبَرِ مَا أَكَلْتَ لَحْمَهُ وَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ غَيْرُهُ مِنْ سِنْجَابٍ أَوْ سَمُّورٍ أَوْ فَنَكٍ وَأَرَدْتَ الصَّلَاةَ فَانْزِعْهُ
و پدرم که حق سبحانه و تعالی از او راضی و خوشنود باشد در رساله که بمن نوشته بود این را ذکر کرده بود
که باکی نیست نماز کردن در مو و کرک هر حیوانی که گوشت آنرا توان خورد و اگر جامه مو و کرک و پوست
حیوانی باشد که گوشت آنرا نتوان خورد و حرام باشد و خواهی که نماز کنی آن جامه را بکن و نماز کن مثل
سنجاب و سمور یا فنک و فنک حیوانیست که پوست آن نفیس میباشد و بالطبع از جهة مزاجهای حاره
و بارده هر دو مناسب است و حقیقتش ظاهر نیست و از بعضی تجار شنیدم که روباه ترکست و عبارت
فقه رضوی صلوات الله و سلامه علیه اینست که بدان رحمک الله که هر چه از زمین میروید است باکی
نیست پوشیدن آن و نماز کردن در آن مثل علف و برگ و هر چه گوشت آن حلال باشد در گوشت
آن نماز میتوان کرد اگر آن حیوان را ذبح کرده باشند و بمرض نمرده باشند و همچنین در پشم آن و مو
و کرک و پر و استخوان آن نماز میتوان کرد خواه از زنده و خواه از مرده کنده باشند اگر حلال گوشت
باشد باکی نیست و جایز نیست نماز کردن در پوست حیوانی که گوشت آن حرام باشد مثل سنجاب و فنک
و سمور و حواصل و در موضعی دیگر قریب بعبارت متن است وَقَدْ رُوِيَ فِي ذَلِكَ رُخَصٌ وَإِيَّاكَ
أَنْ تُصَلِّيَ فِي ثَعْلَبٍ وَلَا فِي الثَّوْبِ الَّذِي يَلِيهِ مِنْ تَحْتِهِ وَفَوْقِهِ و این عبارات فقه رضویست تحقیق
که از ائمه هدی صلوات الله علیهم روایات وارد شده است در سمور و سنجاب و فنک بر آنکه کسی
در حال ضرورت یا مطلقا در این نماز کند صحیح است و اولی ترک است و زنهار که نماز مکن در پوستینی که
از پوست روباه باشد و همچنین نماز مکن در جامه که در زیر آن پوستینه باشد یا بالای آن و نباید موی
روباه با آن جامه چسبیده باشد و دیده نشود بدانکه احادیث صحیحه و کالصحیحه وارد شده است
نهی از پوشیدن پوست و مو و کرک و موی حیوانانی که گوشت آنها را نخورند و در خصوص سنجاب و سمور
و فنک و روباه و خرگوش احادیث صحیحه و کالصحیحه وارد شده است بر جواز و اکثر علما حمل کرده اند
این اخبار را بر تقیه و جمعی حمل کرده اند اخبار نهی را بر کراهت و این اظهر است در جمع و لیکن احتیاط
در دین مقتضی آنست که نماز در اینها نکنند و مکروه هست نماز کردن در جامه که در زیر اینها یا بالای

اینها پوشیده باشند خصوصا روباه و خرگوش والله تع یعلم وَقَدْ رُوِيَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ
الْجَعْفَرِيِّ أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ يُصَلِّي فِي جُبَّةِ خَزٍّ و باسانید صحیح و حسن
کالصحیح منقولست که سلیمان گفت دیدم حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه را که نماز
میکردند در جبه خز و چون مدار عرب بر جامه فراخ بوده است در زمستان جامه پنبه دار تنک
می پوشیده اند از جهت دفع سرما و گاه بوده است که پوستین تنک مانند کاپتی میپوشیده اند و چنین
جامه جبه می نامیده اند و اکثر اوقات از کرک خز جامهها می بافته اند و بعضیهای اعلی میفروختهاند
فی الحال مشهور است که خز است بعضی از علما گفته اند که این خز نیست و بسیار مستبعد است که حیوانی
با آن کثرت بالکلیه برطرف شود و ظاهر آنست که نماز در آن توان کرد حتی در پوست آن و احادیث
صحیحه در جواز صلوة در آن وارد شده است بشرط آنکه مغشوش نباشد بو بر و روباه و خرگوش
زیرا که چون جامه بسیار از آن می بافته اند بسیار بوده است که کرک روباه و خرگوش را با کرک خز
مخلوط میساخته اند و در حدیث صحیح از عبد الرحمن بن حجاج منقولست که گفت در خدمت حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که شخصی از آنحضرت سؤال کرد از پوست خز حضرت فرمودند
که باکی نیست آن مرد گفت فدای تو گردم این خز در بلاد ما میباشد و سگ آبیست که از آب
بیرون می آید حضرت فرمودند که اگر از آب بیرون آید زنده میماند آن مرد گفت نه حضرت
فرمودند که باکی نیست و در روایت از عبد الله بن ابی یعفور که من نزد حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه بودم که داخل شد بر آنحضرت شخصی از خز فروشان و عرض نمود که فدای تو
گردم چه میفرمائی در نماز در خز حضرت فرمودند که باکی نیست نماز میتوان کرد آن مرد گفت
فدای تو گردم مرده است و پوست میته را نماز نمی توان کرد و این کار منست و خوب میدانم احوال
آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که احوال آنرا من بهتر میدانم آن مرد گفت این کار منست و
هیچکس بهتر از من نمیداند حضرت تبسم فرمودند و فرمودند که تو میگوئی که این حیوانی است که
از آب بیرون یاد آب آنرا صید میکنند و چون از آب جدا میشود میمیرد آن مرد گفت چنین است

فدای تو گردم بلی حضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که تو میگوئی که این حیوانیست که چهار دست
و پا دارد و حکم ماهی ندارد که زکاتش بیرون آوردن از آب باشد آن مرد گفت آری والله چنین بخاطرم
میرسد حضرت فرمودند که همچنانکه حق سبحانه و تع ماهی را حلال کرده است و کشتن آنرا بیابان مقرر
ساخته است که او را از آب بیرون آورند همچنین خز را نیز مقرر فرموده است که چنانکه ذکاة
آن بیرون آمدن یا بیرون آوردن از آب باشد و حلال باشد نماز کردن در پوست و موی او
و منقولست در صحیح از سعد بن سعد که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه سؤال کردم از پوست خز
حضرت فرمودند که ما خز میپوشیم و اشاره فرمودند بخزی که پوشیده بودند عرض نمودم که فدای
تو گردم آنچه شما پوشیده اید کرک است و منع از پوست آن سؤال میکنم حضرت فرمودند که هرگاه کرک حلال
باشد پوست آن نیز حلال خواهد بود و در حدیث صحیح از بزنطی منقولست از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه که فرمودند که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه جبه خزی به پنجاه مثقال طلا میخریدند
و می پوشیدند و ردای خزی به پنجاه مثقال طلا میخریدند و در زمستان می پوشیدند و چون بهار
میشد میفروختند و بهای آنرا تصدق میفرمودند و این آیه را تلاوت میفرمودند که ترجمه اش اینست که بگو یا
محمد که حرام کرده است زینت حق سبحانه و تعالی را که از جهت بندگان خود آفریده است و کی حرام
کرده است خوردنیهای خوب را بگو که اینها همه را از جهت مؤمنان آفریده ام در دنیا و در آخرت
خالص از جهت ایشان خواهد بود و در صحیح از حلبی منقولست که گفت از آنحضرت یعنی امام جعفر صادق
صلوات الله علیه سؤال کردم از پوشیدن خز حضرت فرمودند که باکی نیست تحقیق که حضرت سید
الساجدین صلوات الله علیه در زمستان بالاپوش خز میپوشیدند و چون تابستان میشد میفروختند
و ثمن آنرا تصدق میفرمودند و میفرمودند که مرا شرم می آید که بهای جامه را بخورم که عبادت الهی
در آن جامه کرده باشم و از این باب احادیث صحیحه بسیار است که دلالت میکنند بر آنکه حضرات ائمه
معصومین صلوات الله علیهم خز می پوشیدند و در آن جامه نماز میکردهاند وَقَدْ رَوَى عَلِيُّ بْنُ
مَهْزِيَارَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ يُصَلِّي الْفَرِيضَةَ وَغَيْرَهَا فِي جُبَّةِ خَزٍّ طَارُوِيٍّ

کما فی جُبّة خزٍّ وذکر انّه لَبِسَها علی بدنه وصلّی فیها وأمرنی بالصلوة فیها وبلسانید صحیحه
از علی که گفت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه را دیدم که نماز سنت و واجب را در جبه خز یمنی
میکرد و جبه خز را بمن خلعت داد و فرمودند که اینرا بپوش امر که ببدن من رسیده است و نماز
درین جبه کرده ام و مرا نیز امر فرمودند که در آن جبه نماز کنم وَرُوِیَ عن یحیی بن ابی عمران انه قال
کَتَبْتُ الی ابی جعفر الثانی صلوات الله علیه فی السنجاب والفنک والخزّ وقلت جعلت فداک
احبّ ان لا تجیبنی بالتقیة فی ذلک فکتب صلوات الله علیه بخطّه الیّ صلّ فیها و به الصحیح
منقولست از یحیی که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه در نماز کردن
در سنجاب و فنک و خز و عرض نمودم که فدای تو گردم میخواهم که آنچه حق است بیان فرمائی و بجهت
از روی تقیه نفرمائی حضرت بخط مبارک خود نوشتند که در اینها نماز کن و این حدیث یکی از اخبار
بعضیست که سابقا گفت و اخبار جواز نماز در خز متواتر است و در سنجاب و بر آن خلافی نیست
میان اصحاب ما رضی الله عنهم و اخبار جواز نماز در سنجاب و فنک نیز بسیار است از آنجمله حدیث
صحیح از ابو علی بن راشد که از جمله وکلای حضرت است منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت
امام محمد تقی صلوات الله علیه که چه میفرمائید در پوستینها در کدام یک نماز میتوان کرد حضرت
فرمودند که کدام پوستین را میگوئی عرض نمودم که پوستین فنک و سنجاب و سمور را میگویم
حضرت فرمودند که در فنک و سنجاب نماز بکن و اما در سمور نماز مکن عرض نمودم که در [illegible]
نماز میتوان کرد حضرت فرمودند که نه ولیکن میتوان پوشیدن آنرا در غیر نماز عرض نمودم که نماز
کنم در جامه که در زیر یا بالای آن پوشیده باشم فرمودند که نه و در احادیث قوی وارد شده است که در
سنجاب نماز میتوان کرد زیرا که گوشت نمیخورد و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نهی
نماز کردن در پوست سباع فرموده اند و سبع حیوانیست که گوشت خورد و در حدیث صحیح از ریان
منقولست که سؤال کردم از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما از پوشیدن
پوستین سمور و سنجاب و حواصل و امثال اینها و از کمربند و ساغری که غالبا میته است و کمر

باللباس خز مرسته است و از جامه که کرک را بعوض پنبه در آن کرده باشند و از موها از انواع پوستها
حضرت فرمودند که باکی نیست در همه اینها مگر روباه و بنابرین اکثر علما جایز میدانند نماز را در
سنجاب و احوط ترک است وَرُوِیَ عن داود الصرمی انه قال سأل رجل ابا الحسن الثالث
صلوات الله علیه عن الصلوة فی الخزّ یغشّ بوبر الارانب فکتب یجوز ذلک و مرویست
بسند صحیح از داود که گفت سؤال کردم از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه از نماز در خزی که
مخلوط میسازند آنرا بکرک خرگوش حضرت نوشتند که نماز میتوان کرد و مثل این خبر دیگر از
آنحضرت صلوات الله علیه وارد شده است وهٰذا رخصة الاخذ بها ما جوّز ورادّها ما ثوّر
لا مثل ما ذکره ابی رحمه الله فی رسالته الیّ وصلّ فی الخزّ ما لم یکن مغشوشا بوبر الارانب
صدوق میگوید که آنچه در این حدیث وارد شده است که جایز است نماز در خز مغشوش بر سبیل
رخصت وارد شده است که در حال اضطرار میتوان پوشید یا مطلقا که نهی محمول بر کراهت باشد و
اصل معمول بآن چیزیست که پدرم که حق سبحانه وتعالی او را رحمت کناد در رساله بمن نوشته بود که نماز
کن در خز مادام که مخلوط نباشد بکرک آن یا بکرک خرگوش و محتملست که حدیث جواز را حمل کنیم بر صورتی که
علم نداشته باشند و اخبار نهی محمول باشد بر صورت علم مثل دو حدیث مرسل از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست نماز کردن در خز خالص و اما خزی که مخلوط ساخته باشند
بکرک خرگوش و غیر آن از وبر ما لا یؤکل لحمه پس در آن نماز مکن و عبارت رساله عبارت فقه رضویست
چنانکه اکثر عبارات آن رساله عبارت فقه رضویست چنانکه سابقا مذکور شد و عمده توقف مصنف آنست
که جزم داشته است به آنکه فقه رضوی از آنحضرت است صلوات الله وسلامه علیه ولیکن حدیث صریح در حرمت
نیست شاید مکروه باشد و محتملست که احادیث جواز را حمل کنیم بر مثل کلاه و بند زیر جامه و چیزهائی که
ستر عورت بآن نتوان کرد به تنهائی چنانکه گذشت در حدیث محمد بن عبد الجبار و حمل بر کراهت
اظهر است در جمع چنانکه در حدیث صحیح از حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
که از آنحضرت سؤال کردم از پوستین سمور و سنجاب و روباه و امثال آن حضرت فرمودند که باکی

نیست نماز کردن در اینها و در حدیث صحیح از علی بن یقطین منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام
موسی بن جعفر صلوات الله علیهما از پوشیدن پوستین سمور و فنک و روباه و سایر پوستها حضرت فرمودند
که باکی نیست و در این حدیث نماز مذکور نشده است اگرچه اطلاق خبر شامل وقت نماز هست و در
صحیحه محمد بن مسلم مرویست که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم که آیا نماز
میتوان کرد در پوست روباه حضرت فرمودند که من دوست نمی دارم که نماز کنم در آن و در صحیح از
محمد بن ابراهیم منقولست که گفت عریضه نوشتم بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه و احتمال دارد که
آنحضرت امام حسن عسکری باشند یا صاحب الامر صلوات الله علیهما چون از جمله وکلای حضرت صاحب
الزمان است صلوات الله علیه و سوال کردم از نماز کردن در پوست خرگوش حضرت نوشتند در فرمان
همایون که مکروهست اگرچه گاه هست که مکروه را بر حرام اطلاق میکنند و لیکن ظاهرش کراهت است و
اخبار دیگر و در حدیث صحیح از جمیل منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه از نماز کردن در پوست روباه حضرت فرمودند که اگر آنرا تذکیه کرده باشند باکی نیست و
حدیث حسن کالصحیح دیگر از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که از آنحضرت سوال کردند که آیا نماز
میتوان کرد در لحاف یا پوستین زنان که از پوست روباه باشد حضرت فرمودند که اگر تذکیه کرده باشند
خوبست و همچنین در کالصحیح دیگر و بازاء این اخبار در نهی اخبار وارد شده است و لیکن این اخبار
اصح و اکثر است و آنها اشهر اند در عمل اصحاب با آنها چون اکثر علما بآنها کرده اند و اینها را حمل بر تقیه
کرده اند و ظاهرا اگر کسی عمل کند باینها نیز جایز است هرچند موافق عامه باشند چون موافق خاصه نیز
هستند و احتیاط در ترک است اگرچه مکروه باشد والله تعالی یعلم و قال فیها وَ لا تُصَلِّ فی دیباج
و لا حریر و لا وشی و لا فی شیء من ابریسم محض الا ان یکون قزا سداه ابریسم و لحمته قطن
او کتان و بعد در رساله ذکر کرده است و عبارت فقه رضویست که حضرت صلوات الله علیه
فرمودند که نماز مکن در دیبا که نوعیست از حریر محض غالبا و معنی آن آنست که منقش و ملون باشد
اگرچه غیر حریر باشد و نه در جامه حریر محض و نه در جامه منقش به نسیم و گلی و امثال آن و اغلب

آن بوده است که جامه حریر را منقش میکرده اند و اگر شامل غیر حریر باشد که طلا بر او نقش کرده باشند
یا صورت انسان یا اعم در بعضی حرام خواهد بود و در بعضی مکروه چنانکه گذشت و اگر صورت اشجار
باشد کراهتش کمتر خواهد بود و نماز مکن در چیزی از ابریشم محض مگر آنکه تارش ابریشم باشد و پودش
پنبه باشد یا کتان و در فقه رضوی او صوف یا پشم و اینها همه بر سبیل مثالست بلکه اگر خلیط فقره
باشد خوب خواهد بود و در حدیث دیگر خز ذکر فرموده اند بدانکه جمعی از اصحاب نقل اجماع مسلمانان
کرده اند بر حرمت پوشیدن حریر محض مردانرا و همچنین در حرمت نماز کردن در آن و اخبار از طرق
خاصه و عامه بر این مضمون بسیار وارد شده است از آنجمله در حدیث صحیح بدو سند از محمد بن
عبدالجبار منقولست که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه و
عرض نمودم که آیا نماز میتوان کرد در کلاه حریر محض یا کلاه دیبا فرمان همایون آنحضرت آمد که حلال نیست
نماز در حریر محض و در صحیحه دیگر پرسیدم که آیا نماز میتوان کرد در بند زیر جامه حریر حضرت نوشتند
که حلال نیست نماز در حریر محض و در حدیث صحیح منقولست از اسماعیل بن سعد که گفت از حضرت امام
رضا صلوات الله علیه سوال کردم از نماز کردن در پوست درندگان حضرت فرمودند که در آنها نماز مکن
دیگر پرسیدم که آیا مرد نماز میتواند کرد در جامه ابریشمینه حضرت فرمودند که نه و در حدیث کالصحیح
منقولست از ابو الحارث که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که آیا مرد نماز میتواند
کرد در جامه ابریشمینه حضرت فرمودند که نه و اما آنچه وارد شده است در خبر صحیح از محمد بن اسماعیل که
گفت سوال کردم از ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما از نماز کردن در جامه دیبا
حضرت فرمودند که اگر صورت در آن نباشد باکی نیست و ظاهرا مراد از دیبا جامه منقش باشد مثل
وشی یا آنکه نیست که حریر محض باشد خصوصا هرگاه راوی فاضلی باشد مانند ابن بزیع که ظاهرش
آنست که سوال او از دیبا باعتبار منقش بودن باشد و اکثر حمل کرده اند بر حالت حرب یا ضرورت
و حدیث او معارض است بحدیث موثق کالصحیح سماعه که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه سوال کردم از پوشیدن حریر و دیبا حضرت فرمودند که اما در حرب باکی نیست هرچند در آن

داشته باشی فتامل فیه و احادیث در این باب کثیر است که کتب ابراهیم بن مهزیار الی ابی محمد الحسن
صلوات الله علیه یسأله عن الصلوة فی القرمز و ان اصحابنا یتوقفون عن الصلوة فیه فکتب
لا بأس مطلق و الحمد لله قال مصنف هذا الکتاب رحمه الله و ذلک اذا لم یکن القرمز
من ابریسم محض و کتب الیه فی الرجل یجعل فی جبته بدل القطن قزاً هل یصلی فیه فکتب نعم
لا بأس به یعنی قز المعز لا قز الابریسم و بسند صحیح منقولست از ابراهیم بن مهزیار و مجموع آنچه
کلینی ذکر کرده است از محمد بن ابراهیم که ابن مهزیار باشد و همچنین شیخ و مجموع آنچه شیخ ذکر کرده
از علی بن مهزیار و بنا بعید است چون مذکور نیست در رجال و عند بنده ام روایت علی را از ابی محمد
و علی ای حال حدیث صحیح است که عریضه نوشت بخدمت حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه و
نمود از نماز کردن در جامه سرخ قرمزی و عرض نمود که علمای ما توقف دارند در نماز کردن در آن
و ظاهر آنست که با ایشان خبر رسیده باشد که نماز در آن نمیکنند فرمان حضرت رسید که باکی
نیست مباح است و الحمد لله که حق سبحانه و تعالی کار را دشوار نکرده است با حمدی باشد تبرکاً
صدوق میگوید که آنکه نماز در آن توان کرد در صورتیست که جامه ابریشم محض نباشد و نهیی که بمشایخ
رسیده است در صورتیست که ابریشم محض باشد و محتملست که خبر نهی را صدوق ندیده باشد و دیگر
در عریضه عرض نموده بود که اگر مردی در جامه پنبه دار بعوض پنبه کج را مانند ملیله در جامه کرده
آیا در آن جامه نماز میتوان کرد حضرت فرمودند که باکی نیست صدوق میگوید که مراد از کج ملیله ابریشم است
نه ملیله ابریشم یعنی ریسمان که مراد حضرت این باشد اما تأویل اول صدوق بعید نمینماید زیرا که جامه
قرمزی خصوصیتی با ابریشم ندارد چون احادیث بسیار وارد شده است که جامه سرخ تیره مکروه است
یا منهی عنه و مشایخ قبل دانسته اند که نهی کراهتست یا حرمت توقف داشتند در جواب حضرت ظاهر
شد که مراد از آن نهی کراهتست نه حرمت و اما تأویل ثانی بسیار بعید است و ضرور نیست زیرا که
ظاهر نیست که کج حکم ابریشم داشته باشد اگرچه در حدیث ضعیف از عباس بن موسی منقولست که گفت
از پدرم پرسیدم از ابریشم کج فرمودند که هر دو یکسانست نیز آنکه ضعف حدیث مانع است از آنکه با آن

اتیان کرد و بر تقدیر تسلیم ظاهر نیست که هرگاه ابریشم بعوض پنبه در جامه باشد جایز نباشد با
اخبار صحیحه وارد شده است بر جواز بدون معارض صحیح ظاهر و اگر لا یحل الصلوة فی حریر المحض علم باشد
ممکن است که مخصص شود باین اخبار اما او لیس بدرستی که اخبار بسیار حسن کالصحیح و موثق کالصحیح
وارد شده است از ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد جامه که
انگشت نما مشهور سازد در میان مردم و بنا بر مذهب اکثر علما خلاف مروتست و منافات با عدالت
دارد و قرمزی از آن باب است و احادیث بسیار وارد شده است قریب بتواتر که دلالت میکند بر
کراهت جامه سرخ خصوصا تیره و در حدیث موثق کالصحیح از حماد بن عیسی از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه وارد است که فرمودند که مکروهست نماز در جامه تا مگر اینکه که از کل کافته رنگ
کرده باشند و در حدیث کالصحیح دیگر از آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه منقولست که مکروه است
نماز در جامه کلی که زعفران بخورد او داده باشند تا خوب سرخ و تیره شده باشد و در حدیث کالصحیح
دیگر بهمین عبارتست و آنچه نهی واقع شده است از مطلق پوشیدن جامه سرخ بسیار است محمول است
بر کراهت و اما تأویل ثانی بر تحقیق که غیر از این حدیث حدیث صحیح ریان بن صلت بر جواز وارد شده است
واند که بیشتر گذشت و دیگر روایت کرده اند کلینی و شیخ در صحیح از حسین بن سعید که گفت خواندم
کتابتی را که نوشته بود محمد بن ابراهیم بخدمت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما و سؤال
کرده بود از نماز کردن در جامه که بعوض پنبه کج کرده باشند آیا جایز است یا نه مباح است آنکه نماز در حضرت
در جواب آنکه نوشتند و من خواندم بجواب حضرت را که باکی نیست در نماز کردن در آن و از این خبر ظاهر میشود
که خبر مصنف است غیر این خبر است ولیکن در سؤال و جواب مشترک بوده اند و از این باب بسیار است
و ممکن که حمل کنند این تواتر بر قوالیکه نماز در او تمام نشود مثل کلاه چنانکه مرویست از حلبی بسند صحیح
و در سند او بن هلال است از ابن ابی عمیر و مظنون آنست که موسی بن الحسن یا احمد شیخ کسانیکه اکثر
نسخ بلفظ عن است اما شیخ قریب بآن از احمد بن هلال نقل کرده است و بنا بر این حدیث صحیح است و بنا بر
لفظ عن چون روایت احمد از ابن ابی عمیر است ضرر ندارد زیرا که اکثر علما عمل کرده اند بحدیث احمد از

حسن بن محبوب از ابن ابی عمیر و ظاهر است این بوده است که این هر دو کتاب نزد ایشان
بوده و چون مقابله کرده بودند موافق یافته است با آنکه در وقتی که حال او خوب بود حدیث از او نقل
کرده بودند و بعد از آنکه غالی شد دیگر کسی از او روایت نکرد و آنچه سابقا از او روایت کرده بودند
بآن عمل می نمودند و حلبی روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آنحضرت فرمودند
که هر جامه که بآن ستر عورتین نتوان کرد نماز در آن میتوان کرد مثل بند زیر جامه ابریشمین و کلاه و موزه
و بند زیر جامه نماز در اینها میتوان کرد اگر چه حریر محض باشد و مراد از موزه در اینجا [?] است
و هر چند ظاهر در خبر محمد بن عبد الجبار عدم جواز نماز است حمل میتوان کرد آنرا بر کراهت یا اعم از کراهت
و حرمت که در ما یتم الصلوة حرام باشد و در ما لا یتم الصلوة مکروه باشد چنانکه اکثر اصحاب باین
قایلند و در فقه رضوی استثنا شده است ما لا یتم الصلوة که ستر عورتین بآن نتوان کرد و در
حدیث صحیح از صفوان از ابو داود منقولست که گفت داخل شدم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه و قبای خزی پوشیده بودم که آستر آن نیز خز بود و طیلسانی که بمنزله بالاپوشی میبوده است از
خز بود بلند قیمت پس عرض نمودم که این جامه که پوشیده ام کراهت دارم حضرت فرمودند که از کجا است
کراهتی عرض نمودم که از طیلسان فرمودند که چرا گفتم که خز است فرمودند که خز چه بدی دارد
گفتم که تارش ابریشم است حضرت فرمودند که کراهت ندارد که تارش ابریشم باشد و [?] علتش
آن باشد که محض ابریشم باشد مردان را و کراهت ندارد زنان را و در موثق کالصحیح از آنحضرت صلوات الله
علیه منقول است که هر جامه که در آن ابریشم باشد اگر غیر ابریشم با آن باشد باکی نیست و قد وردت
الاخبار بالنهی عن لبس الحریر و الدیباج و الابریسم المحض و الصلوة فیه للرجال و وردت
الرخصة فی ذلک للنساء و لم ترد بجواز صلوتهن فیه فالنهی عن الصلوة فی الابریسم المحض علی العموم
للرجال و النساء حتی یخصهن خبر بالاطلاق لهن فی الصلوة فیه کما خصهن بلبسه و محقق که
اخبار وارد شده است در نهی از جامه حریر و دیبا و ابریشم محض و از نماز کردن در حریر مردان را و اخبار
وارد شده است که جایز است زنان را پوشیدن حریر و اخبار وارد نشده است بآنکه جایز است ایشان را نماز

از پوشیدنش هم

کردن در حریر محض پس اخبار نهی از نماز در ابریشم شامل است بعموم خود با قسمت مردان و زنان را تا خبری
برسد که همچنانکه ایشان را جایز است پوشیدن جایز است نماز کردن این فرموده است کامل نشده است و عدم وقت
بلکه داب مجتهدین است که بآراء و ظنون عمل میکنند و امثال این دلایل را معارضات بکار واقع است مثلا
در اینجا میگویند که اصل در اشیاء اباحت است حتی در عبادات چنانکه خواهد آمد که هر چیزی جایز است
تا نهی بخصوص آن بما برسد مع هذا تجویز پوشیدن حریر شده است زنان را در همه احوال و از جمله احوال
الصلوة است و نهی بخصوص نماز نشده است پس جایز باشد بلی ممکنست که تصحیح کلام صدوق
باین عنوان کنیم که علما در افراد خود مجتهد نه هیچ حکمی از قرآن و احادیث ظاهر و منکر در سیاق نهی
معین نموده اند و در حدیث صحیح وارد شده است که لا صلوة فی حریر محض و این حکم شامل مردان و زنان هست
چرا این محل استنباط نیز از اخبار ایشان نیست و در هر مقامه منعها هست از آنجمله چون سوال از کلاه
[?] است و کلاه لباس مردان است ظاهر تر آنست که حکم مخصوص مردان باشد دیگر آنکه در مثل این عبارت
کلا صلوة لجار المسجد الا فی المسجد و لا صلوة الا بفاتحة الکتاب خلافست و شک نیست که کاهی کامله مراد
هست و کاهی صحیحه چنانکه در عبارت اول مراد است و در عبارت دوم دوم و در این عبارت ممکن است
که مراد اعم از هر دو باشد بآنکه در ما لا یتم الصلوة نسبت بمرد و نسبت بزن مطلقا کامله مراد باشد و نسبت
بمرد در ما یتم الصلوة صحیحه مراد باشد تا جمع شود میان اخبار و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه وارد است که زنان حریر محض و دیبا میتوانند پوشید مگر در حال احرام و در موثق کالصحیح
از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که سزاوار نیست زن را که حریر محض بپوشد در حال احرام
اما در سرما و گرما جایز است پس چون حالت احرام را استثنا فرمودند میباید که در حالتی غیر از حال احرام
جایز باشد و خواهد آمد احادیث بسیار در احرام که مشعر است باین معنی و صدوق در حدیث کالصحیح از جابر
روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که هفتاد و سه چیز از خصایص زنانست و از آنجمله
حضرت فرمودند که جایز است زن را که دیبا و حریر بپوشد در غیر نماز و احرام و حرامست بر مردان پوشیدن
حریر مگر در جهاد و جایز است که زن انگشتری طلا بپوشد و با آن نماز کند و بر مردان حرامست مگر در حرب

سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت وحریر
مپوش که آن پوشش تست در بهشت واین حدیث اگرچه اشعاری دارد بعدم جواز نماز در حریر ولیکن بحسب
مفهوم دلالتی دارد وآن ضعیف است پس ممکن بود که هر یک از طرفین مذکور باشد پس احوط آنست که در آن
نماز در حریر محض نکنند اگرچه اظهر جواز است از جهت حرج والله تعالی یعلم وعلم بطلان الصلوة فی الرجال بلبس الحریر
الدیباج الا فی الحرب فلا بأس به وان کان فیه تماثیل در موثق سماعة بن مهران عن ابی عبد الله
صلوات الله علیه وجایز نیست مردان را پوشیدن جامه حریر ... که باکی نیست اگر
صورت داشته باشد واین معنی را روایت کرده است سماعه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وسابقا
ذکر کرد که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم تجویز پوشیدن حریر فرمودند که عبد الرحمن بن عوف
را وظاهرا تخصیص بحرب ... که هر دو ... یا حمل کنیم سابق را بر آنکه رخصت مخصوص ...
الحکم عامست در حالت ضرورت نیز جایز است چنانکه آیه واخبار دلالت بر آن میکند ...
... باشد اظهر آنست که بجهت نماز ... در حالت ضرورت ... یوسف بن محمد بن ابراهیم
عنه صلوات الله علیه انه قال لا بأس بالثوب ان یکون سداه وزره وعلمه ... وانما یکره الحریر المبهم
للرجال ... صحیح از صفوان منقولست از یوسف بن ابراهیم ولفظ ابن محمد ... کتب حدیث وکتب
رجال نیست وظاهرا از قلم ناسخ زیاده شده است ... صدوق ... صفوان از اهل
اجماع است جهالت یوسف ضرری ندارد واو روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه
علیه که فرمودند که باکی نیست که جامه تارش ... وعلمش حریر محض باشد ومکروه یعنی حرام نیست
مگر حریر خالص از جهت مردان وظاهرا علم اعم است از سجاف وآنچه در اصل جامه بافته میشود که حریر محض
میشود یعنی از جامه ولفظ تکه دلالت میکند بر آنکه ما لا یتم الصلوة اگر حریر محض باشد ضرری نداشته
باشد اگرچه فرقست میان آنکه متصل بجامه باشد یا جدا باشد مانند بند زیر جامه وبند ...
آنچه متصل است از قبیل تار و پود میشود یا مانند ابریشمی که جامه را بآن میدوزند ودلالت میکند
بر آنکه لازم نیست که اکثر تارش یا نصفش حریر محض نباشد چنانکه بعضی از عامه بآن قایل شده اند ...

حدیث صحیح بزنطی که گفت شخصی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه سؤال کرد نماز در جامه که ابریشم وپنبه باشد
باشد ... یا ابریشم زیاده از نصف باشد آیا در آن نماز میتوان کرد حضرت فرمودند که باکی نیست حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه چند جبه خزین داشتند که دلالت میکند بر آنکه نصف ... کافیست پس
یعنی که واقع شده است که اگر یکی از تار یا پود خلیط باشد ضرر ندارد ... با آنکه عمده
آن ... اخبار نهی حریر محض یا خالص یا مبهم است یعنی خالص پس اگر حریر محض نگویند کافی خواهد بود
ودر علما گفته اند که ... خلیط ... حدیث ... وظاهر آنست که اگر نصف عشر نیز
خلیط باشد وآنرا حریر محض نگویند کافی باشد بلی ... خلیط که ... باشد که اصلا
محسوس نشود ... حقیقت ... لغوی ... ذکر کرده اند که همین کافی نیست که جامه حریر
... ریسمان ... شکی نیست ... اگر عشر خلیط باشد ... واگر یکی از تار وپود خلیط
خلیط باشد چنانکه در حدیث کالصحیح عبید بن زراره از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست که حضرت فرمودند که باکی نیست در جامه حریر اگر تار یا پود حریر باشد ودیگری پنبه یا کتان
باشد ودر حدیث کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که سؤال کردند از آنحضرت از جامه که تارش
ابریشم وپودش سود باشد حضرت امر فرمودند که بپوشند ودر حدیث موثق کالصحیح منقولست از زراره که گفت
شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که نهی میفرمودند از پوشیدن حریر مردان وزنان ...
که مخلوط باشد با آنکه تارش یا پودش خز یا کتان یا پنبه باشد ومکروه نیست که حریر محض مردان
زنان را ونهی وکراهتی که در این حدیث است اعم از حرمت وکراهت با آنکه در مرد بر سبیل حرمت باشد
ودر زن بر سبیل کراهت باشد وجمعی از این حدیث ... مستند ... کرده اند ... اجماع است که
زنان را جایز است پوشیدن حریر بل البته میباید مراد از نهی صلوة باشد وصدوق باین قائل است
... است کالصدوق آن بود که ذکر کرد وجواب مذکور شد ... اکثر علما استثنا کرده اند سجاف
حریر را بقدر چهار انگشت ودر صحاح عامه صریح است واز طرق خاصه مرویست در حدیث قوی کالصحیح
از جراح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وسلامه منقولست که آنحضرت کراهت داشتند از پوشیدن ...

بیراهنی که سجاف آن دیبا باشد کراهت داشته‌اند لباس حریر و جامهٔ منقش را کراهت داشته‌اند از بالش
میان زین و پالان و حضرت فرمودند که بالش شیطان است یعنی شیطان از جهت تکبر آن را میسازد
و ظاهرا از جهت وضع از جهت حاجت است بقرینهٔ ما بعد لیکن علما کراهت اول را به احتمال کرده‌اند و مجلسین سیم و
چهارم را او و برد را بعضی حرمت حمل کرده‌اند تا جمع شود میان اخبار و روی عنه مسمع بن عبد الملک
انه قال لا بأس ان یأخذ من دیباج الکعبة فیجعله غلاف مصحف او یجعله مصلی یصلی علیه و در
بسند کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست که دیبای کعبه را اخذ
نمایند و کیسهٔ مصحف کنند یا جانماز کنند و بر آن نماز کنند یعنی اصل نماز کردن خوب است اما سایر که محل
نبات خود چنانکه خواهد آمد و این حدیث و صحیحهٔ علی بن جعفر دلالت میکنند بر آنکه بر بالای حریر نماز میتوان
کرد و قول شیخ است بر عدم جواز و قائلش مجهول است و قولش ضعیف و احادیث جامهٔ کعبه بعضی
کهن میت کنند و بعضی در ابواب حج خواهد آمد و الحال جامهٔ کعبه از حریر و دیباست که منقش است
بآیة الکرسی و غیر آن و ظاهرا در زمان حضرات نیز چنین بوده است و در اخبار وارد شده است که با آن
نماز نمی‌توان کرد و ظاهرا باعتبار آنکه حریر است حرام است و باعتبار آنکه منقش است مکروه است
و استعمالات دیگر ضرر ندارد و بهتر آنست که تعظیما للکعبة مهما امکن تعظیم آن بکنند و نجس نکنند و
اگر نجس شود آب کشند و الحال معهود است که اسم ثلثه آن را نجس میکنند اگر ممکن باشد که ازالهٔ آن کنند بعید
بهتر است و اگر کاغذی بدوزند و نجس نچسبانند دور نیست که جمع بین الجمعین شود والله تبارک و تعالی
یعلم و سأل محمد بن اسماعیل بن بزیع ابا الحسن الرضا صلوات الله علیه عن الصلوة فی الثوب المعلم
فکره ما فیه من التماثیل و بسند صحیح از محمد که گفت سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه از نماز کردن
در جامه‌ای که خط خط کربلائی باشد یا مانند تفصیله یا جامهٔ چند رنگ یا جامه‌ای رنگین و جامه‌ای معلم میکنند اگر
استعمال آن در اول اشهر است پس حضرت فرمودند که اگر در خطها صورت باشد اگر چه صورت درختها باشد
مکروه است یا مرا خوش نمی‌آید و این حدیث را شیخ در صحیح از ابن بزیع نقل کرده است که آنحضرت صلوات الله علیه
پرسیدم از جامهٔ دیبا حضرت فرمودند که اگر صورت ندارد باکی نیست و ظاهرا مراد از دیبا معلم است چنانکه

مشهور است که صورت دیگر باشد چون احادیث متکثره موثق کالصحیح وارد شده است از ائمهٔ معصومین صلوات
الله علیهم که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که سفید بپوشید که جامهٔ سفید پاکیزه‌تر و پاکیزه
جامه‌هاست و کفن موتای خود را سفید کنید و کالصحیح وارد شده است که جامه‌های سفید بپوشید که لباس حضرت
سید المرسلین است صلی الله علیه و آله و سلم و لباس ما است صلوات الله علیهم پس سیاه مکروه است بلکه اصلا
و کراهت در جامه‌های رنگین نیز بیشتر است خصوصا در سرخ نیز خصوصا در جامه که براق باشد یا اشتباه باشد
در عورت بنماید حرام است و نماز باطل است و در جامهٔ سیاه کراهت بیشتر است و کفن و اگر جامهٔ
معلم مثال دار باشد کراهتش اشد است مگر آنکه صورت را تغییر دهند چنانکه در صحیحهٔ محمد بن مسلم مرویست
که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که باکی نیست که صورت در جامه اگر تغییر آن بدهند و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که آنحضرت کراهت داشتند یا نهی فرمودند که کسی
انگشتری نماز کند یا جامه که صورت دار باشد و صورت حیوان کراهتش بیشتر است خصوصا انسان بیشتر و لا یجوز الصلوة
فی تکة رأسها من ابریشم و جایز نیست نماز کردن در بند زیر جامهٔ ابریشمین که سرش ابریشم باشد و آنچه
در فقیه مذکور است باین عنوان است که نماز نمی‌توان کرد در بند زیر جامهٔ ابریشمین و دور نیست که لفظ
راسها از نساخ زیاد شده باشد و لیکن در موضع دیگر استثنا کرده‌اند و لا تتم الصلوة فیه را مانند تکه پس
ظاهرش آنست که مراد از عدم جواز کراهت باشد و در رسالهٔ مکاتبهٔ محمد بن عبد الجبار که از حضرت امام حسن عسکری
صلوات الله علیه سوال کرده است در عریضهٔ آنست که آیا نماز میتوان کرد در کلاهی که بر آن باشد کرک حیوانی که گوشت
آن را نخورند یا بند زیر جامه حریر باشد یا بند زیر جامه از کرک خرگوش یا قندز باشد حضرت در جواب فرمودند
که حلال نیست نماز در حریر محض و اگر کرک یا کرک ماکول باشد یا حیوانی آن را کشته باشد نماز در آن حلال است
ان شاء الله تعالی و لفظ لا یحل بمعنی تحریم و بمعنی ترک در مکاتبات نوشته میشود و ممکن است که حمل کنند بر کراهت
بنا بر آنکه اکثر علما تجویز جواز استعمال حریر غیر محض ابریشم که اگر جایز است نماز کردن با آنچه [illegible]
نتوان بیان آن [illegible] لکن
احتیاط ترک نماز است در بند زیر جامهٔ حریر بنا بر نسخهٔ صدوق و ظاهرش آنست که حرمت یا کراهت [illegible]

باشد که کل سوینا ابریشم باشد نه آنکه الحال متعارف است که ابریشم بر سر آن می پیچند که بار [illegible] اگرچه
احوط آنست که بعوض ابریشم ریسمان به پیچند پس بنابرین [illegible] میشود در کل [illegible] برده
وضع میکنند اما ابریشم و شیخ بهاء الدین محمد طاب ثراه میفرمودند که مشایخ جبل عامل با جامه ابریشم
میخوابیدند ولیکن بسیار صریح است و شبیه است این مبالغه بمبالغه خوارج لعنهم الله که ایشان مطلقا
نمی پوشند و اکر جمیع [illegible] از تار یا پود ابریشم باشد و مستند ایشان بقول حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله وسلم که فرمودند که هذان محرمان علی ذکور امتی یعنی ابریشم و طلا هر دو حرام است بر مردان امت من
ولیکن چون آن به تصحیح مشایخ [illegible] خسر الدنیا والآخرة شد
و لا بأس بالفراء الخوارزمیة و مما یدبغ بأرض الحجاز و باکی نیست نماز کردن در پوستینهای خوارزمی و در
پوستینهای خوارزمی و در پوستینهای که در زمین حجاز دباغی آن میکنند روایت کرده است شیخ
[illegible] بسند صحیح از بشر بن بشار که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از نماز کردن در
سنجاب و سمور و حواصلی که در بلاد شرک صید میکنند یا در بلاد اسلام میتوان نمود در آن نماز کردن بدون تقیه
حضرت فرمودند که نماز کن در سنجاب و حواصلی که در خوارزم صید میکنند که بلاد اسلام است و نماز مکن در
دو ماه و سمور چون متعارف بوده در آن زمان مثل حال که پوستین این قسم جانوران را از بلاد کفر می آورند
و مسلمانان صحیح نمیدانند و میفروختند حضرت میفرمایند که هر چند اعلم و اشتر باشی که کفار صید کرده اند و پوشش
[illegible] الخوارزم فی [illegible] آورند از ایشان و میگیرند و محتمل است که مراد این باشد که استعلام کن هر چه از بلاد
اسلام آورده باشد بپوش و کلا و لای بر سبیل استحباب باشد و ممکنست که در آن زمان اهل خوارزم جمعی کافر
باشند و جمعی مسلمان و مسلمانان را رخصت داده باشند که از ایشان بخرند و چون پادشاه مسلمانست حکم بطاهر
و اما آنکه دباغی آن در زمین حجاز میکنند گذشت که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه فرمودند که دباغی
آنرا از برای [illegible] میکنند و عیب [illegible] میکنند و اهل حجاز میته را بدباغت پاک [illegible] حضرت
صلوات الله علیه میفرستادند پوستین عراقی را میپوشیدند و ایشان دباغی پوست را از فضله سگ میکرده اند
میته را بدباغت پاک میدانستند و حضرت آن پوستین را از جهة دفع سرما می پوشیدند و [illegible] غالب

میکنند و میفرمودند که از این جهت میگویم که اهل کوفه میته را بدباغت پاک میدانند و از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که نماز مکن در پوستهائی که دباغی آنرا از فضله سگ
میکنند و ظاهرا نکرده باشند و مدار اهل بغداد الحال بر پوستهاست و از این جهت کفشهای ایشان لطیف است
و چون مکرر میشویند ظاهر آنست که چیزی از آن نمی ماند و ممکن هست که بسیار مانده باشد و لیکن عین نجاست
بعضی نیست که بر تقدیری که جایز نباشد استعمال آن در نماز و لازم باشد اجتناب از آن مطلقا ولی چون ظن
[illegible] بعلم هست که استعمال میکنند پوست مردار که دباغی کرده باشند اجتناب خوبست و در حدیث حسن
کالصحیح منقول است از حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که مکروه هست نماز کردن
در پوست [illegible] که در زمین حجاز میسازند یا در پوستینی که بدباغی [illegible] آن کرده اند بسند قوی از عبد الرحمن
بن حجاج منقول است که بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که من داخل میشوم
در بازارهای مسلمانان یعنی این جمعی که دعوی اسلام میکنند [illegible] کالمرتدین و [illegible] باهل سنت [illegible]
عشره مبشره و از ایشان پوستین میخرم از برای تجارت و از صاحب پوستین میپرسم که آیا این پوستین مذکی
حیوانست [illegible] و میگوید بلی مذکی است آیا جایز است که من در وقت فروختن بگویم که مذکی
این کرده اند حضرت فرمودند که نه و لیکن باکی نیست که بفروشی و بگوئی که آنکسی که من از او خریدم او گفت که
مذکی است عرض نمودم که چه چیز سبب این شده است که نتوان گفت حضرت فرمودند که باعث بر این آنست
که اکثر اهل عراق حلال میدانند که در میته نماز میکنند و دلیل بر حلال ساختن ایشان اینست که هر گاه میته را دباغی
کنند همچنانست که تذکیه آن کرده اند و بهمین اکتفا نکرده اند که بگویند [illegible] بلکه دروغ
بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم میبندند که حضرت چنین فرموده است و سبب این کذب آنست که گفته اند
که گوسفندی یکی از زنان آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم مرده بود و بیرون انداخته بود حضرت فرمودند که
چرا منتفع نشدند که [illegible] هرگاه گوشت [illegible] پوست داشت و غرض حضرت ظاهر بود که [illegible] تذکیه کرده
پوستش را [illegible] ایشان میگویند که غرض حضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله این بود که چرا دباغی نکردند
که پاک شود بالکلیه و بصحاح ایشان هست از آنجمله احمد بن حنبل و ابو داود سجستانی روایت کرده اند از عبدالله بن

حکیم که گفت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم کتابی نوشتند بقبیله جهینه که من بعد از این تمامی
داده بودم در استعمال پوست میته و پی آن کتاب بشما رسید منع انتفاع می باید کرد نه به پوست و نه به پی های
او و از جابر روایت کرده اند که گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند که از هیچ حیوان مرده
انتفاع مجوئید و بعضی گفته اند که این حدیث روایت حسن است و نیکوست با آنکه ظاهر آیه نیز دلالت میکند که حق سبحانه
و تعالی فرموده است که حرمت علیکم المیتة یعنی حرام شده است بر شما میته و اکثر اصولیین ایشان تجویز کرده اند
که در امثال این آیه اقرب مجازات بحقیقت حرمت جمیع انتفاعاتست و نزد علمای شیعه جایز است انتفاع
نیز و چند که حیات در آن حلول نکرده است باعتبار آنکه آن میته نیست زیرا که میته آنست که حیات داشته باشد
و مرده باشد و عموم احادیث متواتر است نزد شیعه بلکه عامه نیز نقل کرده اند که منع اهل بیت نجاست و عدم
جواز نماز در آن و لا باس بالصلوة فی صوف المیتة لان الصوف لیس فیه روح و باکی نیست نماز کردن
در پشم حیوانی که مرده باشد و ماکول اللحم باشد زیرا که پشم روح در آن نیست و لهذا از جدا کردن آن حیوان المی
نمیشود و این عبارت حدیث صحیح حلبی است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و از این تعلیل حضرت
معلوم میشود که هر چیز که روح در آن نمی باشد پاکست و آن ده چیز است که در حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که ده چیز از حیوان مرده ذکی است و پاکست از آن حیوان در مو و پشم و پر و شاخ
و سم و تخم صیغ هر گاه پوست بهم رسانیده باشد و پی و دندان و استخوان و در غیر خلافست و در احادیث
دیگر بدل از شیر ذکر گشته و در بعضی حدیث کرک داخل پشم است و احادیث صحیحه و حسنه کالصحیحه و موثقه
کالصحیحه درین باب وارد است بعدد و معارض و کسی خلاف نکرده است و در باب ... خواهد آمد و سأل
سماعة بن مهران ابا عبد الله صلوات الله علیه عن تقلید السیف فی الصلوة فیه الفراء و الکیمخت
فقال لا باس ما لم تعلم انه میتة و در موثق کالصحیح منقولست از سماعه که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه از انداختن شمشیر بگردن و حال آنکه سر پشم دارد که ... الفرا ...
خورده میباشد یعنی ساغری یا چرم دارد که آن نیز چنین است حضرت فرمودند که باکی نیست تا علم نداشته باشی
بآنکه از میته است پاکست چون اصل در اشیا طهارتست چنانکه ظاهر بپاکست بآنکه چون از مسلمان میگیرد

حال مسلمین محمولست بر صحت چنانکه اکثر علما گفته اند و بهمین مضمون نیز موثقه کالصحیحی که از آنحضرت منقولست
صلوات الله علیه و در موثق کالصحیح منقولست از اسحاق بن عمار از آنحضرت امام ابی الحسن موسی کاظم صلوات
الله علیه که فرمودند که باکی نیست نماز کردن در پوستین یمنی و در هر چه از پوست باشد که در زمین مسلمانان
بعمل آورده باشند اسحاق عرض نمود که اگر در آن زمین کفار نیز باشند استعمال آن پوست میتوان کرد حضرت
فرمودند که هر گاه غالب بر آن زمین مسلمانان باشند باکی نیست یعنی اکثر مسلمانان باشند یا پادشاه مسلمان باشد
یا نزد الظهر است اگر چه معنی دوم را گفته اند و منقولست در صحیح از بزنطی که گفت سوال کردم از حضرت
ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما از خفاف که در بازار میروند و موزه میخرد و نمیداند که آن پوست را
تذکیه کرده اند یا نه چه میفرمایید در نماز کردن در آن با آنکه نمیداند که مذکی است یا میته آیا نماز میتوان کرد
آن حضرت فرمودند که بلی من موزه از بازار میخرم و از جهة من میدوزند و در آن نماز میکنم بر شما نیست
که سوال کنید بدانکه امثال این اخبار صحیحه بسیار است که دلالت میکند بر آنکه در ما لا یتم الصلوة از میته
نماز نمیتوان کرد و حکم سایر نجاسات ندارد و احادیث صحیح و کالصحیح بسیار وارد شده است در آنکه در ما لا
یتم الصلوة فیه یعنی چیزیکه بتنهائی ستر عورتین بآن نتوان کرد مانند موزه و کلاه و بند زیر جامه و جوراب
اگر نجس باشد نماز با آن میتوان کرد و لیکن در موثق کالصحیح منقولست از اسماعیل بن فضل که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه از لباس پوستها و موزه و کفشها و در نماز کردن در آنها هر گاه از جائی آورند
که زمین کفار باشد حضرت فرمودند که در کفش و موزه قصور ندارد و این حدیث مخالف آن احادیث نیست زیرا که ظاهرهم
آنست که از مسلمانان گرفته است و ایشان از بلاد کفار آورده اند و در چنین صورتی آنچه در مثل پوستین احتیاط
در ما لا یتم مطلوب نیست و منقولست در قوی از قاسم شمشیر گر که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله
علیه که من غلاف شمشیر میسازم از پوستهای خر مرده و بجامه ام میرسد نماز در آن جامه میتوانم کرد حضرت در
جواب کتابت نوشتند که جامه جدا از جهة نماز مقرر ساز که در وقت نماز آنجامه را بپوشی و آنرا پوشی و مدتی
برین عمل میکردم و بر من مشکل بود اجتناب کردن عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه و عرض
نمودم که بر پدرت صلوات الله علیه عریضه نوشتم و چنین جوابی فرمودند و بر من بسیار مشکل شده در بین اقامت

از پوست خر وحشی میسازیم چون غالب اینها شکار است و بسم الله میگویند [illegible] که کسی متعارف دیده
آنرا نکند بلکه مثل این زمان بوده است که بعد از مرگ پوست آنرا بعمل می‌آورده‌اند حضرت صلوات الله وسلامه
علیه در جواب نوشتند که همه کارهای خیر مشکل است و بر آن صبر میباید کرد تا حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کند
و شیخ ضیاء این معنی [illegible] بود ندکه کارها بصبر کن تا حق تعالی ترا رحمت کند چون لفظ کل را بکسر کاف و سکون
لام میخوانند پس اگر از پوست خر وحشی باشد که تذکیه کرده باشند باکی نیست و اجتناب نمیباید کرد و
ظاهرا غرض سایل اینست که غالبا اوقات چنین میباشد حضرت تجویز میفرموده‌اند و اجتناب بر سبیل
استحبابست و اگر میته بود و معلوم بوده باشد بعید است که تجویز فرمایند چون سبب نجاست [illegible]
میشود مگر آنکه در وقت فروختن ذکر کنند که این خلاف از پوست میته است والله تعالی یعلم و منقول است
در قوی از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که شخصی کتابتی بآنحضرت نوشته و عرض نمود که جبه
در پوستینی که از بازارها میخرند حضرت فرمودند که اگر بایع بگوید که میته نیست باکی نیست و اما [illegible]
بسیار است و جمع بین الاخبار آنست که بدون سوال جایز است خریدن خصوصا در بلاد عامه و اگر ممکن باشد
سوال کردن و خوف ضرر نباشد سوال بهتر است و ظاهرا سوال وقتی خوبست که ندانیم که او میته را بدباغت پاک
میداند که اگر دانیم که این اعتقاد دارد عبث است سوال کردن بلی اگر سوال از مذهب او بکنند از برای دیگران
پس اگر ظاهر شود که حنبلی مذهب است از او میتوانند گرفت چون احمد حنبل میته را بدباغت پاک نمیداند و بر غیر
اینها اعتماد نمیتوان کرد اگرچه حنبلی از دیگران میخرد اما از بابت شیعه است که میته را بدباغت پاک
نمیدانند و لیکن اکثر عجمی میخرند که ایشان باک نمیدانند پس اگر ممکن باشد که از شیعه بخرد بهتر است و اگر
از حنبلی بگیرد و اگر سوال نکند جایز است و استعمال میتواند کرد چنانکه در روایات سابقه مذکور شد و در
قوی منقولست از حسن بن جهم که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه
که من ببازار میروم و موزه میخرم و نمیدانم که مذکی است یا نه حضرت صلوات الله علیه فرمودند که بلی با آن
نماز کن عرض نمودم که کفش نیز چنین فرمودند که بلی چنین است عرض نمودم که خاطرم جمع نمیشود فرمود که حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه بهتر بودند و با آن نماز میکردند نمیخواهی که متابعت آنحضرت صلوات الله

و سلامه علیه بکنی و در حدیث صحیح منقولست از علی بن مهزیار که بخدمت حضرت امام [illegible] صلوات الله علیه عریضه
نوشتم و سوال کردم از نماز در سرموزه و سرموزه از جهت من آورده بودند بخدمت حضرت فرستادم که
نماز در این میتوان کرد حضرت فرمودند که بلی نماز در این میتوان کرد و ظاهرا غرض از فرستادن این
بوده که مشایخ میگفته‌اند که نماز نمیتوان کرد در چیزی که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد و نماز
از [illegible] سرموزه کل پشت پا را نمی‌پوشاند بجای ساق چون سرموزه از این جهت است که اگر کفش
بکنند و موزه را نکنند و این سرموزه فی الحقیقه کفش است و حضرت تجویز فرموده‌اند و ممکن است که
سرموزه را بهدیه فرستاده باشند از جهت آنحضرت صلوات الله علیه و غرضش این باشد که چون
در غالب بلخ و بخارا می‌آورده‌اند و ایشان میته را بدباغت پاک میدانسته‌اند میخواسته که بطلبد که حضرت
در آن نماز میکنند یا نه چنانکه در روایت گذشت و علی ای حال جواب دلالت میکند بر جواز نماز در مانند کفش
صحیح اگرچه ساق نداشته باشند و اگر نماز نکنند بهتر است اما اگر نعل عربی باشد سنت است در آن نماز
کردن چنانکه در این احادیث صحیحه وارد شده است که حضرات ائمه هدی صلوات الله علیهم در آن نماز
میکرده‌اند و امر بآن میکرده‌اند و میفرموده‌اند که سنت است اگرچه اخبار بلفظ نعل واقع شده و نعل بمعنی
کفش است و شامل همه کفشها هست ولیکن چون کفش عجمی تابع بوده است در زمان ایشان مطلق منصرف میشود بآنچه شایع
و جهت آنست که در نعل عربی نماز کنند چون ظاهر شد آنست که مستحب است [illegible]
خلاف نعل هندی و مکی که [illegible] و سال علی بن الریان بن الصلت ابا الحسن
الثالث صلوات الله علیه عن الرجل یاخذ من شعره و اظفاره ثم یقوم الی الصلوة من غیر ان ینفضه
من ثوبه فقال لا بأس و بسند حسن کالصحیح منقولست از علی که گفت سوال کردم از حضرت امام علی نقی صلوات
الله علیه از شخصی که ابروها و ناخنها گیرد و بنماز برخیزد و بی‌آنکه موی و ناخن را از جامه‌اش بیفشاند تا نماز
[illegible] فرمودند که باکی نیست و روایت کرده است شیخ در صحیح از علی بن ریان که گفت عریضه بخدمت آنحضرت
صلوات الله علیه نوشتم که آیا جایز است نماز کردن در جامه‌ای که در آن جامه موی آدمی بوده باشد یا ناخنهای آدمی
[illegible] فرمودند که جایز است چون ظاهر آنست که [illegible]

باشد ممکن است که حمل کنیم خبر حسن را بدین خبر که مراد از آن خبر سؤال بعنوان مکاتبه باشد و این خبر را
حمل بر آن کنیم که مراد مو و ناخن خود باشد و ممکن است که یک مرتبه بعنوان مکاتبه باشد سؤال کرده باشد
و مرتبه دیگر بعنوان مشافهه و بنابرین خبر حسن دلالت میکند بر آنکه مو و ناخن خود ضرر نمیدارد ظاهرا عفو
در آن نباشد چون فضله خود از حرک بدن از لوازم او نیست که اگر جایز نباشد نماز در آن حرج عظیم
لازم می آید و موید آنست حدیث موثق عمار که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از شخصی که قی کند در جامهٔ خودش آیا جایز است که در آن جامه نماز کند پیش از آنکه آنرا بشوید حضرت
فرمودند که باکی نیست و در حدیث کالصحیح از حلبی منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت آنحضرت صلوات
الله علیه که هرگاه شخصی دستمالی داشته باشد که بآن دست پاک کند جایز است که آنرا بعوض ردا بر دوش
اندازد یا بر میان بندد و نماز کند حضرت فرمودند که باکی نیست و کلینی در قوی روایت کرده است از آنحضرت
که فرمودند که نماز مکن در دستمالی که بآن دست پاک کرده باشی و نماز مکن در دستمالی که غیر تو
دست بآن پاک کرده باشد چون غالبا از چرک دست داخل دستمال میشود و فضله غیر ماکول داخل
در آن نماز نمی توان روا داشت بدین جهت که جمعی از علما شرط کرده اند در خون کمتر از درهم که معفو
است آنکه خون خود تو باشد چون غیر خون خود تو از حیوان غیر ماکول است و موید این معنی است آنکه
در فقه رضویست که خون تو مثل خون غیر تو نیست یعنی در خون خود اگر کمتر از درهم باشد معفو است
و در غیر خون تو معفو نیست چون فضله حیوان غیر ماکول اللحم است و کلینی و برقی فی القوی
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که آنحضرت فرمودند که خون تو پاکیزه تر است
از خون غیر تو هرگاه در جامهٔ تو ترشح کرده باشد از خون تو باکی نیست و اگر از خون غیر تو باشد خواه
اندک باشد و خواه بسیار بشوی آنرا و کلینی حکم بصحت حدیث کرده است اما بنا بر مکاتبه ظاهر
اعم است از مو و ناخن خود یا دیگران پس اگر قایل شویم که ما لا یتم فیه الصلوة از اینها معفو است
در خبر محمد بن عبد الجبار گذشت پس دغدغه در مو نیز نخواهد بود و اگر عمل بآن خبر نکنند چون اخبار
بسیار در نهی وارد شده است چنانکه بعضی از آن گذشت و در حدیث صحیح وارد شده است از علی بن

مهزیار که گفت ابراهیم بن عقبه عریضه بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه فرستاد و ظاهرا هادی است و عرض نمود
که نزد ما جوربها و تکه ها میبافند از وبر خرگوش آیا جایز است نماز کردن در آن بی ضرورتی و
تقیه حضرت در جواب نوشتند که جایز نیست نماز در آن و همچنین در حدیث صحیح از علی بن مهزیار منقولست
که آنحضرت صلوات الله علیه نهی فرمودند از پوستین و با موی زیرجامه زیر آن و بالای آن چون بر آن می چسبد
با آنکه ما لا یتم الصلوة است و این نهی ممکنست که اعم از حرمت و کراهت باشد که اگر به بدن مو را جائز نباشد
مانع کردن و اکثر را به بیند مکروه باشد و در حدیث زراره که املا حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بود
نقل کرده شد منع کرده است که در هر چیزی از حیوان غیر ماکول اللحم نماز فاسد است و شامل است مو را نیز
و در حدیث قوی کالصحیح منقولست که ابراهیم بن محمد همدانی نوشت که گفته بخدمت حضرت نوشتم صلوات الله
علیه که گاه هست بر جامهٔ من می افتد کرک و موی حیوانی که گوشت آنرا نمیتوان خوردن بی تقیه و بی ضرورت
حضرت نوشتند که جایز نیست نماز در آن و در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه
که فرمودند که نماز مکن در پوستین روباه و در جامه که بپهلوی او وصل است یعنی از طرفین که مبادا موی بآن
چسبیده باشد مثل حدیث علی بن مهزیار کراهت یا حرمت پس جمع میباید کرد حدیث و مراد اینها و اولی آنکه
مراد از مو و ناخن آنست که از تو باشد نه غیر او و ممکنست که حمل کنند این اخبار را بر کراهت چنانکه در حدیث
کالصحیح از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه کراهت
داشتند از وبر و کرک هر حیوانی که گوشتش را نخورند یا آنکه مراد از آن موی باشد که بر موی چسبیده باشد نه
آنکه جامه از وبر باشد یا آنکه کراهت اعم از حرمت و کراهت باشد و در بعضی لا یتم بمعنی خود و در بعضی بمعنی حرمت
باشد و این اظهر است جمعا بین الاخبار و اگر چه احوط ملاحظه تمام است که مبادا موی از حیوان غیر
ماکول اللحم در بدن یا جامه باشد و بنابرین نباید که پر را بر جامهٔ خود جا دادن مبادا که کرکی از آن بر جامه
بچسبد از این حیثیت مشکل است استعمال بالش پر قو چون متعارف شده است که هر پری را پر قو میگویند
اگرچه پر قو جایز الصلوة است چون ماکول اللحم است اما بر بسیاری از حیوانات غیر ماکول اللحم نیز اطلاق آن دارند
هر پری که نرمست آنرا پر قو میگویند پس اولی آنست که از بایع آن تفتیش نمایند که این پر قوی ماکول اللحم

بالنسبه چون بایع بگوید که بلی استعمال میشان کرده و پیش از این در کار نیست و لازم نیست که باو بگویند چه
آیا خود اخذ کرده ما از قوم یا بایع مسلمان تنها گفته است یا چون پرتو مراست پر قوم میگویی در اکثری تفتیش
بکنند و بایع مقید صلاح باشد البته خواهد گفت که من اینها را میدانم والله تعالی یعلم و سأل یونس بن یعقوب
اباعبدالله صلوات الله علیه عن الرجل یصلی وعلیه برطلة فقال لا یضره و در موثق کالصحیح
شیخ منقول است از یونس که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند
و کلاه برطله بر سر داشته باشد چون است حضرت فرمودند که ضرر بنماز او نمی رسد که سبب بطلان نماز
یا کراهت نمی شود باعتبار نماز اگرچه کراهت داشته باشد از حیثیت پوشش چنانکه از آنحضرت صلوات
الله علیه منقول است در حسن کالصحیح که مکروه است پوشیدن برطله و در صحیح از صفوان او یزید بن
خلیفه منقول است که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرا دید که طواف میکردم
بر دور کعبه و برطله بر سر داشتم بعد از آن حضرت بمن رسیدند فرمودند که ترا دیدم که طواف میکردی
بر دور کعبه و برطله بر سر داشتی زنهار که دیگر این کلاه را مپوش بر دور کعبه که از جمله زی یهود است یعنی
کلاه یهودان است ظاهر این علت کراهت پوشیدن باشد و ممکنست که کراهت بخصوص طواف باشد
و در نماز مکروه نباشد از حیثیت نماز بلکه از حیثیت مطلق پوشش باشد چنانکه در عمامه خواهد آمد
و برطله بتشدید لام و ضم با و طا کلاه طولانی بوده است که یهودان می پوشیدند و الحال جمعی از رومیان
کرجیان می پوشند و اگر در نماز با عمامه باشد بهتر است و سر برهنه بودن بهتر است از پوشیدن این کلاه و
سمعت مشایخنا رضی الله عنهم یقولون لا تجوز الصلوة فی الطابقیة ولا تجوز الصلوة للمعتم
ان یصلی الا وهو متحنک و شنیدیم از استادان ما که حق سبحانه و تعالی از ایشان راضی و خوشنود باد که
میگفتند که جایز نیست نماز کردن در عمامه طابقی یعنی بی حنک و تشبیه کرده اند آنرا بتابه و طابق معرب تابه است
که در آن ماهی و امثال آن بریان میکنند و میگفتند که جایز نیست شخصی را که عمامه بر سر داشته باشد اگر
نماز کند مگر آنکه تحت الحنک داشته باشد و چون صدوق حدیثی نیافته است که دلالت بر این معنی کند نسبت
بمشایخ داده است که ایشان گفته اند چون مشایخ البته از ایشان رسیده خواهد بود صدوق و سایر علما

اعتماد کرده اند بگفته مشایخ لیکن سایر علما بر سبیل استحباب که ظاهر صدوق و قدم جواز است یا اعم از کراهت
و حرمت چون بسیار است که عدم جواز را استعمال میکنند در کراهت بلکه اگر حرمت ظاهر شود حرمت مشروط است
به آنکه حنک واجب باشد زیرا که اگر کلاه در سر داشته باشد حنک در کار نیست و همچنین اگر سر برهنه باشند
کراهت وارد اما اگر عمامه بر سر گذارند و می باید حنک داشته باشد و شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله تعالی
میفرمودند که در غیر نماز میشود که حنک در خصوص نماز تشریع باشد و ترک آن اولی است زیرا که تقلید
سنیان است و دلیلی بما نرسیده است و جمعی از علما ذکر کرده اند که احادیث […] شده است در استحباب
عمامه مطلقا وارد شده است ایضا که هر که عمامه بر سر گذارد و می باید که با حنک باشد در جمیع
اوقات و چون وقت نماز اشرف اوقات است […] وقت نماز نیز باید که با حنک باشد و شیخ ما
جزم میفرمودند که ما نزاع نداریم در استحباب عمامه و حنک مطلق پس اگر کسی در اثنای نماز […]
واقع شود […] نماز کرچون همیشه مستحب است […] هیچ بد نیست الا آنکه منظور خصوص وقت نماز
باشد تشریع است و بعضی گفته اند که اخبار بسیار وارد شده است که مستحب است نماز با عمامه و اخبار
وارد شده است که عمامه بی حنک مکروه است بنا بر این در وقت نماز […] می شود که نماز بی حنک مکروه
باشد و این استدلال نیز مدخول است زیرا که از این استدلال ظاهر میشود بر تقدیر حقیت استحباب عمامه
که حنک باعتبار عمامه در نماز مطلوب باشد نه فی نفسه و لهذا اخبار استحباب تحنک فی نفسه از آنجمله کلینی
رضی الله عنه ذکر کرده است که روایت وارد شده است که طابقیه عمامه شیطان است و در حسن کالصحیح منقول است
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هر که عمامه بر سر بپیچد و حنک نکند آنرا و دردی
باو رسد که دوا نداشته باشد پس ملامت نکند مگر خود را که خود کرده است که چنین شده است و جمعی از
علما گفته اند که این خبر اگرچه سندش معتبر است و لیکن دلالت ندارد بر آنکه مستحب باشد که همیشه با حنک
باشند بلکه در وقت پیچیدن عمامه بر سر عمامه را در زیر حنک در آورد یا در زیر چانه که حنک […] است
اشتهار کرده است و شاید که مطلوب شارع همین باشد […] آنکه همیشه سنت باشد حنک […] مکروه باشد ترک
و در روایت آنکه در حسن کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که هر که عمامه

سجده نکرده‌اند عمامه را بر زیر حنکش و باو دردی رسد که دوا نداشته باشد پس ملامت نکند مگر خود را و آن
درین حدیث قوی میشود در حق اینست که چون درین دو روایت وارد شده است من تعمم و من اعتم و اکثر
لغویین بمعنی لف العمامة علی الراس تفسیر کرده‌اند و ظاهرش وقتی است که بر سر بجهد و این عبارت را بنیز
اطلاق میکنند در آنکه عمامه بر سر داشته باشد بنابرین دو احتمال در حدیث مجمل میشود که ظاهر میشود
که مراد از آن دوام حنک است یا حنک در وقت بجهیدن اگر چه درین معنی اظهر است که همین کافی باشد اگر چه اتفاقی
آن نیز مستحب باشد چنانکه از حدیث اول ظاهر میشود که همیشه مطلوب باشد یا حدیثی که خواهد آمد ظاهر
عامه و ظاهر کلام صدوق آنست که دوامش منسوخ باشد بلکه این حکم در اوایل اسلام بود تا فرق شود
میان مسلمانان و کفار و پوشیدن عمامه مستحب است خصوصا از جهة امام و خطیب نماز جمعه و عید بلکه
مطلق نماز بلکه مطلق صلوة و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم عمامه بر سر بجهد بندند و یک طره از پیش و یکی از پس گذاشتند و در حدیث
کالصحیح از حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه و آله منقول است که عمامه عرب بمنزله تاج
عجم است و بزرگان عجم با تاج می‌بوده‌اند و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم عمامه بر سر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
بجهد بندند یک طره از پیش آویختند و یک طره از پشت سر و آنرا کوتاه نمودند بقدر چهار انگشت پس
فرمودند که برو حضرت امیر رفتند پس فرمودند که بیا آمدند پس بعد از آن فرمودند که چنین است تاجهای
فرشتگان و از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که در روز بدر که حق سبحانه و تعالی هزار فرشته مدد
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرستادند همگی عمامه سفید طره دار بر سر داشتند و بعضی از اصحاب
ذکر کرده‌اند که مستحب عمامه آنست که یک دور بر سر بگردد و حنک داشته باشد و طره داشته باشد و ظاهرا حنک
و طره مستحب اند در عمامه و داخل در معنای عمامه نیستند و از احادیث صحیحه ظاهر میشود که دور آن است
عمامه پس اگر یک دور گرد باشد و عمامه شود بیاید بهتر آنست که آنرا رد کنند و اگر تواند که از کتان آن عمامه
در آورد بهتر است و روی عمار الساباطي عن ابي عبد الله صلوات الله عليه انه قال من خرج

في سفر فلم يدر العمامة تحت حنكه فاصابه الم لا دواء له فلا يلومن الا نفسه و بسند موثق از عمار ساباطی
و ساباطی از قول آن حضرت منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر که
از خانهٔ خود بیرون رود بقصد سفر و عمامه را بر زیر حنک نگرداند و المی باو رسد که دوا نداشته باشد
پس ملامت نکند مگر خود را پس این سنت بیکی است که اگر کسی عمامه اش با حنک باشد بهمان کلاه حنک
میکند و از خانه بیرون آید قال الصادق صلوات الله عليه ضمنت لمن خرج من بيته معتما
ان يرجع اليهم منقول است از آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که من ضامنم بحسب [illegible] کسی
کسی را که از خانهٔ خود بیرون رود با عمامه و در بعضی از نسخ هست تحت حنکه یعنی با تحت الحنک که سالم
بسوی خانه برگردد و برقی روایت کرده است کالصحیح از ابراهیم بن عبد الحمید که حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه فرمودند که من ضامنم کسی را که بیرون رود با عمامه با تحت الحنک که محفوظ باشد از تیر بلا و از آنکه
دزد مالش را ببرد و از آنکه غرق شود و از آنکه بسوزد و در حدیث کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه
منقول است که هر که از خانهٔ خود بیرون رود با عمامه با تحت حنک و قصد سفری داشته باشد انشاء الله سالم بخانهٔ خود
برگردد و سوختن و غرق شدن [illegible] نرسد باو و فرمودند صلوات الله عليه اني لاعجب ممن ياخذ في
حاجته و هو على وضوء كيف لا تقضى حاجته و اني لاعجب ممن ياخذ في حاجته و هو معتم تحت حنكه
كيف لا تقضى حاجته و منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بسند کالصحیح که فرمودند که
من تعجب دارم از کسی که شروع کند در کاری که احتیاج بآن داشته باشد و با وضو باشد و چگونه حاجت او
بر آورده نشود بدرستی که تعجب دارم از کسی که شروع کند در حاجتی و او با عمامه با حنک باشد و چگونه
حاجت او بر آورده نشود یعنی بسیار میکند البته درین صورت حاجت او بر آورده میشود مگر کسی که خدا
بر باشد و کارهای بد بسیار کرده باشد که آنها سبب عدم قضای حاجت او شده باشد و چون شیخ [illegible]
[illegible] از عبد الله بن سنان روایت کرده است و طریق صدوق بکتاب او صحیح است ظاهر میشود صحت آن
اگر چه حکم صدوق بصحت آن کافیست و قال النبي صلى الله عليه و آله الفرق بين المسلمين و المشركين
التلحي بالعمائم و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرق میان مسلمانان و کافران تحت الحنک

عمامها بود هر کس که تحت الحنک داشت علامت مسلمان بود و هر که عمامه او تحت الحنک نداشت علامت کفر
بود و باین علامت مسلمانان از کافران ممتاز بودند چنانکه الیوم میان اهل هند شایع است که [illegible]
مسلمانان از دست راست میبندند و کفار از دست چپ ظاهر میشود که میباید امتیازی بوده باشد
میان مسلمان و کافر تا مسلمانان از همه وجهی اجتناب از کفار کنند و سلام بایشان نکنند و اگر آنها سلام
کنند بجواب ایشان علیک بگویند و ملاقات بر طرف با ایشان نکنند و دوستی و کوششی و امثال
آن از ایشان نکنند و تعظیم ایشان نکنند و علی هذا القیاس بسایر چیزها ذلک فی اول الاسلام و
ابتدائه ظاهر آنست که کلام صدوق و قسمیکه میگوید که این امتیاز بتحت الحنک در اول اسلام و ابتداء
آن بود که مسلمانان کم بودند و کفار بسیار بودند لازم بود امتیاز تا آنکه چون اسلام اشکار شد
علامت امتیاز بسیار شد از جامه مقید و سایر چیزها دیگر احتیاج به تحت الحنک نداشتند و
نکرده‌اند یا در اوایل اسلام اکثر منافق بودند و بعد از آن بمرتبه بمرتبه صاحب ایمان میشدند و
عبادات بسیار میکردند بموجب کریمه سیماهم فی وجوههم من اثر السجود نور ایمان از صفحات
وجوه ایشان لامع بود چنانکه خواهد آمد و ممکن است که این عبارت یکی از ائمه هدی صلوات الله علیهم
باشد لهذا صدوق نسبت بخود نداد چنانکه ابا دست که نسبت بخود میدهد که قد نقل جماعة
من اهل الخلاف ایضا انه امر بالتلحی و نهی عن الاقتعاط و تحقیق که سفیان ثوری از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که آنحضرت امر فرموده بتلحی که عمامه را تحت الحنک
باشد و نهی فرمودند از عمامه بی تحت الحنک و همین عبارت ذکر کرده اند همه لغویین و بعضی ابن عباس
نیز روایت کرده اند از آنجمله حسین بن مسعود در شرح سنة روایت کرده از معمر از لیث از طاوس که
بو طیبه از وی که کسی که عمامه به پیچد و تحت الحنک نگذارد آنرا طاوس عمامه گفت که این عمامه شیطان است
حاصل آنکه بطور نقل کرده اند علی رغم شیعیان ترک نموده اند چنانکه دین حق را نیز علی رغم ایشان
ترک کرده اند و سال الحلبی و عبید الله بن سنان ابا عبد الله صلوات الله علیه هل یقرأ الرجل
فی صلوته و ثوبه علی فیه قال لا بأس بذلک و فی روایة الحلبی اذا سمع الهمهمة و بسند صحیح

منقولست از حلبی و بسند صحیح از عبید الله منقولست که گفتند سوال کردیم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که آیا مرد میتواند قرآن که در نماز و دهانش بسته باشد چنانکه متعارف عرب است و هندی بند
حضرت فرمودند که باکی نیست و در تهذیب روایت حلبی حضرت فرمودند که کسی که دهانش نپوشد و همین آنست که
صدا فهمیده شود و تمیز حرف نکند و خواهد آمد که اقل جهر اخفات آنست که خود بشنود و آنچه قرائت کند و
چون دهان بسته است و همهمه دانسته میشود دلیل بر کراهت نیست بلکه نهایت دارد لیکن صحیح خواهد شنید و در روایت
عبد الله که این قید نیست نیز محمولست بر روایت حلبی که قید دارد چون در واجبات مطلق را حمل بر مقید میکنند
و صحیحه محمد بن مسلم گذشت که نهی وارد شده است از لثام هرگاه مرد سوار نباشد و آن نهی محمولست بر کراهت
جمعا بین الروایات اگرچه ممکنست که حمل کنیم ایها را بر حالت ضرورتی لیکن اظهر جواز است با کراهت اگر مانع
از تلفظ نباشد چنانکه در موثق کالصحیح از سماعه منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه سوال کردم از شخصی که نماز کند و دهان بسته قرائت کند حضرت فرمودند که باکی نیست هرچند دهن
بسته باشد در حالت قرائت و در روایت دیگر سماعه از آنحضرت منقولست که باکی نیست و اگر در حالت قرائت
بگشاید بهتر است سماعه گفت که دیگر سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه از زنی که نقاب بسته باشد
حضرت فرمودند که اگر موضع سجده او باز باشد که سجده بر آن تواند کرد باکی نیست و اگر نقاب
از دهن بردارد افضل است هرگاه نامحرمی نباشد و اگر نامحرم باشد نقاب را اختیار و الحال مستورد حدیث کالصحیح
از امام صلوات الله علیه نیز منقولست که جایز است دهن بند نماز کردن و این مطلق نیز محمولست
مقید بجواز نماز با کراهت ندارد بلکه بهتر آنست که روی بند را باز کند هرچند سجده کند چنانکه
منقولست در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که نماز کند به سبب خوف
بردا اسرا باعمامه و ایا که حضرت فرمودند که موضع سجود که پیشانی است بگشاید و لیکن ممکنست که کثیرون از جهت
بهتر اشعه بوده باشد چنانکه خواهد آمد که با ایما نماز کند یا مانند جبیره و الله تعالی یعلم و سال رفاعة بن موسی
ابا الحسن موسی بن جعفر صلوات الله علیهما عن المختضبة اذا تمکن من السجود و القراءة ایصلی فی حنائها
فقال نعم اذا کانت خرقتها طاهرة و لا تمسحها و منقولست بسند صحیح از رفاعه که گفت سوال کردم از حضرت

خضاب

ابی الحسن امام موسی بن جعفر صلوات الله علیهما الذکی که زنی که بر دستش خود بسته باشد و مرکا مست نانی امنا
باشد که بجد تواند کرد و مانع از او نباشد که تواند کرد آیا با آن خضاب نماز میتواند کرد حضرت فرمودند
که بلی اگر آن خرقه که بر دست است پاک باشد و وضو داشته باشد و حلین قید از آن جهت است
که بسیار است که مسامحه باشد و حرقه نجس می باشد چون آخر میشوند میکویند که اگر نجس باشد ضرر ندارد
و این خرقه اگرچه ملا یتم الصلوة باشد نماز نمی توان کرد در آن چون حامل است نجس را بلکه هاشی ابو نجس
بلکه بعضی غیر کرده اند که هر گاه از حنای نجس رنگ بر دارد با آن نمیشود اگرچه این دعوی محض است
و قید دوم از آنجهت است که اکثر عوام مسامحه مینمایند و چون موضع حنا را نمی شویند تیمم میکنند که از حنای
میشوید که حنا نجس می نیست که سبب جواز تیمم شود و در حدیث حسن کالصحیح از عبدالله بن محمد منقولست که
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شخصی که نماز کند خضاب بسته حضرت فرمودند
خضاب بسته نماز نکند چون خواهد که نماز کند خضاب را بر دارد و نماز کند یا دوای عرض خود که حنا
اگر پاک باشد نماز میتوان کرد حضرت فرمودند که با حنا نماز نکند و همچنین زن نماز نکند خضاب بسته
حدیث حمل بر کراهت کرده اند چون احادیث صحیحه بجواز وارد شده است که لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ الْمَرْأَةُ وَهِيَ
مُخْتَضِبَةٌ وَيَدَاهَا مَرْبُوطَتَانِ وَكَذَوِي ذَلِكَ عَمَّارٌ السَّابَاطِيُّ عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ و باکی نیست که
نماز کنند زن و دستهای خود را خضاب بسته باشند و بسته باشد چنانکه متعارف است که چون حنا میبندند بکاری دیگر توانند
کرد غالباً تا کنند این حنا را و همین مضمون را روایت کرده است عمار بن موسی از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه و لیکن در حدیث عمار هست که اگر وضو ساخته باشد بستن حنا بستن باکی نیست آخر و از این حدیث مفهوم
که حنای زنان غالباً آنست که دستهای را حنای می بندند و حنای مردان حنای ریش است چنانکه گذشت در باب
خضاب بلکه سنت است که زنان اگرچه پیر باشند که دستهای خود را خضاب کنند و اگر شوهر داشته باشند بیشتر داشته
اگرچه کردن بند و یا سینه آن بر خود را بکند که مکروه است نماز کردن زنان بی زینت چنانکه در احادیث
معتبر کالصحیح وارد شده است مضمونش آنکه و روی عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا أَنَّهُمَا سَأَلَاهُ عَنِ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ يَخْتَضِبَانِ أَيُصَلِّيَانِ وَهُمَا مُخْتَضِبَانِ بِالْحِنَّاءِ

۱۵۲

وَالْوَسْمَةِ فَقَالَ إِذَا أَبْرَزُوا الْفَمَ وَالْمَنْخَرَ فَلَا بَأْسَ و مضمون مناسب صحیحه از علی بن جعفر و
صحیح از علی بن یقطین که سوال کردند مردو از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از مرد و زن
که خضاب کنند بحنا یا وسمه آیا بر خضاب نماز میتوانند کرد حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که اگر ظاهر سازند ایشان یعنی مردان و زنان و بعضی نسخ ابرزوا وارد است یعنی مردو زن ...
... ظاهر است هر گاه ظاهر سازند دهن و بینی را نماز توانند کرد یا لغو باشد توانند کرد یا کی نیست
بجلیه محسن از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است که از آنحضرت سوال کردند که آیا
... تیمم نماز میتوانند کرد که بنا بر طهور باشد حضرت فرمودند که بلی و ظاهر امر اداه طهارت
از بعضی ... چنانکه گذشت در حدیث کالصحیح منقول است که از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه پرسیدند که چه میفرماید که جائز نیست مرد را که نماز کند و بر دستهایش خضاب باشد
فرمودند که هر گاه خرقه بسته باشد نمیتواند قرآن خواند و نماز خواند زن و در این صورت
خواهد بود یا خوب نمیتوانند خواند زن و در این صورت مکروه خواهد بود بل احتیاط در ترک
مطلقا است و سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَلَا يُخْرِجُ يَدَيْهِ
مِنْ ثَوْبِهِ فَقَالَ إِنْ أَخْرَجَ يَدَيْهِ فَحَسَنٌ وَإِنْ لَمْ يُخْرِجْ يَدَيْهِ فَلَا بَأْسَ و شیخ طوسی در صحیح ذکر
کرده است از محمد که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از شخصی که نماز میکند و
دستهای خود را از جامه بیرون نیاورد حضرت فرمودند که اگر دستها را بیرون آورد خوبست
و اگر دستها را بیرون نیاورد باکی نیست ظاهر میشود کراهت پنهان بودن دستها خواه در آستین
و خواه در میان پیراهن و روایت کرده است شیخ در موثق از عمار که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند و دست در میان جامه نگاه داشته باشد حضرت
فرمودند که اگر جامه دیگر داشته باشد خواه لنگ یا از پیراهن باکی نیست اگر پیراهن تنها باشد
جائز نیست اگر یک دست را داخل کند و دست دیگر را داخل نکند نیز باکی نیست بس ممکنست که حدیث
... که مطلق است حمل بر این کنیم با آنکه جواز در صورتیست که جامه دیگر پوشیده باشد و اظهر حمل

بر کراهت نیست و احوط آنست که داخل نکند هر دو دست را در میان جامه مگر وقتی که جامه را بکرد در زیر
پوشیده باشد و قویتر آنست که مطلقا پنهان نکند اما اگر در زیر ردا یا پیراهن پوشیده باشد ظاهر آنکه کراهت
نداشته باشد والله یعلم و در حدیث حسن کالصحیح منقولست از عبد الرحمن بن حجاج که گفت نزد
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که عبد الملک قمی بر آنحضرت داخل شد و گفت خوش [illegible]
و تبع اموال شما [illegible] میکنم که هست دستهای خود را در میان جامها است حضرت فرمودند که
اگر خواهی چنین کن [illegible] حضرت فرمودند که والله من از امثال اینها بر شما خایف نیستم یعنی اینها از
جمله مکروهات است خوف من آنست که ترک نکنید که از جمله واجبات است و بسند صحیح از زراره و محمد بن
[illegible] منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در صورتی که نماز واجب است که اعاده کند [illegible]
سدل را بفعل آورده باشد [illegible] باشد و در میان سر حضرت فرمودند که نماز را اعاده میکنی و اکثر حمل کرده اند
بر استحباب ترک یا کراهت فعل و استحباب اعاده نماز و احتیاط ظاهر است چون ممکنست که جمعی واقع شده
باشد به سبیل وجوب [illegible] معارضی نداریم و نیز اصل برائت و اصل صحت و اینها اقوال
قایلیست [illegible] ضعیف [illegible] کلینی حکم [illegible] آنچه کرده است و ذکر ابن فضال [illegible]
[illegible] مجهول الحال است یا آنکه حسن صحیح است و از اهل اجماع است والله تعالی
یعلم و روی زیاد بن سوقة عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال لا بأس ان یصلی احدکم
فی الثوب الواحد و ازاره محلولة ان دین محمد صلی الله علیه و آله حنیف و بسند صحیح منقولست
از زیاد بن سوقه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست که شخصی نماز کند در یکجامه
مانند پیراهن و مع [illegible] که دکمه های آن گشوده باشد که اگر از گریبان خود نظر کند عورت خود را تواند دید
که دین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله حنیف است یعنی مایل است از افراط و تفریط سایر
ادیان که حکمت اقتضای آن نموده بود بسوی [illegible] که در مذهب حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام
مناسب حاجت یهود آنکه کارها را بر ایشان تنگ کرده بود که اگر نجاست بول بر بدن ایشان میرسید مقراض
میکردند و چون نصاری که اکثر [illegible] بود مناسب حال ایشان آن بود که اکثر چیزها را پاک

میدانند بلکه نجاست نمی باشد نزد ایشان و دین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم وسط است
چنانکه ظاهر است و این عبارت اشاره است بحدیث بعثت علیکم بالحنیفیة السمحة السهلة
البیضاء یعنی حق سبحانه و تعالی مرا مبعوث کرده است بسوی شما بملت حنیفیه که دین حضرت
ابراهیم است علی نبینا و علیه السلام در اصول و بعضی فروع [illegible] و [illegible] آید
و آسان و بی نهایت واضح است [illegible] حنیفیه سمحه سهله بیضاء مراد است و لا بأس که
در این حدیث [illegible] است [illegible] سدل مستحب [illegible] چنانکه در موثق کالصحیح از حضرت امام
محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که نماز نکند مرد در پیراهنی که دکمه های آن گشوده باشد مگر
آنکه ازاری داشته باشد که مانع باشد از دیدن عورت خود و حکم [illegible] زیر جامه چنانکه در حدیث
صحیح از علی بن جعفر منقولست که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه
جایز است که شخصی امامت کند در زیر جامه و کلاه حضرت فرمودند که خوب نیست و دیگر سوال
کردم که آیا زیر جامه بعوض ازار خوب است حضرت فرمودند که خوب است بلی و در صحیح محمد
بن مسلم [illegible] است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از کسی که نماز میخواند
[illegible] با قبای [illegible] حضرت فرمودند که
هرگاه [illegible] باشد [illegible] که عورت نما باشد [illegible]
با جامه که [illegible] بحکم نجاست [illegible] و لیکن اگر [illegible]
[illegible] اگر [illegible] و [illegible] که اگر [illegible] بر جامه
حاصل آنکه [illegible] از اخبار صحیحه ظاهر [illegible] آنست که واجب است که عورتین [illegible] شود [illegible]
در [illegible] آن [illegible] و مشهور آنست که ستر [illegible] شود نماز باطل شود و [illegible]
منقولست از علی بن جعفر که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه
از شخصی که نماز کند و فرج او [illegible] از جامه [illegible] باشد [illegible] آیا نماز را اعاده
میکند یا چه باید کرد حضرت فرمودند [illegible] نماز [illegible]

ایضا حدیث بی معارض دلالت میکند بر آنکه ستر هر دو قدمین واجب نیست بر طرح جمعی گفته‌اند که از ناف تا
زانو واجب است در نماز و بیانش ... و ستر غیر ظاهر نیست بلکه از احادیث صحیحه ظاهر میشود که
مستحب است که دو جامه پوشیده باشد و اگر اکتفا بیک جامه کند که کل بدن را کردن پوشیده شود
کافی باشد و اگر با این جامه زیر جامه یا لنگی بوده باشد بهتر است و اگر بر بالای این ازاری بیندازد
اکمل خواهد بود و اگر لنگی یا زیر جامه نداشته باشد و پس سنت موکد است که چیزی بر دوش بیندازد
اگر همه سر عمامه باشد و اگر عمامه کوچک باشد عمامه را ردا کند و سر برهنه نماز کردن بهتر است
چنانکه منقول است در حدیث صحیح از سلیمان بن خالد که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از شخصی که پیشنماز جمعی کند و پیراهنی پوشیده باشد و ردائی نداشته باشد
حضرت فرمودند که سزاوار نیست مگر آنکه ردائی داشته باشد یا عمامه اش را ردا بکند و در حدیث
کالصحیح از جمیل منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
بآن حاضر بودم از شخصی حاضر که نماز کند در لنگی و پس حضرت فرمودند که در کردن خود بیندازد
دستمالی یا عمامه را ردا کند و ظاهر حدیث نیز آنکه اگر مانند پیراهنی یا قبا پوشیده باشد تا لیم
مقام رد است و در موثقه کالصحیح [illegible] معنی دلالت بر رد میکند و اگر ردا بیندازد
بهتر است و اگر امام جماعت باشد [illegible] مکروه است چنانکه صحیحه علی بن جعفر و صحیحه سلیمان
بر آن دلالت میکند [illegible] و اگر با وجود نعلین هم بپوشد احوط خواهد بود چنانکه در
صحیح از محمد بن اسماعیل منقول است که من دیدم آنحضرت یعنی امام رضا صلوات الله علیه را که نماز
میکردند در نعلین و نمیکندند [illegible] محمد بن اسماعیل گفت که
دو رکعت نماز طواف را دیدم که با نعلین میکردند و در حدیث صحیح از معویه بن عمار منقول است که گفت
که مکرر دیدم حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را در نعلین نماز میکردند و نمی دیدم
در حال نماز کنده باشند و در حدیث صحیح از علی بن مهزیار منقول است که من دیدم امام محمد تقی صلوات
الله علیه را دیدم در روز هشتم ذی الحجه [illegible] که شش رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم

کرده‌اند با نعلین و نکندند [illegible] و در موثق کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که
فرمودند که هرگاه نماز کنند [illegible] در نعلین نماز کن اگر پاک باشد که میگویند که سنت است یعنی مخصوص
صحابه و تابعین نیز قایلند و در حدیث صحیح از عبد الله بن المغیره منقول است که هرگاه نماز کنی و نعلینت پاک
باشد در آن نماز کن که از سنت حضرت سید المرسلین است صلی الله علیه و آله و سلم و چون عبد الله از جمعی است
که اجماع شیعه است بر تصحیح ما یصح عنه ظاهر آنست که از خود نمی‌آید بلکه از ائمه معصومین صلوات الله
علیهم میگوید و محتمل است که عبد الله باعتبار حدیث سابق گفته باشد چون راوی و در سند حدیث است
[illegible] و در حدیث کالصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که هر چیز در حالت نماز
بپوشی از مستحبات با تو تسبیح میکنند و از آنجمله بود که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم در حالت
از نعلین میپوشیدند و در موثق از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که چون بنده مشغول
میشود بنماز [illegible] هر چه بر دور او است همه بتسبیح الهی مشغول میشوند و ظاهر حدیث آنست
که در همه کفشی جایز باشد بلکه سنت باشد و لیکن علما تخصیص داده‌اند بنعل عربی [illegible] رمضان
حضرات [illegible] و ذکر کرده‌اند که از مشایخ محمود شنیده‌ایم که نماز در این کفشهای متعارف که پشت
پا را می‌پوشاند و ساق ندارد جایز نیست و در حدیث صحیح ابراهیم بن مهزیار از ائمه هدی صلوات الله علیهم
دلالت میکند بر آنکه در [illegible] نماز کردن در این کفشهای متعارف [illegible] ظاهر جواز است و
احوط ترک است و الله تعالی یعلم [illegible] این باب مشتمل است بر بیان آنچه
پیشانی بر زمین توان گذاشت در حالت سجده نماز و آنچه سجده بر آن نمی‌توان کرد قال الصادق صلوات الله
علیه السجود علی الارض فریضة و علی غیر ذلک سنة [illegible] صحیح از یعقوب بن یزید که
[illegible] از آنحضرت صلوات الله علیه و کلینی رضی الله تعالی عنه روایت کرده است از محمد بن یحیی باسناد او
از حضرت صلوات الله علیه که فرمودند که سجود بر زمین فریضه است و بر غیر آن [illegible] جایز است
[illegible] سنت است [illegible] و علی الخمرة [illegible] ضعیف [illegible]
[illegible] از سنت نبی صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شده است اما آنکه بر زمین فریضه است باید احتما لش

آن یکی مراد از آن قول حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم باشد که فرمود در حدیث متواتر که جعلت لی
الارض مسجداً یعنی حق سبحانه و تعالی کل زمین را محل سجده و محل نماز من کرده اما محل نماز گذشتگان در امم سابقه
نمازهای ایشان در غیر معابد ایشان صحیح نبود اما حق سبحانه و تعالی همه زمین را محل نماز آنحضرت و امت
آنحضرت کردانید که در همه جا نماز توانند کرد و محل سجده ایشان کردانید که بر هر زمینی سجده توانند کرد و
مفوض بود بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم آنحضرت واسع کردانیدند بر امت خود که سجده
توانند کرد بر چیزی که از زمین روئیده باشد که آنرا نخورند و نپوشند بتفصیلی که خواهد آمد و در
کالصحیح از اسحاق بن فضل منقولست که او سوال کرد از حضرت امام جعفر صلوات الله علیه از سجده کردن بر حصیر
و بوریا حضرت فرمودند که باکی نیست اما بر زمین سجده کردن بهتر است زیرا که حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله و سلم دوست میداشتند که پیشانی را بر زمین و خاک متمکن سازند چون شکستگی در آن هست
و من [illegible] آنحضرت دوست میداشتند محتمل است که مراد از فرض [illegible]
و [illegible] قرآن ظاهر شود و سجده کردن بر زمین و جویش از قرآن ظاهر شود و ما نفهمیم [illegible]
بوده باشد چون بسیاری از آیات را ذکر نکرده اند [illegible] لیکن ترجیح
میکنند که منسوخ شده است و کلینی رضی الله تعالی عنه بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
روایت کرده است که قرآنی که حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نازل ساخت
هفده هزار آیه است و احادیث متواتره وارد شده است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه جمع
فرموده اند قرآن را بعد از وفات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] که
اینست قرآنی که حق سبحانه و تعالی فرستاده [illegible] گفتند که ما را احتیاج
بقرآن تو نیست خود جمع میکنیم و جمعی [illegible] تا آنکه هفت قرآن بهفت لسان از السنه
قریش جمع کرده [illegible]
قرآن [illegible] حفصه [illegible] قریش را اختیار کرد [illegible]
هر چه خواست کرد [illegible]

[illegible] منقول است که [illegible] قرآنرا سوختند و [illegible] قرآن عبد الله بن مسعود [illegible]
کرده این قرآنرا [illegible] بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
فتق کرده و قرآن او را نیز گرفتند و سوختند [illegible] صحابه نوشته [illegible]
[illegible] واجب القتل است [illegible] قرآن [illegible]
احادیث بسیار در فضیلت او نقل کرده اند [illegible] عبد الله [illegible]
و در جمله [illegible] قل الله [illegible]
امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible] صحابه را [illegible] محتمل است که مراد این باشد که
[illegible] محتمل است که مراد این باشد که از آیه و ان المساجد لله [illegible] ظاهر شده است
مواضع سبعه را بر زمین [illegible] آنحضرت صلوات الله علیه ظاهر شد [illegible]
[illegible] بر ثوب باشد [illegible]
[illegible] کلینی [illegible] در میان [illegible] که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] آنحضرت [illegible]
ساخته بود [illegible] صحابه [illegible]
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] آنحضرت همیشه بر خمره سجده میکردند [illegible]
[illegible] از میمونه روایت کرده است [illegible] صحیح مسلم [illegible] روایت کرده اند از ابی سعید
[illegible] که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم سجده میکردند بر حصیر و در صحیح بخاری در باب صلوة بر خمره
روایت کرده است از ابی الولید از شعبه از سلیمان [illegible] عبد الله بن شداد از میمونه که گفت حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه و آله و سلم همیشه سجده بر خمره میکردند و بخاری باسناد خود از انس نقل کرده است که حضرت سجده کرده
بر حصیر [illegible] و ایضا روایت کرده است از میمونه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نماز میکرد و من در
[illegible] بودم و حایض بودم و چون حضرت سجده میرفتند جامه حضرت بمن میرسید و حضرت نماز میکردند بر
خمره و مسلم همین حدیث را نقل کرده است [illegible] نقل کرده است و در بسیار جای از صحیح بخاری و مسلم
و غیرها [illegible] آنحضرت سجده بر زمین [illegible] نقل کرده است [illegible]

مذکور شده و بعضی نیز قائل شده‌اند که تربت و اهل آسمانها بوجود این اخبار و آثار سجده بر تربت ... و بوریا ... علی العموم

الشیعه بلکه اکثر شیعی بالحدیث بی اختیار استعمال خود در امر والامی آن می‌اندازند و مبادا ... بشیعه نیز شاید

الحمد لله که در هیچ امری تشبه ... اکر عیاذا بالله در امر سهلی مشابهت بود مبادا ... و

قال علیه السلام السجود علی طین قبر الحسین صلوات الله علیه ینوّر الی الارضین السبعة یا الی الارض

السابعة و منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که سجده کردن بر خاک تربت امام حسین

صلوات الله علیه منور می‌سازد زمین را تا هفت طبقه زمین یا تا طبقه هفتم و هفت زمین ممکن است که ارضین

سبعه مراد باشد یعنی کل زمین یا تا آسمان هفتم مراد باشد چنانکه گذشت در کلمات قوم و منور شدن

زمین بعرکت نور نماز کننده است که سجده بر خاک آنحضرت کند و در بعضی روایات آنحضرت صلوات الله علیه

خواهد آمد که تا پنج فرسخ حرم قبر است از هر طرف و تا هفت فرسخ نیز روایت وارد شده است و چهار فرسخ

نیز وارد شده و یک فرسخ نیز و صفا ده ذرع نیز و بیست و پنج ذرع نیز وارد شده است و محمول است بر مراتب فضل و

نور است شرف بیشتر است و من کانت معه سبحة من طین قبر الحسین صلوات الله علیه کتب مسبّحاً

وان لم یسبّح بها و هر که با او باشد تسبیحی از خاک قبر آنحضرت صلوات الله علیه او را تسبیح میشوند اکرچه

بان تسبیح نکند و ظاهرا این عبارت ماخوذ است از حدیث صحیحی که محمد بن قولویه روایت کرده است از محمد بن

عبدالله حمیری که گفت عریضه نوشتم بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه و نوشتم و این عریضه مشتمل بود بر

مسایل از آنجمله عرض نمودم که آیا جایز است کسی که تسبیح کند بخاک قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه

آیا در آن ثوابی و فضلی هست ظاهرا عمدا مبادا که ترک ادب باشد پس ابن قولویه

که حضرت جواب آنرا نوشتند و من فرمان همایون آنحضرت را خواندم و از روی آن خط نوشتم و فرموده بودند که

هیچ چیز تسبیح کردن بهتر از تسبیح کردن بخاک آنحضرت نیست از آنجمله افضل آن اینست که اگر شخصی تسبیح را

بان و فراموش کند و تسبیح را کرداند همان ثواب تسبیح را در نامه عمل او می‌نویسند هرچند تسبیح نکرده باشد و ظاهرا

همین خبر باشد و ظاهر اراده صدوق نیز همین است و بسبب اختصار مجمل شده است و حمیری گفته که در عریضه

نوشتم بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که آیا خاک آنحضرت را بلیسند و قبر میتوان گذاشت حضرت در

فرمان همایون نوشتند و من خواندم و از آنجا نوشتم که فرموده بودند که با میت در قبر میتوان گذاشت و ظاهر

کافور و حنوط نیز میتوان کرد ان شاء الله تعالی و بسند قوی از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه منقول است

که فرمودند که نا چار است شیعیان ما را از چهار چیز یکی سجاده و از جهت موضع پیشانی که بر آن سجده

کنند و همراه او باشد از خاک آنحضرت علی الظاهر و دیگر انگشتری که در دست کنند و سیوم مسواکی که بآن مسواک

کنند و چهارم تسبیحی که از خاک آنحضرت قبر حضرت امام حسین بن علی صلوات الله علیهما در آن سی و سه دانه داشته باشد

که هرگاه بگرداند ذکر الهی را اینکه دو دانه بعدد هر دانه ذکر بکرده چهل حسنه در نامه عمل او نوشته شود و اگر سهوا بگرداند

بعبث و بازی یا تسبیح چنانکه دأب عوام است بعدد هر دانه بیست حسنه در نامه عمل او نوشته شود و از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که هر که تسبیحی از خاک حضرت امام حسین صلوات الله علیه

داشته باشد اگر تسبیح بان بگوید یا اگر او تسبیح نکند تسبیح در دست او تسبیح کند و اگر سهوا آنرا بگرداند در نامه

عمل او تسبیح نوشته میشود و اگر متذکر باشد و تسبیح بگوید و ذکر الهی کند بعدد هر دانه چهل تسبیح در نامه عمل او

نوشته میشود و باز از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که هر که از خاک آنحضرت یک تسبیح بگوید سبحانه

بعدد هر تسبیحی چهارصد حسنه در نامه عملش بنویسند و چهارصد گناه محو کنند و چهارصد حاجت او را بر آورند

و چهارصد درجه او را بلند کنند و میباید که در میان این تسبیح کبود باشد و سی و چهار دانه باشد و

اصل و یکی بر فوق همه و این تسبیح مولات و واجب الطاعة و المحبة فاطمه زهرا است صلوات الله علیها که

حمزه سید الشهدا شد آنحضرت از خاک قبر حمزه این تسبیح را ساختند و بعد از هر نمازی بآن تسبیح میکردند و این

دو حدیث با تتمه از خط شهید علیه الرحمه نوشته شد و اگر این تسبیح خام باشد ظاهرا بهتر باشد و جمعی از علما

دغدغه میکنند که چون پخته میشود بسبب استحاله از اطلاق خاک بیرون میرود و ظاهرا بیرون نرود و ظاهرا

پختن آن نیز بحث توان کرد چنانکه ظاهر است و التسبیح بالاصابع افضل منه بغیرها لانهن مسئولات

یوم القیامة مدوق در خصال بسند قوی از امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت فاطمه و سیده

یاد زنان صلوات الله علیها ... از آنجمله آنکه زنان با انگشت خود حساب تسبیح را نگاه دارند زیرا که ...

انگشتان را نیز حساب خواهند کرد و در جای دیگر نیز نقل کرده است بعضی را از خصایص زنان بود در اینجا

... نموده است که شامل مردان هست و ظاهرا مراد شهید ... و تعمیم عبارت حدیث نیز کرده است

وعبارت حدیث منافاتی ندارد با استحباب حساب تسبیح زیرا که حساب تسبیح را نیز با انامل میکنند
که مراد جنس انامل باشد و نیز جمع بینهما میکنیم با آنکه تا صد را از تسبیح حساب نمیکنیم و ما بعد
را با انگشتان حساب نگاه میداریم و جمع میتوان کرد که تسبیح بخاک مطلقا بهتر از همه چیز دیگر باشد
و بعد از آن بندهای انگشت افضل است از غیر آن والله تعالی یعلم و در اینجا اصابع گفته است
و در بعضی الانامل وَرَوَى حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ السُّجُودُ
عَلَى مَا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا أُكِلَ أَوْ لُبِسَ و بسند صحیح منقول است از حماد از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که فرمودند که سجود بر چیزیست که از زمین روید و نخورند و نپوشند و ظاهر
زمین را بطهور گذاشتند یا مراد آن چیزی باشد که از سنت نبی صلی الله علیه و آله و سلم زیاده شده است چنانکه
گذشت و محتمل است که مراد این باشد که سجده کردن بر آنچیزیکه از زمین روید آنچیزیکه ماکول و ملبوس نباشد
و در این صورت ارض را بطهور گذاشتند و بیان حکم غیر ارض کرده اند و در این صورت اشاره هست بآنکه
در سجده بر زمین شرطی نیست یا این شرط نیست وَرُوِيَ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ أَنَّهُ قَالَ مَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَأَنَا أُصَلِّي عَلَى الطَّبَرِيِّ وَقَدْ أَلْقَيْتُ عَلَيْهِ شَيْئاً فَقَالَ لِي مَا لَكَ لَا تَسْجُدُ عَلَيْهِ أَلَيْسَ
هُوَ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ و در حسن منقول است از یاسر خادم حضرت امام رضا صلوات الله علیه که گفت من
نماز میکردم بر روی حصیر طبرستان و بر بالای آن جامه پاره ای انداخته بودم حضرت فرمودند
که چرا سجده بر حصیر نکردی آیا این حصیر از زمین نروییده است و ممکن است که از روی دفع ضرر از وضو بوده
باشد زیرا که اگر سجده بر حصیر کنند کسی از سنیان متعرض کسی نمیشود غالبا بخلاف آنکه چیزی بالای آن
انداخته باشند که آن دلیل تشیع است و در این صورت تقاضا ... بودند تقیه و گاه باشد که خوف ضرر
بحضرت نیز باشد چون خادم حضرت هر چه میکند آنحضرت کرده است و هر حقیقی که باو رسد بحضرت رسیده
خواهد بود و احتمال اظهر آنکه بیان حکم الهی تعالی شانه کرده باشد والله تعالی یعلم وَقَالَ أَبِي رَضِيَ اللهُ
عَنْهُ فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ اُسْجُدْ عَلَى الْأَرْضِ أَوْ عَلَى مَا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ وَلَا تَسْجُدْ عَلَى الْحُصُرِ الْمَدَنِيَّةِ
لِأَنَّ سُيُورَهَا مِنْ جِلْدٍ وَلَا تَسْجُدْ عَلَى شَعْرٍ وَلَا صُوفٍ وَلَا إِبْرِيسَمٍ وَلَا زُجَاجٍ وَلَا حَدِيدٍ

رحمه الله

کلام

67

وَلَا صُفْرٍ وَلَا شَبَهٍ وَلَا رَصَاصٍ وَلَا نُحَاسٍ وَلَا رِيشٍ وَلَا رَمَادٍ و بعینه در رساله که بر نوشته بود ذکر کرده بود و در عبارات
عبارات فقه رضویست صلوات الله علیه که سجده کن بر زمین و بر چیزیکه از زمین روییده باشد و در فقه
رضویست که بپوشید و سجده مکن بر حصیرهای که در مدینه میبافند زیرا که بندهای که بهم بسته اند
از پوست است و سجده بر آن جایز نیست و سجده مکن بر موی و پشم و بر کرک است و در اینجا هست که نه بر پشم
و نه بر پوست و نه بر ابریشم و نه بر شیشه و نه بر آهن و نه بر روی و نه بر برنج و نه بر قلعی و نه بر مس و نه
بر پر و نه بر خاکستر زیرا که اینها از زمین نیستند همه و بعضی که از زمین است با استحاله از اسم زمین بیرون
رفته مثل معادن چنانکه منقول است در صحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که گفت عرض
نمودم که سجده جایز است بر قیر حضرت فرمودند که نه و نه بر جامه پنبه و نه ابریشم و نه بر چیزی از حیوانات و نه
بر طعام و نه بر چیزی از میوه های زمین و نه بر چیزی از ... و در حدیث کالصحیح از ابو العباس منقول است
که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که سجده مکن مگر بر زمین یا بر چیزیکه از زمین
روییده باشد مگر پنبه و کتان و در صحیح حسن کالصحیح منقول است از فضیل و برید از احدهما صلوات الله علیهما
که فرمودند که باکی نیست ایستادن بر مصلی و جامه ای که از مو یا پشم باشد اگر سجده بر زمین کنند و اگر جامه از
از چیزی باشد که از زمین روییده باشد جایز است بر آن ایستادن و سجده کردن و بسند حسن کالصحیح از
حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است که سجده مکن بر قیر و بر آهک و خاکستر چون خاکستر را استحاله
با استحاله از اسم نبات بیرون رفته است و آهک پخته نیز استحاله یافته است و در حدیث کالصحیح از یونس
بن یعقوب منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که سجده نمی توان کرد بر طلا و نقره
و در صحیح از محمد بن الحسین منقول است که بعضی از استادان ما عریضه بخدمت امام رضا یا امام علی نقی صلوات
الله علیهما نوشتند و سوال کرده بود از سجده کردن بر شیشه و او گفت که چون عریضه را نوشتم فرستادم فکر کردم
که شیشه از زمین حاصل میشود عبث عرض کردم در کار نبود که سوال کنم پس نوشت که حضرت در جواب
من نوشته بودند و در ... که حضرت بسوی او نوشتند با این حدیث صحیح میشود و در علل
نوشتند که سجده مکن بر شیشه هر چند بخاطرت رسیده است که از زمین حاصل شده است لیکن شیشه از
نمک و ریگ حاصل میشود و نمک و ریگ مسوخند یعنی با استحاله از حالت اول بیرون میروند با آنکه نمک

هم معدن نیست و هم خوردنی و استحاله بیشتر هم یافته است و در حدیث حسن کالصحیح از امامین صلوات
الله علیهما منقول است که فرمودند که پدرم بر خمره که بیشتر آنها حصیر بود سجده میکرد و بر بالای آن نماز میکرد
و اگر وقتی خمره حاضر نبود ریزه بوریا برمیداشتند و بر روی آن نماز میکردند [illegible] و در حدیث
کالصحیح از حلبی منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که پدرم میخواست که نماز کند
و طلب نمود خمره را و دیر شد پس حضرت صلوات الله علیه یک کف سنگریزه برداشتند و بر روی آن گذاشتند
و بر آن سجده کردند و از این حدیث و احادیث دیگر ظاهر میشود که بر [illegible] سجده میتوان کرد هر چند
استحاله یافته است چون استحاله خاک را [illegible] کرده است و از اسم ارض بیرون نرفته است بخلاف [illegible]
که با استحاله از اسم ارض بیرون رفته است و در حدیث کالصحیح منقول است از علی بن ریان ثقه که گفت بعضی از
اصحاب ما عریضه بخدمت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه نوشتند و سوال کردند از سجده کردن بر خمره
که در مدینه میسازند فرمان همایون آنحضرت آمد که هر سجاده که از ریسمان بافته باشد آنرا سجده میتوان کرد
چون ریسمان پنبه میباشد و حصیرها که می‌بافند و هم سجاده را که از پوست و غیره بافته باشند سجده
مکن یا باعتبار آنکه پوست [illegible] افتاده است و سجده بر پوست نمیتوان کرد یا آنکه مانع است از آنکه همه
پیشانی به ما یسجد علیه برسد و سنت است که همه پیشانی [illegible] یا از آنجهت است که جمعی از اجانب [illegible]
میکردند [illegible] در این دو صورت نهی محمول خواهد بود بر کراهت والله تعالی یعلم چنانکه در حدیث صحیح از
علی بن جعفر منقول است که گفت سوال کردم از برادر خود حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از مردی که موی پیشانی
او بلند شده باشد و بعضی از پیشانی او [illegible] باشد چون بسجده میرود بعضی از پیشانی او بر زمین است و بعضی
را مو مانع است که بزمین برسد آیا جایز است حضرت فرمودند که [illegible] تا جمیع پیشانی او بر زمین [illegible] و این حدیث
نیز محمول است بر استحباب چنانکه خواهد آمد وَإِنْ كَانَتْ أَرْضٌ حَارَّةٌ تَخَافُ عَلَى جَبْهَتِكَ الِاحْتِرَاقَ أَوْ كَانَتْ
لَيْلَةٌ مُظْلِمَةٌ خِفْتَ عَقْرَباً أَوْ شَوْكَةً تُؤْذِيكَ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَسْجُدَ عَلَى كُمِّكَ إِذَا كَانَ مِنْ قُطْنٍ أَوْ كَتَّانٍ فقه
رضوی [illegible] است که اگر زمین گرم باشد و ترسی که پیشانی تو بسوزد یا شب تاریک بود [illegible]
ترسی یا خاری که [illegible] شود و باکی نیست که سجده کنی بر آستین خود هرگاه آستین از پنبه [illegible] کتان باشد
بر این مضمون نیز احادیث بسیار وارد شده است [illegible] قرائت [illegible]

از قاسم بن فضیل منقول است که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما
که فدای تو گردم میتوان که مردی سجده کند بر آستین خود بسبب سرما یا گرما [illegible] حضرت فرمودند که
باکی نیست و در حدیث کالصحیح منقول است [illegible] که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که داخل میشوم در مسجد در روزی که بسیار گرم است و مشکل است سجده کردن بر سنگریزه که
[illegible] آیا میتوان جامه خود را [illegible] و بر آن سجده میکنم حضرت فرمودند که باکی نیست و احادیث کالصحیح
بسیار بر این مضمون وارد شده است [illegible] و اکثر
علما حمل کرده اند جواز سجده را بر قطن و کتان [illegible] و از اخبار بسیار ظاهر میشود که قطن و کتان
و امثال آنها [illegible] ما یسجد علیه [illegible] لا یسجد علیه [illegible]
کرده اند [illegible] جواز مطلقا [illegible] کالصحیح داود
که گفت سوال کردم از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که آیا جایز است سجده کردن بر کتان و قطن
بی تقیه حضرت فرمودند که جایز است [illegible] و در حدیث کالصحیح [illegible] بن علی که گفت عریضه بخدمت
آنحضرت صلوات الله علیه نوشتم و سوال کردم [illegible] بر قطن و کتان [illegible] تقیه [illegible]
فرمودند که جایز است [illegible]
[illegible]
[illegible]
وشنیده [illegible] انکار میتوان کرد [illegible] بسیار [illegible]
ائمه معصومین صلوات الله علیهم [illegible] تقیه
[illegible] است [illegible] امر سجده [illegible]
[illegible] در حدیث صحیح [illegible] منقول است [illegible] از اصحاب [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] سجده [illegible]

الا یسیر

کن وان کان بجبهتك دمّل فاحفر حفيرة فاذا سجدت جعلت الدمّل فيها وان كانت
بجبهتك علّة لا تقدر على السجود من اجلها فاسجد على قرنك الايمن من جبهتك فان
لم تقدر عليه فاسجد على قرنك الايسر من جبهتك فان لم تقدر عليه فاسجد على ظهر كفك فان
لم تقدر عليه فاسجد على ذقنك لقول الله تبارك وتعالى ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا
يتلى عليهم يخرّون للاذقان سجّدا الى قوله ويزيدهم خشوعا و در فقه رضوی صلوات الله علیه
علی مولفها و در رساله علی بن بابویه مذکور است که اگر در پیشانی تو دملی باشد گودی بکن در زمین یا خاکی
که بر آن سجده میکنی و بقدر آن دمل [illegible] داخل آن گودی کن تا اطراف دمل از پیشانی بر زمین [illegible]
و اگر در پیشانی علتی باشد که هیچ جای آنرا بر زمین نتوان گذاشت پس سجده کن بر طرف راست پیشانی و اگر نتوانی
سجده کن بر طرف چپ پیشانی و اگر نتوانی سجده کن بر پشت دست و اگر نتوانی سجده کن بر ذقن زیرا که حق
تعالی در قرآن مجید یاد کرده است جمعی را که ایشان سجده میکردند بر ذقن فرموده است بدرستیکه
آن جماعتی که عطا کرده ایم ایشانرا علم بکتب متقدمه پیش از نزول قرآن از علمای یهود و نصاری چون
بر ایشان خوانده میشود قرآن میافتند بر ذقنها سجده کنان و میگویند پاک است پروردگار ما تنزیه میکنند
پروردگار خود را از آنکه خلف وعده کند یا مخالف حکمت فعلی از او صادر شود بدرستیکه وعده که
حق سبحانه و تعالی فرموده است در انزال قرآن و بعثت پیغمبر آخر الزمان بعمل آمد و البته واقع خواهد شد
و میافتند بر ذقنها گریه کنان و زیاده میکند خشوع ایشان را که میشنوند چون می بینند که وعده الهی واقع شد
تفکر مینمایند در لطایف قرآن و حقایق و معارف و اسرار و تنبیهات قرآن و علی بن ابراهیم بسند
کالصحیح نقل کرده است از اسحاق بن عمار که گفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که گاه
شخصی در میان [illegible] حضرت فرمودند که [illegible]
زمین گذارد پس اگر نتواند [illegible] سجده کند [illegible] اگر نتواند [illegible] سجده کند
سجده کند [illegible] نمودم که [illegible] حضرت فرمودند که قرآن نخوانده ویخرون للاذقان [illegible]
و فرسا [illegible] بسند صحیح این مضمون منقول است [illegible]

۱۵۹

ایشان را [illegible] که گفت دملی در پیشانی من بهم رسیده بود و چون سجده میکردم بر یک جانب [illegible] بحضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] عرض نمودم که از جهت دمل بر پیشانی سجده
نمی توانم کرد آن حضرت فرمودند که گودی بکن و دمل را در میان گودی بگذار تا اطراف آن بر زمین برسد و پیشانی
را بر زمین گذاشته باشی و کلینی از علی بن محمد روایت کرده است بسند او که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
پرسیدند که کسی که در پیشانی او علتی باشد و قادر بر سجود نباشد حضرت فرمودند که ذقن را بر زمین گذارد
و اکثر [illegible] و این مضمون [illegible] ذکر کرده است مجمع علیه است در میان اصحاب و دلیل این حکم اجماع [illegible]
[illegible] که [illegible] ظاهر میشود و اما سجده بر پشت دست [illegible] منقول است از
ابو بصیر که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که گاه است که در سفریم و وقت نماز داخل
میشود و هوا گرم است و خوف داریم که اگر پیشانی بر زمین گذاریم آزار عظیم بیابیم حضرت فرمودند که بر جای
سجده بر [illegible] عرض نمودم که اگر جامه نداشته باشیم که بر آن سجده کنیم حضرت فرمودند
که بر پشت دست سجده کن که آن یکی از مساجد است و ظاهر مراد او باشد که چون دست یکی از مساجد
سبعه است [illegible] سجده کرد و حق سبحانه و تعالی [illegible] تجویز دریافت فرموده [illegible] محل سجده
کرده است و ممکن است که مراد این باشد که بر پشت دست سجده کن که در حکم [illegible]
یکی از مساجد سبعه است و واجب است آنرا بر زمین نهادن [illegible] پس سجده کنی جمع بین
[illegible] خواهی بود والله تعالی یعلم و لا بأس بالقيام و وضع الكفين والركبتين والابهامين
على غير الارض و با کی نیست [illegible] در حال [illegible] رکوع و گذاشتن دستها و زانوها و انگشتهای
[illegible] بر غیر زمین بلکه حکم گذاشتن بر زمین مخصوص پیشانی است و این مضمون متواتر است در اخبار سیما
گذشت [illegible] آمده اما آنچه در بعضی [illegible] از حضرت امام جعفر صادق از [illegible] آن حضرت
صلوات الله و سلامه علیه منقول است که فرمودند که نباید سجده نکنند بر چیزی که سایر بدن بر آن
باشد ظاهرش [illegible] تقیه وارد شده است و اولی آنست که لاظاهر مراد حضرت این باشد که بهتر
آنست که جمیع بدن بر ما یصح السجود علیه باشد [illegible] بمضمون قوی از سکونی از حضرت سید المرسلین
[illegible] منقول است [illegible] دید که پیشانی را بالا میگذارد [illegible] دستها

دو

کم در جائی که دیدیم پیشانی را بر آنجا میگذارد بی بد دستی که دستها بسجده میکند بجا مانده سجده میکند و
ممکن است که اتفاق وارد شده باشد با آنکه احادیث حرم در صحاح سته خصوصاً بخاری بطرق متکثره وارد است
ما بین اهل سنت بعد از اثبات برست مینامند چه در حدیث صحیح در اعلیهم منقول است از زراره که
سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از بیمار حضرت فرمودند که سجده میکند بر زمین یا بادن
یا بر مسواک که بردارد ایشان را و بر پیشانی گذارد و این بهتر است از آنکه جمعی که از اهل مینمایند این
جهت است که میگویند بت پرستی است ما هرگز غیر حق سبحانه و تعالی را عبادت نکرده ایم بی سجده کن بر بادن
یا چوب یا مسواک و غیره نمازت همه و بدانکه در اکثر نسخ لفظ غیر نبود و از قلم نساخ افتاده بود و لیکن
بقوی بود داخل اصل کردم و اشاره بآن کردیم و ترجمه غیر بآنکه و در فقه رضوی است که ارغام میکنی
به بینی خود از برای حق سبحانه و تعالی و اول مرتبه آن آنست که بر زمین برسد و اگر بما یصح السجود علیه
گذاردن بهتر است و اگر بر زمین رساند بهتر است اگر بخاک برساند بهتر است و ظاهر اصحاب آنست که اهتمام
بخاک رسانیدن بینی بیش از پیشانی است چون لفظ ارغام دلالت بر آن دارد و اگر پیشانی بوجهی بلکه مستحب
سنت بینی هم بر خاک باشد هر چند اقرب بخلاف نصه ... که ارغام واجب است ... و ظاهر احادیث صحیحه
استحباب است چنانکه در صحیحه ... حضرت پیغمبر ... گذاشتن هفت موضع فرض است و ارغام
سنت است و در صحیحه زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرمودند که سجده بر هفت استخوان است پیشانی و دستها و زانوها و انگشتهای ... ارغام
بینی خود را یعنی بر خاک مالیدن ... هفت است و ارغام ... سنت حضرت سید المرسلین
است صلوات الله و سلامه علیه و آله و در حدیث صحیح از محمد بن مصادف منقول است که از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که سجده بر پیشانی است و بر ... سجده سنت
بعد از این ... همه این اخبار قابل تأویل هست و مع هذا منقول است ... از
امیر المؤمنین صلوات الله علیه که فرمودند که مجزی نیست نمازی که بسوده نرسد آنچه به پیشانی میرسد
و در حدیث حسن کالصحیح از عبدالله بن ... از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
که فرمودند که نماز نیست کسی را که ... بینی او ... این اعم است

... سجده باشد و قریب بایشست حدیث موثق دیگر از آنحضرت صلوات الله علیه و احوط آنست که
ترک نکنند یعنی ... بر سجده و ظاهر آنجای بینی که بر سد کافی باشد و جمعی گفته اند که
میباید که میان بینی که استخوان است بر سد و اگر بیان و سر بینی هر دو بر سد نور علی نور است و عبارت
فقه رضوی احتمال وجوب و استحباب دارد و احتمال که توفیق میان اخبار است و قصد و ربتها آن اسلم است و الله
تعالی یعلم وَيُجْزِئُكَ فِي مَوْضِعِ الْجَبْهَةِ مِنْ قُصَاصِ الشَّعْرِ إِلَى الْحَاجِبَيْنِ مِقْدَارُ دِرْهَمٍ و در فقه رضوی
و از الله علی ... که کافیست ... گذاشتن پیشانی از رستنگاه موتا ابروها مقدار یک درهم و کلینی
در حسن کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که فرموده اند که میان پیشانی
از رستنگاه موی سر تا ابروها موضع سجود است پس هر جزوی از اجزای پیشانی که بر زمین بر سد کافی است
و مقدار طرف انملهٔ بجری بود کافی است و از اینجا استدلال کرده اند علما که درهم وافی و بغلی مقدار بند انگشت است
و احتمال بند انگشت مهین دیگر آن دارد و چون متعارف در هم آن بوده است که مدور باشد انگشت مهین
ان ... اقرب ... و اگر ... کنند عایت آن میکنند که عوض آن مثل طول ... باشد یا قطرش
مقدار طول ... باشد ... بلکه بیشتر ... میشود و لیکن از اینکه مقدار درهم
... لازم ... معتبر ... مقدار پیشانی اکثر علما بر آنند
که ... آن مطلق را حمل بر مقید
کنند ... احوط است يَكُونُ سُجُودُكَ كَمَا يَتَخَوَّى
الْبَعِيرُ الضَّامِرُ ... الْمُعَلَّقِ لَا يَكُونُ شَيْءٌ مِنْ جَسَدِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ و در فقه
رضوی ... که بسجود ... فراخ بودن ما بین اعضای شتر لاغر
باشد ... که ... آویخته باشد بآن ... آویخته باشد
... و ظاهر عبارت استحباب ... بودن ... شتر
بعضی گفته اند که ... دستها ... ابیش
... بسجود ... دیگر ... و ... زانوها او
... که ... عبارت ... از ...

این عبارت استخراج نمایند چون احادیث صحیحه بر این مضمون وارد شده و در مضمون این عبارت
در حدیث کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که ... آن حضرت چون میرسید
نهی بود نزد جنابت که عربان تهی است شتر لاغر یعنی در وقت خوابیدن عضوهای او از یکدیگر جدا است
و احکام و اخبار بسیار خواهد آمد و چون این عبارت در فقه رضوی واقع بود بنا بر آن در رساله ذکر
کرده و در آنجا ها بموقع خود واقع است و همین عبارات را در موقع خود ذکر کرده است و همین معنی قرینه
سهو است و سَأَلَ الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنِ السُّجُودِ عَلَى الْقَفْرِ وَالْقِيرِ
فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ روایت شیخ در صحیح از معویة بن عمار که گفت سوال کرد معلی بن خنیس از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه و من نزد آنحضرت بودم از سجده کردن بر قفر بضم قاف و آن قیر
بحثا است که بعمل آورده اند و خاکستر داخل آن کرده اند و بر قیر که اعم است از خام و پخته پس حضرت فرمودند
که باکی نیست و در تهذیب عن السجود علی القفر است و چون مخالف اخبار بسیار است شیخ حمل کرده است
بر تقیه یا ضرورت اما بنا بر این نسخه مخالفت ندارد زیرا که نماز کردن بر آن لازم نیاید سجده کردن
بر آن او ظاهر است سهو از نساخ شده باشد دیگر آنکه این حدیث را شیخ از کتاب حسین بن سعید نقل کرده است
و او از کتاب معویة بن عمار بواسطه نضر از محمد بن ابی حمزه بیوسف ناسب است زیرا که صدوق از معویة بن عمار
نقل کرده مکرر آنکه در کتاب بنوده باشد اگرچه بعید است مع هذا از معویه ... روایت کرده است و ظاهر
آن روایت دیگر باشد از معویه و علی ای حال روایات بر جواز وارد شده است در باب نماز ... خواهد بود
والظهر جوانب و احوط ترک است مگر در حالت ضرورت وَسَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْهِ عَنِ الْجِصِّ يُوقَدُ عَلَيْهِ بِالْعَذِرَةِ وَعِظَامِ الْمَوْتَى ثُمَّ يُجَصَّصُ بِهِ الْمَسْجِدُ أَيُسْجَدُ عَلَيْهِ فَكَتَبَ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ إِنَّ الْمَاءَ وَالنَّارَ قَدْ طَهَّرَاهُ و باسانید صحیحه منقولست از حسن که گفت سوال
کردم در عریضه که بخدمت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه نوشتم ... از گچ
که آنرا می پزند بسوزند آدمی و استخوان مرده که حیوانات باشد و بعد از آن مسجد را گچ میمالند
گچ آیا سجده بر آن میتوان کرد حضرت بخط مبارک خود نوشتند که بدرستی که آب و آتش آنرا پاک کرده
اگر نجس شده باشد و چون ... سوختن ... حیوانات ...

... ملاحظه کرده اند ایشان که نجس بوده است و بعضی گفته اند که خاکستر نجاست و دخانهای نجس ...
میباید که مسجد نجس شده باشد و مع هذا سجده بر آن میکنند حضرت فرمودند که نجاستش معلوم نیست چون عذره
نجاست را بسوزند و گچ میپزند و چون سوختن استحاله میشود و همچنین استخوان و چون احتمال دارد که
بعضی از عذره تر باشد یا چون آتش در آن افتد آبی از آن جدا شود و بر گچ بریزد یا از جهت همین توهم همین بس است
در آب ریخته گچ میسازند آن نجاست موهوم را پاک میکند و همچنین گچ آتش دیده است نجاست موهوم آن زایل
شده است و یا آنکه چون گمان داشته اند که خاکستر نجس نجس است حضرت فرموده است که آب پاک کننده است زیرا که
هر گاه خاکستر ... نجاست پاک میشود و مع هذا آب در گچ کرده اند هر چند بقصد تطهیر آن نکرده باشند چون
در آنها فی الحقیقه ... که ... احتمال النجاسة ...
... که هر مثل ... گچ هر گاه ... مطهر باشد ...
پاک ... و این ... ضعیف است چون نجاست این گچ ظاهر نیست ... تطهیر ... تنظیف
باشد ... نتوان کرد بر نجاست ... باشد ...
باشد ... والله تعالی یعلم و چون ... است که ... استخوان
حیوانات غیر آدمی ... گچ ... حضرت فرمودند ... استخوان آدمی ... اگر
احتمال ... وَسَأَلَ دَاوُدُ بْنُ أَبِي يَزِيدَ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنِ الْقَرَاطِيسِ وَالْكَوَاغِذِ الْمَكْتُوبَةِ عَلَيْهَا هَلْ يَجُوزُ عَلَيْهَا السُّجُودُ فَكَتَبَ يَجُوزُ
و منقولست بطریق صحیح از داود بن زید ... ابی ... که ... نوشت ...
... داود ... که ... شیخ ... داود بن فرقد
و آن ... است ... صحیح ... حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام موسی کاظم
... الله علیهما ... احتمال ... که او ... از نساخ ... شیخ ... روایت
است بعنوان ... ترتیب
... ذکر کرده و داود بن ... محمد ... روایت
... علی بن ... داود بن ... حضرت امام

علی نقی صلوات الله علیه سؤال کرد از کاغذهائی که چیزی بر آن نوشته باشند آیا جایز است سجده کردن
بر آن حضرت فرمودند که باکی نیست و منافات با جواز ندارد آنچه روایت کرده است کلینی و شیخ در صحیح از جمیل
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که مکروه است یا حضرت کراهت داشتند سجده کردن
کاغذی که بر آن چیزی نوشته باشند زیرا که کراهت با جواز منافات ندارد خصوصاً هرگاه جواز مطلقا ثابت
باشد و احتمال دارد که کراهت وقتی باشد که سواد داشته باشد و ظاهر [illegible] جواز
باشد که سواد نداشته باشد یا آنکه کراهت بمعنی حرمت باشد در صورتی که سجده بر نوشته کنند
و جواز در صورتی باشد که سجده بر جائی کنند که نوشته نباشد چون بیاض و مرکب با جسمیت و آن [illegible]
دو [illegible] ظاهر [illegible] و اگر مرکب را از [illegible] سوخته باشند [illegible] بر آن سجده میتوان کرد و اگر
نوشته باشند سجده بر آن نمیتوان کرد چنانکه روایت کرده است شیخ در صحیح از صفوان جمال که گفت دیدم
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را که در محمل بودند سجده بر کاغذ میکردند و گاه اوقات ایما
میکردند [illegible] که سجده بر آن نکنند [illegible] آنجا [illegible] نوشته باشند
خلاف [illegible] شیخ بسند کالصحیح روایت کرده است از حسن بن [illegible] که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که [illegible] شخصی که نماز کند و نظر [illegible] کند [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند که باکی نیست [illegible] صحیح [illegible] منقول است که گفت سؤال کردم
برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که اگر [illegible] مصحف [illegible] برابر خود [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند [illegible] نماز کند [illegible] جمع [illegible]
[illegible] که اول [illegible] ثانی [illegible] اظهر است [illegible]
[illegible] که سجده بر کاغذ [illegible] میتوان کرد [illegible] آن [illegible]
[illegible] یا [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشند [illegible]
[illegible] میتوان کرد [illegible] است [illegible]
[illegible] است که حضرت [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

دارد بر آن [illegible] کار بود [illegible] بود [illegible] جایز است سجده کردن بر آن مطلقا اگر
کسی [illegible] کند بعضی [illegible] بود [illegible] و سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَسْجُدُ عَلَى الْمِسْحِ وَالْبِسَاطِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ فِي حَالِ التَّقِيَّةِ و بسند صحیح منقول است
از علی که گفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که سجده کند بر گلیم و قالی
[illegible] حضرت فرمودند که باکی نیست سجده کردن بر اینها هرگاه در جائی باشد که اگر سجده
بر اینها نکند ضرر باو برسد چون تقیه واجب است و اگر احتمال ضرر باشد مثل آنکه در بلاد عامه در جای
خود در [illegible] باشد و منفذ [illegible] ظاهر نداشته باشد در این صورت تقیه واجب نیست
[illegible] و در [illegible] تقیه [illegible] مگر آنکه خوف باشد وَلَا بَأْسَ بِالسُّجُودِ عَلَى الثِّيَابِ
فِي حَالِ التَّقِيَّةِ و باکی نیست بر سجده کردن بر جامه در حال تقیه مرویست در حدیث موثق
از ابو بصیر که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند [illegible]
کلیم حضرت فرمودند که اگر تقیه باشد باکی نیست وَسَأَلَ مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْهِ عَنِ الصَّلَوةِ عَلَى الْقَارِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ و در صحیح از ابن عمار منقول است که گفت سؤال کرد
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از نماز کردن بر قیر حضرت فرمودند که باکی نیست و مرویست
در صحیح از ابن عمار که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه در کشتی باشد
سجده میکند بر قیر و قیر بود در صحیح حفص و کالصحیح ابراهیم بن میمون و غیر اینها وارد است که
کند سجده بر قیر میتوان کرد چون متعارفست که کشتی را قیر میمالند و احادیث جواز در کشتی وارد
شده [illegible] غالب اوقات تقیه لازم بود و علما [illegible] شیعه [illegible] که سجده بر غیر آنچه بر آن نماز میکرد
[illegible] حضرت صادق فرمودند [illegible] بر اینها سجده بکنند که مبادا [illegible] و الله تعالی یعلم
[illegible] صلوات الله علیهما أَنَّهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَسْجُدُ وَعَلَيْهِ قَلَنْسُوَةٌ أَوْ
عِمَامَةٌ قَالَ إِذَا مَسَّ شَيْءٌ مِنْ جَبْهَتِهِ الْأَرْضَ فِيمَا بَيْنَ حَاجِبَيْهِ وَقُصَاصِ شَعْرِهِ فَقَدْ أَجْزَأَ
[illegible] باسانید صحیحه منقول است که زراره گفت [illegible] از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق
[illegible] که [illegible] عمامه بسته باشد و کلاه یا عمامه بعضی از پیشانی

بوستانید و باشد چنانچه حضرت فرمودند که هرگاه از پیشانی او که میان ابرو و ... [illegible] سر است

الله کی بر زمین رسید از و مجزی است همین حدیث را شیخ در صحیح اندکی نقل کرده است با این عبارت که

اذا مس جبهته الارض فیما بین الی آخره یعنی هرگاه برسد پیشانی او بر زمین و این عبارت احتمال کل پیشانی بعض

دارد بلکه در کل اظهر است و همچنین حدیث بکر بن زراره و موثقه عمار دلالت میکنند بر آنکه مسمی کافیست

و لیکن ممکنست که این اخبار را حمل کنیم بر آنکه اقلا یک درهم از پیشانی باید بسجده ... [illegible] اعتبارات

دیگر دارد که گذشت و ممکنست که درهم اقل مراتب استحباب باشد و کل پیشانی را رسانیدن اکمل باشد

و در حدیث موثق کالصحیح از عبد الرحمن منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات

الله علیه از شخصی که سجده میکند و عمامه در سر دارد اشتر باشد و مانع باشد از رسیدن کل پیشانی بر زمین حضرت فرمود

که مجزی نیست تا پیشانی او یا کل پیشانی او بر زمین برسد و این خبر نیز هر دو احتمال دارد در خبر کالصحیح از

بزید بن محمد منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که از پیشانی تا ابرو هر جای آنکه بر زمین

رسد در سجده مجزی است و سجده کردن بر تمام پیشانی افضل است و محمولست بر افضلیت حدیث علی بن جعفر

از برادر بزرگوارش حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که گفت پرسیدم از زنی که سجده کند و بعضی از پیشانی

او بر زمین برسد و بعضی را مو مانع باشد آیا جایز است حضرت فرمودند که نه تا جمیع پیشانی را بر زمین

بر زمین و سوال کردم که هرگاه مرد سجده کند و عمامه یا کلاهش مایل باشد میان پیشانی و زمین حضرت

فرمودند که خوب نیست و صحیح نیست تا پیشانی او بر زمین برسد یعنی جمیع بر سبیل استحباب یا قدر

سبیل وجوب قَالَ یُونُسُ بْنُ یَعْقُوبَ رَأَیْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ یُسَوِّی الْحَصَا فِی مَوْضِعِ

سُجُودِهِ بَیْنَ السَّجْدَتَیْنِ و منقولست در موثق کالصحیح بل الصحیح از یونس که گفت دیدم حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه که سنگریزه را بدست میکرد در موضع سجده در میان دو سجده یعنی

آنکه هموار نبود هموار میفرمودند و این قسم کارها منافی با حضور قلب ... [illegible] کامل ... [illegible]

هرگاه بقصد عبادت باشد ... [illegible] و در حسن کالصحیح از عبد الملک بن عمرو منقولست که دیدم حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه که وقتی که اراده سجده داشت ... [illegible] را هموار میکرد از جهت سجود و در ... [illegible]

بن یحیی انه قال رأیت جعفر بن محمد صلوات الله ... [illegible] یحد ... [illegible]

مرتفعة علی الارض و در موثق کالصحیح منقولست از علی که گفت که دیدم حضرت را صلوات الله علیه که بر روی بر

... [illegible] و ... [illegible] مشغول شده و سنگ ... [illegible] بر پیشانی ایشان چسبیده بود آنرا ... [illegible]

در زمین میکنند شنیدند و اگر پیشانی ... [illegible] کفاره ... [illegible] بلندی و اقع شود بقدر چهار انگشت با ... [illegible]

بلندی بر ... [illegible] و موضع سجود را در دست کند سجده رود و اگر بقدر چهار انگشت یا کمتر باشد ... [illegible]

بلکه پیشانی ... [illegible] و میکند تا قرار گیرد و اگر چنین ... [illegible] سجده بر آن نتوان کرد ... [illegible]

... [illegible] پیشانی ... [illegible] پیشانی را بر زمین ... [illegible] و اگر ... [illegible]

بهتر است و در بعض آنست که تا چهار انگشت محل سجود است که بلندی و پستی ... [illegible] المشهور

الا موضع ... [illegible] اگر مساوی باشد محل ایستادن با محل سجده کردن احوط و اولی است ... [illegible] حدیث

کالصحیح از عبد الله بن سنان منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که

آیا جایز است که در سجده موضع پیشانی از موضع قدمها بلندتر باشد حضرت فرمود ... [illegible]

می باید که مساوی باشد و در صحیح از ابی بصیر منقولست که گفت سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه

از شخصی که موضع سجده او ... [illegible] بلند کند در سجده حضرت فرمودند که ... [illegible] موضع پیشانی

قدم مساوی باشد و ... [illegible] بلند او ... [illegible] کالصحیح ... [illegible] کفته ... [illegible]

عبد الله بن سنان از آنحضرت علیه الصلوة و السلام منقولست که گفت از آنحضرت سوال کردم از سجده کردن بر

زمینی که بلند باشد حضرت فرمودند که اگر موضع پیشانی تو بلندتر باشد از موضع دستها ... [illegible]

... [illegible] از موضع بدن تو ... [illegible] موضع ... [illegible] که بقدر انگشت باشد ... [illegible]

... [illegible] از عمار منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ... [illegible] آیا جایز است

که بر ... [illegible] بود بایستد و سجده بر زمین کند حضرت فرمودند که اگر ... [illegible] یک آجر یا کمتر باشد

... [illegible] بر آنجا بایستد و سجده ... [illegible] کند و اگر بیشتر از یک آجر باشد ... [illegible] ظاهر ... [illegible] انگشت

... [illegible] اگر مساوی حقیقی مراد ... [illegible] بلندی ... [illegible] سنگریزه

... [illegible] حضرت صلوات الله علیه منقولست که ... [illegible] است که ... [illegible]

... [illegible] حضرت ... [illegible] صحیح ... [illegible] منقولست که حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه پیشانی را بر زمین گذاری که [illegible] بر [illegible] [illegible] لکن
زمین کش و ظاهر سبب بیرون آمدن آنست که سجود بمکر میشود عمل و حدیث [illegible] حسن [illegible]
حال منقول است که گفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که گاه هست سجده [illegible]
پیشانی من بر سنگی بلند دراز یا بر چیزی بلندی و حضرت بجانب حالی کنم که هموار باشد حضرت فرمودند که یلی
بردی که نه بر زمین کش و اکثر بر دارد و ایضا از حسین بن حماد منقول است که گفت از آنحضرت سوال کردم
از شخصی که بر دی سنگی بلند و اقع شود حضرت فرمودند که سر را بردارد و در جای هموار [illegible] بگذارد
[illegible] الکره و در حدیث صحیح از علی بن جعفر منقول است که گفت سوال کردم از برادرم امام موسی کاظم
صلوات الله علیه که هر گاه پیشانی شخصی در حال سجود بسنگی بر دید [illegible] قرار بگیرد بر زمین حضرت فرمودند که حرکت
دهد پیشانی خود را و از سنگ بردارد و در کنار آن پیشانی [illegible] گذارد و سر برندارد و جمع نحوی است که گفته اند و ممکن
که حمل بر تخییر کنیم در بعضی از صور و لکن هر گاه تخییر خوب نباشد ترتیب بهتر خواهد بود تا مخالفت اصحاب
نکرده باشیم والله تعالی یعلم و کذری تهذیب الاحکام عن ابی عبدالله صلوات الله علیه انه قال لا بأس
[illegible] الطرفین لا بأس [illegible] اذا [illegible] [illegible]
از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که از [illegible] [illegible] که متصل است [illegible]
[illegible] آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] صحیح از معاویة بن مسلم از آنحضرت صلوات الله علیه [illegible] صلوات الله علیه [illegible] و بسند
صحیح منقول است از زراره از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] و [illegible] از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است [illegible] [illegible] که مراد [illegible]
[illegible] سال زید الصادق صلوات الله علیه عن المکان یکون فیه الغبار فانفخه
اذا اردت السجود فقال لا بأس و بسند صحیح منقول است [illegible] از شخصی [illegible] سوال
کردم از آنحضرت صلوات الله علیه [illegible] که غبار را [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] نماز [illegible] [illegible] [illegible]
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گفت [illegible] [illegible] [illegible]

کرد که کردن [illegible] بوده حضرت فرمودند که نه و بعد از این نمی خواهد آمد فی رسالة ابی جعفر الی ولا تنفخ
فی موضع سجودک فاذا اردت النفخ فلیکن قبل دخولک فی الصلوة و در رساله بود که بسی نوشته بود
این بود که یاد مکن در موضع سجود بس اگر اراده داشته باشی که موضع سجود را پاک کنی می باید که پیش از
دخول در نماز پاک کنی و در بعضی نسخ این بود [illegible] روی عن الصادق صلوات الله علیه انه قال
انما یکره ذلک خشیة ان یؤذی من الی جانبه و روایت کرده است صدوق در صحیح از لیث مرادی که عرض
نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که اگر شخصی نماز کند و فتح و اندکرد موضع پیشانی
را حضرت فرمودند که باکی نیست بسی که من مکروه است که آزار رسانی بکسی که در جانب او باشد پس اگر کسی نباشد
کراهت ندارد یا کراهت شدید ندارد و یکره ان یمسح الرجل التراب عن جبهته و هو فی الصلوة و
یکره ان یترکه بعد ما صلی فان مسح التراب من جبهته و هو فی الصلوة فلا شیء علیه لورود
الرخصة فیه و مکروه است که پاک کند خاک را از پیشانی در حال نماز و مکروه است که بعد از نماز آن خاک را
بگذارد و پاک نکند چون خوف ریا هست پس در حالت نماز خاک را پاک کند بر او چیزی نیست چون رخصت
از شارع شده است چنانکه علی بن جعفر کالصحیح سوال میکند از برادر خود صلوات الله علیه که آیا در اثنای نماز خاک
پیشانی را پاک میتوان کرد حضرت فرمودند که باکی نیست و در حدیث صحیح از حلبی منقول است که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا نمازگزار خاک پیشانی را در اثنای نماز پاک میتواند کرد حضرت فرمودند که
بلی حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پاک میکردند هر گاه خاک آلوده میشد پیشانی او و در حدیث نیکو از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که مرا خوش نمی آید که پیشانی مردمان ساده باشد و آن از سجود
باشد و حمل بر آنکه مراد حال نماز است و ظهر آنست که مراد پیشه کردن پیشانیست یعنی بسیاری سجود چنانکه حضرت
سید الساجدین و حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهم چنین بوده اند و در غیر ایشان چنانکه اخبار بسیار دارد
[illegible] را پیشانی بود و بعضی از اینها هست که همه ائمه صلوات الله علیهم اثری در پیشانی ایشان بوده است
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود را چنین تفسیر کرده اند و اخبار بسیار وارد شده است در صفات
مؤمنان که میان پیشانی ایشان [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] چنین باشند یعنی امیر المؤمنین
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لبهای ایشان خشک باشد همیشه و چشمان ایشان

کرد و شیر اشعار ایشان یاد کرده و بشارت ایشان که باشند بسیار به عبادت و تحصیل ایشان [illegible] از تفسیر
امام حسن عسکری صلوات الله علیه و باب کفر و ایمان کافی طلب باید کرد والله الموفق للسداد

قال هشام بن الحکم لابی عبد الله صلوات الله اخبرنی عما یجوز السجود
علیه وعما لا یجوز قال السجود لا یجوز الا علی الارض او ما انبتت الارض الا ما اکل او لبس فقال
له جعلت فداک ما العلة فی ذلک قال لان السجود خضوع لله عز وجل فلا ینبغی ان یکون علی ما
یؤکل او یلبس لان ابناء الدنیا عبید ما یاکلون ویلبسون والساجد فی سجوده فی عبادة
الله عز وجل فلا ینبغی ان یضع جبهته فی سجوده علی معبود ابناء الدنیا الذین اغتروا
بغرورها والسجود علی الارض افضل لانه ابلغ فی التواضع والخضوع لله عز وجل این بابیست
در بیان علت نهی از سجود بر خوردنی و پوشیدنی و عدم نهی از زمین و هرچه از زمین روید که آنرا
نخورند و نپوشند و اینست بسند صحیح از هشام بن حکم که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که مرا خبر ده از آنچه جایز است بر آن سجده کردن و از آنچه جایز نیست حضرت
فرمودند که سجده جایز نیست مگر بر زمین یا آنچه از زمین روییده باشد مگر آنچه خوردنی یا پوشیدنی باشد
بحسب عادت پس عرض نمودم که فدای تو گردم علت این چیست حضرت فرمودند که از جهة آنکه سجود
خاضع شدنست نزد حق سبحانه و تعالی پس سزاوار نیست که خضوع نزد ماکول و ملبوس باشد زیرا که اهل
دنیا بندگان ماکولات و ملبوسات اند و کسی که سجده میکند در عبادت حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] است پس سزاوار نیست که پیشانی خود را در سجود بر معبود اهل دنیا گذارد که فریب
دنیا را خورده اند و فریفته ماکول و ملبوس شده اند و آنچه سجده بر آن میتوان کرد زمین بهتر است
زیرا که سجده کردن بر زمین کاملتر است در تاثیر شکستگی و خضوع نزد حق سبحانه و تعالی [illegible]
که خاک کربلا بهتر موثر است در رقت و خضوع که هر چند قساوت عظیم باشد چون یاد [illegible]
واقعه کربلا [illegible] او را گریه و زاری [illegible] که سبب قرب بندگانست [illegible] مغفرت
گناهان ایشان لهذا حضرت فاطمه زهرا صلوات الله [illegible] علیها [illegible] از خاک [illegible]

[illegible] شیعیان [illegible] شهادت [illegible] ایشان [illegible] اما [illegible]
[illegible] شده [illegible] فرمان [illegible] مظلومیت ایشان کنیم و بگوییم تا در جات عالیه
کرامت فرمایند [illegible] و بنابر [illegible] باشد سبب [illegible] میشود از گلهای ساخته باشند که
در آن دعا [illegible] میشود که صحیح نباشد [illegible] همه پیشانی بر آن میرسند [illegible]
[illegible] مگر آنکه چنان بسازند که پیشانی بر آن جا گذارند همه [illegible] از خاک [illegible]
[illegible] اما [illegible] پیشانی جایی که [illegible] فاصله دارد اما شک نیست در آنکه
[illegible] و احادیث [illegible] ظاهر اخبار آنست که [illegible] مقدم باشد بر سنگ [illegible]
نیست که [illegible] طهارت [illegible] آن بوده باشد [illegible] صحیح از محمد بن مسلم منقولست که
گفت که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] که باکی نیست در سجده کردن بر بوریا و برگ درخت
خرما و هر چه از زمین روییده باشد مگر میوه و در صحیح از حسین بن ابی العلا از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه منقولست که [illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه سوال کرد از سجده
کردن بر بوریا و جامه [illegible] خرما و هر چه از زمین روید [illegible] جایز است حضرت فرمودند که بلی و احادیث
[illegible] که زمین بهتر است [illegible] مقدم است [illegible] احادیث سنگ [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] کرده [illegible] اصل خاک است [illegible] صحیح شده است
[illegible] در آن تاثیر کرده [illegible] سنگ [illegible] است [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] و بعضی [illegible] کرده [illegible] مثل سنگ [illegible] که [illegible]
[illegible] سجده کردن [illegible] اما [illegible]
[illegible] میشود و بعد از [illegible] میشود [illegible] وارد شده
[illegible] ماکول و ملبوس [illegible] سجده میتوان کرد
[illegible] اما [illegible] بسیار
[illegible] بر آن میتوان کرد [illegible] سجده میتوان کرد [illegible]
[illegible] سجده [illegible] کنند و اگر

سنگ ۳

چون بر دو بعضی از بلاد آنرا خوب شود و بعضی نخوردن هر بلدی حکم خود دارد و از بیچه که هرجا که
سجده میتوان کرد و هرجا نمیتوانند سجده نتوان کرد و بعضی تعظیم منع کرده اند که بجماد قبیله که ما کول است
و احوط منع است و مثل پوست بادام تازه که معمول نیست سجده نمیتوان کرد و چون ادا میرسد آنرا
نمی خورند سجده میتوان کرد و مانند اینها که جمعی عادت کرده اند ایشان سجده نمی توانند کرد
و احوط آنست که مطلقا نکنند اما پوست کتان را ظاهرا سجده توان کرد چون استعارف نیست خوردن
آن و بر بالای کندم نماز کردن مکروه است همچنین کاه بران کشیده باشد چون در حدیث صحیح از او
ضرت منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از خرمن کندم که
کاه اندود کرده باشند آنرا بر بالای آن نماز کنم حضرت فرمودند که بر بالای آن نماز مکن عرض نمودم که
اگر سطح هموار و سخت باشد چون است حضرت فرمودند که بر آن نماز مکن و در حدیث حسن کالصحیح از عمر
حنظله منقول است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که خرمنی
از گندم را کاه اندود کرده اند و مانند سطح حضرت فرمودند که نماز مکن یعنی جایز است پس خبر اول
محمول است بر کراهت به سبب عرضه طعام و گذشت یاد است [illegible] القبلة ابوابهمية
در بیان قبله و آن موضعی یا طرفی است که مصلی رو بسوی و مقادیم بدن بسوی آن کند در نماز واجب چون
و در مستحب نیز در حال اختیار و حال مرض ملکه کردان مذبحی یا مقادیم بدن آنرا بسوی آن کنند و همچنین
برای علما نظیر ترک توجه بآن و بتول باید بآن و همچنین در احوال میت از احتضار و غسل نماز
دفن و غیر اینها از آنچه مذکور خواهد شد و در بیان حج غیر آن در مواضع خود ان شاء الله تعالی از
الصادق صلوات الله علیه ان الله تبارك وتعالى جعل الكعبة قبلة لاهل المسجد وجعل
المسجد قبلة لاهل الحرم وجعل الحرم قبلة لاهل الدنيا منقول است بدو حدیث که حضرت
امام صلوات الله علیه فرمودند که بتحقیق که حق سبحانه و تعالی کعبه را قبله اهل مسجد کردانیده است
و مسجد الحرام را قبله اهل حرم کردانیده است و حرم را قبله اهل دنیا کردانیده است و غیره همچنین نقل
کرده اند سفیان بن عیینه و عبد الله بن عباس از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و بسندی دیگر
باسناد او از آنحضرت صلوات الله علیه منقول [illegible] و در صحیح ابو ابراهیم بن ابی البلاد از بعض

که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که خانه کعبه قبله اهل مسجد الحرام است و مسجد قبله اهل مکه است
مکه قبله حرم است و حرم قبله اهل عالم است و شیخ طوسی و شیخ طبرسی نقل اجماع کرده اند برین قول و سال
المفضل بن عمر ابا عبد الله صلوات الله عليه عن التحريف لاصحابنا ذات اليسار عن القبلة
وعن السبب فيه فقال ان الحجر الاسود لما انزل من الجنة ووضع في موضعه جعل انصاب
الحرم من حيث لحقه النور نور الحجر فهو عن يمين الكعبة اربعة اميال وعن يسارها ثمانية
اميال كله اثنا عشر ميلا فاذا انحرف الانسان ذات اليمين خرج عن حد القبلة لقلة انصاب
الحرم واذا انحرف الانسان ذات اليسار لم يكن خارجا عن حد القبلة و بطریق قوی از مفضل
منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از انحراف که شیعیان ما
میکنند بجانب چپ از قبله و چه باعث است و چه سبب دارد حضرت فرمودند که چون حق سبحانه و تعالی
حجر الاسود را از بهشت بدنیا فرستاد و در جای خود گذاشتند علامات حرم را نصب کرد حضرت آدم
از انجائی که نور حجر الاسود بانجا رسید و نور از جانب راست کعبه به چهار میل رسیده بود و از جانب
چپ هشت میل رسیده بود که مجموع دوازده میل باشد که مقدار حرم است که چهار فرسخ در طول است و چهار
فرسخ در عرض پس اگر انحراف بطرف راست واقع شود بجانب راست بیشتر از حد
قبله که آن حرم است بیرون میرود چون منتهای حرم کمتر است از طرف یمین و اگر انحراف
از دست چپ واقع شود از حد قبله بیرون نمیرود و در صحیح بسند دیگر بهمین مضمون نقل کرده که بخدمت حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودند که از چه وجه در نماز میل بجانب دست چپ میکنند حضرت
فرمودند که زیرا که کعبه را شش حد است چهار حد آن بر دست چپ تست و دو تا آن بر دست راست
تست پس از این جهت که منحرف میشوند بجانب چپ و حدیث سابق مفسر این خبر است و چون بلفظ
کعبه وارد شده است احتمال دیگر دارد که در روضه ذکر کرده ام والله تعالی یعلم بدانکه در این دو حدیث
مذکور است که نور حجر الاسود مقتشرش در احادیث صحیح بسیار وارد شده است که نور یاقوت العمود
بود که حق سبحانه و تعالی آنرا از بهشت از جهة انس حضرت آدم علیه السلام فرستاد و در زمانی از حج
[illegible] بود و در طوفان نوح بهمان مرتبه [illegible] باقی بنا بایات معتبره وارد شده است که ستون خانه

جهار جهت است در ساخت و منافاتی نیست میانه این اخبار چون ممکن است که … همه منتشر شده باشند و در واقع
نیز چنین است و تفصیلش در ابواب حرم خواهد آمد ان شاء الله تعالی و وارد شده است که قبله اهل عالم حرم است
و قبله اهل حرم مسجد است و مذهب متقدمین علمای شیعه آن بود و شیخ صدوق نیز وارد است که چون خواهی
رو بقبله کنی اندکی میل بسمت چپ کن زیرا که حرم از دست راست کعبه چهار میل است و از دست چپ آن
هشت میل است و میل بسمت چپ باعتبار توجه بحرم است و مذهب متاخرین علمای ما آنست که کعبه
قبله کسانی است که در مکه معظمه باشند و جهت کعبه قبله عالم است و از احادیث بسیار از صحیح و حسن
کالصحیح و موثق کالصحیح و غیرها ظاهر میشود که کعبه قبله باشد و آیات قبله بلفظ مسجد الحرام وارد است
و مراد از مسجد کعبه است چون آن نیز مسجد محترم است یا باعتبار اطلاق کل بر جزو و مجاز یا مراد از مسجد
حرم است چنانکه مذهب قدما است و در بعض صور قبله اطلاق کرده اند جمعی از علما بر کل و چون حق سبحانه و تعالی
امر فرموده است که رو بجانب مسجد الحرام کنند فایده معتدبه ظاهر نمی شود در این خلاف نسبت بکسی که
دور باشد از کعبه و اخبار متواتره بلفظ قبله وارد شده است پس مکلف رو بقبله میکند و آن جانب
و طرفیست که علم یا ظن داشته باشیم که کعبه یا مسجد یا حرم در آن طرف باشد و بعضی گفته اند که قبله
طرفیست که علم یا ظن نداشته باشیم بخروج کعبه از آن طرف و بعضی گفته اند که کعبه قبله بعید است که چون
هر چند چیزی دورتر میشود محاذات جمعی بیشتر میشود مثلا اگر کعبه نوری باشد ظاهر شود و …
جانبها از پیش برخاسته شود همه کس آن نور را مشاهده میکنند که رو بقبله کرده اند اگر چه بحسب واقع جمعی
قلیل محاذی قبله اند تا آنکه شیخ بهاء الدین محمد طاب ثراه نقل کرده اند این قول را و بحث بر این قول
را که علما ذکر کرده اند که اگر خطی را بکشند و هزار کس با این خط بایستند شاید یک کس از این خط
محاذی کعبه باشد و باقی بیقین خارج خواهند بود از محاذات کعبه پس جواب آنست که اولا
علم نداریم بخروج احدی از محاذات کعبه بلکه ممکن است که محاذی عین کعبه باشند چون زمین
کروی است و خطی که بر کره کشیده شود هر چند مستطیل باشد در واقع مستدیر است و بر تقدیر تسلیم
محاذات حسی کافی است نه محاذات تحقیقی و شکی نیست در آنکه علم یا ظن بر خلاف آن نداریم و لیکن بنده
گفتم که این قول بعید است ظاهر آیات و اخبار … حق تعالی … امر فرموده است که … در جانب مسجد

کعبه

بجانب مسجد الحرام کنید و یکجا نفرموده است که رو بمسجد یا کعبه کنید و جواب فرموده که تمام آیات با اعتقاد
اینست که رو بجانب مسجد یعنی … برابر است چنانکه متعارف است که هر گاه شخصی رو بشخصی کند میگویند که فلان
متوجه جانب فلان نیست … جواب گفتیم که تقدیر اینکه این اطلاق بر سبیل حقیقت باشد قرینه معنی
از آیه ظاهر است که رو بعین کعبه محال است بعید است جواب فرموده اند که از این جهت است که اکثر
باین طریق … و غرض این بود که حروف ایشان فی الجمله صورتی دارد بر تقدیر صحت این جواب …
بعد از آن فرموده اند که فلانی در رساله قبله تحقیق جهت نوشته ام آنرا مطالعه کن و بعد از آن اگر شبهه باشد
گفتگو کن و بحث با این … منتفی شد بجهت آنکه از آیات و اخبار ظاهر میشود آنست که امر قبله بسیار سهل است
و در بیان علامات نیز … که توان کرد آنست که … موافقت
مذکور شد و الله تع یعلم و من کان فی المسجد الحرام صلّی الی الکعبة الی ای جوانبها شاء و کسی که
در مسجد الحرام باشد … بکعبه میکند بهر طرفی که خواهد و هیچ منافی نیست که جمعی از علمای اهل سنت
گروه اند و هر طرف … مذهب یکی از مجتهدان اربع خود کرده اند که حنفی و … و حنبلی محاذی
آنها و شافعی … بعد
ایشان نیز … و اجماع امت بلکه
جمعه … حنفی نماز
میکنند … شافعی
… اقتدا میکنند بامام حنفی و مع هذا تشنیع بشیعه میکنند که … ظاهر است
که همه کعبه … که مسلمان و مومن باشد و … شیعه اند و غیر اثنا عشری کافر
نصوصی که … در کتب صحاح خود ذکر کرده اند و لیکن این عبارت بحسب ظاهر منافات با مذهب ما دارد
… روایتان هر که رو بمسجد الحرام است مسجد قبله او است و مراد از مسجد آن مسجد نیست که
صلی الله علیه و آله و سلم مسجد بود …
مسجد الحرام …

کسی التزام اینمعنی کرده باشند ولیکن برایشان لازم می‌آید اگرچه قایل بآن نباشند مگر آنکه ایشان گویند
که چون کسی خارج مسجد اعظم باشد مشکلست او را که رو بکعبه کند ما تابع میگوئیم که رو بمسجد کند
در وقتی که در مسجد باشد یا آنکه شخصی که در خانهای مکه [illegible] همچنانکه او را متعسر است رو کردن بجانب کعبه
مکه متعسر است رو کردن بجانب مسجد زمان حضرت [illegible] و بکعبه کردن آسانتر است چون
فی الجمله ارتفاعی دارد و اگر بر بلندی برود ممکنست که کعبه را ببیند بخلاف مسجد الحرام زمان آنحضرت
که دیوار نداشت بلکه میلهای کوتاه نصب کرده بودند که نمی‌توان آنها را تشخیص نمودن و اگر کسی در
کوهها باشد هم [illegible] رو بکعبه نکند و این اشتباه از آن میشود که خیال کرده اند که این
مسجد بزرگی که الحال هست و دیوارهای بلند دارد مسجد الحرام است و غافل اند از آنکه ده مرتبه بزرگ
کرده اند تا باین مرتبه رسیده است چنانچه در رسالة القبلة [illegible] که تفصیل همه در آنجا مسطور است والله تعالی
یعلم و هیچ شک نیست که تا ممکن باشد رو بکعبه کردن احوط است که رو بکعبه کنند خصوصا کسانی را
که خانهای ایشان در کوهها هست که کعبه را میتوانند دید البته رو بکعبه میکنند اما کسانی که خانهای ایشان
در پستی واقع باشد اگر مشکل باشد ایشان را که نمازها را در مسجد الحرام واقع سازند احوط آنست که سعی
کنند و اگر مشکل باشد مهما امکن سعی کنند که از پشت بام خود یا همسایگان علم بجانب کعبه بهم رسانند و
احوط است [illegible] که ظن قریب بعلم بهم رسد [illegible] که ظن محاذات مسجد الحرام
زمان آنحضرت [illegible] ظن محاذات کعبه بهم رسد و این ابتلای عظیمی است سکان و مجاوران مکه معظمه
وَمَنْ صَلَّى فِي الْكَعْبَةِ صَلَّى إِلَى أَيِّ جَوَانِبِهَا شَاءَ وَأَفْضَلُ ذَلِكَ أَنْ يَقِفَ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ عَلَى الْبَلَاطَةِ
الْحَمْرَاءِ وَيَسْتَقْبِلَ الرُّكْنَ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ و کسی که نماز کند در کعبه معظمه [illegible] میکند هر
جانبی که خواهد چون همه جوانب قبله است بهتر آنست که [illegible] میان دو ستون [illegible] کند
[illegible] خاصه [illegible] که آن موضع ولادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] برکنی که حجر الاسود در آن رکن است و شکی نیست در آنکه نماز [illegible]
واجب در حالت [illegible] مثل آنکه [illegible] از کنوز [illegible]

اعتبار [illegible] واقع شده است نقل اجماع بر جواز کرده اند و اخبار [illegible] که کعبه
[illegible] واقع [illegible] که در کعبه [illegible] و در کعبه بالای بام کعبه اگر نماز کنند اگرچه رو بکعبه
کرده است لیکن نه بکعبه تمام کرده است و آن [illegible] محققین گفته اند که [illegible] کل کعبه را قبله
کرده است [illegible] بیرون [illegible] استقبال مجموع [illegible] در بعضی [illegible] میشود [illegible]
[illegible] در احادیث صحیحه وارد شده است [illegible] المستقبل [illegible] احادیث نبی
از نماز [illegible] وَمَنْ كَانَ فِي وَسَطِ الْكَعْبَةِ [illegible] الصَّلَاةَ اضْطَجَعَ وَأَوْمَأَ بِرَأْسِهِ إِلَى الْبَيْتِ
الْمَعْمُورِ و کسی که در سطح کعبه باشد [illegible] و در وقت نماز [illegible] آخر [illegible] نماز باشد یا [illegible]
[illegible] ظاهر عبارت [illegible] بیت المعمور که محاذی کعبه است در آسمان
[illegible] آنکه [illegible] صدوق [illegible] ذکر کرده است [illegible] که کسی قائل باین نشده
باشد [illegible] السلام مروی [illegible] حضرت امام رضا صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] نماز [illegible] بر بام کعبه [illegible] که اگر باید [illegible] قبله [illegible]
[illegible] و لیکن [illegible] چشمهای خود را [illegible] آسمان [illegible] که
[illegible] کرده است که در آسمان است که آن بیت المعمور است [illegible] و چون [illegible] چشمهای
خود را بهم [illegible] و چون [illegible] که سر [illegible] چشمها را [illegible] سجود [illegible]
میکند [illegible] عمل نموده اند و اکثر علما عمل بآن نکرده اند بنابر [illegible] ضعف [illegible]
[illegible] آنکه وارد است که اگر بایستد قبله ندارد [illegible] احادیث وارد
شده است که [illegible] تا آسمان [illegible] قبله است [illegible] اگر ممکن باشد [illegible]
[illegible] اولی آنست [illegible] احادیث صحیحه [illegible] از نماز در جوف کعبه
بام [illegible] قبلة المؤمنین [illegible] که در وقت سجود قبله نداشته باشد [illegible]
کرده است [illegible] محمد بن عبد الله [illegible] سؤال کرد [illegible] صلوات الله علیه
[illegible] که وقت نماز فریضه حاضر [illegible] کعبه [illegible] صلوات

علیه الصلوة والسلام

الله علیه فرمودند که بر ریشه بخواب دعا کنید و حضرت این آیه را استشهاد آورد که حق تعالی فرموده است
که هرجا که رو کنید پس آنجاست وجه الله یعنی جهت رضای الهی که عبادت حق در آن طرف جایز است و این حدیث
با آنکه در سطح خانه باشند و من کان یصلی فوق جبل ابی قبیس استقبل الکعبة و صلی فان الکعبة من
ما فوقها الی السماء روایت کرده است شیخ در موثق کالصحیح از عبد الله بن سنان بسند صحیح باشد چون
نزد صادق عبد الله صحیح است که گفت شخصی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کرد و گفت
که من در بالای کوه ابو قبیس نماز میکنم آیا صحیح است مثل آنکه کعبه در زیر پای من است حضرت فرمود
که بلی بدرستیکه کعبه قبله است از جای خود تا آسمان و شیخان بسند صحیح روایت کرده‌اند از خالد بن
ابو اسمعیل که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که اگر شخصی در کوه ابو قبیس نماز
کند رو بجانب کعبه حضرت فرمودند که باکی نیست ظاهر این دو حدیث آنست که کعبه قبله است نه مسجد الحرام
دوم قبله است و حدیث اول را حمل بر آن میتوان کرد و لیکن عکس اظهر است والله تعالی یعلم صلی رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم الی البیت المقدس بعد النبوة ثلث عشرة سنة بمکة و تسعة عشر شهرا
بالمدینة ثم عیرته الیهود فقالوا له انک تابع لقبلتنا فاغتم لذلک غما شدیدا فلما کان فی
بعض اللیل خرج صلوات الله علیه یقلب وجهه فی آفاق السماء فلما اصبح صلی الغداة فلما صلی
من الظهر رکعتین جاءه جبرئیل علیه السلام فقال له قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک
قبلة ترضاها فول وجهک شطر المسجد الحرام الآیة ثم اخذ بید النبی صلی الله علیه و آله فحول
وجهه الی الکعبة و حول من خلفه وجوههم حتی قام الرجال مقام النساء و النساء مقام
الرجال فکان اول صلوته الی البیت المقدس و آخرها الی الکعبة فبلغ الخبر مسجدا بالمدینة
و قد صلی اهله من العصر رکعتین فحولوا نحو القبلة فکانت اول صلوتهم الی البیت المقدس و
آخرها الی الکعبة فسمی ذلک المسجد مسجد القبلتین فقال المسلمون صلوتنا الی البیت المقدس
تضیع یا رسول الله فانزل الله عز و جل و ما کان الله لیضیع ایمانکم یعنی صلوتکم الی البیت
المقدس و قد صرفت القبلة [illegible] ... النبوة مستفیض است بطرق بسیار از ائمه

[illegible] صلوات الله علیهم این مضمون بلکه اکثر متواتر است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
بعد از بعثت سیزده سال در مکه معظمه بودند و روی خود را در نماز بجانب بیت المقدس
میکردند با آنکه رو بجانب کعبه میکردند یعنی که و بکعبه و بیت المقدس هر دو نماز میکردند و چون
بمدینه تشریف آوردند تا نوزده ماه و در روایات دیگر ماه وارد شده است
نماز بجانب کعبه میکردند و رو به بیت المقدس پس یهودان شروع کردند بسرزنش
حضرت که تو تابع قبله مائی و من بعد داخل دین ما خواهی شد و از این سرزنش حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مغموم شد که مبادا جمعی از ضعفاء العقول از دین
برگردند چون پاره‌ای از شب گذشت حضرت از منزل بیرون آمدند و نظر بجانب آسمان میکردند و
در روایتی وارد شده است که این نظر کردن حسن طلبی بود چون شرم میکرد آنحضرت که مبادا دعا
کند و دعا مستجاب نشود و این معنی نیز سبب افتتان مردم شود پس چون صبح شد نماز صبح را
گذاردند و چون دو رکعت نماز ظهر را گذاردند جبرئیل علیه السلام آمد و این آیه را آورد
که ترجمه‌اش اینست که بتحقیق که می‌بینیم که روی خود را بجانب آسمان میگردانی مکرر از جهة
وحی در تغییر قبله پس البته روی ترا خواهیم گردانید بسوی قبله که تو از آن خشنود گردی
قبله حضرت ابراهیم است علیه السلام پس بگردان روی خود را بجانب مسجد الحرام الآیه یعنی تا آخر
آیه و ترجمه‌اش اینست که هرجا که باشید روی خود را بجانب کعبه کنید و این خطابست بامت
که تا بعد از آنحضرت کنند و مشهور است که حضرت فرمودند که قبله مسجد من محاذی میزاب است
و این جانب [illegible] بود متیقن و حکم امت جاری [illegible] ستی که یهودان و نصاری
[illegible] جانب بودند که ایشان چون در کتب ایشان وصف
[illegible] آنحضرت بود و [illegible] که آنحضرت تغییر قبله خواهد داد و [illegible] سرزنش نمیکردند
با آنکه اگر قبله اول حق بود چرا از آن برگشتند و اگر باطل بود چرا مدتی بر آنجا نماز
کردند و ندانستند که حق سبحانه و تعالی [illegible] در هر زمانی [illegible] نیست اصل توجه بقبله

بیت مکرر بسوی کعبه و تغییر قبله بود مکرر آرزوی آن حضرت و افتادن مثل ایشان را [illegible]
فرمود که حق سبحانه و تعالی [illegible] سؤال نماز ایشان بعد از جبرئیل
حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم را کرد [illegible] حضرت بجانب کعبه کرد و آنها که در عقب
آن حضرت نماز میکردند روهای خود را در نماز بجانب کعبه کردند چنانچه مردان بجای زنان رفتند
و زنان بجای مردان پس اول نماز ایشان بسوی بیت المقدس بود و آخر نماز ایشان بجانب کعبه پس
این مسجد [illegible] و اهل آن مسجد [illegible] نماز عصر را کرده بودند و رو بسوی
ایشان از آن رو بجانب کعبه کردند و اول نماز ایشان بسوی بیت المقدس بود و آخر نماز ایشان بجانب
کعبه پس آن مسجد را ذو قبلتین نامیدند پس مسلمانان بخدمت آن حضرت صلوات الله علیه عرض نمودند که
نمازهایی که بسوی بیت المقدس کردیم ضایع خواهد شد یا رسول الله پس حق سبحانه و تعالی این آیه را
فرستاد که حق سبحانه و تعالی هرگز ایمان شما را ضایع نخواهد کرد یعنی نماز را که بجانب بیت المقدس
کرده اند و حق سبحانه و تعالی نماز را ایمان نامید تا دلالت کند بر آنکه هر که نماز نکند ایمان ندارد
مخفی نماند که این حدیث [illegible] وارد شده است بحسب سند بلکه اسانید بسیار و متن که مشتمل بر
زیادتی بسیار در کتاب نبوت و معجزات آن حضرت ذکر کرده ام هر که تفصیل آن را خواهد باید که رجوع بآن
کتاب کند و بعضی از این خبر در حسن کالصحیح از حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
و در موثقه ابو بصیر از احدهما صلوات الله علیهما و بعضی در موثقه کالصحیح ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه. رُوِیَ عَن عَبدِ الرَّحمنِ بنِ اَبی عَبدِ اللهِ اَنَّهُ سَأَلَ الصّادِقَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ
عَن رَجُلٍ اَعمی صَلّی عَلی غَیرِ القِبلَةِ فَقالَ اِن کانَ فی وَقتٍ فَلیُعِد وَاِن کانَ الوَقتُ قَد مَضی
فَلا یُعِید قالَ وَسَأَلتُهُ عَن رَجُلٍ صَلّی وَهِیَ مُتَغَیِّمَةٌ ثُمَّ [illegible] عَلی غَیرِ القِبلَةِ فَقالَ
اِن کانَ فی وَقتٍ فَلیُعِد وَاِن کانَ الوَقتُ قَد مَضی فَلا یُعِید [illegible] بسند صحیح از عبد الرحمن
که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم از مردی که کور باشد و نماز کرده باشد
بخلاف قبله [illegible] اگر وقت گذشته است اعاده نمیکند

پس کتب سؤال کردم من از شخصی که نماز کند و ابر باشد بعد از آن ابر بر طرف شود و علم بشود
که در غیر قبله کرده است حضرت فرمودند که اگر وقت باقی است اعاده کند و اگر وقت بیرون رفته است
اعاده نکند و این حدیث را حمل کرده اند که اعمی [illegible] و غیر اعمی در روز ابر اگر سعی نموده [illegible] کرده باشند
کرده باشند این حکم دارد [illegible] مطلقا اعاده میکنند در وقت و خارج و بعضی حمل کرده اند که اگر بر مشرق
و مغرب [illegible] این است که اگر وقت گذشته باشد که بمشرق و مغرب [illegible] باشد صحیح است و وقت
باز اعاده نمی کند و حدیث [illegible] که بر غیر قبله نماز کرده باشد و اما
صحیحه [illegible] آمده که ما بین مشرق و مغرب قبله است [illegible]
[illegible] و اگر در خارج وقت نیز اعاده میکند [illegible] ضعیف است
[illegible] احادیث صحیحه و موثقه [illegible] اطلاق [illegible] در صحیح از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هرگاه نماز کنی بر غیر قبله پس ظاهر شود ترا
که نماز کرده بر غیر قبله و در وقت باشی اعاده کن و اگر وقت فوت شده باشد اعاده مکن و در حدیث صحیح
از [illegible] منقولست که من عرض کردم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هرگاه شخصی در صحرا باشد
[illegible] بر غیر قبله نماز کند و ابر بر طرف شود و بداند که بر غیر قبله نماز کرده است حضرت
فرمودند که اگر در وقت باشد اعاده میکند [illegible]
کرده است [illegible]
[illegible] موثق کالصحیح نیز از آن حضرت صلوات الله علیه منقولست [illegible] حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیه منقولست که از آن حضرت سؤال کردند از شخصی که در روز ابری نماز کند بر غیر قبله بعد
آفتاب ظاهر [illegible] نماز را هرگاه بر خلاف قبله نماز کرده باشد [illegible]
[illegible] آیا نماز [illegible] حضرت فرمودند که اعاده میکند هر نمازی
[illegible] باشد و وقت آن بیرون نرفته باشد [illegible] صحیح از ابن [illegible]
[illegible]

... [illegible] مضمون بلکه اکثر مشهور است که سید [illegible]
الله علیه واله وسلم بعد از بعثت سیزده سال در مکه معظمه بودند
و روی خود را در نماز بجانب بیت المقدس میکردند با آنکه روی بعضی میکردند
بجز مکه و بکعبه و بیت المقدس آ هم [illegible] حال بوقت فضیلت میکنیم [illegible]
در [illegible] ذکر وارد شده است که عمر و یحیی و مضمون آنست که همان معروف است [illegible]
شده است در حدیث موثق کالصحیح از دراره منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند
که هرکاه بر غیر جهت قبله نماز کرده باشی و بیش از صبح ظاهر شود که بر غیر قبله نماز کرده نماز را اعاده کن
ظاهر این حدیث آنست که وقت نماز شام و خفتن ممتد است تا صبح چنانکه احادیث صحیحه بسیار بر آن
دلالت دارد و بعضی از آنها گذشت و بعضی دیگر ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و محمد بن
مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال یجزی المتحیر ابدا اینما توجه اذا لم یعلم این وجه
القبلة و باسانید صحیحه از زراره و کالصحیح از محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول
که حضرت فرمودند که کافیست متحیر را بهر طرف که رو کند هرگاه نداند که جهت قبله کدام است یعنی
که نماز کند خوب است و در کافی و تهذیب و استبصار بجای المتحیر التحری است از قلم ناسخ تغییر شده
یعنی هرگاه علم بجانب قبله بهم نرسد اجتهاد کافیست و سعی نماید تا ظنی بهم رسد از قول مخبری یا از ادله
و بعضی از ستاره کان و بادها و ماه و امثال اینها و در بعضی اعتماد بر فلان کرده در معرفت قبله
[illegible] ظن بوقت بهم رسد ظن بقبله نیز بهم میرسد بعد از تحری و اجتهاد است تا آنکه سعی نماید که او را ظنی حاصل
شود بجهت [illegible] باشد و در بعضی که عمل بقبله [illegible] از این باب باشد هرگاه بکرات تجربه آزموده شود
[illegible] وقت ساعت [illegible] که در مکان [illegible] با این ظن [illegible] عمل میتوان کرد هرگاه
شد علم و معونه [illegible] است صحیحه زراره که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
حضرت فرمودند که هر طرف که خواهد سجده کند و [illegible] سعی نشده موثق کالصحیح
[illegible] و از نماز در شب [illegible] که [illegible] بینند حضرت فرمودند

ظاهر شود که از قبله گشته بوده است جانب [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] میان مشرق
و مغرب قبله است اینجا بیان کردند که [illegible] نماز کند بر آنکه تا بمغرب [illegible] از وقت [illegible] است نماز را
اعاده نمی کند و محمول است بر آن حدیث صحیح [illegible] قاسم بن ولید که گفت از حضرت
صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که در اثنای نماز برو ظاهر میشود که بر غیر قبله است حضرت فرمودند
که رو بقبله میکند هرگاه یقین شود که بر خلاف قبله بوده است و اگر از نماز فارغ شده است نماز را اعاده کند
این حدیث محمول است که انحراف ندارد که [illegible] و میان مشرق و مغرب نرسیده باشد تا جمع شود اخبار و احادیث
بسیار بر این مضمون وارد شده است مانند حدیث عمار ساباطی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که
نماز کند بر خلاف قبله و در اثنای نماز بداند پیش از آنکه فارغ شود از نماز بداند که بر خلاف قبله بوده است
حضرت فرمودند که اگر در میان مشرق و مغرب باشد پس همان که بداند رو بقبله کند و اگر پشت به قبله
کرده باشد قطع کند نماز را و از سر بگیرد پس مشهور میان علما آنست که اگر پشت به قبله باشد در وقت
و خارج وقت اعاده میکند باین حدیث و قطع نظر از سند شد که اکثر ظنی اند که اگر نماز را در اعاده
خارج وقت نیز بلکه مطلق منصرف میشود بر فرد شایع متعارف نماز و باید که کسی نماز را در وقت تمام کند
که چون از نماز فارغ شود وقت بیرون رفته باشد بلکه غالب ظاهر آنست که وقت هست بنا بر این اعاده
میکند و حجیت دیگر بعید ظاهر نیست که دلالت کند بر اعاده خارج وقت و لیکن چون اکثر اعاده خارج
وقت را واجب میدانند احوط اعاده است خصوصا حدیث موثق کالصحیح معمر بن یحیی که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند بر غیر قبله و بعد از آن قبله ظاهر شود و وقت نماز
دیگر داخل شده باشد چگونه حضرت فرمودند که آن نماز را که کرده بجا آورد [illegible] آنکه وقت داخل [illegible] است مگر
آنکه خایف باشد که وقت این نماز بیرون رود یعنی [illegible]
نماز وقت بیرون رفته آنرا که شیخ طوسی علیه الرحمه [illegible] حمل کرده [illegible]
که پشت بقبله باشد چون در خارج وقت اعاده میکند و ظاهرش آنست که [illegible] خروج وقت [illegible]
آنکه کوتاه [illegible] نماز میکرده [illegible] [illegible] [illegible] و این [illegible]

که اجتهاد کنی برای بود و قصد قبله کنی و سعی خود در تحصیل ظن بآن و در حدیث معتبر وارد شده است قال سألت معوية بن عمار عن الرجل يقوم في الصلوة ثم ينظر بعد ما فرغ فيرى انه قد انحرف عن القبلة يمينا او شمالا فقال له قد مضت صلوته وما بين المشرق والمغرب قبلة

و بسند صحیح منقولست از معویة بن عمار که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که بجهت نماز ایستاده که در اثنای نماز منحرف بوده است از قبله بجانب دست راست یا دست چپ حضرت فرمودند که نمازش صحیحست و میانه مشرق و مغرب قبله است یعنی جهت انحراف ما بین مشرق و مغرب نرسیده است صحیح است چون تا بمشرق و مغرب نرسیده است انحراف قبله است نسبت بمتحیر یا ناسی و یا جاهل بر احتمالی و محمل تعمیم چنانکه خواهد آمد و نزلت هذه الآية في قبلة المتحير ولله المشرق والمغرب فاينما تولوا فثم وجه الله منقولست بسند صحیح از حسین بن سعید از محمد بن حصین که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که هرگاه شخصی نماز کند در روز ابری در صحرا بغیر قبله و اعتقاد او آنکه بر قبله نماز کرده بعد از نماز فارغ شود آفتاب ظاهر شود و کاشف بهم رسد که بغیر قبله نماز کرده است آیا اعتماد بر آن نماز میکند یا نماز را اعاده میکند حضرت فرمودند که نماز را اعاده میکند ما دام که وقت باقی باشد آیا نمیدانی که حق سبحانه و تعالی میفرماید و قول او حق است که فاینما تولوا فثم وجه الله و تفسیر مشهور این آیه در قبله متحیر نازل شده است آن است و ترجمه لفظ آیه آنست که مشرق و مغرب مال خداست آفریده اوست پس بهر طرف که رو کنید آنطرف طرفیست که توجه بحق سبحانه و تعالی کرده اید و غرض آنست که از بیت المقدس بکعبه گردیدند و یهودان رو بمغرب میکردند و ملامت بپیغمبر آخر الزمان صلوات الله و سلامه علیه و آله میکردند و حق سبحانه و تعالی فرستاد چنانکه در آیه مذکور است پس اگر رو بمشرق کرده باشید و یا بمغرب [illegible] چون همه ملک خداست بهر طرف که واقع شده باشد گویا توجه بجانب خدا و ندا نموده کرده اید چنانکه بعضی حضرت آدم میکردند غرض ایشان اطاعت الهی بود پس گویا توجه بخدا و ند خود [illegible] آدم بجهت سجود و طاعت در شبها و [illegible] کرده [illegible] که بجهت در سجده [illegible]

[Margin: آنست / ظاهر] فائده: بر ظاهر احادیث آنست که قبله هرگاه ظاهر شود و چون روشن شد همگی بر خلاف قبله نماز کرده بودند اعاده کرده باشند چون وقت فوت شده بود حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمودند باعاده نمازهائی که کرده بودند بعد از ظن این اخبار خواهد آمد و روی محمد بن ابی حمزة عن ابي الحسن الاول صلوات الله عليه انه قال اذا ظهر النز من خلف الكنيف وهو في القبلة يستره بشيء و بسند کالصحیح از محمد نقل روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه ظاهر شود تری از عقب بیت الخلاء و آن در برابر قبله نماز کننده باشد بپوشانند آنرا بچیزی که آن نجس نماند و در حدیث کالصحیح از بزنطی از شخصی منقولست که او سوال کرد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که دیوار قبله اش تری دهد از بالوعه که در او نجاسات میکنند حضرت فرمودند که اگر آن تری از بالوعه باشد نماز در آنجا مکن و اگر از غیر بول باشد باکی نیست و در حدیث کالصحیح بل الصحیح از فضیل منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که من بنماز می ایستم و در برابر قبله متصل آدمی میگذرد حضرت فرمودند که از آنجا دور شو تا مقدور باشد نماز مکن بر جاده و راه که در آنجا تردد کنند و لا يقطع صلوة المسلم شيء يمر بين يديه من كلب او امرأة او حمار او غير ذلك و بسند موثق از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که قطع نمیکند نماز مسلمان را چیزی که از برابرش بگذرد یا در برابرش باشد خواه سگ باشد یا زن یا الاغ یا غیر آن و احادیث ستره که گذشت که مستحب است و ظاهر کلام صدوق آنست که اخبار منع بعنوان تقیه وارد شده است و لیکن مشهور میان علما استحباب ستره است بجهت ایمنی باشد از عبور یا فضا و نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن البزاق في القبلة و نهی کرد آنحضرت صلوات الله علیه و آله از آب دهن انداختن بجانب قبله و احادیث در این باب گذشت و بعضی گفته اند که بر سبیل کراهت است و منافات ندارد با تعظیم قبله و در حدیث آمده که صلوات الله علیه نخامة في المسجد ثم ردها في جوفه لم يمر بداء في جوفه الا ابرأته [illegible] على صلوته قال الصادق صلوات الله عليه وهو يقول [illegible] من القبلة ابوابا كثيرة و منقولست که حضرت سید المرسلین

[Margin: در برابر او مرجع] [Margin: در یسده]

صلی الله علیه و آله و سلم آب بینی یا دیدند که در مسجد انداخته بودند حضرت شاخی از نخل خرما گرفتند اثر آن را
برداشتند و بعد از آن فرستادند و آن نخامه را از دیوار مسجد تراشیدند و از بنشت بر کشیدند و آن را
بعد از نماز را تمام کردند و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که این فعل حضرت که
میکنند بر مسایل بسیاری که متعلق به نماز است از جمله فعل برداشتن آن شاخ و دفع و تراشیدن و
برکشیدن فعل کثیر نیست اگر این افعال فی نفسها خوب نیست نباشد از جهت تعظیم مسجد خوب است دیگر
برکشیدن از عقبات است بار قبله نشود که آن سبب بطلان صلوة شود دیگر قطع نماز نباید کرد دیگر تعظیم
بار اگر کثافت آب بینی را مطلوب است که مثل آنحضرت در چنان حالتی که مقام قرب لی مع الله است متوجه
اینمعنی شدند ممکن است که نماز نافله باشد دیگر مفهوم میشود که آب بینی در مسجد نباید انداخت دیگر
آنکه امثال این امور ضروری است خواه مسجد باشد و خواه مسجد نباشد دیگر آنکه این امور چون از جهت خدا
بود منافات قلب نداشت که توجه قیاس دیگران با آنحضرت مناسب نیست از قول حضرت صادق صلوات
الله علیه استفاده میشود که امثال این مستحبات اکثر خوبست اگر چه ممکن است که حضرت فرموده باشند یا غرض
بوده باشد که صحابه بپرسند تا حضرت بفرمایند و چون نپرسیدند نفرمودند و نهی عن الجماع
مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَمُسْتَدْبِرَهَا و خواهد آمد در مناهی حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
که نهی فرمودند از جماع کردن رو بقبله و پشت بقبله کرده و غرض بقبله باشد و بسند کالحسن است که نهی
عَنِ اسْتِقْبَالِ الْقِبْلَةِ بِبَوْلٍ أَوْ غَائِطٍ و در آن مناهی با ز مذکور است که آنحضرت صلوات الله علیه
نهی فرمودند از رو بقبله کردن در حالت بول یا غایط و مجموع اینها نیز منهی عنه است گذشت
که خلاف است در آنکه حرام است یا مکروه و چون احمد قیاس نیز بعید را در باب خود گفته است اجماع نقلی
مخالف آنها اگر اشاره با آنها میتوانست کرد اشاره کرد اگر اشاره ... نیز بر است
وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ لَا يَبْزُقَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَوةِ قِبَلَ وَجْهِهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلْيَبْزُقْ
عَنْ يَسَارِهِ وَتَحْتَ قَدَمِهِ الْيُسْرَى و بسند قوی کالصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که
فرمودند که زنهار که آب دهان در نماز ... بجانب

و نیز بر علم حبیب بسند از بدو و بر مضمون و قریب به این احادیث گذشت و آنکه نهی رسول کرا
... قَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ مَنْ حَبَسَ رِيقَهُ إِجْلَالاً لِلهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَلَوتِهِ أَوْرَثَهُ
اللهُ تَعَالَى صِحَّةً حَتَّى الْمَمَاتِ و بسند صحیح منقول است از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که هر
که آب دهان خود را فرو برد از جهت تعظیم نماز بنده از حق سبحانه و تعالی او را تن درستی کرامت کند تا وقت
ای... احادیث بسیار وارد شده است که فرمودند که نگذارید ... که دو لب آن ... در آن باشد
و علامه داخل است در آیه هُوَ الطَّرِيقُ أَوْلَى وَ قَدْ تَرَى فِيمَنْ لَا يَهْتَدِي إِلَى الْقِبْلَةِ فِي مَفَازَةٍ
أَنَّهُ يُصَلِّي إِلَى أَرْبَعَةِ جَوَانِبَ و تحقیق که روایتی وارد شده است در کسی که در صحرائی باشد و
نداند که قبله در کدام جانب است که او نماز میکند بچهار جانب و این روایت را شیخ طوسی نقل کرده است
بسند صحیح از عبد الله بن مغیره و او از اهل اجماع است از اسمعیل بن عباد از خراش از بعضی از اصحاب
ما از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گفت با آنحضرت عرض نمودم که فدای تو گردم بدرستی که
این مخالفان که مخالف مذهب ما اند میگویند که هرگاه آسمان ابر شود یا تاریک شود آسمان را نتوانیم دید
ما و شما برابریم در اجتهاد حضرت فرمودند که چنین نیست که میگویند که هرگاه چنین شود
نماز را بچهار طرف میباید کرد و بسند صحیح از حسین بن سعید از عباد نیز منقول است و ظاهر میشود که آن
بعضی از اصحاب که مجهول است از جمله فضلای اصحاب آنحضرت و معتبر بوده که شیعیان عمل باجتهاد
نمیکردند در احکام الهی چون اجتهاد بالجهد است در تحصیل ظن اگر چه در تعریف فقها میگویند که
آن علم است باحکام شرعیه فرعیه که در خصوص هر یک از مسایل آیات و احادیث الهی ضروریات
... باشد ... با ایشان بحث کرده اند که آنچه ... ضروریات دین ... نفی
... دو ... که ... میتوانست چون اطلاق علم برآن کرده این جواب گفته اند که
... با علیت حکم ... که این جواب مصوبات ... آنرا ذکر کرده اند
... نتیجه تابع اخص مقدمتین است هرگاه ... مقدمه ظنی باشد چون علم
... باب ... صلوات الله ... نوم ... انداخته اند
... قول ایشان ... بعنوان متواتر یا بعنوان اخبار احاد محفوفه بقراین ...

میکند که چون شایع است که مسئله قبله اجتهادی است علیه ما را الزام میدهند که شما اینها [illegible]

ظنون میکنید دیگر شما را نمی توانید گفت که شما اهل ظن نیستید ما اهل علیم حضرت ... [illegible]

ما در اینجا نیز عمل بعلم میکنیم و عمل بظن نمی کنیم زیرا که نماز را بچهار جهت میکنیم تا یقین حاصل شود که

خطی عفو شود که زیرا ما بین آن مساوی باشد و در بین ... [illegible] ... نماز ما بر قبله است و

همچنین اگر احتمال قبله در دو طرف یا سه طرف باشد دو نماز یا سه نماز میکنیم تا آنکه بیقین عمل

کرده باشیم و چون در غالب بلاد معموره سمت مشرق زیاده از بیست و چهار درجه نیست و این

طرفین مشرق اعتدال و همشت درجه میشود و همچنین از طرفین مغرب اعتدال اگر از هر

طرف ... [illegible] ... دو درجه خارج است از مشرق و مغرب پس اگر مثلثی بکشند که ... [illegible]

سه حصه صحیح کنند البته یکی از این خطوط بر مشرق یا مغرب می افتد و لیکن بسیار مشکل است کشیدن

این مثلث که صحیح باشد و همچنین بعضی از اماکن غیر معموره را شامل نخواهد بود چنانچه [illegible]

طرف خود نمودند که البته یکی از این نمازها بر قبله خواهد بود یا بر میان مشرق و مغرب خواهد بود که

قبله اضطراری است و بعضی از مذاهب ما حقیقی است و مذهب بعضی دیگر چون این حدیث موافق

اصول و قواعد محکم است ایشان عمل باین حدیث کرده اند و چون مخالف طریقه متاخرین است رد

آن بضعف کرده اند ... [illegible] ... که کثرت خواهد و ... [illegible] ... جمع میانه

اشیا ... [illegible] ... کرد که اگر ممکن باشد چهار جهت علم مقدم است بر ظن و اگر ممکن نباشد در

قبله اجتهاد میکنند و اکثر متاخرین ترجیح اجتهاد کرده اند و چهار جهت را در صورتی عمل میکنند که

از تحیر باشد ... [illegible] ... بسند صحیح از زراره عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه

قال لا صلوة الا الی القبلة قال قلت این حد القبلة قال ما بین المشرق و المغرب

قبلة کله قال قلت فمن صلی لغیر القبلة او فی یوم غیم فی غیر الوقت قال یعید و علیه

در باب ... [illegible] ... منقول است که زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که آنحضرت فرمودند که

نماز نیست مگر بسوی قبله ... [illegible] ... پرسیدم که کجاست حد قبله ... [illegible]

... و مغرب همه قبله است گفت عرض نمودم که اگر کسی نماز کند بغیر قبله یا در روز ابر

در غیر وقت نماز کند گفت حضرت فرمودند که اعاده میکند و احادیث بسیار است که اعاده کند بدانکه این حدیث

مشتمل است بر چند حکم یکی آنکه شرط نماز آنست که رو بقبله واقع سازند و از احادیث صحیحه بسیار

ظاهر شود که اگر بر خلاف قبله نماز کرده باشد بسبب بی اجتهاد در وقت اعاده میکند و در خارج

وقت اعاده نمی کند و این یک نوع است از شرط و آیات و اخبار که دلالت که امر شده است مکلفان را

بآنکه نماز را رو بقبله واقع سازند ... [illegible] ... صحیح از ابن مسکان از ابو بصیر منقول است

که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از تفسیر قول حق سبحانه و تعالی

اقم وجهک للدین حنیفا یعنی روی خود را ... [illegible] ... دین اسلام کن حضرت فرمود

که حق سبحانه و تعالی امر فرموده است ... [illegible] ... قبله کنی ... [illegible]

ظاهر میشود ... [illegible] ... دین الله ... [illegible] ... آنکه رو بقبله

کنی در حالت نماز ... [illegible] ... و بغیر از آن ... [illegible]

و غیرها ... [illegible] ... که هر چه کنی از عبادات

همه را ... [illegible] ... ظاهر و باطن

را ... [illegible]

و مراد ... [illegible]

... صحیح ابو بصیر گفت از آنحضرت سؤال کردم از تفسیر قول حق تعالی ... [illegible] ... و اقیموا وجوهکم

عند کل مسجد حضرت فرمودند که ... [illegible]

و روی خود را ... [illegible] ... قبله ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... که عبادت ... [illegible]

... [illegible] ... جمع ... [illegible]

افاده آن معنی میکند و الله تعالی اعلم و چون حضرت فرمودند که این آیه و مثل آن آیه است
بحضرت سید المرسلین است صلی الله علیه و آله و سلم و [illegible] خطاب بامت است و هر چه منقول در
آیه اولی و آیه ثانیه نیز مراد است و در روایت محمد حلبی در تفسیر این آیه حضرت صلی الله علیه
و آله و سلم فرمودند که در هر مسجدی که ساخته شده باشد یا شود میباید رو بقبله کنند و بنا بر این تفسیر
مساجد مراد است و بنا بر تفسیر اول نمازها مراد است و منع جمعی نیست که هر دو مراد باشد [illegible] الحکم
اینست که حضرت فرمودند که میان مشرق و مغرب همه قبله است و ظاهر این حکم مخصوص اهل عراق
باشد و توابع آن و محتمل است که جمعی که از طرف مغرب محاذی اهل عراق باشند ایشان نیز داخل باشند
بر عکس اهل عراق چون ایشان مغرب را بدست [illegible] میکنند و مشرق را بدست چپ [illegible] مشرق را
بدست راست میکنند و مغرب را بدست چپ و در بعضی [illegible] که گذشت و همچنین
گذشت در صحیحه ابو هاشم جعفری که میان مشرق و مغرب قبله است [illegible] میان مشرق
و مغرب [illegible] قبله است و این صحیح است [illegible] اهل موصل و بعضی [illegible] بلاد
ایشان و جمعی چنین گفته اند که قبله از میان مشرق و مغرب [illegible] اهل بصره و ماوراء النهر
قریب بمغرب [illegible] ایشان [illegible] بعضی از بلاد شام [illegible] بمشرق [illegible] چنانکه تفصیلش در باب
اوقات [illegible] موافق این تفصیلات احادیثی که مذکور خواهد شد [illegible] علامات [illegible] عراق و ظاهر حدیث زراره
آنست که [illegible] قبله [illegible] و این [illegible] و موافق [illegible] ظاهر آیه [illegible] شطر المسجد الحرام
یعنی [illegible] حکم سیم آنست که [illegible] نماز بر غیر قبله کرده باشند اعاده [illegible]
بالعلم [illegible] حکم [illegible] آنست که [illegible]
آورده [illegible] اعاده [illegible]
چنانکه گذشت و قال [illegible] ثم استقبل القبلة بوجهک ولا تقلب بوجهک
عن القبلة فتفسد صلوتک فان الله عز وجل یقول لنبیه صلی الله علیه و آله فی الفریضة
فول وجهک شطر المسجد الحرام وحیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره و قم منتصبا [illegible] رسول الله

[illegible] فقال من لم یقم صلبه فلا صلوة له واخشع ببصرک لله عز وجل ولا ترفعه الی
السماء ولیکن حذاء وجهک فی موضع سجودک و باسانید صحیحه منقولست از زراره که حضرت امام
محمد باقر صلوات الله علیه باو فرمودند [illegible] رو بقبله کن و رو
خود را از قبله مگردان [illegible] و لا تقلب [illegible] شده است و بنا بر
نسخه اصل [illegible] است و معنی [illegible] تمام از قبله بگردانی
نماز تو فاسد میشود و ممکنست که اعم باشد از گردانیدن کل بدن [illegible] حق سبحانه و تعالی
به پیغمبر خود خطاب فرموده است [illegible] واجب [illegible] رو بجانب مسجد الحرام و امت
[illegible] هر جا که باشید [illegible] بجانب مسجد الحرام [illegible] سبحانه
فرموده است که سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام [illegible]
که حضرت در خانه ام هانی بود که از حرم بود [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] احادیث متواتره [illegible] حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست از زراره که گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که از آنحضرت صلی الله علیه و آله پرسیدم [illegible]
[illegible]
[illegible]

و در حدیث صحیح از عبد الملک منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق ع
از التفات در نماز آیا قطع میکند نماز را حضرت فرمود نه و دوست نمیدارم که کسی التفات کند
در نماز و مجهولست با آنکه مجموع باشد چنانکه گذشت و خواهد آمد بیکدیگر و اکثر علما حمل کرده اند بر آنکه
بجانب پشت سر حرام باشد و به پشت نه و احوط آنست که بهیچ وجه التفات نکند چنانکه
خواهد آمد دیگر در حدیث وارد شده است که حکم استقبال قبله از جهت نماز واجبست مثل وجوبست
در آنکه در نماز واجب واجبست در نماز سنت اگر در سفر باشی بر روی چهارپا میتوان کرد بهر طرفی که
برود اما اگر در حضر باشد در حضر خلافست بعضی استقبال قبله را کار نمیدانند و احوط آنست که بی عذری
بر خلاف قبله نماز نکند و قال صلوات الله علیه لزرارة لا تعاد الصلوة الا من خمسة الطهور
و الوقت و القبلة و الركوع و السجود و بسند صحیح منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
فرمود که اعاده نماز نمیباید کرد مگر از جهت پنج چیز اول طهارتست یعنی حدث که اگر کسی بی وضو یا با جنابت
و غیر آن از امور مبطله نماز کند خواه عمداً یا سهواً یا جهلاً نمازش باطلست و اعاده میکند نماز را در وقت و خارج
وقت چون طهارت از حدث شرطست در نماز اجماعاً و احادیث بسیار در آن وارد شده است هم چنین اگر
طهارت از خبث واقع نساخته باشد عمداً یا جهلاً تا بر مشهور یا سهواً از جهت اعاده نماز در وقت بتفصیلی
که گذشت و همچنین وقت نیز گذشت که اگر کسی نماز را پیش از وقت بجا آورده باشد اعاده میکند مگر آنکه
بعضی از آن در وقت واقع شود و همچنین قبله از جهت اعاده در وقت یکرکوع دیگر سجود در آن جهت
و حکم شان خواهد آمد قال ابی رضی الله عنه فی رسالته الی اذا اردت ان تصلی نافلة و انت
راکب فصلها و استقبل باول تکبيرک حيث توجهت بک مستقبل القبلة و مستدبرها
و يمينا و يسارا فان صليت فريضة على ظهر دابتک فاستقبل القبلة و کبر تکبيرة
الافتتاح ثم امض حيث توجهت بک دابتک و اقرأ فاذا اردت الرکوع و السجود
و اسجد على شيء يکون معک مما يجوز عليه السجود و لا تصلها الا على حال اضطرار
تفعل فيها مثل ما صليت ماشيا الا انک اذا اردت السجود سجدت

...ه است بعدم رضی الله عنه در رسالهٔ که بسوی من نوشته بود با آنکه جمیع این کلمات عبارات
فقه رضویست که هرگاه خواهی نماز نافله کنی سواره باشی ببین از نافله بکن و رو بهر جهتی
... هر جا که قرار برد خواه رو بقبله دود و خواه پشت بقبله و خواه بسمت دست چپ و خواه بسمت راست
اگر نماز واجب بر پشت چهارپا کنی پس اول رو بقبله کن و تکبیر احرام را رو بقبله بگو بعد کن
که چهارپا از آن طرف برود و حمد و سوره بخوان پس چون خواهی که رکوع و سجود کنی رکوع کن و
سجود کن بر چیزی که با خود داشته باشی از چیزهائی که جایز باشد سجده کردن بر آن و نماز
بر پشت حیوان مکن تا بسیار مضطر نباشی و اگر مضطر شوی بنحوی که بالا گفتیم بعمل آور اما نماز
که تکبیر احرام را رو بقبله بگو و قرائت را در راه بخوان و رکوع را بجا آور و چون خواهی که سجده کنی
برو پس سجده کن و بر این مضامین احادیث صحیحه بسیار وارد شده است و چون بعضی از این ها را
ذکر کرده است و احادیث آورده است انشاء الله تفصیل آن در ابواب آن خواهیم کرد و قال فیها
اذا تعرض لک سبع و خفت فوت الصلوة فاستقبل القبلة و صل صلوتک بالايماء و ان خشيت
السبع و تعرض لک فدر معه کيف دار و صل بالايماء و بعد ... الذکر کرده بود و عبارت فقه
رضویست که هرگاه شیری متوجه تو شود و ترسی که اگر میسر گردد نماز ترا فوت شود پس رو بقبله کن و نماز را
بایما بکن اگر ... ترسی ... باشد ... و هر طرفی که بگردد نماز با ایما
بکن حاصل آنست که هر نحو که ممکن باشد نماز میکند ... اگر کسی پیش آن کند یا
بگریزد ... و کذا اگر از خوف ... و درین صورت روی
بقبله ... چنانکه در ... کشتی ...
... موضوع ... انه اذا عصفت الريح بمن في السفينة و لم يقدر على ان
يدور الى القبلة صلى الى صدر السفينة ... کشتی ...
... کشتی ...
... قال النبي صلى الله عليه و آله لکل واعظ قبلة و لکل موعوظ ...

قبلة الواعظ يعني في الجمعة والعيدين وصلوة الاستسقاء في الخطبة يستقبلهم الامام
حتى يفرغ من خطبته و به تقولست بسند قوى كالصحيح از سكونى از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
كه حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه وآله فرمودند كه هر واعظى قبلهء موعوظانست و هر موعوظى قبلهء واعظ
يعني در خطبه نماز جمعه و خطبه نماز عيد رمضان و عيد قربان و خطبه نماز طلب باران امام رو بمردمان
ميكند و مردمان رو بامام ميكنند تا از خطبه فارغ شود و همين حديث را كلينى نقل كرده است تا اينجا كه هر واعظى قبله
نعم [illegible] امام خطبه بخواند در روز جمعه سنت است مردمان را كه رو بامام كنند و بنا بر اين ظاهر آنست كه تفسير
يعني از حضرت صلوات الله عليه كرده باشند و لفظ يعني از كتاب بيرون ظاهر آنست كه از حضرت باشد و ممكن
كه از كلينى و صدوق باشد كه كلينى نماز جمعه را بر سبيل مثال گفته باشد و صدوق نيز اكثر افراد آنرا گفته باشد
و ممكن كه استقبال واجب باشد چون مستلزم موعظه كه از شارع منقولست است در خطبه شده است نماز كه
دارد هيچ گاه [illegible] في نفسها موعظه مطلوبست بلكه ممكن است واجب باشد و بعضى از اوقات و مستحب باشد بعضى از
اوقات چنانكه حق سبحانه و تعالى فرموده است كه و ذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين و ديگر فرموده كه فذكر
ان نفعت الذكرى يعني موعظه كن مومنان را كه موعظه نافع است هميشه و نفع ميدهد ايشان را هميشه و تنفع
و هميشه نفع ميدهد ايشان را و موعظه كن كفار را اگر بدانى كه موعظه ايشان را نفع دهد و آيات و اخبار در اين باب
منحصر نيست بلى تخصيص اگر از معصوم است بر سبيل مثال است و اگر از غير او است [illegible] داخلند و ديگر خطبها
و يكى مثال است والله تعالى يعلم و مراد از قبله ظاهر آن باشد كه سنت است كه خطيب مستقبل باشد و مقتديان
نيز بقبله و ترجيح ها ايشان را بجهت كثرت ايشان است و محتمل است كه قبله بر آن معنى نيز مراد باشد كه ميل
همگى بموعظه كنند و بنظر او معتقد باشد تا فيوض قدسيه كه از مبدأ فياض بر قلوب هر يك از ايشان رسد نفع
بديگران كند كه اگر بر قلب همه فايض شود بر ايشان نيز فايض شود چنانكه از آن منفعل بسبب مبادى بايد ايشان را اليه فرود بيش
بو اسطه مستعدان و لعله ايشان را بمعني با بركات عبادت نيز بيابند كرده ام فى فتح المحتقر مولانا در [illegible]
في ايام مر [illegible] نفع ايشان را بمعني كرده است كه [illegible] شايد باشد و ايشان نيز [illegible]
والله تعالى يعلم قال رجل للصادق صلوات الله عليه اني اكون في السفر ولا اهتدي الى

وأكب الذي يقال له جدي قلت نعم قال اجعله على يمينك واذا كنت في طريق الحج فاجعله
بين كتفيك و منقولست كه شخصى بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض نمود كه بسيار است كه
در سفر ميباشم و قبله را نميدانم در شب حضرت فرمودند كه آيا ميشناسى ستاره را كه جدى ميناميد گفتم بلى
فرمودند كه جدى را بر دست راست بگير و هرگاه در راه حج باشى آنرا ميان هر دو كتف خود بگير و ظاهر اسارا بر بصره
بوده باشد چون اگر از بصره بسيار است در راه مكه معظمه از طرفى كه در دو نظاهر راه بر اين راه توان كرد و اگر از طرف
بغداد در دو نظاهر ميباشد در قرب بيان دو كتف ميگيرند و در حديث موثق كالصحيح منقولست از محمد بن مسلم از احدهما
صلوات الله عليهما كه گفت سوال كردم از آنحضرت صلوات الله عليه از قبله حضرت فرمودند كه جدى را بر قفا بگذار و نماز كن
و ظاهر قفا ميان دو شانه است و در اين صورت موافقست با حديث صحيح سابقه كه ميان مشرق و مغرب قبله است يعني
ممكنست كه مراد از قفا عقب سر باشد چنانكه در اين بلاد است يعني كه مراد باشد كه نواحى عرب كه بغداد و كوفه
است خواص بود خصوصا بصره و در اين صورت موافق خواهد بود با حاديث منقوله بر سبب آن خواهد بود و غير
روايات در قبله خبرى نديده ام و اگر در جائى بوضع بدانم هدى مى شود كه سابقا مذكور شد انشاء الله تعالى
قال الصادق صلوات الله عليه انا
نأمر صبياننا بالصلوة وهم ابناء خمس سنين فمروا صبيانكم بالصلوة اذا كانوا ابناء سبع سنين ونحن نأمر
صبياننا بالصيام اذا كانوا ابناء سبع سنين بما اطاقوا من صيام اليوم ان كان الى نصف النهار او
اكثر من ذلك او اقل فاذا غلبهم الجوع او العطش افطروا حتى يتعودوا الصوم ويطيقوه فمروا
صبيانكم بالصيام اذا كانوا ابناء تسع سنين ما اطاقوه من صيام اليوم فاذا غلبهم العطش افطروا
اين حديث در بيان حديث كه اطفال را چه ميكنند بنماز بتخفيف بسند حسن كالصحيح روايت كرده اند از حلبى و طرق
ديگر نيز صحيح است و گفته است كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمودند كه ما امر ميكنيم اطفال خود را بنماز در
وقتى كه پنج ساله باشند شما امر كنيد اطفال خود را بنماز هرگاه هفت ساله باشند و ما امر ميكنيم اطفال خود را بروزه در وقتى كه هفت ساله
باشند بهر مقدار كه استطاعت داشته باشند از روزه و از كمال نصف روز باشد يا بيشتر يا كمتر پس چون غلبه ميكند بر ايشان
گرسنگى يا تشنگى افطار ميكنند تا آنكه عادت كنند بروزه و قوت بهم رسانند پس شما امر كنيد اطفال خود

را بروزه مرکاه نه ساله باشد هرچه طاقت داشته باشند از روزه روز بر چون غلبه میکند بر ایشان تشنگی افطار [illegible]

صحیح از زراره و صحیح صحیح از حلبی منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردند که کی نماز

واجب میشود که ولی ایشان ایشانرا بدارد حضرت فرمودند که وقتی که شش ساله شوند و روزه وقتی واجب میشود بر ایشان

که طاقت داشته باشند و ظاهر امر اراده من وجوب استحباب موکد است بر ولی و در حدیث صحیح منقولست از عبید الله

بن علی الحلبی که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر کاه پسری بمنتهای قوت خود برسد که آن سالست که آن سیزده

[illegible] داخل شود در سال چهاردهم واجب میشود بر او آنچه واجبست بر جمعی که محتلم شده اند خواه آن پسر محتلم شده باشد

یا نشده باشد و مینویسند بر او گناهان او و مینویسند از جهت او حسنات او و هر کاری که میکند صحیح است مگر آنکه سفیه باشد

یا ضعیف العقل باشد و مضمون این چند حدیث که مذکور شد آنست که سیزده اولی آنست که بدون سال ترک

عبادات نکنند و اگر ترک کرده باشند قضا کنند بعد از بلوغ احتیاطا و ممکنست که در سال چهاردهم قابل تکلیف

شود و بر افعال خیر مثاب میشود و معاقبش مجرد بر آن و ثواب باشد و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست از امام [illegible]

صلوات الله علیهما که مرخص بودند که طفل کی نماز میکند حضرت فرمودند که هر کاه نماز را بفهمد گفتم کی نماز را میفهمد و واجب

میشود بر او حضرت فرمودند که شش ساله و در حدیث صحیح از معویه بن وهب منقولست که از آن حضرت صلوات الله علیه سوال

کردم که در چند سالگی اطفال را بنماز امر کنند حضرت فرمودند در شش سالگی و در میان شش و هفت عرض

نمودم که کی ایشانرا امر بروزه بکنند حضرت فرمودند که در میان پانزده و چهارده و اگر کمتر روزه بدارد او را بحال

گذارند بدرستی که فرزند من روزه گرفت بیش از این منع نکرده ام او را و در حدیث موثق عمار منقولست که آن حضرت صلوات الله

علیه فرمودند که هر کاه سیزده ساله شود نماز بر او واجب میشود و اگر پیشتر محتلم شود نماز بر او واجب است و قلم بر او

جاری میشود و همچنین است حکم دختر که هر کاه سیزده ساله شود یا پیشتر از آن حایض شود نماز بر او واجبست و قلم بر او جاری است

و اخبار بسیار در این باب خواهد آمد ان شاء الله تعالی و روی عن الحسن بن قارن انه قال سألت ابا الحسن

الرضا صلوات الله علیه او سئل و انا اسمع عن الرجل یجبر ولده و هو لا یصلی الا الیوم و الیومین

فقال و کم اتی علی الغلام فقلت ثمانی سنین فقال سبحان الله یترک الصلوة قال قلت یصیبه

الوجع قال یصلی علی نحو ما یقدر و سند این حدیث حسن است [illegible]

با یقایی است که کفت سوال کردم از آنحضرت صلوات الله علیه یا شنیدم که کسی سوال کرد و من شنیدم از شخصی که

پسر خرد خود را که نماز بکند [illegible] حضرت فرمودند که این فرزند [illegible] سال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از اسحاق بن عمار منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر کاه طفل شش ساله شود

نماز بر او واجبست و هر کاه قوت داشته باشد که روزه بگیرد روزه بر او واجبست و در حدیث صحیح از حلبی

منقولست که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه [illegible] اطفال [illegible] جمع کنند [illegible]

[illegible] که جمع کردن ایشان بهتر است از آنکه بخواب روند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از عبد الله بن عباس [illegible]

که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] جمع فرمودند [illegible]

و همچنین جمع کردند میان مغرب و عشا [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که کفت از آنحضرت سوال کردم [illegible] اطفال [illegible]

[illegible]

باز ایستند که سبب [illegible] میان ایشان [illegible]

[illegible] عن ابی جعفر [illegible]

فيجعله يقول اذا بلغ الغلام ثلاث سنين يقال له قل لا اله الا الله سبع مرات ثم يترك حتى تتم له ثلاث
سنين وسبعة اشهر وعشرون يوما فيقال له قل محمد رسول الله صلى الله عليه وآله سبع مرات ويترك
حتى يتم له اربع سنين ثم يقال له قل سبع مرات صلى الله على محمد وآل محمد ثم يترك حتى يتم له خمس سنين
ثم يقال له ايهما يمينك وايهما شمالك فاذا عرف ذلك حول وجهه الى القبلة ويقال له اسجد
ثم يترك حتى يتم له ست سنين فاذا تم له ست سنين قيل له اغسل وجهك وكفيك فاذا
غسلهما قيل له صل ثم يترك حتى يتم له تسع سنين فاذا تمت له علم الوضوء وضرب
عليه وامر بالصلاة وضرب عليها فاذا تعلم الوضوء والصلاة غفر الله عز وجل لوالديه
ان شاء الله تعالى [illegible] مرويست از ابي عبد الله يعني حضرت امام جعفر صادق يا از حضرت امام
محمد باقر صلوات الله عليهما [illegible] حضرت امام جعفر صادق عليه السلام [illegible]
[illegible] باشد يا باعتبار قرب عهد
بآنحضرت [illegible] حاصل [illegible] آنحضرت [illegible] كه هر گاه پسر سه ساله شود
باو ميگويند كه بگو لا اله الا الله هفت مرتبه ديگر او را ميگذارند تا سه ساله و هفت ماه و بيست
شود ميگويند او را كه بگو محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم [illegible] آنكه اسم
آنحضرت مذكور شده [illegible] كه صلوات را در اين مرتبه
بالتبع [illegible] باعتبار انكه اسم حضرت
صلوات الله عليه وآله مذكور شده است [illegible] ذكر نكرده [illegible]
تا تمام شود او را چهار سال پس او را ميگويند كه هفت مرتبه بگو صلى الله على محمد وآله ديگر باو كار ندارند تا
او را پنج سال تمام شود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
در [illegible] صحيح و التعليم [illegible] اگر وضو [illegible] تعليم [illegible]
[illegible] وضو و نماز [illegible] حق سبحانه و تعالى [illegible] ان شاء الله تعالى
يعني اگر حق سبحانه و تعالى خواهد [illegible] ان شاء الله تعالى [illegible]
باشد [illegible] شرايط نماز [illegible] مذكور [illegible] اسلام و ايمان [illegible]
شيعه و سني [illegible] كه اسلام شرط صحت عبادات است [illegible] دين اسلام
[illegible] نزد شيعه كه ايمان نيز شرط صحت است [illegible] ائمه معصومين صلوات
الله عليهم [illegible] متواتر است [illegible] كلام است [illegible] اخبار [illegible]
[illegible] احاديث [illegible] شيخ مفيد عليه الرحمه [illegible] فقه و اصول
[illegible] ذكر كرده است [illegible] مذكور [illegible]
[illegible] امام العابدين سيد الساجدين
صلوات الله عليه [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت ابراهيم عليه السلام [illegible] حضرت نوح
[illegible]
[illegible] ائمه معصومين صلوات الله عليهم
[illegible] عبادات [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

چه چون مسکن ایشان همچو معتکف همیشه ایشان کجا از جاهای زمین کجا افضل است نزد حق سبحانه و تعالی و
در مجلس جواب ایشان بعد از آن حضرت فرمودند که آیا شنیده اید یعنی که در روی زمین کجا حرمتش نزد حق سبحانه
جاهای دیگر بیشتر است که حق سبحانه و تعالی آنرا حرم خود کردانیده و خانهٔ خود در آنجا در آورده است دیگر
فرمودند که آیا میدانید که در مکه کجا حرمتش نزد حق سبحانه و تعالی افضل است کسی سخن نگفت از ما و حضرت خود
فرمودند که آن مسجد الحرام است که بیشتر از جاهای مکه معظمه آنحضرت مکرر فرمودند که آیا میدانید که در مسجد الحرام کجا
حرمتش نزد حق سبحانه و تعالی اعظم است باز کسی جواب نداد و حضرت فرمودند که میان رکن و مقام و در کعبهٔ
معظمه است یعنی عرضش از رکن حجر است تا در کعبهٔ معظمه و طولش تا مقام حضرت ابراهیم است که الحال در آنجاست
آن حطیم حضرت اسمعیل است که خود در آنجا نماز میکردند و گوسفندان خود را در حجر داده بودند که توشهٔ
آنحضرت بود پس بحق این عالیان قسم یاد میکنم که اگر بنده هزار کم پنجاه سال در اینجا عبادت کند که شبها احیا
کند و روزها روزه باشد تا شب تا امام واجب الطاعه حق بجا نداند نزد حق سبحانه و تعالی هیچ عمل او را قبول
نکند هرچند که رنج [illegible] بسیار منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که اگر بنده هزار سال
عبادت کند و حطیم [illegible] میان قبر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و منبر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و
شهید شود بیکناه و معصوم [illegible] امام زمان نشناسد حق سبحانه و تعالی او را بجهنم برد [illegible]
و در [illegible] روایت کرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که اگر بنده عبادت
الهی کند آنقدر که حضرت نوح در قوم خود بود که هزار کم پنجاه سال است و مثل کوه احد طلا [illegible] داشته باشد
و همه در راه خدا [illegible] و آنقدر عمر یابد که هزار حج پیاده بکند و در میان صفا و مروه [illegible] شهید شود و [illegible] ولایت علی
امام نداشته بوی بهشت نشنود و داخل بهشت نشود و احادیث در این باب [illegible] هر که خواهد
رجوع کند بکتاب [illegible] محاسن برقی و عقاب الاعمال و بصائر [illegible] و امثال آن [illegible] از شیخ
کلینی که مشهورتر است [illegible] اجماع شیعه است [illegible] یقینی که امامت امیر المؤمنین است [illegible]
متواتر از طرق عامه و خاصه وارد است که هر که امام زمان خود نداند و بمیرد کافر مرده باشد و احادیث
بسیار وارد شده است که جمعی از اثنا عشریه بقضاء عبادات [illegible]

مذکور شد ذکر صلوة که اعظم عبادات است اگر کسی بی وضو واقع سازد و عقاب دارد یکی آنکه نماز نکرده است
مانند کفار است [illegible] اگر استخفاف بنماز کرده است آن نیز بمنزلهٔ کفر است بخلاف آنکه تارک الصلوة
را عقاب میکنند از جهة ترک نه بنظر [illegible] چنانکه وضو شرط نماز است همچنین معرفت واجبه شرط
ایمانست بلکه شرط اسلام پس بمنزلهٔ نماز بی وضو است که کفار بجا آورند و بعد از این نیز احادیث متفرقه در این باب
مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته النجباء
الاصفیاء الطیبین الطاهرین

بیان شرعیت اذان و اقامت و کیفیت آن و ثواب موذنان و سایر احکامی که متفرع میشود بر آن بدانکه علمای
شیعه اجماع کرده اند بر آنکه اذان و اقامت بوحی الهی است چنانکه اجماع سنیان است بر آنکه از خواب [illegible]
[illegible] که آن عبد الله بن زید [illegible] و اجماع شیعه است بر آنکه هر که این اعتقاد داشته باشد
ملعونست و احادیث متواتر است که از وحی است بعضی از آن مذکور خواهد شد [illegible] روی حفص
بن البختری عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه قال لما اسری برسول الله صلی الله علیه
و آله حضرت الصلوة فاذن جبرئیل علیه السلام فلما قال الله اکبر الله اکبر قالت الملائکة الله
اکبر الله اکبر فلما قال اشهد ان لا اله الا الله قالت الملائکة خلع الانداد فلما قال اشهد
ان محمدا رسول الله قالت الملائکة نبی بعث فلما قال حی علی الصلوة قالت الملائکة
حث علی عبادة ربه فلما قال حی علی الفلاح قالت الملائکة افلح من اتبعه منقولست [illegible]
او بسند صحیح از حفص که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم را بمعراج بردند وقت نماز حاضر شد یعنی وقت تعلیم نماز بود [illegible] که آنحضرت
در آسمانها [illegible] کردند و جوبا یا استحبابا یا تعلیما [illegible] حضرت جبرئیل علیه السلام اذان گفت و چون گفت
الله اکبر الله اکبر ملائکه حکایت آن کردند و همان عبارت را [illegible] گفت که گواهی
میدهم که [illegible] فرشتگان گفتند که با این کلمه شایع خواهد شد
بطلان [illegible] غیر حق سبحانه و تعالی [illegible] آزاد [illegible] نظیر حق سبحانه و تعالی کردانیده بود

با آنکه این کلمه توحید است که با این همه بشنود الحمد و وحدت الهیت تعالی شانه پس چون بمرتبه گفت
اشهد ان محمدا رسول الله یعنی گواهی میدهم اندرونی بیقین که محمد فرستاده الهی است بالیقین فرمودند که
گفتند بپیغمبری مبعوث شده است که اسم او مقرونست باسم الهی با پیغمبری مبعوث شده است و چه پیغمبری
پس چون گفت که بشتابید بچیزیکه سبب فلاح و رستگاری شماست ملایکه گفتند که بتحقیق که رستگاری
یافت هر که متابعت کرد این پیغمبر را وَرَوَى مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ قَالَ
هَبَطَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْأَذَانِ عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ رَأْسُهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فَأَذَّنَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَقَامَ فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ قَالَ يَا عَلِيُّ سَمِعْتَ قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ حَفِظْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ ادْعُ بِلَالًا فَعَلِّمْهُ
فَدَعَا عَلِيٌّ بِلَالًا فَعَلَّمَهُ مرویست بسند حسن کالصحیح بل الصحیح از منصور از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که فرمودند که حضرت جبرئیل علیه السلام اذان را از آسمان بزمین آورد بر حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله در حالتی که سر آنحضرت بر کنار حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بود جبرئیل اذان
و اقامت را گفت پس چون آنحضرت بیدار شدند فرمودند که ای علی شنیدی گفت بلی یا رسول الله
فرمودند که حفظ کردی گفت بلی فرمودند که بلال را طلب کن و باو یاد ده پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه بلال را خواندند و باو یاد دادند و بلال مؤذن شد چون بلال را آواز خوشی بود و منافاتی
نیست میان این دو خبر زیرا که ممکنست که در شب معراج حضرت شنیده باشند و مشروع نشده باشد که در
زمین بجا آورند و چون جبرئیل علیه السلام بزمین آورد بعد از آن عمل نموده باشند و ظاهر اینست که معراج
در مکه معظمه واقع شده و اذان در مدینه مشرفه ممکنست که در مدینه مشرفه نیز معراج شده باشد
چون حضرت بزمین آمده باشند جبرئیل آورده باشد که بآن عمل نمایند چون در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند که صد و بیست مرتبه حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه و آله و سلم را معراج واقع شد و در هر مرتبه حق سبحانه و تعالی با آنحضرت صلوات الله علیه و آله
مبالغه میفرمود در امر متابعت حضرت امیر المؤمنین و باقی ائمه معصومین صلوات الله علیهم بیشتر از

باقی فرایض چنانکه این بنده زیاده از هزار حدیث در معراج دیده ام و در اکثر مبالغه در امامت و خلافت
حضرت امیر المؤمنین و باقی ائمه معصومین صلوات الله علیهم وارد است و چون دو حدیث صحیح وارد است که
مشتمل است بر اذان و نماز بنا یکی را که مختصر تر است بر فواید بسیار مشتملست ذکر میکنیم و آن کلینی
رضی الله تعالی عنه روایت کرده است بسند حسن کالصحیح از ابن اذینه و صدوق روایت کرده است باسانید
صحیح و موثق کالصحیح از صباح مزنی و سدیر صیرفی و مؤمن الطاق و عمر بن اذینه که همه حاضر بودند نزد حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه پس حضرت خطاب کردند با ابن اذینه را و فرمودند که این سنیان دشمن خدا و رسول
چه روایت میکنند ابن اذینه گفت فدای تو گردم در چه چیز حضرت فرمودند که در اذان و
رکوع و سجود عرض نمودم که ایشان میگویند که ابی بن کعب در خواب دید و در اکثر روایات سنیان
دیگر بند که عبد الله بن زید در خواب دید پس حضرت فرمودند که دروغ میگویند بخدا که حق سبحانه
و تعالی از آن عزیز تر است که در خواب بنمایند احکام الهی را و حضرت رسول که بهترین پیغمبرانست
محتاج خواب عبد الله بن زید یا ابی بن کعب باشد پس سدیر صیرفی گفت فدای تو گردم آنچه واقع
است بیان فرما پس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود
را باسمانها برد در آسمان اول بر آنحضرت برکتها فرمود و کمالات آنحضرت را تمام کرد اینقدر در آسمان
دوم تعلیم فرمود فرایض آنحضرت در آنجا بود که حق سبحانه و تعالی محملی از نور فرستاد که در آن
محمل چهل نوع از انواع نور بود از انواریکه احاطه کرده اند بعرش حق سبحانه و تعالی که چشمهای
نظر کنندگان را خیره میکند یکی از آن انوار نور زرد است که هر زردی
از آن نور زرد شده است و دیگری نور سرخی است که هر سرخی از آن نور سرخ شده است و یکی از آنها
نور سفیدیست که هر سفیدی از آن نور سفید شده است و باقی انوار بعدد انواع الوان بود حاصل آنکه
هر رنگی که هست در عالم چهل رنگست و این چهل از جهاتی است که محیط است بعرش و رنگین ساخته آنها و
آن محملی که جبرئیل آورده بود مشتمل بوده بچهل نور از انوار عرش و هر نوری برنگی و در آن
محمل حلقها و زنجیرها بود از نقره پس آنحضرت در آن محمل نشستند و آنحضرت را بآسمان [ناخوانا] بردند

ملائکه آسمان اول آن نورها را مشاهده نمودند ایشان از تاب مشاهده نماندند همگی باطراف آن آسمان
رفتند و بسجده افتادند و گفتند سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ منزه و مقدس است حق سبحانه و تعالی از آنکه کسی را با او
شباهتی یا مناسبتی باشد و لکن چه شبیه است این انوار با انوار یک حق سبحانه و تعالی عرش خود
بآن انوار منور گردانیده است پس جبرئیل گفت الله اکبر الله اکبر یعنی حق سبحانه و تعالی از آن اعظم است
که کسی او را وصف تواند کرد یا کسی بذات مقدس او تواند رسید یا آنکه اعظم از آنکه ادراک ذات او
و ادراک صفات او توان کردن پس فرشتگان درهای آسمان اول را گشودند و فرشتگان فوج فوج
می‌آمدند بر آنحضرت سلام میکردند و میگفتند یا محمد برادرت بچه حال دارد چون بزمین بروی سلام ما را باو
برسان پس حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که شما او را میشناسید فرشتگان گفتند چگونه او را نشناسیم
و حال آنکه از همه ما عهد و پیمان گرفته‌اند بر آنکه ترا پیغمبر دانیم و علی را خلیفه و جانشین تو دانیم و شیعیان
علی را دوست داریم و از جهت ایشان دعا میکنیم و بر تو و علی صلوات میفرستیم پس حق تعالی نوع از انوار نور دیگر بر آن
انوار سابقه افزودند که شباهتی بآن انوار سابقه و در آن محمل حلقه‌ها و زنجیرها زیاده کردند و آنحضرت
را باسمان دوم بردند و در کلینی النقات نموده است که ما بقی را حضرت از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله و سلم روایت میفرمایند که حق سبحانه و تعالی چهل نوع از انواع نور بر من افزود و حلقه‌ها و زنجیرها از جهت
افزودند مرا باسمان دوم بردند چون نزدیک آسمان دوم رسیدیم باز فرشتگان [illegible] تاب تحمل این انوار نبود
همگی باطراف آن آسمان رفتند و گفتند سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ یعنی پروردگار ملائکه از آن
منزه است که بذات او توان رسید و از آن مقدس است که ادراک صفات او توان کردن [illegible]
آفریننده و تربیت کننده فرشتگان و ارواح است چه شبیه است این نور بنور عرش پروردگار پس جبرئیل
علیه السلام گفت اشهد ان لا اله الا الله دو مرتبه یعنی گواهی میدهم که نیست خدائی که مستحق معبودیت باشد
مگر معبود بحق و خداوند مطلق پس فرشتگان همگی جمع شدند و از جبرئیل علیه السلام پرسیدند که این کیست که با تو است
با این همه عظمت و جلالت جبرئیل گفت که این محمد است صلی الله علیه و آله و سلم فرشتگان گفتند که مبعوث شد برسالت
جبرئیل گفت بلی پس حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که بر من ظاهر شد سرور کردند آن فرشتگان

پس جبرئیل علیه السلام گفت اشهد ان لا اله الا الله دو مرتبه یعنی گواهی میدهم که نیست خدائی که مستحق عبودیت
باشد مگر معبود بحق و خداوند مطلق پس فرشتگان همگی جمع شدند نزد جبرئیل علیه السلام پرسیدند که این
کیست که با تو است با این همه عظمت و جلالت جبرئیل گفت که این محمد است صلی الله علیه و آله و سلم فرشتگان
گفتند که مبعوث شد برسالت جبرئیل گفت که بلی پس حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
فرمودند که بر من ظاهر شد سرور کردند بنهای فرشتگان بسیار مانند اسبان کردن دراز مانند بزرگان
با تعجیل می‌آمدند مانند اسپان [illegible] بر سبیل الحمال و سلام کردند بر من
و گفتند سلام ما را ببرادرت علی برسان من گفتم شما علی را میشناسید ملائکه گفتند چگونه او را نشناسیم
و حال آنکه بر ما گرفته‌اند عهد و پیمان رسالت ترا و عهد و پیمان علی را و عهد و پیمان شیعیان علی را تا روز
قیامت و ما تفحص میکنیم رویهای شیعیان علی را در هر روز پنج مرتبه در وقت هر نمازی پس حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که حق سبحانه و تعالی چهل نور دیگر بر من افزود از انواع
انوار که شباهتی نداشت بانوار سابقه و مرا باسمان سیم بردند پس فرشتگان این آسمان نیز تاب
تحمل مشاهده این انوار ننموده گریختند و بسجده رفتند و گفتند سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ و معنی
مذکور شد این چه نور است که شبیه است بانواری که محیط است بعرش پروردگار ما پس جبرئیل گفت اشهد ان
محمدا رسول الله دو مرتبه پس فرشتگان جمع شدند و گفتند مرحبا و خوش آمدی ای پیغمبر اول و مرحبا ای
آخر و مرحبا ای حاشر و مرحبا ای پیغمبری که بهترین پیغمبران است و علی بهترین همه
اوصیای پیغمبران است و آنکه اول است یعنی اول کسی است که حق سبحانه و تعالی او را پیغمبر کرد چنانکه عاد
خاتم [illegible] ذکر کرده است با اسناد صحیح [illegible] که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که [illegible] علی امیر المؤمنین
[illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی فرموده است [illegible] محمد [illegible]
[illegible] آدم [illegible]

پروردگار شما هم فرشتگان گفتند بلی هستی پس حق سبحانه وتعالی فرمود که من پروردگار شماام و محمد پیغمبر
و علی امیر شما است در روایات متعدده متواتره وارد است که اول کسی که جواب الست بربکم اول
آنحضرت گفتند بلی اولست چنانچه در بعض نقول آنحضرت صلی الله علیه وآله [illegible] از جمیع انبیا آفرید و اولست باعتبار
آنکه افضل از همه خلایق است و آخر است یعنی خاتم پیغمبرانست که بعد از او پیغمبری نخواهد بود و معاشر و باطن آنست
یعنی متصل است زمان آنحضرت بحشر و نشر و پیغمبری دیگر نخواهد بود با آنکه خلق عالم بسبب وجود آنحضرت
بود پس گویا او سبب خلق ایشانست چنانکه متواتر است که لولاک لما خلقت الافلاک و امثال این لفظ پس حضرت
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که فرشتگان آسمان سیم می‌آمدند فوج فوج و سلام بر من میکردند
و احوال برادرم علی امیر بسیار می‌پرسیدند و من میگفتم که او در زمین است و خلیفه منست آیا شما او را میشناسید
ایشان گفتند چگونه او را نشناسیم و حال آنکه هر سال حج میکنیم بیت المعمور را و بر صحیفه سفید نوشته است
در آنجا اسامی محمد و علی و حسن و حسین و باقی ائمه معصومین صلوات الله وسلامه علیهم و اسامی شیعیان ایشان
تا روز قیامت و لفظ فاطمه صلوات الله وسلامه علیها ظاهرا از ناسخ سهو شده است چونکه در احادیث متواتره
اسم آنحضرت نیز هست و شیخ محی الدین در رساله انشاء الدوایر نقل کرده است که مرا [illegible] آنحضرت معراج
روحانی کرده در بیت المعمور بلکه در جمیع سموات و بر کرسی و عرش دیدم که نوشته بود اسامی چهارده معصوم
و همه را نام برده است و در چند جا از فتوحات مکیه نیز اشارت بآن کرده است [illegible] بسیاری علمای اهل سنت آنست
بحسب ظاهر و سابقا مذکور شد که در صحاح سته خصوصا در صحیحین [illegible] مصرح است [illegible] اکرم [illegible] خلیفه
سید المرسلین است صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه سیده نساء عالمیان است صلوات الله وسلامه علیها پس فرشتگان
گفتند که ما هر روز [illegible] صلوات بر تو و بر امامان ذریه تو میفرستیم و از جهة شیعیان ایشان استغفار میکنیم
در وقتی که نماز میخوانند دست بر سر ایشان میکشیم تیمنا و تبرکا حضرت فرمودند که حق سبحانه وتعالی [illegible]
از انواع نور [illegible] افزود که شما هر [illegible] الوان سابقه و حلقها و زنجیرها زیاده کردند و مرا بالا بردند
بآسمان چهارم رسانیدند پس فرشتگان هیچ سخنی نگفتند بصدای عظیم شنیدیم از تسبیح و تهلیل [illegible] پس ندا
[illegible] که ای ملائکه از سینه بیرون آئید پس ملائکه جمع شدند در هوای آسمان چهارم را گشودند [illegible]

آمدند سر گردن بسیار که بسیار بزرگ کرده بودند که مرا ببینند پس جبرئیل گفت حی علی الصلوة دو مرتبه یعنی بشتابید
ای مؤمنان بنماز دو مرتبه حی علی الفلاح یعنی بشتابید بچیزی که سبب رستگاری شما است که آن نماز است فرشتگان
گفتند که دو صدا است که معروف شد [illegible] و با همند و بسبب محمد اقامت نماز میشود و بسبب علی الفلاح و رستگاری
حاصل میشود پس جبرئیل گفت قد قامت الصلوة قد قامت الصلوة است پس ملائکه گفتند که نماز شیعیان علی
بپا خواهد بود تا روز قیامت و نماز غیر ایشان صحیح نخواهد بود پس فرشتگان جمع شدند گفت برادر ترا چون گذاشتی
گفتم شما او را میشناسید گفتند که او را میشناسیم و ارواح ایشان انوار بودند در دور عرش حق سبحانه وتعالی
و بدرستی که در بیت المعمور کاغذی هست از نور که نوشته است در آن اسامی محمد و علی و حسن و حسین و باقی
امامان صلوات الله علیهم و جمیع شیعیان ایشان تا روز قیامت که نه زیاده میشود و نه یکی کم و این عهد و
پیمانی است که از ما گرفته اند و هر روز جمعه برما میخوانند حضرت فرمود که پس من شکر این نعمت بجا آوردم
پس خطاب از حضرت رب العزت رسید که سر بردار یا محمد پس سر برداشتم دیدم که درهای آسمان با طبقات
آسمان با طبقهای آسمان همه دریده شد و حجابها برخاسته شد پس خطاب رسید که سر بزیر کن سر بزیر کردم پس
دیدم خانه مثل خانه کعبه شما در زمین و حرم مثل حرم کعبه شما که اگر چیزی از دست من می‌افتاد بر آن خانه
نازل میشد و ظاهرا این معنی بعد از عروج بجمیع آسمانها بوده و بقیه سموات نفرموده اند چون چهار آسمان را
فرموده اند همه بهمان [illegible] بوده اند [illegible] سقف بیت المعمور را در زیر پای خود دیدم پس خطاب رسید
یا محمد این حرم منست و [illegible] حرم [illegible] قرار کرده ام و ترا نیز محترم گردانیده ام [illegible]
مثل کعبه و اهل بیت ترا محترم گردانیده ام [illegible] و هر چیزی [illegible] آن چیزی [illegible] روحانیات
[illegible] من آمدم که نزد چشمه صاد [illegible] و وضو بساز و اعضای خود را مطهر گردان و نماز کن از برای
[illegible] بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد بصاد و آن آبیست که از ساق عرش از جانب
[illegible] آبرا [illegible] دست [illegible] که آبرا از دست [illegible] دارند یعنی از جهت
[illegible] از جهت شستن دست [illegible] تعجب کند [illegible] بجهت ظاهر است
کرده [illegible] آب برروی [illegible] در عظمت مصنوعات

و غرایب مخلوقات مشاهده کرده است پس سبب آنکه بشوی چون قرآن مجید را بر سبیل ابو عبیده ... مبنا
که دستهای تو مطهر باشند پس مسح کن سر را از بقیهٔ آبی که در دست تو مانده است مجدد و مسح کن پاها را از بقیه
آب وضو تا کعبین پس رمزی که من برکت میکنم بر تو و نصرت محل انوار خود میگردانم سابقین مسح سر کن
مسح پا از آن جهت است که ترا بجائی بالا میبرم که هیچکس قبل تو بآنجا نرفته باشد پس اینست علت اذان و وضو
حق سبحانه و تعالی وحی کرد بآنحضرت که یا محمد رو بحجر الاسود کن و بعدد هفت حجاب هفت تکبیر بگو تا هر تکبیر
حجابی رفع شود و افتتاح کن تکبیرات را پس تکبیر هفتم حق سبحانه و تعالی وحی کرد چنین مقرر ساخته است
که تکبیر احرام از جهت افتتاح قرائت باشد و یک تکبیر از جهت افتتاح رفتن برکوع مقرر ساخته است و دو تکبیر از
جهت افتتاح سجدهٔ اولی و ثانیه مقرر فرموده است و تکبیر دیگر از جهت سر برداشتن از سجده ها مقرر ساخته است
و اینکه مستحب است که هفت تکبیر در ابتدای نماز بگویند از جهت اینست که یک تکبیر از جهت احرام و افتتاح قرائت
مقرر ساخته است و از این جهت هر رکعتی سه تکبیر افتتاحیه مقرر ساخته است پس اگر کسی هفت تکبیر را در افتتاح نماز
گفته باشد اگر در محل خودش فراموش کند ضرر ندارد و فضیلت دارد چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله و سلم هفت حجاب را طی فرمودند از جهت طی هر حجاب تکبیری فرمودند و این هفت تکبیر سه تکبیر افتتاح
بود چون اول سه تکبیر میگوید دعائی میخواند تکبیر اول از این سه تکبیر تکبیر افتتاح نماز بود یا افتتاح
این سه تکبیر بگوید و تکبیر گفته و دعا میخواند دیگر دو تکبیر گفته و دعا خواند ... این چهار تکبیر دو
تکبیر اول افتتاحیه بود و ظاهر آنست که مراد از حجب ظاهری هفت آسمان باشد و در بسیاری از احادیث
وارد شده است که بعد از هفت آسمان هفت حجاب دیگر هست از نور مثل حجاب مجد و حجاب بهاء و حجاب عظمت
و حجاب جلال و حجاب عزت و حجاب قدرت و حجاب سرادقات حسن خویش آنچه که در اخبار بسیار معجز ... است
پس حضرت فرمودند که حجب هر دو برابر یکدیگر اند و در میان اینها دریاهای نور است که آن ... نیست که حق سبحانه
آنرا بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده و ممکن است که مراد از آن دریاهای نور حقایق ... علما
باشد که سه مرتبه تکبیر گفته میشود یکمرتبه سه بار و دو مرتبه دو بار و سه دعا بعد از آنها خوانده میشود پس حضرت
از تکبیر و افتتاح نماز فارغ شد حق سبحانه و تعالی وحی فرمود بآنحضرت که امر را ببر که بمن رسیدی بادب

بسم الله الرحمن الرحیم را اول حمد مقرر شد پس خطاب رسید که حمد کن پروردگار خود را ... گفت الحمد لله رب
العالمین پس خطاب رسید که این حمد را بشکرانهٔ نعماء الهی بجا آوردم پس خطاب رسید که حمد را قطع
کردی حمد مرا تمام بخوان پس حضرت گفت الرحمن الرحیم و سابقا بیان شده است که این عبارت در حمد مکرر شده
پس چون حمد را تمام کرد و با آخر رسانید بخاطر خود گفت الحمد لله رب العالمین از جهت شکر نعمت الهی
پس خطاب رسید که حمد را قطع کردی که مرا انکار ... بگو بسم الله الرحمن الرحیم ... سوره مقرر
شد پس خطاب بآنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم رسید که یا محمد نسبت پروردگار خود را بخوان که آن سورهٔ توحید است
بخوان پس گفت قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد پس حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
گفت کذلک الله الواحد الاحد الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد پس وحی منقطع شد پس حضرت صلی
الله علیه و آله و سلم گفت کذلک الله کذلک الله ربنا یعنی خداوند عالمیان چنین است پس ... کرد
چنانکه ... پس چون ثنا گفت خطاب رسید که یا محمد برکوع رو از جهت پروردگار خود
پس آنحضرت صلوات الله علیه و آله و سلم برکوع رفت ... که چون برکوع رسید آنحضرت گفت سبحان ربی العظیم
و بحمده و لفظ ... در علو ... پس حضرت سه مرتبه این تسبیح را خواندند پس خطاب رسید که
سر بردار یا محمد پس آنحضرت راست شد پس خطاب رسید که یا محمد سجده کن از جهت پروردگار خود پس حضرت
بسجده رفتند پس خطاب رسید که بگو سبحان ربی الاعلی و بحمده و این سجده ... در بسیاری از نسخه ها
بود و در علو و بعضی ... پس حضرت سه مرتبه این تسبیح را در سجود خواندند پس خطاب رسید که آنحضرت
نشسته ... پس چون ... نشست از انوار عظمت الهی ... آنحضرت ... کرد حضرت
... بسجده رفتند ... باشد پس سه مرتبه همان تسبیح را خواندند پس خطاب رسید که
... سر برداشت ... انوار عظمت ... و از این جهت است که ... رکوع و ...
... خطاب رسید که یا محمد ... که ... آیه
... پس خطاب رسید که بعد از حمد سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را بخوان که این سوره نسبت
اهل بیت ... رکوع و ... که در رکعت اول ... پس چون ... سجده

دوم فارغ شد [illegible] که سر بردار یا محمد حق سبحانه و تعالی [illegible] بجمیع مراتب کمالات
و چون خواست که برخیزد خطاب رسید که بنشین پس حضرت نشست پس حق سبحانه و تعالی ندا کرد که
یا محمد هر گاه نعمتی انعام کنم یا تمام کنم [illegible] پس آنحضرت ملهم شد که گفت بسم الله و بالله و لا اله الا الله
و الاسماء الحسنی کلها لله پس خطاب رسید که صلوات بر خود و بر اهل بیت خود فرست حضرت گفت صلی
الله علی و علی اهل بیتی و کرد آنچه میبایست کردن پس چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
نظر کرد دید صفهای فرشتگان و پیغمبران مرسل و غیر مرسل [illegible] عقب او بود پس خطاب با آنحضرت رسید
که سلام کن بر ایشان حضرت فرمودند که السلام علیکم و رحمة الله و برکاته پس خطاب بحضرت رسید
که منم سلام و تحیت و رحمت و برکات تو و ذریت تو پس خطاب با آنحضرت رسید که [illegible]
و اول که شنید آنحضرت بعد از قل هو الله احد و انا انزلناه آیه اصحاب الیمین و اصحاب الشمال بود و آن

آیه

بود که یک سلام مقرر شد رو بقبله و اما این جهت است که تکبیر و سجود [illegible] مکرر است و گفتن سمع الله
لمن حمده از این جهة بود که حضرت صدای فرشتگان را شنید که تسبیح و تحمید و تهلیل الهی میکردند پس چون حضرت
آن صدا را شنید سمع الله را گفت [illegible] حق سبحانه و تعالی اجابت فرمود دعای [illegible] از این جهة [illegible]
کسی در دو رکعت اول شک کند اعاده میکند نماز را چون این دو رکعت در شب معراج [illegible]
فرض اولست و آنچه حضرت بجا آورده [illegible] بود بعضی عبارات
کافی بود و در علل الشرایع در بعضی از جمل بسطی داده شده است مثل آنکه [illegible] سر [illegible] کن و
[illegible] نظر کن [illegible] پس حضرت [illegible] عظمت عرش [illegible] شد و
غش کرد [illegible] سبحان ربی العظیم و بحمده [illegible] عظمت الهی را مشاهده نمود [illegible]
او [illegible] تسبیح [illegible] آن [illegible] تسبیح [illegible]
سر بردار [illegible] عظمت الهی [illegible]
سجود را گفتم [illegible]
عظمت الهی [illegible] آدم [illegible]

جهة استراحت [illegible]
در باب کیفیت تفصیل مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و در روضة المتقین اشاره ببعضی از تحقیقات این
حدیث شده است و الحدیث [illegible] شیخ ثقة صدوق و علی بن ابراهیم از [illegible] ابن ابی عمیر از هشام
حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که در شب معراج تعلیم اذان و
عبادات [illegible] بسیار طولانی بود در مکانی که [illegible] مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و کلینی به
کالصحیح از زراره و فضیل روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که چون در شب
معراج حضرت سید المرسلین را صلی الله علیه و آله و سلم با آسمان بردند به بیت المعمور رسیدند و حاضر شد
پس جبرئیل علیه السلام اذان و اقامت گفت و حضرت پیش ایستادند و فرشتگان و پیغمبران [illegible] اقتدا با آنحضرت
کردند [illegible] و روی زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه
قال تؤذن و انت علی غیر وضوء فی ثوب واحد قائما او قاعدا و اینما توجهت و لکن اذا اقمت فعلی
وضوء متهیئا للصلوة و باسانید صحیحه منقولست [illegible] که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود
جایز است که اذان بگوئی و بی وضو باشی [illegible] جامه پوشیده باشی [illegible] در نشستن و رو
بقبله و پشت بقبله و لیکن هرگاه خواهی که اقامت بگوئی میباید که با وضو باشی و مهیا باشی از جهة نماز [illegible] آنست
که چون اقامت بگوئی [illegible] با وضو باشی و جامه پوشیده باشی و ایستاده باشی و رو بقبله باشی
بر سبیل استحباب مؤکد [illegible] و در اذان نیز سنت است جمیع اینها ولیکن مؤکد نیست و احوط آنست که در اقامت
مراعات [illegible] بسیار [illegible] واقع شده است روی احمد بن محمد بن ابی نصر

ابی نصر زاد

البزنطی عن الرضا صلوات الله علیه انه قال یؤذن الرجل و هو جالس و یؤذن و هو راکب و باسانید
صحیحه و حسنه منقولست [illegible] که حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند که مرد را جایز است [illegible] نشسته
[illegible] اذان [illegible] سواره [illegible] که اذان [illegible] نشسته [illegible]
و اذان میتوانی گفت سواره و اما اقامت [illegible] زمین باشی [illegible] صحیح
[illegible] روی ابو بصیر عن الصادق صلوات الله علیه انه قال لا بأس ان تؤذن راکبا او ماشیا

وضعن وشفوه والائمة ... الراكب والجالس الا من عذر او تكون في ارض ملمة ... و در حدیث موثق کالصحیح

از ابو بصیر از آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست که اذان بگوید سواره و پیاده و بغیر وضو

و اقامت بگوید رجال سواره ... نشسته مگر عذری باشد یا در زمینی باشی درنده که درین صورت سواره و پیاده

میتوان گفتن چنانکه نماز را نیز سواره میتوان کردن و ظاهر آنست که ... [illegible]

بخلاف نماز و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که باکی نیست که بی وضو

و بی غسل اذان بگوئی و اقامت مگو مگر با وضو و فرمودند که باکی نیست مسافر را که اذان بگوید سواره

میگوید در وقتی که از اسب بزیر آید و در حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که اذان

میتوان گفت نشسته و اقامت نمیتوان گفت مگر ایستاده و احادیث بسیار برین مضمون وارد شده اما اکثر علما نهی را

حمل بر کراهت کرده اند و جمعی وجوب ... استحباب اذان و اقامت ... و استحباب هر دو اشکالی هست ...

بآن مشکل ... استحباب اصل یا وجوب ... مثل وضو از جهة نماز نافله که جمعی که قائل اند باستحباب

حرام میدانند نماز بی وضو ... باشد که ترک اقامت میتوان کردن ... بی وضو ... نشسته و پیاده

سواره نتوان کرد و احوط در امثال این مسایل آنست که جرأت نکنند در حکم بوجوب یا استحباب یا حرمت

کراهت و بقصد قربت ... سازند والله تعالی یعلم و قال رسول الله صلی الله علیه و آله المؤذن فیما بین

الاذان و الاقامة مثل اجر الشهید المتشحط بدمه فی سبیل الله عز و جل فقال علی صلوات الله

علیه انهم یتجالدون علی الاذان فقال کلا انه یاتی علی الناس زمان یطرحون الاذان

علی ضعفائهم و تلک لحوم حرمها الله علی النار و بسند قوی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست

که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که موذن را در میان اذان و اقامت ثوابی هست مثل ثواب

کسی که شهید شده باشد در جهاد از جهة رضای الهی ... غلطیده باشد پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

فرمودند که یا رسول الله هرگاه شما اینقدر ثواب آنرا میفرمایید ... بر سر اذان ... خواهند نمود

از ... و ... واقع ... جمیع ... اختیار خواهند کرد که ما

یا جاهی داشته باشیم ... خواهند کرد ... [illegible]

میکنید اگر ثواب ... خواهند کرد حضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله فرمودند که چنین نخواهد شد

مردم اعراض از اعمال خیری که نفع دنیوی در آن نباشد اهتمامی نیست بلکه چنین خواهد شد که اذان را بر

ضعفا و بیچارگان خواهند انداخت بعنوان طرح بر آن ... که ... برایشان ... ایشان

الله کند حق سبحانه و تعالی گوشتهای ایشان را بر آتش دوزخ حرام میگرداند یعنی بجهنم نروند و قال علی

صلوات الله علیه آخر ما فارقت علیه حبیب قلبی صلی الله علیه و آله انه قال یا علی اذا صلیت فصل

صلوة اضعف من خلفک و لا تتخذن مؤذنا یاخذ علی اذانه اجرا و در قوی ... از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که آخر مجلسی یا سخنی که برآن مفارقت واقع شد میان من و محبوب

... این بود که فرمودند که یا علی هرگاه نماز کنی رعایت حال کسی کن که ضعیف ترین ماموم باشد یعنی نماز را

سبک ... ساز هرگاه مثل مرد پیری یا بیماری در میان ماموین باشند و اگر جمعی باشند که همه قوت تطویل

داشته باشند و خواهند آنرا تطویل میتوان داد ... خواهند ... که ... اذان مزد خواهد

اذان عبادتی نیست که مطلوب است از هرکس ... بر آن مزد گرفتن از باب آنست که شخصی نماز واجب یا ...

... بگوید ... مزد ... و در باب تجارات خواهد آمد احادیث درین باب و روی خالد بن نجیح

عن الصادق صلوات الله علیه انه قال التکبیر جزم فی الاذان مع الافصاح بالهاء و الالف و در

قوی کالصحیح منقول از خالد که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که میباید که در اذان وقف کنند

بر آخر تکبیرات بلکه ... که مستحب است وقف نمودن بر آخر جمیع فصلهای اذان و اقامت

و لیکن چون مبالغه در تکبیرات بیشتر بود آنرا ذکر فرمودند و دیگر سنت است نیکو ظاهر ساختن

ها و الف در تکبیرات یا در کل اذان یا اذان و اقامت و مراد از الف همزه است در اول الله و اکبر یا اعم است

از همزه و الف که ساکنست مثل الف بعد از لام الله و ظاهر ... نیکو ظاهر ساختن مطلوبست خصوصا

در ... تکبیرات و شهادتین و غیر آن ... که ... واقع سازد تا خلاف ... واقع

نساخته باشد ... مخالف ... مقدم آنست مخالف سنت و روی ابو بصیر عن احدهما صلوات

الله علیهما انه قال ان بلالا کان عبدا صالحا فقال لا اؤذن لاحد بعد رسول الله صلی الله

پیغمبر و آله [illegible] می‌گفتند حی علی خیر العمل منقول است در موثق کالصحیح از ابو بصیر از حضرت امام محمد باقر
یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما که فرمودند که بلال مؤذن حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
بنده شایسته الهی بود و گفت که من بعد از آنحضرت اذان نخواهم گفت بعد از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
کرد اذان را و از آن روز حی علی خیر العمل ترک شد از طرق عامه منقول است از عکرمه که گفت از عبد الله بن عباس سوال
کردم که چرا حی علی خیر العمل را از اذان انداختند عبد الله گفت که چون عمر بن الخطاب نهایت اهتمام داشت در فتح
بلاد [illegible] خواهد رسید که اگر مردمان دانند که نماز بهترین اعمال است مشغول نماز خواهند شد و جهاد را ترک
خواهند کرد و در کتاب سلیم بن قیس هلالی منقول است که عمر همیشه با حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منازعه
داشت که چگونه نماز بهتر از جهاد باشد با آنکه در جهاد بذل جان و فرزند و مال است حضرت می‌فرمود که اگر در جهاد
کشته شود مگر [illegible] بهشت و در نماز با اخلاص و حضور قلب [illegible] هدایت [illegible]
مقبول [illegible] آنحضرت [illegible] دست [illegible] بگویند که در زمان
حضرت [illegible] که ما شنیدیم که مؤذنان می‌گفتند [illegible] که ما نمی‌شنیدیم
که بلال اذان بگوید تا معلوم شود که [illegible] بلال گفتند که اگر حی علی خیر العمل را نخواهی [illegible]
نخواهی [illegible] بلال [illegible] اذان [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها [illegible] حدیث موثق کالصحیح از ابو جعفر [illegible] منقول است که او گفت
شخصی از اهل شام [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] که [illegible]
[illegible] بلال [illegible] گفت که [illegible] اذان [illegible] جمعی از علما [illegible]
ذکر کرده‌اند [illegible] در فضل بلال [illegible] ظاهر نیست [illegible] این عبارات [illegible] حضرت فرموده‌اند [illegible]
و بر تقدیر [illegible] حضرت [illegible] ظاهر [illegible] تقیه باشد و احتمال [illegible] حضرت فرموده باشند از جهة
فضل اذان [illegible] بلال [illegible] باشد بلکه [illegible] و الله تعالی یعلم وَرَوَی الحَسَنُ بنُ السَّرِیِّ عَن أبِی عَبدِ اللهِ صَلَوَاتُ
اللهِ عَلَیهِ أنَّهُ قَالَ مِنَ السُّنَّةِ إذَا أذَّنَ الرَّجُلُ أن یَضَعَ إصبَعَیهِ فِی أُذُنَیهِ و در حسن کالصحیح منقول است از
شیخ در صحیح [illegible] روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که از جمله سنتهای حضرت [illegible]

صلی الله علیه و آله [illegible] مردی اذان بگوید [illegible] انگشت [illegible] که [illegible] و [illegible]
باشد که [illegible] سنت است که اذان را بلند بگویند [illegible] که [illegible] سند [illegible]
اذان را آهسته گویند [illegible] سنت است و الله تعالی یعلم وَرَوَی [illegible] عَنهُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیهِ أنَّهُ
قَالَ الأذَانُ وَ الإقَامَةُ مَجزُومَانِ وَ فِی خَبَرٍ آخَرَ مَوقُوفَانِ و در صحیح از ابن [illegible] منقول است
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که اذان و اقامت مجزوم‌اند [illegible] فصول
و در صحیح [illegible] اذان و اقامت [illegible] و اکثر علما حمل بر استحباب کرده‌اند [illegible]
کرد [illegible] و بر همه فصول [illegible] فصول اذان [illegible] شیخ [illegible] الکلینی [illegible]
[illegible] که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که اذان را [illegible] گفت و ظاهر [illegible]
[illegible] و اقامت [illegible] تامل [illegible] که [illegible] کافی
[illegible] که در نسخه شیخ باشد یا از کتاب دیگر از کتب کلینی نقل کرده باشد [illegible] است
[illegible] در کتاب محمد بن احمد [illegible] است [illegible]
[illegible] الله تعالی یعلم وَرَوَی زُرَارَةُ عَن أبِی جَعفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیهِ قَالَ لا یُجزِئُکَ مِنَ
الأذَانِ إلَّا مَا أسمَعتَ نَفسَکَ أو فَهِمتَهُ وَ أفصِح بِالألِفِ وَ الهَاءِ وَ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ
وَ آلِهِ کُلَّمَا ذَکَرتَهُ أو ذَکَرَهُ ذَاکِرٌ عِندَکَ فِی أذَانٍ أو غَیرِهِ وَ کُلَّمَا اشتَدَّ صَوتُکَ مِن غَیرِ أن
تُجهِدَ نَفسَکَ کَانَ مَن یَسمَعُ أکثَرَ وَ کَانَ أجرُکَ فِی ذَلِکَ أعظَمَ و [illegible] صحیح منقول است
[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] اذان [illegible] آنرا
[illegible] که [illegible] حضرت [illegible] فرموده [illegible]
[illegible] که [illegible] حروف [illegible] و الف
[illegible] و الف [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] اذان [illegible] و الله اعلم

مذکور است

قامت نیز بجهاورا ... که اظهار و بیان کرد و صلوات فرستد بر محمد صلی الله علیه و آله
و سلم هر مرتبه که خود نام حضرت را ببرد یا کسی نام حضرت را نزد تو ببرد در اذان یا غیر آن و از این صحیحه فهمیده می شود
وجوب صلوات را هر مرتبه که نام حضرت مذکور شود ولیکن منشای این استدلال بر آنست که امر از جهت وجوب
باشد و هر چند آواز تو بلندتر باشد بهتر است بی آنکه خود را بتعب اندازی و بیشتر خواهی شنید و اجر عظیم تر
بود پس ظاهر شد که اقل مرتبه اذان آنست که خود بشنود و لازم نیست در تحقق اذان که دیگری بشنود و
وضع اذان از جهت آنست که دیگران بشنوند و بدانند که وقت داخل شده است اکثرش آنمقدار است که
خود را آزار ندهد پس جمعی که عادت کرده اند بآنکه اذان را بلند گویند و آزار نیابند هر چند بلندتر
گویند بهتر خواهد بود چنانکه خواهد آمد و سأل معاویة بن وهب ابا عبد الله صلوات الله علیه عن
الاذان فقال اجهر به و ارفع به صوتک و اذا اقمت فدون ذلک و لا تنتظر باذانک و
اقامتک الا دخول وقت الصلوة و احدر اقامتک حدرا و در حسن کالصحیح منقولست از ابن ابی عمیر
که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از اذان پس حضرت فرمودند که بلند بگو و
بلند کن آنمقدار که توانی و چون اقامت گوئی کمتر از اذان آواز را بلند کن و چون فی الحسنة اذن ...
مع الست اقامة ... در اذان و اقامت انتظار مکش مگر دخول وقت نماز یعنی اذان را در
وقت واقع ساز که اول زوالست و اقامت بعد از نوافل و در وقتی که ... و از این تفصیل
اخبار دیگر ظاهر میشود و اقامت را تند بگو بخلاف اذان که تأنی در آن مطلوبست و منقولست در صحیح از عبد الرحمن
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه اذان بگوئی آهسته مگو زیرا که حق سبحانه و تعالی
کراهت میکند آنمقدار که آوازت و دیگری هم چند آواز تو بلندتر شود توانست بکشی خواهد بود ... با ملکی بسیار
را در نجات یا صلاة ... در هر حال که مطلوب بلندخوانند نیستند همین معنی منقولست و عن زرارة عن ... صلوات
الله علیه ... انه قال اذا قمت الی الصلوة الفریضة فاذن و اقم و افصل بین الاذان
و الاقامة بقعود او بکلام او بتسبیح فقال و سألته کم الذی یجزی بین الاذان و الاقامة من القول
قال الحمد لله و منقولست بسند موثق از عمار که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که هر گاه ...

برخیزی از اذان و اقامت بگو ... و فاصله کن میان اذان و اقامت بنشستنی یا بسجود یا بسجده ... و منقول است از ... که گفت
که از آن حضرت صلوات الله علیه سؤال کردم که اقل چیزی که میان اذان و اقامت گفته شود کدام است حضرت فرمودند که
الحمد لله و از این حدیث ظاهر میشود که کلامی که حضرت قصد نمودند از آن ذکر الهی است و با این حدیث و امثال این
استدلال کرده اند جمعی از اصحاب بر وجوب اذان و اقامت بنابر آنکه امر از جهت وجوب است و دلیل
نزد بنده ظهوری ندارد بلکه آنچه فهمیده میشود قدر مشترک است میان وجوب و استحباب از این اخبار ظاهر میشود
احوط آنست که بقصد قربت واقع سازد و البته ترک نکند و سجده کردن میان اذان و اقامت نیز منقولست از ائمه هدی صلوات الله علیهم
روایت کرده اند که چون از اذان فارغ شود و بنشیند بگوید که اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا
و اجعل لی عند قبر نبیک قرارا و مستقرا یعنی خداوندا دل مرا نیکوکار گردان و جواهر تابع دل گردان و
... گردان و بگردان ... از جهت من نزد قبر رسولت قراری که قادر باشم در آنجا باشم و مال ...
در آنجا باشد و چون ... که الهی قرار در آنجا مستقر ... بلکه ... که ... آنجاست ... که ...
الا بر صلوات الله علیه در آنجا باشم یعنی ... و ... و یا آنکه ... در تفسیر ... و ...
قال محمد بن مسلم سألت ابا جعفر صلوات الله علیه عن الرجل یؤذن و هو یمشی او هو علی غیر طهر او هو
علی ظهر الدابة قال نعم اذا کان التشهد مستقبل القبلة فلا بأس لعلیه کرده است در صحیح
از محمد بن مسلم از ... صلوات الله علیه که گفت از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که اذان گوید
در راه رود یا بی طهارت باشد یعنی غسل یا وضو یا آنکه سوار باشد حضرت فرمودند که بلی هر گاه
رو بقبله باشد یا کو ... که الطهارة این نیز محمول است بر استحباب چنانکه اطلاق صحیحه گذشت ... بر این
الا ان اکثر ... که آن مطلق محمول بر مقید باشد و لیکن خلاف ظاهر است و دیگر زرارة آمده و روی عنه
صلوات الله علیه زرارة انه قال اذا اقیمت الصلوة حرم الکلام علی الامام و اهل المسجد الا
فی تقدیم امام و منقولست باسانید صحیحه از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که آنحضرت
فرمودند که هر گاه اقامت گفته شود یعنی قد قامت الصلوة گفته شود حرام است سخن کردن بر امام و بر
اهل مسجد مگر در مقدم داشتن امام که امام حاضر نباشد و اقامت گفته شود ... شخصی که ...

امامت اشتراط شده و میگویند تقدم یعنی پیش بایست تا بتو اقتدا کنیم و ملائکه در حدیث صحیح از حفص بن
سالم منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هرگاه مؤذن میگوید
قد قامت الصلوة آیا قوم برپا ایستند یا می‌نشینند تا امام راتب ایشان بیاید حضرت فرمودند که نه
بلکه برپای ایستند اگر امام راتب آید فبها والا دست یکی از قوم را بگیرند و پیش میدارند و مؤید است
حدیث صحیح از عبدالله بن مسکان از ابن ابی عمیر ... الفاظ ... نساخ زیاده شده است و ابو عمرو متطبب است
عبدالله بن سعید که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که در اقامت سخن
گوید حضرت فرمودند که بلی پس چون مؤذن بگوید قد قامت الصلوة حرامست کلام بر اهل مسجد مگر آنکه از
جاهای متفرق جمع شده باشند و امامی نداشته باشند پس باکی نیست که بعضی بعضی را گویند که پیش بایست ای
فلانی تا بتو اقتدا کنیم و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه فرمودند که هرگاه مؤذن در اقامت گفت قد قامت الصلوة سخن مگو و اگر سخن گفتی اعاده میکنی اقامت را و در موثق
کالصحیح از سماعه منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه مؤذن نماز اقامت
را بگوید سخن گفتن حرام میشود مگر آنکه آن قوم امامی نداشته باشند میتوانند سخن گفتن در مقدم داشتن
امام و احادیث صحیحه وارد شده است که در اذان سخن میتوان گفت و در حدیث صحیح و احادیث قویه کالصحیحه
وارد شده است که در اقامت سخن میتوان گفت و محمول است بر آنکه قبل از قد قامت الصلوة سخن
میتوان گفت یا بعد از آن در امور ... که تعلق بنماز داشته باشد مثل تقدیم امام و غیر آن تعیین حدیثی
بخاطر ندارم و احوط آنست که در غیر تقدیم امام سخن نگویند تا عمل بنصوص کرده باشند و محتمل است که
احادیث نهی را حمل بر کراهت کنیم چنانکه در حدیث صحیح از حماد بن عثمان منقولست که گفت سؤال کردم
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا مرد وقتی که اقامت گفته باشد سخن میتواند گفت حضرت
فرمودند که بلی چند حدیث کالصحیح نیز بدین مضمون وارد شده است هر دو جمع میتوان کرد و اگر
اظهر کراهت است ولیکن احوط آنست که سخن نگویند مگر در تقدیم امام و احوط آنست که اگر سخن گفته باشد
اقامت را از سر گیرد و قال علی صلوات الله علیه قال رسول الله صلی الله علیه وآله لیؤمکم

اقرؤکم و یؤذن لکم خیارکم و فی حدیث آخر افقهکم و منقولست از حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه که فرمودند که حضرت امیرالمؤمنین ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که امامت
میکند جماعت را کسی که اعلم باشد بقرآن یا بیشتر حفظ داشته باشد و بهتر خواند بآنکه رعایت وقوف
و صفات حروف را بهتر کند و بعضی گفته‌اند که مراد از اقرأ اعلم است چون در زمان حضرت سید المرسلین
و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم علم منحصر بود در علم قرآن و این احتمال بعیدست چنانکه خواهد آمد و
محتملست که مراد از اقرأ کسی باشد که بیکی از این صفات موصوف باشد و این احتمال بعید نیست لیکن
موجب تعارض ... کلیست و در بعضی حضرت فرمودند که اذان میگوید از جهت شما خوبان شما یا کسی که معتمد دیگر
باشد و اقل مرتبه خوبی عدالتست تا اعتماد بر او توان کرد در دخول وقت و بعضی از صور و در حدیث
از آن حضرت صلوات الله علیه منقولست که اذان میگوید از جهت شما هر که فصیح‌تر باشد یعنی حروف را از مخارج
گوید با رعایت صفات حروف و قال رسول الله صلی الله علیه وآله من اذن فی مصر من امصار المسلمین سنة
وجبت له الجنة و بسند صحیح منقولست از آنحضرت صلی الله علیه وآله که هر که یکسال در شهری از شهرهای
مسلمانان اذان بگوید بهشت او را واجب شود و ظاهرا مراد از اذان اذان اعلام است نه اذانی که آهسته گوید و قال
ابوجعفر صلوات الله علیه المؤذن یغفر الله له مد صوته و مد بصره فی السماء و یصدقه کل رطب و
یابس یسمعه و له من کل من یصلی معه فی مسجده سهم و له من کل من یصلی بصوته حسنة و کالصحیح
منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که حق سبحانه و تعالی امر زد مؤذن را آنقدر
که جهر ... کند و آنقدر که آواز او بجانب آسمان برود و ... مؤذن را هر تر و خشکی که صدای
او را میشنوند و بسبب هر که ... نماز کند با او در آن مسجد نصیبی از ثواب او خواهد بود و نصیبی بر او ثبت میشود
از کسانیکه اذان او را بشنوند یا او نماز میکنند حسنه در نامه عمل او مینویسند و بدانکه ... حسن و قرب
... اعمال و خصال بخیر آن ذکر کرده ... آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که هر کرده ... اذان بگوید ...
لوجه الله حق سبحانه و تعالی امر ... در آسمان ... در آسمان ... تا ملک
... پس ممکن است که مراد این باشد که اگر گناه ... که آسمانها ... باشد از گناهان او حق سبحانه و تعالی

همه را می‌آمرزد و بعد از آن مقدار که آوازش می‌رود و آن چیزها عوض باشند چنانکه خواهد آمد که فرشتگان آواز موذن را

بالا میبرند و ممکنست که تشبیه کرده باشند مغفرت را بمقدار آنکه یک قطره از دریای مغفرت و رحمت الهی را

کافیست و ممکنست که مراد از [illegible] بحسب غالب اوقات مراد از جسم کار کردن آنست که تخصیص نموده اند

کرده چنانکه خواهد آمد و بنابرین احتمال ممکن است که مراد محو بودن از گناهان یا مغفرت باشد و از قبیل تشبیه

معقول بمحسوس باشد چنانکه گذشت و ممکنست که مراد این باشد که هر چند آواز موذن بیشتر رود از اطراف

ثوابش بیشتر خواهد بود و بنابرین ضم کردن مد بصر از آنچه ظاهر بود که بسیار بلند نگوید که سبب ضرر

شود بلکه مد بصر که باعتدال است کافیست و قریبست باین حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

که فرمودند که می‌آمرزند مؤذن را هر مقدار که آواز او برود یعنی هر چند بیشتر میرود آواز او گناهان او بیشتر

آمرزیده میشود و شهادت میدهند از برای او هر چیزی که [illegible] و [illegible] ظاهر [illegible]

آن حقیقت یا مجاز چنانکه گذشت و در حدیث صحیح از عبد الرحمن منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه فرمودند که چون اذان بگوئی آهسته مگو زیرا که حق سبحانه و تعالی اجر و ثواب میدهد بمقدار بلند گفتن

که هر چند بلندتر میگوئی ثواب بیشتر است و دیگر خواهد آمد و قال صلوات الله علیه من اذن سبع سنین

محتسبا جاء یوم القیمة و لا ذنب له و کالصحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که

هر که اذان بگوید [illegible] اذان اعلام

و بعد [illegible] کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که [illegible]

در [illegible]

حق سبحانه و تعالی [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

مؤذنی که اذان [illegible] شمشیر کشیده باشد [illegible]

کالصحیح منقولست از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند که مؤذنان امت من محشور میشوند با پیغمبران

و شهدا و صالحان [illegible]

[illegible] فیستغفرون الله [illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]

علیه [illegible]

بن سنان منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که دیوار مسجد حضرت سید المرسلین صلی

الله علیه و آله و سلم بلند بقامت بود و چون وقت نماز داخل میشد حضرت میفرمودند که ای بلال بالای

دیوار برو و اذان را بلند بگو [illegible] حق سبحانه و تعالی بادی را موکل ساخته که این صدا را باسمان برد

[illegible] ذکر کرده است که [illegible] فرشتگان از آواز ایشان

[illegible] این صداها امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] فرشتگان استغفار میکنند

از جهة امت محمد صلی الله علیه و آله تا آنکه از نماز فارغ شوند [illegible] بسند صحیح و کلینی کالصحیح روایت

کرده اند و دلالت میکند بحسب ظاهر بر آنکه سنت است بلند گفتن اذان و بر منار [illegible]

بعد از دخول وقت [illegible] و منافات ندارد با حدیث صحیح علی بن جعفر که گفت سوال کردم از برادرم

حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که آیا اذان را بر منار گفتن سنت است حضرت فرمودند که از جهت حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم اذان میگفتند بر روی زمین و در آن وقت منار نبود و جمع میتوان کرد

بآنکه نفی منار متعارف فرموده باشند چون منار که بر دیوار مسجد حضرت بود شکل منار نداشت بلکه [illegible]

بر دیوار ساخته بوده [illegible] اذان گفتن [illegible] فی الحقیقة

[illegible] ممکنست که در اوایل نبوده باشد و در آخر ساخته باشند والله تعالی یعلم و کالصحیح از زراره

عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال ادنی ما یجزئ من الاذان ان یفتتح اللیل باذان و

اقامة و تفتتح النهار باذان و اقامة و یجزئک فی سائر الصلوات اقامة بغیر اذان و

باسانید صحیحه منقولست از زراره که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که کمتر آنچه مجزی

کافیست آنست که افتتاح کنی شب را باذان و اقامت و افتتاح کنی روز را باذان و اقامت و کافیست ترا در

باقی نمازها اکتفا کنی باقامت بی اذان و ظاهرا مقصود آنست که اذان و اقامت از جهت نماز صبح و شام واجب است

یا در نمازها اقامت واجب [illegible] کالصحیح صباح که حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] اذان [illegible] در نماز صبح و شام تقصیر مکن

[illegible] صحیح [illegible] صلوات الله علیه منقولست که در نماز [illegible] اقامت کافی نیست [illegible] نماز

اللیل

صبح و شام و در غیر ان مرتین کالصحیح از ائمه معصومین منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که [illegible] صبح و شام را

نمی توان کرد مگر با اذان و اقامت و در باقی نمازها رخصت داده اند که با اقامت تنها بجا آورند و با اذان

افضل است و جمعی این حکم را مخصوص نماز جماعت میدانند و در منفرد اقامه تنها را کافی میدانند چنانکه

ظاهر احادیث صحیحه است و احوط آنست که نماز جماعت را بی اذان و اقامت واقع نسازد مگر در مواضعی که خواهد آمد

و در نماز منفرد احوط آنست که اذان صبح و شام را ترک نکند و اقامت هر نمازها را ترک نکند اگرچه اظهر

استحباب هر دو است مطلقا وَجَمَعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِعَرَفَةَ بِأَذَانٍ

وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِجَمْعٍ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ و باسانید صحیحه

منقولست که حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم که جمع کرده اند در روز عرفه میان

ظهر و عصر به یک اذان و دو اقامت بدون نیست که دعا مطلوبست نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر بجا آورده

و از جهت ظهر اذان و اقامت گفتند و از جهت عصر اقامت تنها گفتند چون وقت فضیلت عصر داخل نشده بود

اذان از دو وقت فضیلت میگفتند و همچنین جمع فرمودند میان شام و خفتن در مشعر الحرام به یک اذان و

دو اقامت با آنکه نماز شام را در وقت خفتن بجا آوردند و اذان خفتن را پیش از نماز شام گفتند و

بعد از آن اقامت جهت نماز شام گفتند و بعد از آنکه نماز شام اقامت از جهت نماز خفتن گفتند

و ظاهر آنست که سقوط اذان در این دو موضع باعتبار جمع بود چنانکه خواهد آمد و روی عبید بن زرارة

عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ

وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ و بسند صحیح منقولست از

عبید الله از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

و سلم جمع فرمودند میان نماز ظهر و عصر به یک اذان و دو اقامت و همچنین جمع کرده اند میان نماز شام و خفتن در حضر

بی علتی به یک اذان و دو اقامت و مضمون این احادیث بسیار از طرق عامه و خاصه روایت شده است و در بسیاری

اخبار وارد شده است که جمع فرمودند در وقت برای آنکه حضرت صلوات الله و سلامه علیه و آله فراخ شود و ظاهر جمیع آنست

که دو نماز را در یک وقت بجا آورده باشند و چون اذان از جهت اعلام است که وقت داخل شده باشد پس اگر [illegible]

پیش از آنکه [illegible] نماز [illegible] بجا آورند از آن جهت ظهر میگویند و اقامت [illegible]

را بجا آورند و اقامت میگویند و عصر را بجا می آورند و اگر نماز [illegible]

اذان [illegible] نماز ظهر [illegible] عصر را بجا می آورند و بعد از آن [illegible] ظهر میگویند و بعد از نماز ظهر اقامت

از جهت نماز عصر میگویند و عصر را بجا می آورند و همچنین است حکم نماز شام و خفتن در احادیث معتبره وارد شده است

که جمع بین الصلوتین [illegible] تحقق میشود که [illegible] نمازها واقع شود [illegible]

[illegible] که اگر نماز ظهر را در اول وقت بجا آورند و بعد از آن [illegible] عصر را بجا آورند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که اذان ساقط

[illegible]

[illegible] اقامت [illegible]

[illegible]

[illegible] و اقع

[illegible]

[illegible]

مشکل است [illegible]

تعقیب [illegible] لِمَنْ صَلَّى [illegible]

[illegible] مِنَ الْمَلَائِكَةِ [illegible]

مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ [illegible] و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که هر که نماز

[illegible] با اذان و اقامت [illegible] با اذان [illegible]

میکنند یک صف [illegible] صف میان مشرق و مغرب است و در روایت دیگر [illegible] است که [illegible]

که مقدار هر صفی [illegible] که [illegible] میان مشرق و مغرب است [illegible]

آسمان [illegible] و بسند صحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که هر که

در صحرا نماز کند [illegible] اذان و اقامت بگوید در عقب او [illegible] نماز میکنند [illegible] از فرشتگان و اگر اقامه

بگوید [illegible] اذان [illegible] در عقب او یک صف [illegible] نماز میکنند [illegible] بسند صحیح [illegible] از آن حضرت صلوات

الله علیه [illegible] فرمود که هر که در صحرا نماز [illegible] اذان و اقامه [illegible] و فی روایة العباس بن هلال عن ابی الحسن الرضا

صلوات الله علیه انه قال من اذن و اقام صلی وراءه صفان من الملائکة و ان اقام بغیر

اذان صلی عن یمینه واحد و عن شماله واحد ثم قال اغتنم الصفین [illegible]

یعنی [illegible] حضرت [illegible] صلوات الله علیه فرمود که هر که اذان و اقامت بگوید [illegible] نماز کند در عقب

او [illegible] و اگر اقامت [illegible] بگوید [illegible] و [illegible] یک فرشته [illegible]

که [illegible] و [illegible] اذان و اقامت بگوید [illegible] نماز کند [illegible] وصف آنست که ثواب [illegible] فرشتگان

او [illegible] با [illegible] هر فرشته [illegible] مضاعف [illegible] جماعت [illegible] و بسند [illegible] از

ابی لیلی عن علی صلوات الله علیه انه قال من صلی باذان و اقامة صلی خلفه صفان من الملائکة

لا یری طرفاهما و من صلی باقامة صلی خلفه ملک [illegible] و بسند صحیح روایت کرده [illegible] از

از عبدالله بن جعفر [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر که نماز کند با اذان و اقامت در عقب او

نماز میکنند دو صف از فرشتگان که دو طرف [illegible] و وصف [illegible] که نماز کند با اقامت تنها [illegible] کنند

در عقب او [illegible] فرشته [illegible] است [illegible] که [illegible] صف [illegible] باشد [illegible] نماز کنار [illegible]

[illegible] میشود [illegible] اذان و اقامت [illegible] و الله تعالی اعلم و

صحیح [illegible] منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که [illegible] گردن [illegible] و

[illegible] بود [illegible] صباح خود [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم

و در [illegible] مشهور است [illegible] که [illegible] کنایه است [illegible] اشکار [illegible] کنایه است

اینها دری بسیار باقر [illegible] برحمت الهی [illegible] بهشت میروند [illegible] و تفصیل اذان و اقامت بسیار است

از آن جمله [illegible] آخر [illegible] ثواب الاعمال ذکر کرده است [illegible] حدیث فضیلت [illegible]

کرده [illegible] مشکل است که قبول کنند از زیادتی [illegible]

و لیکن [illegible] اخبار [illegible] منقول است [illegible] الله [illegible]

باشد [illegible] بسیار [illegible] و قال الصادق

صلوات الله علیه من قال حین یسمع اذان الصبح اللهم انی اسالک باقبال نهارک و ادبار لیلک

و حضور صلواتک و اصوات دعاتک ان تتوب علی انک انت التواب الرحیم و قال مثل

ذلک حین یسمع اذان المغرب ثم مات من یومه او لیلته مات تائبا و بسند صحیح منقول است

که [illegible] صلوات الله علیه فرمود که هر که چون اذان صبح بشنود [illegible] دعا [illegible]

بشنود این دعا [illegible] بخواند [illegible] بمیرد با توبه [illegible] دنیا برود [illegible] ماهای بانک

مثل توبه [illegible] ترجمه دعا این است که خداوندا [illegible] از تو سوال میکنم بحق آمدن روز تو [illegible]

بردن [illegible] علیا کرده [illegible] شب [illegible] و حاضر شدن [illegible] نمازها [illegible] وقت نمازها

که از آنجمله نماز صبح است [illegible] آوازهای [illegible] که [illegible] بحق [illegible]

شده [illegible] که [illegible] نماز [illegible] خوان [illegible] الهی [illegible] که توفیق توبه کرامت کنی

[illegible] که [illegible] و [illegible] دو وقت شام [illegible] بخواند

اللهم انی اسالک باقبال لیلک و ادبار نهارک یعنی خداوندا از تو میخواهم بحق آمدن شب و رفتن روز

یا [illegible] اول [illegible] شام [illegible] آن [illegible]

لفظ [illegible] مرتب [illegible] و کان ابن النباح یقول فی اذانه حی علی خیر العمل حی علی خیر العمل فاذا رآه

علی صلوات الله علیه قال مرحبا بالقائلین عدلا و بالصلوة مرحبا و اهلا [illegible] منقول است که [illegible]

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] بود [illegible] حی علی الفلاح [illegible] حی علی خیر العمل [illegible] میگفت

[illegible] صلوات الله علیه [illegible] که [illegible] حی [illegible] میکردند

۱۹۲

ومرحبا بنماز ای جماعت یعنی مرحبا بحی علی خیر العمل یعنی نماز دانند و نماز از آنها از حق سبحانه و تعالی ... یعنی ... که
میکشند این کلمه را عمل نماز نمیبینند نماز ایشان معتبر ولیفیست که از اخبار ظاهر میشود ایشک چون اذان
معراج مقرر شد و مع علی جبرئیل علیه السلام آورد مشتمل بود بر کلمه حی علی خیر العمل یعنی بشتابید بسوی
عملی که بهترین همه اعمالست که آن نماز است ... که ... مفتوح میشود بر ...
و ... که نماز بهترین اعمالست ... و نماز ... و ...
... که ... این ... حق سبحانه و تعالی ... مقرر ساخته ... در زمان ...
میگفتند و در زمان ... عمر بر منبر گفت که ... در زمان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود
من هر سه را حرام میکنم و بر آن عقاب میکنم و آن متعه زنان و متعه حج و قول حی علی خیر العمل است ...
بود هر چه میکرد افعال او ... جمیع ... نفاق ... اجماع اهل بیت است
بر آنکه حی علی خیر العمل جزو اذان ... و احادیث متواتر بر آن وارد شده ... علی
حنیف و عبد الله بن عمر ... و عبد الله بن عمر روایت کرده است که من شنیدم که ... در حضور
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم اذان گفت و حی علی خیر العمل را گفت و ابو حنیفه ... ذکر کرده است که ما
مشاهده نمودیم آل رسول صلوات الله علیهم را ... اهل ... و ... کوفه و نواحی کوفه
و بعضی ... میگویند ... عکرمه گفت ... از عبد الله بن عباس
که چرا عمر ترک کرد حی علی خیر العمل را از اذان در جواب گفت که مطلبش این بود که مردم ... جهاد کنند
فتح بلاد شود ... ترک کرد آنرا از اذان و در حدیث صحیح وارد شده است که از حضرت ابی الحسن صلوات الله علیه
پرسیدند که چرا ترک کردند حی علی خیر العمل را از اذان حضرت فرمودند که علت ظاهر را میخواهی یا علت باطن
را راوی گفت هر دو را حضرت فرمودند که اما علت ظاهر آنکه مردمان ... نماز ... که ترک جهاد کنند و اما
باطن آنکه مراد از خیر العمل ولایت و اعتقاد بامامت ائمه معصومین است صلوات الله علیهم و عمر ... نمی
خواست که این کلمه ... ترغیب و تحریص بر ولایت ایشان واقع شود ... حدیث ... که ...
صلوات الله علیه وارد شده که مراد از خیر العمل ... [illegible] صلوات الله علیها ...

ائمه معصومین ... صلوات الله علیهم ... ایمان ... از اعمال الجوارح بهترین اعمال نماز است
و از اعمال قلوب بهترین اعمال مودت و ولایت اهل البیت است که مزد رسالت حضرت سید المرسلین صلوات الله
و سلامه علیه و آله است و سبب قبول سایر اعمالست چنانکه ابن شهر آشوب که از بزرگان علماء ... است ...
اخبار در باب الامامه روایت کرده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه که یا علی اگر بنده عبادت کند حق سبحانه و تعالی را مثل آنچه نوح در قوم خود ... رسالت کرد که
آن هزار ... پنجاه سال ... مثل کوه احد طلا ... در راه خدا ... کند تا آنقدر ...
که هزار حج پیاده بکند ... ظلم در میان صفا و مروه شهید شود و ترا ای علی دوست ... بهشت
... و داخل بهشت نشود ... و ... نقل کرده اند که حضرت فرمودند که علی ... است
... و ... ایشان ... قیامت ... من
... علم ... آن ... بیان میکند ... آن ... ایشان بعد از
من ... و ... نفاق ... دوستی ... و ... بهترین ... که
کند ... کافر است و علی بهترین خلایق است هر که ابا کند کافر است و علی قسیم بهشت و دوزخ است
مثل باب حطه که در بنی اسرائیل بود هر که داخل شد در آن باب مؤمن ... کافر است و علی از من
... هارون است از موسی ... بعد از من پیغمبری نیست ... و ... الحارث بن المغیرة
النصری عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه قال من سمع المؤذن یقول اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا رسول الله فقال مصدقا محتسبا و انا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله اکتفی بها عن کل من ابی و جحد و اعین بها من اقر و شهد کان له من الاجر
عدد من انکر و جحد و عدد من اقر و شهد و بسند صحیح ... کالصحیح منقول است از
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هر که بشنود که مؤذن شهادتین میگوید و او بگوید از روی
تصدیق و ایمان ... حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله ... شهادتین ... انکار کنند ... اقرار دارم و انکار ...

و یاد دهی میکنیم بایں شهادت هر که را اقرار کند و شهادت دهد هر که این کلمات را از روی اخلاص بگوید حق سبحانه

تعالی او را امرزد و ثوابی که است [illegible] ببرد [illegible] بعدد [illegible] یعنی بعدد جمیع خلایق و قال

ابو جعفر صلوات الله علیه [illegible] یا محمد بن مسلم لا تدعن ذکر الله علی کل حال و لو سمعت المنادی

ینادی بالاذان و انت علی الخلاء فاذکر الله عز و جل و قل کما یقول المؤذن و کالصحیح و فی الصحیح

منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند بمحمد بن مسلم که ای محمد ترک مکن ذکر حق سبحانه و تعالی

را در هیچ حالی اگر چه بشنوی در حالتی که در بیت الخلا باشی که موذن اذان بگوید بر تو نیز ذکر حق سبحانه و تعالی

بکن و بگو چنانکه موذن میگوید و در حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله و سلم چون [illegible] که موذن اذان میگوید حضرت حکایت قول موذن میفرمودند [illegible] و در حدیث

صحیح منقولست از زراره که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که چون بشنوم اذان را

چه چیز بگویم حضرت فرمودند که ذکر حق سبحانه و تعالی بکن [illegible] از حضرت امام موسی کاظم

صلوات الله علیه منقولست که آنحضرت فرمودند که حکایت اذان سبب زیادتی روزی است اگر چه در بیت الخلا باشد و این باب

احادیث [illegible] ظاهر اکثر علما آنست که [illegible] مستحب است [illegible] منقولست که چون حی علی الصلوة

را بشنود بگوید که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] ذکر کرده اند [illegible] در بیت الخلا

بعوض حی علی [illegible] در بیت الخلا

[illegible] احادیث صحیحه وارد شده است [illegible] و سألت [illegible] ابا عبد الله

صلوات الله علیه عن رجل نسی الاذان و الاقامة حتی دخل فی الصلوة فقال ان کان ذکر قبل ان یقرأ

فلیصل علی النبی و آله و لیقم و ان کان قد دخل فی القراءة فلیتم صلوته منقولست بسند [illegible]

[illegible] نیست لیکن [illegible] از کتاب [illegible] ماخوذ است [illegible] در حکم صحیح [illegible] حدیث صحیح محمد بن مسلم [illegible]

منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که فراموش کند اذان و اقامت را

تا آنکه داخل شود در نماز حضرت فرمودند که اگر بخاطرش آید پیش از قرائت [illegible] محمد و آل او فرستد و اقامت

را بگوید و نماز را از سر گیرد و اگر بخاطرش آید وقتی که شروع در قرائت کرده باشد نماز را تمام کند [illegible]

و در حدیث حسن کالصحیح یا صحیح از حسین بن ابی العلا منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

صحیح منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که اگر فراموش کرده باشی اذان و اقامت را و بخاطرت آید پیش از

رکوع اذان و اقامت بگو و نماز را از سر گیر و اگر بعد از رکوع [illegible] باشی نماز را تمام کن و در حدیث صحیح منقولست

از علی بن یقطین که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که فراموش کند که

اقامت نماز را بگوید و بخاطرش آید وقتی که شروع در نماز کرده باشد حضرت فرمودند که اگر از نماز فارغ

شده باشد [illegible] اگر در اثنای نماز بخاطرش [illegible] اعاده کند [illegible] احادیث دیگر نیز

وارد شده است [illegible] هر گاه اذان و اقامت را [illegible] فراموش کرده باشد [illegible] قرائت

بخاطرش [illegible] مستحب [illegible] اعاده [illegible] و بعد از آن تا آخر نماز و اگر [illegible]

[illegible] در حدیث صحیح زراره منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه

از شخصی که فراموش کند اذان و اقامت را تا داخل شود در نماز حضرت فرمودند که نماز را تمام کند [illegible]

و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست از شخصی که فراموش کند اذان و اقامت را تا داخل

شود در نماز حضرت فرمودند که [illegible] احادیث [illegible] مضمون وارد است و روی عن عمار

الساباطی انه قال سئل ابا عبد الله صلوات الله علیه عن رجل نسی من الاذان حرفا فذکره حین فرغ

من الاذان و الاقامة قال یرجع الی الحرف الذی نسیه فلیقله و لیقل من ذلک الحرف الی آخره

و لا یعید الاذان کله و لا الاقامة و منقولست بسند موثق از عمار که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات

الله علیه سوال کردم از شخصی که فراموش کند از اذان فصلی را و بیادش آید وقتی که فارغ شده باشد از اذان

و اقامت حضرت فرمودند که رجوع میکند بآن فصلی که آنرا فراموش کرده و آنرا میگوید و ما بعد آنرا تا آخر آن

و اعاده نمیکند تمام اذان و اقامت را ظاهرش آنست که اگر مثلا حی علی الصلوة را فراموش کرده باشد از اول

آن میگوید تا باخر اذان و اقامت را اعاده نمیکند و محتمل است که مراد این باشد که اگر از اقامت فصلی را فراموش کرده

آنرا میگوید تا باخر و احتیاط [illegible] که اقامت را از سر گیرد و بنابرین [illegible] فراموش کردن فصل اذان اعاده اقامت

نمیکند [illegible] چنانکه [illegible] منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که آنحضرت میفرمودند که اگر شخصی فراموش کند حتی که تا از اذان
شروع کند در اقامه اقامه را تمام کند و بر وجه چیزی نیست اگر فصلی از اقامه را فراموش کند بر میگردد
آن فصل را میگوید تا آخر اقامت منقولست بسند صحیح از زراره از آنحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند
که هرکه سهو کند در اذان و مقدم کند مؤخر را و مؤخر کند مقدم را از آنجائی که تاخیر کرده است میگوید تمام
میکند تا بآخر و از این اخبار ظاهر میشود که ترتیب بحسب منقول شرطست اگر عمداً بر خلاف ترتیب واقع سازد
فرع غیر باطلست اگر سهواً بی ترتیب واقع شده باشد اگر وقت باقی باشد تا آنکه داخل شده باشد در نماز اعاده
میکند بنحوی که گذشت سَأَلَ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهْبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ التَّثْوِيبِ الَّذِي يَكُونُ بَيْنَ
الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فَقَالَ مَا نَعْرِفُهُ و باسانید صحیحه کالصحیح منقولست از ابن وهب که گفت سؤال کردم از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از تثویبی که متعارفست میان عامه که میان اذان و اقامه میگویند
یا در میان هر دو بجای حی علی خیر العمل میگویند که الصلوة خیر من النوم حضرت فرمودند که ما نمیدانیم آن را
یعنی حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نفرموده اند که اگر آنحضرت فرموده بود نمیدانستیم بلکه شکی نیست
در آنکه عمر بدعة علی الله و علی رسوله موافق عقل شوم خود قرار داد که نماز بهتر از خواب است بهتر از همه عبادات
[illegible] شان نماز واز [illegible] مؤمن [illegible] حاصل میشود از نماز [illegible] معراج مؤمنست و هم جهاد
با نفس [illegible] جمیع جوارح ظاهره و قوی و ارواح [illegible] در هر حالی [illegible] که آن باب
از ابواب فیوض قدسیه [illegible] میفرمودند [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
میفرمودند که روشنائی چشم من در نماز است میفرمودند که أَرِحْنَا يَا بِلَالُ [illegible] بگفتن اذان تا
[illegible] حضرت [illegible] ارتدا عن التثویب
فی الاذان والاقامة [illegible] عبادت بهترست [illegible] و در حدیث صحیح محمد
مسلم منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که پدرم در خانه باواز بلند میفرمودند که الصلوة خیر
من النوم و اگر تثویب مکرر بگوید [illegible] کلمه باکی نیست ظاهر است که حضرت [illegible] میفرمودند عامه
که ایشان منکر [illegible] که در اذان میفرمودند و فرمودند که اگر بگوئی باکی نیست اگر سخن [illegible]
میکردند که بگو [illegible] بجهت [illegible] و اراده [illegible] آنحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که
و تثویب در اقامت بدعت است محمولست بر تقیه و ممکنست که مراد تکرير شهادتین باشد یا حی علی [illegible]
[illegible] باشد یا مراد خواب باشد چنانکه در حدیث صحیح از زراره منقولست که گفت که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
الله علیه میفرمودند که اگر اراده ابتدا میکنی از اذان بجهت تکبیر و ختم میکنی به دو تکبیر و دو تهلیل
خواهی کرد اعلام کنی بجای الصلوة خیر من النوم حی علی الفلاح را مکرر کن [illegible] منقولست
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه میفرمودند که اگر مؤذن مکرر کند شهادتین را و حی علی الصلوة
و حی علی الفلاح را دو مرتبه [illegible] اگر امام باشد [illegible] شکی نیست
و شکی نیست که در تقیه جائزست [illegible] اگر بتقیه باشد و شکی نیست که بدعت است اجماع
بر آنکه بدعت حرامست وَكَانَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الْغُلَامُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ
وَلَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الْمُؤَذِّنُ وَهُوَ جُنُبٌ وَلَا يُقِيمُ حَتَّى يَغْتَسِلَ و بسند موثق کالصحیح منقولست از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه که میفرمودند که باکی نیست که صبی ممیز پیش از بلوغ اذان بگوید و باکی نیست
که جنب اذان بگوید و اقامت نمیگوید تا غسل نکند و موافق حدیث اول در حدیث صحیح منقولست از ابن سنان
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هرکه سهو کند در اذان [illegible] حی
علی خیر العمل را نگوید [illegible] که باذان او نماز کنی بر تمام کن هر چه را او ناقص کرده است از اذان و باکی نیست
که اذان بگوید [illegible] که محتلم نشده باشد و ظاهر آنست که اکتفا باو [illegible] میتوان کرد از جهت نماز [illegible]
[illegible] چنانکه ظاهر لفظ غلام است اگر مؤذن کم کرده باشد [illegible] باشد [illegible] سهواً کم کرده باشد
یا از جهت تقیه اکتفا باذان او میتوان کرد [illegible] ناقص را بگوید [illegible] آنکه [illegible]
مؤذن کوفه حکایت کرد [illegible] نگفته باشد [illegible] صحیح [illegible] اذان [illegible]
[illegible] بعنوان تقیه و اگر اذان و اقامت [illegible] بگوید [illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] تفاسیر [illegible] منقول [illegible]
[illegible] احادیث صحیحه کالصحیح و [illegible]

گذشت و از احادیث بسیار ظاهر میشود که بسیاری از حالات اقامت مثل حالت نماز باشد و در اذان بهتر
که چنان باشد اگر چه سنت است که در حال اذان نیز با وضو رو بقبله و ایستاده باشد مثل اقامت و در حالت
اقامت ظاهر میشود که اینها واجب باشد یا سنت مؤکد چنانکه گذشت و در روی ابو بکر الحضرمی و کلیب الاسدی
عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّهِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِ اَنَّهُ حَكَى لَهُمَا الْاَذانَ فَقالَ اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ
حَيَّ عَلَى الصَّلوةِ حَيَّ عَلَى الصَّلوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ حَيَّ عَلى خَيْرِ الْعَمَلِ حَيَّ عَلى خَيْرِ
الْعَمَلِ اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَالْاِقامَةُ كَذلِكَ و بسند
ضعیف منقول است از ابو بکر و بسند حسن کالصحیح منقول است از کلیب و شیخ بسند موثق کالصحیح روایت کرده است از
زراره که گفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه حکایت کرد از جهت ما اذان را و فرمودند که اقامت مثل
اذان است ظاهرا مراد از مماثلت مماثلت فی الجمله است در آنکه فصول هر دو را مکرر باید گفت و در اکثر فصول
و هیچ منافات نیست که در اقامت دو مرتبه قد قامت الصلوة مکرر میشود و در اذان نیست و اکثر احادیث آمده که تکبیر
اول اذان چهار است و اول اقامت دو است و تهلیل در آخر اذان دو است و در آخر اقامت یکی و در آخر
تصریح باینها شده است و در کتاب علاء [illegible] و در نسخه تهذیبی که شیخ حسین بن عبد الصمد از خط شیخ طوسی نوشته بود
تکبیر آخر نیز چهار بود و ظاهر آنست که سهو نساخ باشد و همین مشهور است و در حدیث موثق کالصحیح اسمعیل جعفی
گفت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که اذان و اقامت سی و پنج حرف است
بانگشت خود میشمردند اذان هجده حرف و اقامت هفده حرف و جمعی از اصحاب میدانستند و علی ای حال
الکل اعمال بایستی کرد و احادیث صحیحه وارد شده است بغیر این [illegible] و بعضی علما نقل کرده اند
که بعضی عمل باینها کرده اند ولیکن قایل آنها معلوم نیست مثل حدیث صحیح عبد الله بن سنان که گفت سؤال
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از اذان کردم حضرت فرمودند که میگوئی الله اکبر الله اکبر تا آخر آنچه
مذکور شد و در حدیث حسن کالصحیح بلکه صحیح از زراره و فضیل بن یسار از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
منقول است که فرمودند که چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم را بمعراج بردند و به بیت المعمور رسیدند

و بعد فارغ شد جبرئیل از اذان و اقامت گفت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله پیش ایستادند و ملائکه
و پیغمبران همه در عقب آنحضرت ایستادند و نماز کردند و ظاهر حدیث اینست که آنحضرت را بعد از آن امر کردند به اذان
حضرت فرمودند که گفت الله اکبر الله اکبر تا آخر آنچه مذکور شد و ظاهر بود که اقامت مثل اذان است مگر آنکه
در اقامت هست قد قامت الصلوة قد قامت الصلوة و ما بین حی علی خیر العمل و ما بین الله اکبر و بسند
صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمودند بلال را بلال اذان گفت و بلال با بن عنوان اذان میگفت تا حضرت رسول
علیه و آله و سلم از دنیا رفتند و غرض آنست که تغییر آنها که واقع شده مثل ترک حی علی خیر العمل و زیادتی
اذان و اقامه با اقامت بعد از حضرت شد و احادیث بسیار مشهور است که تکبیر اول اذان
در بین حدیث دو مرتبه وارد شده است و تهلیل آخر اقامت خواهد آمد و در حدیث فضیل بن یسار وارد شد و تکبیر
و دو تکبیر یکی از جهت تقیه غالبا است و در حدیث موثق کالصحیح ابو علی بن حنین منقول است که شنیدم و شمردم
چهار تکبیر و در حدیث صحیح از زراره منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که ای زراره
میگوئی در اذان چهار تکبیر و ختم میکنی آنرا بدو تکبیر و دو تهلیل و در حدیث صحیح ابن ابی نصر منقول است که گفت
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که اذان دو دو است و اقامت دو دو و در حدیث
صحیح جعفی منقول است که لا اله الا الله در آخر اقامت یکی باشد و در بعضی از اخبار صحیحه وارد شده است
که اذان و اقامت یکی یکی میگوئی و در چند خبر صحیح وارد شده است که اذان دو دو و اقامت یکی
یکی بالاتفاق محمول است بر حالت تعجیل یا تقیه و لا بأس ان یقال فی صلوة الغداة علی اثر حی علی خیر العمل
الصلوة خیر من النوم مرتین للتقیة و باکی نیست که در اذان نماز صبح بعد از حی علی خیر العمل دو مرتبه
بگوید بجهت تقیه که الصلوة خیر من النوم یعنی نماز بهتر است از خواب و مصنف
گفته است بجهت تقیه یا غیر آن [illegible] باشد و ظاهر حدیث است که بگوید و عبارات
ساقط شده و باب [illegible] توهم میشود که بی حقیقت و حرام است که اذان بگوید و این عبارت واقع شده
و نزد ما [illegible] معلوم است که بهتر و اذان نیست بلکه سنیان نیز معترفند که چون عمر حی علی خیر العمل را بر طرف کرد
بجای آن این کلمه را مقرر ساخت و بعضی از علما در بحث کرده اند و مصنف که این دو کلمه را باهم جمع نمی توان کرد
زیرا که در حالت تقیه حی علی خیر العمل نمی توان گفت و در غیر تقیه الصلوة خیر من النوم را نمی توان گفت

بود

اینست که ممکنست که حی علی خیر العمل را آهسته بگویند و کلمهٔ دیگر را بلند با آنکه در وقتی معلوم نیست ... مرتبه

کر علی هست بنا بکه معنی گوید شو که نصف نصف بعوا دمیگفتند و در نصف دیگر نمی گفتند و بهمین نحو قد قامت

علی آنکه الصلوة خیر من النوم را بگویند همچنانکه کلمه را نیز بگویند و الله تعالی یعلم و قال المصنف هذا الکتاب

رضی الله عنه هذا هو الاذان الصحیح لا یزاد فیه و لا ینقص منه و المفوضة لعنهم الله قد وضعوا

اخبارا و زادوا فی الاذان محمد و آل محمد خیر البریة مرتین و فی بعض روایاتهم بعد اشهد ان محمدا

رسول الله اشهد ان علیا ولی الله مرتین و منهم من روی بدل ذلک اشهد ان علیا امیر المؤمنین

حقا مرتین و لا شک فی ان علیا ولی الله و انه امیر المؤمنین حقا و ان محمدا و آله صلوات الله علیهم

خیر البریة و لکن لیس ذلک فی اصل الاذان و انما ذکرت ذلک لیعرف بهذه الزیادة المتهمون

بالتفویض المدلسون انفسهم فی جملتنا و میگوید مصنف این کتاب ابن بابویه ... [illegible] ... باید

که این اذان که مذکور شد ... [illegible] ... اذان صحیح که زیاد و کم نباید کرد ... [illegible]

باشد ... [illegible] ... بنا بر ظاهر ... تکبیر ... اول اقامت ... تهلیل ... آخر آن ...

... [illegible] ...

کذشت ... مخصوص ... [illegible] ... قد قامت ... اقامت ... [illegible]

... [illegible] ... ظاهر ... [illegible]

مشهور ... [illegible] ... صحیح است ... [illegible]

... [illegible] ... اعتقاد ایشان اینست که حق سبحانه و تعالی ... [illegible]

الله ... علیهم ... [illegible] ... لعنهم الله ... [illegible]

چنانچه ... [illegible] ... محمد و آل محمد ... [illegible] ... اذان ... [illegible]

روایات ایشان ... شهادت ... رسالت ... شهادت ... علی ... [illegible]

و ... [illegible] ... الله ... [illegible] ... ایشان ... [illegible]

و ... شهادت ... علی امیر ... [illegible]

در آنکه علی علیه السلام است خلیفهٔ آلهی و شکی نیست که علی امیر مومنان است البته و شکی نیست که محمد و آل او بهترین خلق‌اند بقصد

لیکن در اصل اذان نیست و اذان کلماتیست که متلقی از شارع اکرمی کلمه لا اله الا الله و اکبر بهترین عبادات

در این کلمات نیست زیاده کنند در اذان تشریع کرده است و از این جهت این روایات موضوعه را ذکر کردم تا باین زیاده

ظاهر شوند جمعی که متهم اند به تفویض و تدلیس میکنند و خود را از شیعیان میدانند ... [illegible] ... شیعه اند

پس همین که این روایات را در کتب خود ... [illegible] ... ظاهر خواهد شد که کاذبند در تشیع بلکه اند

غلاة مفوضه اند و از این کلام ظاهر میشود که در زمان صدوق جمعی از غلاة بوده اند و ایشان در کتب خود

این اخبار را ذکر کرده اند ... [illegible] ... در کتب حدیث که بما رسیده است غیر از این عبارات که صدوق

ذکر کرده است و از کلام محققین و معتبرین و علماء شیعه ظاهر میشود ... [illegible] ... ذکر کرده اند که اخبار شاذه

بر این زیادتها وارد شده است ... [illegible] ... آنست که خبر صحیح ... [illegible] ... در زمان

محقق و علامه کتب حدیث ما بسیار بود ... [illegible] ... این اخبار موضوعه است مگر آنکه

یکی از معصومین صلوات الله علیهم فرموده باشند ولیکن اگر کسی این کلمات را باین عنوان گوید که اگر مطلوب شارع باشد

... [illegible] ... تبرک ... [illegible] ... بعید نیست ... [illegible] ... چون در اکثر

بلاد شایع است بسیار شنیده ایم که جمعی ترک کرده اند ... [illegible] ... در خدمت

استاد مولانا عبد الله طاب ثراه ... [illegible] ... مرض

بودم ... [illegible] ... اذان و اقامه اشهد ان علیا ولی الله را دو مرتبه ... [illegible]

... [illegible] ... جمعی شنیدیم که فلان ... [illegible]

... [illegible] ... تقیه ... [illegible] ... بلفظ تقیه بگوییم مجملا

دیگر ... [illegible] ... اول اذان و اقامت ... [illegible]

لا اله الا الله ... اشهد ان محمدا رسول الله حی علی الصلوة حی علی الفلاح حی علی خیر العمل الله اکبر لا اله الا

الله ... [illegible] ... قد قامت الصلوة بعد از حی علی خیر العمل ... [illegible]

اقامت ... [illegible] ... مشهور است ... در تکبیر اول اقامت ... [illegible]

۱۹۷

کرد که اگر اقامت را متصل گویند با اذان بیک تکبیر اکتفا کنند و اگر منفصل واقع سازند بچهار تکبیر بگویند بنا آنکه
ظاهر خبر مجمل است یا آنکه دو تکبیر اقامت مخیر باشند میان دو و چهار و شیخ طوسی رحمه الله تعالی ذکر کرده است
که در بعضی از روایات واقع شده است سی و هفت فصل یا آنکه تکبیر اقامت را چهار مرتبه بگویند و در بعضی از
روایات چهل و دو فصل یا آنکه تکبیر اذان و اقامت را چهار مرتبه بگویند در اول و چهار مرتبه در آخر و
تهلیل را دو مرتبه بگویند در اذان و اقامت ذکر کرده است که بهر روایتی که عمل کنند خوبست اگرچه عمل
باشهر بهتر است و الله تعالی یعلم و قال الصادق صلوات الله علیه فی المؤذنین انهم الامناء و
از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که مؤذنان که ایشان امنا اند یعنی میباید
امین و عادل باشند تا جمیع که معتمد و زنها اعتماد باذان ایشان توانند کرد و در حدیث بلال نیز خواهد آمد
و در حدیث کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که مؤذن مؤتمن و محل
امانتست و امام ضامنست و در حدیث موثق از عمار منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه پرسیدند که آیا اذان غیر شیعه اثنا عشری صحیح است حضرت فرمودند که اذان او صحیح نیست و
امامت او صحیح نیست ظاهر این حدیث آنست که اذان غیر مؤمن صحیح نیست قال [illegible] صلوات الله علیه صل الجمعة
باذان هؤلاء فانهم اشد شیء مواظبة علی الوقت و در حدیث صحیح منقولست از ذریح که گفت حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که نماز جمعه را باذان این سنیان بکن [illegible] بسیار احتیاط
در آنکه نماز را در اول وقت بجا آورند یعنی در دخول وقت نیز ماهرانند و در مکه معظمه نیز مشاهده شده سعی
مهارت ایشان و در حدیث کالصحیح منقولست از محمد بن خالد که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که ما ترسانیم از آنکه نماز جمعه را پیش از زوال بجا آوریم حضرت فرمودند که اگر چنین شود که از این
مؤذنان [illegible] تخیر وقت بر مؤذنانست بر شما نیست و از این دو حدیث ظاهر میشود که اعتماد بر مؤذن سنی
میتوان کرد و جمعی گفته اند که چون نماز جمعه ایشان باطلست چون شرط است امام که اثنا عشری باشد
پس نماز جمعه را که واقع میسازند تقیه بجا می آورند در وقتی که خواهند بجا میسازند یا آنکه چون اغلب
اوقات مؤذنان بسیار اذان میگویند در اول وقت و بسا باشد که از کثرت هم علم بهم رسد [illegible]

[197]

چنانکه
اعتماد بر اذان [illegible] نمیتوان کرد در حالت اضطرار اگرچه ظاهر این اخبار آنست که [illegible] قول اقوی است
اشتمال مسلمانان [illegible] بر صحت [illegible] بر صحت [illegible] که [illegible] یک وقت را
[illegible] تا علم بهم رسانند نماز نکنند و ظاهرا اعتماد بر اذان مسلمانان نمیتوان کرد هرگاه جمعی کثیر نماز
کنند و الله تعالی یعلم و ینبغی ان یکون بین الاذان و الاقامة جلسة الا المغرب فانه یجزی
بین الاذان و الاقامة نفس و سزاوار آنست که در میان اذان و اقامت [illegible] نشستن میکرده باشند مگر در
نماز شام که در آنجا کافیست بمقدار نفس کشیدن و بر این مضمون حدیث قوی از حضرت امام جعفر صادق
وارد شده است و در حدیث صحیح از بزنطی منقولست که حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند که در هر
نمازی اذان و اقامت نشستنی هست و کافیست از اقامت [illegible] که آنرا بجا آورد [illegible] ما بین
نماز ظهر و عصر بهتر آنست که دو رکعت از نافله را در میان دو واقع سازد چنانچه در حدیث کالصحیح
از [illegible] صلوات الله علیهما منقولست که حضرت فرمودند که اذان میگویی از جهت نماز ظهر بعد از آنکه شش
رکعت نافله ظهر را کرده باشی و همچنین اذان میگویی از جهت نماز عصر بعد از آنکه شش رکعت نافله عصر که
بعد از نماز ظهر بجا می آوری و در حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که لا بد است
در میان اذان و اقامت از نشستنی و در حدیث موثق از عمار منقولست که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] نماز واجب اذان و اقامت بگو و فاصله کن میان هر دو
بنشستنی یا بکلامی یا بتسبیحی و حضرت فرمودند که اگر فاصله را [illegible] ترک کنی یا گویی
و عمدا ترک نکنی [illegible] کرده [illegible] حضرت فرمودند که الحمد لله و
[illegible] حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هر که بنشیند در میان اذان و اقامت
[illegible] که شهید [illegible] در [illegible] خود [illegible] در حدیث صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست
کرده میان اذان و اقامت [illegible] استحباب [illegible] و در حدیث صحیح
از [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را دیدم که اذان و اقامت گفتند
[illegible] که نماز [illegible] در میان هر دو [illegible] عبد الرحمن بن [illegible] ابی عبد الله من الصادق [illegible]

علیه السلام قال یجزئک فی السفر اقامة بغیر اذان و بسند صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند
که در سفر کافیست اقامت بدون اذان و در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که
فرمودند که اذان و اقامه دو دو است و اگر کسی اقامت را دو دو بگوید در نماز واجب کافیست و اگر کسی اقامت را
یک یک بگوید از اذان مجزی نیست و در حدیث قوی از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند
که اگر اقامت بگوید دو دو بهتر است نزد من از آنکه اذان و اقامت را یک یک بگوید و در حدیث حسن منقولست
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که اذان در سفر مقصور میشود چنانکه نماز قصر میشود
اذان یک یک است و اقامت یک یک و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
که فرمودند که مجزیست ترا در سفر که اقامت را یک یک بگوئی و هر یک که عمل کند خوبست اگرچه اول
بهتر است و از این عبارات ظاهر میشود که در حضر کافی نباشد اقامت تنها بلکه لازم باشد اذان [illegible]
بلکه در [illegible] چنانکه گذشت و در حدیث عمار و در حدیث صحیح از ابان از محمد بن مسلم و فضیل منقولست
از ائمه صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین که فرمودند که مجزیست ترا در سفر اقامت تنها و در احادیث صحیحه
منقولست که اگر کسی تنها نماز کند اکتفا باقامت میتواند کرد و در حدیث صحیح ابان کالصحیح منقولست
که اکتفا باقامت میتوان کرد در همه نمازها مگر در نماز صبح و شام که در اذان آن تقصیر نیست چنانکه در
دو نماز تقصیر نیست یعنی در سفر و حضر اذان و اقامت میگوید و [illegible] است
استحباب چنانکه گذشت و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند
که آیا در نماز شام اکتفا میتوان کرد باقامت تنها بدون اذان حضرت فرمودند که باکی نیست ولیکن دوست
نمیدارم که عادت کنند بترک اذان و در صحیح از علی منقولست که سوال کردم از حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه که آیا مرد را کافیست در سفر و حضر که اکتفا باقامت کند بی اذان حضرت فرمودند که باکی
نیست و در حدیث دیگر وارد شده است که هرگاه استعجال کسی بکند اکتفا باقامت میتوان کرد یعنی در نماز
جماعت و احوط آنست که ترک نکند اذان و اقامت را در نماز جماعت و همچنین [illegible] نماز
صبح و شام و روی ابو بصیر عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه قال اذا اذنت فی البیت او

فی بیتک ثم اقمت فی المسجد اجزاک و در موثق کالصحیح منقولست از ابو بصیر که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه اذان بگوئی در خانه خود و اقامت را در مسجد بگوئی مجزیست
ترا و بهمین مضمون احادیث صحیحه از عبد الله بن سنان و محمد بن مسلم و بزنطی و غیر ایشان وارد شده است
و دلالت میکند بر آنکه اذان را در همه حال واقع میتوان ساخت و میباید که اقامت را بر حالتی بجا آرد که حالت نماز
واقع سازد باآنکه با وضو و رو بقبله و ایستاده واقع سازد و بر همین چنانکه گذشته و کان صلوات
الله علیه یؤذن و یقیم غیره و کان یقیم و قد اذن غیره و از اسماعیل بن جابر منقولست که بسیار
بود که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه اذان میگفتند و غیر آنحضرت اقامت میگفت و بسیار
بود که حضرت اقامت میگفتند و دیگری اذان گفته بود و چون کلینی و شیخ این حدیث را از اسماعیل روایت کرده اند
و طریق صدوق بکتاب اسماعیل صحیح است بحسب ظاهر حدیث صحیح است و دلالت میکند بر آنکه لازم نیست که مؤذن
و مقیم یکی باشد بلکه سنت است که دو کس باشند و سنت است که امام یکی از هر دو را بگوید و در کافی از هشام
بن ابراهیم الی ابی الحسن الرضا صلوات الله علیه سقمه و انه لا یولد له فامره ان یرفع صوته بالاذان
فی منزله قال ففعلت ذلک فاذهب الله عنی سقمی و کثر ولدی قال محمد بن راشد و کنت دائم
العلة ما انفک منها فی نفسی و جماعة خدمی و عیالی حتی انی کنت ابقی و ما لی احد یخدمنی
فلما سمعت ذلک من هشام عملت به فاذهب الله عنی و عن عیالی العلل و الحمد لله و منقولست بسند
صحیح از علی بن مهزیار از محمد بن راشد از هشام که از اصحاب حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله
و علیه بود گفت شکایت کردم بآنحضرت که همیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود حضرت فرمودند که صوت
[illegible] آواز خود را باذان بلند کن در خانه هشام گفت که چنین کردم حق سبحانه و تعالی
بیماری را از من برداشت و اولاد مرا بسیار کرد راوی از محمد بن راشد میگوید که من همیشه بیمار بودم و نیز
از بیماری نبودم خودم و جمعی از خدمتکاران و عیال من تا آنکه بسیار بود که همه بیمار بودند که کسی نبود که خدمت
مرا کند [illegible] از هشام شنیدم باین عمل کردم و اذان را در خانه بلند میگفتم حق سبحانه و تعالی بردا[شت]
بیماری را از من و از یاران من و الحمد لله رب بر این نعمت همه نعمتهای الهی و در حدیث صحیح منقولست از امام جعفر

که از آن حضرت صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که در خانهٔ خود اذان بگوید که دفع میکند شیطان را و سنت است
از جهت تعلیم اطفال و دفع شر شیاطین از ایشان و روی ان من سمع الاذان فقال کما یقول المؤذن زید
فی رزقه و روایت کرده است صدوق ... از سلیمان که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیه که چه وجه دارد که حکایت اذان مستحب است با آنکه هر چه مؤذن بگوید آن را هر که بشنود بگوید
هر چند بر بول و غائط باشد حضرت فرمودند که حکایت اذان مستحب است سبب زیادتی روزی و نیست صدر
احتضار ... در بخار ... یعنی ... گذشته و روی عن عبد الله بن علی قال حملت
متاعی من البصرة الی مصر فقدمتها فبینما انا فی بعض الطریق اذا انا بشیخ طویل شدید الادمة
ابیض الرأس واللحیة علیه طمران احدهما اسود والآخر ابیض فقلت من هذا فقالوا هذا
بلال مولی رسول الله صلی الله علیه و آله فاخذت الواحی فاتیته فسلمت علیه فقلت له السلام
علیک ایها الشیخ فقال و علیک السلام قلت یرحمک الله حدثنی بما سمعت من رسول الله
صلی الله علیه و آله فقال و ما یدریک من انا فقلت انت بلال مؤذن رسول الله صلی الله علیه
و آله قال فبکی و بکیت حتی اجتمع الناس علینا و نحن نبکی قال ثم قال یا غلام من ای
البلاد انت قلت من اهل العراق فقال بخ بخ فمکث ساعة ثم قال اکتب یا اخا اهل العراق
بسم الله الرحمن الرحیم سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول المؤذنون امناء المؤمنون
علی صلواتهم و صومهم و لحومهم و دمائهم لا یسألون الله عز و جل شیئا الا اعطاهم و لا یشفعون
فی شیء الا شفعوا منقولست بسند قوی از عبد الله بن علی و ظاهر صدوق ... که کتاب ... بوده
که سلام ... بعضی از صحابه ... کرده است گفت که متاع خود را از بصره بمصر بردم و چون داخل شهر شدم در
راهی بودم مردی پیری بسیار بلند بسیار سیاه ... موی سر و ریش سفید دیدم که دو جامهٔ کهنه پوشیده بود
یکی سیاه و دیگری سفید بود ... پرسیدم که این کیست گفتند
که این بلال است آزاد کردهٔ حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم پس ... الواح
بر آن ... برداشتم چنانکه عادت طلبه بود که بر تختها مینوشتند ... کرده ...

... بود که بر تختها مینوشتند و با خود میداشتند پس بنزد بلال آمدم و بر او سلام کردم
این عنوان که السلام علیک ای مرد پیر گویا مرد پیر بود در جواب گفت و علیک السلام و رحمة الله
هست یعنی رحمة الله و برکاته و غرض از او اول آنست که سلام او را از خدا طلبید و بعد از آن سلام خود را
یعنی امید دارم که حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد خبر ده مرا از احادیثی که شنیده از حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم پس بلال گفت که تو چه میدانی که من کیستم و ظاهرا غرض آن بود که ببیند که کیست
تا اگر اهل آن باشد که حدیث نقل کند بکند و الا فلا و محتملست که ملاحظه ... الماده باشد پس من گفتم
که تو بلالی مؤذن حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم راوی گوید که چون بلال اسم حضرت را شنید
بگریه در آمد و من نیز بسبب گریهٔ او یا مثل او بگریه در آمدم تا آنکه مردمان بر ما جمع شدند و ما میگریستیم پس
بلال گفت که ای پسر از کدام شهری گفتم از اهل عراقم گفت به به چون اهل عراق شیعه حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه بودند با آنکه ایشان بسیار سعی میکردند در طلب حدیث پس ساعتی مکث نمود و در بعضی
از نسخ چنین است که ثم مکث ساعة پس ساعتی خاموش شد و در دین ... فکر کرده باشد که چه حدیث نقل کند
پس گفت بنویس ای برادر عراقی یعنی ای عراقی بسم الله الرحمن الرحیم چون مستحب است که هر چه نویسند
اگر چه شعر باشد که ابتدا به بسم الله کنند و سلف اکثر ایشان امثال اینها را رعایت میکردند و چون
... علم ... و رغبتها کم میشود و طبایع متفرق میشود خلف ترک آن کرده نه نوشتن اما
... میگفتند تا با اینجا رسید که اصل و فرع همگی متروک شد پس شنیدم از حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله و سلم که میفرمودند که مؤذنان امینان مؤمنانند بر نماز ایشان ... نسبت بهمه کس یا
سنت ... روزهٔ ایشان از جهت ابتدای ... چنانکه خواهد آمد در صوم و در
گوشتهای ایشان یعنی که مؤذنان اذان میگویند غیبت اهل آن شهر نمی کنند و الا گوشت ایشان را بغیبت
بخورند اگر چه چنین صورت جائز است غیبت ایشان و لیکن چون متعارف اینست که غیبت همه کس میکنند
که گناهی ... بلکه بعضی کارها کنند که از جانب سلطانان عهد کرده اند که اذان بگویند یا از بیت المال
... از جهة ایشان چیزی مقرر ساخته اند که بگیرند و اذان ... بگویند و محتملست که از ...

مجازست که بلیله هرچند غیبت هم جایز باشد به نوعی که همه تقصیر کرده باشند
بحیثیت جرم باشد عبارت اذان تغییر نموده اند و امین مومنان بنحو نمای ایشان بجوید و اخبار
بسیار وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم مقرر ساخته بودند که لشکر که
بر سر جمعی میفرستادند ملاحظه مینمودند که اگر اذان میگفتند میدانستند که مسلمانانند و الا ایشان را
غارت میکردند و مردان را میکشتند و زنان و اطفال را اسیر میکردند و جمعی از علما گفته اند که چون اذان
از شعایر اسلام است اگر اهل شهری اتفاق کنند بر ترک اذان اولا امام زمان ایشان را تخویف میفرماید
اگر بر ترک آن اصرار نمایند جایز است امام را که قتل همه مردان ایشان بکند و چون احادیث صحیحه که
دلالت میکند بر آنکه اذان و اقامت سنت است حمل کرده اند بحث دایر آنکه مستوجب عقاب دیوی
میشوند و ظاهر آنست که بر ترک آن مستوجب عقاب اخروی میشوند چنانکه خواهد آمد در زیارت حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که اگر حاجیان ترک کنند امام جبر میکند ایشان را بر زیارت و اگر مخالفت کنند
همه را میکشد با آنکه زیارت نیز سنت است و … خواهد آمد پس حضرت فرمودند که موذن
چیزی از حق سبحانه و تعالی سوال نمیکند مگر آنکه باو عطا میفرماید و شفاعت میکند … و
شفاعت ایشان را قبول میفرماید گفتم زدنی یرحمک الله قال اکتب بسم الله الرحمن الرحیم سمعت
رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من اذن اربعین عاما محتسبا بعثه الله عز و جل یوم
القیمة و له عمل اربعین صدیقا عملا مبرورا متقبلا قلت زدنی یرحمک الله قال اکتب
بسم الله الرحمن الرحیم سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من اذن عشرین عاما
بعثه الله عز و جل یوم القیمة و له من النور مثل زهرة السماء قلت زدنی یرحمک الله قال
اکتب بسم الله الرحمن الرحیم سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من
اذن عشر سنین اسکنه الله عز و جل مع ابراهیم الخلیل فی قبته او فی درجته قلت زدنی یرحمک
الله قال اکتب بسم الله الرحمن الرحیم سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول
من اذن سنة واحدة بعثه الله عز و جل یوم القیمة و قد غفرت ذنوبه کلها بالغة ما

بلغت و لو کان مثل زنة جبل احد عبد الله بن علی گفت گفتم زیاده کن از افادات خود تا حق سبحانه و تعالی
ترا رحمت کند گفت بنویس بسمله را شنیدم از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمودند که
هرکه چهل سال اذان بگوید از جهت اعلام بالغ خالصا لله حق سبحانه و تعالی او را در روز قیامت مبعوث کند
با او ثواب عمل چهل صدیق که طاعت فرمایند که همه آن اعمال مبرور و مقبول باشند و صدیق کسی است که
هرچه رسل گفته باشند تصدیق انبیا کرده باشد گفتم زیاده کن مرا از فواید خود تا حق سبحانه و تعالی
ترا رحمت کناد گفت بنویس بعد از بسمله که شنیدم از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که
میفرمودند که هرکه بیست سال اذان بگوید لله چنانکه گذشت مبعوث کند او را حق سبحانه و تعالی
در روز قیامت و او را از نور مثل وزن آسمان بوده باشد و این از باب تشبیه معقول بمحسوس
گفتم زیاده کن مرا از علوم خود تا حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد گفت بنویس بعد از بسمله که شنیدم از
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمودند که هرکه ده سال اذان بگوید حق سبحانه و تعالی او را
ساکن سازد با حضرت ابراهیم دوست خدا در قبه که حق سبحانه و تعالی از جهة او مقرر فرموده است یا در
درجه آنحضرت یعنی در قبه مثل آن قبه یا درجه مثل آن درجه و ظاهر اشارتست به نعمتهای او و ممکن است که
در نعمتهای ظاهری موافق باشند با آنحضرت و در نعمتهای باطنی زیادتی داشته باشد و مستبعد نیست
مطلقا … از خالصا … که در یک فعل اخلاص است در همه افعال خالص است چنانکه مجربست
و ممکن که … ثواب عظیم است و تردید از راوی است که نمی داند که قبه گفت یا درجه گفتم زیاده
… شنیده تا حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد گفت بنویس بعد از بسمله که شنیدم از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که هرکه یک سال اذان بگوید حق سبحانه و تعالی او را مبعوث کند در روز
قیامت و همه گناهان او آمرزیده باشد هرچند بسیار باشد و اگرچه سنگینی کوه احد باشد قلت زدنی یرحمک الله
قال نعم فاحفظ و اعمل و احتسب سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من اذن فی سبیل الله صلوة
واحدة ایمانا و احتسابا و تقربا الی الله عز و جل غفر الله له ما سلف من ذنوبه و من علیه بالعصمة فیما
بقی من عمره و جمع بینه و بین الشهداء فی الجنة قلت زدنی یرحمک الله حدثنی باحسن ما سمعت من

کفت

بالعصمة

رسول الله صلی الله علیه وآله قال ویحك یا غلام قطعت انیاط قلبی وبکی وبکیت حتی انی
لرحمته ثم قال اکتب بسم الله الرحمن الرحیم سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول اذا کان
یوم القیمة وجمع الله عز وجل الناس فی صعید واحد بعث الله عز وجل الی المؤذنین بملائکة
من نور معهم الویة واعلام من نور یقودون جنائب ازمتها زبرجد اخضر حقایبها او
حقایبها المسك الاذفر یرکبها المؤذنون فیقومون علیها قیاما تقودهم الملائکة ینادون
باعلی صوتهم بالاذان ثم بکی بکاء شدیدا حتی انتحبت وبکیت فلما سکت قلت مم بکاؤك
فقال ویحك ذکرتنی اشیاء سمعت حبیبی وصفیی صلوات الله علیه وآله یقول والذی بعثنی
بالحق نبیا انهم لیمرون علی الخلق قیاما علی النجائب فیقولون الله اکبر الله اکبر واذا
قالوا ذلك سمعت لامتی ضجیجا فسأله اسامة بن زید عن ذلك الضجیج ما هو فقال الضجیج
التسبیح والتحمید والتهلیل فاذا قالوا اشهد ان لا اله الا الله قالت امتی ایاه کنا نعبد فی
الدنیا فیقال صدقتم فاذا قالوا اشهد ان محمدا رسول الله صلی الله علیه وآله قالت امتی هذا
الذی اتانا برسالة ربنا جل جلاله فآمنا به ولم نره فیقال لهم صدقتم هذا الذی ادی الیکم
الرسالة من ربکم وکنتم به مؤمنین فحقیق علی الله عز وجل ان یجمع بینکم وبین نبیکم و
ینتهی بهم الی منازلهم وفیها ما لا عین رأت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر
گفتم زیاده کن مرا از اخباری که شنیدهٔ از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم حق سبحانه وتعالی ترا رحمت کند گفت
بلی میگویم ولیکن تو حفظ کن و عمل کن خالصا لله تعالی شنیدم از حضرت سید المرسلین [illegible]
که میفرمودند که هر که یك اذان بگوید [illegible] خدا که جهاد باشد [illegible] الله بگوید [illegible] وخالصا [illegible]
بمحض رضای الهی حق سبحانه وتعالی گناهان گذشتهٔ او را بیامرزد و انعام کند ویاری کند در عصمت و حفظ
الهی باشد در بقیهٔ عمر او و در بهشت باشد در یکجا با شهدا گفتم زیاده کن مرا از احادیث تا حق سبحانه وتعالی
ترا رحمت کند گفت [illegible] بهترین احادیثی که از حضرت سید المرسلین صلوات الله وسلامه علیه وآله شنیدهٔ
گفت [illegible] این کلمه [illegible] میگویند [illegible] زبان عجم آنکه خلق را [illegible]

در باره بلال [illegible] کرده بگریه در آمد [illegible] من نیز گریستم [illegible] که برادرم [illegible] گفت
بنویس [illegible] که شنیدم از حضرت [illegible] صلی الله علیه وآله که میفرمودند که چون روز قیامت
شود حق سبحانه وتعالی خلایق را در یك زمین حشر کند خواهد فرستاد فرشتگان نورانی را بسوی موذنان [illegible]
با لواها و علمهای نورانی و جنیبتها را کشند یعنی [illegible] که زمامهای آنها را
از زبرجد سبز باشد و حقیبها که در عقب پالان [illegible] باشد [illegible] از مشك [illegible]
[illegible] باشد [illegible] از [illegible] بهشت [illegible]
باشد و نسخهٔ اول موافق است با امالی چون عرب [illegible] خواهند آورد یا آنکه
شتران بهشت [illegible] نهایت [illegible] باشد [illegible] مناسبتی [illegible] با شتران دنیا و موذنان بر آنها
سوار شوند [illegible] شتران [illegible] آنها [illegible] تعظیم و موذنان باواز بلند
اذان گویند پس بگریه افتاد [illegible] که آواز او بلند شد [illegible] پس من [illegible] بلند [illegible] گریه کردند
چون خاموش شد پرسیدم [illegible] این همه گریه [illegible] حق سبحانه وتعالی ترا بیامرزد [illegible]
[illegible] از [illegible] خود [illegible] چنین [illegible] آنحضرت صلوات الله علیه وآله
[illegible] بلال [illegible] قلوب [illegible]
چون [illegible] گریه [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم میفرمودند که
[illegible] که [illegible] پیغمبری فرستاده [illegible] موذنان [illegible] خواهند گذشت [illegible]
[illegible] و گویند الله اکبر الله اکبر پس [illegible] تکبیر [illegible] گویند [illegible] عظیم [illegible]
[illegible] اسامة بن زید [illegible] حضرت [illegible] بود [illegible] خواهند
[illegible] میگویند [illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله خواهد بود و چون موذنان [illegible]
گفتند [illegible] خواهند گفت [illegible] و چون موذنان گویند اشهد ان محمدا رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم [illegible] امالی [illegible] زیاده [illegible] باشد [illegible] گویند که این پیغمبر است
که [illegible] حق سبحانه وتعالی [illegible] و ما باو ایمان آوردیم با آنکه او را ندیده بودیم [illegible] گویند

که ماست که نتوان بر شمرد است که اداى رسالت بسوى شما کرد از جانب پروردگار [illegible]
و دانید پس وحق سبحانه و تعالى [illegible] هم است که شما را محشور کند پیغمبر شما پس ملایکه بودند [illegible]
بمنزلهٔ آنکه حق سبحانه و تعالى بهشت از جهت ایشان مقرر ساخته و در آنجا باشد آنچه چشمها
ندیده باشد و گوشها نشنیده باشد و بر خاطر آدمی خطور نکرده باشد و لیکن ممکن است که وصف
توضیحی باشد جهت جمیع نعمتهای بهشت جنس آن ممکن است که وصف متوان باشد چون نعمتهای
ظاهرهٔ بهشت [illegible] متشابهی ظاهرهٔ دنیا و این نعمتها [illegible] که ما با آن
نرسند تصور آن نتوان کرد چنانکه در احادیث سابقه وارد است که مهیا ساخته ام از جهت بندگان
صالح آنچه را چشم ندیده باشد و گوش نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَقَالَ
إِنِ اسْتَطَعْتَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ أَنْ لَا تَمُوتَ إِلَّا وَأَنْتَ مُؤَذِّنٌ فَافْعَلْ فَقُلْتُ يَرْحَمُكَ اللهُ وَتَفَضَّلْ
عَلَيَّ بِحَدِيثٍ فَإِنِّي فَقِيرٌ مُحْتَاجٌ وَأَدِّ إِلَيَّ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّكَ قَدْ
رَأَيْتَهُ وَلَمْ أَرَهُ وَصِفْ لِي كَيْفَ وَصَفَ لَكَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِنَاءَ الْجَنَّةِ فَقَالَ اكْتُبْ
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّ سُورَ الْجَنَّةِ لَبِنَةٌ مِنْ
ذَهَبٍ وَلَبِنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَلَبِنَةٌ مِنْ يَاقُوتٍ وَمِلَاطُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ وَشُرَفُهَا الْيَاقُوتُ الْأَحْمَرُ
وَالْأَخْضَرُ وَالْأَصْفَرُ قُلْتُ فَمَا أَبْوَابُهَا قَالَ إِنَّ أَبْوَابَهَا مُخْتَلِفَةٌ بَابُ الرَّحْمَةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ قَالَ فَمَا
حَلْقَتُهُ فَقَالَ وَيْحَكَ كُفَّ عَنِّي فَقَدْ كَلَّفْتَنِي شَطَطًا قُلْتُ مَا أَنَا بِكَافٍّ عَنْكَ حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَيَّ مَا
سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اكْتُبْ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَابُ الصَّبْرِ فَبَابٌ
صَغِيرٌ مِصْرَاعٌ وَاحِدٌ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ لَا حَلَقَ لَهُ وَأَمَّا بَابُ الشُّكْرِ فَإِنَّهُ مِنْ يَاقُوتَةٍ بَيْضَاءَ لَهَا
مِصْرَاعَانِ مَسِيرَةُ مَا بَيْنَهُمَا خَمْسُمِائَةِ عَامٍ لَهُ ضَجِيجٌ وَحَنِينٌ يَقُولُ اللّٰهُمَّ جِئْنِي بِأَهْلِي قَالَ قُلْتُ
هَلْ يَتَكَلَّمُ الْبَابُ قَالَ نَعَمْ يُنْطِقُهُ اللهُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَمَّا بَابُ الْبَلَاءِ هُوَ بَابُ الصَّبْرِ
قَالَ لَا قُلْتُ فَمَا الْبَلَاءُ قَالَ الْمَصَائِبُ وَالْأَسْقَامُ وَالْأَمْرَاضُ وَالْجُذَامُ وَهُوَ بَابٌ مِنْ يَاقُوتَةٍ صَفْرَاءَ
مِصْرَاعٌ وَاحِدٌ مَا أَقَلَّ مَنْ يَدْخُلُ فِيهِ قُلْتُ يَرْحَمُكَ اللهُ زِدْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فَإِنِّي فَقِيرٌ قَالَ يَا غُلَامُ

بدل مسیرة

لذت که کلفتنی شططا پس نظر کرد بسوی من و گفت اگر توانی و حال آنکه قوت بر افعال خیر نیست مگر بعون
الهی چنان کن که نمیری مگر آنکه مؤذن باشی یعنی همیشه اذان بگو تا آنکه از دنیا بروی پس گفتم که حق
سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد و تفضل کن بر من و خبر ده مرا که من فقیر و محتاجم و برسان بمن آنچه را شنیده از
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم بدرستی که تو آنحضرت را دیده و من ندیده ام او را وصف کن از برای
من آنچه را آنحضرت از برای تو وصف کرده است از بنای بهشت پس گفت بنویس بعد از بسمله که شنیدم از
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمودند که دیوار حصار بهشت یعنی حصار خانهٔ هر کس
یک خشت از طلا است و یک خشت از نقره است و یک خشتی از یاقوت و گل بنای آن از مشک نابست و
کنگرهای آن حصار از یاقوت سرخ و سبز و زرد است گفتم درهای بهشت از چه چیز است گفت درهای
آن مختلف است در رحمت از یاقوت سرخ است گفتم حلقهٔ آن از چه چیز است گفت خدا ترا رحمت کناد دست از
من بدار که تکالیف ما لا یطاق بر من مینمائی گفتم دست از تو بر نمیدارم تا برسانی بمن آنچه را شنیده از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم گفت بنویس [illegible] از جمله اما باب صبر پس در بیست کوچک
یک لنگه در است از یاقوت سرخ و حلقه ندارد یعنی چون نادر است صبر کردن در مصائب در آن
صغیر است زیرا که بزرگی در بسبب بسیاری آن جماعتی است که از آن در داخل بهشت میشوند
و اما باب شکر پس آن در بیست از یاقوت سفید و آن دو لنگه در است و فراخی میان هر دو پانصد ساله
است آن را صدا و نالهٔ عظیم است و میگوید که خداوندا اهل مرا بنزد من آور گفتم که آیا در حرف میزند
گفت حق سبحانه و تعالی آن را در سخن در می آورد آن خداوندی که از آن اعظم است و صفا [illegible] توان کرد و
درمش از آن بیشتر است که در وصف در آید و اما باب بلا پس گفتم که باب بلا باب صبر نیست گفت نه گفتم پس بلا
کدامست گفت مصیبتها و بیماریها و مرضهای صعب و خوره و این در از یاقوت زرد است و یک لنگه دارد
چه بسیار کم است کسی که از این در داخل شود زیرا که اکثر اهل مصائب جزعها و شکایتها با اهل میکنند و فرق
میان بلا [illegible] آنست که حق سبحانه و تعالی بسبب بلاها اجر میدهد یا ثواب میدهد از روی تفضل از [illegible]
چون [illegible] نعم است که مقارن تعظیم اعلا است هر گاه از کسی [illegible] باشد استحقاق [illegible]

ندارد ولیکن ممکنست که حق سبحانه و تعالی تفضل کند بسبب آنکه مستحق اجر میشود و اگر صبر کند در آن
بلا مستحق ثواب بی حساب میشود گفتم حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد زیاده کن از فواید خود بر من
و تفضل کن بر من هر چند استحقاق آن ندارم چون من فقیر و بیچاره ام پس گفتا ای برادر تکالیف مرا از
حد بدر بردی و زیاده از حد بر من تکلیف کردی اما الباب الاعظم فیدخل منه العباد الصالحون
و هم اهل الزهد و الورع و الراغبون الى الله عز و جل المستأنسون به قلت يرحمك
الله و اذا دخلوا الجنة ماذا يصنعون قال يسيرون على نهرين في مصاف في سفن
الياقوت مجاذيفها اللؤلؤ فيها ملائكة من نور عليهم ثياب خضر شديدة خضرتها
قلت يرحمك الله هل يكون من النور اخضر قال ان الثياب هي خضر و لكن فيها
نور من نور رب العالمين جل جلاله يسيرون على حافتي ذلك النهر قلت فما
اسم ذلك النهر قال جنة المأوى قلت هل وسطها غير هذا قال نعم جنة عدن و هي
في وسط الجنان و اما جنة عدن فسورها الياقوت الاحمر و حصاها اللؤلؤ قلت فهل
فيها غيرها فقال نعم جنة الفردوس قلت و كيف سورها قال ويحك كف عني
حيرت على قلبي قلت بل انت الفاعل في ذلك قلت ما انا بكاف لك حتى تتم لي الصفة
و تخبرني عن سورها قال سورها نور قلت الغرف التي فيها قال هي من نور رب العالمين
عز و جل قلت زدني يرحمك الله قال ويحك الى هذا انتهى الي رسول الله صلى الله
عليه و آله طوبى لك ان انت وصلت الى بعض هذه الصفة و طوبى لمن يؤمن به
قلت يرحمك الله انا و الله من المؤمنين بهذا قال ويحك انه من يؤمن او يصدق
بهذا الحق و المنهاج لم يرغب في الدنيا و لا في زهرتها و حاسب نفسه قلت انا مؤمن
بهذا قال صدقت و لكن قارب و سدد و لا تيأس و اعمل و لا تفرط و ارج و خف
و احذر ثم بكى و شهق ثلاث شهقات فظننا انه قد مات ثم قال فداكم ابي و امي لو رآكم
محمد صلى الله عليه و آله لقرت عينه حين تسألون عن هذه الصفة ثم قال النجا النجا

الوحي الوحي الرحيل الرحيل العمل العمل و اياكم و التفريط ثم قال و يحكم اجعلوني في حل
مما فرطت فقلت له انت في حل مما فرطت جزاك الله الجنة كما اديت و فعلت الذي يجب
عليك ثم ودعني و قال اتق الله و اد الى امة محمد صلى الله عليه و آله ما اديت اليك فقلت
افعل ان شاء الله فقال استودع الله دينك و امانتك و زودك التقوى و اعانك على
طاعته بمشيته اما دری که بزرگتر است از همه درها پس داخل میشوند از آن در بندگان شایسته
درگاه الهی و ایشان جمعی اند که [illegible] اند از دنیا و محبت آن و پرهیزکارانند از شبهات چه جای محرمات
و بیشتر راغبند بجناب اقدس الهی جل ذکره و فکر او میکنند و انیس و جلیس حق سبحانه و تعالی اند گفتم حق سبحانه
و تعالی ترا رحمت کناد چون ایشان داخل بهشت میشوند چه کار میکنند گفت سیر میکنند بر کناره دو نهر
در آبها و در امالی بسیار صحیح که قریب بزمان مصنف نوشته شده و جمعی کثیر از فضلا آنرا بر او
خوانده اند و تا غایت چنین کتابی باین تصحیح نبوده و از این نسخه ظاهر میشود که بعضی از علمای ما مقید
سعی نموده اند در تصحیح کتب دین نسخه و سایر نسخ امالی فی مصاف است یعنی سیر ایشان بر کنار دو
[illegible] صف صف ملائکه و جمعی از غلمان خواهند بود و می نشینند بر کشتیها از یاقوت که پاروهای آن
از مروارید باشد و بازهم موجود است که ملائکه و غلمان آن در جوف کشتی را سیر میدهند در آن کشتیها از شکال
باشند [illegible] جامه های سبز با خوش آینده پوشیده باشند و ظاهر آن است ملایکه حوران و غلمان باشند
حوران [illegible] اند یا طایفه دیگر باشند گفتم حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کناد آیا نور سبز میباشد
[illegible] تعالی آن جامه ها از نور ملاحظه است و ایشان بود و طرف نهر سیر
[illegible] تشبیها [illegible] تا کشتی نورانی و غلمانی که در کنار ایستاده باشند یا آنکه گاهی در میان
کشتی سیر کنند و گاهی در کنار این نهرها گفتم این نهر چه نام دارد گفت جنة المأوی یعنی نهر جنة المأوی
بود این نهر در ابتدا [illegible] تمامی آید گفتم آیا در میان این جنة جنتی دیگر هست گفت بلی جنة عدن یعنی
اقامت که هم [illegible] جنت المأوی باین اعتبار میانست که جای باد و دوام ایشانست
عدن در میان همه جنتهاست و اما جنة عدن پس حصار آن از یاقوت سرخ است و سنگریزه آن مروارید است

ورد و بعضی نسخ حصبا با باب در بعضی بون بابست هر دو وجه معنی است گفتم آیا در بهشت جویها در میان
جنتها هست دیگر هست گفت بهجت الفردوس است گفتم با در آن چه چیزاست گفت درجه خواهی بود تو یاد
دستان من بیاد است کرده بود او هر در بعضی از نسخ حیرت علی قلبی است یعنی از بسکه امثال این سؤالها کردی
دل من حیران گردید نمیخواهم دانست که چه گویم در جواب بگو بعد و در امالی مصحح حیرت علی قلبی است یعنی دلم
متوحش شد و متوجه آن عالم شده است و توجه اینجانب نتوانستم یاد آمرا مجروح ساختی یا سیاه
کردی که از مقام قرب الهی گفت گوی بهشت و اوصاف بهشت دعم بیان گفتم اگر تو با من
سخن نکردی که سوالات بهشت کردی و اوصاف آن تمام نمی‌گوئی و در امالی مصحح لفظ قلت در اینجا نیست
و در اکثر نسخ ضمیر هست و ظاهر اسهو نساخ است و سألتی تو بر نمی‌دارم ناتمام کنی از جهت من صفت
فردوس را ولکن حصار آن از چه چیز است گفت حصار آن از یاقوت نور است گفتم بالاخانهای آن از
چه چیز است گفت هم از نور پروردگار عالمیانست یعنی این مرتبه مقربانست در جنت ایشان قرب و محبت و معرفت
الهی است گفتم زیاده کن مرا از فوائد خود تا حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کند و در امالی مصحح در هر جا
یرحمك الله است و اینجا رحمك الله نیست ما برین جزاء امر ضوالله بود تا که دعائی بر من [illegible] بود
گفت رحمت خدا بر تو باد حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم تا اینجا فرموده و صفت بهشت خوشا حال تو
اگر برسی باین وصف آنرا گفتم انجمه تو با آنکه اعمال صالحه بجا آوری تا برسی بآن و در [illegible] است که
طوبی لك ان انت وصلت الی بعض هذه الصفة یعنی خوشا حال تو اگر [illegible] بهشت
یعنی بعض لفظ شنیدی اگر نیکو تفکر کنی بعد از یافتن مجاهد [illegible] صور
یعنی خوشا حال کسی که ایمان داشته باشد با آنچه من گفتم آنرا من گفتم که حق سبحانه و تعالی ترا رحمت کند
الله که من ایمان باینها دارم گفت و یحك یعنی یرحمك الله یا یعنی وای بر تو ای اکثر او قات هر یهود الزین
یعنی خواهند بود سنی که هر کس ایمان بیاورد و تصدیق کند و بیاورد این راه حق را بغیر ثبت نمیکنند [illegible]
[illegible] آن که بمنزله شکوفه بی بقاست بلکه خود یستیه بی بو و عبودیت اخود گفتم من ایمان
باینها دارم گفت راست گفتی ظاهر اغرض بلال ایمان حقیقی باشد [illegible] اطلاع نمی‌کند

ص ۲

گفت و نصیحت کن مرا گفت بلی است گفتی یعنی ایمان داری با ایمان ظاهری و لیکن قارب سدد یعنی
باب وسط را اختیار کن کم رتبه علی المقسط چنانکه اکثر محققین تفسیر کرده اند این معنی خوبست و لیکن از
لفظ بعید است و آن بهتر و بهتر بین آنست که نیت را خالص کن در همه اعمال که از جهت حق سبحانه و تعالی باشد
و تسدید اعمال کن که موافق قانون شرع اقدس باشد و همه تکالیف از بین دو معنی بر نیست و ار زحمت
الهی نا امید مشو هرچند اعمال تو چنانکه باید نباشد و عمل کن آنچه را فرموده اند و تقصیر مکن با افراط
مکن که از [illegible] رحمت الهی و از غضب الهی خایف باش پس بگو به
افتادم مرتبه [illegible] خود و کتمان کردیم مرده است کی کم فی الجمله [illegible] بنور هدایت الهی
منور شده باشی که [illegible] است امثال اینها پس چون بخود آمد گفت که مادرم و پدرم فدای شما باد اگر
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم شما را میدیدید که این سوالها را کنید چشم آنحضرت روشن
میشد یعنی بسیار خوشحال میشد پس گفت بود باشید و اعمال آخرت را زود بجا آورید که مبادا دو
صورت خود بود باشید و مرده باشید و زنده باشید یا رها آنچه بود و باشید و از شو
نتیجه آن تقصیر میکنند در اعمال خیر بنا کرد تقصیر میکنند در ترک افعال شر و میگفت که نگریه از این
مبالغه باشد پس دیگر گریه کرد که بسیار رجوع شده بود و گفت حق سبحانه و تعالی شما را رحمت کناد
[illegible] تفصیل که چون جواب سوالها را مشکل بود و نکاهل میورزید مقام معذرت آمد
[illegible] کردی ترا حلال کردیم حق سبحانه و تعالی ترا جزای نیکو دهد که آن بهشت است
چنانکه [illegible] دوستی بود و کردی آنچه واجب بود بر تو که آنرا بکنی پس مرا وداع کرد و گفت
ابلاغ بکن سلام مرا برسان بحضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هرچه را من بتو رسانیدم من گفتم که خواهم کرد
ان شاء الله پس گفت بحق سبحانه و تعالی میسپارم دین ترا و صلاح و تقوی ترا حق سبحانه و تعالی
تقوی را توشه سفر آخرت تو کند و یاوری دهد ترا که عمل کنی بطاعت چنانکه او میخواهد چون
[illegible] بعد برد و صدق این را ذکر کرده ایم که با ملائکه نوشته بود و علامه در امالی
گرم مشاهده تحقیق بطالب اگر رضی الله عنه آیات و احادیث متواتره و اولیا هدا [illegible]

قدما را قول بتوجیه بوده است که بسبب آن ایشان از علم حاصل بعینه [illegible] برین حکم بعضی علما اخبار
این کتاب کرده است عمده سبب آن مراد صدوق از تعبیر [illegible] اخبار میباشد که تعلق باحکام
داشته باشد و امثال این اخبار از جمله فضایل اعمالست و هر حدیثی نسبت بنابر احادیثی که سابقا
کذشت قد اذن رسول الله صلی الله علیه و آله و کان یقول اشهد انی رسول الله و قد
کان یقول فیه اشهد ان محمدا رسول الله لان الاخبار قد وردت بهما جمیعا و منقول
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم اذا [illegible] شهادت [illegible] بسیار
بود که میکفتند که کواهی میدهم که من رسول حق سبحانه و تعالی ام و کاه بود که میکفتند که کواهی میدهم که
محمد رسول خداست چون اخبار بهر یک وارد شده است بهر یک که کاه نام خود میبرده باشند و کاهی
بتجرید باشند تا جمع بین الاخبار شود و هیچ یک از اخبار طرفین در کتب حدیثی که بما رسیده است
الی الآن در کتب اصول بوده است و مطلب سهل است کان لرسول الله صلی الله علیه و آله مؤذنان
احدهما بلال و الآخر ابن ام مکتوم و کان ابن ام مکتوم اعمی و کان یؤذن قبل الصبح و کان
بلال یؤذن بعد الصبح فقال النبی صلی الله علیه و آله ان ابن ام مکتوم یؤذن بلیل فاذا
سمعتم اذانه فکلوا و اشربوا حتی تسمعوا اذان بلال فغیرت العامة هذا الحدیث عن
جهته و قالوا انه صلی الله علیه و آله قال ان بلالا یؤذن بلیل فاذا سمعتم اذانه فکلوا
و اشربوا حتی تسمعوا اذان ابن ام مکتوم بسند صحیح [illegible] منقولست که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم دو مؤذن بودند یکی از ایشان بلال [illegible] عبد الله بن ام
مکتوم بود و پیش از صبح اذان میکفت و بلال بعد از صبح اذان میکفت پس رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمودند که عبد الله در شب اذان میکوید پس چون اذان او را بشنوید بخورید و بیاشامید بر سبیل
استحباب سحور یا [illegible] که خطا نیست بیاشامید تا بشنوید اذان بلال را و در [illegible]
اذان بلال [illegible] بخورید و بیاشامید [illegible] صحیح شده است [illegible] تغییر [illegible] داده اند [illegible] صحاح سفیان
بطرق متکثره منقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که بلال در شب اذان

میکوید پس چون اذان بلال را بشنوید بخورید و بیاشامید تا بشنوید اذان ابن ام مکتوم را و از [illegible] کلاما
[illegible] ظاهر تر است چون بعید است که حضرت فرموده باشند که در شب اذان بکویید و کویند صبح و اهل
البیت صلوات الله علیهم اعلمند باحکام الهی و معصومند و کفته ایشان کفته حق است [illegible] که صدوق
بر آن ظاهر بوده باشد که عامه نقل کرده اند و در [illegible] باشد که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
[illegible] فرموده باشند و شکی نیست که اذان [illegible] و [illegible] منکر [illegible] از صبح
[illegible] و در غیر آن مستحب است [illegible] که [illegible] نماز شب نکرده باشد [illegible] بکنند
جمعی که پیش از صبح غسل باید کرد بکنند و در ماه مبارک رمضان سحور [illegible] و در غیر ماه رمضان
هر کاه خواهند که روزه بکیرند [illegible] و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رسیده
[illegible] که در شب اذان میکویند حضرت فرمودند که این اذان نفع میدهد همسایکان را [illegible]
بر خواستن [illegible] آنست که چون بطلوع صبح شود اذان بکویند و میان اذان و اقامت [illegible]
دو رکعت [illegible] صبح [illegible] از آنحضرت [illegible] اذان [illegible] از صبح فرمودند که [illegible]
[illegible] صلوة [illegible] اذان [illegible] نفع [illegible] همسایکان [illegible] صحیح از حلبی منقولست
که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از اذان پیش از صبح فرمودند که هر کاه در جماعت
باشند [illegible] تنها باشند باکی نیست [illegible] آنست که هر کاه جماعت [illegible] اذان کفتن پیش از صبح
[illegible] و اکر تنها باشند [illegible] والله تعالی یعلم و [illegible] انه لما قبض النبی صلی الله علیه
و آله امتنع بلال من الاذان و قال لا اؤذن لاحد بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و ان
فاطمة صلوات الله علیها قالت ذات یوم انی اشتهی ان اسمع صوت مؤذن ابی صلی الله علیه
و آله بالاذان فبلغ ذلک بلالا فاخذ فی الاذان فلما قال الله اکبر الله اکبر ذکرت اباها
صلی الله علیه و آله و ایامه فلم تتمالک من البکاء فلما بلغ الی قوله اشهد ان محمدا رسول
الله شهقت فاطمة صلوات الله علیها و سقطت لوجهها و غشی علیها فقال الناس
لبلال امسک یا بلال فقد فارقت ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله الدنیا و ظنوا انها قد ماتت

منقطع اذانه و لم یتمه فقالت فاطمة صلوات الله علیها و سألته ان یتم الاذان فلم یفعل و قال
لها یا سیدة النسوان انی اخشی علیک مما تنزلینه بنفسک اذا سمعت صوتی بالاذان فاعفته عن
ذلک و منقول است که چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا بعالم اعلا تشریف برد بلال
امتناع نمود از اذان گفتن از جهت آنچه سابقا مذکور شد و در روایت ابو بصیر است که اذان نمیگویم از آن
هیچکس بعد از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیها
دوری فرمودند که میخواهم بشنوم آواز مؤذن پدرم را صلی الله علیه و آله و سلم بانگ اذان بگوید این خبر را
به بلال رسانیدند و اطاعت آنحضرت واجب میدانست شروع کرد در اذان پس چون تکبیر ها گفت حضرت یاد
ایام پدرش صلی الله علیه و آله و سلم کرد و خود را ضبط نتوانست کرد از گریه و چون بنام آنحضرت رسید فریاد زد
و غش کرده بود و افتاد پس مردم فریاد کردند بلال را که باز گذار که حضرت بعد از این نمانده است از دنیا رفت
گمان ایشان این بود که آنحضرت فوت شده است پس بلال اذان را قطع کرد و تمام نکرد پس چون حضرت فاطمه صلوات الله
و سلامه علیها بهوش آمد فرمودند که اذان را تمام کن بلال اعلام نکرد و بخدمت آنحضرت عرض کرد که ای بهترین
زنان عالمیان میترسم که چون اذان مرا بشنوی از دنیا بروی پس او را معاف داشت آنحضرت و العهدة علی الراوی فرمودند
از گفتن اذان و منقول است که چون بلال ترک اذان کرد و اطاعت عمر نکرد در ترک حی علی خیر العمل ابو بکر را
واسطه ساخت [illegible] قبول نکرد عمر گفت [illegible] آقای خود [illegible]
گفت که [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم ابو بکر قربة الی الله مرا آزاد کرده [illegible]
آنحضرت [illegible] که [illegible] باشد [illegible] خدا آزاد کرده است [illegible]
خدا آزاد نکرده است [illegible]
نشوی گفت [illegible]
[illegible] بودند اهلبیت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم حسب طلب قال الصادق صلوات الله علیه لیس
علی النساء اذان و لا اقامة و لا جماعة و لا استلام الحجر و لا دخول الکعبة و لا الهرولة بین
الصفا و المروة و لا الحلق انما یقصرن من شعورهن و بروایات معتبره صحیحه منقول است از آنحضرت صلوات

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و سایر ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم که فرمودند که بر زنان اذان
نیست و نه اقامت چنانکه بر مردان لازم است و همچنین نماز جمعه بر ایشان واجب نیست و نماز بجماعت در مسجد
سنت موکد نیست و بر ایشان لازم نیست استلام حجر الاسود چون همیشه در آنجا کثرت هست و منافات
با عصمت ایشان دارد مزاحمه کردن با مردان و همچنین سنت موکد نیست ایشان را داخل شدن در کعبه و نه دویدن
میان صفا و مروه در آنجائی که مردان میدوند در حج و عمره بر ایشان [illegible] نیست سر تراشیدن بلکه حرام است
زنان را [illegible] موی خود [illegible] ایات مخصوص [illegible] در جای خود
روی انه یکفیها من التقصیر مثل طرف الانملة و در روایتی وارد شده است که زنان را کافیست از تقصیر
مثل سر انگشت [illegible] ابواب حج و در اینجا استطرادا مذکور شد و فی خبر آخر قال الصادق
صلوات الله علیه لیس علی المرأة اذان و لا اقامة اذا سمعت اذان القبیلة و یکفیها الشهادتان
و لکن ان اذنت و اقامت فهو افضل و در حدیث دیگر از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که
بر زنان اذان و اقامت نیست هرگاه اذان قبیله را بشنوند [illegible] اکتفا میکنند و کافیست [illegible] شهادتین و لیکن
اگر اذان و اقامت بگویند افضل است و غرض درین [illegible] متعلق شده است از شارع که اذان اعلام بر مناره
و امثال آن بگویند و غرض [illegible] که در خانه خود از جهت خود اذان و اقامت میتوانند گفت و اگر جمعی
باشند در جائی که مرد نامحرم باشند یا زنان باشند و پس ظاهر اذان اعلام است از جهت ایشان تواند گفت
چنانکه ظاهر میشود از اطلاق اینها و در حدیث صحیح از جمیل منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا بر زنان اذان و اقامت هست یعنی لازم است حضرت فرمودند که نه و در
صحیح زراره منقول است که گفت پرسیدم من از حضرت امام محمد باقر عرض نمودم که آیا بر زنان اذان هست فرمودند که
هرگاه شهادتین را بگویند بس است ایشان را و در حدیث صحیح منقول است از عبد الله که گفت سوال کردم
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که زن اذان بنماز میگوید حضرت فرمودند که نه بس است اگر بگوید
شهادتین را بگوید او را کافیست و در حدیث موثق کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که
فرمودند که اقامت زن آن است که تکبیر و شهادتین را بگوید و آنکه در حدیث وارد شده است که اکتفا باذان

۲۰۷

زنان م

قبل میتوان کرد و مردودن در ... کم شمر بکنند چنانکه در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه منقولست که آنحضرت اذان همسایه را شنیدند و نماز جماعت کردند و فرمودند که اذان همسایه
شما را کافیست و در حدیث کالصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که نماز کردند
بجماعت در پیراهنی بی ازار و بی ردا و بی اذان و اقامت چون فارغ شدند و عرض نمودند که چه سبب داشت
که چنین کردید فرمودند که پیراهنم کنیز بود و احتیاج بردا و ازار نبود و ... جعفر را و اذان و
اقامت میگفت من بخفیه ... مرا آن کافی بود و اگر اذان اعلام گویند بطریق اولی مجزیست چون شروع
اذان اعلام از جهة این مقرر ساخته اند که هر که بشنود بر آن اعتماد کند و اگر داخل مسجد شود و نماز بجماعت
کرده باشند اکتفا باذان و اقامت ایشان میتوان کرد اگر متفرق نشده باشند و اکثر علما گفته اند که اگر آن کس
تنها نماز کرده باشد و در تعقیب متفرق نشده و اکتفا میتوان کرد چنانکه در حدیث صحیح از ابان از ابو بصیر منقولست
و بطریق دیگر نیز از ابو بصیر منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هرگاه
شخصی داخل مسجد شود و مردمان نماز کرده باشند آیا اذان و اقامت میگوید حضرت فرمودند که اگر صف متفرق
نشده باشد باذان و اقامت ایشان نماز کند و اگر صف متفرق شده باشد اذان و اقامت بگوید حضرت فرمودند
و در عرف همین که جمعی رفته باشند میگویند که صف متفرق شده است بهتر آنست که در چنین صورت اذان
و اقامت بگوید آهسته چنانکه خواهد آمد در باب جماعت و در حدیث موثق از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله و سلامه علیه منقولست که دو کس داخل مسجد شدند و مردمان نماز کرده بودند حضرت بایشان فرمودند
که اگر خواهید یکی از شما امامت کند دیگری بکند و لیکن اذان و اقامت نگوید اما اگر کسی اذان و اقامت گفته باشد
که تنها نماز کند و جمعی بهم رسند و خواهند که نماز را بجماعت کنند اولی آنست که اذان و اقامت را مرتبه دیگر
بگویند چنانکه در حدیث عمار است و در حدیث صحیح از معاذ بن کثیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی داخل مسجد شود و امام مسجد سنی باشد و خوف داشته باشد که اگر اذان و
اقامت بگوید امام برکوع رود بگوید قد قامت الصلوة قد قامت الصلوة الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله
و داخل شود در نماز و حمل میتوان کرد بر آنکه این کلمات را در راه بگوید و چون ... تکبیر بگوید و قرائت ...

کند چه در قیام توان بخواند و باقی را در رکوع و سجود بخواند و اگر لاحق نباشد یا آنکه چون داخل مسجد شود
بر مسجد باشد فی الحال داخل شود در نماز و در یافتن قرائت مقدم است بر تدارک اذان و اگر در رکوع دریابد
نیز عمل باین حدیث کنند بد نیست چون مبالغه در اذان بسیار است و قرائت در رکوع و سجود ادا میتوان
کرد با آنکه حدیث صحیح است و علما باین عمل کرده اند و در حدیث موثق منقولست از عمار که از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که ناچار است بسیار از اذان و اقامت هرگاه
... که نماز ... در خاطر خود ... بعد از آنحضرت صلوات الله
علیه ... اگر ... داشته باشد حضرت فرمودند که ناچار است از اذان و اقامت نیز اگر ... نیست
بی اذان و اقامت و در نماز قضا خواهد آمد که در اول شروع در آن اذان و اقامت میگوید و باقی
را با اقامت تنها میآورد و لَیسَ فی صَلوةِ العیدَینِ اَذانٌ وَلا اِقامَةٌ اَذانُهُما طُلُوعُ الشَّمسِ و در
حسن کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که در نماز عید ماه
رمضان و عید قربان اذان و اقامت نیست و اذان هر دو طلوع آفتابست و در حدیث صحیح اسمعیل بن
جابر خواهد آمد که اذان هر دو اینست که سه مرتبه بگویند الصلوة و جمع بینهما باین نحو میکنیم که
اذان بعد از رفتن طلوع شمس است و اذان نماز کردن سه مرتبه الصلوة برفع و نصب و وقف جایز است
و وقف بهتر است و در غیر نمازهای یومیه و جمعه اذان نیست ... و در ... الصلوة
منقولست و علما در بقیه نمازهای واجب گفته اند که الصلوة را سه مرتبه میگویند بعضی در غالب نمازها
واجب غیر یومیه و در نماز استسقا الصلوة جامعة میگویند و مستند ... است و در
مستحبات گفته فقها کافیست ظاهرا توان گفت و اگر باین قصد بگویند که اگر مطلوب شارع فیها
الا لغوی باشد بهتر است با آنکه فی نفسه اعلام مردمان بعبادات و ترغیب ایشان بخیرات خوب است
در نماز میت حدیث صحیح وارد شده است که مستحب است اعلام مؤمنان بموت مؤمن تا همگی حاضر شوند
و متواتر است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بعنوان الصلوة جامعة مردمان را خبر میکردند
از غیر نماز ... از مشکلات ... و امثال اینها والله یعلم و قال الصادق صلوات الله

علیه اذا تغولت لكم الغول فأذّنوا و در حدیثی است از آنحضرت صلوات الله علیه و در محاسن از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که هرگاه غول بیابانی در نظر شما در آید پس اذان بگوئید و در بعضی
از نسخ اذا تولعت لکم الغول یعنی هرگاه باشما بر دازند اذان بگوئید و اما غول طایفه از جن یا شیاطین اند،
و در بعضی جاها بسیار میباشند و ملا [illegible] اشرف [illegible] و بسیار کس شنیده ام که چون
بصحرا میرفتیم در نظر ما می آمد و [illegible] و صحبت میداشت و چون اسم خدای تعالی یا آیة الکرسی میخواندیم
که مبادا غول باشد [illegible] بشکل [illegible] و جمعی [illegible]
میکردیم میگریختند و جمعی منکر اینها شده اند و تاویل میکنند که محض خیال است بر تقدیر تسلیم دعا
و قرآن و اذان دفع خیالهای باطل نیز میکنند و اگر کسی نفی جن کند البته کافر است اما اگر گوید که آدمی
او را نه بیند حکم بکفر او نمیتوان کرد ولیکن حکم بحماقت او میباید کرد چون آثار جن از آن گذشته است
که کسی انکار آن تواند کرد و قال صلوات الله علیه المولود اذا ولد یؤذن فی اذنه الیمنی و یقام فی
الیسری و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که چون فرزندی متولد شود اذان
بگویند استحبابا در گوش راست او و اقامت بگویند در گوش چپ او و در این باب اخبار بسیار وارد شده است
و در باب [illegible] الاذان [illegible] قال صلوات الله علیه من لم یأکل اللحم اربعین یوما ساء خلقه
فأذّنوا فی اذنه و در حدیث صحیح با احادیث قوی بسیار منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
فرمودند که هر که چهل روز گوشت نخورد بد خلق میشود و هر که بد خلق شود اذان بگوئید در گوش او
و در روایت دیگر منقولست که اگر حیوانی بد خلق شود در گوش او اذان بگوئید و قال صلوات الله علیه
انه کان اسم النبی صلی الله علیه وآله یکرر فی الاذان و اول من حذفه ابن اروی و متواترا
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که اسم حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
وآله وسلم مکرر میگفتند در اذان و اول کسی که انداخت یا یکبار میگفت ابن اروی بود که مؤذن عثمان بود
چون بنی امیه قاطبة دشمن آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه وآله بودند و عامه نقل کرده اند از
زمخشری که [illegible] معویه اذان میگفتند چون باسم حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله

میرسید گفت که کار ابن ابی کبشه بجائی رسید که اسم خود را با اسم [illegible] ساخت و ابن ابی کبشه الجمحی
بود در قریش که هرگاه میخواستند سرزنش کسی کنند تشبیه میکردند او را بآن و زمخشری در ربیع الابرار
در کفر معویه و آنکه او ولد الزنا بود وجوه بسیار و احادیث بیشمار نقل کرده است و مولانا سعد الدین
نیز کفر یزید او و معویه را ذکر کرده است و گفته است که سلف از انجمعه منع کرده اند از لعن ایشان
تا تعدی نکنند با علی بن ابیطالب چون اهل [illegible] کفر اهل [illegible] مبارک حضرت امام
حسین و شهادت سایر ائمه معصومین صلوات الله علیهم واقع شد مکرر در سقیفه بنی ساعده
جا که در احادیث متواتره وارد شده است با آنکه هر که تتبع اخبار صحابه کرده است شك در این معنی ندارد
و از فضلای علمای هر یک که تتبع اخبار کرده اند شکی در کفر ایشان نیست و جمعی که تتبع نکرده اند کفر
ایشان از جهة آنست که دین باطل است تقلید سلف دارند و تعود فی انه کان بالمدینة اذا اذن
المؤذن یوم الجمعة نادی مناد حرم البیع لقول الله عز و جل یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة
من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع و منقولست که چون روز جمعه مؤذن اذان میگفت
منادی دیگر میگشت در بازارها و فریاد میکرد که خرید و فروخت حرام شد و در بعضی نسخ مکرر است چون
میگفتند بسیار [illegible] المکرر [illegible] نقل [illegible] متبع نص قرآن است
که حق سبحانه و تعالی فرموده است که هرگاه روز جمعه ندای جمعه یا الاذان بگویند پس سعی کنید بسوی ذکر خدا که
نماز جمعه یا خطبه جمعه یا هر دو مراد است باجماع علمای شیعه و سنی و ترك کنید بیع را و جمعی کثیر از مفسران
و فقها گفته اند که مراد از بیع مطلق تجارت است بلکه مطلق اشغالی که مانع باشد از نماز جمعه و از آیه بیرون
آوردن هم مشکل است [illegible] تعمیم و دلیل عقلی [illegible] معلوم [illegible] بوده است نسخ
آن ظاهر نیست و فیما ذکره الفضل بن شاذان رحمه الله من العلل عن الرضا صلوات الله علیه انه قال انما
امر الناس بالاذان لعلل کثیرة منها ان یکون تذکیرا للناسی و تنبیها للغافل و تعریفا لمن جهل الوقت و
اشتغل عنه و یکون المؤذن بذلك داعیا الی عبادة الخالق و مرغبا فیها و مقرا له بالتوحید مجاهرا
بالایمان معلنا بالاسلام و مؤذنا لمن نسیها و انما یقال له مؤذن لانه یؤذن بالاذان بالصلوة و انما

بدأ فيه بالتكبير وختم بالتهليل لان الله عز وجل اراد ان يكون الابتداء بذكره واسمه واسم الله في التكبير
في اول الحرف وفي التهليل في آخره وانما جعل مثنى مثنى ليكون تكرارا في آذان المستمعين مؤكدا
عليهم ان سها احد عن الاول لم يسه عن الثاني ولان الصلوة ركعتان ركعتان فلذلك جعل الاذان
مثنى مثنى وجعل التكبير في اول الاذان اربعا لان اول الاذان انما يبدو غفلة وليس قبله كلام
ينبه المستمع له فجعل الاوليان تنبيها للمستمعين لما بعده في الاذان وجعل بعد التكبير الشهادتان
لان اول الايمان هو التوحيد والاقرار لله عز وجل بالوحدانية والثاني الاقرار للرسول صلى
الله عليه وآله بالرسالة وان طاعتهما ومعرفتهما مقرونتان ولان اصل الايمان انما هو الشهادتان
فجعل شهادتين شهادتين كما في سائر الحقوق شاهدان فاذا اقر العبد لله عز وجل بالوحدانية واقر
للرسول صلى الله عليه وآله بالرسالة فقد اقر بجملة الايمان لان اصل الايمان انما هو بالله وبرسوله
وانما جعل بعد الشهادتين الدعاء الى الصلوة لان الاذان انما وضع لموضع الصلوة وانما هو نداء
الى الصلوة في وسط الاذان ودعاء الى الفلاح والى خير العمل وجعل ختم الكلام باسمه كما فتح باسمه
و در آنچه ذکر کرده است فضل از علل شرایع آنحضرت امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله وسلامه علیهما
اینست که پرسیدند که چرا مامور شده اند مردمان باذان فرموده اند که مامور شده اند از جهت وجوه بسیار یکی آنکه
بیاد آورد مردمان را و ظاهرا الساهی بوده است چنانکه در عیون و علل است یا مصنف تبدیل کرده است ساهی را بناسی
و ناسی یا آنکه فراموش کرده اند و بیدار کردن غافلان را و شناسانیدن وقت نماز جمعی که نشناسند یا آنکه محبوس
باشند یا عاجز باشند به بیماری و غیر آن و یا آنکه چون جاهل ببیند که مؤذنان نماز روز در وقتی اذان گفتند
اذان شام را در وقتی گفتند که حمره مغربی [illegible] مشرقی برطرف شد و ذهاب حمره مغربی وقت را شناسند از
اذان ایشان و همچنین بنظر کسی که شغلی دارد و از فکر نماز افتاده است اذان تذکر او شده و وجه دیگر آنکه
مؤذن بسبب اذان بنده را بعبادت بیرون [illegible] کار عالی آنچنین مؤذن حق سبحانه و تعالی را یاد میدهد
که او از هر چیز و از هر کسی بزرگتر است یا اذان اعظم است که کسی بعظمت او نتواند رسید اگر مشغول کاری
یا مشغول کسی است ترک آن میکنند و مشغول حق سبحانه و تعالی میشود تا آنکه مؤذن فی الحقیقه [illegible]

حق سبحانه و تعالی است و دعا خوانیدن [illegible] که ایشان [illegible] او و ترغیب میکند خلق را بعبادات الهی
و [illegible] یاد [illegible] همه چنانکه الحال گذشت و اقرار میکند بوحدانیت الهی [illegible] ایمان است از [illegible]
خود نافع باشد و دیگران نیز یاد کرده باشند و ازین جهت است که اذان از شعایر و علامات اسلام اهل آن
و گویا که مؤذن اظهار میکند ایمان و اسلام اهل [illegible] بیاد می‌آورد کسی را که شهادت [illegible] فراموش کرده
باشد یا آنکه نماز را [illegible] مؤذن را مؤذن میگویند که اذان در لغت بمعنی اعلام است و مؤذن بسبب
اذان اعلام میکند مردمان را به نماز [illegible] ظاهرا از قلم ناسخ زیاده شده است
در [illegible] و علل [illegible] و جعل ابتدا بتکبیر کرده و ختم بلا اله الا الله زیرا که حق سبحانه و تعالی خواسته است که
ابتدا و انتها باسم او باشد در تکبیر الله در اول است و در تهلیل الله در آخر است چرا ختم بسبحان الله
والحمد لله نکرده اند با آنکه در اینها نیز الله در آخر است جهت آنکه کلمه لا اله الا الله بر همه کلمات
زیادتی دارد و اول ایمان و اسلام است و این زیادتی هست در حدیث از جهت اختصار و ظهور
ذکر نکرده است و جعل فصول آن دو دو است تا مکرر شود در گوشهای جمعی که گوش باذان میدهند
و [illegible] کند در خاطرهای ایشان که اگر سهو کنند کلمه اولی را کلمه دوم را سهو نکنند و وجه دیگر آنکه اصل
نماز دو رکعت دو رکعت بود اذان نیز دو دو فصل کردند و چرا تکبیر در اول الاذان چهار است زیرا
که اول الاذان بعد از غفلت است و پیش از اذان کلامی نیست که شنوندگان را آگاه کند و تکبیر اول از جهت آگاه
کردن مستمعان مقرر ساختند و این وجه جمعیست میان طریق مشهور و احادیث صحیحه که دو تکبیر
در اول الاذان واقع شده بود که فی الحقیقه این دو تکبیر جزء اذان نیست بلکه از جهت بیدار کردن
غافلان است و بعد از تکبیر شهادتین را مقرر ساختند یعنی خدا و رسول زیرا که اول ایمان اقرار بوحدانیت
و جزو دوم ایمان اقرار برسالت حضرت سید المرسلین است صلی الله علیه و آله و سلم و باهم آوردند از جهة آنکه
اطاعت خدا و رسول و معرفت هر دو قرین یکدیگرند کسی که اطاعت رسول نکند و او را نشناسد خدا
را اطاعت نکرده است و نشناخته است و وجه دیگر آنکه دو شهادت بمنزله دو شاهد است چون در همه حقوق
دو گواه میباید از جهة ایمان و اسلام هر شهادتی بمنزله شاهدیست ایمان بسبب هر کلام [illegible] اقرار کند بوحدانیت

الهی و اقرار کنی بر رسالت رسالت پناهی پس اقرار بجمیع ایمان کرده است زیرا که اصل ایمان اقرار بخدا
و رسول است و اقرار بجمیع آنچه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده اند داخل است در اقرار به پیغمبر چنانکه در شهادتین
کذشت و جمعی از علما گفته اند که شهادتین [illegible] مقرر ساختند زیرا که وضع اذان از جهت این شده است که بندکان را
بنماز طلبند پس اول میکویند که بشتابید بنماز و در دوم بیان میکنند که بشتابید بفلاح و رستکاری تا باعث
رغبت بنده شود چون بیان کردند که نماز سبب رستکاری است در سیم ترغیب میکنند بآنکه نماز بهترین اعمال است
و در [illegible] و چون این را یاد نموده است بر نماز میکنند تکبیر و [illegible] چهار مرتبه چنانکه اول اذان کرده بعد تکبیر
و دو شهادت در آخر اذان کردند و تکبیر و دو تهلیل چنانکه اول ابتدا باسم او بود انتها نیز ختم باسم
حق سبحانه و تعالی باشد بود و جمعی کفته اند که تکبیر و تهلیل اسم اوست و دوم الله که در اول و آخر است
ابتدا و اختتام باو شده است و بسند معتبر صحیح از صدوق روایت کرده است از حضرت امام ابو الحسن موسی
بن جعفر الکاظم صلوات الله و سلامه علیهما از آبای بزرکوار خود از حضرت سید الشهدا و خامس آل عبا
صلوات الله علیهم که روزی در خدمت حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین صلوات الله علیه نشسته بودیم
مؤذن بر مناره بالا رفت و کفت الله اکبر الله اکبر پس حضرت کریستند بسیار و ما نیز از کریه آنحضرت
کریستیم و بسیاری از ما حاضران مجلس [illegible] پس چون مؤذن فارغ شد حضرت فرمودند که آیا میدانید که
مؤذن چه میکوید ما کفتیم که خدا و رسول و وصی او اعلم اند حضرت فرمودند که اکر آنچه میکوید بدانید
هر آینه خنده کم کنید و کریه بسیار کنید پس فرمودند که الله اکبر را معانی بسیار است از آنجمله چون مؤذن
الله اکبر میکوید در آن مندرج است قدم و ازلیت و ابدیت و علم و قوت و قدرت و حکمت و کرم و جود و عطا
و کبریا چون الله اسم ذات واجب الوجود است و وجوب وجود مستلزم این صفات هست و بنابر مشهور
چون الله اسم ذات واجب الوجودیست که مستجمع جمیع کمالات باشد این صفات و باقی صفات جلال و کمال
داخل خواهد بود خصوصا هرکاه وصف کنند او را باکبر پس چون میکوید که الله اکبر پس کویا میکوید که آنخدائی
که او راست خلق و امر و هر چه خواهد می آفریند و هر حکمی که خواهد [illegible] میکند همه را او آفریده است و
بازکشت همه بسوی اوست و اوست که همیشه بوده پیش از آنکه اشیا را بیافریند و آخر است بعد از فنا

اشیا [illegible] زوال نیست و ظاهر است یعنی بر همه اشیا غالب است و ادراک او مخفی تواند کرد و باطن است یعنی
هیچکس بکنه او نرسیده است یا آنکه همه کس علم بوجود او دارند و ظاهر همه امور است و او است باقی
و غیر او همه فانی اند معنی دوم الله اکبر علیم خبیر است عالم است بهر چه بوده است و عالم است بهر چه خواهد بود
پیش از وجود آن چون الله اسم جامع است شامل این معنی هست یا آنکه در تکرار تکبیرات در تکبیر اول کویم
که خدا بزرکتر است از همه کس یا بزرکتر است از وصف واصفان باعتبار وجوب وجود است و در تکبیر
دوم اعظم [illegible] علم است و در سیم باعتبار قدرت است یعنی قادر است بر همه چیز و قوی است
باعتبار قدرت کامله مقتدر است بر خلایق و قویست [illegible] بآنکه تمام توانائی بر ذات او باشد
و همه اشیا بقدرت او برپاست و هر چه را اراده کند که باشد موجود میشود چهارم الله اکبر یعنی باعتبار
حلم و کرم او از آن اعظم و اکرم است که [illegible] بمعاصی بندکان که کویا نمیداند و عفو میکند چنانکه کویا نمی
بیند [illegible] چنانکه کویا نمی [illegible] و عقوبت نمیکند بسبب کرم و عفو و حلم
و وجه دیکر از جهت اعظمیت در معنی الله اکبر باعتبار جود و کثرت عطاست و خوبی افعالست و وجه دیکر
در الله اکبر اعظمیت باعتبار آنکه بکنه او نمیتوان رسید کویا میکوید که خدا بزرکتر است که وصف
کنندکان او را وصف توانند کرد چنانکه او هست بلکه او را وصف میکنند بقدر خود و وجه دیکر آنکه خدا اعظم است
از آنکه احتیاج بعبادت خلایق داشته باشد بلکه امر بعبادت کرده است تا بایشان جود کند و اما اشهد ان لا اله
الا الله پس اعلام میکند خلایق را بآنکه شهادت جایز نیست [illegible] پس کویا میکوید که میدانم که معبودی
بغیر از حق سبحانه و تعالی نیست و هر معبودی بغیر او باطلست و بزبان اقرار میکنم بآنچه در دل اعتقاد دارم که معبودی
نیست بغیر از الله تعالی [illegible] پناهی نیست از شر خدا بغیر از خدا [illegible] نیست بغیر از خدا [illegible]
که میکوید اشهد ان لا اله الا الله معنی آن اینست که کواهی میدهم که هادی نیست بغیر از خدا و راهنمائی نیست
بغیر از خدا و خدا را کواه میکیرم که من کواهی میدهم بوحدانیت الهی و کواه میکیرم ساکنان آسمانها و ساکنان
زمینها را و آنچه در میان آسمانها و زمینها است از ملائکه و آدمیان همه را و آنچه در آن هست از کوهها و درختها
و [illegible] که من کواهی میدهم که آفریننده [illegible] روزی دهنده [illegible] و معبودی و ضرر و نفعی [illegible] کند

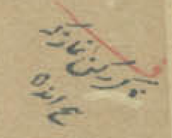
و بسط کننده و بخشنده و منع کننده و دفع کننده و خیر خواهی و کفایت کننده و شفا دهنده و تقدیم
و تاخیر کننده نیست مگر خداوند عالمیان او خالق و حکم حکم اوست و همه چیز را سزاوار است و قدرت سزاوار اوست
بزرگوار خداوندی یگانه پروردگار عالمیان و اما اشهد ان محمدا رسول الله پس میگوید که خدا را گواه میگیرم
که شهادت میدهم که بغیر از خداوندی نیست و محمد بنده اوست و رسول اوست و نبی اوست و برگزیده
اوست و همراز اوست او را فرستاده است بکافه خلایق و هیبا هدایت که خلق را هدایت کند بدین حق و آن را
غلبه دهد بر همه ادیان و اگرچه کراهت داشته باشند کافران و گواه میکنم [illegible] در آسمانها
و زمینها از پیغمبران [illegible] و فرشتگان و آدمیان همه که من گواهی میدهم که محمد بهترین پیغمبران
و پیغمبرانست و در مرتبه دوم که میگوید اشهد ان محمدا رسول الله پس چنین میگوید که گواهی میدهم
که هیچکس را هیچ حاجتی ندارد مگر بخداوندی یگانه قهار که بی نیاز است از خلایق و بندگان خود همه
او فرستاد محمد را بخلایق که بشارت دهد مطیعان را بهشت و بیم کند عاصیان را بجهنم و بخواند خلایق را
بعبادت الهی باذن و چراغی باشد که دلهای عالمیان از آن منور سازد پس کسی که انکار کند او را و ایمان نیاورد باو
حق سبحانه و تعالی او را داخل جهنم کند که همیشه در جهنم باشد و از آن رهائی و خلاصی نداشته باشد و اما
حی علی الصلوة بیائید یعنی بشتابید بسوی بهترین اعمال شما و بر حوت بر همه کارها که شما را بآن خوانده است
و مسارعت کنید بچیزی که سبب مغفرت پروردگار شما و [illegible] آتش است که برنشینها
خود امر خدا [illegible] گناهانی که کرده اید گناهان شما را بیامرزد و گناهان شما را مبدل
سازد بحسنات [illegible] که او پادشاهیست کریم و او دارای فضل عظیم و میگوید که [illegible] تا آنرا ما سلفا
که بجز رحمت [illegible] در مقام [illegible] و در مرتبه دوم [illegible] حی علی الصلوة یعنی [illegible]
مناجات پروردگار خود و عرض کردن حاجات خود بخداوند [illegible] بکلام او و کلام او را
شفیع خود سازید [illegible] رکوع و سجود و خضوع و خشوع بجا آورید [illegible] خود
و حاجات خود را باو عرض کنید [illegible] و اما حی علی الفلاح پس میگوید که
[illegible] بقائی که [illegible] هلاک نباشد [illegible] که با آن [illegible] و منعی که [illegible]

باشد [illegible] پادشاهی که زوال نداشته باشد و خوشحالی که با او اندوه نباشد و با غنی که با آن و حشتی نباشد
و بنوی دیگر با آن ذلت نباشد و بغرامی که با آن تنگی نباشد [illegible] که منقطع نشود و توانگری که با آن
فقر نباشد و بصحتی که با آن مرض نباشد و بعزتی که با آن مذلت نباشد و بقوتی که با آن ضعف نباشد
و بکرامتی [illegible] و تعجیل کنید بخوشحالی دنیا و عقبی و بنجات آخرت و اول و در مرتبه دوم که حی
علی الفلاح میگوید پس چنین میگوید که زود باشید و بشتابید بآنچه شما را بآن خواندم و بکرامت عظیم
و نعمتهای بزرگ و عالی و رستگاری عظیم و نعیم ابدی در جوار محمد صلی الله علیه و آله و سلم در جنات
که مقربان الهی اند نزد خداوند پادشاه قادر و اما الله اکبر الله اکبر پس میگوید که حق سبحانه و تعالی
از آن بزرگتر است که کسی از خلایق تواند دانست آنچه را نزد اوست از کرامت [illegible] اجابت او کرده
باشد و اطاعت او و اطاعت رسول او و امامان او کرده باشد و او را شناخته باشد و بندگی او کرده باشد و مشغول
او بوده کراهتی باشد [illegible] و باشد و [illegible] باشد [illegible] قرار گرفته باشد و عمل باو داشته
باشد و از او ترسان باشد و باو امیدوار باشد و مشتاق او باشد و موافق حکم او باشد و بقضای او راضی
باشد و در مرتبه دوم که میگوید که الله اکبر الله اکبر پس میگوید که حق سبحانه و تعالی از آن بزرگتر و عظیمتر است
که کسی بداند که با دوستان خود چه کرامتها کرده است و با دشمنان چه عقوبتها کرده و معروف بوده است [illegible]
مرتبه است عفو و غفران او و نسبت بدوستانی که اجابت او و اجابت رسول او کرده اند و در چه مرتبه است عذاب
و نکال و خواری او برای منکران و جاهلان او و اما لا اله الا الله پس معنی او اینست که خدا راست حجت کامله بر عالمیان
بسبب رسالت و بیان دعوت و دعوا و از آن مطهر است که کسی را بر او حجتی باشد پس کسی که اجابت کند او را
مر او راست نور و کرامت و هر که انکار او کند پس دستی که حق سبحانه و تعالی بی نیاز است از عالمیان و او زود حساب
خلایق خواهد کرد و اما قد قامت الصلوة در اقامت یعنی وقت زیارت و مناجات شد و وقت بر آمدن حاجات
و رسیدن بمطالب و رسیدن بقرب حق سبحانه و تعالی و بکرامت او و غفران او و عفو او و رضوان او در آمد
و اما حی علی خیر العمل که گفته شد که [illegible] نماز است با لفظ امامت ائمه هدی است و یکی با حضرت فاطمه زهرا
[illegible] و اولاد امجاد آنحضرت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین و اگر بگوییم که بحضرت بسیاری از ابواب علوم و ابس

نمیشود پس آنچه سبب تطویل میشود مرهم این رساله است امید که حق سبحانه و تعالی همه را به
بجاه محمد و آله الطاهرین

این بابیست در بیان آنچه

بجا می‌آورند از اول آن تا آخر آن اعم از واجبات و مندوبات چنانکه قانون متقدمین است که همه را باهم
میکنند بلکه در آیات و احادیث نیز در هم واقع شده است امتیاز افعال نماز یا از اخبار است یا آنکه آ
اخبار واقع شده باشد که بترک آن فعل عمداً و سهواً نماز باطل میشود یا بزیاد کردن آن عمداً و سهواً نماز باطل
پس اگر از جمله افعال واجبه نماز باشد ظاهر میشود که آن فعل رکنیست مثل رکوع و سجود و تکبیر احرام و قیام
نیت و در بعضی خلافست که رکنست یا شرط هست اگرچه نیت خارج از حقیقت صلوة باشد مثل طهارت
شرطست و اگر بترک آن عمداً نماز باطل شود و سهواً باطل نشود مثل خواندن فاتحه و تشهد اینها واجب غیر رکن
و اگر بترک آن عمداً و سهواً نماز باطل نشود ظاهر میشود که از مستحبات نماز است چنانکه در حدیث حماد واقع است
و بعضی از چیزها که بر ما ظاهر نیست وجوب آن مثل سوره و قنوت و سلام علم آنرا بخدا میباید کرد یا آنکه
میگوئیم بر ما ظاهر شده است که این چیزها مطلوب شارع هست نمیدانیم که واجبست یا سنت اما آنها را بقصد قربت
بفعل می‌آوریم و نیت وجوب و ندب نمیکنیم و در چنین چیزها اکثر اوقات بلفظ امر واقع شده است و اکثر
علما که امر را دلیل وجوب میدانند حکم بوجوب میکنند و بسیار است که حکم باستحباب میکنند با آنکه اگرچه لفظ
امر دال بر وجوبست و لیکن اجماع است که اینها واجب نیست و اکثر اخبار نیز در چنین جاها متروک شده چون
دلالت بر وجوب امر اینست که اگر آقا بغلام خود کاری فرماید و غلام مخالفت آن کند عقلا آن غلام را مذمت میکنند
و مذمت علامت دلیل عذاب آجل است و این معلوم نیست زیرا که در ما نحن فیه آقای حقیقی اتفاق است که از
غلامان خود بعضی واجبات و مندوبات طلب کرده است بلفظ امر و در بسیار جاها بیان وجوب و ندب
کرده است و در بسیار جاها نکرده است پس اگر در چنین جای غلام مخالفت آقا کند ظاهر نیست عقلا آن غلام را مذمت
کنند که بترک واجبات و مندوبات کند بلکه عقلا برو را مستحق مذمت میکنند و مذمتی که خوب نکرده
مثل آنکه اشتغال یکی بغیر شغل و آقا را غافل میسازد با آنکه معنی ندارد که حق سبحانه و تعالی احکام خود را
معلق ساخته باشد مثال این را ضعیف بلکه اگر دلیل قوی باشد که دلالت کند آنکه او امر الهی که بلفظ امر



مقابلش

واقع شده است بر شما واجبست که بجا آورید متبع است مثل این را که هر چه در آن طرف گویند مثل آن در
توان گفت البته عمل نمیتوان کرد و در مقدمه گذشت که بو ... جاها علاج آنست که آن عبادت را بقربة
الی الله بجا آوریم و نیت وجوب و ندب نکنیم و جمعی را اعتقاد اینست که معما امکن واجبست که سعی کنیم و بعد از
سعی البته ظاهر خواهد شد چون حق سبحانه و تعالی فرموده است که آن جمعی که مجاهده میکنند در راه ما ما
ایشانرا هدایت میکنیم براههای خود و این ظاهر نیست که در کار باشد تا حق سبحانه و تعالی هدایت کند تا آنکه
ظاهر آید هدایت بعنوان مکاشفه است و بعد از آن بما نیز فقها میگویند که عمل بآن جایز نیست و جمعی میگویند
که در چنین جاها حکم باستحباب میکنیم چون طلب معلوم است و نهی از ترک معلوم نیست و اگر واجب میبود
بر حق سبحانه و تعالی واجب بود که نصب کند دلیل وجوب را و عدم مدرک مدرک است جواب اینست که آنچه
در کار است در آن عبادت بودن این فعل را بیان فرموده است و چون وجوب و ندب در کار نبود نصب دلیل
نفرمود با آنکه محتمل است مثل این تکالیف بر حکمتها و اختیارات هست لهذا چنین یافته است و جمعی که در چنین
جاها
عمل کنند ثواب ایشان بیشتر خواهد بود ان شاء الله تعالی اعلم و روی عن حماد بن عیسی انه قال قال لی ابو عبد الله
صلوات الله علیه یوما تحسن ان تصلی یا حماد قلت یا سیدی انا احفظ کتاب حریز فی الصلوة قال فقال
صلوات الله علیه لا علیک قم فصل قال فقمت بین یدیه متوجها الی القبلة فاستفتحت الصلوة
و رکعت و سجدت فقال یا حماد لا تحسن ان تصلی ما اقبح بالرجل ان یاتی علیه ستون سنة او سبعون
سنة فما یقیم صلوة واحدة بحدودها تامة قال حماد فاصابنی فی نفسی الذل فقلت جعلت فداک
فعلمنی الصلوة فقام ابو عبد الله صلوات الله علیه مستقبل القبلة منتصبا فارسل یدیه جمیعا علی
فخذیه قد ضم اصابعه و قرب بین قدمیه حتی کان بینهما ثلاثة اصابع مفرجات و استقبل
باصابع رجلیه جمیعا لم یحرفهما عن القبلة بخشوع و استکانة فقال الله اکبر ثم قرأ الحمد بترتیل
و قل هو الله احد ثم صبر هنیئة بقدر ما یتنفس و هو قائم ثم رکع و ملأ کفیه من رکبتیه
مفرجات و رد رکبتیه الی خلفه حتی استوی ظهره حتی لو صب علیه قطرة ماء او دهن لم تزل لاستواء
ظهره و رد رکبتیه الی خلفه و نصب عنقه و غمض عینیه ثم سبح ثلاثا بترتیل فقال سبحان ربی العظیم

وبحمده ثم استوى قائما فلما استمكن من القيام قال سمع الله لمن حمده ثم كبر وهو قائم ورفع
يديه حيال وجهه وسجد ووضع يديه الى الارض قبل ركبتيه فقال سبحان ربي الاعلى وبحمده ثلث
مرات ولم يضع شيئا من بدنه على شيء منه وسجد على ثمانية اعظم الجبهة والكفين وعيني
الركبتين وانامل ابهامي الرجلين والانف فهذه السبعة فرض ووضع الانف على الارض سنة
وهو الارغام ثم رفع راسه من السجود فلما استوى جالسا قال الله اكبر ثم قعد على جانبه الايسر و
وضع ظاهر قدمه اليمنى على باطن قدمه اليسرى ثم قال استغفر الله ربي واتوب اليه ثم كبر و
هو جالس وسجد سجدة الثانية وقال كما قال في الاولى ولم يستعن بشيء من جسده على شيء منه في ركوع
ولا سجود وكان مجنحا ولم يضع ذراعيه على الارض فصلى ركعتين على هذا ثم قال يا حماد هكذا
صل ولا تلتفت ولا تعبث بيديك واصابعك ولا تبزق عن يمينك ولا عن يسارك ولا بين
يديك و باسانيد صحيحه منقولست از حماد بن عيسى كه گفت روزى حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه
بمن فرمودند كه [illegible] كه نماز كنى و علم باحوال نماز دارى من گفتم اى سيد من [illegible] در حفظ دارم
كتاب حريز را كه در نماز تصنيف كرده است [illegible] حماد روايت كرده است حضرت فرمودند كه باكى
برخيز نماز كن يعنى در نماز كردن باكى نيست هر چند آن كتاب را در حفظ داشته باشى چون اگر [illegible] تقصير
كه هم حق باشد سبب اطمينان قلب ميشود يا آنكه باكى نيست در عمل كردن بآن وليكن چيزها هست كه
در كتاب نيست [illegible] باكى نيست در نماز كردن [illegible] كتاب [illegible] يا آنكه نيست برتو كه عمل بآن
كنى يا آنكه دست [illegible] علم مقدم است بر ظنى [illegible] ظاهر [illegible] كه
ترك كرده [illegible] توان كرد [illegible] حضرت صلوات الله عليه
[illegible] كه آن كتاب [illegible] باشد [illegible] بعضى گفته اند كه [illegible] حضرت
او [illegible] هر چند [illegible] حماد [illegible] جواب [illegible]
گفت كه شايد حماد [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليهما بى واسطه يا بواسطه
[illegible] كه [illegible] ظاهر اين عبارات [illegible] عمل [illegible]

يا [illegible] آن كتاب بود داشته بود وليكن دلالت صريح بر مذمت نمى نمايد چون احتمالات بسيار هست چنانچه
گفت مى خواستم در برابر آنحضرت نماز بقبله كردم و تكبير گفتم و ركوع و سجود كردم و ظاهر آنست
كه قرائت خوانده باشد و اكتفا بقول واجب كرده باشد [illegible] واجبات و ممكنست كه كاملتر اين
باشد كه قرائت واجب نيست چون حماد خود روايت كرده است كه قرائت سنت است و على اى حال حضرت فرمودند
كه اى حماد نماز كردن را نمى دانى چه قبيح است مرد را كه عمرش شصت سال يا هفتاد سال شود و يك نماز با حدود
تمام نكرده باشد و در كافى و تهذيب [illegible] يعنى چه قبيح است امثال شما مردمان كه بخدمت
ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين رسيده [illegible] كه خوب باشيد [illegible]
حماد واجبات نماز را بجا آورده باشد و [illegible] مستحبات حضرت [illegible] فرموده باشند حماد گفت
كه بسيار [illegible] نماز [illegible]
كردم [illegible] حضرت [illegible] ايستاد [illegible] مبارك [illegible]
[illegible] وحضور [illegible] كه [illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] يعنى [illegible] بسيارى [illegible]
[illegible]
[illegible] كرده [illegible]
[illegible] ايستاد [illegible] خشوع [illegible]
[illegible] الله اكبر [illegible]
[illegible] تكبير احرام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الحمد [illegible]
[illegible]

خواننده با آواز خوش است ... در ... و قل هو الله احد خواند پس آن مقدار که نفس توان زد ... صبر فرمود
و بعد از آن الله اکبر از جهت رفتن برکوع گفت ... و حالتی که ایستاده بود ... در رفتن برکوع چنانکه متعارف
پس برکوع رفتند و دستهای خود را از زانوها برکردند با انگشتان دستها گشوده بودند و زانوها را
پشت شکستند تا آنکه پشت راست شد بمرتبه که اگر قطرهٔ از آب یا روغن بر پشت میریختند حرکت نمی کرد
چون پشت راست بود و زانوها را بر پشت شکسته بود و در نسخ امالی تردد بود و در بعضی از نسخ ...
الی خلفه بود و این عبارت در کافی نیست ... کردن ... و ... اختند و چشمها را بر هم گذاشتند
صحیح ... و آن است که نظر را در حالت رکوع در میان هر دو پا کنند و در بعضی نسخ آنست که بر هم گذارند پس
... میان هر دو ... که حضرت نظر در میان پاها داشته باشند و حماد خیال کرده باشد که حضرت
بر هم گذاشته اند و این معنی را ظاهر ... پس سه مرتبه تسبیح کبیر را بترتیل و تأنی خواندند که سبحان ربی
العظیم و بحمده یعنی خداوند عالمیان اگر پرورنده کار منست ... آن اعظم است که وصف عظمت او توان کرد
میدانم از آنکه ... ذات و صفات و افعال او ... و شکر او میکنم برین نعمتی که مرا اهل تسبیح خود کرد ... پس
پس ... ایستادند و چون درست ایستادند گفتند سمع الله لمن حمده یعنی حق سبحانه و تعالی اجابت
فرمود دعای ... که ... حمد ... کرده باشند ... اهل ... است ... که ظاهر است
هر گاه شخصی این ... دنیا ... البته ... مقام احسان ... که ... اکرم الاکرمین
البته جمیع مطالب او برآورده میشود ... که بعضی ... الحمد لله است ... گفتن
در حالتی که ایستاده بودند و دستها را بر ... برابر ... و ... دستها را پیش از آنکه
بر زمین گذاشتند و عبارت کلینی و تهذیب و نسخ امالی ... ثم سجد و وضع کفیه منضمة
الاصابع بین یدی رکبتیه حیال وجهه فقال الخ یعنی پس سجده رفتند و دستهای خود را ... که
انگشتان نزدیک بهم بودند ... و گشوده ... زانوها گذاشتند ... خود ... گفتن ...
که این توهم ... باشد ... این عبارت ... معنی ... باشد ... در بعضی از نسخ
حماد ... لیکن ... بسیار مستبعد است ... نسخ ... چنانکه ...

و گفتند سبحان ربی الاعلی و بحمده را سه مرتبه یعنی منزه میدانم و پاکی یاد میکنم پروردگار خود را که از آن
بالاتر است که عقولها ادراک ... ذات او ... مقدس ... او ... در حالتی که حمد او میکنیم برین تسبیح و این تنزیه
را نیز از جملهٔ نعمتهای او میدانم و هر گاه تسبیح از نعم اوست حمد بر تسبیح نیز از نعمتهای اوست و محتاج است
بحمد دیگر الی غیر النهایه ... که حمد او ... نمی توانند کرد ... اعلی مراتب حمد اعتراف است بعجز
حمد ... جزوی ... جزوی دیگر نگذاشتند و سجده بر هشت استخوان کردند پیشانی و دستها و کاسهٔ زانوها
و سر انگشتان ... پاها ... بر زمین گذاشتند پس آن هفت اول فرض است و گذاشتن بینی بر زمین سنت
و آن ارغام مستحب است که ... یعنی ... بجو ... داشتند پس چون درست نشستند الله اکبر
گفتند ... نشستند ... بر ... و ... گذاشتند و گفتند استغفر الله ربی و اتوب
الیه یعنی آن خداوندی که تربیت کنندهٔ منست ... طلب ... میکنم ... از جمیع گناهان که
دیگر ... درست نشستند الله اکبر و سجدهٔ دوم ... در سجدهٔ اول گفته بودند
دوم ... هیچ جزوی ... جزوی دیگر ... رکوع و ... سجود ... که
رکوع ... جزوی ... سجود ... بودند
... گشوده بودند ... اعضای خود را ... پس ... رکعت ... کرده پس
که ای حماد ... نماز ... خود ... دست ... بر ...
کنار ... انگشتان ... و ... دست ... از دست ...
... پرسیده ... آن ... و ... در تهذیب ... اصل است ... اللهم ...
... حضرت ... که ... نماز ... چون ... مساجد ... که ...
و ... نماز فرموده ... در موضع ... ذکر کرده باشند چون حضرت فرموده اند که ... اصل ...
... که ... حدیث ... است ... و ... که ... و ...
... بامر ... باحادیث ... تحقیق ... اول باب ... و قال الصادق صلوات الله علیه
... الثانیة فقل اللهم انی اقدم الیک محمدا بین یدی حاجتی و اتوجه به الیک فاجعلنی

کشد م
۲۱۶

پس رحیما منک فی الدنیا والآخرة ومن المقربین واجعل صلاتی به مقبولة وذنبی به مغفورا ودعائی
به مستجابا إنک أنت الغفور الرحیم و بسند صحیح و حسن کالصحیح از آنحضرت منقولست که چون خواهی متوجه
نماز شوی پس بهتر آنست که بعد از اقامت بخوانی و پیش از آن نیز میتوان خواند اول این دعا را
که خداوندا بدرستی که مقدم میدارم محمد را در پیش حاجت خود یعنی آنحضرت را شفیع خود میسازم
و بسبب او توجه میکنم بسوی تو پس بگردان مرا به برکت آنحضرت یا به برکت شفاعت آنحضرت روشناس نزد خود
و عندک در اکثر نسخ نیست اما در کافی و تهذیب هست یعنی صاحب وجه و خوبی در دنیا و آخرت بگردان مرا
از مقربان باشم در آخرت بشفاعت و مرا از جمله مقربان نزد خود گردان به برکت آنحضرت نماز مرا مقبول گردان
و بشفاعت آنحضرت گناهان مرا بیامرز و بیمن آنحضرت دعای مرا مستجاب گردان بدرستی که تو بی چون
آمرزنده و مهربانی فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَوةِ فَلَا تَأْتِهَا مُتَكَاسِلًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُسْتَعْجِلًا وَ
لَكِنْ عَلَى سُكُونٍ وَوَقَارٍ فَإِذَا دَخَلْتَ فِي صَلَوتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَوتِكَ
فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَالَّذِينَ هُمْ فِي صَلَوتِهِمْ خَاشِعُونَ وَيَقُولُ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ وَلَا تُقَلِّبْ وَجْهَكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَتُفْسِدَ صَلَوتَكَ وَقُمْ
مُنْتَصِبًا فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ مَنْ لَمْ يُقِمْ صُلْبَهُ فَلَا صَلَوةَ لَهُ وَاخْشَعْ بِبَصَرِكَ وَ
لَا تَرْفَعْهُ إِلَى السَّمَاءِ وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَاشْغَلْ قَلْبَكَ بِصَلَوتِكَ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ مِنْ
صَلَوتِكَ إِلَّا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِكَ حَتَّى إِنَّهُ رُبَّمَا قُبِلَ مِنَ الصَّلَوةِ رُبْعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ نِصْفُهَا
وَلَكِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يُتِمُّهَا لِلْمُؤْمِنِينَ بِالنَّوَافِلِ وَلْيَكُنْ قِيَامُكَ فِي الصَّلَوةِ قِيَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ بَيْنَ
يَدَيِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ وَصَلِّ صَلَوةَ مُوَدِّعٍ كَأَنَّكَ لَا تُصَلِّي
بَعْدَهَا أَبَدًا وَلَا تَعْبَثْ بِلِحْيَتِكَ وَلَا بِرَأْسِكَ وَلَا بِيَدَيْكَ وَلَا تُفَرْقِعْ أَصَابِعَكَ وَلَا تُقَدِّمْ رِجْلًا عَلَى
رِجْلٍ وَفَرِّجْ بَيْنَ قَدَمَيْكَ وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا قَدْرَ ثَلَاثِ أَصَابِعَ إِلَى شِبْرٍ وَلَا تَمَطَّ وَلَا تَتَثَاءَبْ وَلَا تَضْحَكْ
فَإِنَّ الْقَهْقَهَةَ تَقْطَعُ الصَّلَوةَ وَلَا تَتَوَرَّكْ فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَذَّبَ قَوْمًا عَلَى التَّوَرُّكِ كَانَ أَحَدُهُمْ
يَضَعُ يَدَيْهِ عَلَى وَرِكَيْهِ مِنْ مَلَالَةِ الصَّلَوةِ وَلَا تُكَفِّرْ فَإِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ وَلَا [illegible]

عَلَى فَخِذَيْكَ بِحِيَالِ رُكْبَتَيْكَ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ تَهْتَمَّ بِصَلَوتِكَ وَلَا تَشْغَلَ عَنْهَا نَفْسَكَ فَإِنَّكَ
إِذَا حَرَّكْتَهُمَا كَانَ ذَلِكَ يُلْهِيكَ وَلَا تَسْتَنِدْ إِلَى [illegible] إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَرِيضًا وَلَا تَلْتَفِتْ عَنْ يمينك
وَلَا عَنْ يَسَارِكَ فَإِنِ الْتَفَتَّ حَتَّى تَرَى مَنْ خَلْفَكَ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَوةِ یعنی چون
خواهی که نماز کنی پس میا بسوی نماز بعنوان تنبلی حتی در نماز جمعه که حق سبحانه و تعالی امر بسعی فرموده است
چنانکه در حدیث صحیح از زراره منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون اذان
نماز بر خیزد پس بعنوان دویدن بسوی نماز میا و باید که با سکینه دل و وقار بنماز جماعت حاضر شوی
هر چند را در یابی بکن هر چه را پیش از تو کرده باشند بقیه را بعد از نماز ایشان تمام کن و آنکه حق سبحانه
و تعالی در سوره جمعه فرموده است که فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللهِ مراد دویدن نیست بلکه اهتمام در آن شأن است
که بجا آوردن [illegible] و کسل و تنبلی نماز مکن و چون [illegible] خواب آید نماز مکن چندان
کن که آن زایل شود و متوجه نماز شو پس چون در نماز داخل شوی بر تو باد که با خشوع باشی و دل خود
را متوجه نماز خود سازی زیرا که حق سبحانه و تعالی مدح کرده است خاشعان را در سوره مؤمنان و فرموده
که رستگاری یافتند مؤمنانی که در نماز خود با خشوع اند و [illegible] اگر در بلاها و محنتها از جهت
آن یاری جوئید بروزه و نماز یا استعانت [illegible] دشوار است مگر بر خاشعانی که در حالت نماز دل ایشان
مشغول جناب الله [illegible] ایشان است
ایشان در نماز [illegible] در حدیث صحیح [illegible] منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که
[illegible] بر تو باد که دل خود را متوجه نماز کردانی زیرا که از نماز آن چیزی مقبول است که دل تو با آن باشد
بر ماست خود و ریش خود بازی مکن [illegible] که غیر نماز چیزی بخاطر تو در آید [illegible] کمان کشی مکن
با جانان کن که مقدمه [illegible] نماز واقع نشود و دست خود را بسنه چنانچه
اکثر سنیان میکنند [illegible] در حال نماز دهن را ببند [illegible] بلکه در رکوع و سجود
[illegible] در میان پیشانی [illegible] در تشهد و در حالت سجود
بر زمین [illegible] نماز است و نماز [illegible] باشد که

و سنگینی که اینها علامت نفاق است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است مومنان آنکه متوجه نماز شوند [illegible] خواب
باشند و در شان منافقان فرموده است که چون بنماز می ایستند بکسل و ثقیلی می ایستند و ریا میکنند و عبادات
خود را بخلق مینمایند و یاد نمیکنند خدا را مگر اندکی اما [illegible] یعنی دیگر روی خود را بقبله کن و روی خود را
از قبله مگردان که نمازت فاسد میشود و دست بازیستن نیز که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
که هرکه [illegible] خود را [illegible] نکند نماز او صحیح نیست و چشمت را بزیر انداز و بسوی آسمان مکن بلکه در حالت
ایستاده میباید که نظر بموضع سجده ات داشته باشی و دل خود را مشغول نمازت کن و [illegible] که این نماز مقبول نیست مگر
آنچه دل مشغول حق سبحانه و تعالی باشد تا آنکه بسا باشد که از نماز نیم آن یا ثلث آن یا [illegible] آن مقبول شود و لیکن
حق سبحانه و تعالی نماز مومنان را تمام میکند بنوافل و میباید که در حالت نماز چنان بنمائی یا بایستی که در نزد
بادشاهی عظیم الشأن ایستاده بلکه نزد کسی ایستاده که او ترا می بیند و تو او را نمی بینی و نماز کن مانند کسی که
وداع نماز کرده و داند که نماز آخرین است چنین کسی البته با نهایت خشوع و خضوع و حضور قلب نماز میکند و تو
نیز چنین نماز کن و در نماز [illegible] که این نماز [illegible] میکنند تمام [illegible] و بازی مکن با ریش
و دستهای خود و انگشتان خود را مشکن و یک پا را بیشتر از پای دیگر مگذار و هر دو جفت کن که برابر
باشند و [illegible] انگشت گشوده باشند تا یک شبر و [illegible] مکن و دهن دره مکن و خنده مکن که خنده قهقهه
نماز را قطع میکند و [illegible] نیز که حق سبحانه و تعالی مغضوب ساخت جمعی را [illegible] چنین بودند که اگر ایشان
[illegible] ایشان را نماز دستهای خود را بر [illegible] و [illegible] که این فعل کافران است که در برابر پادشاه
خود چنین می ایستادند عمر خویش را آنچه گفت نزد حق سبحانه و تعالی اولیست که چنین بایستیم [illegible] میکرد
کما میدانیم که بنده را چگونه میباید کرد هرچند که فرموده [illegible] ولیکن او اعتقاد بر نبی صلی الله علیه و آله
و سلم نداشت و دستها را [illegible] پیش و محاذی [illegible] بر زانوها که اگر چنین کنی لایق
بآنکه اهتمام بشان نماز داشته باشی و خاطرت متوجه غیر نماز نباشد نیز که اگر دستها را حرکت دهی ترا از
نماز غافل میکند و تکیه بر دیوار مکن مگر آنکه بیمار باشی و [illegible] مکن که اگر التفات
آنقدر که عقب خود را ببینی واجبست که اعاده کنی نماز را [illegible]

صحیحه و حسنه وارد شده است ذکر همه آنها سبب تطویل میشود بعضی از اخبار ذکر میکنیم که [illegible] از آنجمله
حدیث صحیح زراره که روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که چون بنماز بایستی پاها
بهم نزدیک مگذار و میان هر دو پا فاصله بگذار از اقل یک انگشت تا اکثرش یک شبر و دستها را [illegible] بلند مکن
و دستها را [illegible] و انگشتان را از هم [illegible] مکن و باید که دستها بر رانها باشد [illegible] زانوها و میباید که
نظرت در حال ایستادن بموضع پیشانی باشد و چون برکوع روی [illegible] محاذی هم [illegible] و فاصله در میان
ایشان بقدر یک شبر بگذار و کف دستها را بر زانوها بگذار [illegible] دست راست بر زانوی راست بگذار و
بعد از آن دست چپ را بر زانوی چپ بگذار و چون کف دست را بر سر زانو گذاری انگشتان را گشاده کن که
زانو [illegible] و محکم بگذار و اگر سرهای انگشتان در رکوع بزانوها رسد کافیست [illegible] خم شدن
حاصل میشود مگر آنکه مراد این باشد که کف دست [illegible] مذکور شد واجب نیست بلکه اگر خم شد تا
سر انگشتان که میرسد کافیست و لیکن بعید است [illegible] و محبوب [illegible] آنست که دستها را
بر زانوها [illegible] با انگشتان [illegible] زانوها را فرو گیری گشاده و پشت را راست کن و گردن را
بکش راست میباید که در حالت رکوع نظرت در میان پاهایت باشد [illegible] دستها
بلند کن از جهت تکبیر و خود را [illegible] از جهت سجود و دستها را بر زمین گذار پیش از زانوها [illegible]
بگذار [illegible] دستهای خود را بر زمین [illegible] ذراعها را بر زانوها
[illegible] مگذار بلکه دور کن مرفقها را مانند گشودن [illegible] دستها را [illegible] و مگذار بر زانوها
و نزدیک [illegible] خود نیز مگذار بلکه [illegible] بگذار در برابر [illegible] خود و محاذی [illegible] زانو
مگذار بلکه [illegible] دستها [illegible] بر زمین پهن کن و اندکی [illegible] آور
[illegible] وقتی که سر از [illegible] دستها را بسوی خود کن هموار و از جای خود [illegible] و اگر دستها را
[illegible] مضایقه ندارد و اگر [illegible] بهتر است و در حالت سجده انگشتان را
[illegible] بهم متصل [illegible] زانوها را بر زمین بچسبان و بهم
[illegible] فاصله [illegible] بر زمین باشد و [illegible] راست

۲۱۷

بر شکم پای چپ باشد و نشستن تمام بر زمین باشد و ظاهرا نشستن [illegible] مراد نباشد و اگر [illegible] پا
چنانکه ظاهر حدیث است بسیار مشکل است نه بالوجوب و سنت [illegible] چنانکه [illegible] باشد
و از نماز که بر پاشنه‌های پا نشستن که آنرا اقعا گویند [illegible] بر زمین نشسته [illegible] بلکه بعضی از علما بر بعضی
نشستن خواهد بود [illegible] از جهة [illegible] و در حسن کالصحیح از حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] که چون داخل شوی در نماز پس بر تو باد که با خشوع باشی و دل بنماز دهی و بدانکه
با که مناجات میکنی و حمد میکنی و بدرستی که حق سبحانه و تعالی میفرماید که [illegible] که در نماز
خود خاشع اند و در احادیث بسیار وارد شده است از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده که
حق سبحانه و تعالی [illegible] و در [illegible] منقولست که مسلم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
که [illegible] نماز را قطع میکند حضرت فرمود مگر آنکه [illegible] بازی کردن و در صحیح از محمد بن مسلم منقولست که
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که از نماز بنده آن مقدار بالا میرود که رو بدل او رو آورده باشد نصف
یا ثلث یا ربع یا خمس و بالا نمیرود مگر آنچه با حق سبحانه و تعالی باشد [illegible] مامور شده [illegible] مگر از جهة آنکه
تمام شود هر نقصانی که در فرایض شده باشد و در صحیح از زراره منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که نوافل از جهة آن مقرر شده است که تا باعث تمام شود نقصان فرایض [illegible] اخبار بسیار [illegible]
صحیح مشهور منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند [illegible] سید الساجدین صلوات الله
علیه چون متوجه نماز میشدند رنگ مبارک ایشان متغیر میشد و چون بسجده میرفتند سر برنمیداشتند تا عرق
از ایشان جاری [illegible] که چون آنحضرت صلوات الله علیه بنماز میایستادند [illegible] ساق
درختی [illegible] فانی فی الله شده و از آنحضرت چیزی حرکت نمیکرد مگر آنکه باد حرکت میداد و در صحیح از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که [illegible] التفات قطع میکند نماز را هرگاه بکل بدن باشد و اکثر حمل
کرده‌اند بر آنکه بکل بدن باشد که پشت خود را به قبله کند و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست که از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه سوال کردم که آیا مرد التفات میتواند کرد در نماز حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] و در حسن کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست [illegible]

که نماز آنکس فاسد میشود و نیز حق سبحانه و تعالی امر فرموده است بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible] که روی خود را بجانب مسجد الحرام کن و در هر جا که باشید روی خود را بآنجانب کنید و چشم خود را بر
انداز و بجانب آسمان [illegible] مکن [illegible] نظرت بموضع سجود باشد و این التفات را اکثر حمل کرده‌اند [illegible]
و الله تعالی یعلم و [illegible] ان العبد اذا التفت فی صلوته ناداه الله عز و جل فقال عبدی الی من تلتفت الی
من هو خیر لک منی فان التفت ثلث مرات صرف الله عنه نظره فلم ینظر الیه بعد ذلک ابدا
و باسانید معتبره از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که هرگاه بنده در نماز رو بجایی کند یا
در دل خود دیگری را [illegible] حق سبحانه و تعالی او را ندا میفرماید که ای بنده بجانب که نظر میکنی بکسی که از برای تو
بهتر [illegible] اگر سه مرتبه التفات کند حق سبحانه و تعالی نظر شفقت و مرحمت از او بر میدارد و دیگر بجانب او
نظر نمیکند [illegible] نماز [illegible] اکثر این عبادات
مضامین [illegible] مخصوص [illegible] باشد بلکه از همه جا بر داشته است
مضامین [illegible] و لا تنفخ فی موضع سجودک فان اردت النفخ فلیکن قبل دخولک فی الصلوة
فانه یکره ثلث نفخات فی موضع السجود و علی الرقی و علی الطعام الحار و اخبار بسیار وارد است که
باد مکن در موضع سجود [illegible] و اگر خواهی که پاک کنی [illegible] باید که پیش از دخول در نماز باشد و در حدیث صحیح وارد است
که کراهت [illegible] مکروه [illegible] خواهد بود [illegible] که
[illegible] مکروه است [illegible] موضع سجود [illegible] اگر چه قرآن و دعا باشد مگر آنکه
[illegible] طعام [illegible]
[illegible] و لا تتورک و لا تمخط فان من حبس ریقه اجلالا لله عز و جل فی صلوته اورثه الله عز و جل صحة
الی الممات و در نماز آب دهن [illegible] و آب بینی [illegible] که هر که آب دهن را نگاه دارد در نماز [illegible]
[illegible] که آن تعظیم حق سبحانه و تعالی است حق سبحانه و تعالی او را صحتی کرامت نماید که تا زنده باشد بیمار
[illegible] شده است [illegible] از جهة تعظیم مسجد [illegible]
[illegible] بکفیک اذنیک حیال خدیک [illegible] بلند کن از جهة

تا گو کردن دستها از گوشها بالا تر ببر محاذی دو طرف دیده بدانکه اخبار صحیحه متواتره وارد شده است
یک تکبیر واجبست و آن تکبیر احرام است و شش تکبیر سنت است و اکتفا به پنج تکبیر و سه تکبیر و یک تکبیر
میتوان کرد و هر یک را که خواهد قصد تکبیر احرام میتواند کرد و سنت است که در هر تکبیر که دستها را بلند کند
و اقل آن تا گو کردن است و بیشتر تا محاذی گوشها و بهتر آنست که سر انگشتان محاذی گوشها باشد و منتهای
کف قریب بنرمه گوش [illegible] کردن باشد چنانکه در صحیح از ابن سنان منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه در تفسیر این آیه که حق سبحانه و تعالی فرموده است که فصل لربک وانحر فرمودند که مراد بانحر بلند کردن دست است
محاذی [illegible] و بدین معنی چنین خواهد بود که نماز کن متوجها بجهت پروردگار خود و نفس اماره را بکش [illegible] که دست
محاذی [illegible] با شیطان را میکنی با انکه دست خود را چنان [illegible] بالا بر [illegible] ابتدا در دست محاذی بموضع نحر باشد
کم گو کردن است و در تفسیر دیگر منقولست که نماز عید را بکن از جهت پروردگار خود و قربانی را نحر کن اگر شتر باشد یا
بکش و در صحیح صفوان منقولست که آنحضرت را صلوات الله علیه دیدم که در وقت تکبیر دستها را بالا میبردند و
نزدیک بود که بگوشهای آنحضرت برسد و در صحیح ابن سنان مرویست که آنحضرت را صلوات الله علیه دیدم
که دستها را در تکبیر برابر رو میبردند و در صحیح منصور وارد است که گفت دیدم که حضرت تکبیر افتتاح فرمودند
و دستها را برابر رو بردند و شکم دستها را برابر قبله کردند و چون خواهد که تکبیر گوید ابتدای تکبیر مقارن باشد
با ابتدای بلند کردن و تمامی تکبیر مقارن باشد با تمامی بلند شدن و اگر دست محاذی وجه باشد [illegible] بعضی روایات وارد
شده است که تکبیر را بعد از بلند کردن شروع [illegible] ابن جنید [illegible] جمعی گفته اند که [illegible] که گوید
بالا برد شروع کند [illegible] شود [illegible]
آیه نماز شود نه در روایتی هست [illegible] عوام و خواص الحال [illegible] مگر بعضی از [illegible]
شنیده اند [illegible] حرمت میشود اگر [illegible] و بهتر آنست که ابتدای آن بالا
دفع باشد و انتهای آن با نهایت [illegible] و این معنی را منظور دارد که گویا نفی میکند [illegible] تکبیر [illegible] با حق [illegible]
شبابه باشد و در هر تکبیری [illegible] معنی قصد میکند با انکه چون پنج [illegible] بالا میبرد [illegible]
و تحقیق آن [illegible] اعظم است که [illegible] کر آن [illegible]

دعوت شده میبیند که حق سبحانه و تعالی از ان بزرگتر است که محسوس شود بحواس خمس [illegible] از معانی چنانکه
گذشت [illegible] ثم ابسطهما بسطا و کبر ثلاث تکبیرات و قل اللهم انت الملک الحق المبین لا اله
الا انت سبحانک [illegible] عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت ثم کبر
تکبیرتین فی ترسل ترفع بهما یدیک و قل لبیک و سعدیک والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی
من هدیت عبدک وابن عبدیک بین یدیک منک وبک ولک والیک لا ملجأ ولا منجا ولا مفر
منک الا الیک تبارکت وتعالیت سبحانک وحنانیک سبحانک رب البیت الحرام ثم کبر تکبیرتین
و قل وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم ودین محمد ومنهاج علی حنیفا
مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له
وبذلک امرت وانا من المسلمین اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
یعنی [illegible] حسن کالصحیح از حلبی روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
چون شروع [illegible] و خواهی که تکبیر گوئی دستها را بلند کن [illegible] دستها را بالا بری
تا [illegible] سه تکبیر بگو و این دعا را بخوان [illegible] ذکر کرده است [illegible] موافق است
با فقه رضوی مگر در عبارت سبحانک وحنانیک تبارکت وتعالیت که در فقه رضوی موافق [illegible] منقولست
ظاهرا [illegible] علی آخرها [illegible] فاطر السموات والارض عالم الغیب و
الشهادة [illegible] و در صحیح زراره [illegible] اگر داخل کند بهتر است [illegible] حلبی و زراره علی ملة ابراهیم حنیفا
مسلما [illegible] و در فقه رضوی علی ملة ابراهیم و دین محمد و ولایة امیر المومنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه است
و در [illegible] حضرت [illegible] صلوات الله علیه [illegible] است [illegible] بن محمد [illegible] امیر المومنین
[illegible] سبحانک [illegible] حکم [illegible] کرده است [illegible] فقه رضوی [illegible]
[illegible] البیت الحرام [illegible] والمقام والحل والحرام [illegible] لا اله غیرک ولا معبود سواک
[illegible] تکبیر [illegible] آن تکبیر افتتاح است
[illegible] نماز [illegible] معصومین

در برابر خود بدارد و ظاهراً منظور بودن عرض آنست که گویا اقتدا بآن معصوم کرده ایم چون نماز معراج سید

چنانکه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم از هفت آسمان گذشتند در هر فلکی تکبیری گفتند در میان

مومنین رسم گفتن تکبیرات هفتگانه [illegible] این دعا عجیب معنویه را [illegible] الله اکبر [illegible] در هر تکبیری

ملاحظه جلال و عظمت معنی الهی بکند یعنی یکی شیطان و دیگر [illegible] اوصلی [illegible] غالب [illegible]

آدمی مجاهدین جلال و عظمت الهی که در خیال او چیزی در می آورند و اقتدای [illegible] هست و حق سبحانه

از آن اعظم است که در خیال او و وهم در آید با بردن لفظ الله اکبر در افتتاح نماز متفق شده است که هر گاه شیطان

و اهمه تخیلی بکند بدفع آن وهم بتکبیری واقع شود و مرتبه بمرتبه بالا رود و در تکبیر اول [illegible] بخاطر میگذراند

که حق سبحانه و تعالی از آن اعظم است که بحواس ظاهره محسوس شود و در تکبیر دوم در خاطر در آورد که

حق سبحانه و تعالی از آن اعظم است که بحواس خمس باطنه محسوس شود بحس مشترک یا قوت خیال یا متخیله یا آنکه

در قوت حافظه در آید و قوت متفکره یا متذکره در آن تصرف تواند کرد و این هر دو نیز تصرف در جسمانیات دارند

و در تکبیر سیم بخاطر میگذراند که حق سبحانه اعظم است [illegible] معقول [illegible]

یا بکنه صفات و افعال او راه داشته باشند و در تکبیر چهارم این معنی را قصد میکند که حق سبحانه و تعالی از آن

کنه ذات او [illegible] اولیاء الله بکنه ذات و صفات و افعال او تواند رسید و در تکبیر پنجم اعظمیت از ادراک

ارواح قدسیه که مرتبه اعاظم اولیاء الله است ملاحظه میکند و در تکبیر ششم اعظمیت از [illegible] اسرار و

قدسیه ملاحظه میکند و این مرتبه انبیاء و رسل است صلوات الله علیهم و چون مرتبه ایشان [illegible]

ایشان سهولت بیشتر و در تکبیر هفتم اعظمیت از ادراک خفی که مرتبه [illegible]

اخفی مرتبه سید المرسلین و ائمه معصومین است صلوات الله و سلامه علیهم [illegible] چنانکه [illegible]

ادراک کنه ذات مقدس و صفات و افعال [illegible] ادراک [illegible] مقامات کمالات ایشان

[illegible] اللهم [illegible] توفیق [illegible] مخصوص [illegible] دلیل [illegible]

[illegible]

ولباس عاریت [illegible]

مرا دانم از آنچه لایق ذات تو نیست و حمد میکنم ترا برین تسبیح و این تنزیه را نیز از الطاف و نعمای تو میدانم

[illegible] کرده ام [illegible] که کرده ام ظلم بر نفس خود کرده ام فاغفر لی ذنوبی [illegible] و رحمت تو [illegible]

[illegible] اگر [illegible] مرا دانست [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] و تکبیر بگو [illegible] که [illegible] وقت گفتن

تکبیر [illegible] لبیک یعنی [illegible] ابیک [illegible]

و هر چه فرموده فرمان بردارم [illegible] و حال آنکه [illegible]

تعبیر [illegible] که [illegible] بدست [illegible] با آنکه [illegible]

[illegible] آنکه [illegible] و الشر لیس الیک [illegible]

نسبت [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] بسیار است [illegible] و معانی [illegible]

میکند [illegible] که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]

هدایت [illegible] کرده باشی یعنی [illegible]

بنده [illegible] ازو [illegible] و فرمان تو

[illegible] واقع شود [illegible] تکبیر [illegible]

[illegible] واقع است چون [illegible]

[illegible] و کرم تو همیشه [illegible]

[illegible] عظمت [illegible] جناب اقدس [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] مستقبل کعبه [illegible]

[illegible] نماز [illegible] الله تعالی

۲۲۰

خواندن

بعلم بس دو تکبیر بگو و اگر نیت را مقارن تکبیر هفتم داری چنانکه در فقه رضویست بهتر است و اگر در جمیع
لیکن عاشقی که معانی سابقه بلسن قصد تکبیر احرام کافیست و اگر قصد کند که نماز ظهر میکنم لله تعالی کافیست
اولی آنست که بعبارت در نیاورد چون بعضی از اقامت [illegible] گفته [illegible] هست بکراهت شده
و چون جمعی عادت کرده اند که بعبارت در آورند و اگر در نیاورند بعبارت بوسواس می افتند که نماز ایشان
باطل است [illegible] قلب می افتد اگر بعبارت در آورند که نماز ظهر واجب میکنم لله تعالی قربة الی
الله [illegible] لامر الله بس نیست و اگر در مقام محبت باشد همه نیت است و هر چه که مقارن نیت میشود آن تکبیر
احرام است که بآن حرام میشود افعالی که در نماز جایز نیست کردن آن بس و تکبیر بگو و دعای توجه را
بخوان و این دعا نیز نیت است [illegible] که میگوی روی خود را متوجه جناب [illegible]
کردم و میکنم [illegible] که حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام کرد
و این عبارت [illegible] ظاهر [illegible] آفتاب و ماه و ستارگان محل حوادث شده
هر چه محل حوادث است حادث است [illegible] حضرت ابراهیم [illegible]
[illegible] حاصل آنکه جمیع انبیا
تابع حضرت ابراهیم میکنند [illegible] پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] فرموده اند و اگر آنحضرت
صلی الله علیه و آله این عبارت [illegible] تواضع [illegible] صلوات الله علیهم [illegible]
[illegible] حضرت ابراهیم [illegible]
آنست که [illegible]
که حضرت ابراهیم از همه پیغمبران بهتر است [illegible]
[illegible] لیکن حنیف [illegible]
[illegible] صلی الله علیه
و سلم [illegible]
[illegible]

موافق [illegible] آنحضرت [illegible] اصول دین خصوصا [illegible] و در فروع دین [illegible] و طریقه [illegible]
[illegible] اصول و فروع و تتمیم کمالات و در حالتی که [illegible]
[illegible] کردن نماز [illegible] فرمان خدا [illegible] احکام [illegible]
در نماز و نیستم از جمله مشرکان و این دعا از [illegible] حضرت ابراهیم بود [illegible] در قرآن مجید یاد
فرموده است بعنوان [illegible] و ما کان من المشرکین [illegible] بعبارت
بگوییم که نیستم از جمله مشرکان [illegible] بعبادت [illegible]
[illegible] تاکید [illegible] و توضیح آن میکنم [illegible]
[illegible]
خدا [illegible] مطلوب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دعاهای [illegible] از [illegible] آسمان
[illegible]
از [illegible] واجب الوجود بالذات [illegible] جمیع کمالات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تکبیر
[illegible] و در
[illegible] مطلوب است

خلایق

صحیح است و منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم از سبب هفت تکبیرات

در نماز حضرت فرمودند که سه تکبیر است در قرائت بقل هو الله احد یا قل یا ایها الکافرون [illegible]

میتوان کرد که اگر امام باشی کافیست که یک تکبیر بلند بگوئی و شش تکبیر را آهسته [illegible] و در صحیح از آنحضرت

صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که پیش نماز را یک تکبیر کافیست و اگر به تنهائی نماز کنی سه تکبیر میگوئی

یا تا [illegible] و در صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که یک تکبیر در این نماز کافیست و سه افضل است

و هفت افضل از همه و در حسن کالصحیح از زید شحام منقول است که گفت از آنحضرت صلوات الله علیه عرض نمودم

افتتاح نماز را فرمودند که یک تکبیر کافیست عرض نمودم که [illegible] آیا هفت چون است فرمودند

که هر گاه [illegible] نماز کنی [illegible] تکبیر کافیست [illegible] اگر امام باشی یک تکبیر کافیست [illegible] که با تو نماز میکنند چون که

کارها دارند یا ضعیفند یا [illegible] ایشان انتظار آنرا [illegible] میکشند [illegible] ایشان

و انّما جرت السنّة فی افتتاح الصلوة بسبع تکبیرات لما رواه زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه

انّه قال خرج رسول الله صلی الله علیه و آله الی الصلوة و قد کان الحسین صلوات الله علیه ابطأ

عن الکلام حتی تخوّفوا ان لا یتکلم و ان یکون به خرس فخرج به رسول الله صلی الله علیه و آله

حاملا له علی عاتقه و صفّ الناس خلفه فاقامه علی یمینه فافتتح رسول الله صلی الله علیه و آله الصلوة

فکبّر الحسین صلوات الله علیه حتی کبّر رسول الله صلی الله علیه و آله سبع تکبیرات و کبّر الحسین

صلوات الله علیه فجرت السنّة بذلک [illegible] سنّت جاری شده است که در ابتدای نماز هفت تکبیر گفته شود

بسبب علتی است که در صحیح روایت کرده است زراره از آنحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله و سلم بواسطه نماز از [illegible] بیرون آمدند [illegible]

[illegible] امام حسین صلوات الله علیه [illegible]

خوف داشتند که [illegible] آنحضرت سخن نگویند [illegible] حضرت [illegible]

در [illegible] بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت امام [illegible]

بر دوش خود [illegible] حضرت [illegible]

بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند [illegible] تکبیرات احرام بوده باشد

اگرچه علت که حضرت بر حق الهی دانسته باشند که حضرت امام حسین صلوات الله علیه تکبیر [illegible]

[illegible] حضرت سید الشهدا صلوات الله و سلامه علیه بعد از

تکبیر [illegible] تکبیر گفتند [illegible] حضرت [illegible] و در روایت دیگر آنکه چون

جواب [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] تکبیر گفتند و حضرت [illegible] گفتند

تا آنکه حضرت هفت تکبیر گفتند و حضرت سید الشهدا صلوات الله و سلامه علیه نیز گفتند [illegible]

شد که افتتاح نماز به هفت تکبیر کنند و صدوق [illegible] همین مضمون را بسند صحیح از عبد الله بن سنان از حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده [illegible] حضرت سید الشهدا صلوات الله

و سلامه علیه [illegible] روایت

[illegible] زراره گفت که به امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض نمودم که چگونه افتتاح

نماز کنم حضرت فرمودند که هفت تکبیر میگوئی و هفت الحمد لله و هفت سبحان الله میگوئی و بعد از آن حمد

ثنای الهی بجا آورده [illegible] بعد از آن شروع در قرائت میکنی و قد روی هشام بن الحکم عن ابی الحسن

موسی بن جعفر صلوات الله علیهما لذلک علّة اخری و هی ان النبی صلی الله علیه و آله لمّا

اسری به الی السماء قطع سبع حجب فکبّر عند کل حجاب تکبیرة فاوصله الله عزّ و جلّ بذلک

الی منتهی الکرامة و بهمین سند صحیح از هشام [illegible] صلوات الله علیه منقول است علتی دیگر صدوق

[illegible] بطول [illegible] از این خبر روایت کرده است و ظاهر [illegible] کرده است که بعضی

[illegible] معنوی [illegible] مکانی [illegible] هشام گفت عرض نمودم که [illegible] افتتاح

نماز [illegible] است حضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی هفت آسمان آفرید و هفت زمین آفرید و هفت حجاب

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] آنحضرت عروج معنوی [illegible]

[illegible] حجاب [illegible] حضرت الله اکبر گفتند [illegible] در افتتاح مطلوب [illegible]

[illegible] گفتند تا آنکه هفت حجاب معنوی [illegible] حضرت هفت گفتند

تکبیر

و حق سبحانه آنحضرت را بمنتهای کرامت رسانید و این عبارت که مذکور شد [illegible] چنانکه گفته‌اند که باین عنوان
نیز نقل کرده باشند و وجه دیگر [illegible] وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که این حجب سبعه
سراپرده‌ها است یعنی سراپرده‌ها و آن سرادق مجد و بزرگی و سرادق بهاء یعنی حسن و خوبی و سرادق عظمت
سرادق مخصوص جلال و سرادق عزت و سرادق قدرت و سرادق [illegible] آن
بوده [illegible] سرادقات بالحسن و جمال [illegible] است پس ممکن است که چون آنحضرت را
بسرادق مجد برده باشند [illegible] تا آخر و همچنین هر که نماز کند
با حضور قلب حق سبحانه و تعالی او را از این معانی بهره و کرامت عطا خواهد فرمود و بسند کالصحیح روایت کرده است
شیخ صدوق از وهب که گفت سوال کردم از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه از حجب حضرت فرمودند
که حجب هفت است غلظت هر حجابی از این حجب پانصد ساله راه است و ما بین هر حجابی تا حجابی پانصد
ساله راه است و حجاب دوم هفتاد حجاب است میان هر دو حجابی پانصد ساله راه است و بر هر حجابی موکل است
هفتاد هزار فرشته که قوت هر ملکی قوت کل جن و انس است و غلظت هر حجابی از این حجب هفتاد هزار
راه است دیگر سرادقات جلال است و آن شصت سراپرده است در هر سرادقی [illegible] ملک است و از
سرادق تا سرادقی پانصد ساله راه است دیگر سرادق عزت است دیگر سرادق کبریا است دیگر سرادق عظمت
دیگر سرادق قدس است دیگر سرادق جبروت است دیگر سرادق فخر است دیگر نور سفید است دیگر [illegible] وحدانیت
و آن هفتاد هزار است که ضرب کنند در هفتاد هزار [illegible] است و کلام حضرت [illegible] خاموش شد [illegible]
حجاب [illegible] است و از آن هفتاد هزار حجاب است چنانکه در حدیث حسن کالصحیح منقول است [illegible]
هفتصد هزار است چنانکه در بعضی روایات [illegible] وارد شده است [illegible]
متفاوت است [illegible] هفتاد هزار و هفتصد هزار است [illegible]
سرادق [illegible] فقط وقس علی هذا الباقی [illegible]
[illegible] وارد است ممکن است که حجابها [illegible] عالم [illegible]
وذکر الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله علیه [illegible]

فی أول الصلاة سبعاً لأن أصل الصلاة رکعتان واستفتاحهما بسبع تکبیرات تکبیرة الافتتاح وتکبیرة
الرکوع وتکبیرتی السجدتین وتکبیرة الرکوع فی الثانیة وتکبیرتی السجدتین فإذا کبّر الإنسان
فی أول صلاته سبع تکبیرات ثم نسی شیئاً من تکبیرات الافتتاح من بعد أو سها عنها لم یدخل
علیه نقص فی صلاته وهذه العلل کلها صحیحة وکثرة العلل للشیء تزیده تأکیداً ولا یدخل هذا فی
التناقض و باسانید کالصحیح منقول است از فضل که حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند که چرا تکبیرات
در اول نماز هفت است [illegible] و ابتدای افعال آن
در هفت موضع است اول تکبیر افتتاح که ابتدای نماز و قرائت آن میشود دیگر تکبیر از جهت رفتن برکوع [illegible]
جهت [illegible] دیگر از جهت رفتن بسجده [illegible] در رکعت دوم تکبیر از جهت داخل شدن در رکوع
تکبیر از جهت [illegible] در سجده [illegible] پس هرگاه آدمی در اول نماز هفت تکبیر بگوید و فراموش کند تکبیری از این تکبیرات
را بعد از آن یا سهو کند [illegible] نقصی در نماز او بهم نمیرسد [illegible] از تکبیرات
افتتاح را بجا آورده است [illegible] تکبیرات [illegible] مستحب است تکبیرات
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]
[illegible] هفت تکبیر [illegible] انبیا است [illegible]
در بعضی [illegible] تکبیرات نمازها [illegible]
[illegible] تکبیرات [illegible] در مجموع تکبیرات نود و پنج تکبیر است [illegible]
[illegible] رکوع [illegible] سجده [illegible] هفده رکعت
[illegible] پنج تکبیر [illegible] قنوت [illegible] صحیح از [illegible] حضرت امام
[illegible] صلوات الله علیه منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که در نمازهای [illegible]
[illegible] پنج تکبیر [illegible] تکبیرات قنوت [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است
تکبیرات نمازها [illegible] نود و پنج تکبیر [illegible] تکبیر قنوت پنج است [illegible] مذکور شد
[illegible] تکبیرة واحدة [illegible] منقول است که حضرت امام محمد باقر

۲۲۸

صلوات الله علیه [illegible] که تکبیر [illegible] در شروع در نماز یک تکبیر است [illegible] و هفت افضل است
و احادیث [illegible] بسیار است [illegible] کان رسول الله صلی الله علیه و آله اتم الناس صلوة
و اوجزهم کان اذا دخل فی صلوته قال الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم و منقول است که آنحضرت صلی
الله علیه و آله نماز جماعت را [illegible] تمامتر بود و مختصرتر [illegible] که داخل [illegible] در نماز [illegible] الله اکبر
بسم الله [illegible] تکبیرات [illegible] و استعاذه [illegible] ماموم [illegible] ضعیف [illegible] ظاهر
آنست که نماز جماعت [illegible] تخفیف است [illegible] ثواب افعال مستحب [illegible]
رعایت حال [illegible] در صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمود [illegible]
باشی سه تکبیر [illegible] و اگر امام جماعت باشی یک تکبیر [illegible] نماز [illegible]
که کار [illegible] ضعیفان [illegible] نماز [illegible] کسانی که ماموم [illegible]
سأل رجل امیر المؤمنین صلوات الله علیه فقال له یا ابن عم خیر خلق الله ما معنی رفع یدیک فی
التکبیرة الاولی فقال صلوات الله علیه معناه الله اکبر الواحد الاحد الذی لیس کمثله شیء لا
یلمس بالاخماس و لا یدرک بالحواس [illegible] و منقول است که شخصی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه سوال کرد که ای پسر عم بهترین خلق خدا چه معنی دارد دست برداشتن در تکبیر اول که تکبیر احرام است حضرت صلوات
الله علیه فرمود [illegible] ذات واجب الوجود بالذات [illegible] جمیع کمالات [illegible]
[illegible] اکبر است [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible] باطن [illegible]
[illegible] ادراک ذات مقدس [illegible] صفات مقدسه
می توانند [illegible] حواس ظاهره و باطنه [illegible] تکبیر [illegible]
[illegible] ظاهره [illegible]
تکبیرة الافتتاح فاقرء الحمد و سورة معها [illegible]
سور و هی [illegible] الضحی و الم نشرح [illegible] انهما جمیعا سورة و [illegible]

سورة واحدة و ان قرأت بهما [illegible] الضحی و الم نشرح فی رکعة و لایلاف و الم ترکیف فی رکعة و لا تنفرد
بواحدة من هذه الاربع السور فی رکعة فریضة [illegible] اکثر عبارات متقدمه [illegible] عبارات
[illegible] در معنی [illegible] سوره حمد [illegible] هر سوره که خواهی
[illegible] نماز [illegible] سوره و الضحی و الم نشرح است [illegible] یک سوره
و همچنین سوره الم ترکیف و لایلاف [illegible] یک رکعت بخوان [illegible] لایلاف [illegible]
[illegible] الضحی [illegible]
الم نشرح را در یک رکعت بخوان و الم ترکیف و لایلاف را در یک رکعت بخوان [illegible]
[illegible] بخوان [illegible] در رکعات نماز واجب [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده اند [illegible]
و منقول است [illegible] از عبدالله بن مسعود [illegible] اجماع اهل البیت است صلوات
الله علیهم و احادیث صحیحه بر آن وارد است مثل صحیحه محمد بن مسلم که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات
الله علیه [illegible] الکتاب نخواند در نماز [illegible] فرمودند که نماز نیست او را یعنی صحیح نیست مگر آنکه آنرا
بخواند [illegible] در صحیح از [illegible] صلوات الله علیهما منقول است که از آنحضرت سوال کردند از کسی که
فاتحه نخواند در نماز [illegible] فرمودند که نماز نیست [illegible]
[illegible] فاتحة الکتاب [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] صلوات الله علیهما منقول است که فرمودند [illegible] حق سبحانه و تعالی رکوع و سجود را فرض کرده
[illegible] قرآن [illegible] رکوع و سجود [illegible] سنت است پس کسی که قرائت عمدا ترک کند نماز را اعاده کند و کسی که آنرا
[illegible] کند نمازش تمام است [illegible] در صحیح [illegible] و نیز منقول است از حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله [illegible] فرمودند که نماز نیست کسی را که فاتحه نخواند [illegible] و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت صلی الله
[illegible] فرمودند [illegible] هر که نمازی بگذارد [illegible] نماز [illegible]
[illegible] آنست که این [illegible] نقل کرده اند و بعضا ابوحنیفه و

احرام ۳

جایز میدانند که ترک بعضی آیه را جواز [illegible] با آنکه نقل نکرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
با صحابه یک مرتبه اقلا ترک کرده باشند و اما سوره بنوعی لازم نیست [illegible] جمعی کثیر قایلند بوجوب آن و حدیث [illegible]
صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که در نماز فریضه قرآن [illegible] مکن بکمتر از
از سوره و نه بیشتر از و در حدیث صحیح منقولست از [illegible] کما [illegible] حضرت امام
محمد تقی صلوات الله علیه [illegible] چه میفرمایی در شخصی که [illegible] بسم الله تنها [illegible]
[illegible] و ترک میکند آنرا یعنی بسم الله را یا سوره را [illegible] حضرت [illegible] مبارک خود
نوشتند که اعاده میکند آنرا یعنی بسم الله یا سوره را اگر وقت آن باقی باشد یا نماز را [illegible] وقت گذشته است
دو مرتبه یعنی فرمودند که اعاده نماز میکند [illegible] آنکه دو مرتبه اعاده میکند یعنی دو سبب اعاده
هست یکی ترک سوره [illegible] دوم باعتقاد باطل [illegible] یا آن شخص [illegible]
بر آنکه [illegible] میتوان کرد [illegible] باشد [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] چنانکه حضرت [illegible] مستحب
نیست [illegible] باشند [illegible] حضرت
فرموده باشند [illegible] است [illegible] والله تعالی
یعلم [illegible] سوره چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
که فاتحة الکتاب [illegible] تنها [illegible] نماز فریضه [illegible] صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] حضرت صلوات الله علیه منقولست که [illegible]
[illegible] واجب [illegible]
از عبد الله بن سنان از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست [illegible]
[illegible] در [illegible] اکتفا [illegible] حدیث صحیح [illegible]
سوره میتوان کرد و این اخبار [illegible] سوره کامله [illegible]
میدانند [illegible] ایشان [illegible] بلکه [illegible] احیانا

سوره کامل نیست [illegible] و مؤید استحباب سوره با عدم وجوب سوره کامله است [illegible] ترک
بسم الله در سوره جایز است [illegible] سوره [illegible] بودن [illegible] ترک
بسم الله است آنکه علما ذکر کرده اند که [illegible] از قرآن [illegible] اجماع [illegible]
[illegible] ترک [illegible] احادیث صحیحه [illegible]
وارد شده است و اکثر علما آن احادیث را حمل کرده اند بر تقیه و اجماع [illegible] آنکه بسم الله جزو
جزو هر سوره است [illegible] ترک بسم الله [illegible]
سوره توان کرد و ترک بسم الله [illegible] بسم الله جزو
نیست [illegible] حضرت فرموده [illegible] آنست که هر که [illegible] صحیح باشد و [illegible]
باقی [illegible] مشغول [illegible] سوره را صحیح [illegible]
سوره را ترک نکند و قصد وجوب یا استحباب [illegible] قصد استحباب [illegible] تعالی
یعلم و اما الم تر کیف و الضحی و الم نشرح [illegible] سوره فیل و لایلاف [illegible]
وارد است [illegible] و آنچه [illegible] ظاهر میشود [illegible] که قران [illegible]
[illegible] در [illegible] حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] الضحی و الم نشرح را [illegible] التحیح یا صحیح
دیگر [illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible] الضحی [illegible] در رکعت [illegible] الم نشرح
[illegible] صحیح [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت صلوات الله علیه [illegible] فرمودند
[illegible] سوره در یک رکعت [illegible] و الضحی و الم نشرح و سوره فیل و لایلاف [illegible]
[illegible] صحیح [illegible] منقولست [illegible] دو سوره [illegible]
[illegible] اکتفا [illegible] سوره [illegible]
[illegible] سوره کامله [illegible] اکتفا [illegible] قرآن

ازجمله

۲۲۵

بجز انس و بسم الله در اول هر سوره میان هر دو بخوانند بنا بر آنکه بر تقدیر بودن آیة بسم الله یک آیت چون
بسم الله در قرآن مکتوب است و اجماع علما دلالت میکند بر آنکه این هر آیه بهمین ضوابط
خواندن آنها جایز است [illegible] صلوات الله علیه [illegible] معوذتین که قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس است روایت کرده است صفوان در حدیث صحیح که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه امامت ما کردند در نماز شام و معوذتین را در دو رکعت خواندند و در حدیث صحیح از منصور بن حازم
منقول است که گفت امر کرد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرا که معوذتین را در نماز
واجب بخوانیم و در حدیث کالصحیح منقول است که صابر گفت که حضرت صلوات الله علیه امامت ما
کردند و معوذتین را خواندند و فرمودند که [illegible] و اما [illegible]
بین [illegible] لا تقرن بین سورتین فی فریضة فاما
فی النافلة فاقرن ما شئت [illegible] و سوره در نماز واجب اما در نافله
خواندن قران [illegible] نماز نافله [illegible] که قران در آن جایز است بلکه مستحب است
و در بسیاری [illegible] مثل نماز [illegible] قل هو الله [illegible]
هو الله در شب [illegible] و بسیاری [illegible] در نماز واجب [illegible]
در حرمت [illegible] و در احادیث بسیار [illegible]
کالصحیح منقول است [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible]
دو سوره [illegible] در نماز فریضه [illegible] حدیث صحیح منصور [illegible] که در نماز واجب
از یک سوره زیاده [illegible] در حدیث صحیح محمد بن مسلم منقول است که از احدهما صلوات الله علیهما
منقول است که گفت سوال کردم از آنحضرت [illegible] در یک رکعت بخواند حضرت فرمود
هر سوره [illegible] در نماز [illegible] یک سوره باشد [illegible]
[illegible] در حدیث صحیح از علی بن یقطین منقول است که گفت سوال کردم از حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه از قران [illegible] در فریضه [illegible] فرمودند

خواندن بعضی از سوره حضرت فرمودند که بس از آن کراهت دارم و باکی نیست در نماز [illegible]
اما آهسته خواند آیا در آن دو رکعت حمد [illegible] بیاورد [illegible] حضرت فرمودند که اگر
قرائت [illegible] باکی نیست [illegible] باشد [illegible] در رکعت آخر باشد و احادیث صحیحه بسیار
[illegible] است [illegible] سوره [illegible] چنانکه [illegible] اصحاب [illegible]
حتی آنکه ذکر کرده اند که [illegible] آیه [illegible] سوره [illegible] قرائت [illegible]
که کمتر از یک سوره و زیاده از یک سوره نخواند [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] جمع میان الاخبار [illegible] که قران در فریضه [illegible] و الله تعالی
یعلم و لا تسجد فی الفریضة شیئا من العزائم الاربع و هی سورة سجدة لقمان و حم السجدة و
النجم و سورة اقرأ باسم ربك و من قرأ شيئا من العزائم الاربع فليسجد و ليقل الهي امنا بما
كفروا و عرفنا منك ما انكروا و اجبناك الى ما دعوا الهي فالعفو العفو ثم يرفع راسه
و يكبر و مخوان در نمازهای واجب سوره از سورهائی که سجده در آنها [illegible] یعنی واجب است [illegible] سوره
سجده لقمان [illegible] آن الم سجده است باعتبار مجاورت سوره لقمان آنرا سجده لقمان میگویند و دوم حم
است سیوم سوره و النجم و چهارم سوره اقرا است و کسی که [illegible] از این چهار سوره آیه
سجده [illegible] که ترجمه اش اینست که [illegible] و ما ایمان داریم بآنچه کافرا
بآن ایمان ندارند و شناختیم [illegible] منکر ایشان شدند [illegible]
اجابت [illegible] فرمان ترا [illegible]
[illegible] الله اکبر بگوید [illegible] سوره عزیمه در نمازهای واجب [illegible] حدیث صحیح زراره
[illegible] صلوات الله علیهما روایت کرده است که آنحضرت [illegible] نخوان در نمازهای واجب سوره
[illegible] سجده زیاد میشود در نماز واجب [illegible] زیاد کردن [illegible]
[illegible] روایت [illegible] عمل کرده اند
[illegible] در فریضه [illegible] روایت [illegible]

سابق بیان شد که آنحضرت ... در خواندن آیهٔ سجده است پس اگر آن آیه را نخواند ظاهراً حرمت نداشته باشد
اما حدیث صحیحه وارد شده است که اکتفا ببعض از سوره میتوان کرد و در صحیحهٔ علی بن جعفر وارد است
که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از امامی که آیهٔ سجده را بخواند پس
در [illegible] نماز پیش از آنکه سجده بجا آورد و بعضی حضرت فرمودند که دیگری را مقدم دارد که
تشهد بخواند و سجده کند و امام بکار خود رود و دیگری وضو بسازد و نماز را تمام کند و نماز مؤتمین
صحیح است این روایت حمل بر نسیان یا تقیه میتوان کرد و در موثقه ... منقولست از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که در نماز واجب سوره ... بخواند حضرت فرمودند که ... چون
بآیهٔ سجده رسد آن آیه را نخواند و ... سوره دیگر بخواند و از [illegible] روایت صحیحه
ظاهر میشود که جایز است خواندن سورهٔ سجده در نماز واجب پس ممکن است که حمل کنیم اخبار نهی بر کراهت و
احوط آنست که نخوانند و اگر بخوانند آیهٔ سجده را نخوانند یا پیش از نصف رجوع بسورهٔ دیگر کنند و ترک
بالکلیه اولی است ... که سجده در این چهار سوره واجب است بر کسی که خود
قرائت کند یا گوش داده باشد بقرائت دیگری و واجب نیست بر کسی که بشنود ...
در حدیث صحیح عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست و در حدیث
منقولست که بعد از سجده تکبیر میگوید ... سجده برداری تکبیر بگو و احادیث بسیار وارد
میکنند بر آنکه در این سجده طهارت شرط نیست ... سجده میکنند اگر بشنوند ... سجده ...
کرده بخواند سجده میکند ... شرط است که رو بقبله باشد و سجده بر چیزی کند که ...
سجده کردن بر آن ... هفت موضع ... ذکر کرده شود ... خلافست و اظهر عدم اشتراط ...
و احوط آنست که رعایت کند ... رعایت ... و در حدیث صحیح وارد است که سجده ...
بعد ... اگر چه ... مرتبه ... بشنود ... آن سجده میکند و در حدیث صحیح ...
از امام ... صلوات الله علیهما منقولست که گفت سؤال کردم از آنحضرت که اگر کسی آیهٔ سجده را بخواند ...
فراموش کند تا رکوع ... سجود نکند حضرت ... هر وقت بخاطر ...

و از بعضی احادیث ظاهر میشود که اگر در غیر نماز ... فراموش کنی هر وقت که بخاطر آید قضا میکنی و چون
جواب عالم است هر چند سؤال ... باشد ... در سجده خواندن آن خوبست و در حدیث صحیح
وارد است از ابو عبیده حذا که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه کسی از شما
سجده عزیمه را ... پس باید که در سجده این دعا بخواند که سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّداً وَرِقّاً لا مُسْتَكْبِراً عَنْ عِبادَتِكَ
وَلا مُسْتَنْكِفاً وَلا مُتَعَظِّماً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الْعَزائِمِ
لا إِلهَ إِلَّا اللهُ حَقّاً حَقّاً لا إِلهَ إِلَّا اللهُ إِيماناً وَتَصْدِيقاً لا إِلهَ إِلَّا اللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً سَجَدْتُ
لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً لا مُسْتَنْكِفاً وَلا مُسْتَكْبِراً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ ثُمَّ يَرْفَعُ
رَأْسَهُ ثُمَّ يُكَبِّرُ و در روایت ... که ... عزیمه میگوید این دعا اگر ترجمه اش اینست که نیست
سزاوار عبودیت خداوندی بجز واجب الوجود بالذات که مستجمع جمیع کمالاتست و یقین دارم که چنین است
و موافق واقع است نیست خداوندی بجز حق سبحانه و تعالی و ایمان دارم و تصدیق میکنم باین معنی و میگویم
کلمهٔ توحید را از روی عبودیت و بندگی و سجده کردم از برای تو خداوندا ای پروردگار من از روی بندگی
و عبودیت ... ابا ندارم و گردن کشی و تکبر و تعظیم نمیکنم بلکه بندهٔ ذلیلم و ترسانم و پناه بتو آورده ام
پس سر برمیدارد و الله اکبر میگوید و همه خوبست چون صحت و حکم بصحت این دو حدیث کرده است و اگر
همه ... جمع کند خوبست و اگر در حدیث ... اکتفا کند ... دو کلمه که در حدیث سابق هست و در این حدیث
نیست ظاهر جمع کردن باشد و احوط آنست که ترک نکند ... در حدیث صحیح وارد شده است فَمَنْ سَمِعَ رَجُلاً
يَقْرَأُ السَّجْدَةَ فَلْيَسْجُدْ وَإِنْ كانَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ و کسی که ... سوره های عزیمه را میخوانند ...
... شود باید که سجده کند هر چند با وضو نباشد و در حدیث صحیح موثق کالصحیح منقولست از ابو عبیده
... امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که حایض اگر بشنود آیهٔ سجده را سجده میکند هرگاه
... و همچنین در حدیث موثق کالصحیح از ابو بصیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
... از کسی با نسیان ... از سوره ... سوره دیگر ... میخوانند و سجده نکند پس ...
... در نماز با ... ایشان و هرگاه بشنود آیهٔ سجده را سجده کند و ظاهر این اخبار ...

است اليها او كانت مسكية [illegible] پس آنكه سجده بر سامع لازم باشد و جماعتى اولى كرده بر مستمع نيز بابر سامع نيز احوط آنست

كه سامع ترك نكند سجده را هر چند گوش نكرده باشد و بجاى آرد. و يستحب ان يسجد الانسان في كل

سورة فيها سجدة الا ان الواجب في هذه العزائم الاربع و مستحب است كه سجده كند هر مرد و زن در هر

سوره كه سجده در آن هست اما سجده واجب در اين چهار سوره است و بر منقول [illegible] حديث ابو بصير كه گفت

فرموده كه هر گاه بخوانى [illegible] سوره از سورهاى عزيمه و بشنوى سجده كن اگر چه بى وضو باشى و هر چند جنب باشى

و هر چند زن حايض و نفسا باشد و باقى سجدها [illegible] ميكنى و ميخوانى سجده ميكنى اگر سنت [illegible] جائز

بود سجده كردن [illegible] تشريع بود و بعضى گفته‌اند استحباب آن خلاف كرده است و شيخ طبرسى روايت كرده است از عبد الله

بن سنان كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرموده [illegible] سجده حم سجده و النجم [illegible] واجب است و در باقى

قرآن [illegible] واجب نيست نقل اجماع كرده‌اند بر اينكه سجده ديگر [illegible] با آنكه سجده فى نفسها عبادت است. و افضل

ما يقرأ في الصلوة في اليوم و الليلة في الركعة الاولى الحمد و انا انزلناه و في الثانية الحمد و قل هو الله احد

الا في صلوة العشاء الآخرة ليلة الجمعة فان الافضل ان يقرأ في الاولى منها الحمد و سورة الجمعة و في الثانية

الحمد و سبح و في صلوة الغداة و الظهر و العصر يوم الجمعة في الاولى الحمد و سورة الجمعة و في الثانية الحمد

و سورة المنافقين و يجوز ان يقرأ في العشاء الآخرة ليلة الجمعة و صلوة الغداة و العصر بغير سورة الجمعة و

المنافقين و لا يجوز ان يقرأ في صلوة الظهر يوم الجمعة بغير سورة الجمعة و المنافقين [illegible] ناسيا [illegible]

منهما في صلوة الظهر و قرأت غيرهما ثم ذكرت فارجع الى سورة الجمعة و المنافقين ما لم تقرأ نصف السورة

فان قرأت نصف السورة فتمم السورة و اجعلها ركعتين نافلة و سلم فيهما و اعد صلوتك بسورة الجمعة

و المنافقين و قد رويت رخصة في القراءة في صلوة الظهر بغير سورة الجمعة و المنافقين لا تستعملها

الا في حال السفر و المرض و خيفة فوت الحاجة و في صلوة الغداة يوم الاثنين و يوم الخميس في الركعة

الاولى الحمد و هل اتى على الانسان و في الثانية الحمد و هل اتيك حديث الغاشية فان [illegible]

صلوة الغداة يوم الاثنين و يوم الخميس وقاه الله شر اليومين [illegible] صلوات الله [illegible]

[illegible] كان يقول [illegible] بالسور التي ذكرناها فعلنا

بالذكر في هذه الاوقات بهترين آنچه بخواند در نمازهاى شبانروزى از سورهاى قرآن سوره حمد است و انا انزلناه

در ركعت اولى و در ركعت دوم الحمد و قل هو الله احد مگر در خفتن شب جمعه كه بهتر آنست كه در ركعت اولى الحمد و سوره

جمعه و در ركعت دوم الحمد و سبح اسم ربك الاعلى بخوانند و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه در ركعت اولى الحمد و سوره

جمعه بخوانند و در ركعت دوم الحمد و سوره منافقين بخوانند و جايز است كه در نماز خفتن شب جمعه و نماز صبح و عصر غير از

سوره جمعه و منافقين بخوانند و جايز نيست كه در نماز ظهر روز جمعه [illegible] غير از سوره جمعه و منافقين

بخوانند پس اگر [illegible] دو سوره [illegible] در نماز ظهر [illegible] بر گردد

بسوره جمعه و منافقين [illegible] نصف [illegible] اگر نصف [illegible] سوره [illegible] سوره را تمام

كند [illegible] سوره جمعه و منافقين [illegible]

[illegible] سوره جمعه و منافقين [illegible]

[illegible]

[illegible] جمعه [illegible]

[illegible] دو روز [illegible] حضرت امام [illegible] صلوات الله عليه [illegible]

[illegible] است

[illegible] نمازهاى خود [illegible] اين سوره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] جمعه [illegible]

[illegible] جمعه [illegible] عبد الله [illegible] امام

حضرت صادق صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که هر که سوره الحمد بخواند و نماز [illegible] بخواند [illegible] پیش

اظهار امراد و [illegible] فضیلت بسیج باشد [illegible] که [illegible] از [illegible] را ترک کرده و این کتاب از [illegible] سوره [illegible]

که و قصد [illegible] بخواند آن فرق [illegible] و کلام [illegible] حدیث [illegible] بمعنی ظاهر [illegible] بلکه [illegible] که دلالت میکند بر آنکه [illegible]

نیست رسالت اختیار نماز [illegible] را در خارج و [illegible] آورد و استدلال [illegible] کرده و [illegible] ظاهر [illegible] که

که سبب [illegible] فضیلت باشد و مکروه [illegible] آن [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فی جمیع الصلوات

و [illegible] جهر [illegible] جهریه باشد [illegible] اخفاتیه بلند [illegible] ظاهر [illegible] بر سبیل استحباب [illegible]

[illegible] آنچه [illegible] بلند [illegible] خلاف [illegible] و [illegible] استحباب جهر [illegible] اخبار بسیار

[illegible] عموم [illegible] در [illegible] الحمد [illegible] حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه [illegible] بسم الله [illegible] در نماز اخفاتیه بسم الله بلند [illegible] و ما [illegible]

[illegible] بسم الله [illegible] در [illegible] و سوره بلند [illegible]

[illegible] که بسم الله [illegible] و سوره [illegible] که [illegible] علامه رحمه الله

[illegible] سوره [illegible] حدیث صحیح [illegible] منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات

الله علیه و آله الکرام [illegible] که حق سبحانه و تعالی [illegible] ولقد آتیناک سبعا من

که عطا کردیم ترا هفت آیه که [illegible] و عطا کردیم قرآن عظیم را [illegible] که سبع مثانی

فاتحه است [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] آیات [illegible] که

[illegible] در تفسیر حضرت امام حسن عسکری [illegible] آیه [illegible] حضرت

صلوات الله علیه [illegible] صلوات الله علیهم [illegible] امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible] که بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] فاتحة الکتاب و آیه [illegible] که بسمله [illegible] و از حضرت رسالت پناه صلی الله

[illegible] شنیدم که [illegible] حق سبحانه [illegible] محمد [illegible] که عطا کرد [illegible] آیه [illegible]

قرآن [illegible] این هفت آیه مثانی [illegible] همه [illegible] مکرر [illegible] مثل [illegible] آن

تکرار [illegible] تکرار [illegible] آیات [illegible]

مکرر شده است [illegible] و مرتبه نازل شده است در مکه و مدینه و نیز بوده که عطا کردیم ترا قرآن عظیم را که حق سبحانه و تعالی

بر من [illegible] منت نهاده مثل منتی که بر من گذاشته بجمیع قرآن و بتحقیق که سوره فاتحه افضل از جمیع

چیزهاست که در گنجهای عرش الهی است [illegible] که حق سبحانه و تعالی آنحضرت را باین سوره مخصوص کرده

و [illegible] از پیغمبران [illegible] مگر آنحضرت [illegible] سلیمان که [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم را باو داد

چنانکه در قرآن مجید مذکور است که حق سبحانه و تعالی [illegible] حکایت فرموده است که [illegible] گفت

کتابی [illegible] و [illegible] است [illegible] که این مکتوب از سلیمان است و انه بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] مخالفت [illegible] با اسلام و [illegible] که هر که این سوره را بخواند

و [illegible] محمد و آل محمد باشد و [illegible] کند و [illegible] و [illegible] ایشان را و [illegible]

داشته باشد [illegible] ظاهر ایشان [illegible] باطن ایشان حق سبحانه و تعالی [illegible] که

به تو باشد [illegible] دنیا [illegible] انواع چیزهای [illegible] در دنیا باشد [illegible]

کند [illegible] از [illegible] از جمیع [illegible]

کر [illegible] که در [illegible] آن [illegible] صحیح [illegible] منقول است که حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] این آیه که ترجمه [illegible] که [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] و از حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه منقول

[illegible] که [illegible] نماز [illegible] بعضی [illegible] است

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] کالصحیح از حضرت امیر المومنین

[illegible] منقول است که فرمودند که [illegible] همه [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] بلند [illegible] کالصحیح منقول است [illegible] از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] فرمودند که بسم الله الرحمن الرحیم را در هر نماز [illegible]

[illegible] منقول است که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله [illegible]

بین کار [illegible] و بسمله را در هر دو سوره بلند بخواند [illegible] نماز [illegible] جهر [illegible] و در [illegible] منقول است

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] باسم اعظم [illegible] است [illegible] بعد [illegible] منقول است [illegible] حضرت

[illegible] صلوات الله علیه فرموده [illegible] هر [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم را بلند [illegible] شیطان [illegible]

و [illegible] ضایع شود و اجهر بجمیع القراءة فی المغرب والعشاء الآخرة

والغداة من غیر ان تجهد نفسک او ترفع صوتک شدیدا ولیکن ذلک وسطا لان الله عز وجل یقول ولا

تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا [illegible] بالقراءة فیها او الخفی بالقراءة فی المغرب

والعشاء [illegible] متعمدا فعلیه اعادة صلاته فان فعل ذلک ناسیا فلا شیء علیه الا یوم الجمعة فی

صلاة الظهر فانه یجهر فیها [illegible] بلند بخوان [illegible]

[illegible] بسیار بلند [illegible] باشد [illegible] آهسته [illegible] حق سبحانه و تعالی

[illegible] بلند بخوان [illegible] آهسته بخوان [illegible]

[illegible] آهسته بخواند [illegible]

[illegible] آهسته بخواند [illegible]

و [illegible] حضرت امام [illegible] جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

در [illegible] بلند [illegible] بخوان [illegible] فرمود [illegible]

فرموده است که بلند بخوان و آهسته بخوان [illegible] موثق [illegible] منقول است که از آن حضرت سوال کرد [illegible]

تو را حق سبحانه و تعالی که بلند بخوان و آهسته بخوان [illegible] فرمود [illegible] آهسته [illegible]

که بسیار بلند بخوانی [illegible] ظاهر میشود [illegible] بلند بسیار و آهسته بسیار [illegible]

نهی کرده است [illegible] آیه ظاهر میشود [illegible] بخوانند [illegible] آهسته [illegible]

هر چند سوال [illegible] نماز جهریه [illegible] کرده اند [illegible] بلند بخوان [illegible]

[illegible] بعضی را بلند بخوان و بعضی آهسته [illegible] صلی الله علیه

و آله بیان کرده اند [illegible] الله تعالی [illegible] تمام

شریعت و [illegible] جهر [illegible] رکعت [illegible] است و اخفات [illegible] است و [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] آهسته [illegible] جهر [illegible] اخبار [illegible]

[illegible] اخفات [illegible]

[illegible] صحیح علی بن جعفر [illegible] احادیث [illegible] صحیح [illegible]

فاتحه [illegible] صحیح [illegible]

که [illegible] جهر و اخفات [illegible] است [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] جعفر [illegible] عدم وجوب [illegible] صحیحه [illegible]

[illegible] استحباب اعاده [illegible] جمهور [illegible] اشکال است [illegible]

که اقل اخفات آن است که خود بشنود [illegible] حرف [illegible] که گوش [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] جهر آن است که [illegible]

[illegible] جهر [illegible] صورت [illegible] اخفات [illegible] واجب باشد [illegible]

[illegible] جهر و اخفات [illegible] جوهر صورت [illegible] مشکل است [illegible]

[illegible] صورت [illegible]

[illegible] قریب [illegible] گفته شود [illegible] باشد

[illegible] اخفات [illegible] جهر [illegible]

[illegible] جهر [illegible] اخفات [illegible]

[illegible] جهر [illegible]

[illegible] الله [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] جهر [illegible] اخفات [illegible]

[illegible] والله اعلم [illegible] فی الجهر [illegible] بالتسبیح [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible] و اکثر [illegible] است

[illegible] تسبیح اگرچه [illegible] است و چون خلاف بسیار [illegible] تسبیح

ثلاث وقال الرضا صلوات الله عليه إنما جعل القراءة في الركعتين الأو
لتين والتسبيح في الأخيرتين للفرق بين ما فرضه الله عز وجل
من عنده وبين ما فرضه من عنده رسول الله صلى الله عليه وآله
بسند حسن كالصحيح از فضل بن شاذان منقولست كه حضرت امام رضا
فرمودند كه قرائت در دو ركعت جايز است وتسبيح در دو ركعت آخر است
يعنى افضل است بلكه قرائت جايز است تا فرق شود ميان آنچه حق سبحانه
از پيش خود واجب ساخته است ميان آنچه حق سبحانه وتعالى از نزد رسول
خدا واجب ساخته است يعنى هر گاه بعنوان تفويض باشد باز از حق سبحانه وتعالى
شده است يا آنكه باعتبار وما ينطق آنچه ميگفتند هميشه يا در بعضى اوقات
چنين بود كه هر چند متكلم آنحضرت بود بحسب ظاهر وليكن بحسب واقع حق سبحانه
وتعالى بود نه بعنوان حلول واتحاد بلكه بحسب ارتباطى كه آنحضرت را حاصل بود
ايمان يا اعيانا چون احاديث صحيحه در باب گذشت ومحتمل است كه هر دو نوع
واقع شده باشد بعنوان تفويض بوده باشد و بار حق سبحانه وتعالى بر زبان آنحضرت جارى ساخته
باشد والله تعالى يعلم و ديگر خواهد آمد در اخبار تفويض الخ در اول كتاب نفى تفويض نموده وتفويضها
وسأل محمد بن ابي عمير ابا عبد الله صلوات الله عليه فقال لأي علة يجهر في صلاة الجمعة وصلاة
المغرب وصلاة العشاء الآخرة وصلاة الغداة وسائر الصلوات الظهر والعصر لا يجهر فيهما
ولأي علة صار التسبيح في الركعتين الأخيرتين أفضل من القراءة قال لأن النبي صلى الله عليه وآله
لما أسري به إلى السماء كان أول صلاة فرض الله عليه الظهر يوم الجمعة فأضاف الله عز وجل إليه الملائكة
تصلي خلفه وأمر نبيه صلى الله عليه وآله أن يجهر بالقراءة ليبين لهم فضله ثم فرض
عليه العصر ولم يضف إليه أحدا من الملائكة وأمره أن يخفي القراءة لأنه لم يكن وراءه أحد ثم فرض
عليه المغرب وأضاف إليه الملائكة فأمره بالإجهار وكذلك العشاء الآخرة فلما كان قرب الفجر
نزل ففرض الله عز وجل عليه الفجر فأمره بالإجهار ليبين للناس فضله كما بين للملائكة فلهذه العلة يجهر

افضل

الله الجهر فيهما وصار التسبيح من القراءة في الأخيرتين لأن النبي صلى الله عليه وآله لما كان
في الأخيرتين ذكر ما رأى من عظمة الله عز وجل فدهش فقال سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله
أكبر فلذلك صار التسبيح أفضل من القراءة در صحيح از ابن ابي عمير يا محمد بن عمران وظاهر ابن عمران ياخود
هما بحه از عدالت ظاهر ميشود اگر چه در بحسب سند ومحسب حال صادق منقولست كه گفت سؤال
كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه كه بچه سبب حق تعالى بلند خواندن ونماز جمعه ونماز شام
وخفتن ونماز صبح را واجب ساخته است وظهر وعصر را بلند نميخوانند وبچه سبب گفتن تسبيحات
اربع در دو ركعت آخر بهتر است از قرائت فرمودند كه چون حق سبحانه وتعالى پيغمبر
با آسمان برد نماز اول كه حق سبحانه وتعالى بر آنحضرت واجب كرد نماز ظهر روز جمعه بود وحق سبحانه
وتعالى ملائكه را امر فرمود كه در عقب آنحضرت نماز كنند وامر كرد پيغمبر
را صلى الله عليه وآله كه قرائت را بلند بخوانند تا فضل آنحضرت را بر فرشتگان ظاهر
سازند يا آنكه سوره حمد وباقى سوره قرآنى را بر آنحضرت فرستاده است ووحى پيغمبر را
بآنچه با آنحضرت داده است پس نماز عصر را بر آنحضرت واجب ساخته كه هيچ يك از
فرشتگان را بآنحضرت ملحق نكرده اند وامر كرد او را كه آهسته بخواند قرائت را زيرا كه
در عقب حضرت كسى نبود كه قرائت را بشنود پس نماز شام را بر آنحضرت واجب كرد
و فرشتگان را امر كرد كه در عقب آنحضرت نماز كنند پس حق سبحانه وتعالى آنحضرت
را امر فرمود كه بلند بخوانند وهمچنين نماز خفتن را پس چون قريب بصبح شد حضرت
بزير آمدند وحق سبحانه وتعالى نماز صبح را بر آنحضرت واجب گردانيد وامر كرد حضرت را
كه نماز صبح را بلند بخوانند تا ظاهر سازند فضل او را بر آدميان چنانكه ظاهر ساخت بر
فرشتگان از اين جهتست كه نماز صبح را بلند ميخوانند واين حديث ظاهر ميشود كه
جماعت در نمازهاى جهرى به اهم است از نمازهاى اخفاتيه ودر دو ركعت آخر
تسبيح افضل است از قرائت زيرا كه چون حضرت در نماز بود در ركعت آخر رسيدند
بخاطر او در آمد عظمت وجبروت الهى را پس متحير ومدهوش شدند و تسبيحا

اربع را میخوانند بنابرین است که تسبیح بهتر است از قرائت که متابعت آنحضرت کرده باشند

قد سأل يحيى بن اكثم القاضي ابا الحسن الاول صلوات الله عليه عن صلوة الفجر لم يجهر فيها بالقراءة وهي من صلوة النهار وانما يجهر في صلوة الليل فقال ان النبي صلى الله عليه وآله كان يغلّس بها فقرّبها من الليل منقول است در صحیح از محمد بن [illegible] که یحیی بن اکثم قاضی عامه این سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه مثل

بیان و ظاهر لفظ اول از نساخ زیاد شده باشد چون سند و ق در مثل را ابوالحسن ثالث روایت کرده است از نماز صبح که چرا آنرا بلند میخوانند و حال آنکه از نمازهای روز است و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول است که نمازهای شب را بلند میباید خواند و نمازهای روز را آهسته پس حضرت فرمودند که چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نماز صبح را در اول وقت که تاریک بود واقع میساختند و قریب بشب میکردند آنرا حکم نمازهای شب دادند در جهر و در علل الشرایع بعد از یعنی چون نزدیک بشب بود آنرا حکم نماز شب دادند و در حدیث کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که سنت است که نمازهای شب را بلند بخوانند و نمازهای روز را آهسته بخوانند و بر سبیل استحباب است در نوافل و در فرایض هم خلاف است که گذشت که آیا نمازهای سنت را هم همان در روز بلند میتوان خواند چنانچه حضرت فرموده

و فيما ذكره الفضل من العلل عن الرضا صلوات الله عليه انه قال امر الناس بالقراءة في الصلوة لئلا يكون القرآن مهجوراً مضيّعاً وليكون محفوظاً مدروساً فلا يضمحل ولا يجهل وانما بدئ بالحمد دون سائر السور لانه ليس شيء من القرآن والكلام جمع فيه من جوامع الخير والحكمة ما جمع في سورة الحمد وذلك ان قوله عز وجل الحمد لله انما هو اداء لما اوجب الله عز وجل على خلقه من الشكر وشكر لما وفق عبده من الخير رب العالمين توحيد له وتحميد واقرار بانه هو الخالق المالك لا غيره الرحمن الرحيم استعطاف وذكر لآلائه ونعمائه على جميع خلقه مالك يوم الدين اقرار له بالبعث والحساب والمجازاة

وايجاب ملك الآخرة له كايجاب ملك الدنيا اياك نعبد رغبة وتقرب الى الله تعالى ذكره واخلاص له بالعمل دون غيره واياك نستعين استزادة من توفيقه وعبادته واستدامة لما انعم عليه ونصره اهدنا الصراط المستقيم استرشاد لدينه واعتصام بحبله واستزادة في المعرفة لربه عز وجل ولعظمته وكبريائه صراط الذين انعمت عليهم تأكيد في السؤال والرغبة وذكر لما قد تقدم من نعمه على اوليائه ورغبة في مثل تلك النعم غير المغضوب عليهم استعاذة من ان يكون من المعاندين الكافرين المستخفين به وبامره ونهيه ولا الضالين اعتصام من ان يكون من الذين ضلوا عن سبيله من غير معرفة وهم يحسبون انهم يحسنون صنعاً فقد اجتمع فيه من جوامع الخير والحكمة من امر الآخرة والدنيا ما لا يجمعه شيء من الاشياء

منقول است [illegible] که در صحیح منقول است که گفت حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه [illegible] مأمور ساختند بآنکه در نماز قرآن بخوانند تا مهجور و ضائع نشود [illegible] محفوظ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

خود را بیوجهی یاد کرده است و حمد کرده است باعتبار بودن که تربیت عبوادهم است و شکر باعتبار [illegible]

او شکر است و حمد و اقرار کرده است که حق سبحانه و تعالی خالق است و بهیچ [illegible] مالک او باشد [illegible]

او و تحقیق کرده بنده خود را تا محقق شود که [illegible] آثار العبیت خصوصا [illegible] مالکی که [illegible]

آورده است و چون در بسم الله [illegible] است ابتدی [illegible] کرده است [illegible]

کمالات [illegible] کرده [illegible] است اوند [illegible] باسم [illegible] کار [illegible]

[illegible] و جمیع نعمتهای ظاهری و باطنی [illegible] و باد [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] که رحمت های ظاهری [illegible] جانب [illegible]

نعمتهای [illegible] که [illegible] باشند [illegible] باشد [illegible]

از جانب اوست [illegible] خداوند خود [illegible] در صفت [illegible]

[illegible] کرده است که [illegible] رحمتهای ظاهری [illegible] تمام کرده [illegible]

تمام خواهد کرد با [illegible] در دنیا [illegible] رحمتهای خود [illegible] است [illegible]

[illegible] خواهد بود [illegible] شکر [illegible] خواهد کرد [illegible]

و خود [illegible] که [illegible] است [illegible]

و [illegible] کرم [illegible]

[illegible] است [illegible] یاد کرده [illegible] الله [illegible]

[illegible] دارد [illegible] الله [illegible]

[illegible] است و [illegible] رب العالمین [illegible] رحمت [illegible]

یاد کرده است و [illegible] یاد کرد [illegible]

رحمت است [illegible] است که [illegible]

[illegible] حاکم خواهد بود [illegible] خاطر [illegible]

عفو [illegible] الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] الله [illegible]

پیوند این است [illegible] کتب [illegible] مالک [illegible] واقع شده است و [illegible]

[illegible] که [illegible] مالک [illegible] است [illegible]

و [illegible] مالک است [illegible]

[illegible] است که [illegible] الله [illegible] باشد [illegible]

[illegible] است که [illegible] باعث [illegible]

[illegible] الله [illegible] که [illegible]

[illegible] کرده [illegible] که [illegible] مالک [illegible]

[illegible] خواهد [illegible]

[illegible] رب العالمین [illegible]

مالک [illegible]

[illegible] رب العالمین [illegible] که [illegible]

[illegible] بود که [illegible] حمد [illegible]

[illegible] حاصل کرد

که [illegible] خطاب [illegible] که [illegible]

[illegible] است [illegible] اند [illegible]

[illegible] مخصوص جناب [illegible]

[illegible] کند که این عبارت [illegible] عظیم [illegible] خواهد که [illegible]

و [illegible] از جناب [illegible]

[illegible] استعانت [illegible]

[illegible] است [illegible] استعانت [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] است [illegible] حکم

عمیم است و لیکن چون حق سبحانه و تعالی عبادت انبیا و اولیا و اوصیا را [illegible] خود قبول
[illegible] خود را [illegible] کرده است [illegible] است تا شاید به برکت ایشان عبادت
او نیز مقبول شود و هر چند [illegible] ابلاغ [illegible] جناب اقدس [illegible]
[illegible] که مطلوب [illegible] است [illegible]
[illegible] جناب اقدس [illegible]
[illegible] جاری کرده [illegible]
[illegible] است [illegible]
کرده [illegible] است و [illegible] و شیطان [illegible]
[illegible] است پس عبادت خود [illegible]
سبب آن باشد [illegible] معنوی [illegible]
[illegible] است که [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible]
و [illegible] باشد [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] استعانت [illegible]
عبادت [illegible] است [illegible] استعانت [illegible]
طلب می‌کنند [illegible] عبادت [illegible] اخلاص [illegible]
[illegible] صورت استعانت می‌یابد و اگر [illegible] کمال اخلاص [illegible] باشد [illegible]
صلوات الله علیهم [illegible] طلب [illegible]
اتمام کرده [illegible]
آن [illegible] باشد [illegible] و لیکن [illegible] کرده است [illegible]
[illegible] طلب [illegible] است [illegible]
زیاده از [illegible] حق تعالی طلب [illegible]

[illegible] الحسنة [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] اهل بیت [illegible] صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] حبل الله
جمیعا [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] حبل الله [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] معرفت حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] علیهم [illegible]
جناب [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] است [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
کرده است [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
خود را [illegible] طلب [illegible]
[illegible] غیر المغضوب علیهم [illegible] علم [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] حق سبحانه
[illegible]
[illegible]
[illegible] مغضوب علیهم [illegible]
[illegible] مغضوب علیهم [illegible]

بی بعضی که همه سخن است ... این صورت از کلمات جهر گفت ... [illegible] ... جهر به بسم الله
آن نیست و در اخبار بسیار وارد شده است و این در دست که حق سبحانه و تعالی ... در کتب بسیاری ... را
... [illegible] ... که در جمیع آن کتب نیست در اخبار بسیار هست
که ... [illegible] ... هر جهر ... در بسم الله ... در بسم الله ... بای بسم الله
و هر جهر ... باشد در نفس لفظ ... حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه ... فرمود ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... و اثبات آن ... که ... معرفت آن ... جعفر
جامع که ... [illegible] ... حضرت ... بن مسلم ... الله ...
بسلم ... الحکیم انما الحالة التی من اجلها یجعل الجهر فی بعض الصلوات دون بعض ان الصلوات التی یجهر
فیها القاری فی اوقات مظلمة فوجب ان یجهر فیها لیعلم المار ان هناک جماعة فان اراد ان
یصلی صلی لانه ان لم یر جماعة علم ذلک من جهة السماع والصلاتان اللتان لا یجهر فیهما
انما هما بالنهار فی اوقات مضیئة فهی من جهة الرؤیة لا یحتاج فیها الی سماع و ...
کالصحیح منقولست از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که ذکر فرمودند علتی ...
بعضی از نمازها را بلند میخوانند و بعضی را آهسته ... آنست که در نمازهای که
بلند میخوانند آنها در اوقات تاریکی است و آن شام و خفتن و صبح است پس واجب
است که در آن نمازها بلند بخوانند تا بدانند کسی که از آنجا گذرد که در آنجا نماز جماعت ...
... که خواهد که نماز ... بجماعت ... ظهر و عصر را
که در آن بلند نمیخوانند ... روز ... روشن است ... احتیاج
... قرائة الحمد ... تکبیر ...
و ضع یدک الیمنی علی ... الیسری ...
اطلاعک عین الرکبة ...

پس چون حمد و سوره خواند ... تکبیر را برای رکوع بگوید وقتی که ایستاده باشد
پس برکوع رود و دو دست راست را بر زانو ... چپ و کفهای دست را بر زانو
گذارد و ... در میان انگشتهای خود ... تا ...
حادیث صحیحه وارد است و میباید که چشم خود را در حال رکوع میان پایها اندازد تا موضع
و این معنی را در هیچ خبری ندیده ام بلکه در احادیث صحیحه وارد است که میباید که نظر
در حال رکوع در میان پاها باشد و ظاهر این عبارت ... برداشته باشد و
در اینجا چنین است که فی وقت القراءة الی موضع سجوده ... افتاده باشد
والله تعالی یعلم و سأل رجل امیر المؤمنین صلوات الله علیه فقال یا ابن عم خیر خلق الله
ما معنی مد عنقک فی الرکوع فقال تاویله آمنت بالله ولو ضربت عنقی و در حدیث
قوی منقولست که شخصی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه سوال کرد و گفت ای پسر
عم بهترین خلق خدای تعالی چه معنی دارد کشیدن گردن در حال رکوع پس حضرت فرمودند
که تاویلش این است که ایمان آورده ام بخداوند عالمیان و اگرچه گردن مرا بزنند ...
که هرگاه شخصی در مقام انقیاد باشد و خواهد که گردن او را بزنند گردن را ... تا انقیاد
ظاهر شود ... کالصحیح از اسمعیل بن جابر منقولست که گفت ...
امام محمد باقر صلوات الله علیه ...
... اللهم لک رکعت ولک خشعت ولک اسلمت وبک
آمنت وعلیک توکلت وانت ربی خشع لک سمعی وبصری وشعری وبشری ولحمی ودمی
ومخی وعصبی وعظامی وما اقلته الارض منی لله رب العالمین ثم قل سبحان ربی العظیم
وبحمده ثلث مرات وان قلتها خمسا فهو احسن وان قلتها سبعا فهو افضل و چون برکوع
... بگو ... از تسبیح دعائی ... خداوند ... رکوع ... خالق ... برای
... [illegible] ...

۲۲۵

بتو دارم و توکل بر تو کرده ام و حال آنکه تو پروردگار منی خاشع شد از برای تو [illegible] و گوش من
و چشم من و موی من و بدن من و گوشت من و خون من و مغز استخوان من و پی من و استخوانهای من
و هر چه بر دو پای من ایستاده است یعنی جمیع اعضای من همگی خاشع اند از برای خداوندی که پروردگار
عالمیان است پس بگو [illegible] پروردگار خودم که بسیار بزرگ است یا دارای اعظم
کرده بزرگی آن تنزیه کردن و حال آنکه شکر میکنم او را بر آنکه مرا اهل آن کرده است که تسبیح او کنم و [illegible]
مشهور و جبرئیل و [illegible] و این تسبیح را سه مرتبه بگوئی و اگر پنج مرتبه بگوئی بهتر است و اگر هفت
و عبارت [illegible] در حدیث ندیدیم و کلینی بسند کالصحیح و حسن کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه روایت کرده است که فرمودند که چون خواهی برکوع روی در حالتی که ایستاده باشی الله اکبر
بگو پس برکوع روی بگو اللهم لك ركعت ولك اسلمت وعليك توكلت وانت ربي خشع لك قلبي
و لفظ قلبي در بعضی از نسخ نبوده و در تهذیب نیست و سمعي وبصري وشعري وبشري ولحمي ودمي ومخي
وعصبي وعظامي وما اقلته قدماي غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر سبحان ربي العظيم وبحمده
و سه مرتبه بگو یا [illegible] و در حالت رکوع صف [illegible] برابر هم بگذاری و [illegible] شبر بوده باشد میان
پاها و کفهای دست را بر زانو بگذاری بنحوی که [illegible] دستها بر زانوها باشد و دست راست را بزانوی
راست پیشتر از دست چپ بگذاری و کاسه زانوها را بانگشتان خود بلع بکنی و [illegible]
پهن میکنی و [illegible] زانوها بگذاری و پشت را راست بکنی و گردن را بکشی و باید که نظرت
در حال رکوع در میان پاها باشد و چون راست بایستی بگو سمع الله لمن حمده الحمد لله
اهل الجبروت والكبرياء والعظمة لله رب العالمين با واز بلند میگوئی پس دستها را [illegible]
و خود را [illegible] و چون این خبر [illegible] است [illegible] ولا مستحسر
[illegible] در رکوع [illegible] سوف [illegible]
اللهم لك ركعت ولك خشعت وبك آمنت ولك اسلمت وعليك توكلت
انت ربي خشع لك قلبي وسمعي وبصري وشعري وبشري ولحمي ودمي ومخي وعصبي
وجوارحي وما اقلت الارض مني غير مستنكف ولا مستكبر الحمد لله رب العالمين لا شريك له
[illegible] پس تسبیح کبیر [illegible] پانصد [illegible] بگو [illegible]

و گفته است و عجلت لك تسبيحات تقول سبحان الله سبحان الله سبحان الله و تسبيحة
تجزئ المستعجل [illegible] تسبیح [illegible] بگوئی سبحان الله سه مرتبه [illegible] با تعجیل [illegible]
یک تسبیح تمام کافیست یعنی سبحان الله صحیح که بثانی بگوید [illegible] و در حدیث کالصحیح
[illegible] منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از تسبیح در رکوع و سجود
حضرت فرمودند که در رکوع میگوئی سبحان ربي العظيم و در سجود سبحان ربي الاعلى [illegible]
جمیع [illegible] تسبیح [illegible] و در صحیح [illegible] منقولست که گفت عرض
نمودم بخدمت حضرت امام محمد باقر [illegible] کافیست در رکوع و سجود حضرت فرمودند سه تسبیح
با [illegible] تسبیح تمام [illegible] صدوق [illegible] صدوق [illegible]
[illegible] سه تسبیح [illegible] کافیست [illegible] در حدیث [illegible]
که گفت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] در رکوع و سجود [illegible] حضرت
فرمودند که در رکوع سه مرتبه سبحان ربي العظيم [illegible] در سجود سه مرتبه سبحان ربي الاعلى [illegible]
[illegible] ثلث نماز [illegible] دو ثلث [illegible] نماز [illegible]
[illegible] که تسبیح [illegible] کافی [illegible] تسبیح صغیر
کافیست [illegible] مطلق ذکر کافیست [illegible] حدیث صحیح از هشام منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که [illegible] در رکوع و سجود بدل از تسبیح لا اله الا الله والله اکبر بگویم
فرمودند که بلی و در صحیح از هشام بن الحکم منقولست که گفت عرض کردم بحضرت امام جعفر صادق
علیه [illegible] کافیست [illegible] بدل از تسبیح رکوع و سجود بگویم لا اله الا الله والحمد لله والله اکبر
[illegible] سبحانه [illegible] بلکه هر [illegible]
[illegible] سالم [illegible] روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] روایت کرده است و در حسن کالصحیح از هشام بن سالم منقولست که گفت حضرت
[illegible] صادق صلوات الله علیه [illegible] سبحان الله [illegible]
[illegible] الحقیقت

تمام معرفت باشد بر این حکم بیان حدیث هشام که گفت عرض نمودم که آیا کافیست مرا در رکوع و سجود که بجای
تسبیح لا اله الا الله و الحمد لله و الله اکبر بگویم حضرت فرمودند که بلی همه این ها ذکر خدا است سبحانه و تعالی است گفت
عرض نمودم که سبحان الله چه معنی دارد فرمودند که تنزیه الله است از هر چه لایق او نیست و در حدیث
صحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که مجزی نیست کمتر از سه تسبیح با تانی [illegible] و
و محمول است بر آنکه در فضل اگر عجله کنی تسبیحی بخوانند و اگر نه سه تسبیح کبیر از سه تسبیح خفیف حروف
کمتر است و اکثر متاخرین مطلق ذکر را کافی میدانند و [illegible] این قدر احتیاط است و دلالت
بر مطلق ذکر در غایت تمام است که قیام منصوص العلة [illegible] و ظاهر احادیث متواتره نفی مطلق
قیاس است بلکه صحت منصوص العلة اخبار بسیاری وارد شده است که باطل است [illegible]
از بر جمله کلمه که تسبیحات اربع است بگوید و سبحان الله [illegible] بیک تسبیح که سبحان الله باشد اکتفا
میتوان کرد و احوط آنست که بکمتر از سه سبحان الله با یک تسبیح کبیر اکتفا نکند و اگر سه تسبیح کبیر
بگوید بهتر از همه [illegible] تسبیح
وارد شده است در نماز و در حدیث موثق [illegible] تسبیح وارد شده است که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه در سجده فرمودند و در نماز جماعت اولی آنست که تخفیف دهد [illegible]
بر تسبیح [illegible] زیاده بر سه تسبیح [illegible] باشند که همه خواهند [illegible]
خوبست و محمول است حدیث [illegible] که گفت داخل شدم بر حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه و نزد آنحضرت بودند حضرت امام فرمودند [illegible]
بودیم [illegible] رکوع حضرت [illegible] باشی [illegible]
کرده که حضرت [illegible] سبحان ربی العظیم فرمودند که گفت که سبحان ربی الاعلی [illegible]
که [illegible] باشد که تسبیح [illegible]
نفر بوده باشند و اگر [illegible] است که [illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] در حدیث صحیح از ابو [illegible] منقولست که [illegible]
امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] در رکوع و سجود [illegible]

حضرت فرمودند که یک تسبیح است و در حدیث صحیح [illegible] منقولست که داخل
شدم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و آنحضرت نماز میکردند پس شمردم در رکوع
و سجود شصت تسبیح گفتند [illegible] حضرت [illegible] الله [illegible]
[illegible] گفته باشند یا نماز [illegible] باشد [illegible] باشند یا
[illegible] باشد و این احتمالات [illegible] است که [illegible] بود آنرا
گفته باشند یا نماز [illegible] باشد [illegible] و الله یعلم [illegible]
دیگر بعضی از علما گفته اند که مستحب است که عدد تسبیحات طاق باشد [illegible]
طاق [illegible] جهت [illegible] از حضور قلب [illegible] فرمودند [illegible]
مشکل نباشد و در احادیث وارد شده است که اقل ذکر تسبیح سه تسبیح است [illegible]
[illegible] در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
که فرمودند که در ذکر رکوع [illegible] سه تسبیح [illegible]
که [illegible] و بعضی از حروفها ساقط [illegible] سبحان الله است
که [illegible] و در حدیث [illegible] منقولست که گفت از حضرت سوال کردم [illegible]
رکوع و سجود [illegible] است [illegible] که فرموده است یا ایها الذین امنوا
ارکعوا و اسجدوا [illegible] رکوع و سجود بکنید در نماز [illegible] در رکوع
[illegible] فرمودند [illegible] رکوع سه تسبیح است [illegible]
[illegible] رکوع و سجود [illegible] باشد [illegible] تسبیح [illegible]
[illegible] حالات [illegible] وقتی است که [illegible] سجود
[illegible] ضعیف [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] نماز جماعت
میکردند [illegible] باب جماعت [illegible]
[illegible] و الحمد لله رب العالمین

الرحمن الرحیم اهل الجبروت والکبریاء والعظمة [illegible] سمع الله لمن حمده [illegible] وهو
الی السجود [illegible] جمیعا معا قبل رکبتیه [illegible] پس هرگاه از رکوع برداری دو دست ها را بلند کن
تکبیر بگو [illegible] و بگو سمع الله لمن حمده یعنی حق سبحانه و تعالی شنید و اجابت کرد دعای حامد را
و ظاهر آنست که حق سبحانه و تعالی طلب اجابت میکند [illegible] جمیع محامد و ثناها خصوص [illegible] که
[illegible] و الرحمن الرحیم در بعضی از نسخ [illegible] در اخبار [illegible]
الحمد لله [illegible] که [illegible] است [illegible] و این روشن است که
[illegible] سمع الله لمن حمده [illegible] تکبیر بگو [illegible]
که [illegible] باشی [illegible] دو دست را [illegible] از زانوها [illegible]
[illegible] دستها [illegible] سجده [illegible]
[illegible] حدیث صحیح منقولست از [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
اما باقی افعال و اذکار که گذشت در حدیث [illegible] رب العالمین [illegible] سمع الله
لمن حمده [illegible] دستها [illegible] از زانوها در صحیح زراره
گذشت و در صحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را
دیدم که دستها را [illegible] پیش از زانوها در وقتی که بسجود میرفتند [illegible]
که [illegible] از زانوها [illegible] دستها [illegible] منقولست که امام [illegible] صلوات الله
علیه [illegible] که دستها را [illegible] پیش از زانوها [illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] دستها [illegible] سال [illegible] ابا عبدالله صلوات الله
[illegible] تضع الیدین [illegible] فی السجود قبل الرکبتین فقال [illegible] الیدین [illegible]
مفتاح الصلاة [illegible] حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] در رفتن بسجود دستها را پیش از زانوها بزمین میگذاشت [illegible]
[illegible] افتتاح نماز [illegible] تکبیر [illegible] دستها

تکبیر [illegible] افتتاح [illegible] دو [illegible]
[illegible] فی السجود [illegible] الی [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که [illegible]
[illegible] باشد که دو دست [illegible] پاکی [illegible] دستها [illegible] در حالت سجود
افضل است [illegible] شک نیست [illegible] دستها [illegible]
[illegible] زمین [illegible] در جای سجود افضل است [illegible] مضمون حدیثی قوی
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه نیز منقولست که [illegible] نیست که [illegible]
و میان دستهای تو و میان زمین جامه تو باشد و در حدیث قوی از حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که فرمودند که [illegible] دستها را [illegible]
[illegible] که دستها [illegible] میکنند چنانکه رو [illegible] میکنند
و در حسنه [illegible] از حضرت [illegible] صلوات الله علیهما منقولست
که فرمودند که [illegible] نیست [illegible] جامه [illegible] واقع
شود و اگر [illegible] باشد [illegible] نمیکنند و [illegible] میکنند
و احادیث [illegible] باب گذشت [illegible] اسمعیل بن مسلم عن الصادق صلوات الله علیه
[illegible] صلوات الله علیه انه قال اذا سجد احدکم [illegible] الارض
لعل الله [illegible] یوم القیمة و در [illegible] عنه [illegible] است [illegible]
[illegible] صحیح [illegible] که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] دستهای [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] دستهای [illegible] باشند [illegible]
[illegible] باشند [illegible] است که [illegible]
[illegible] السجود [illegible]

دستهای

عنه الخلق

۲۱۸

الْبَعُوضَةُ الْمَعْلُومُ [illegible] وَلَا يَتَكِيُّ شَبَعَةَ الْمَفَاصِلِ لَا يَكُونُ شَيْءٌ مِنْ جَسَدِكَ

عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ كَدَمِي بِأَنَّكَ عِبَادَتٍ مِثْلَ خوابیدن شتر باشند که اعضای آن را بهم انضمام

نمایی و تو نیز چنین باشی و شتر به آن شبیه باشی که هیچ جزو ان بیرون چیزی دیگر باشد

حاصل انکه در حالت سجود تجافی مطلوبست بلا عذر صحیحه چنانکه در اول گذشت

و در حدیث دیگر که صحیح منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه در وقتی که سجود میفرمودند اعضای آنحضرت از یکدیگر

کشوده بود چنانکه شتر لاغر در وقت خوابیدن هیچ عضوی از ان بر عضوهای دیگر نیست

عبارت متن عبارت فقه بهوست و محققان آنرا نقل از بی معارک چنین درد یکون یکلی

فِي السُّجُودِ إِلَى الْأَرْضِ أَنْ تَفْعَلُ وَلَا تَفْتَرِشَ ذِرَاعَيْكَ كَافْتِرَاشِ الْأَسَدِ ذِرَاعَيْهِ وَلَكِنِ

اجْنَحْ بِهِمَا وَتَوَجَّهْ بِالْقَلْبِ وَيَجُوزُ ذَلِكَ فِي مَوْضِعِ الْجَبْهَةِ مِنْ قُصَاصِ الشَّعْرِ

إِلَى الْحَاجِبَيْنِ مِقْدَارَ دِرْهَمٍ [illegible] أَنْفُكَ [illegible] بِأَنْفِهِ [illegible] باید که تفرقه

در وقت سجود تفرقه فاحش [illegible] باشد و در نفقه [illegible] است

در روایتی دیگر تو باید ادا و دعا خود را فراموش نکنی بر زمین مثل شتر در وقت

خوابیدن نرسیدن [illegible] که با الا باشد و مباشر بان باشد و چه بیش بر او

خاک میان مکانی است که انداختن انگشتان از دستها موی سر تا ابروها عرض

در هم و که بیشی بر خاک نماز او نماز نیست اما ممکن را از انف استی در صحیحه زراره و حماد

وقتی آن دار واحد دواء ان تمام در صحیحه حماد گذشت که سنت است و در صحیحه از

که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در صحیحه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه

و آله فرمودند که سجود بر هفت استخوان است پیشانی و دو دست و دو زانو و دو انگشت ابهام پا

بیضی بر خاک میان اما فرض هر هفت موضع است و ارغام سنت است از سنت

المرسلین است صلی الله علیه و آله و در حدیث صحیح کالصحیح از حضرت

امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند پیشانی تمام از دستهای و موی

تا بینی و جای موضع سجود است و هم پیشانی که از بینی تا ابروی [illegible] و هم نزدیک

بعضی از فرق [illegible] و ظاهر این عبارت هست و جمعیت انکه میگویند هر

سر آنکه گفته شد و در حسنه کالصحیح از عبد الله بن مغیره منقولست از ابی

حضرت امام جعفر صادق [illegible] روایت کرده است که فرمودند که نماز

نیست کسی را که نرساند بینی را جایی که پیشانی بنابر انکه بینی بر زمین

نرساند یا بر ما یصح السجود علیه و یا بر خاک و در حدیث موثق از حضرت

امیر صلوات الله علیه و این اخبار مخالف ندارد با اخبار سنت و لیکن

در حدیث [illegible] محمد بن مصادف منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که نیست سجود مگر بر پیشانی و نیست

بینی [illegible] تا که ابی حنیفه نیز میتوان گو که بر ان تمام است نه سجود و لیکن بعضی

را گویم محمد بن مصادف [illegible] علمای [illegible] با این حدیث جمع میتوان کرد و لیکن

از ابوعلی [illegible] کتاب [illegible] نقل کرده است و در نهایتی یکی از جرح و

تمام میباید کرد [illegible] و ظاهر این عبارت کافی باشد حتی انکه بعضی

بینی را اعتقاد این است که [illegible] امت ابواب بینی را و سنت جو [illegible] حسب عمار [illegible]

سنخوان بود و در صحیح [illegible] منقولست از احدهما صلوات الله علیهما که اگر کسی

کند و کلاهی یا عمامه در سجود اشته باشد چون شد بر [illegible] بود و بدانکه [illegible]

[illegible] میان ابرو و در سجده گاه صوی او [illegible] و در [illegible]

[illegible] حضرت امام محمد صلوات الله علیه منقولست که گفت سوال کردم

[illegible] سجود [illegible] کرد ما بین سجده گاه صوی تا موضع ابرو در هم [illegible]

[illegible] و در موثق ابن بریده منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله

علیه فرمودند که [illegible] بینی [illegible] سجود کافی است [illegible] عمل کردن

[illegible] افضل است [illegible] منقولست که فرمودند

الموت

٢٣
٢٢

کرده‌اند و بعضی سجده‌گاه سوی الموضع بمعنی محل سجده است [illegible]

در این اخبار و محمل [illegible] در هر سجده [illegible] محمل [illegible] کرده‌اند [illegible]

[illegible] در هر سجده [illegible] ابو عبد الله [illegible] ابو عبد الله افضل است [illegible]

گذشت و در صحیح [illegible] از حضرت امام موسی کاظم

صلوات الله علیه [illegible] باشد [illegible] سجده

[illegible] است [illegible]

[illegible] ابو [illegible] کرده‌اند [illegible]

بین السجدتین [illegible] و در سجود بگو اللهم لك سجدت وبك آمنت ولك

أسلمت وعليك توكلت سجد لك وجهي ولحمي وشعري وبشري ومخي

وعصبي وعظامي سجد وجهي للذي خلقه وصوره وشق سمعه وبصره تبارك الله

رب العالمين ثم تقول سبحان ربي الأعلى وبحمده ثلاث مرات فإن قلتها

خمسا فهو أحسن فإن قلتها سبعا فهو أفضل ويجزيك ثلاث تسبيحات

تقول سبحان الله سبحان الله سبحان الله وتسبيحة تامة تجزي المريض والمستعجل

ثم ارفع رأسك من السجود واقبض يديك إليك قبضا فإذا تمكنت من الجلوس

وارفع يديك بالتكبير وقل بين السجدتين اللهم اغفر لي وارحمني واجبرني

واهدني وعافني واعف عني ويجزيك اللهم اغفر لي وارحمني وارفع يديك

مكبرا إذا أردت السجدة الثانية ثم قل مثل ما قلت في الأولى [illegible]

منقول است و ظاهر آن است که صدوق [illegible] کتاب [illegible] باشد [illegible]

آنکه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] چون خواهی [illegible]

تکبیر بگو [illegible] دعا [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

و اگر بود [illegible] سجده [illegible]

[illegible]

سجده و در فقه رضوی [illegible] است بعد از [illegible] أنت ربي سجد لك

[illegible] وعصبي وعظامي [illegible]

سجد وجهي البالي للذي خلقه وصوره وشق سمعه وبصره تبارك الله أحسن الخالقين

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] افضل است [illegible]

سبحان الله [illegible]

و در اخبار [illegible] سجده [illegible]

[illegible]

[illegible] تکبیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تبارك الله رب العالمين [illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم

[illegible]

با تکبیر و سجده دوم با یکدیگر و حکم در میان آنها گفته بود که در [illegible] صحیح [illegible] گذشت
که استغفار بخوانند در میان سجده ها و جمع میان هر دو اولی است و لا باس بالاقعاء
فیما بین السجدتین و بین الاولی و الثانیة و بین الثالثة و الرابعة
و لا یجوز الاقعاء فی موضع التشهد لان المقعی لیس بجالس و انما یکون
بعضه قد جلس علی بعض فلا یصبر للدعاء و التشهد و باکی نیست در اقعا
میان دو سجده و [illegible] اقعا آنست که شکم [illegible] باهای [illegible] بر زمین [illegible] باشنه
پای بر پشت پای [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] بنشیند و زانوها
بلند کند [illegible] تمام باشد و معنی اول اظهر است [illegible]
و باکی نیست اقعا کردن میان رکعت اول و دوم و میان رکعت سیوم و چهارم که تسبیح
تمام [illegible] جلسه استراحت [illegible] است و بعضی گفته اند [illegible]
و جایز نیست اقعا در تشهد اول و دوم [illegible] که بعنوان اقعا
درست نیست [illegible]
که در تشهد [illegible] در حالت تشهد
و در صحیح زراره مذکور شده [illegible] کراهت [illegible]
کراهت [illegible] منقول است که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که باکی نیست در اقعا در میان دو سجده
و در حدیث صحیح [illegible] منقول است که
[illegible] که حضرت صلوات الله علیه فرمودند [illegible] در نماز [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
منقول است که حضرت فرمودند [illegible] اقعا [illegible] میان دو سجده [illegible]
و لا باس [illegible] که [illegible] اهلبیت [illegible]
فرموده اند [illegible] و [illegible] کراهت [illegible]

چون
حدیث زراره [illegible] است که [illegible] در [illegible]
اولی است و من السنة الالمام فی موضع یجب ان یقوم منه فاتجافی [illegible]
[illegible] جعفر بن بشیر [illegible] الحجاج منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
فرمودند [illegible] اول [illegible] که امام [illegible]
[illegible] که [illegible] ظاهر [illegible] آنست که [illegible]
از [illegible] و [illegible]
آمده که السجود منتهی العبادة من بنی آدم لله تعالی ذکره و اقرب ما یکون
العبد الی الله تعالی ان یکون ساجدا و ذلک قوله عز و جل و اسجد و اقترب
مرتبه [illegible] است که [illegible] کند [illegible]
احوال [illegible] آنست که انسان در سجود باشد [illegible] است که حق سبحانه
و تعالی [illegible] که سجده کن [illegible] شو [illegible] آنست که [illegible] تا قرب
معنوی [illegible] حاصل شود و در حدیث صحیح [illegible]
امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] که چون بنده سجده [illegible]
[illegible] شیطان می گوید [illegible] بنی آدم اطاعت کردند
و من عصیان کردم و ایشان سجده کردند و من ابا کردم و در [illegible] صحیح از حضرت منقول است
که [illegible] احوال بنده [illegible] وقتی است که او در سجده باشد و در
[illegible] سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول است که هر که یک سجده کند
یک گناه او [illegible] و یک درجه [illegible] بلند میکند [illegible] از حضرت امام
[illegible] علیه [illegible] منقول است [illegible] و سال رجل امیر المؤمنین صلوات
الله علیه [illegible] یا ابن عم خیر خلق الله ما معنی السجدة الاولی فقال تاویلها اللهم
انک منها خلقتنا یعنی من الارض و تاویل رفع راسک و منها اخرجتنا و السجدة
الثانیة و الیها تعیدنا و رفع راسک [illegible] تارة اخری [illegible] کالصبح

حضرت فرموده الله

تکرار اذان

منقولست که شخصی از آنحضرت صلوات الله علیه سوال کرد و گفت
ای پسر عم بهترین خلق حق سبحانه و تعالی چه معنی دارد سجده اول حضرت
فرمودند که تاویل آن اینست که خداوندا تو ما را ازین جا یعنی که سر که داشته‌ایم
یعنی از زمین آفریدی ما را و اصل ما خاک بود و تاویل سر برداشتن اینست
که ما را از خاک بیرون آوردی و نشو و نما دادی و تاویل سجده دوم
آنکه ما را باز بخاک خواهی برد و میباید که متذکر شود احوال و اهوال قبر را
و تاویل سر برداشتن از سجده دوم آنکه ما را مرتبه دیگر ازین خاک بیرون
خواهی آورد و تفکر کند در اهوال روز قیامت وَسَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ
صلوات الله علیه عَنْ عِلَّةِ الصَّلَاةِ كَيْفَ صَارَتْ رَكْعَتَيْنِ وَأَرْبَعَ
سَجَدَاتٍ قَالَ لِأَنَّ رَكْعَةً مِنْ قِيَامٍ بِرَكْعَتَيْنِ مِنْ جُلُوسٍ
و در موثق کالصحیح منقولست که ابو بصیر سوال کرد از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از علت دو نماز که چرا دو رکوع و چهار سجود
مقرر ساختند حضرت فرمودند که یک رکعت ایستاده برابر است با دو
رکعت نشسته و در رکوع ایستاده و در سجود نشسته و در موثق کالصحیح
از اسحاق بن عمار منقولست و از هشام بن حکم منقولست و سند صدوق
باو صحیح است و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و با سند صحیح
از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت میکند [illegible]
که گفت عرض نمودم با آنحضرت که در هر رکعتی [illegible] رکوع و دو سجود واجب است
حضرت فرمودند که هرگاه سجود کنی از جمیع چیزها خاطر را جمع کرده [illegible]
با ملک از خاطر بیرون کن تا بفهمی بدرستی که اول نمازی که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند نمازی بود که در بیت الحرام حق تعالی شانه
آوردند زیرا که چون آنحضرت [illegible] بان بردند در شب معراج و نزدیک عرش

رسیدند و خطاب از حضرت رب العزت در رسید که نزدیک شو بصاد و وضو
بساز تا محل سجده ات پاک شود و نماز کن از جهة پروردگارت پس حضرت
بانجه مامور شد از حق سبحانه و تعالی قیام نموده وضو بنحو تمام وضو
ساختند و کامل ساخت وضو را پس ایستاده رو بقبله چنانکه مامور شد
پس امر کرده ندا و را که تکبیر بگو پس گفت پس خطاب رسید که بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله رب العالمین را تا بآخر بخواند و دیگر خطاب رسید
که سوره که نسبت که سوره توحید است بخواند حضرت خواند پس
حضرت خود گفت که کذلک الله کذلک الله یعنی حق سبحانه و تعالی
چنین است که گفتم اوصاف او را لفظاً و معنیً یا ظهراً او بطناً چون
مکرر گفت یا تاکید امکرر گفت پس خطاب رسید که یا محمد رکوع کن
از جهة پروردگارت پس حضرت برکوع رفت و خطاب رسید که
تسبیح کن پروردگار خود را پس حضرت سه مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده
گفتند پس خطاب رسید که سر از رکوع بردار و مامور شد چنانکه
مامور شد پس خطاب رسید که سجده کن یا محمد از جهة پروردگارت پس
حضرت بسجده رفت پس خطاب رسید که بگو سبحان ربی الاعلی و بحمده
حضرت سه مرتبه گفت پس خطاب رسید که درست بنشین یا محمد پس حضرت
نشستند پس چون درست نشست یاد کرد عظمت و جلال الهی را
خود بسجده رفت بی انکه [illegible] شود تا آخر آنچه مذکور شد در اول
[illegible] واجب است و اگر کسی یک سجده را فراموش کند نمازش
باطل نمیشود و انما یقال فی الرکوع سبحان ربی العظیم وبحمده وفی
السجود سبحان ربی الاعلی وبحمده لانه لما انزل الله تبارک
وتعالی فسبح باسم ربک العظیم [illegible] قال النبی صلی الله علیه وآله

۲۴۳

اجعلوها فی رکوعکم ولما نزلت سبح اسم ربک الاعلی قال اجعلوها فی سجودکم به سند قوی از عقبة بن عامر
که چون حق سبحانه وتعالی این آیه را فرستاد که فسبح یعنی تنزیه کن
اسم پروردگار عظیم خود را حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله
فرمودند که این تسبیح را در رکوع خود قرار دهید وبگویید سبحان ربی
العظیم وبحمده یا لفظ وبحمده را بعد از این راوی فرمودند از بحمده [illegible]
در بعضی از روایات هست ودر بعضی نیست وچون آیه سبح اسم [illegible] نازل
شد یعنی تنزیه کن نام پروردگار خود را که از آن بالاتر است که تنزیه
او کنند حضرت فرمودند که این را در سجود خود جا دهید چنانکه
در رکوع جا مذکور شد وتنزیه نام ممکنست که نام را باید باشد از جهة تحسین
لفظ یا آنکه مراد تنزیه باسم او باشد از آنکه بآن معنی که حق سبحانه وتعالی بآن
موصوف باشد بر غیر او اطلاق نتوان کرد واز تنزیه اسم تنزیه ذات بیرون
می آید بطریق اولی ووجه اول [illegible] وفی زیاده کرده است که چون در رکوع
سبحان ربی العظیم وبحمده گفته میشود ودر سجود سبحان ربی الاعلی وبحمده
ولفظ بحمده چون از حمد وقصد معلوم نیست که با هر [illegible] باشد
یا [illegible] در حدیث سابق ظاهر شد که در شب معراج چنین [illegible] شب
جمع میتوان کرد که در شب معراج از جهة حضرت [illegible] باشد ودر
[illegible] از جهة امت باشد [illegible] ثم ارفع راسک من السجدة الثانیة وتمکن
[illegible] ورفع یدیک وکبر ثم قم الی الثانیة [illegible]
بحول الله وقوته اقوم واقعد فاذا قمت الی الثانیة قرات الحمد [illegible]
وتقنت بعد القراءة وقبل الرکوع پس سر از سجده دوم بردار [illegible]
گیر در زمین [illegible] جلسه استراحت گویند است وبعضی گفته اند
که واجب است ودستها را [illegible] جهة برخاستن از سجده دوم [illegible]

پس بواسطه رکعت دوم برخیز وچون تکیه دهی بر دستها از جهة برخاستن
اول زانو را بردار وبگو آنچه را که ترجمه اش اینست که بسبب حول وقوت
الهی بر میخیزم ومی نشینم ودر اینجا اظهر اینست که هر دو بمعنی توفیق و
قوتست پس چون برخیزی از جهة رکعت دوم [illegible] حمد وسوره بخوان که هر
سوره که باشد غیر سوره که گذشت وقنوت بخوان بعد از قرائت و[پیش]
از رکوع بآنچه خواهد آمد واما جلسه استراحت پس در حدیث صحیح از
عبد الحمید منقولست که دیدم حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه که سر از سجده دوم از رکعت اول برمیداشتند ومی نشستند تا قرار
میگرفتند وبر میخواستند ودر موثق از ابو بصیر منقولست که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون سر از سجده دوم در
رکعت اولی بر داری وقتی که خواهی برخیزی پس درست بنشین
وبعد از آن برخیز ومنقولست در قوی از اصبغ بن نباته که همیشه حضرت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که سر از سجده برمیداشتند
می نشستند وقرار میگرفتند وبعد از آن بر میخاستند پس شخصی عرض
کرد که یا امیر المومنین ابو بکر وعمر وقتی که سر از سجده برمیداشتند سر را
[illegible] کند اشتر بر میخاستند مانند شتر حضرت امیر المومنین صلوات
[illegible] فرمودند که این عمل را کسی میکند که اهل جفا اند از مردمان یعنی
[illegible] نماز را [illegible] اهل سنتند [illegible] اند بر خود ستم میکنند [illegible] خود را
[illegible] میکنند [illegible] که نشستن وقرار گرفتن از جمله
[illegible] نماز است وچون سنیان مطابق آنها واجب میدانسته اند
حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیهم گاهی تقیه میفرمودند چنانکه

در موثق کالصحیح منقولست از زراره که حضرت امام محمد باقر ص
و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما را دیدم که چون سر را
از سجده برمیداشتند برمیخاستند و می نشستند و در قوی از [illegible]
منقولست که عرض نمودم که بخدمت حضرت امام رضا عرض نمودم
که فدایتو گردم شما را می بینیم که در نماز چون سر از سجده بر
میدارید و در رکعت اولی و سوم و سیمی نشینید اندکی و بعد از آن
بر میخیزید و ما متابعت شما میکنیم حضرت فرمودند که شما نظر
مکنید بلکه هرچه بگویند بکنید ظاهرا حضرت پیشتر ما و کهنه باشد
که میشنیدند و چون فعل حضرت را دید بخاطرش رسید که متابعت
حضرت کند و معلوم نیست که ضرر بحضرت نمیتوانستند رسانید
و باو ضرر میرسانیدند چون جلسه استراحت از جمله شعار شیعیانست
مثل دست گشودن و سجده شکر و دست برداشتن از جهة تکبیرات
و جهریه بسم الله و امثال اینها هرچند واجب نیستند اند خلاف
اینها را ولیکن میگویند که شعار رفضه است و جمعی از این جهت
استدلال کرده اند که تاسی واجب نیست و غافلند که در اینجا مانع
هست که آن تقیه است بلی ظاهر میشود که هر جا که [illegible]
باشد متابعت ضرور نیست بلکه باید که بپرسند و [illegible]
ضعیف گفته است تکبیر سر برداشتن از سجده دوم است که [illegible]
است چهار تکبیر از جهة سجدتین در رفتن بسجده و سر بر[illegible]
از آن گفتن و بحول الله الخ پس در حدیث صحیح از حضرت [illegible]
جعفر صادق ص منقولست فرمودند که چون از سجود برخیزی و بگوی

بحول الله و قوته اقوم و اقعد و در صحیح از عبد الله بن سنان منقولست که
آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که چون سر از سجده برداری
و خواهی که برخیزی و میگوئی اللهم ربی بحولک و قوتک
اقوم و اقعد و اگر خواهی زیاده کنی و ارکع و اسجد و در صحیح
از رفاعه منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه شنیدم که فرمودند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
چون از دو رکعت اول بر میخاستند و میگفتند بحولک و قوتک
اقوم و اقعد و در صحیح از ابن مسلم منقولست که حضرت امام
جعفر صادق ص فرمودند که هر گاه در دو رکعت اول نشستی و تشهد
بخوانی و خواهی که برخیزی بگو بحول الله و قوته اقوم و اقعد
و در حسن کالصحیح منقولست که آنحضرت فرمودند که چون از دو
رکعت برخیزی تکیه بر دستها کن و بگو بحول الله و قوته اقوم و اقعد و که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنین میکردند و همیشه بهر
عبارتی خوبست و لیکن اولی آنست که اکثر بطاو بسیار باشد خطاب کند
که در آن حال آنچنان سنت والاخبث و الله تعالی یعلم و قنوت
[illegible] خواهد آمد و انما یستحب ان یقرء فی الاولی الحمد و انا [illegible]
[illegible] فی الثانیة الحمد و قل هو الله احد لان انا انزلنا
سورة النبی صلی الله علیه و آله و اهل بیته صلوات الله علیهم
[illegible] یجعلهم المصلی وسیلة الی الله تعالی ذکره لانه [illegible] بهم
وصل الی معرفة الله و یقرء فی الثانیة سورة التوحید لان الدعاء
علی اثره مستجاب [illegible] علی اثره القنوت فیستحب [illegible] ست
که در رکعت اولی سوره حمد و انا [illegible] بخوانند و در رکعت دوم

حمد و قل هو الله احد بخوانند زیرا که انا انزلناه در شأن رسول و اهل بیت اوست صلوات
الله علیهم چون ملائکه و روح بر ایشان نازل میشوند چنانکه خواهد آمد پس گویا که آن سوره
ایشان را وسیله خود میگردانند و متوسل بایشان میشوند در جمیع امور و دیگر آنکه سبب
حق سبحانه و تعالی را شناخت است و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل هو الله
احد میخوانند زیرا که دعا در عقب آن مستجاب است و در عقب آن قنوت میخوانند که [illegible]
پس مستجاب میشود دعا البته و در بعضی از نسخ بعد از مستجاب فیستحب بعده القنوت
وارد شده است و این مضمون در روایات متفرقه واقع است صدوق همه را جمع کرده است
و ممکنست که همین عبارت روایت دیگر باشد و القنوت سنة واجبة من ترکها متعمدا
فی کل صلوات فلا صلوة له قال الله عز و جل و قوموا لله قانتین یعنی مطیعین داعین
و قنوت سنت است از سنن حضرت سید المرسلین که واجب است [illegible] که این سنت را ترک
کند عمدا در هر نمازی پس نماز او نماز نیست حق سبحانه و تعالی فرموده است که بایستید از برای
حق سبحانه و تعالی حال آنکه با قنوت باشید و صدوق نقل کرده است رساله از سلیمان بن مهران
اعمش که بحسب ظاهر از شیعیان است و بخاری و مسلم از او احادیث بسیار نقل کرده اند و صحیح خود
و نزد ما از شیعیان مخلص است و این رساله مشتمل است بر احکام بسیار و صدوق آن را
صحیح میدانند و ذکر کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرموده اند که قنوت
در همه نمازها سنت واجب است در رکعت دوم بعد از قرائت و پیش از رکوع [illegible]
[illegible] و وجوب سنت و احتمال استحباب مؤکد دارد خصوصا عبارت صدوق که گفته [illegible]
در همه نمازها [illegible] نماز بی قنوت نیست و بحسب مفهوم دلالت میکند که اگر [illegible]
بخوانند همه نمازهای او نماز باشد معهذا عبارت لا صلوات له محتمل [illegible] که [illegible]
که نماز او کامل باشد [illegible] آنکه صحیح نباشد و استدلالی که صدوق بآیه کرده است [illegible]
اما تفسیری که کرده است مشعر بخلاف [illegible] [illegible] [illegible]
ما بعضی [illegible] و بعضی در [illegible] نماز [illegible] [illegible] میکند و [illegible]

قنوت را بخوانید و مراد از این [illegible]
[illegible] باشید خداوند خود را
[illegible] خداوند را در قنوت
[illegible]

ما تفسیر او را تأویل کرده [illegible] مراد از قنوت خواه [illegible] بوده و در اکثر کتاب صلوات تفسیر
نکرده شده و ظاهرش وجوب قیام و اخلاص و خشوع است و این آیه از جهت [illegible] بهتر
از آیات دیگر است [illegible] استدلال کرده اند و همچنین است آیه کریمه فصل لربک
که دلالت میکند [illegible] بر اخلاص میکند و احوط آنست که ترک نکنند
قنوت را خصوصا [illegible] اگر چه همین قدر [illegible] باشد با کلمه اللهم اغفر لنا و امثال
[illegible] نیز دلالت بر آنکه مراد از قنوت در این آیه معنی اصطلاحی نیست لغوی
و در حدیث صحیح [illegible] کعب بن عبید [illegible] منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه فرمودند که هر که قنوت را ترک کند بعنوان میل [illegible] نماز نماز
که [illegible] آن نماز را جمع کرده اند [illegible] ترک میکنند [illegible]
عنه ترک [illegible] در [illegible] [illegible] دعا [illegible] [illegible] الکثیر جاری [illegible]
النبی صلی الله علیه و آله کرده است و در حدیث صحیح [illegible] منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله
صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سنت حضرت مصطفی
صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible] محکمست [illegible] باشد [illegible]
[illegible] [illegible] و ادنی ما یجزی من القنوت ثلاث تسبیحات و منها
ان یقول رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم
و منها ان یقول سبحان من دانت له السموات و الارض بالعبودیة و منها
ان تسبح ثلاث تسبیحات و لا بأس ان تدعو فی قنوتک و رکوعک
و سجودک و قیامک و قعودک للدنیا و الآخرة و تسمی حاجتک ان شئت و [illegible]
[illegible] [illegible] قنوت [illegible] است [illegible] [illegible] باشد [illegible]
[illegible] [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که قنوت
[illegible] [illegible] و [illegible] استغفار [illegible] دعا [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] که [illegible]
که [illegible] [illegible]

کرده شوند ... [illegible] ... که گمانها یا استقصا [illegible]
آنکه شکی در قنوت حذر دندی که خائنیم مقطع اند ... [illegible] ... با اصل شان باید بود
بدستی در نماز و دعائی معنویت چنانکه در حدیث است که ... [illegible] دعا الحمد لله است
چون هر که مدح کند بهجتی چیزی طلب نکند اصل مدح طلب است از انجمله
قنوت است به تسبیح چنانکه در حدیث کالصحیح منقولست که سه تسبیح
کافیست در قنوت و در حدیث دیگر از ابو بصیر منقولست که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمودند که کمترین قنوت پنج تسبیح است و در روایت
علی بن محمد از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که از آن حضرت
سوال کردم از قنوت حضرت در فرمان همایون نوشتند که هرگاه تقیه شدید
نباشد دستها را بلند کن و سه مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بگو و باکی
که دعا کنی در قنوت و همه رکوع و سجود و برخاستن و نشستن و از جهة
دنیا و آخرت و اگر خواهی حاجت خود را نام میبری و در موثق کالصحیح از
عبد الرحمن منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق ص
که در وقت سجده دعا میتوانم کرد حضرت فرمودند دعا کن از برای دنیا
و همه را از پروردگار بطلبید و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست
که در سال مکه ابو بصیر امامت میکرد و شتری گم شده بود از شخصی ابو حنیفه در
سجده گفت که خداوندا ناقه فلانی را باز ده محمد بن مسلم گفت پس داخل شدم
بر حضرت امام جعفر صادق ص و واقعه را بخدمت آنحضرت عرض نمودم
حضرت فرمودند که چنین کرد عرض نمودم بلی پس حضرت خاموش شدند
عرض نمودم که نماز را اعاده کند فرمودند نه دور نیست که حضرت را این منظور
باشد که چرا ابو بصیر تقیه نکرد یا مراد ... [illegible] ... کرد تا آنکه ... [illegible] ... بر فضل
وی چنین فهمید که خوب نکرد ... [illegible] ... کنند

از قنوت هر چه که در دین و کار دنیا و آخرت اوست

که دعا بنیت ... [illegible] ... باعاده نماز نفرمودند و این دال است بر عدم
بطلان نماز واقعی ... [illegible] ... چنانچه خواهد آمد و قال الحلبی سألت ابا عبد الله ع
عن القنوت فیه قول معلوم فقال اثن علی ربک وصل علی نبیک
واستغفر لذنبک و باسانید صحیحه منقولست از حلبی که گفت سوال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و آله که آیا در قنوت قول مخصوص
هست که آنرا بخوانند حضرت فرمودند که ثنای حق سبحانه و تعالی را بجای آور
و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرست و از گناهان خود استغفار کن و ظاهر
آنست که عمده قنوت استغفار است و قبل از آن حمد و صلوات مطلوبست تا دعا
مستجاب شود چنانچه احادیث ... [illegible] ... در این باب وارد شده است و محتمل است
که استغفار ... [illegible] ... چنانچه احادیث بسیار در این باب
وارد شده ... [illegible] ... و صلوات بفرستد و بعد از آن
بگوید اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا والآخرة انک
علی کل شیء قدیر چون در حدیث صحیح ... [illegible] ... و دیگر از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه منقولست که مجزی است ترا در قنوت اللهم اغفر لنا وارحمنا ... و در حدیث
موثق کالصحیح از اسمعیل منقولست که پرسیدم از آنحضرت صلوات الله علیه
در قنوت و آنچه در قنوت گفته میشود حضرت فرمودند که هر چه حق سبحانه
و تعالی بر زبانت جاری سازد خوبست و چیزی مخصوص نیست که همان را باید خواند
و دعاهای صحیفه کامله خوبست ... [illegible] ... حضرت سید الساجدین ص
... [illegible] ... دعاهاست ... [illegible] ... طاوس ... در منهج الدعوات ذکر کرده
است ... [illegible] ... حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیهم را و هر چند قنوت
بلندتر باشد ... [illegible] ... از سوره های دراز خواندن چنانچه در صحیح
از ... [illegible] ... صلی الله علیه ... [illegible] ... منقولست که فرمودند ... [illegible] ... شما

بن مسلم

حسن کالصحیح و کالصحیح

و باز دو

قنوت دراز است در نماز دنیا [illegible] بیشتر خواهد بود
و در حدیث صحیح از ابن ابی عمیر منقول است که [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] شروع کرده در نماز [illegible] دعا [illegible]
فارغ نخواهد [illegible] افضل است حضرت فرمودند که [illegible]
[illegible] فضیلت دعا [illegible] حضرت فرموده اند که دعا [illegible] افضل است [illegible] حق سبحانه
و تعالی وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ
یعنی مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب گردانم [illegible] از بندگی من [illegible]
البته داخل جهنم [illegible] والله که دعا عبادت است چون حق سبحانه و تعالی
فرموده ادعونی و بعد از آن فرموده عن عبادتی [illegible] دعا عبادت [illegible]
که عبادالله [illegible] تلاوت قرآن [illegible] عبادت [illegible]
والله [illegible] دعا عبادت [illegible] الله [illegible]
و ظاهر [illegible] است که آداب دعا [illegible] است
که با حق سبحانه و تعالی مناجات میکند [illegible]
میکند [illegible] است که [illegible]
باشد [illegible]
حق سبحانه و تعالی فرموده است که قبول میکند حق سبحانه و تعالی عبادات را [illegible]
که بعضی [illegible] در شرح صحیفه کامله [illegible]
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صلوات الله علیه قَالَ الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ
منقول است [illegible] کالصحیح [illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که آنحضرت فرموده اند که قنوت مستحب است در همه نمازها [illegible]
فریضه [illegible]
کرعرض [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

حمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلوات الله علیه [illegible]
الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ [illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه فرموده [illegible] در همه نمازها [illegible] منقول است از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه [illegible] قنوت در هر رکعت دوم است پیش از رکوع [illegible]
[illegible] صلوات الله علیه [illegible]
که قنوت در هر نماز [illegible] از جمله [illegible]
وَ ذَكَرَ شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لَا يَجُوزُ الدُّعَاءُ فِي الْقُنُوتِ بِالْفَارِسِيَّةِ وَ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ يَقُولُ إِنَّهُ يَجُوزُ
وَ الَّذِي أَقُولُ أَنَّهُ يَجُوزُ لِقَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي صلوات الله علیه لَا بَأْسَ
أَنْ يَتَكَلَّمَ الرَّجُلُ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ بِكُلِّ شَيْءٍ يُنَاجِي بِهِ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ لَمْ يَرِدْ هَذَا الْخَبَرُ
لَكُنْتُ أُجِيزُهُ بِالْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ صلوات الله علیه أَنَّهُ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ مُطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ
النَّهْيُ وَ النَّهْيُ عَنِ الدُّعَاءِ بِالْفَارِسِيَّةِ فِي الصَّلَاةِ غَيْرُ مَوْجُودٍ [illegible] ذکر کرده شیخ
و استاد ما از [illegible] میگفت که جایز نیست دعا کردن در قنوت بفارسی چون
ملتقی نشده از شارع [illegible] از شارع ملتقی نشده است [illegible]
الا تکبیر احرام [illegible] اختیار [illegible]
[illegible] که جایز است [illegible] احتمال میگوید که
[illegible] صحیحه [illegible] بن مهزیار روایت کرده است که
سؤال کرد [illegible] محمد تقی صلوات الله علیه از مردی که آیا سخن میگوید در نماز
[illegible]

وامید نمی‌بود صحت نیت تجویز میکردم بسبب حدیثی که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که هر چیزی جایز است تا نهی از آن وارد شود از شارع و نهی از دعای
فارسی وارد نشده است و حمد خداوند عالمیان که وارد شده است و توسعه فرموده
است یا الحمد لله که ما را هدایت کرده است بحق درین مسئله و در حسن کالصحیح از
حماد بن عیسی از بعضی از مشایخ او منقولست که حضرت امام جعفر صادق ص
فرمودند که هر چه را با آن سخن میگوئی با حق سبحانه و تعالی باکی نیست و [illegible]

در نماز واجب

و کلام [illegible] و شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله میفرمودند که عموم حدیث جواز
مراد از آن عموم مطالب دنیا و آخرتست و عموم خبر در دعا در غیر عبادتست
چون عبادات هیئات خاصی است که از شارع متلقی است بهر گاه بفارسی متلقی
نشده باشد نباید که بتوان کرد و جواب گفتم چنانکه دلالت بر عموم مطالب دارد
بر عموم لغات نیز دارد و نظیر همین اخبار بسیار است مگر آنکه نهی وارد باشد
و مدتی که [illegible] شک نیست که ترک آن اولی است والله تعالی یعلم قال
الحلبی له اسمی الائمة صلوات الله علیهم فی الصلوات قال اجملهم
و باسانید صحیح و حسنه موثقه منقولست از حلبی که گفت عرض کردم
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که در نماز جایز است که تمام ائمه
معصومین صلوات الله علیهم نام برم حضرت فرمودند که مجمله نام برید مفصل
باکه بگوئید مثلا اللهم انا نتولی جمیع الائمة الراشدین یا المهدیین
بالهادین که اگر عامه گویند که اینها کیستند توانی گفت که ائمه شما اند
پس اگر تقیه نباشد مفصل نیز خوبست و بحال الصادق صلوات الله
علیه کلما ناجیت به ربک فی الصلوة فلیس به بأس [illegible] وکالصحیح
منقولست از آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که [illegible] الحاجات
با پروردگار خود در نماز آن [illegible] کرد [illegible]

از جمله امور [illegible] نیست کالصحیح از [illegible] صلوات الله علیه منقولست
که هر چیزی [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] میکوئی [illegible] از [illegible] باکی نیست [illegible]
[illegible] است که آن حضرت [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] باید [illegible]
[illegible] صلوات الله علیه و آله [illegible] و قال [illegible]
عن الرجل [illegible] فی الصلوة [illegible] فقال [illegible]
و قال [illegible] کالصحیح [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] فرمودند [illegible] والله [illegible]
[illegible] شود
[illegible] احتمال دارد [illegible]
[illegible] کالصحیح
[illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] خود را
[illegible] منقولست که [illegible] عرض
[illegible] خود را
[illegible] حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] منقولست
[illegible] حضرت امام جعفر [illegible] صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] حق سبحانه [illegible]
[illegible]

مشکل است که [illegible] بر تقدیر [illegible] صلوات الله علیه [illegible] بر احوال [illegible]

مستجاب الدعوه [illegible] آنکه [illegible] باشد و در حدیث [illegible]

از [illegible] منقولست که حضرت [illegible] فرمودند [illegible]

[illegible] آب از دیده [illegible] البکاء [illegible]

یقطع الصلوة والکلام [illegible] افضل الاعمال فی الصلوة و

منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که [illegible] باشد [illegible]

قطع [illegible] طمع [illegible] از جهنم [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] گریه [illegible]

[illegible] گریه [illegible]

[illegible] مطلوب [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] احادیث [illegible] ذکر [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] احادیث [illegible]

[illegible] آب [illegible]

آید [illegible] که [illegible] تمام [illegible]

کفی [illegible] ما من شیء الا وله کیل ووزن الا البکاء من خشیة الله عز وجل

فان القطرة منه تطفی بحارا من النار [illegible] ولو ان باکیا بکی فی امة لرحموا

و باسانید متکثره از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که [illegible]

[illegible] گریه [illegible] که [illegible]

قطره [illegible] آب دیده [illegible] آتش غضب الهی [illegible]

[illegible]

از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که در [illegible] حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله علیه [illegible] که [illegible]

[illegible] قطره [illegible] آب [illegible] در بهشت [illegible]

[illegible] هر دو واقع است [illegible]

احادیث هزار را نقل کرده ام [illegible] الف [illegible] افتاده است و چون اسانید مختلفه

است ممکن است که از روایات افتاده باشد یا آنکه ممکن است که [illegible]

[illegible] باشد بر هزار یا صد هزار [illegible] باشد متکثره منقولست از حضرت

امام جعفر صادق [illegible] منقولست که فرمودند که در روز قیامت هر چشمی گریان

خواهد بود مگر چشمی که از [illegible] گریسته باشد و هر چشمی که از ترس الهی پر از

آب دیده شود [illegible] حق سبحانه و تعالی آن بدن را بر آتش دوزخ حرام

کرده باشد و چون آید [illegible] روان شود [illegible]

و هر چیزی را که هست البته کیل و وزنی هست مگر آب دیده [illegible] که

حق سبحانه و تعالی [illegible] از آن دریاهای آتش فرو می نشاند و اگر بنده گریه

کند از جهت امتی [illegible] حق سبحانه و تعالی ببخشد آن امت را [illegible]

گریه [illegible] و در حسن [illegible] و از ابو حمزه منقولست که حضرت امام

محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که هیچ قطره نزد حق سبحانه و تعالی محبوبتر

نیست از قطره آب دیده [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] منظور

نباشد و کل عین باکیة یوم القیمة الا ثلاثة اعین عین بکت

من خشیة الله وعین غضت عن محارم الله وعین باتت ساهرة

فی [illegible] باسانید متکثره موثقه و قویه متواتر از حضرت [illegible]

[illegible] صلوات الله علیهم منقولست که فرمودند که

که چنان صورتی که حق سبحانه و تعالی و را نظر کند که او گریه کند از ترس
الهی گریسته باشد و چشمی که او را پوشانده باشد از محارم الهی و چشمی که بیداری
کشیده باشد در راه الهی و در موثق کالصحیح از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله منقولست که فرمودند که خوشا حال صورتی که حق سبحانه و تعالی و را نظر کند که او
گریه کند از ترس الهی بر گناهی که مطلع نشده باشد بر آن گناه غیر حق سبحانه و تعالی
و در حدیث حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله منقولست که حق سبحانه
و تعالی وحی فرمود بحضرت موسی علیه السلام که یا موسی بندها پرستش کنندگان
من تقرب نجستند بمن بچیزی که محبوب تر از سه خصلت باشد موسی گفت یا رب
آن سه خصلت کدام است خطاب رسید که یا موسی ترک دنیاست و پرهیز
کاری از معاصی و گریستن از ترس من گفت ای پروردگار من چه ثوابست
کسانی را که این صفات داشته باشند پس خطاب رسید که یا موسی اما تارکان
دنیا پس ایشان در بهشت خواهند بود و اما گریه کنندگان
از ترس من پس ایشان در رتبه بلند که الا ایشان در جا نخواهند بود و کسی
شریک ایشان نخواهد بود و اما پرهیزکاران از معاصی پس من در روز قیامت
تفحص اعمال بحساب و میزان خواهم کرد و تفتیش احوال ایشان نخواهم کرد و شکی
نیست که این مرتبه‌ها بلند ترین مرتبه‌های امثال ایشانست و چون که از نعمت الهی گریسته
باشند ثواب ایشان از عیوب ایشان [illegible] و در حدیث دیگر اخبار خواهد آمد و مروی
عَن صَفوانَ الجَمّالِ قالَ صَلَّیتُ خَلفَ اَبی عَبدِ اللّهِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِ اَیّاماً فَکانَ
یَقنُتُ فی کُلِّ صَلوةٍ یُجهَرُ فیها اَو لا یُجهَرُ و در کافی و تهذیب [illegible] باسند
در [illegible] منقولست از صفوان که گفت نماز کردم [illegible] حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

که از ابلند میخوانند و الحمد بلند نمیخوانند یعنی در جهریه و اخفاتیه و بنا
و بنا بر نسخه که فیهما باشد نیز همین معنی دارد و احتمال دارد که مراد این باشد
که در نماز جهریه قنوت میخواندند و قنوت را از روی تقیه بلند نمیخواندند چون
کافی اصل است و فیهما اربه البته معنی اول مراد است و ظاهر از کلام مشایخ
افتاده باشد و روی عن زرارة انه قال ابو جعفر صلوات الله علیه
القنوت کله جهار و در صحیح منقولست که گفت که حضرت امام محمد باقر
فرمودند هر قنوتی را بلند باید خواند خواه در نماز جهریه و خواه در اخفاتیه
و خواه با امام و خواه منفرد و در ماموم خلاف است چون ظاهر این است
این عموم بعموم اخبار [illegible] دارد است که ماموم چیزی را نشنواند با امام و میان
این دو عام عموم و خصوص من الوجه است و ترجیح احدهما بر دیگری باید
نشود مگر بمرجحی از جهت یکی از این دو وچون نیست ظاهر تخییر
باشد که میان هر دو و الله تعالی یعلم و القول فی قنوت الفریضة
فی الایام کلها الا فی الجمعة اللهم انی اسألک لی و لوالدی
و لولدی و اهل بیتی و اخوانی المؤمنین فیک الیقین و العفو و المعا
فاة و الرحمة و المغفرة و العافیة فی الدنیا و الآخرة و از زراره
بسند صحیح از امام صلوات الله علیه منقولست که الحمد در قنوت نماز
[illegible] اینها را گوینده مکرر در غیر جمعه نیست و همه حدیث خواهد
آمد که بهترین دو وترجیح [illegible] اینست که خداوند
سبحانه [illegible] از جهت خود و از جهت پدر و مادر و از جهت فرزندان
[illegible] مومنان که از جهت ایشان برادران ایمانی [illegible]
[illegible]
[illegible] کم اراده عفو کنی و از تقصیرات
[illegible]

دنیا و عقبی [illegible] باشد فاذا فرغت من القنوت فارکع و
اسجد فاذا رفعت رأسک من السجدة الثانیة فتشهد و
قل بسم الله وبالله والحمد لله والاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة ثم امض الی الثالثة وقل اذا
اتکأت علی یدیک للقیام بحول الله وقوته اقوم واقعد وتقول فی الرکعتین
الاخیرتین اماما او غیر امام سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ثلث مرات وان شئت قرأت فی کل رکعة منها الحمد الا ان التسبیح
افضل [illegible] از قنوت [illegible] شوی برکوع و سجود [illegible]
[illegible]
[illegible] اصل [illegible] با آنکه جمیع [illegible] مخصوص [illegible]
[illegible] مخصوص [illegible] جمیع صفات [illegible]
[illegible]
عبارت [illegible] باشد [illegible] واجب الوجود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

٢٥١

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] محمدا عبده ورسوله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

صلوات بر نبی و آل او هر وقت که اسم آن حضرت صلی الله علیه [illegible] شود و هم شنیده شود

اسم حضرت مذکور نشود پس اولی احتیاط واجب [illegible] از جهة آنکه جمعی از علما

ولکن این روایت مخالف مشهور است و آنکه [illegible] در تشهد [illegible] مذکور خواهد شد

[illegible] واجب نیست یا آنکه در تشهد [illegible] واجب است صلوات [illegible] تشهد است [illegible]

[illegible] کافیست که بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول

الله و بعضی تشهد [illegible] که در حسن [illegible] منقولست

که گفت سؤال کردم از ابو الحسن صلوات الله علیه از شخصی که [illegible] کنند

[illegible] که از تشهد [illegible] باشد حضرت امام [illegible]

صلوات الله علیه یا حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند که اگر گفته باشد

اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله اعاده [illegible] از

[illegible] واقع شده باشد اعاده [illegible]

[illegible] سلام [illegible] واجب خارج باشد و در [illegible] از حضرت امام

محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند [illegible] خارج

[illegible] تمام [illegible] احادیث صحیحه [illegible]

[illegible] سلام [illegible] منقولست

که گفت سلام کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از [illegible] چیزی که

[illegible] تشهد [illegible] صحیح [illegible]

از [illegible] منقولست [illegible] جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند

که [illegible] صلوات الله علیه [illegible] اسب [illegible]

شهادت [illegible] سلام [illegible] صلوات الله علیه

[illegible] تشهد [illegible]

صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] اکثر علما [illegible]

از انجمله از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که هرگاه

از جهة تشهد [illegible] و حمد الهی بکنید او را کافیست و حمل کرده‌اند

بر آنکه در [illegible] همین قدر کافیست باز منقولست از آنحضرت ص که

[illegible] که در تشهد و قنوت چه چیز بخوانیم حضرت فرمودند

که بهترین چیزهائی را که میدانید بخوانید که اگر مقرر [illegible] بود

که خصوص بعضی از ثناها و دعاها بایست خواندن هر آینه مردمان

هلاک میشدند و با اگر اینجه عامه میگویند از تحیات [illegible]

بر مردمان هر آینه هلاک میشدند و مقصود آنکه [illegible]

آسانتر بود از آنچه میدانستند میخواندند هر کلام [illegible] سبحانه

و تعالی کردی کافیست و محمولست بر [illegible] اگر خواهد آمد و با آنکه

مطلق تشهد را اکثر علما واجب [illegible] اهتمام تمام در تحیات

دارند و هر که از تشهد [illegible] او را رافضی میخوانند و در حدیث

صحیح [illegible] ابو بصیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ص

فرمودند که روزه تمام نمیشود بدون زکوة فطره همچنانکه صلوات بر

نبی و آل او صلوات الله علیهم از تمامی نماز است و کسی که ترک کند

صلوات را نماز او نماز نیست و جمعی باین حدیث استدلال کرده‌اند

بر آنکه صلوات در تشهد واجبست و دلالت بر عدم وجوب اظهر

است از وجوب و در فقه رضوی صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] صلوات [illegible] و در دوم هست عبارت صدوق

عبارت آنحضرت [illegible] صحیح

[illegible] حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند که چون

[illegible] و اگر حق سبحانه و تعالی را [illegible]

الا بقوله تعالی بنشیند پس دلرا متوجه نماز کرده و از خواب بینی نیندازد و آب
دهن [illegible] نیندازد و انگشتانرا نشکند و تورک نکند [illegible] که جمعی را [illegible]
معذب ساخت بسبب انگشتان شکستن و تورک [illegible] و چون
از سجده سر برداری [illegible] پیش خود را [illegible] تا همه مهرهای پشت
بجای خود قرار گیرند و چون سر از سجده اولی برداری دست [illegible]
تا استخوانهای پشت بجای خود قرار گیرند و هر رکعت اولی و سیم که سر از
سجده برداری درست بنشین و بنحو سابق تا جلسه استراحت بفعل
آید و چون خواهی برخیزی بگو بحول الله وقوته اقوم واقعد بدرستیکه حضرت امیر
المومنین صلوات الله علیه چنین میکرد [illegible] تسبیحات بنابر حدیث [illegible] که [illegible]
[illegible] تسبیحات [illegible] لا اله الا الله الله اکبر [illegible]
که اعتماد [illegible] تسبیح [illegible]
تسبیح [illegible] فاذا جلست فی الرکعة الثانیة فقل [illegible] وقل فی تشهدک
بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره
علی الدین کله ولو کره المشرکون التحیات لله والصلوات الطیبات الطاهرات الزاکیات
الناعمات الغادیات الرائحات السابغات لله ما طاب وزکی وطهر
وخلص وصفا فلله [illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد
ان الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول [illegible]
علی الرسول [illegible] البلاغ المبین السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
[illegible] علی محمد خاتم النبیین السلام علی [illegible]

بالهدی

که جمیع انبیاء الله [illegible] السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
[illegible] فی التشهد [illegible] افضل [illegible]
چهارم [illegible] تشهد بخوان [illegible]
و در تشهد [illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible] واشهد ان محمدا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] از ابو بصیر [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
که تشهد [illegible] در رکعت دوم [illegible] بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء
لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اشهد انک نعم الرب وان محمدا
نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته
[illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] رکعت
چهارم [illegible] بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا
ونذیرا بین یدی الساعة اشهد انک نعم الرب وان محمدا نعم الرسول
التحیات لله والصلوات الطیبات الطاهرات الزاکیات الغادیات الرائحات السابغات
الناعمات لله ما طاب وزکی وطهر وخلص وصفا فلله [illegible]
وما خبث فلغیره [illegible] بسند صحیح از یعقوب بن شعیب منقول است که عرض کردم بحضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه بخوانم در تشهد ما طاب فلله وما خبث فلغیره حضرت
فرمودند [illegible] حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه چنین میفرمودند واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا
بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول واشهد
ان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور والحمد لله الذی هدانا

والحمد لله

لله او ما يخلف لله ... لا اله الا الله الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وسلم على محمد وآل محمد وترحم على محمد وعلى آل محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم اللهم صل على محمد وآل محمد وامنن علي بالجنة وعافني من النار اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات ولا تزد الظالمين الا تبارا ثم قل السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام على انبياء الله ورسله السلام على جبرئيل وميكائيل والملائكة المقربين السلام على محمد بن عبد الله خاتم النبيين لا نبي بعده والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين پس سلام بگوید وظاهر عبارت ... که این سلامها از تشهد است و سلامی که از نماز بیرون می آید السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته است چنانکه خواهد آمد و در فقه رضوی عبارت و ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق وان علي بن ابي طالب نعم الولي وان الجنة والنار حق والموت حق والبعث حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور ... وبارك على ابراهيم وآل ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن والحسين وعلى الائمة الراشدين من آل طه ويس اللهم صل على نورك الانور وعلى حبلك الاطول وعلى عروتك الاوثق وعلى وجهك الاكرم وعلى جنبك الاوجب وعلى بابك الادنى وعلى مسلك الصراط اللهم صل على الهادين المهديين الراشدين الفاضلين الطيبين الطاهرين الاخيار الابرار اللهم صل على جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وعلى ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين ورسلك اجمعين من اهل السماوات واهل الارضين

النبيين واخصص محمدا بافضل الصلوات والتسليم السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين پس سلام بگو از دست راست و صحيح اهلبيت بقبله و چون در اکثر عبادات مشترک بودند همه را ذکر کردیم که اگر کسی خواهد که همه را بخواند چون کند سنت کرده باشد و تشهد هرچه خواهی بخوان یا احادیث دیگر و حسنه معویة بن عمار کردعائی در نماز نماز و شب یا مبالغه بسیار و جای دعا این دو جا حتی آنکه در نماز جماعت تشهد را طول میفرمودند بجهت آنکه ماموم خواهد حمد و سوره بخواند شد که پیش از نماز سلام دهد و اخبار بسیار در این باب وارد شده است و خواهد آمد و لما توجد مشترکات و مختصات پس شهادتین سکوت شد تشهد اول ارسله بالهدی یعنی حق سبحانه و تعالی فرستاد آنحضرت را که هدایت کند یا از جهت یا بسبب آنکه خلق را براه راست و دین درست درآورد و او را بر همه دینها غالب کرداند هرچند کفار نمیخواستند غلبه او را یعنی عالمی در یکطرف بعد از آنحضرت برخلاف او اثبات و بر همه غالب شد و در این آیه دو معجزه است یکی آنکه حق تعالی خبر داده است از غلبه آنحضرت چنان شد و تا در وقت ظهور حضرت صاحب الامر همه خواهد شد که همه مسلمان شوند و جزیه از اهل کتاب نمیخواهند کرد و ملکها و پادشاهیها از ضد او نیست بعد که داد میدهد و از که خواهد میگیرد و یا پادشاهی وجود تعالی مخصوص است و دیگران لا شیء اند هیچ بن هیچ بن هیچ از هیچ در رحمتهای طیبه و پاکیزه و طاهره یا از قسمتها ظاهره و باطنه که در مورد یاد گرفت و همه نیکو کار است ... صباحی و ... از ازل میشود و در تزاید و برکت همه از ... تعالی است ... پاکیزه است و در زبادتی است

و نعمت های که خالص است میرسد و یا عباراتی که خالص است از جمیع
بدیها سیما بار و تصدق قاتی که در نمودار بادتی است و یا هر خوبی که در
تزاید است همه از وست و بمعونت اوست و هر چه خبیث و بد است مثل
معاصی و صفات ذمیله از غیر خداست و گواهی میدهم که بهشت حق است بالفعل
موجود است و همچنین دوزخ و حضرت سید المرسلین ص هر دو را در شب
معراج دیدند و داخل بهشت شدند و شهادت میدهم که روز قیامت
خواهد آمد و شکی در آمدنش نیست چون پیغمبران موید بمعجزات سیما
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و اله از آمدن آن خبر داده اند و شهادت
میدهم که حق سبحانه و تعالی زنده خواهد کرد مردگانی که در قبرها مدفونند
بلکه همه را تخصیص باین جماعت باعتبار آنست که اکثر مدفونند و گواهی
میدهم که پروردگار من نیکو پروردگاریست و حضرت محمد صلی الله علیه و اله
نیکو رسولیست که حق سبحانه و تعالی ایشان بخلایق فرستاده است باعتبار
انکه بهتر از همه خلایق است و شفقتش بر امت از همه پیغمبران بیشتر است
در روز قیامت همه پیغمبران در غم خود باشند و نفسی نفسی گویند و انحضرت ص
در غم امت باشد و امتی امتی گوید و وجوه اینمعنی را نهایت نیست پس پیغمبر
مکرم رسانید دین که هویدا کند رسالت را و بر همه خلایق ظاهر
سازند هر مجهولی را از اصول و فروع دین و انحضرت کردند همه چیز را
بان مامور بودند و سلام الهی بر تو باد ای پیغمبر با رحمتها و برکتهای الهی
و یا انکه سلام سلامت بودنست از آفات دارین و رحمت نعمتهاییست
نازل شده است و برکات و نعمتهای باطنه و ظاهره و لدنیه و دینیه از
شفاعت کبری بر آمدن بر معارج و بلندی و غلبه دین او بر همه ادیان
کثرت امت انحضرت و امثال اینها [illegible] نکتهها معنی آخر

و گوید که [illegible]

نقض تا یعنی انحضرت مهر شد نبوت و رسالت را [illegible] پیشوا
یان راه دین باد که راه راست را بهدایت الهی دانند بهدایاتی که مخصوص
ایشانست و مراد از ایشان ایمه معصومین صلوات الله علیهم یا ایشان
با حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و اله چون امام کسی است که
ریاست دینی [illegible] یا ریاست دینی باصطلاح [illegible] انکه
در قران مجید نیز باین معنی است و امامت حضرت ابراهیم علی نبینا و اله علیه
السلام که بعد از مرتبه نبوت و رسالت و خلت با و خطاب شد که انی
جاعلک للناس اماما بدرستی که ما ترا امام گردانیدیم که جهاد کنی ظاهر امر زد
از امامت پیشوائی انبیاست چنانکه حضرت ابراهیم تا شد با آنکه شش هزار
پیغمبر که از نسل او بودند همه را افضل متابعت انحضرت میکردند و حضرات
پیغمبر ما و ایمه هدی صلوات الله علیهم مرتبه تقدم بر جمیع پیغمبران کرامت
کردند و در شب معراج همه با انحضرت اقتدا کردند و حق سبحانه و تعالی در قران
مجید فرموده است در سوره آل عمران و اذ اخذ الله میثاق النبیین و غیر این
اینها از آیات که سابقا اشاره بان شد و احادیث متواتره وارد شده
از طرق خاصه و عامه که از جمیع پیغمبران صلوات الله علیهم عهد
پیمان گرفته اند و بر اقتدا و متابعت ایشان و متواتر است که حضرت عیسی
از پیغمبران اولوالعزم است در عقب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه
نماز خواهد کرد و انکه [illegible] صلوات را ذکر نکرده است و در هر دو
تشهد از جهة آنست که بیان کرد او کدام محل است که صلوات واجب نیست
و این بسیار مستبعد است از و که خود ذکر کرده است [illegible] تشهد اول
آنست [illegible] مستحبات غیر صلوات را ذکر نکرده
[illegible] در مصباح خود ذکر کرده اند [illegible]

از تشهد چون [illegible] علام لفظ صلوات بر نبی و آل او را واجب میدانند که
هر گاه که اسم حضرت مذکور شود صلوات بفرستند و بهترین دلایل
صلوات حدیث صحیح معراج است چون خطاب رسید بآنحضرت صلعم که
یا محمد صل علی نفسک وعلی اهل بیتک و چون بلفظ امر وارد شده است
که صلوات بر خود و اهل بیت خود [illegible] آن مذکور شد
[illegible] علما غافل شده اند و بنا بر طریقه ایشان که امر را برای وجوبست
باید که واجب است با آنکه جمعی کثیر نقل کرده اند اجماع شیعه را بر آنکه
صلوات بر نبی و آل او واجبست در هر دو تشهد و اما نزد کسی که امر را برای
وجوب ندانند اجماع را حجت ندانند و وجوب استحباب نزد او معلوم نخواهد
بود قصد احتیاط میکنی یا قربت محض والله تعالی یعلم و دعای قنوت [illegible]
آنحضرت را در حق امت و رفع درجات آنحضرت مثل صلوات است که او را حاجت
ملاحظه نه و بیه آنحضرت بمرتبه رسیده است که فوق آن متصور
نیست و اگر بالین ختم کند وسیله را و در باب مساجد گذشت یعنی خدا
وندا زود باش کو دان وسیله آنحضرت را که منبر وسیله برایکی و شفاعت
است کند صلی الله علیه و آله والحمد لله الذی هدانا لهذا و حمد و
سپاس و ستایش مخصوص خداوندیست که ما را هدایت کرده است
اسلام و ایمان و ما را نبودیم که هدایت یابیم اگر نه این بود که حق سبحانه و تعالی ما را
هدایت میکرد حمد خداوند عالمیان راست بر نعمت هدایت و عترت و فرق
میان صلوات و رحمت و برکت و سلام ظاهر نیست و اگر کسی این عبارات
را گوید باکی نیست خوبست که طلب میکند بد نیست و ممکن است که مراد از
صلوات رحمت خاصی باشد که آن بلندی و شیوع دین آنحضرت باشد
در دنیا و شفاعت کبری باشد در عقبی و مراد از رحمت آنکه باد مراتب [illegible]

آنحضرت باشد که طلب کنیم و نیز طلب [illegible] از قرب و رفع باشد یا اولی
این مراد باشد چون کمالات آنحضرت بسیارست چنانکه فرموده اند که مباهات میکنم بشما باسایر امم
و اگر چه بعضا باشد و برکت عبارت [illegible] یا [illegible] آنحضرت با جمیع زیادتیهای دنیوی باشد و [illegible]
عبارت [illegible] نیز باشد [illegible] باشد که بر [illegible] واگذارند
بلکه [illegible] صلوات علی نبود در [illegible]
نگویند [illegible] نباشد علی را ذکر نکنند هر چند که حدیث مشهور که هر که
فاصل کند میان من و آل من [illegible] شفاعت [illegible] است و صحیح شده است
که مداومت حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیهم بر ترک آن از بهترین اسانید
است [illegible] و ببیامرز مردان و زنان مؤمن را که سبقت گرفته اند بر ما بایمان
[illegible] ایمان مشرف شده اند و آن سبب ایمان ما شده است بحسب ظاهر اگر چه
واقع [illegible] سبب ایمان [illegible] مؤمنان [illegible] شیطان
بسبب آن شود ای پروردگار ما بدرستی که تو [illegible] که طعام ما را خلق و ندا
صلوات فرست بر محمد و آل محمد و ببیامرز مردان و زنان مؤمنه را و ببیامرز [illegible] را که
داخل شوند در خانه من با ایمان یعنی جمعی را که منسوبند بما و سایر مؤمنین و مؤمنات را
و زیاده مکن کافران [illegible] و هلاک و [illegible] مستحق حمد است و مجید یعنی عظیم الشان
و [illegible] هر یک اسم آنحضرت است و آل طه و آل یس ائمه معصومین اند یا فاطمه زهرا صلوات
الله علیهم [illegible] صلوات فرست بر سید الانبیا که نور تست و تو او را از جهه هدایت
عالمیان [illegible] ساخته و هدایت انبیا را که همه انبیا و پیغمبرانست و بر ایشان [illegible]
تربیت بگر کت چنانکه [illegible] آنحضرت با علی [illegible] و [illegible]
[illegible] از بهترین اسباب قرب بر محل توجه تو که
وجه [illegible] تو که محبوب [illegible] نبیاست نزد تو و برتر [illegible]
تو که از آن در [illegible] و پیغمبر که راه قرب ترا با ذکر [illegible]

۲۵۲

خواهد بود سلام [illegible] تو غایب نشده [illegible] یعنی [illegible] غایب است و غالب الشان

از ابو اسامه [illegible] تا آنکه [illegible] بجانب [illegible] پیش گذشته است [illegible]

تا آنکه گفت ثُمَّ تُسَلِّمُ وَانْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَتَمِیلُ بِعَیْنِکَ اِلَی یَمِینِکَ اِنْ کُنْتَ اِمَاماً

وَاِنْ صَلَّیْتَ وَحْدَکَ [illegible] تَسْلِیمَةً وَاحِدَةً وَاَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَتَمِیلُ

بِاَنْفِکَ وَاِنْ کُنْتَ خَلْفَ اِمَامٍ تَأْتَمُّ بِهِ فَسَلِّمْ تُجَاهَ الْقِبْلَةِ وَاحِدَةً رَدّاً عَلَی الْاِمَامِ

وَتُسَلِّمُ عَلَی یَمِینِکَ وَاحِدَةً وَعَلَی یَسَارِکَ وَاحِدَةً اِلَّا اَنْ لَا یَکُونَ عَلَی یَسَارِکَ

اِنْسَانٌ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَی یَسَارِکَ اِلَّا اَنْ تَکُونَ بِجَنْبِ الْحَائِطِ فَتُسَلِّمُ عَلَی یَسَارِکَ وَلَا

تَدَعِ التَّسْلِیمَ عَلَی یَمِینِکَ کَانَ عَلَی یَمِینِکَ اَحَدٌ اَوْ لَمْ یَکُنْ پس سلام میدهی رو

بقبله و اشاره میکنی بچشم بجانب دست راست اگر امام باشی و اگر تنها نماز

کنی یک مرتبه میگوئی السلام علیکم رو بقبله و اندکی رو را میگردانی که میل

کند بینی تو بدست راست تو و اگر در عقب امامی باشی که باو اقتدا کرده باشی

یک سلام رو بقبله میکنی که جواب سلام امام و یک سلام میکنی بجانب دست

راست و یکی بجانب چپ مگر آنکه در دست چپ کسی نباشد که در این صورت

سلام بجانب دست چپ نخواهی کرد مگر آنکه پهلوی دیوار باشی که سلام بر دست

چپ خواهی کرد و ترک مکن سلام بر دست راست را خواه کسی باشد یا نباشد

و این عبارت نقل معنی است که صدوق کرده است حدیث کالصحیح مفضل بن

عمر را که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

از علت واجب بودن سلام در نماز حضرت فرمودند که علتش حلال میکند

و سبب آن از نماز بیرون میآید گفتم چرا سلام بر دست راست میکنند و بر

چپ سلام نمیکنند حضرت فرمودند که ملکی که حسنات را مینویسد بر دست

راست است و آنکه سیئات را مینویسد بر دست چپ است و نماز حسنات

نیست که داخل سیئات نیست از این جهت سلام بر دست راست میکنند و

و بر دست چپ [illegible] السلام علیکم [illegible] و بعد از آن [illegible]

بالکلیه [illegible] حضرت [illegible] سلام [illegible] دست راست [illegible]

داد [illegible] امام [illegible]

[illegible] اما [illegible]

[illegible] سلام [illegible] امام [illegible] سلام [illegible]

جواب سلام امام [illegible] فرشتگان [illegible] با امام [illegible] سلام دوم [illegible]

[illegible] باشد [illegible] سلام [illegible]

امام [illegible] فرشتگان [illegible] و اگر در دست چپ کسی نباشد [illegible] سلام [illegible]

[illegible] دست چپ کسی نباشد [illegible] امام [illegible]

[illegible] سلام بر دست [illegible] سلام امام [illegible] حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible] حضرت فرمودند [illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

سلام [illegible] عبارت حدیث [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امام جعفر صادق

صلوات الله علیه فرمودند [illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible] امام [illegible] سلام [illegible]

جائز بوده حضرت سلام [illegible] و گاه دو سلام و فتوی امامیه که در [illegible] باشد و صریح است صحیح ابن [illegible]
از عبدالله که گفت سؤال کردم از آن حضرت از کسی که [illegible] در [illegible] امام و رفته [illegible] شک شد چگونه سلام
کند [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] سلام [illegible] از دست راست [illegible] حدیث صحیح از عبد الحمید بن عواض
منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که اگر امام [illegible] کافی است ترا یک
سلام از روبرو [illegible] اگر ماموم باشی دو سلام [illegible] باشی [illegible] سلام [illegible]
[illegible] از منصور [illegible] منقول است که آن حضرت صلوات الله علیه فرمودند که امام یک سلام [illegible]
و ماموم دو سلام [illegible] و اگر در دست چپ او کسی نباشد یک سلام [illegible]
ابو بصیر منقول است که حضرت امام جعفر صادق فرمودند که هرگاه امام [illegible] السلام [illegible]
[illegible] و آل او صلوات الله علیهم [illegible] السلام علینا و علی عباد الله الصالحین [illegible]
سلام [illegible] منقطع شد [illegible] اعلام [illegible] السلام
علیکم [illegible] السلام علینا و علی عباد الله الصالحین [illegible] امام بوده
و اگر ماموم باشی [illegible] و سلام [illegible] در دست [illegible] باشی
[illegible] سلام [illegible] از دست [illegible] امام [illegible]
[illegible] اگر در دست چپ کسی نباشد و اما [illegible] امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible]
که [illegible] سلام [illegible] امام [illegible]
کرده [illegible] اخبار [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
با [illegible] سلام [illegible]
[illegible] اهل [illegible] السلام [illegible]
بر خود و اهل [illegible] سلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible] السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
[illegible] سلام [illegible] رحمت [illegible]

که جناب [illegible] سلام [illegible] امام [illegible]
[illegible] صحیح [illegible] بلکه [illegible]
[illegible] صلوات الله علیهم [illegible] کرده [illegible]
واقع شده است [illegible] شیخ بهاء الدین [illegible] شیخ شهید
رحمه الله [illegible] جمع بین الاخبار [illegible]
استحباب [illegible] سلام [illegible] دلایل [illegible] وجوب [illegible]
[illegible] استحباب [illegible]
[illegible] السلام علیکم و رحمة الله و برکاته [illegible]
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین سلام [illegible]
[illegible] السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین [illegible] السلام
علیکم و رحمة الله و برکاته [illegible]
و اگر [illegible] خروج [illegible]
[illegible] قال رجل لامیر المؤمنین
صلوات الله علیه یا ابن عم خیر خلق الله ما معنی رفع [illegible]
[illegible] اللهم امت الباطل و اثبت الحق [illegible] قول الامام السلام
علیکم فقال ان الامام یترجم عن الله عز و جل و یقول فی ترجمته لاهل الجماعة امان لکم من عذاب
[illegible] یوم القیامة [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] السلام علیکم [illegible]

و صبح کوید که سلام ... [illegible] ... نکنند ... [illegible]

تلبیتنا و قنت لا اله الا الله وحده لا شریک له الحمد انجز وعده و نصر عبده و اعز

جنده و غلب الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر

پس چون سلام دهد دو دست را بر دارد و سه تکبیر بگوید ... مذکور منقول است در حدیث قوی که مفضل

گفت عرض نمودم به خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که چه سبب ... [illegible]

... بعد از سلام سه مرتبه الله اکبر بگویند و دستها را بر ... حضرت فرمودند که چون حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله فتح مکه معظمه کردند نماز ظهر را با اصحاب خود کنار حجر الاسود

بجا آوردند و چون سلام دادند سه مرتبه تکبیر گفته دستها را بر داشتند و گفتند لا اله الا الله

وحده وحده وحده تا آخر و ظاهرا تبدیل ... [illegible] ... شده است

و ظاهرا چون در ... مذکور است ... از حضرت امام جعفر

صلوات الله علیه ... که آن حضرت فرمودند که بعد از سلام بگو الله اکبر لا اله الا الله

وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی

کل شیء قدیر لا اله الا الله وحده وحده صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب

وحده اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط

مستقیم و ... [illegible] ... که نیست خداوندی ... معبود به حق ... [illegible]

... در ذات و صفات و افعال که ... نیست و افعال او را ... [illegible]

... [illegible]

جمیع ... [illegible] ... خود ... صلی الله علیه و آله

که ... [illegible] ... صدق الله رسوله

الی ... خود محمد صلی الله علیه و آله ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

فاذا ... [illegible] ... مفضل ... است که ... سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... با اصحاب

خود ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

الزهرا صلوات الله علیها و هی اربع و ثلاثون تکبیرة و ثلث و ثلاثون تسبیحة

و ثلاثون تحمیدة فانه روی عن الصادق صلوات الله علیه انه قال من سبح تسبیح

فاطمة صلوات الله علیها فی دبر الفریضة قبل ان یثنی رجلیه غفر له ...

فاطمه ... بگوید ... سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه

الحمد لله است ... منقول است ... از عبد الله بن سنان که حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه فرمودند که تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... بالله

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ... [illegible]

... [illegible] ... صلوات الله علیها ... الله اکبر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... صلوات الله علیها ... [illegible]

... الله اکبر ... سبحان الله ... [illegible]

... [illegible]

[illegible] منقولست که [illegible] التماس کرد [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوات [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی

بیده الخیر [illegible] و هو علی کل شیء قدیر [illegible] حدیث [illegible] موافق است

[illegible]

[illegible] تسبیح حضرت فاطمه [illegible] باشد [illegible]

[illegible] تسبیح آنحضرت [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه منقولست [illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] فاطمه صلوات الله علیها [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست [illegible]

[illegible] تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها [illegible]

سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]

جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست [illegible] تسبیح حضرت فاطمه [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible]

[illegible] آنحضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ان اما بعد از [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] الله اکبر [illegible] تمام [illegible]

صلوات الله علیه [illegible] حضرت فاطمه [illegible] الحمد لله [illegible]

[illegible] سبحان الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] سبحان الله [illegible] و الحمد لله [illegible]

[illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت فاطمه صلوات الله علیها [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امام جعفر صادق صلوات الله [illegible]

منقولست که تسبیح حضرت فاطمه از جملهٔ ذکر کثیریست که حق سبحانه و تعالی فرموده است که ذکر کنید خدا
خدا را ذکر بسیار و در حدیث صحیح از حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
حق سبحانه و تعالی را ذکر کند [illegible] حق سبحانه و تعالی او را دوست میدارد [illegible]
خود را ذکر بسیار کند و حق سبحانه و تعالی [illegible] دو برات [illegible] بیزاری
از جهنم و [illegible] منقول است [illegible] تا الکه
از حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که اگر کسی شک کند در عدد تکبیر اعاده کند که
زیاده و کم نشود [illegible] قطع نکند و سخن نگوید و ختم آنکه بگوید در آخر
لا اله الا الله [illegible] و الحمد لله رب العالمین [illegible]
آن معبود [illegible] الله اکبر [illegible]
[illegible]
[illegible] ذات او [illegible]
[illegible] و وقف [illegible]
[illegible] جمیع [illegible] جمیع کمالات [illegible] ذات اقدس
[illegible] جمیع کمالات [illegible] سبحان الله [illegible]
[illegible] ذات اقدس حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] مکان و جهت [illegible]
صفات او [illegible]
افعال او [illegible]
[illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] صلوات الله علیه
من [illegible] الا احدثک عنی و عن فاطمة انها کانت عندی فاستقت بالقربة

[illegible] في منزلها وطحنت بالرحی حتی مجلت یداها وکسحت البیت حتی اغبرت
ثیابها واوقدت تحت القدر حتی دکنت ثیابها فاصابها من ذلک ضرر شدید
فقلت لها لو اتیت اباک فسألتیه خادماً یکفیک حر ما انت فیه من هذا
العمل فاتت النبی صلی الله علیه وآله فوجدت عنده حداثاً فاستحت فانصرفت
فعلم صلی الله علیه وآله انها قد جاءت لحاجة فغدا علینا ونحن فی لحافنا فقال
السلام علیکم فسکتنا واستحیینا لمکاننا ثم قال السلام علیکم فسکتنا ثم قال السلام
علیکم فخشینا ان لم نرد علیه ان ینصرف وقد کان یفعل ذلک یسلم ثلاثاً فان اذن له
والا انصرف فقلت وعلیک السلام یا رسول الله ادخل فدخل وجلس عند رؤوسنا
ثم قال یا فاطمة ما کانت حاجتک امس عند محمد فخشیت ان لم نجبه ان یقوم فاخرجت
رأسی فقلت انا والله اخبرک یا رسول الله انها استقت بالقربة حتی اثرت فی صدرها
وجرت بالرحی حتی مجلت یداها وکسحت البیت حتی اغبرت ثیابها واوقدت
تحت القدر حتی دکنت ثیابها فقلت لها لو اتیت اباک فسألتیه خادماً یکفیک
حر ما انت فیه من هذا العمل قال افلا اعلمکما ما هو خیر لکما من الخادم اذا
اخذتما منامکما فکبرا اربعاً وثلاثین تکبیرة وسبحا ثلاثاً وثلاثین تسبیحة واحمدا
ثلاثاً وثلاثین تحمیدة فاخرجت فاطمة صلوات الله علیها رأسها فقالت رضیت عن الله
[illegible] رضیت عن الله [illegible]
و المؤمنین صلوات الله علیه بسند صحیح از بنی سعد [illegible] میگوید فرمودند
[illegible] خبر دهم ترا از حال خود و حضرت فاطمه [illegible] فاطمه نزد من بود و آب
[illegible]
[illegible] و آب خانه را [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible]

لحافنا
فسکتنا
ثم قال
۲۶۲

میکشتن تا آنکه سیارت آنحضرت ... کرده بود ... آنحضرت ... بود بدین
خدمات آنحضرت ... مشغول ... ذات حضرت امیر المومنین مشغول جهاد
بودند و مدد آنحضرت ... آنحضرت نکنم که کاش ... حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه وآله ... آنحضرت ... که ای ... شما
با ... حضرت ... عالمیان ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
وآله ... مشغول ... آنحضرت ... آنحضرت
... حضرت ... که آنحضرت ... که ... نکنند با ... که ... داشتند
چون ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله ... ایشان ... آنحضرت
... آمدند ... حضرت ... فاطمه ... بود ...
جامه ... نشینم و اگر ... که ... دیگری ... حالا ... فاطمه ... که ...
فرمودند که السلام علیکم و این سلام ... بود ... جواب سلام واجب بود ... جواب
و ... سلام فرمودند ... که
اگر ... آنحضرت ... سلام ... جواب ...
خانه ... داخل شدن ...
کفتم و علیک السلام یا رسول الله داخل ... آنحضرت داخل شدن ...
نشستند ... فرمودند که ای فاطمه ... که ...
... آنحضرت ... کفتم ...
آنکه ... فاطمه صلوات الله علیها ... آب آورده است که ... کرده ...
و آنکه ... است ... آن ... خانه ... است که ...
... شده است و آن ... که ... آنحضرت ...
... کفتم که ... حضرت ... که ...
... حضرت سید الانبیا صلی الله علیه وآله ...

ختم ... تسبیح ... بر ... ثواب ... مرتبه
الله اکبر ... مرتبه ... مرتبه الحمد لله ... حضرت فاطمه زهرا
... اکر ... الحمد ... و ... مرتبه
... سه مرتبه ... است ... تسبیح ... که ... استغفار است
اول ... و ... و ... و ... ذکری
... که ... موافق ... نقل کرده باشد ... ناسخ
... باشد و ... که ... و ... و اگر کسی ... خواب
... بلکه ... اخبار ... کرده خواهد بود ...
... تسبیح فاطمه صلوات الله علیها ... اللهم انت السلام ومنک السلام ولک السلام والیک
يعود السلام سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام
علی جمیع انبیاء الله ورسله وملائکته السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین ثم تسلم علی
الائمة واحدا واحدا صلوات الله علیهم ... یا ... پس ...
... فاطمه صلوات الله علیها فارغ شوی ... که ...
... که ... سلام یعنی سلام از جمیع نقایص ... رحمت از باب مبالغه
... که ... و از جهة ...
... نمایند ... اخلاق از نقایص از جهة رضای ...
... از جهة ... خود ... و بسوی ... سلامتی
... کان کنند ... توفیق نیست و بسبب ... پس ...
... که ... و ... و نیست ... مخصوص
ذات ... عالم ... وصف
... وصف ... ایشان و ...

از جناب اقدس او [illegible] بجو باقی مذکور شده است مبالغه

بر سلام میدهی بر ائمه معصومین [illegible] علیهم یک یک و بعد از آن هرچه

بخاطرت برسد و بهر جهت [illegible] از خدای خود طلب کن

التعقیب

باب بیستم در بیان انچه در تعقیب نمازها باید خواند چنانکه حق سبحانه و تعالی

فرموده است که فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ منقولست از

حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما که معنی

الهی انست که هرگاه از نماز واجب فارغ شوی و پس متوجه پروردگار خود شو و دست

بدعا بردار و هر مطلبی که داری از خداوند خود طلب نما تا عطا کند ترا و در خبری دیگر از

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که مراد از آخر آیه این دعاست در عقب نماز

که بنشینی و دعا کنی و اکثر مفسرین چنین تفسیر کرده اند و در اخبار بسیار وارد

شده است که مراد اینست که چون از امر نبوت فارغ شدی علی را نصب کن از

جهة امامت و در خبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست

که چون از حج وداع فارغ شدی نصب کن علی را در غدیر خم از جهة امامت

و منافاتی نیست میان این روایات بانکه اول ظهر آیه باشد و آخر بطن و یا هر دو

ظهر باشد که هر دو مراد باشد و در آیات از این باب بسیار است و این اخبار

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست [illegible]

در این تفسیر گفته است که ناصبی را میرسد که بگوید که مراد اینست که [illegible]

شوی سب امیر المؤمنین بکن ای ملعون کافر دشمن خدا و رسول [illegible]

تفاسیر مختلفه [illegible] اند و همه را تو نقل میکنی [illegible] شده و عکرمه [illegible]

حسن و که عکرمه که از جمله خوارج است شنیدی [illegible] خارج نیست [illegible]

این گفته باشد تو میخواهی از جمله [illegible] و چنین [illegible]

کفار تجویز نکرده باشند و خود [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

نقل کرده ما بعد از آیه [illegible] هل اتی و غیر آن بعد لفظ

جد فرقت [illegible] تفسیر [illegible] نص بامامت غدیر و [illegible] نفی غدیر

نکرده است غایتش آنست که بعضی از علماء [illegible] نکند غرض آنست که اعتماد بر فضیلت

عامه نیست متعارف با آنکه این ملعون بحسب [illegible] از علامه عصر خود است

و امثال این گفتنوی بسیار گفته است که [illegible] مذکور شد سابقا باره در اماکن خود

مذکور خواهد شد و کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

منقولست که فرمودند که هر که نماز فریضه را بجا آورد و تعقیب کند تا وقت

فریضه دیگر پس بمنزله مهمان حق سبحانه و تعالی است و بر خدا لازم است که

مهمان خود را گرامی دارد و احادیث فضیلت تعقیب را بعد از این خواهد گفت

قال الصادق صلوات الله علیه ادنی ما یجزیک من الدعاء بعد المکتوبة ان تقول

اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم انا نسئلک من کل خیر احاط به علمک و نعوذ بک

من کل شر احاط به علمک اللهم انا نسئلک عافیتک فی جمیع امورنا کلها و نعوذ

بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة کلینی بسند حسن کالصحیح بل الصحیح از زراره

روایت کرده است و ظاهر انست که صدوق نیز از زراره روایت کرده است بسند صحیح

[illegible] حیف را [illegible] علم حاصلست پس صحیح باشد [illegible] فرموده اند

گفته [illegible] دعای تعقیب نماز واجب اینست که بگوئی

[illegible] که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیوی و اخروی خداوندا

[illegible] بر محمد و آل [illegible] و [illegible] مؤمنان همه از تو

[illegible] از هر خیر و خوبی که [illegible] احاطه کرده است [illegible] علمی

پناه می آوریم [illegible] شر و بدی که علم تو [illegible] محیط است خداوندا

سؤال میکنیم همه عافیت [illegible] در جمیع کارهای ما [illegible]

[illegible]

[illegible] پناه می آوریم [illegible] خواری دنیا

۲۶۲

وعدا آن جهت و این الفاظ [illegible] ممکنست که نسخه صدوق
بلفظ متکلم مع الغیر باشد یا خود تغییر [illegible] رسیدنی که واقع شده است
ازحضرت امام جعفر صادق صلوات [illegible] که هرگاه شخصی امامت کند جمعی را
و دعا را مخصوص خود کرداند خیانت کرده است ایشان را حق سبحانه و تعالی تعلیم
بندکان خود فرموده است در سوره فاتحه که دعا را بلفظ جمع کنند در اهدنا
بلکه خطاب را بلفظ جمع صادر کرده در ایاک نعبد و ایاک نستعین و کلیتش
آنکه بنده خود را قابل خطاب و دعا ندانند و دیکران را با خود ضم کند تا برکت
ایشان دعای او مستجاب شود و قطع نظر از آنکه شفقت بر خلق الهی از ارکان
ایمانست و آداب بنده در جمیع دعاها آنست که بلفظ جمع [illegible] همه بلکه
تا مقدور است دعا خوانرا مقدم میدارم بلکه از جهة ایشان دعا میکند
و بس و قال امیر المؤمنین صلوات الله علیه من احب ان یخرج من
الدنیا و قد تخلص من الذنوب کما یتخلص الذهب الذی لا کدرة فیه
و لا یطلبه احد بمظلمة فلیقرأ فی دبر الصلوات الخمس نسبة الرب
تبارک و تعالی اثنا عشر مرة ثم یبسط یدیه فیقول اللهم
انی اسألک باسمک المکنون المخزون الطهر الطاهر المبارک
و اسألک باسمک العظیم و سلطانک القدیم [illegible] تصلی علی محمد
و آل محمد یا واهب العطایا و یا مطلق الاساری و یا فکاک الرقاب من
النار اسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی
من النار و ان تخرجنی من الدنیا آمنا و ان تدخلنی الجنة
سالما و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره
صلاحا انک انت علام الغیوب [illegible] ثم قال امیر المؤمنین
صلوات الله علیه هذا [illegible] رسول الله

الخمسة

صلی الله علیه و آله و امرنی ان اعلمه الحسن و الحسین صلوات الله علیهما
و منقولست که آنحضرت فرمودند که هر که خواهد از دنیا بیرون رود و از
کناهان پاک شده باشد چنانکه [illegible] شود طلای بیغش و کسی طلب
نکند از و مظلمه را که همه را حق سبحانه و تعالی از و راضی کرداند پس باید که در
عقب نمازهای پنجکانه بخواند سوره نسبه را که سوره توحید است و
از آنجهة از آن سوره نسبت میخوانند که یهود از حضرت سید المرسلین
سوال کردند که نسبت کن از جهة ما خداوند خود را که او را با خلق چه
نسبت است از خویشی یا نسبت عموم و خصوص و امثال آن حق سبحانه
و تعالی سوره قل هو الله احد را فرستاد و بیان فرمود که نسبت او بی
نسبتی است حاصل آنکه آن سوره را دوازده نوبت بخواند پس دستها را
بکشاید و بکوید اللهم الخ که ترجمه اینست که خداوندا از تو سوال میکنم بحق
اسم تو آن اسمی که دلالت بر ذات مقدس تو میکند و چون ذات مخفی است
و کسی را راهی بآن نیست همچنین کسی راه بآن اسم ندارد و چنانکه در اخبار
کثیره وارد شده است اسامی اسم اعظم الهی هفتاد و سه اسم است از انجمله
حق سبحانه و تعالی یک اسم را مخصوص خود کردانیده است و هر یک از
[illegible] اسامی کرامت کرده [illegible] آصف بن برخیا یک اسم از آن اسما
[illegible] کرتخت بلقیس را [illegible] چشم زدن حاضر کردانید و حضرت عیسی را دو اسم داده
[illegible] که آن دو اسم [illegible] معجزات [illegible] و حضرت موسی را
[illegible] اسم داده بودند و حضرت ابراهیم را هشت اسم و حضرت نوح را پانزده اسم
[illegible] آدم [illegible] اسم صلوات الله علیهم و پیغمبر ما و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم هفتاد و دو اسم داده بودند [illegible] که آن یک اسم مراد باشد [illegible]
[illegible] مراد باشد چون [illegible] صلوات الله علیهم پوشیده است [illegible]

انبیا را

میلود

[illegible] اسم و سوال میکنند بحق [illegible]

آن که تو بیرون آیی از دنیا و او راضی باشد از تو [illegible] ابد [illegible] ام [illegible] بود

خبر شود و سؤال میکنم از تو بحق آن نام اعظم [illegible] که [illegible] آن اسم و بحق یا دعا

تو که عبارت است از عموم قدرت او که [illegible] و قدیم است چون ذات او قدیم است

که صلوات فرستی بر محمد و آل او ای خداوند [illegible] بهشت عطاهای [illegible] ای خداوندی که [illegible]

اسیر انی از عذاب جهنم ای خدا [illegible] آزاد کننده کردنهای خلایق از آتش دوزخ سؤال

میکنم از تو که صلوات فرستی بر محمد و آل [illegible] و کردن مرا خلاص کنی از آتش دوزخ و بیرون کنی

مرا از دنیا ایمن از عذاب خود و [illegible] داخل بهشت کنی با سلامتی از جمیع مکاره سابقه

و بکو در اول دعای مرا فلاح و رستگاری از عذاب [illegible] آنرا بکو در [illegible]

مطالب عالیه و آخر آنرا اصلاح کن دانی که بسبب آن داخل کردم در فوج [illegible] بهشت که تو

خوب میدانی هر [illegible] و میدانی که چه چیز است که صلاح دنیا و آخرت [illegible] حضرت امیر

المومنین صلوات الله علیه فرمودند که این دعا [illegible] یا بی محفظات [illegible]

یا دعاها [illegible] که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] فرمودند تعلیم [illegible]

و فرمودند که [illegible] کنم [illegible] بسند صحیح منقول است از حضرت امیر

المومنین صلوات الله علیه که هر که نماز صبح را بکند در عقب آن یازده مرتبه قل هو الله احد بخواند

[illegible] گناهی [illegible] رغم شیطان و کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه منقول است که فرمودند که هر که [illegible] قراءت [illegible] در عقب

نمازهای واجب [illegible] توحید را [illegible] در عقب [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

او خیر دنیا و آخرت [illegible] و قال الصادق صلوات الله

جاء جبرئیل علیه السلام الی یوسف علیه السلام و هو فی السجن فقال یا یوسف قل فی

دبر کل صلوة اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا

احتسب و [illegible] کالصحیح منقول است از آن حضرت صلوات الله علیه که جبرئیل علیه السلام بنزد حضرت

یوسف علیه السلام آمد [illegible] که در زندان بود [illegible] یوسف در عقب نماز [illegible] دعا [illegible]

[illegible] قال ابوجعفر [illegible]

که ترجمه اش این است خداوندا [illegible] و بیرون [illegible]

دعوا [illegible] که [illegible] باید که در [illegible] شده باشد و مظهر [illegible]

[illegible] باشد [illegible] افتاده است [illegible]

میکویند قال ابو جعفر صلوات الله علیه تقول فی دبر کل صلوة اللهم اهدنی من عندک و افض

علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک و کالصحیح منقول است از حضرت

امام محمد باقر صلوات الله علیه که [illegible] سید المرسلین صلوات الله علیه و آله آمد و گفت

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که پیر شده ام و ضعیف شدم از اعمالی که خود را بآن عادت فرموده بودم

از نماز و روزه و حج و جهاد پس تعلیم کن مرا یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سخنی که نافع باشد مرا و سبک

بر من یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پس حضرت فرمودند که بار دیگر بگو [illegible] حضرت صلی الله

علیه و آله و سلم فرمودند که نماز [illegible] که [illegible] توحید [illegible]

صبح بکذاری ده مرتبه بکو سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

که حق سبحانه و تعالی [illegible] عافیت کرامت [illegible]

[illegible] یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] آخرت [illegible]

حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که در عقب هر نماز بکوی اللهم اهدنی [illegible]

[illegible] که [illegible] باشد [illegible] با بی عباس گفت که [illegible]

[illegible] و الله ای عباس [illegible] حضرت

صلی الله علیه و آله فرمودند [illegible] عمل کند [illegible] قیامت [illegible]

[illegible] درهای بهشت که [illegible] داخل بهشت شود [illegible]

میکنم [illegible] که [illegible]

و [illegible] تسبیح [illegible]

[illegible] الله [illegible] عز و جل [illegible]

[illegible] دعای دوم که ترجمه [illegible]

و اتش

۲۶۵

خد ... ... ن مرا ... ... هدایات خاصه ... ... مرا بآن راهی که محبوب‌ترین راههاست و نزد تو فایض گرداند ... ... خود و انوار مکاشفات و مشاهدات هر چند قابلیت آن ندا... ... ن گردان بر من از رحمت خود که هر عضوی از اعضای من صرف شود در راهی که محبوب تست تا شکر آن بجای آورده شود و از رحمتهای خاصه تو نازل گردان بر من از برکتهای نعمتهای دنیوی تا آنکه بفراغ متوجه جناب اقدس تو توانم شد یا مرتبه اول مرتبه محبت و دوم معرفت و سیم لوازم آن از واردات قدسیه و چهارم فنای فی الله یا سیوم مرتبه فناست چهارم بقاست مجملاً شامل جمیع کمالات و خیراتست و جامع‌ترین دعاهاست و اعظم وسایل قربت هر گاه از روی حضور قلب و تضرع ... ... شود و از جهة این دعا عددی مقرر نساختند و ظاهرش آنست که یکمرتبه کافیست و الظهر آنست که این را بقوت و قدرت مقرر فرموده باشند و آنچه مقرر است نزد ارباب دعوات از مشایخ عدد جمل را اعتبار میکنند و از جهار رهزار و هشتصد است تقریباً پنج هزار مرتبه در شبانروزی و بزودی میرساند بجمیع مطالب ان شاء الله تعالی بعلم

قَالَ صَفْوَانُ بْنُ مِهْرَانَ الْجَمَّالُ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ إِذَا صَلَّى وَفَرَغَ مِنْ صَلَوٰتِهِ رَفَعَ يَدَيْهِ فَوْقَ رَأْسِهِ و باسانید صحیح و کالصحیح منقولست از صفوان شتربان که دیدم حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را چون ... ... میکردند و از نماز فارغ میشدند دستهای خود را بالای سر میبردند و آنچه ... ... دست بردن از جهة دعاست را از روی ابتهال و تضرع و اولی آنست که دقتی که ... د گریه آید او را و جمعی چنین فهمیده اند که گویا رحمت الهی فایض میشود نجهة او را قبول میکنند و بدست میگیرد ... نکه در حدیث دعا را بدست گرفتن ... یکی بمناسب ... این بار معنی اول است و علی ای حال شك نیست ... که ... طلب کند که ربّنا تقبّل صَلَوٰاتِي یا ربّنا صَلَوٰاتَنا و برین مضمون ا... ... کالصحیح

تَقَبَّلْ صَلَوٰاتَنا

وارد شده است ... ... وضو و بعضی ... ... و قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ مَا بَسَطَ عَبْدٌ يَدَيْهِ إِلَى اللهِ ... ... إِلَّا اسْتَحْيَى اللهُ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْراً حَتَّى يَجْعَلَ فِيهِمَا مِنْ فَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ فَإِذَا دَعَا ... فَلَا يَرُدَّ يَدَيْهِ حَتَّى يَمْسَحَ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَفِي خَبَرٍ آخَرَ عَلَى وَجْهِهِ وَصَدْرِهِ و منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که بنده ... دستهای خود را بالا نکرد بجانب آسمان که قبله دعاست مگر آنکه حق سبحانه و تعالی را شرم می آید که آن دست را خالی برده الدّتا آنکه حق سبحانه و تعالی در آن دست میکند از آنچه از فضل و رحمت خود آنچه را میخواهد پس هر گاه یکی از شما دعا کند پس باید که دستهای خود را بر نگرداند تا آنکه آن دستها را بر سر و روی خود بمالد و در حدیث دیگر در بعضی تتمه که ... رو بر سینه خود بمالد و از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که در عقب نماز دست بر سر و رو بکشید وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَكُنْ آخِرُ قَوْلِهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ حَسَنَةً و منقولست بسند صحیح از ابو بکر بن محمد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر که ... خواهد که او را کیل کنند بکیلی که تمام تر باشد یعنی ثواب عظیم ثواب بخشند یا او را بتمام ... ثواب عظیم ... بخشند که گناهی باشد که ثواب عظیم ... باید که آخر سخنان ... این آیات باشد پس بدرستی که هر که چنین کند و را دعا میکنند بعد از هر مسلمانی یك حسنه ... و ترجمه اش اینست که تسبیح و تنزیه بکن پروردگار خود را که عزت و عظمت و کبریا مخصوص بذات مقدس اوست از هر چه وصف کنند او را یعنی تنزیه کن او را و صف و اصحاب او ... ... است او ... وصف ایشان و رحمتی که و سلامتی که فقیر ... اولیاء الله تعالی ... پیغمبران مرسل باد و جمیع محامد مخصوص پروردگار عالمیانست

پنجم

۲۶۶

وخصـ[illegible] بن آبان که [illegible] از هرچه [illegible] باشد و قال امیر المؤمنین صلوات الله علیه اذا فرغ احدکم من الصلوة فلیرفع یدیه الی السماء ولینصب فی الدعاء فقال ابن سبا یا امیر المؤمنین [illegible] الیس الله بکل مکان قال بلی قال فلم یرفع یدیه الی السماء قال او ما تقرا و فی السماء رزقکم و ما توعدون فمن این یطلب الرزق الا من موضعه و موضع الرزق و ما وعد الله عز و جل السماء و منقولست کالصحیح از محمد بن مسلم و از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از آبای خود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه از نماز فارغ شوید پس باید که بسوی آسمان بلند کنید و بکوشید در دعا پس ابن سبا که حالش خوب بود و آخر حالش بد شد و میگفت علی خداست [illegible] و میگفت معصوم از جانب و هرچند حضرت سعی فرمودند که شاید برگردد از این [illegible] فاسد و برنگشت و حضرت او را سوزانید گفت یا امیر المؤمنین آیا چنین نیست که حق سبحانه و تعالی در همه جا حاضر است و بعلم و قدرت محیط است بهمه اشیا حضرت فرمودند بلی گفت چرا دستها را بجانب آسمان بلند میکنید حضرت فرمودند آیا در قرآن نخوانده که حق سبحانه و تعالی فرموده است که در آسمانست روزی شما و آنچه بجمیع قضا و قدرهای خوب که وعده آن داده اند پس از کجا طلب روزی باید کرد مگر از موضعش و موضع روزی یعنی باران که سبب روزیست در جانب آسمانست و محل تقدیر و قضا و سایر چیزها که لوح است در آسمانست و بهشت و سایر چیزها در آسمانست و حاصل آنکه آسمان قبله دعاست چنانچه کعبه قبله نماز است چنانچه نمازگزار باید که رو بجانب کعبه کند در دعا نیز باید که دست بجانب آسمان کند و در دعا نگریستن بکعبه از جهت آنکه حق سبحانه و تعالی در کعبه باشد بلکه بامر [illegible] بجانب آسمان از جهت اوامر و نواهی در آسمانست و محل [illegible] که غرض حواس باشد چون علی خداست و در همه جا حاضر است دست باسمان چرا باید کرد و کان امیر المؤمنین صلوات الله علیه یقول اذا فرغ من الصلوة اللهم انی اتقرب الیک بجودک و کرمک و اتقرب الیک بمحمد عبدک و رسولک و اتقرب الیک بملائکتک المقربین و انبیائک المرسلین و بک اللهم انت الغنی

عنی و بی الفاقة الیک انت الغنی و انا الفقیر الیک اقلتنی عثرتی و سترت علی ذنوبی و امضیت لحوائجی کالیومی لاتعذبنی بقبیح ما تعلم منی بل عفوک و جودک یسعنی ثم تخر ساجدا و تقول یا اهل التقوی و یا اهل المغفرة یا برّ یا رحیم انت ابرّ بی من ابی و امی و من جمیع الخلائق اقلبنی بقضاء حاجتی مجابا دعائی مرحوما صوتی قد کشفت انواع البلاء عنی جون دعاها تمام که در عقیب فرائض منقولست اکثر [illegible] ذکر کرده و شروع نمودم در دعاهای خاصه از آن جمله منقولست در حسن کالصحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که هرگاه از نماز فارغ شوید و ذکر آن ناقله ظاهر است و احتمال نماز تهجد دارد و اکثر در عقیب نماز صبح میخواند بلکه بعد از فارغ شدن از دعا میخوانند که ترجمه اینست خداوندا تقرب میجویم بتو به بخشش تو و کرم تو و تقرب میجویم بتو بمحمد که بنده و رسول تست و تقرب میجویم بتو بملائکه مقرب تو و بپیغمبران مرسل تو و بذات مقدس تو ای خداوند تو بی نیازی از من و من محتاجم بسوی تو و فقر و احتیاج بتو دارم تو غنی مطلقی و منم محتاج بتو بخشیدی گناهان مرا و پوشیدی بدیهای مرا و برآوردی حاجت مرا و عذاب مکن مرا بسبب آنچه میدانی از قبایح من بلکه عفو تو و جود فرمودی فرا گرفته است مرا پس بسجده میروی و میگوئی ای خداوندی که سزاواری که بترسند از عذاب تو و امیدوار باشند و ای خداوندی که سزاواری که گناهان بندگان را بیامرزی ای نیکوکار ای مهربان شفقت و مهربانی تو بمن بیشتر است از پدر و مادر من و از جمیع خلایق منقلب گردان مرا [illegible] حاجت من برآورده باشی و دعای مرا مستجاب کرده باشی بر صدای من رحم کرده باشی و انواع بلاها را از من دفع کرده باشی و قال الصادق صلوات الله علیه اذا قلت الحمد لله [illegible] الله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره [illegible] و بسند کالصحیح منقولست که [illegible] که هرگاه که از نماز شام [illegible] که ترجمه اینست که [illegible] خداوندا مگو [illegible] و غیر [illegible]

بلیت و غیره و خوب بسیار و کان صلوات الله علیه و یقول بین
انفسنا و بین اللهم بیدک مقادیر اللیل و النهار و مقادیر الدنیا و الا
خرة و مقادیر الموت و الحیوة و مقادیر الشمس و القمر و مقادیر
النصر و الخذلان و مقادیر الغنی و الفقر اللهم ادراغنی [illegible] الخلق و الامر
و اجعل منقلبی الی خیر دائم [illegible] و بسند قوی منقولست که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه میفرمودند در میان نماز شام و خفتن و در رکعات تعقیب
بعد از العشائین است و ظاهرا ناسخ تبدیل کرده اند [illegible] چون بترتیب مذکور از کافی
برداشته است و ترجمه اش اینست که خداوندا بقضا و تقدیر تست مقدارهای شب
و روز بنحوی که اقتضا کرده است که گاهی شب را داخل روز کند و روز را داخل شب و بهار تا
تابستان بدین مثابه که آفتاب در غایت ارتفاع باشد و نباتات و حیوانات بلکه جمادات
را تربیت حاصل شود و گاهی روز را داخل شب کند که قصر یابد و زمستان بهم رسد بدست
تست و تقدیر تعالی به مقدارهای دنیا و آخرت در اصل ایجاد هر دو و ابقای هر چه در هر دو است
و همچنین مقدارهای موت و حیات که چه مقدار سابق بر حیات میباید که نیست باشد و نباشد
همچنین است مقدار موت بعد از حیات و مقدار حیات که ظاهر است و ممکنست که مراد
مقدار حیات تمام باشد و موت به تبعیت حیات مذکور شده باشد و همچنین است مقدار اصل
شمس و قمر که در اصل آفرینش را ایجاد کرده [illegible] صد و شصت [illegible] برابر و ربع [illegible]
زمین و همچنین در آفرینش قمر [illegible] سدس سبع زمین تقریبا و مقدار حرکات
ایشان و بقای ایشان تا روز قیامت که معدوم شوند و همچنین مقدارهای نصرت
حق و خواری جمعی بقدرت تست و [illegible] همچنین مقدارهای توانگری جمعی
و فقر ایشان با غیر ایشان که همه را موافق حکمت چنانچه کرده است که مسائل خلق و [illegible]
دفع کن از من شر فاسقان دیوان و آدمیان را و بگردان عاقبت مرا بخیر [illegible] دائم
یعنی که زوال نداشته باشد [illegible] نعمت بهشت است [illegible] چون [illegible]

که با او در مقام مکر باشند بخدا پناه نمی برد باین آیه که و من آل فرعون [illegible] و افوض
امری الی الله یعنی میگذارم کارهای خود را بخداوند عالمیان بدرستی که حق سبحانه
و تعالی بینا است باحوال بندگان خود بدرستی که شنیدم که حق سبحانه و تعالی میفرماید در عقب
آن بعنوان فاء تفریع چون تفویض کرد باین کلمه حق سبحانه و تعالی او را حفظ کرد
از مکرهای بد ایشان با آنکه سه مرتبه چند فرستاده که او را از دست فرعونیان نجات داد
چنانکه از ظاهر آیه و از اخبار صحیحه ظاهر میشود و تعجب دارم از کسی که دنیا و زینت دنیا
خواهد چرا پناه نمیبرد بقول الهی ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله یعنی آنچه
حق سبحانه و تعالی میخواهد چنان میشود و در کارهای خیر قوتی نیست مگر بتوفیق الهی بدرستی که شنیدم
که حق سبحانه و تعالی [illegible] در عقب آن [illegible] برادر [illegible]
صاحب [illegible] بدرستی که حق سبحانه و تعالی بمن عطا کند بوستانی
بهتر از بوستان تو و امیدی که حق سبحانه و تعالی [illegible] آید چنانکه [illegible]
[illegible] ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مگر آنکه لا اله الا انت سبحانک [illegible]
[illegible]
[illegible] کتابت [illegible] و از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه [illegible] منقولست که حضرت [illegible] صادق صلوات الله علیه [illegible]
تا آخر [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
که صلوات الله علیه اذا [illegible] الموت مکتوبة فلیقل رضیت بالله ربا و بالاسلام
دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی ولیا و بالحسن و الحسین و علی بن

۲۶۹

الحسن بن علی و جعفر و ابی محمد و موسی ابی جعفر و ابراهیم بن موسی و محمد ابی علی و علی ابی محمد
و الحسن ابی محمد و الحجة ابی الحسن ابن یحیی ائمة اللهم و لیاک الحجة فاحفظه من بین یدیه و من
خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره و اجعله
القائم بامرک المنتصر لدینک و اره ما یحب و تقر به عینه فی نفسه و فی
ذریته و اهله و ماله و فی شیعته و فی عدوه و ارهم منه ما یحذرون و اره
فیهم ما یحب و تقر به عینه و اشف به صدورنا و صدور قوم مومنین و سند
سابق از محمد بن فرج منقولست که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه به شما رو آورد حجی
از فرج متوجه بکوید و تعلیم عنا و دندی حق او شد ... و خوشنودم با آنکه دین را اسلام ... قرار ... کتاب
مراست محمدی صلی الله علیه و آله بیغمبر من است و علی امام اول ... امامان ... من اند
و اسم حضرت صاحب الامر بر خود و است نه در بر کی بر که در کتاب ... خطا ... و احد ... حاکم بر عبد الله
نام آن حضرت را بر دن و احادیث بسیار صحیح بر نهی دارد و شده است و احادیث صحیحه بعضی
وارد شده است که نام آن حضرت بر ... یعنی ... الفت ... حرام است نام بردن و در
حدیث صحیح حضرت امام ... است که نام کنیت آن حضرت ... با ید بود تا وقتی که ... خروج کند و در حدیث
نوع بعنوان ... است و در احادیثی که اشاره با آن حضرت صلوات الله علیه شده است که
قریب ... باشد و در آنجا ... اسم ... مکرر در ... که ... اسماع ... شد
باشد و حکمت آن ... و علت که حکمت ... باشد که ... ما ... اسم ... که ... محمدی که در ... وارد
هست آن حضرت ... و ما ... آن حضرت ... جامع ... میکویند ... و الحال ... باعث
الحال معقول نیست ... که ... ممنوع باشد ... حبه و ... که ... کنت
بعضی تخصیص است که ... قربت ... القبیل است ... کفت که ... است ... اهل
الامر ... اما جواب ... و ... شد ... تا سبب ... شود
که ... بعضی از عوام ... شهید شود ... نسخه ... میکنند ...
مخصوص نهای غیبت صغری بود چون در بعضی از احادیث ... است که ... نام ...

بدست تو ... میتوانی که ... را دفع کنی و نعمتها که ... امت کنی ... دفع
و علم است که این بجبر ... میکویند که بجبر بدست تست ... شیاب
قدرت اوست چه ظاهر است که هیچ چیزی بدست او نیست و روی محمد بن
الفرج انه قال کتب الی ابو جعفر محمد بن علی الرضا صلوات الله
علیهما بهذا الدعاء و علمنیه و قال من دعا به فی عقب صلوة الفجر
لم یلتمس حاجة الا تیسرت له و کفی ما اهمه بسم الله
و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فو
قیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المومنین
حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم
یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ما شاء الله
لا ما شاء الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من
المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الذی لم یزل
حسبی حسبی من کان مذ کنت لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا
هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و مرویست از محمد بن
فرج ثقه معدل و ظاهرا از کتاب و بر داشته باشد بنا بر آنکه خود در اول
کتاب ذکر کرده است و اظهر آنست که از کافی بر داشته است بترتیب که
گفت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه عن نوشته اند این دعا را و
تعلیم داده اند مرا که ... بخوان و فرمودند که این دعا را در عقب نماز
صبح بخواند و هر حاجت که از حق سبحانه و تعالی طلب کند کفایت کند مهمات او را
و دعا ایست که مشتمل است بر چهار آیه که با سانید صحیحه و حسنه از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که تعجب دارم

هرکه ...
طلب کند الله لبتر ...
و حق سبحانه ...

٢٥٨

از کسی [illegible] ما را چیز نترسی و چرا پناه مجویی [illegible] و تعجب دارم از
آنکه [illegible] خوف داشته باشد [illegible] غافل چرا پناه نبرد به این آیه که می‌گوید حَسْبُنَا
اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ یعنی حق سبحانه و تعالی ما را کافیست و نیکو وکیلیست که هر که امور کار
خود را با و گذارد البته کار او را بسازد بدرستی که شنیدم که حق سبحانه و تع در عقب این فرما
باید که برگشتند با نعمت که فتح بود [illegible] و فضلی که بایشان نرسید مکروهی و مشهور این است که چون در
جنگ احد هفتاد کس از اصحاب حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله شهید شدند و اکثر زخم بر
بودند حضرت زخم داشتند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه زیاده از هفتاد زخم از نیزه و شمشیر
و نیزه برداشته بودند و لا فتی در شان آنحضرت آمد و کفار به سبب نزول ملائکه برگشتند
حق سبحانه و تع فرمود که آنحضرت با جمعی که زخم برداشته‌اند از کفار تعاقب نمایند و حضرت با آنکه
بیرون رفتند و از ایشان هفتاد کس با حضرت صلوات الله علیه همراهی کردند و چون بلند منزلی رفتند
حضرت فرمودند که در شب آتشهای بسیار [illegible] و کفار از مراجعت پشیمان شده
اراده برگشتن کرده اند تا آنکه شخصی بایشان رسید که حضرت و اصحاب آتشها داده بود
کفار از آن شخص پرسیدند که چه خبر داری آن شخص گفت والله که من دیدم که لشکری
عظیم برداشته است و بطلب شما می‌آید کفار فکر کردند که مبادا این مرتبه شکست خورند رعبی
و خوفی عظیم در دلهای ایشان افتاد و برگشتند و خبر به حضرت نبی سید المرسلین
صلی الله علیه و آله و سلم رسید که ایشان با خوف بسیار برگشتند حضرت نیز برگشتند با فتح و پیروزی
بدون جنگ و این فتح نبود مگر از برکت گفتن [illegible] این کلمه از روی اخلاص و تعجب دارم
از غمناک شود چرا پناه نبرد به گفتن این آیه لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
یعنی نیست خداوندی بغیر از تو ای خداوند منزه از نقایص و بدیها بدرستی که من از جمله
ظالمانم بر نفس خود بدرستی که من شنیدم که حق سبحانه و تع در عقب [illegible] می‌فرماید که [illegible]
علیه السلام در شکم ماهی این تسبیح را دعای او را مستجاب کردیم و او را نجات دادیم از الغم و
همچنین نجات میدهیم مؤمنان را هر که ما را [illegible] خلاص به این تسبیح بخواند و تعجب دارم

و شیعیان در طلب آنحضرت مشغول [illegible] حضرت [illegible] شیعیان [illegible] آنحضرت
حوائج [illegible] لکن جمعی از احادیث [illegible] است که تا ظهور [illegible] امام
غایب [illegible] بوده و ممکن است که در غیبت صغری [illegible] باشد و هیچ [illegible] که بعنوان
محبت آل محمد [illegible] تعالی [illegible] والله تعالی اعلم
خداوند [illegible] است [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] قیام [illegible] آن [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت که آن اعلی کلمة الله است [illegible] آن حضرت [illegible]
[illegible] عالم [illegible] آنحضرت [illegible] حال [illegible]
[illegible] آنحضرت که همه [illegible] آنحضرت باشند [illegible]
[illegible] و در کافی [illegible] صحیح [illegible] روایت کرده
که ایشان گفته اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که حضرت امام حسین [illegible]
[illegible] در مغرب [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] ابو [illegible] و امام [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] شیخ [illegible] دین [illegible] حضرت صاحب الامر
[illegible] آنحضرت [illegible] بالفعل [illegible]
است [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] دشمنان
آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] ایشان باشند [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] است ایشان [illegible]

و تنها ماند و تمنای آنکه محبوب حضرت باشد و بسبب مرض هجرت شود و شفا ده سعیها
سبب نجات او شود و ابتهال جمعی که مومن باشند بنکر عنها از دل همه کی مرتفع شود
و اینها همه کی واقع خواهند شد خواه دعا بکنند یا نکنند و فایده دعاها تسکین دلها
جمعی ست که بغمها و مبتلایا شدند با انکه امتثال کردند بدعا کردن و با اینکه دعا
سبب ازدیاد و فرح و سرور دوستان شود در حالت ظهور آنحضرت ص
و عمده فواید دعا قرب بندگانست بجناب اقدس الهی در همه جا و ازین
جهة دعا مطلوبست و همیشه خصوص در بلاها و کمترین فواید آن اینست
که در غالب اوقات بعد از دعا غم نمی ماند و این مجربست و اگر نسبت بجمعی
چنین باشند که بالکلی زایل نشود رشته آن زایل می شود و انچه می ماند بمنزله
عدم ست و چون ذکر دعا میکنم بقیه نیز زایل می شود خصوصا هر گاه
دعا از جهة زوال غم بکند و کان النبی صلی الله علیه و آله یقول اذا فرغ من صلوته
اللهم اغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت واسرافي على نفسي
وما انت اعلم به مني اللهم انت المقدم والموخر لا اله الا انت بعلمك الغيب و
بقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحيات خيرا لي فاحيني وتوفني اذا علمت
الوفات خيرا لي اللهم اني اسئلك خشيتك في السر والعلانية وكلمة الحق
في الغضب والرضا والقصد في الفقر والغنى واسئلك نعيما لا ينفد وقرة
عين لا تنقطع واسئلك الرضا بالقضاء وبرد العيش بعد الموت ولذة النظر
الى وجهك وشوقا الى لقائك من غير ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم
زينا بزينة الايمان واجعلنا هداة مهديين اللهم اهدنا فيمن هديت اللهم
اني اسئلك عزيمة الرشاد والثبات في الامر والرشد واسئلك شكر نعمتك
وحسن عافيتك واداء حقك واسئلك يا رب قلبا سليما ولسانا صادقا
واستغفرك لما تعلم واسئلك خير ما تعلم واعوذ بك من شر ما تعلم فانك

تعلم

تعلم ولا نعلم وانت علام الغيوب و دیگر بار فانك تعلم ولا نعلم [illegible] بسند
سابق از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله همیشه وقتی که از نماز فارغ میشدند این
دعا را میخواندند که ترجمه اش اینست خداوندا بیامرز برای من آنچه را او پیش
فرستاده ام از اعمال قبیحه که بسبب آن مستحق عقوبت شده ام و آنچه را پس
گذاشته ام از بد عملهای شنیعه یا آنچه را مخفی کرده ام و آنچه را آشکار کرده ام
و اسراف و ستمی را که بر نفس خود کرده ام و بخشا هر چه را تو بآن اعلمی از من و خداوندا
تو مقدم میداری هر که از قابلیت تقدیم دارد مانند انبیا و اوصیا و تو موخر
میداری هر که را قابلیت امامت ندارد و مانند غیر آن بنابرین عبارت عبارات
اولی است نیست خدائی بغیر تو بحق و علم تو و بسبب آنکه عالمی بآنچه نزد
دیگران مخفی است و بعجز و یا بسبب قدرت تو که بر همه خلایق داری مرا زنده دار تا زنده ماندن
مرا نیکوتر است و بمیران مرا هر گاه که میدانی که مردن خیر است از برای من خداوندا سوال میکنم از تو
ترس ترا در آشکارا و نهان و از تو میخواهم که توفیق دهی مرا که حق بگویم در حالت غضب و در حالت خوشنودی
و میانه رو باشم در حالت فقر و توانگری و سوال میکنم از تو نعمتی را که آخر نشود که آن نعمتهای بهشت و چشم
که هرگز منقطع نشود در بهشت یا در دنیا آنکه راضی باشم و سوال میکنم از تو که راضی باشم بقضای تو
و سوال میکنم [illegible] زندگانی بعد از مردن و لذت نظر [illegible] که همیشه بیاد تو باشم
مشغول باشم با آنکه مرا [illegible] محبت و معرفت برسانی و همیشه مشتاق لقای تو باشم [illegible]
رضا بقضای تو و اشتیاق [illegible] دعای [illegible] داشته باشم و آن [illegible]
کنم با آنکه مشغول باشد [illegible] سابقه [illegible]
و بدون فتنه [illegible]
خود [illegible] داشته باشم خداوندا [illegible]
هدایت [illegible] سوال میکنم [illegible]

محفوظ است که از جهة که
که مز مذهب ما اطلاع داشته باشد
خود در امور ملاء
سابقه را خواهد
۴۴

بصر حالی

و این نو سوال میکنم که توفیق ده که شکر کنم نعمتهای ترا و آنکه عفو کنی بر وجه احسن [illegible]

این جمیع مرضها بر وجه نیکو که وعده داده [illegible] او اکرم حقوق [illegible] و این نو سوال میکنم ای پروردگار

دلی که سالم باشد و زبانی راست گو و طلب مغفرت میکنم از تو از گناهانی که تو میدانی

[illegible] میکنم بعضی چیزهائی که تو میدانی و پناه میگیرم بتو از بدیهائی که تو میدانی

به درستی که تو میدانی و ما نمیدانیم [illegible] که تو [illegible] [illegible] آنکه [illegible]

بیاد تو [illegible] آنکه تو دانائی با [illegible] بر وجه اجمال و اتم و قال الصادق

صلوات الله علیه من قال هذه الکلمات عند کل صلوات مکتوبة حفظ فی نفسه

و داره و ماله و ولده اجیر نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کل

ما هو منی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا

احد و اجیر نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کل ما هو منی برب الفلق

الی اخر و برب الناس الی اخر و بآیة الکرسی الی اخر و کان [illegible] منقول است از حضرت صلوات الله

علیه [illegible] که هر که این کلمات را [illegible] واجبی [illegible] تعالی او را و خانه

و مال و فرزند او را حفظ فرماید ترجمه این این است که نفس و مال و فرزندان و اهل خانه و خانه

خود را و هر چه از من باشد همه را در پناه [illegible] که واجب الوجود بالذات

و متصف بجمیع صفات کمال است و یکانه من جمیع الوجوه است و بازگشت همه موجودات

باوست [illegible] وجود باشد [illegible] آنکه صفات او عین ذات اوست

یا محل حوادث نیست و تغیر و تبدیل در ذات او و صفات او نیست و والد نیست [illegible]

میکفتند که ملائکه بنات الله اند و نصاری میکفتند که [illegible] مسیح است و یهود میکفتند که

عزیر پسر خداست [illegible] با این صفات [illegible]

صادر شود و مولود نیست [illegible] مولود است

با نفی صفات [illegible] واجب الوجود [illegible]

و ثانی و هیچ کس کفو [illegible] نیست [illegible] عالم را قدیم میدانستند [illegible]

[illegible] الله [illegible] آنکه [illegible] احادیث بسیار [illegible] است [illegible]

[illegible] مصاحبت [illegible] او را [illegible]

و هر چه [illegible] است که [illegible]

[illegible] حیوانات است [illegible]

از [illegible] علی بن ابراهیم [illegible]

ذکر کرده است که [illegible] جهنم [illegible]

و این [illegible] جهنم [illegible]

[illegible] آنجا [illegible]

و این [illegible] کسی [illegible]

بود اما [illegible] قابل است [illegible]

[illegible] نموده

و [illegible] اللهم [illegible] احادیث [illegible]

روایت کرده است [illegible] اقوال [illegible] است که [illegible]

این [illegible] بالمجموع [illegible]

و [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] دو ساعت [illegible] غروب [illegible]

از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این دو ساعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است که [illegible]

و [illegible] است که [illegible]

[illegible] الله [illegible] آنکه [illegible]

واما م

۲۷

با آنکه هر یک از قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی [illegible] و مالی دو گا

و قل اعوذ برب الناس و بالله لا اله الا هو [illegible] جان و مال و فرزندان و اهل خانه خود را

در پناه خدا در می آورم که [illegible] است و پادشاه [illegible] است و خدا [illegible] اسباب

و دفع جمیع مضرتها او میتواند کرد [illegible] از این سه صفت علت مستقله در دفع

دو [illegible] خود و متعلقان خود را در پناه او در می آورم از شر [illegible] با شیطانی

که کار او وسوسه است و خناس [illegible] در خاطر بنی آدم در می آورد [illegible]

حق با ایشان [illegible] است [illegible] خدا [illegible]

باز میکند [illegible] دست [illegible] می آید و مشغول وسوسه

میشود الذی یوسوس [illegible] سینه های بنی آدم [illegible] است

من [illegible] جن [illegible] است [illegible] وسوسه [illegible]

جن باشند [illegible] اعتقادات

و اعمال [illegible] از شر الجن [illegible] جن و انس [illegible] است که اصل

وسوسه های شیطان از شر الجن [illegible] ذکر کرده

[illegible] عالمی را [illegible]

[illegible] است شر الجن [illegible] تمام میکنند

حاصل آنکه [illegible] شیطان باشند و ملک باشند و شیاطین

کنند و ملایک هدایت کنند [illegible] کرامت کرد [illegible] از [illegible]

کرامت کرد که با شیطان معارضه کند [illegible] هر گاه عاجز شود [illegible]

[illegible] پناه

باد [illegible] این سوره [illegible] از جمله دفع شر الجن [illegible] جن والانس

[illegible] خلق [illegible] دفع ضررهای [illegible] این سوره از جمله دفع ضررهای

[illegible] در پناه [illegible] آیة الکرسی و [illegible] معجزه

شکلین

[illegible]

از معجزات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] عوام [illegible]

آن [illegible] وصول [illegible] عوام از جهة [illegible] در جمیع [illegible]

[illegible] که علم [illegible] است که سبب [illegible] آن [illegible]

سورة الحمد [illegible] است [illegible] مثل آیة الکرسی و فضایل این آیه

بسیار است و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول است که اعظم آیات

قرآن [illegible] آیة الکرسی است و هر که این آیه [illegible]

حق سبحانه و تعالی [illegible] روح او [illegible] باشد که در [illegible]

باشد [illegible] و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که از حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله شنیدم که بر منبر میفرمودند که هر که آیة الکرسی را

در عقب هر نماز بخواند [illegible] از دخول بهشت [illegible] مگر [illegible]

[illegible] داخل بهشت [illegible] بخواند [illegible]

[illegible] که این آیه را در وقت خواب بخواند حق تعالی [illegible]

[illegible] و از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه

منقول است که هر که یک مرتبه آیة الکرسی را بخواند حق تعالی [illegible]

[illegible] دفع میکند [illegible]

[illegible] دنیا دفع کند [illegible]

و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که هر چیزی را [illegible]

[illegible] آیة الکرسی است و از حضرت ابا الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهم

منقول است که هر که آیة الکرسی را در وقت خواب بخواند [illegible]

عقب هر نماز [illegible] و در [illegible] از حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که چون حق سبحانه و تعالی امر فرمود که

این آیات را [illegible] آمدند [illegible] و تضرع و زاری کردند که

کہ ان خداوند [illegible] مرتبه نبود مگر آنکه ایشان [illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

که بر وعید که بعزت و جلال خود قسم کرده که از ائمه و شیعیان ایشان [illegible] عقب

[illegible] واجب [illegible] سفقت و رحمت [illegible] و کرم

[illegible] حاجت [illegible] آن [illegible] اعمال [illegible] کنم [illegible]

و سیئات [illegible] سوره [illegible] و آیه الکرسی [illegible] الله

قل اللهم مالک الملک است و [illegible] آن از [illegible] است و [illegible]

[illegible] خواب [illegible] آن خداوند علیا [illegible]

آن خداوند است که بغیر از او خداوندی نیست که حی است یعنی موجود

است بوجودی که عین ذات او است یا زنده ایست که او را زوال نیست

و قیوم است یعنی واجب الوجود است که بذات خود قایمست و اشیا باو

قایمست بآنکه همه را آفریده است و تربیت و ابقای همه میکند و محل عروض

صفات حادثه نیست مثل مقدمه خواب که پینکی است و خواب ندارد و تقدیم

سنه بر نوم یا باعتبار تقدم است بحسب عروض و یا رعایت فصاحت و یا

بآنکه گویا فرموده است که او را سنه نمیباشد فکیف النوم مر او راست آنچه در

آسمانها است و آنچه در زمین است یعنی همگی مملوک و آفریده او یند

چه کنجایش دارد شرکت آنها باو و فی الحقیقه این فقرات دلیل تفرد او

که بنده بر ظاهر است کیست که شفاعت کند نزد او مگر باذن او چون

جمعی از کفار ملایک را می پرستیدند که ایشان ما را شفاعت خواهند

کرد میفرماید که کرا یارای شفاعت هست خصوصا هرگاه کافر شده

باشند و از جهة واجب الوجود بالذات شریک و نظیر قرار داده با

و عالم است بآنچه در پیش ایشانست و آنچه در عقب ایشان یعنی

ماقبل و مابعد ایشان یا بر عکس ما بین ایدیهم آینده یا گذشته یا

گناه [illegible]

و این آیه و امثال از آیات بسیار دلالت میکند بر آنکه وجوب وجود دلیل وحدت است [illegible] [illegible]

خلفهم گذشته یا دنیا و آخرت یا بر عکس یا محسوسات و معقولات یا آنچه

مدرک ایشان میشود و یا آنچه بادراک ایشان در نمی آید یا همه ممکن است

که ضمیر راجع بشفاعت کنندگان باشد و این بعید است و خلایق احاطه

نمیتوانند کرد علوم الهی را و نه چیزی از آن مگر آنچه را او خواهد که خلق

بدانند پس ظاهر شد کبریا و عظمت او از بهر تفرد او بقدرت [illegible]

فرا گرفته است کرسی او آسمانها و زمین را چنانکه در احادیث وارد شده

است که هرگاه خواهید عظمت خداوند خود را بدانید نظر کنید در عظمت

خلق و بعد از عرش کرسی اعظم است بحسب صورت از جمیع مخلوقات

و در احادیث صحیحه وارد شده است که مراد از کرسی درین آیه عرش

است و در بعضی اخبار وارد شده است که مراد از [illegible] کرسی علم است

که محیط است بجمیع اشیا [illegible] [illegible] اصحاب [illegible] آسمانها

[illegible] کرسی [illegible] فلک [illegible] باشد [illegible]

[illegible] موصوف [illegible] بر [illegible] و حفظ آسمانها و زمین

[illegible] حافظ [illegible] العلیم که بلند مرتبه ایست که فوق او

[illegible] وجوب وجود واجب الوجود است همه اشیا ممکن

[illegible] بلند تر است که [illegible] از آن اعظم تر است که [illegible]

[illegible] آیه الکرسی [illegible] و در حدیث نبوی از حضرت رسول

صلی الله علیه و آله منقول است که هر که [illegible] آیه از اول سوره بقره و آیه الکرسی و دو آیه

بعد از آن را بخواند و [illegible] آیه از آخر [illegible] بخواند نه بیند در نفس خود و مال خود چیزی که

سبب کراهت او باشد و شیطان نزدیک او نشود و قرآن فراموش نکند [illegible] کنند

تا [illegible] [illegible] که در روایات [illegible] کتب اصحاب آیه الکرسی

[illegible] [illegible] است که [illegible] بعد از [illegible] فی السموات و ما فی الارض

یرضا بعینهما وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم در آیه الله ولی

الذین آمنوا یخرجهم [illegible] مراد از آمنوا ائمه معصومین است صلوات الله علیهم

[illegible] والحمد لله رب العالمین [illegible] در روایت صحیح است که حضرت امام رضا

صلوات الله علیه منقولست [illegible] در تفسیر خود آورده است و شیخ طبرسی [illegible]

[illegible] آورده است [illegible] رضی الله عنه [illegible] ذکر کرده است [illegible] و هو العلی

العظیم [illegible] والحمد لله رب العالمین ذکر کرده است [illegible] روایت کرده است [illegible]

[illegible] رضی الله عنه [illegible] حضرت امام [illegible] روایت کرده است

که [illegible] مشتمل باشد [illegible]

کرده باشند [illegible]

[illegible] ان ابا

ابراهیم صلوات الله علیه [illegible]

والآخرة [illegible] فی دبر الفجر الی ان تطلع الشمس سبحان الله العظیم

وبحمده استغفر الله واسأله من فضله [illegible] ولقد کنت [illegible]

[illegible] ما عملت ان

[illegible] الیوم [illegible]

علمنی [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] حضرت امام موسی کاظم

صلوات الله علیه [illegible] دعائی که جامع باشد

و مشتمل باشد بر خیر دنیا و آخرت [illegible] حضرت فرمودند که چون از نماز صبح

فارغ شوی تا طلوع آفتاب این دعا بخوان [illegible]

[illegible] اعتقاد صحیح [illegible]

ذات و صفات و افعال [illegible]

این فضل ادعیه [illegible] دعا [illegible]

[illegible] خیر دنیا و آخرت [illegible]

[illegible]

[illegible] امام موسی [illegible]

[illegible] فرموده [illegible]

[illegible] عظیم [illegible] سمعت ابا جعفر صلوات الله

علیه یقول [illegible] افضل من الصلوات [illegible]

[illegible] منقولست [illegible]

[illegible] رسول الله صلی الله علیه [illegible] نمازهای واجبه

افضل [illegible] سید المرسلین

صلی الله علیه و آله [illegible] امام جعفر صادق صلوات الله علیه

منقولست که فرمودند [illegible] نمازهای واجب [illegible]

[illegible] دعا [illegible]

[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] حق سبحانه [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] دعا [illegible] استجاب لکم [illegible]

[illegible] دعا عبادت

[illegible] تسبیح و تهلیل [illegible]

[illegible] صلوات بر محمد و آل [illegible] حق سبحانه

[illegible] صلوات الله

علیه [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] سبحانه و تعالی [illegible] صحیح

از آن حضرت صلوات الله علیه منقولست که دعا بعد از فریضه افضل است از عبادات دیگر در تعقیب

که دعا افضل است از قراءت قرآن و در حدیث حسن کالصحیح از حضرت امام محمد باقر

صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که فراموش مکنید دو چیز را که طلب میکردند

قبول آنها را فرمودند که بر شما باد بنماز [illegible] و حق تعالی واجب کرده [illegible] در عقب

[illegible] فرمایید در عقب هر نماز [illegible] خودشان که [illegible] آن [illegible] فرمودند که

که [illegible] از حق سبحانه و تعالی و [illegible] خود را از [illegible] جهنم و [illegible]

و [illegible] است کما اخبر [illegible] النار [illegible] محمد و قال هشام ابن

سالم لابی عبد الله صلوات الله علیه انی اخرج و احب ان اکون معقبا فقال

ان کنت علی وضوء فانت معقب و بسند صحیح از هشام منقولست که گفت

عرض نمودم [illegible] جعفر صادق صلوات الله علیه که هرگاه مرا شغلی هست نمیخواهم که

تعقیب را ترک کنم حکم چه چیز را فرمودند [illegible] ثواب [illegible] جدید [illegible]

عبادت است و محکیست که مراد این باشد که اگر وضو داشته باشی تعقیبت [illegible] ثواب تعقیب

خواهد داشت که نشسته [illegible] در مصلی و اول افضل است اما [illegible] تعقیب [illegible]

صبح [illegible] افضل است [illegible] از حدیث [illegible] تعقیب [illegible] الله اعلم و قال النبی صلی الله علیه و آله

قال الله عز و جل یا ابن آدم اذکرنی بعد الغداة ساعة و بعد العصر ساعة اکفک

ما اهمک و از جابر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله فرمودند که خدا [illegible] فرموده [illegible] ای فرزند آدم مرا یاد کن بعد از صبح یک ساعت

که مراد طلوع شمس است و بعد از عصر [illegible] یاد کن تا کفایت کنم مهمات ترا [illegible]

کنم [illegible] حاجتها را و قال [illegible] ان الله [illegible] الجلوس بعد صلوة الغداة

فی التعقیب و الدعاء حتی تطلع الشمس ابلغ فی طلب الرزق من الضرب فی الارض

و باسانید [illegible] صحیحه و حسنه [illegible] منقولست از آن حضرت صلوات الله علیه فرمودند که نشستن

بعد از نماز صبح در تعقیب و دعا تا طلوع آفتاب تمام [illegible] در طلب روزی [illegible] سفر